



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# دینا و آخرت

از نگاه قرآن و حدیث

محمدری شهری

با همکاری رسول موسوی

مترجم حمیدرضا شیخی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۴	دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث جلد ۱
۱۴	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۲۱	پیش گفتار
۲۷	بخش یکم: دنیا
۲۷	اشاره
۲۸	درآمد
۲۸	دنیا، در لغت
۲۹	دنیا، در قرآن و حدیث
۲۹	اشاره
۳۰	۱. تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگ
۳۱	۲. تبیین اهمیت و ارزش دنیا
۳۲	۳. رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرت
۳۳	۴. هشجاری نسبت به آفات توسعه مادی
۳۵	فصل یکم: شناخت دنیا
۳۵	۱ / ۱ نام گذاری دنیا
۳۷	۲ / ۱ ویژگی های دنیا
۳۷	الف _ سرای آزمایش
۴۳	ب. محنتکده
۴۵	ج _ مصیبتکده
۴۷	د _ غمکده
۴۷	ه _ عبرتکده
۴۹	و _ سرای برخورداری محدود

- ز \_ سرای کوچیدن ..... ۵۱
- ح \_ سرای رفتن ..... ۵۳
- ط \_ گذرگاه ..... ۵۳
- ی \_ سرای جدایی ..... ۵۵
- ک \_ سرای نابودی ..... ۵۷
- ل \_ زودگذر ..... ۶۵
- م \_ احاطه شده به شهوت ها ..... ۶۹
- ۳ / ۱ دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است ..... ۷۱
- ۴ / ۱ مَثَل دنیا ..... ۷۳
- الف \_ مَثَل مرغزار بهاری ..... ۷۳
- ب \_ مَثَل پُل ..... ۷۷
- ج \_ مَثَل سایه ..... ۷۹
- د \_ مَثَل رؤیا ..... ۸۳
- ه \_ مَثَل سراب ..... ۸۵
- و \_ مَثَل دریای ژرف ..... ۸۵
- ز \_ مَثَل جامه دریده ..... ۸۷
- ۵ / ۱ مَثَل اهل دنیا ..... ۸۹
- الف \_ مَثَل مسافر ..... ۸۹
- ب \_ مَثَل میهمان ..... ۹۵
- ج \_ مَثَل ساکن در خانه ای که از او نیست ..... ۹۷
- ۶ / ۱ دنیای پسندیده ..... ۹۷
- الف \_ آنچه برای خدا باشد ..... ۹۷
- ب \_ آنچه برای آخرت باشد ..... ۹۹
- ج \_ آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود ..... ۱۰۱
- ۷ / ۱ گزارش هایی درباره عمر دنیا ..... ۱۰۱
- اشاره ..... ۱۰۱

۱۰۴	پژوهشی درباره عمر دنیا
۱۰۹	فصل دوم : اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت
۱۰۹	۱ / ۲ اسلام، دین دنیا و آخرت
۱۲۱	۲ / ۲ مسلمان ، کسی است که به دنیا و آخرت ، اهتمام ورزد
۱۲۳	۳ / ۲ دنیا، کشتزار آخرت
۱۳۵	۴ / ۲ سرشت دنیادوستی در انسان
۱۳۸	۵ / ۲ نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن
۱۴۵	۶ / ۲ نهی از رُهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است
۱۷۰	۷ / ۲ اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا
۱۸۸	۸ / ۲ بهره گیری از دنیا
۱۹۰	۹ / ۲ این، دنیاطلبی نیست
۱۹۲	۱۰ / ۲ دعا برای رفاه در زندگی
۲۰۸	۱۱ / ۲ پاداش کسی که دنیا را به حق برگرد
۲۱۲	فصل سوم : عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت
۲۱۲	۱ / ۳ حکمت
۲۱۴	۲ / ۳ ترجیح دادن آخرت
۲۱۶	۳ / ۳ راستگویی
۲۱۶	۴ / ۳ خوش خویی
۲۱۸	۵ / ۳ آمرزش خواهی
۲۲۰	۶ / ۳ قرائت سوره توحید و طور
۲۲۰	۷ / ۳ ذکر گفتن
۲۲۲	۸ / ۳ مدارا و ملایمت
۲۲۲	۹ / ۳ درود فرستادن بر پیامبر
۲۲۴	۱۰ / ۳ دو خصلت
۲۲۶	۱۱ / ۳ سه خصلت
۲۲۸	۱۲ / ۳ چهار خصلت

۲۳۲	..... ۱۳ / ۳ شش خصلت
۲۳۲	..... ۱۴ / ۳ هشت خصلت
۲۳۶	..... فصل چهارم : گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت
۲۴۲	..... فصل پنجم : هشیاری در طلب دنیا
۲۴۲	..... اشاره
۲۴۴	..... توضیحی درباره میانه روی در طلب دنیا
۲۴۶	..... بخش دوم : دنیای نکوهیده
۲۴۶	..... اشاره
۲۴۷	..... درآمد
۲۴۷	..... اشاره
۲۴۸	..... ۱ . تفسیر «دنیای نکوهیده»
۲۴۸	..... ۲ . بی ارزشی دنیای نکوهیده
۲۴۸	..... ۳ . هشدار نسبت به دام دنیا
۲۴۹	..... ۴ . بزرگ ترین خطر دنیادوستی
۲۵۰	..... ۵ . ریشه دل بستگی به دنیا
۲۵۰	..... ۶ . نشانه های دنیاپرستان و ادب برخورد با آنان
۲۵۲	..... فصل یکم : شناخت دنیای نکوهیده
۲۵۲	..... ۱ / ۱ اهمیت شناخت دنیا
۲۵۲	..... ۲ / ۱ حقیقت دنیای نکوهیده
۲۵۲	..... ۲ / ۱ - ۱ ترجیح دنیا بر آخرت
۲۵۸	..... ۲ / ۱ - ۲ دل بستگی
۲۶۴	..... ۲ / ۱ - ۳ دل بستگی به دنیا
۲۶۸	..... ۲ / ۱ - ۴ فریفته شدن به دنیا
۲۷۶	..... ۲ / ۱ - ۵ دنیای طغیان آور
۲۷۶	..... ۲ / ۱ - ۶ دنیای بیش از کفاف
۲۸۲	..... ۲ / ۱ - ۷ دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود



- ۲۸۴ ----- ۲ / ۱ \_ ۸ هرگاه دنیا بزرگ ترین هم و غم باشد
- ۲۸۶ ----- ۲ / ۱ \_ ۹ دنیا طلبی به ناحق
- ۲۸۶ ----- ۲ / ۱ \_ ۱۰ دنیا طلبی با کار آخرت
- ۲۹۰ ----- ۳ / ۱ \_ ویژگی های دنیا
- ۲۹۰ ----- ۳ / ۱ \_ ۱ کشتزار بدی
- ۲۹۲ ----- ۳ / ۱ \_ ۲ بازار زبانه کاری
- ۲۹۲ ----- ۳ / ۱ \_ ۳ سرای فریب
- ۳۰۰ ----- ۳ / ۱ \_ ۴ سرای بازی و سرگرمی
- ۳۰۲ ----- ۳ / ۱ \_ ۵ سرای تباهی
- ۳۰۲ ----- ۳ / ۱ \_ ۶ سرای نافرمانی
- ۳۰۴ ----- ۳ / ۱ \_ ۷ سرای بدبختی
- ۳۰۴ ----- ۳ / ۱ \_ ۸ سرای ستمکاران
- ۳۰۶ ----- ۳ / ۱ \_ ۹ سرای فاسقان
- ۳۰۹ ----- ۳ / ۱ \_ ۱۰ سرای کسی که سرایی ندارد
- ۳۰۹ ----- ۳ / ۱ \_ ۱۱ نزدیک ترین سرا به خشم خداوند
- ۳۱۱ ----- ۳ / ۱ \_ ۱۲ زندان مؤمن و بهشت کافر
- ۳۱۹ ----- ۴ / ۱ \_ مَثَل دنیا
- ۳۱۹ ----- الف \_ مَثَل سَم
- ۳۱۹ ----- ب \_ مَثَل مار
- ۳۲۱ ----- ج \_ مَثَل لاشه
- ۳۲۳ ----- د \_ مَثَل خوراک
- ۳۲۷ ----- ه \_ مَثَل غول
- ۳۲۷ ----- و \_ مَثَل دام وتله
- ۳۲۷ ----- ز \_ مَثَل آب دریا
- ۳۲۹ ----- ح \_ مَثَل همه رذیلت ها
- ۳۲۹ ----- ۵ / ۱ \_ مَثَل دنیا و آخرت

- الف \_ مَثَل دو هوو ..... ۳۲۹
- ب \_ مَثَل مشرق و مغرب ..... ۳۳۱
- ج \_ مَثَل دو کَفّه ترازو ..... ۳۳۳
- ۶ / ۱ مجسم شدن دنیا ..... ۳۳۳
- الف \_ مجسم شدن دنیا برای مسیح ..... ۳۳۳
- ب \_ مجسم شدن دنیا برای پیامبر ..... ۳۳۶
- ج \_ مجسم شدن دنیا برای امیر مؤمنان ..... ۳۳۶
- د \_ مجسم شدن دنیا در روز قیامت ..... ۳۴۴
- ۷ / ۱ اقبال و ادبار دنیا ..... ۳۴۴
- فصل دوم : ارزیابی دنیا ..... ۳۵۰
- ۱ / ۲ کم مقدارتر از بال پشه ..... ۳۵۰
- ۲ / ۲ بی قدر و وزن ..... ۳۵۲
- ۳ / ۲ بی ارزش ترین مخلوق در نزد خدا ..... ۳۵۴
- ۴ / ۲ بی ارزش تر از مردار ..... ۳۵۶
- ۵ / ۲ به پاداش خداوند ، جز با ترک دنیا نمی توان رسید ..... ۳۵۸
- ۶ / ۲ خداوند از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن ننگریست ..... ۳۵۸
- ۷ / ۲ خداوند ، آن را برای دوستانش نپسندید و آن را از دشمنانش دریغ نکرد ..... ۳۶۰
- ۸ / ۲ بی ارزش تر از کفش وصله دار ..... ۳۷۰
- ۹ / ۲ بی ارزش تر از یک برگ در دهان ملخی ..... ۳۷۲
- ۱۰ / ۲ پست تر از تیز دادن یک بز ..... ۳۷۲
- ۱۱ / ۲ بی ارزش تر از استخوان خوکی در دست یک جذامی ..... ۳۷۴
- ۱۲ / ۲ تلخ تر از حنظلی که بیماری در دهان می چرخاند ..... ۳۷۴
- ۱۳ / ۲ بی ارزش تر از مازوی تلخ ..... ۳۷۶
- ۱۴ / ۲ چرکابه ای جوشان ، حنظلی شَرَنگین ، و زهر مار ..... ۳۷۸
- ۱۵ / ۲ مطلقه زیرکان ..... ۳۷۸
- فصل سوم : بر حذر داشتن از دنیا ..... ۳۸۴

- ۳۸۴ ..... ۱ / ۳ بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا
- ۳۸۴ ..... الف \_ دنیا خوش و شیرین است
- ۳۹۱ ..... ب \_ دنیا افسونگر است
- ۳۹۱ ..... ج \_ دنیا، دام شیطان است
- ۳۹۳ ..... د \_ دنیا خیانت پیشه، فریبنده، نیرنگباز و حيله گر است
- ۳۹۷ ..... ه \_ دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست
- ۳۹۷ ..... و \_ از دنیا کاملاً بر حذر باشید
- ۳۹۹ ..... ز \_ از فریب دنیا بترسید
- ۴۰۱ ..... ح \_ از دل بستگی به دنیا بپرهیزید
- ۴۰۳ ..... ۲ / ۳ بر حذر داشتن از لذت های دنیا
- ۴۰۳ ..... الف \_ لذت های دنیا رنج اند
- ۴۰۳ ..... ب \_ لذت های دنیا تیرگی آورند
- ۴۰۳ ..... ج \_ گوارای دنیا، شور است
- ۴۰۵ ..... د \_ عزت دنیا، خواری است
- ۴۰۵ ..... ه \_ خوشی دنیا، اندوه آخرت است
- ۴۰۷ ..... و \_ شیرینی دنیا، تلخی آخرت است
- ۴۰۹ ..... ز \_ ثروت دنیا، فقر آخرت است
- ۴۱۱ ..... ح \_ بلندی دنیا، پستی آخرت است
- ۴۱۳ ..... ۳ / ۳ بر حذر داشتن از همدمی با دنیا
- ۴۱۳ ..... ۴ / ۳ بر حذر داشتن از دنیا دوستی
- ۴۱۳ ..... الف \_ ریشه هر خطا
- ۴۱۷ ..... ب \_ ریشه هر نافرمانی
- ۴۱۹ ..... ج \_ آغاز هر فتنه
- ۴۱۹ ..... د \_ بزرگ ترین گناه کبیره
- ۴۱۹ ..... ه \_ بدترین فتنه
- ۴۲۱ ..... و \_ بدترین رنج

- ز \_ منشأ آفت ها ..... ۴۲۱
- ح \_ دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی شود ..... ۴۲۱
- ط \_ دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود ..... ۴۲۳
- ۵ / ۳ تشویق به نفرت از دنیا ..... ۴۲۸
- فصل چهارم : زیان های دنیادوستی ..... ۴۳۲
- ۱ / ۴ حجاب دل ..... ۴۳۲
- ۲ / ۴ کوردلی ..... ۴۳۴
- ۳ / ۴ تباهی خرد ..... ۴۳۶
- ۴ / ۴ تباهی جان ..... ۴۳۸
- الف \_ غفلت ..... ۴۳۸
- ب \_ آزمندی ..... ۴۴۰
- ج \_ طمع ..... ۴۴۲
- د \_ بردگی ..... ۴۴۴
- ه \_ بی تابی ..... ۴۴۶
- و \_ شقاوت ..... ۴۴۶
- ز \_ هلاکت ..... ۴۴۸
- ۵ / ۴ برتری جویی ..... ۴۵۰
- ۶ / ۴ ستیزه ..... ۴۵۲
- ۷ / ۴ خستگی ..... ۴۵۶
- ۸ / ۴ اندوه ..... ۴۵۶
- ۹ / ۴ افسوس ..... ۴۶۰
- ۱۰ / ۴ تباهی دین ..... ۴۶۰
- ۱۱ / ۴ لذت نبردن از عبادت ..... ۴۶۶
- ۱۲ / ۴ بر باد رفتن اعمال ..... ۴۶۹
- ۱۳ / ۴ باز ماندن از آخرت ..... ۴۶۹
- ۱۴ / ۴ نرفتن به جهاد ..... ۴۷۴

۴۷۸ ----- ۱۵ / ۴ فقر در دنیا و آخرت

۴۸۰ ----- ۱۶ / ۴ باختن در دنیا و آخرت

۴۸۶ ----- ۱۷ / ۴ بدی فرجام

۴۸۸ ----- ۱۸ / ۴ عذاب دوزخ

۴۹۸ ----- ۱۹ / ۴ گوناگون

۵۱۴ ----- درباره مرکز

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان و نام پدیدآور : دنيا و آخرت از نگاه قرآن و حديث / محمدی ری شهری، با همکاری رسول موسوی ؛ مترجم حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1384.

مشخصات ظاهری : ج.2.

فروست : مرکز تحقیقات دارالحدیث ؛ 115.

شابک : 60000 ریال : دوره : 0-113-493-964 ؛ ج. 1 : 4-111-493-964 ؛ 90000 ریال : ج.1، چاپ دوم : 964-978-

493-111-6 ؛ ج. 2 : 2-112-493-964 ؛ 90000 ریال : ج.2، چاپ دوم : 3-112-493-964-978

یادداشت : كتاب حاضر بخشی از كتاب " میزان الحکمه: اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی " نوشته محمد محمدی ری شهری است.

یادداشت : ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1386).

عنوان دیگر : میزان الحکمه: اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی.

موضوع : دنیای فانی -- جنبه های قرآنی

موضوع : دنیای فانی -- احادیث

موضوع : معاد -- جنبه های قرآنی

موضوع : معاد -- احادیث

شناسه افزوده : موسوی، سیدرسول، 1340 -

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 - مترجم

شناسه افزوده : محمدی ری شهری، محمد، 1325 - . میزان الحکمه: اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی.

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث

رده بندی کنگره : BP104 / 84 م 3 1384

رده بندی ديويي : 297/159

شماره کتابشناسی ملی : 1242885

ص : 1

**اشاره**













## پیش‌گفتار

پیش‌گفتارستایش، پروردگار جهانیان را، و سلام و درود بر بنده برگزیده اش محمد، و دودمان پاک و اصحاب نیک و خجسته او! دنیا و آخرت، دو موضوع بنیادین در حوزه معارف مرتبط با جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و دین‌شناسی اند و جهت‌گیری‌های انسان در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، ارتباط نزدیکی با چگونگی نگاه او به دنیا و آخرت دارند. از این رو، شناخت دیدگاه اسلام در باره این دو موضوع سرنوشت‌ساز، برای پیروان این آیین آسمانی، از اهمیت فراوانی برخوردار است. کتاب دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، مجموعه رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی را با نظمی نوین، در چهار بخش، ارائه می‌نماید.

محتوای کتاببخش یکم، درباره تبیین حقیقت دنیا و ویژگی‌های آن، نقش دنیا در ساختن آخرت، و رهنمودهای اسلام برای برخورداری از خوش‌بختی در دنیا و آخرت است. بخش دوم، به تعریف دنیای نکوهیده و ویژگی‌های آن و ارزیابی آن و بیم‌دادن از آن پرداخته است. در این بخش، همچنین زیان‌های دل‌بستگی به دنیای نکوهیده و

ریشه ها و نشانه های این دل بستگی توضیح داده می شود. بخش سوم، معنای «زهد» در دنیا، آثار و برکات آن، زمینه ها و ریشه های آن و تفاوت زهد اسلامی و رُهبانیت مسیحی را بیان می کند، و نیز رهنمودهایی برای دستیابی به این خصلت ارجمند، و نمونه هایی از الگوهای زهد اسلامی ارائه می دهد. بخش چهارم، درباره تبیین حقیقت «آخرت» و زندگی پس از مرگ، ویژگی های آن، تأکید بر اهمیت دادن به زندگی در سرای جاوید، و ویژگی های آخرت مداران، آثار و برکات اهمیت دادن به آخرت، تأکید بر یاد کردن آخرت و فراموش نکردن آن، منافع یاد کردن آخرت و زیان های فراموشی آن، و تأکید بر کارهایی است که موجب خوش بختی و کام روایی در آخرت می گردد.

دو نکته مهم شرح آنچه به اجمال گفتیم، در متن این مجموعه خواهد آمد؛ لیکن پیش از آن، توجه به دو نکته ضروری است: 1. اعجاز در بیان حقیقت دنیا و آخرت آنچه در قرآن و احادیث اسلامی در تبیین حقیقت دنیا و آخرت و چگونگی برخورد با آنها آمده، حقیقتاً در حدّ اعجاز است. با تأمل می توان به روشنی دریافت که اندیشه انسان، بدون ارتباط با مبدأ وحی، نمی تواند با چنین دقتی که در احادیث اسلامی دیده می شود، میان دنیایی که مزرعه آخرت است و دنیایی که در برابر آخرت قرار دارد، مرزبندی کند، و راه نجات از دام دنیای نکوهیده را بشناسد و او را به آبادسازی سرای همیشگی در کنار آباد کردن سرای زندگی موقت، وا دارد.

2. توصیه به مکرر خواندن این کتاب این کتاب، در واقع، عصاره رهنمودهای اسلام در باره حقایق مربوط به دنیا و آخرت است و نکات فوق العاده آموزنده و سازنده ای برای همه پیروان قرآن، بویژه برای دولت مردان و پویندگان سیر و سلوک به سوی حق تعالی، ارائه می نماید. همچنین بخش هایی از آن، برای کسانی که با اضطراب ها و نگرانی های ناشی از مشکلات زندگی دست به گریبان اند، سودمند خواهد بود. کتاب دنیا و آخرت، در واقع، درست زندگی کردن را به انسان می آموزد. پس انسان، تا زنده است، به مطالعه آن، نیاز دارد. از این رو، يك بار خواندن این کتاب، كافي نیست و درس های آموزنده آن، باید آن قدر تکرار شود که ضمیمه جان گردد.

روش کتابروش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه، متکی به عناصر زیر است: 1. از دیدگاه ما، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده اند، در واقع، حدیث پیامبر خدایند، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود: «ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می گوئیم» (1) و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «سخن من، سخن پدرم است و سخن پدرم، سخن جدّم است و سخن جدّم، سخن حسین است و سخن حسین، سخن حسن است و سخن حسن، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان، سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا، سخن خداوند متعال است». (2) کلمه «سنت» که در عنوان این کتاب آمده است، برای بیان همین نکته و مفهوم

1- رجال الکشي: ج 2 ص 490 ح 401، بحار الأنوار: ج 2 ص 250 ح 62.

2- الكافي: ج 1 ص 53 ح 14، منية المرید: ص 373، الإرشاد: ج 2 ص 186، بحار الأنوار: ج 2 ص 179 ح 28. ر. ك: اهل بیت در قرآن و حدیث: بخش چهارم / فصل یکم / حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست.

است که در کتاب، از همه احادیث روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او، یکسان بهره گرفته شده است. 2. کوشیده ایم در حدّ توان، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگون شیعه و اهل سنت، به طور مستقیم، استخراج و گراوری کنیم و با بهره گیری از نرم افزارهای رایانه ای، آنها را روی برگه های مخصوص، تنظیم نماییم تا زمینه گزینش کامل ترین، موثّق ترین و کهن ترین آنها فراهم آید. در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک، تنها از ادعیه ای که مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام است، بهره گرفته ایم. 3. سعی کرده ایم تا از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم، جز در این موارد: الف - آن جا که نکته مهمّی در تفاوت واژه ها و اصطلاحات، نهفته بوده است. ب - در مواردی که متن حدیث، در متون شیعه و اهل سنت، تفاوت داشته است. ج - آن جا که متن حدیث، بیش از یک سطر نبوده و در عین حال، مرتبط با دو باب بوده است. 4. اگر در موضوع واحد، احادیث رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم السلام، متعدّد باشند، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله (یا قائل متقدّم) در متن، و نشانی احادیث دیگر (با ذکر قائل و منبع)، در پانویس می آید، مگر آن که احیاناً یکی از آنها، نکته تازه ای داشته باشد که آن نیز در متن خواهد آمد. 5. در هر موضوع، پس از ذکر آیات مربوط به آن، احادیث، به ترتیب زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی علیه السلام) می آیند، مگر آن که حدیث، در تفسیر آیات مذکور باشد (که در این صورت، پیش از دیگر احادیث می آید)، یا آن که تناسب موضوعی احادیث، ترتیب دیگری را ایجاب کند.



6. در آغاز هر روایت، تنها نام پیامبر یا امامی را آورده ایم که حدیث از او نقل شده است، مگر آن که راوی، فعل آنان را نقل کرده باشد، یا سؤال و جوابی در میان بوده باشد و یا راوی، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر، یا امام نیست. 7. به خاطر تعدد نام‌ها و لقب‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، نام واحدی را برای هر يك از آن بزرگواران برگزیده ایم که به صورت ثابت در اول روایت می‌آید و بر شخص مورد نظر، دلالت می‌کند. 8. در پانوشت‌ها، منابع احادیث، به ترتیب معتبرترین آنها تنظیم شده است؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محققان پوشیده نیست (از جمله: پرهیز از تکرار، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده)، این ترتیب را پس از نخستین منبع، مراعات نکرده ایم. 9. هر گاه دسترس به منابع اولیه ممکن باشد، حدیث مستقیماً از آنها نقل می‌شود. آن‌گاه نشانی بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمال (در احادیث اهل سنت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنت، افزوده می‌شود. 10. پس از ذکر منابع، گاه با نشانه «ر.ك»، به منابع دیگر ارجاع داده می‌شود و این، وقتی است که متن ارجاعی، با متن نقل شده، تفاوت بسیار دارد و در عین حال، با آن و با موضوع بحث، مرتبط است. 11. ارجاع به ابواب دیگر این کتاب، به خاطر تناسب و اشتراك محتوایی میان احادیث آنهاست. 12. هدف از «درآمد»‌هایی که برای فصل‌های کتاب، نوشته شده یا توضیحات و استنتاج‌هایی که در پی احادیث آمده است، ارائه چشم انداز کلی روایات آن بخش یا آن فصل است. گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث،

پرداخته شده است . 13 . مهم ترین نکته در این شیوه ، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان آورِ صدور احادیث هر باب از پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث ، صورت پذیرفته است . \* گفتنی است که این مجموعه ، بخش دیگری از دانش نامه میزان الحکمه است که به دلیل اهمیت آن ، به صورت مستقل منتشر می شود . در این جا ، لازم می دانم مراتب سپاس خود را از همه فضلا و پژوهشگران عزیز و بزرگوار در مرکز تحقیقات دارالحدیث \_ که در پدید آوردن و عرضه این اثر ، کوشش های ستودنی داشته اند \_ و بویژه از فاضل گران قدر ، جناب آقای سید رسول موسوی \_ که در تحقیق این کتاب ، این جانب را مساعدت نمودند \_ ابراز دارم . همچنین از فاضل گران مایه جناب آقای حمیدرضا شیخی که با ترجمه دقیق ، روان و زیبایی این کتاب ، زمینه بهره مندی پارسی زبانان را فراهم ساختند ، صمیمانه سپاس گزارم . از خداوند متّان ، برای همه آنان ، پاداشی در خور فضل حضرتش مسئلت دارم . رَبَّنَا ! تَقَبَّلْ مِنَّا ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . محمّد محمّدی ری شهری 30 تیرماه 1384 14 جمادی الثانی 1426

## بخش یکم: دنیا

### اشاره

بخش یکم: دنیا فصل یکم: شناخت دنیا فصل دوم: اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت فصل سوم: راه های دستیابی به خیر دنیا و آخرت فصل چهارم: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت فصل پنجم: هشپاری در طلب دنیا (دنیاطلبی آگاهانه)

## درآمد

## دنیا، در لغت

درآمد دنیا، در لغت دنیا، مؤنث «أدنی (نزدیکتر)» از ریشه «دنو» به معنای «نزدیک بودن» است و برای زندگی قبل از مرگ، صفت واقع می شود در مقابل «آخرت» که برای زندگی پس از مرگ، صفت واقع می شود. ابن فارس در تبیین ریشه کلمه «دنیا» می گوید: الدال والنون والحرف المعتلّ أصل واحد يقاس بعضه على بعض وهو المقاربة، ومن ذلك الدنّيّ، وهو القريب، من دنا يدنو، وسَمَّيت الدنّيا لدنوّها. (1) دال و نون و واو (دنو)، به معنای نزدیکی است، و از همین ریشه است کلمه «دنیّ» به معنای «نزدیک»، از «دنا یدنو». و دنیا را به خاطر نزدیک بودنش «دنیا» نامیده اند. سایر لغویان نیز این واژه را همین گونه ریشه یابی و معنا کرده اند. (2)

1- معجم مقایس اللغة: ج 2 ص 303.

2- ر. ك: العين: ص 274، صحاح اللغة: ج 6 ص 2341، مفردات ألفاظ القرآن: ص 318، القاموس المحيط: ج 4 ص 329، تاج العروس: ج 19 ص 417، لسان العرب: ج 14 ص 271، مجمع البحرين: ج 1 ص 613، المنجد في اللغة: ص 226.

## دنيا، در قرآن و حدیث

## اشاره

دنيا، در قرآن و حدیث قرآن کریم، زندگی پیش از مرگ را گاه «زندگی دنیا» (1) می نامد، مانند: «يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غٰفِلُونَ» (2) از زندگی دنیا، ظاهری را می شناسند و از آخرت غافل اند. « و گاه آن را «زندگی نخست» می خواند، مانند: «لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ» (3) ستایش، در زندگی نخست و زندگی پسین، ویژه اوست. « و گاه با تعبیر «أدنی» به آن اشاره می نماید، مانند: «يَأْخُذُونَ عَرَضَ مَا الْأُدْنَىٰ» (4) متاع این [زندگی] نزدیک تر (/ پست تر) را می گیرند. « و گاه آن را «زندگی زودگذر (العاجلة)» می نامد، مانند: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ» (5) هر که خواهان گذراست، در همین دنیا آنچه را بخواهیم، به هر که بخواهیم، می دهیم.»

- 
- 1- کلمه «دنيا» در قرآن، یکصد و یازده بار در «زندگی پیش از مرگ» به کار رفته است که شصت و نه بار آن، پس از لفظ «حیات» است.
  - 2- روم: آیه 7.
  - 3- القصص: آیه 70. نیز ر.ك: لیل: آیه 13 وضحی: آیه 4.
  - 4- اعراف: آیه 169.
  - 5- اسراء: آیه 18. نیز، ر.ك: قیامت: آیه 20، انسان: آیه 27.

## 1. تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگ

با تأمل در آیات و احادیثی که کلمه «دنیا» (1) در آنها به کار رفته است، روشن می‌شود که این واژه در احادیث اسلامی سه کاربرد دارد:

1. جهان پیش از مرگ و زندگی در آن (در مقابل جهان پس از مرگ و زندگی در آن). این کاربرد، هماهنگ با معنای لغوی «دنیا» است.
2. بهره‌گیری از امکانات جهان پیش از مرگ در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی، و دنیوی و آخروی در کنار هم. 3. بهره‌گیری از امکانات جهان پیش از مرگ در جهت تأمین خواسته‌های مادی به بهای از دست دادن ارزش‌های معنوی و آسایش آخروی. دنیا به معنای اول، از آیات الهی و نشانه‌های حکمت و قدرت اوست، به معنای دوم، دنیای ستوده و به معنای سوم، دنیای نکوهیده است. بخش نخست این کتاب، ناظر به معنای اول و دوم «دنیا»، و بخش دوم، ناظر به معنای سوم «دنیا»، و بخش سوم، در واقع، دعوت به مبارزه با رغبت به دنیا به معنای سوم است. بخش اول، شامل پنج فصل با مطالب زیر است:

1. تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگ در فصل یکم، ابتدا موضوع نام‌گذاری جهان پیش از مرگ به «دنیا» از نگاه قرآن و حدیث، مطرح شده که هماهنگ با مفهوم لغوی این واژه است. سپس ویژگی‌ها و مشخصات جهان پیش از مرگ، توضیح داده شده است. این ویژگی‌ها، پژوهشگر را با حقیقت دنیا و هدف از آفرینش آن از نگاه اسلام، آشنا می‌کند.

---

1- گفتنی است که کلمه «دنیا» در قرآن، گاه به معنای لغوی آن استعمال شده است، مانند: «إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا؛ آن گاه که شما در دامنه نزدیک تر کوه بودید» (انفال: آیه 42) که خارج از موضوع بررسی ماست.

## 2. تبیین اهمیت و ارزش دنیا

در ادامه، با آمدن مثال هایی، حقیقت دنیا و زندگی در آن، توضیح بیشتری داده شده و در پایان فصل، احادیثی که درباره مدت زمانی جهان پیش از مرگ وارد شده اند، مورد نقد و بررسی قرار گرفته اند.

2. تبیین اهمیت و ارزش دنیا در فصل دوم، برای اثبات اهمیت و ارزش دنیا و نقش آن در سازندگی جهان پس از مرگ، ابتدا آیات و احادیثی آمده اند که با صراحت، بر این مدعا دلالت دارند و تأکید می کنند که: اسلام، دین دنیا و آخرت و برنامه تکامل مادی و معنوی انسان است، دنیا مزرعه آخرت است، مسلمان کسی است که به دنیا و آخرت اهمیت می دهد و سرانجام، جامعه اسلامی، هنگامی به نقطه مورد نظر اسلام رسیده است که در اوج تکامل مادی و معنوی باشد. گفتنی است که محبت دنیا به این معنا (مزرعه آخرت بودن) ریشه در فطرت انسان دارد (1) و از این رو، نکوهیده نیست؛ (2) بلکه دنیا اگر در کنار آخرت و مقدمه آخرت باشد، پاره ای از آخرت است. بر این پایه، اسلام، با صراحت، رهبانیت را ممنوع ساخته و تحریم لذایذ حلال بر خویشتن را نهی کرده است (3) و پیشوایان بزرگ دین با کسانی که در اثر کج فهمی یا انگیزه های گوناگون، مردم را به ترك دنیا دعوت کرده اند، مبارزه نموده اند. (4) بر این اساس، متون دینی اسلام، به تلاش برای سازندگی دنیا و بهره گیری از

1- ر. ك: ص 119 (سرشت دنیا دوستی در انسان).

2- ر. ك: ص 121 (نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن).

3- ر. ك: ص 127 (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است).

4- ر. ك: ص 147 (اعتراض به دعوت کنندگان به ترك دنیا).

### 3. رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرت

مواهب آن در جهت تقویت ارزش های معنوی و آبادانی جهان پس از مرگ (1) و نیز دعا برای رفاه در زندگی توصیه می کنند (2) و بر پاداش اخروی برای کسی که در مسیر تأمین منافع دنیوی، از مسیر حق خارج نمی شود، تأکید دارند. (3)

3. رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرت نکته قابل توجه، این است که هر کسی نمی تواند منافع اخروی خود را در کنار منافع مادی تأمین کند. چه بسا کسانی که به نام اسلام و آخرت، در هوس های مادی غرق می شوند و زندگی معنوی خود را تباه می سازند. از این رو، اسلام برای تأمین منافع اخروی در کنار منافع دنیوی، رهنمودهای ارزنده ای دارد که میزان بهره وری انسان از دنیا و آخرت، به آنها بسته است. (4) بدین سان، مردم از نظر برخورداری از دنیا و آخرت، به چهار دسته تقسیم می شوند (5): جمعی، نه دنیا دارند و نه آخرت. عده ای، در دنیا وضعشان خوب است؛ اما در آخرت دچار مشکل هستند. گروهی در دنیا زندگی مناسبی ندارند؛ ولی در آخرت از زندگی خوبی برخوردارند. و عده ای هستند که هم دنیا دارند و هم آخرت: «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ؛ در زندگی دنیا و در آخرت، مزده برای آنان است» (6).

1- ر. ك: ص 161 (بهره گیری از دنیا) و 163 (این، دنیا طلبی نیست).

2- ر. ك: ص 165 (دعا برای رفاه در زندگی).

3- ر. ك: ص 181 (پاداش کسی که دنیا را به حق برگیرد).

4- ر. ك: ص 185 (فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت).

5- ر. ك: ص 209 (فصل چهارم: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت).

6- یونس: آیه 64.



**4. هشیاری نسبت به آفات توسعه مادی**

4. هشیاری نسبت به آفات توسعه مادی آخرین و مهم ترین نکته در ارتباط با جمع میان دنیا و آخرت ، هشیاری نسبت به خطر آفاتی است که توسعه مادی به دنبال دارد؛ آفاتی که اگر درست شناخته نشوند و به موقع پیشگیری نگردند ، بی تردید ، انسان در دام دنیای نکوهیده قرار خواهد گرفت . از آن جا که این آفات و راه پیشگیری از آنها را به تفصیل در کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث آورده ایم ، (1) در فصل پنجم از این کتاب ، تنها به يك نکته اساسی اشاره می نماییم و آن ، هشیاری در طلب دنیا و میانه روی در تأمین منافع مادی و اجتناب از حرص است .

---

1- توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش پنجم : آفات توسعه .

الفصل الأول : معرفة الدنيا 1 / 1 تسمية الدنيا الكتاب «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» . (1)

«لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ» . (2)

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا» . (3)

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَصَ ذَا الْأُدْنَىٰ» (4) .

راجع : الليل : 13 و الضحى : 4 .

1- البقرة : 201 .

2- القصص : 70 .

3- الإسراء : 18 .

4- الأعراف : 169 . قال العلامة المجلسي قدس سره \_ في توضيح معنى «الأدنى» في الآية الشريفة \_ : يعني الدنيا ؛ من الدنو بمعنى القرب . وقال سبحانه : «وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِّنَ الْعَذَابِ الْأَعْدَنِ» السجدة : 21 . وبالجملة : الأدنى والدنيا يصرفان على وجه ، فتارة يعبر به عن الأقل فيقابل بالأكثر والأكبـر ، وتارة عن الأردل والأحقـر فيقابل بالأعلى والأفضل ، وتارة عن الأقرب فيقابل بالأقصى ، وتارة عن الأولى فيقابل بالآخرة ، وبجميع ذلك ورد التنزيل على بعض الوجوه . وقال الجزري : الدنيا اسم لهذه الحياة لبعد الآخرة عنها (بحار الأنوار : ج57 ص356) .

## فصل یکم : شناخت دنیا

## 1 / 1 نام گذاری دنیا

فصل یکم: شناخت دنیا 1 / 1 نام گذاری دنیاقرآن(و برخی از آنان می گویند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت نیز نیکی عطایمان کن و ما را از عذاب آتش، نکه دار).

«و ستایش، از آن اوست در این [سرای] نخستین و در آخرت».

«هرکس خواهان [دنیای] زودگذر است، به زودی هر که را بخواهیم، از آن می دهیم. آن گاه، دوزخ را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد، برای او مقرر می داریم».

«آن گاه، بعد از آنان، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست (1) را می گیرند».

ر. ك: لیل: آیه 13، ضحی: آیه 4.

1- علامه مجلسی می گوید: مقصود از «آدنی» در روایت، دنیاست، از ریشه «دنوّ» به معنای نزدیک. خداوند سبحان می فرماید: «و از عذاب نزدیک تر به آنها می چشانیم» (سجده: آیه 21). به طور کلی، آدنی و دنیا، چند وجه دارند. گاه مراد از آنها «أقلّ (کمتر)» است، در مقابل «أكثر (بیشتر)» و «أكبر (بزرگ تر)». و گاه به معنای «أحققر (پست تر و حقیرتر)» در مقابل «أعلى (بالا تر)» و «أفضل (برتر)» و گاه به معنای «أقرب (نزدیک تر)» است، در مقابل «أقصى (دورتر)»، و گاه به معنای «أولی (نخستین)» است در مقابل «آخرة (دیگر، پسین)» و در قرآن به همه این معانی آمده است. جزری می گوید: دنیا، نامی است برای این زندگی؛ چون آخرت از آن دور است (بحار الأنوار: ج 57 ص 356).

الحديث 240.1 . روى أبو الفتوح الرازي في تفسيره عن جماعة من ارسول الله صلى الله عليه وآله :الدنيا دنيئة (1) خُلِقَتْ مِنْ دُونِ الْآخِرَةِ ، وَلَوْ خُلِقَتْ مَعَ الْآخِرَةِ لَمْ يَفْنَى أَهْلُهَا ، كَمَا لَا يَفْنَى أَهْلُ الْآخِرَةِ . (2) 239. ما رواه الكليني بإسناده عن محمد بن عبد الخالق والإمام علي عليه السلام :إِنَّمَا سُمِّيَتِ الدُّنْيَا دُنْيَا ؛ لِأَنَّهَا أَدْنَى (3) مِنْ كُلِّ شَيْءٍ . (4) 1 / 2 خَصَائِصُ الدُّنْيَا \_ دَارُ ابْتِلَاءِ الْكِتَابِ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» . (5)

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» . (6)

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» . (7)

«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» . (8)

- 
- 1- قال العلامة المجلسي قدس سره : أي أحسن ؛ ليعد الآخرة عنها (بحار الأنوار : ج 57 ص 356) .
  - 2- علل الشرائع : ص 470 ح 33 عن يزيد بن سلام ، بحار الأنوار : ج 57 ص 356 ح 2 .
  - 3- قال العلامة المجلسي قدس سره : أي أقرب بحسب المكان أو بحسب الزمان ، أو أحسن وأرذل (بحار الأنوار : ج 57 ص 356) .
  - 4- علل الشرائع : ص 2 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 355 ح 1 .
  - 5- الكهف : 7 .
  - 6- الملك : 2 .
  - 7- هود : 7 .
  - 8- طه : 131 .

## 1 / 2 ویژگی های دنیا

## الف - سرای آزمایش

حدیث 229.2. وروی الكليني باسناده عن محمد بن عبد الله النيسابمي خدا صلی الله علیه و آله \_ در پاسخ به این پرسش که: چرا دنیا را دنیا، گفته اند؟ \_ : دنیا، پست و نزدیک [به ما] و پیش از آخرت آفریده شده است. اگر دنیا هم زمان با آخرت آفریده شده بود، اهل آن فانی نمی شدند، چنان که اهل آخرت فنا نمی پذیرند. 228.1. روی الشيخ الطوسي قدس سره باسناده عن عبد الله امام علی علیه السلام : دنیا را دنیا نامیده اند، چون فرومایه تر (1) از هر چیزی است. 1 / 2 ویژگی های دنیا الف \_ سرای آزمایش قرآن «ما آنچه را بر روی زمین است، زیور آن قرار دادیم تا ایشان را بیازماییم که کدامینشان نیک کردارترند».

«آن خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامینتان بهتر عمل می کنید».

«و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز بیافرید، و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید».

«و زنهار، به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو، بهتر و پایدارتر است».

1- .علامه مجلسی می گوید: یعنی از حیث زمان یا مکان، نزدیک تر است یا پست تر و فرومایه تر است (بحار الأنوار: ج 57 ص 356).

الحديث 218. روي عن رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدنيا دارٌ بلاءٍ (1)، وَمَنْزِلٌ بُلْغَةٍ (2) وَعَنَايٍ، قَدْ نَزَعَتْ (3) عَنْهَا نُفُوسُ السَّعْدَاءِ، وَأَنْتَزَعَتْ بِالْكَرْهِ مِنْ أَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ. (4) 217.2. روى الصدوق قدس سره بإسناده إلى الرضا عليه السلام عليّ عليه السلام: أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا (5)، وَلَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا، ابْتُلِيَ النَّاسُ بِهَا فِتْنَةً، فَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لَهَا أُخْرِجُوا مِنْهُ وَحُوسِبُوا عَلَيْهِ، وَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لِغَيْرِهَا قَدِمُوا عَلَيْهِ وَأَقَامُوا فِيهِ. (6) 216.1. في خبر ابن الجهم أنه سأل المأمون الرضا عليه السلام: عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي وَصْفِ الدُّنْيَا - دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَبِالْعَدْرِ مَعْرُوفَةٌ، لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا، وَلَا يُسَلَّمُ نَزْلُهَا، أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ، وَتَارَاتٌ (7) مُتَصَرِّفَةٌ، الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ، وَالْأَمَانُ مِنْهَا مَعْدُومٌ، وَإِنَّمَا أَهْلُهَا فِيهَا أَغْرَاضٌ (8) مُسْتَهْدَفَةٌ، تَرْمِيهِمْ بِسَهَامِهَا، وَتُقْنِيهِمْ بِحِمَامِهَا (9). (10).

- 1- البلاء: الاختبار؛ ويكون بالخير والشر (الصحاح: ج 6 ص 2285 «بلا»).
- 2- دَارٌ بُلْغَةٌ: أي دَارٌ عَمَلٌ يُتَبَلَّغُ فِيهَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ وَيُتَزَوَّدُ (مجمع البحرين: ج 1 ص 187 «بلغ»).
- 3- نَزَعَ عَنِ الشَّيْءِ: كَفَّ وَأَقْلَعَ عَنْهُ (المصباح المنير: ص 600 «نزع»).
- 4- أعلام الدين: ص 342 ح 32 عن معاوية، بحار الأنوار: ج 77 ص 185 ح 10.
- 5- في شرح ابن أبي الحديد: «تقدير الكلام أن الدنيا دار لا يسلم من عقاب ذنوبها إلا فيها، وهذا حق...»، لكن يبدو أن في الكلام سقط والأصل كان: «إن الدنيا دار لا يسلم منها إلا بالزهد فيها» كما في «عيون الحكم والمواعظ ص 107»، ويؤيد هذا النظر ما في بعض نسخ نهج البلاغة حيث أضيفت كلمة «الزهد» بعد «إلا فيها» بين القوسين.
- 6- نهج البلاغة: الخطبة 63، روضة الواعظين: ص 483، غرر الحكم: ح 3698 وليس فيه «ولا ينجى بشيء كان لها»، بحار الأنوار: ج 73 ص 133 ح 136.
- 7- التارئة: الحين والمرّة، والجمع تارات (القاموس المحيط: ج 1 ص 381 «تور»).
- 8- الغرض: الهدف الذي يرمى فيه (الصحاح: ج 3 ص 1093 «غرض»).
- 9- الحِمَامُ: المَوْتُ (النهاية: ج 1 ص 446 «حمم»).
- 10- نهج البلاغة: الخطبة 226، إرشاد القلوب: ص 30، غرر الحكم: ح 5124 وفي صدره إلى «ولا يسلم نزلها»، بحار الأنوار: ج 73 ص 82 ح 45؛ تذكرة الخواص: ص 123، المناقب للخوارزمي: ص 370 ح 389 كلاهما عن عبد الله بن صالح العجلي عن رجل من بني شيبان، إحياء علوم الدين: ج 3 ص 312 كلّها نحوه، كنز العمّال: ج 16 ص 202 ح 44224 نقلاً عن الدينوري وابن عساكر.

حدیث 214.3. وکذا ما رواه الشيخ قدس سره باسناده عن محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، سرای آزمایش است و منزلگاه روزی گذران زندگی و رنج. جان های نیک بختان از [علاقه به] آن گنده شده و از دست شوربختان به زور گرفته می شود. 213.2. روی الکلینیوالشیخ الطوسی باسنادهما عن زرارة بنامام علی علیه السلام: هان! دنیا سرایی است که از آن، به سلامت نتوان رست مگر [به زهد] (1) در آن، و با هر آنچه برای دنیا باشد، نجات نمی توان یافت. مردم از بهر آزمایش، گرفتار دنیا شده اند. پس آنچه را از دنیا برای دنیا بگیرند، از کفشان بیرون می رود و برای آن حسا برسی خواهند شد، و آنچه را از دنیا برای غیر آن (آخرت) بگیرند، به آن خواهند رسید و با آن خواهند زیست. 212.1. عن النبي صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام \_ در وصف دنیا \_ : سرایی است که به رنج و بلا اندر است و به بی وفایی و عهدشکنی شُهره. حالاتش نمی پاید و ساکنانش را ایمنی نیست. احوالش دیگرگون است و هر دم به رنگی در می آید. زندگی در آن، نکوهیده است و آسودگی در آن، نایاب؛ بلکه مردم آن در دنیا هدف هایی نشانه رفته اند، و دنیا، تیرهایش را به سوی آن ها پرتاب می کند، و با خدنگ های مرگ،

نابودشان می گرداند..

---

1- ترجمه آنچه در متن نهج البلاغة آمده، این است: «دنیا، سرایی است که در آن به سلامت نتوان رست، مگر در آن». ابن ابی الحدید، در توضیح این جمله می گوید: «تقدیر کلام، این است که دنیا، خانه ای که از عقاب گناهانش، جز در آن نتوان به سلامت رست، و این حق است...»؛ لیکن به نظر می رسد که جمله سقط داشته باشد و در اصل این بوده: «... از آن به سلامت نتوان رست، مگر به زهد در آن»، چنان که در عیون الحکم والواعظ (ص 107) چنین آمده است. گفتمی است که در برخی نسخ مطبوع نهج البلاغة نیز کلمه «زهد» پس از «إلا فیها» قرار دارد که مؤید این نظر است.

211.4 . الشيخ والكليني بإسناده الصحيح عن زرارة، عن أبعنه عليه السلام: إعلم أن الدنيا دار بليّة، لم يفرغ صاحبها فيها قط ساعة إلا كانت فرغته عليه حسرة يوم القيامة . (1) 210.3 . الشيخ بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام \_ في وصف الدنيا \_ هي دار عقوبة وزوال، وفناء وبلاء، نورها ظلمة، وعيشها كدر، وغنيها فقير، وصاحبها سقيم، وعزيرها ذليل، فكل منعم برغدها (2) شقي، وكل مغرور بزينتها مفتون، وعند كشف الغطاء يعظم الندم، ويحمد الصدر (3) أو يذم . (4) 209.2 . موثقة إسماعيل بن جابر، قال: عنه عليه السلام \_ من وصيته لو آده الحسن عليه السلام \_ إعلم... أن الدنيا لم تكن لتستقر إلا على ما جعلها الله عليه من النعماء والإيتلاء والجزاء في المعاد، أو ما شاء مما لا تعلم . (5) 208.1 . الشيخ الطوسي بإسناده الصحيح عن محمد بن مسلمة بن زين العابدين عليه السلام: إعلموا أن الله لم يحب زهرة الدنيا وعاجلها لإعجاب من أوليائه، ولم يرغبهم فيها وفي عاجل زهرتها وظاهر بهجتها، وإنما خلق الدنيا وخلق أهلها ليبلوهم فيها أيهم أحسن عملاً لإخترته، وأيم الله لقد ضرب لكم فيه الأمثال، وصرف الآيات لقوم يعقلون، ولا قوة إلا بالله . (6) .

- 1- نهج البلاغة: الكتاب 59، عوالي اللآلي: ج 1 ص 296 ح 201 وفيه «الدنيا دار بليّة» فقط، بحار الأنوار: ج 33 ص 511 ح 708 .
- 2- في المصدر: «فكل نعم يرغدها»، والتصويب من بحار الأنوار . ورغد العيش: إتسع ولان فهو رغد (المصباح المنير: ص 231 «رغد»).
- 3- صدر كل شيء: أوله (الصحيح: ج 2 ص 709 «صدر»). والصدر \_ بالتحريك \_ : رجوع المسافر من مقصده والشاربة من الورد (النهاية: ج 3 ص 15 «صدر»).
- 4- مطالب السؤل: ص 52؛ بحار الأنوار: ج 78 ص 22 ح 84 .
- 5- نهج البلاغة: الكتاب 31، تحف العقول: ص 72 نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 220 ح 2 .
- 6- الكافي: ج 8 ص 75 ح 29 عن سعيد بن المسيّب، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 49، تحف العقول: ص 251 وليس فيه «وعاجلها»، الأمالي للصدوق: ص 595 ح 882 عن سعيد بن المسيّب وفيه «لم يختر هذه الدنيا» بدل «لم يحب زهرة الدنيا»، أعلام الدين: ص 225 وفيه «هذه الدنيا» بدل «زهرة الدنيا»، بحار الأنوار: ج 78 ص 145 ح 6 .



207. البخاري ياسناده عن مسروق بن الأجدع، قال حدَّثني الامام على عليه السلام: بدان که دنیا، بلا خانه ای است که صاحبش هرگز دمی در آن نیاسود، مگر این که آن آسودگی اش در روز قیامت، مایه افسوس او شد. 206. ومنها: امام علی علیه السلام \_ در وصف دنیا \_ : دنیا، سرای کيفر و زوال، و نابودی و بلاست. روشنائی آن، تاریکی است و عیش آن، مکدر. توانگرش نادر، تن درستش ناخوش و عزیزش خوار. هر برخوردار از نعمت های آن، شوربخت است و هر سرمست از زر و زیورهای آن، فریفته. آن گاه که پرده کنار برود، پشیمانی بالا می گیرد و آغاز [کار]، ستایش یا نکوهش می شود. 205.3. النسائي ياسناده عن أبي بكر بن سليمان بن أبي حاتم على عليه السلام \_ : در سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام \_ : بدان . . . بدرستی که دنیا، جز بر آن روال که خداوند قرارش داده است بر برخورداری و گرفتاری (یا: آزمایش) و سزادهی در معاد، و یا آنچه که او خواسته است و تو نمی دانی، قرار نمی گیرد. 204.2. البيهقي ياسناده عن أبي بكر بن سليمان بن أبي حاتم زين العابدين عليه السلام: بدانید که خداوند زرق و برق زودگذر دنیا را برای هیچ يك از دوستانش نخواست است و آنان را به دنیا و به زیور گذرای آن و زیبایی ظاهری آن، ترغیب نکرده است؛ بلکه دنیا را آفرید و اهل آن را خلق کرد تا آنان را در دنیا بیازماید که کدامینشان برای آخرتش بهتر عمل می کنند. به خدا سوگند که او در این باره، برای شما مثال ها آورده و برای مردمی که خرد ورزند دلایل

گوناگون آورده است؛ و نیرویی نیست، مگر به واسطه خداوند. .

203.1 . الكليني بإسناده عن علي بن أسباط ، عن عمه يعالكافي عن الوليد بن صبيح عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : دَخَلْتُ عَلَيْهِ يَوْمًا فَأَلْقَى إِلَيَّ ثِيَابًا وَقَالَ : يَا وَلِيدُ ، رُدَّهَا عَلَيَّ مَطَاوِيهَا . فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَحِمَ اللَّهُ الْمُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ ، فَظَنَنْتُ أَنَّهُ شَدَّبَهُ قِيَامِي بَيْنَ يَدَيْهِ بِقِيَامِ الْمُعَلَّى بَيْنَ يَدَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : أَفَّ لِلدُّنْيَا أَفَّ لِلدُّنْيَا ! إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ بَلَاءٍ يُسَلِّطُ اللَّهُ فِيهَا عَدُوَّهُ عَلَى وَلِيِّهِ ، وَإِنَّ بَعْدَهَا دَارًا لَيْسَتْ هَكَذَا . فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، وَأَيْنَ تِلْكَ الدَّارُ؟! فَقَالَ : هَا هُنَا ، وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ . (1)راجع : ج 2 ص 274 (خصائص الآخرة / دار الجزاء) .

ب \_ دَارٌ مِحْنَةٌ 200. روى الشيخ بإسناده عن علي بن يقطين عن أبي الحسن عرسول الله صلى الله عليه وآله : الدُّنْيَا دَارٌ مِحْنَةٌ (2) .  
 (3) 199.2 . ما رواه بإسناده عن عبدالرحمن بن الحجاج ، قال للإمام علي عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ مِحْنٍ وَمَحَلُّ فِتْنٍ . (4) 198.1 . ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن محمد بن إسماعنه عليه السلام : مَنْ ظَفَرَ بِالدُّنْيَا نَصَبَ (5) ، وَمَنْ فَاتَتْهُ تَعَبٌ . (6) .

1- الكافي : ج 8 ص 304 ح 469 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 49 .

2- المِحْنَةُ : واحدة المِحْنِ التي يُمْتَحَنُ بها الإنسان من بليّة . وَمَحْنُهُ وَاِمْتَحَنَتْهُ : أي اختبرته ، والاسم المِحْنَةُ (الصحاح : ج 6 ص 2201 «محن»).

3- عوالي اللآلي : ج 1 ص 285 ح 130 ، غرر الحكم : ح 1097 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 164 ح 2 .

4- غرر الحكم : ح 3673 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3234 .

5- نَصَبَ الرَّجُلُ : أعيا وتعب (لسان العرب : ج 1 ص 758 «نصب»).

6- غرر الحكم : ح 9012 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 427 ح 7251 .

## ب. محنتکده

197. وعنه، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن حمزة الكافي - به نقل از ولید بن صبیح - ولید گفت: روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. ایشان، جامه هایی به طرف من انداخت و فرمود: «ای ولید! اینها را تا بزَن».

من در برابر ایشان ایستادم. فرمود: «خدا، معلی بن خنیس را رحمت کند!» . من گمان بردم که امام علیه السلام ایستادن مرا در حضورش به ایستادن معلی در برابرش تشبیه کرد. (1) سپس فرمود: «أف بر دنیا، اف بر دنیا! دنیا، در حقیقت، سرای آزمایش [و گرفتاری] است و خداوند، در آن، دشمنش را بر دوست خود مسلط می گرداند؛ اما از پس دنیا سرایی است که این گونه نیست».

گفتم: فدایت شوم! آن خانه کجاست؟

امام علیه السلام با دست خود به زمین اشاره کرد و فرمود: «این جا». ر. ک: ج 2 ص 275 (ویژگی های آخرت / سرای سزا).

ب. محنتکده 194.3. وكذا الحميري يأسناده عن إسماعيل بن عبد الخالق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، سرای محنت (2) است. 193.2. الكليني يأسناده عن معاوية بن وهب، قال: امام علی علیه السلام: دنیا، سرای محنت ها و جایگاه فتنه هاست. 192.1. الشيخ الطوسي يأسناده عن محمد بن حمران، عن أَمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هر که به دنیا دست یافت، رنج بُرد و هر که از دستش داد، به مشقت افتاد.

1- یعنی به یاد معلی افتاد که خدمتکارش بود و داوود بن علی، فرماندار مدینه، او را کُشت و اموال امام علیه السلام را تصاحب کرد.

2- محنت: بلایی که خداوند، آدمی را بدان بیازماید (الصحاح: ج 6 ص 2201 «محن»).

191. ما رواه الشيخ بإسناده عن محمد بن إسماعيل، عن الرعنه عليه السلام: مُصَاحِبُ الدُّنْيَا هَدَفُ النَّوَائِبِ وَالْغَيْرِ (1). (2) 190.4. وما رواه الشيخ بإسناده عن أبي عينية، قال: عنه عليه السلام: أهلُ الدُّنْيَا عَرَضُ النَّوَائِبِ، وَدَرِيَّةٌ (3) الْمَصَائِبِ، وَنَهْبُ الرِّزَايَا. (4) 189.3. روى الشيخ بإسناده عن معاوية، عن أبي عبد الله الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ - وَإِنْ سَاعَدْتَهُ الْأُمُورُ - بِمُسْتَخْلِصٍ غَضَارَةَ (5) عَيْشٍ إِلَّا مِنْ خِلَالِ مَكْرُوهِ. (6) راجع: ص 422 (مضارَّ حبِّ الدنيا / التعب).

ج - دارُ مُصَيِّبَةٍ 186.2. روى الشيخ الطوسي بإسناده عن حريز، عن أخبرها الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا مَلِيَّةٌ بِالْمَصَائِبِ، طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ وَالنَّوَائِبِ. (7) 185.1. روى الحميري عن محمد بن عبد الحميد، عن محمد عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَصَائِبٌ مُفَجِّعَةٌ، وَمَنَايَا مَوْجِعَةٌ، وَعَيْبٌ مُقَطَّعَةٌ. (8) 184. روى الكليني والصدوق بإسنادهما عن حمران، قال قلت لعنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - الدُّنْيَا جَمَّةٌ (9) الْمَصَائِبِ، مُرَّةٌ الْمَشَارِبِ، لَا تُمْتَعُ صَاحِبًا بِصَاحِبٍ. (10) 183.3. الصدوق بإسناده عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فِجَائِعٍ، مَنْ عَوَّجَلَّ فِيهَا فُجِعَ بِنَفْسِهِ، وَمَنْ أَمْهَلَّ فِيهَا فُجِعَ بِأَحَبِّهِ. (11).

- 1- أي تغير الحال وانتقالها عن الصلاح إلى الفساد. والغير: الاسم؛ من قولك: غيّرت الشيء فتغيّر (النهاية: ج 3 ص 401 «غير»).
- 2- غرر الحكم: ج 9798، عيون الحكم والمواعظ: ص 489 ح 9065.
- 3- الدرية: ما يتعلم عليه الطعن (القاموس المحيط: ج 4 ص 327 «درى»).
- 4- عيون الحكم والمواعظ: ص 121 ح 2767، غرر الحكم: ج 3196 وفيه «عرض» بدل «غرض» و«ذرية» بدل «درية».
- 5- الغضارة: الطيب واللذة (النهاية: ج 3 ص 370 «غضر»).
- 6- تحف العقول: ص 381، بحار الأنوار: ج 78 ص 268 ح 181.
- 7- غرر الحكم: ج 1724، عيون الحكم والمواعظ: ص 52 ح 1351 وليس فيه «طارقة بالفجائع».
- 8- غرر الحكم: ج 2042.
- 9- الجم: الكثير (الصحاح: ج 5 ص 1889 «جمم»).
- 10- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 271 ح 140.
- 11- غرر الحكم: ج 3659، عيون الحكم والمواعظ: ص 145 ح 3223.

182.2 . روی الصدوق یاسناده عن حنان بن سدیر، عن أبي عمامة علي عليه السلام: دنیا، دار آماج بلاها و پیشامدهاست. 181.1 . روی الكليني یاسناده عن محمد بن مسلم، قال: امام علی علیه السلام: مردم دنیا، آماج بلاهایند، و هدف (1) مصیبت ها، و تاراج رنج ها و صدمات. 180. روی الشيخ والصدوق یاسنادهما عن أبي السفاتج، عن أبا امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست که به نوشی بی نیش دست یابد، اگر چه همه عوامل به یاری اش بیاید. ر. ک: ص 423 (زیان های دنیادوستی / خستگی).

ج - مصیبتکده 177. روی الكليني والشيخ الطوسي والصدوق قدس سرهمبأسانیدها امام علی علیه السلام: دنیا، مالا مال از مصیبت هاست و با فاجعه ها و رویدادهای تلخ، فرا می رسد. (2) 176.2 . روی الصدوق یاسناده عن ابن أبي عمير، قال: امام علی علیه السلام: دنیا، [سراسر] مصیبت هایی جگرسوز است، مرگ هایی دردناک و مجازات هایی خُرد کننده. 175.1 . روی الصدوق یاسناده عن عبد العظيم بن عبد اللّهمام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - دنیا، پُر مصیبت است. آبشخورهایش تلخ است و دوستی را از دوستی بهره مند نمی گرداند. 174.2 . ما رواه هو والکلینیبالإسناد عن الحسين بن أبيامام علی علیه السلام: دنیا، سرای ناگواری هاست. هرکه در آن مهلت داده نشود، به مصیبت مرگ خویش، گرفتار می آید و هرکه در آن مهلت داده شود، به مرگ عزیزانش داغدار می شود.

1- دَرِيَّةٌ یا دَرِيَّةٌ: حلقه ای که برای آموختن، بر آن تیر و نیزه اندازند (القاموس المحيط: ج 4 ص 327 «دری»).

2- طارق: آینده در شب، پیشامد ناگوار، پیشامد ناگوار در شب. طارق، در اصل، کسی را گویند که در شب نزد کسی بیاید و گاهی در مطلق کسی که نزد کسی برود، استعمال می شود.

173.1 . ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن محمد بن مسلم عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَحَلُّ الْآفَاتِ . (1) 172.2 . ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن أبي بصير، قال عنه عليه السلام: عَيْنُ الدَّهْرِ تَطْرِفُ بِالْمَكَارِهِ وَالنَّاسُ بَيْنَ أَجْفَانِهِ . (2) د \_ دَارُ تَرَحٍّ 170.3 . الكليني بإسناده عن جابر، عن أبي جعفر عليه الرسول الله صلى الله عليه وآله \_ فِي التَّحْذِيرِ مِنَ الدُّنْيَا \_ : أَيُّهَا النَّاسُ ! هَذِهِ دَارُ تَرَحٍّ (3) لَا دَارَ فَرَحٍ ، وَدَارُ التَّوَاءِ لَا - دَارَ اسْتِوَاءٍ ، فَمَنْ عَرَفَهَا لَمْ يَفْرَحْ لِرَجَائِ ، وَلَمْ يَحْزَنْ لِشِقْمَاءِ . (4) ه \_ دَارُ عِبْرَةٍ 168.1 . الكليني بإسناده قال: الإمام علي عليه السلام : أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي ضَرَبَ الْأَمْثَالَ . . . وَأَنْذِرْكُمْ بِالْحُجَجِ الْبَوَالِغِ ، فَأَحْصَاكُمْ عَدَدًا وَوَضَّفَ لَكُمْ مُدَدًا (5) ، فِي قَرَارِ خَيْرَةٍ وَدَارِ عِبْرَةٍ ، أَنْتُمْ مُخْتَبِرُونَ فِيهَا وَمُحَاسِبُونَ عَلَيْهَا . (6) 167.2 . وروى مسلم عنه صلى الله عليه وآله : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أْبْلَغُ نَاصِحٍ لَكَ الدُّنْيَا لَوْ انْتَصَحْتَ ؛ بِمَا تُرِيكَ مِنْ تَغَايُرِ الْحَالَاتِ ، وَتُوذُنِكَ بِهِ مِنَ الْبَيْنِ (7) وَالشَّتَاتِ . (8) .

1- غرر الحكم : ح 576 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 25 ح 268 .

2- إرشاد القلوب : ص 112 .

3- تَرَحٌّ تَرَحًا فَهُوَ تَرَحٌّ : إِذَا حَزِنَ (المصباح المنير: ص 74 «ترح»).

4- أعلام الدين : ص 343 عن ابن عمر ، بحار الأنوار : ج 77 ص 187 ح 10 ؛ كنز العمال : ج 3 ص 211 ح 6203 نقلًا عن الديلمي عن ابن عمر .

5- المَدَّةُ : طائفة من الزمان ؛ تقع على القليل والكثير (النهاية : ج 4 ص 309 «مدد»).

6- نهج البلاغة : الخطبة 83 .

7- البَيْنُ : البعد والفراق (النهاية : ج 1 ص 175 «بين»).

8- غرر الحكم : ح 3362 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 126 ح 2880 .

## د \_ غمکده

## ه \_ عبرتکده

166.1 . روی ابن ماجة یاسناده عن النبي صلى الله عليه وامام على عليه السلام : دنیا، جایگاه آسیب هاست. 2.165 . روی الشيخ أيضا یاسناده إلى أبي الورد ، قال : امام على عليه السلام : چشم روزگار به ناگواری ها پلك می زند و مردم در میان پلك های او قرار دارند. د \_ غمکده 2.163 . ما رواه الكليني والصدوق والبرقي قدس سرهما بالإسنپیامبر خدا صلى الله عليه و آله \_ در برحذر داشتن از دنیا \_ : ای مردم! این جا سرای غم است ، نه سرای شادی، و سرای پیچ در پیچ است ، نه سرای سر راست. پس هرکه دنیا را شناخت ، به امیدی شاد نشد و از رنجی اندوهگین نگشت. ه \_ عبرتکده 3.161 . ما رواه علي بن جعفر في كتابه، عن أخيه موسى بامام على عليه السلام : ای بندگان خدا! شما را به پروا از آن خدایی سفارش می کنم که نمونه ها آورده... و با حجّت های رسا هشدارتان داده است ، شمار شما را می داند ، و عمری برایتان مقرر کرده است، در جایگاه آزمایش و سرای عبرت . شما در دنیا آزمایش می شوید و برای آن ، مورد حسابرسی قرار می گیرید. 2.160 . وما رواه الشيخ الطوسي قدس سره یاسناده عن ابن مامام على عليه السلام : بهترین پندآموز برای تو دنیاست، اگر از دگرگونی حالاتی که به تو نشان می دهد و از جدایی و پراکندگی ای که به تو اعلام می کند ، پند گیری.

و- دارُ متاعِ الكتابِ «يَقُومُ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتْعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ». (1)

«وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعْ حَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ». (2)

«وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتْعٌ». (3)

راجع: الشورى: 36 والنساء: 77.

الحديث 152.3. وما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن الحسن بن الجهم الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٌ قَلِيلٌ، ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ، وَتُقَشَّعُ (4) كَمَا يَنْقَشُّعُ (5) السَّحَابُ. (6) 151.2. ما رواه المشايخ الثلاثة بالإسناد إلى محمد بن عمار بن محمد بن علي عليه السلام: الأُمُّ قَرِيبٌ، وَالْإِصْطِحَابُ قَلِيلٌ. (7) 150.1. ما رواه الكليني قدس سره بإسناده عن يحيى بن أبعنه عليه السلام: إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ؛ وَمَتَاعُ الدُّنْيَا بَطِيءُ الْإِجْتِمَاعِ، قَلِيلُ الْإِنْتِفَاعِ، سَرِيعُ الْإِنْقِطَاعِ. (8) 149.1. عن رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: أَوْقَاتُ الدُّنْيَا وَإِنْ طَالَتْ فَصَبِيرَةٌ، وَالْمُتَمَتُّعَةُ بِهَا وَإِنْ كَثُرَتْ يَسِيرَةٌ. (9)

1- غافر: 39.

2- القصص: 60.

3- الرعد: 26.

4- قشعت الریح السحاب - من باب نَفَع - أي كَشَفْتُهُ، فانتشع وتَشَّعَ (مجمع البحرين: ج 3 ص 1481 «قشع»).

5- في الطبعة المعتمدة: «تقشع كما يقشع...»، والتصويب من طبعة النجف وبيروت وطهران.

6- غرر الحكم: ح 3890، عيون الحكم والمواعظ: ص 178 ح 3671.

7- نهج البلاغة: الحكمة 168، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص 109، غرر الحكم: ح 10039 وفيه «هون عليك فإن الأمر قريب، والاصطحاب قليل، والمقام يسير»، بحار الأنوار: ج 73 ص 130 ح 135.

8- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 102.

9- غرر الحكم: ح 2188، عيون الحكم والمواعظ: ص 67 ح 1698.



## و- سرای برخورداری محدود

و- سرای برخورداری محدود قرآن «ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها برخورداری [محدود و موقت] است، و در حقیقت، آن آخرت است که سرای ماندگاری است».

«و هر آنچه به شما داده شده است، برخورداری زندگی دنیا و زیور آن است؛ ولی آنچه پیش خداست، بهتر و پایدارتر است. مگر نمی اندیشید؟».

«و به زندگی دنیا شاد شده اند، حال آن که زندگی دنیا در برابر آخرت، جز برخورداری [محدود و موقت] نیست».

ر. ك : شورا: آیه 36، نساء: آیه 77.

حدیث 141.2. ما رواه المشايخ الثلاثة «قدّست أَسْرَارُهُمْ» عن أبا امام علي عليه السلام: دنیا، در حقیقت، برخورداری چند روزه ای اندك است. سپس، همچون سراب از میان می رود و به سان ابر، پراکنده می شود. 140.1. ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن عمر بن يزيد، امام علي عليه السلام: مرگ، نزدیک، و همراهی [با دنیا] اندك است. 139. وقد روی ابن أبي جمهور مرسلًا {-1-} \_ والنسائي {-} 2 امام علي عليه السلام: زندگی دنیا، کالایی بیش نیست و کالای دنیا، دیر فراهم می آید و اندك به کار می آید و زود از کف می رود. 138. قال الإمام عليه السلام \_ حين سئل عن أحاديث البدع امام علي عليه السلام: اوقات دنیا، اگرچه بلند باشد، کوتاه است و بهره مندی از آنها، هر چند بسیار باشد، اندك است.

137.2 . روى مسلم في صحيحه عن عائشة : عنه عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشٌهَا قَصِيرٌ وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ ، وَإِقْبَالُهَا خَدِيعَةٌ وَإِدْبَارُهَا فَجِيعَةٌ ، وَلَدَّاتُهَا فَايَةٌ وَتَبَعَاتُهَا بَاقِيَةٌ . (1) 136.1 . روى الكليني قدس سره في الكافي بسنده عن الإمام الصادق عليه السلام : فِي وَصِيَّةِ لُقْمَانَ لابنِهِ : يَا بُنَيَّ اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ ، وَعُمْرُكَ مِنْهَا قَلِيلٌ مِنْ قَلِيلٍ ، وَيَقْرَبُ مِنَ الْقَلِيلِ قَلِيلٌ . (2) 135. روى عن النبي صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : قَالَ لُقْمَانُ لابنِهِ : . . . يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ ، وَعُمْرُكَ قَصِيرٌ . (3) ز \_ دَارُ قُلْعَةٍ 133.1 . الهيثمي بإسناده عن علي بن أبي طالب ، قَالَ : الإمام علي عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا مَنْزِلٌ قُلْعَةٍ وَلَيْسَتْ بِدَارِ نُجْعَةٍ (4) ، خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ (5) ، وَمُلْكُهَا يُسَلَّبُ وَعَامِرُهَا يَخْرَبُ . (6) 132. فقد روى الصدوق قدس سره بإسناده عن عبد المؤمن الأنعنه عليه السلام : أَحَدَرَكُمُ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّهَا مَنْزِلٌ قُلْعَةٍ وَلَيْسَتْ بِدَارِ نُجْعَةٍ ، قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَعَرَّتْ بِزِينَتِهَا . (7) عنه عليه السلام \_ فِي وَصِيَّتِهِ لابنِهِ الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ : اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا ، وَلِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ ، وَلِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ ، وَأَنَّكَ فِي قُلْعَةٍ وَدَارِ بُلْعَةٍ وَطَرِيقٍ

إِلَى الْآخِرَةِ . (8) .

- 1- . غرر الحكم : ح 3670 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 146 ح 3239 .
- 2- . مشكاة الأنوار : ص 461 ح 1537 .
- 3- . قصص الأنبياء : ص 195 ح 245 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 420 ح 14 .
- 4- . مَنْزِلٌ قُلْعَةٍ : إِذَا لَمْ تَصْلِحْ لِلْإِسْتِيْطَانِ . وَالنُّجْعَةُ : طَلَبُ الْكَلَاءِ مِنْ مَوَاضِعِهِ . وَحَاصِلُهُ : أَنَّهَا لَيْسَتْ دَارَ رَاحَةٍ وَطَيْبِ عَيْشٍ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ : ج 3 ص 1753 «نجع»).
- 5- . العتيد : الشيء الحاضر المهيأ (الصحاح : ج 2 ص 505 «عتد»).
- 6- . غرر الحكم : ح 3667 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3231 .
- 7- . نهج البلاغة : الخطبة 113 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 77 ، كشف الغمّة : ج 1 ص 172 وليس فيهما ذيله ، بحار الأنوار : ج 78 ص 4 ح 53 ؛ مطالب السؤول : ص 32 وليس فيه ذيله .
- 8- . نهج البلاغة : الكتاب 31 ، تحف العقول : 76 ، كشف المحجّة : ص 228 ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص 117 وليس فيه «وللموت لا- للحياة» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 205 ح 1 ؛ كنز العمال : ج 16 ص 173 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .

## ز - سرای کوچیدن

131.2 . عنه صلى الله عليه وآله وسلم : امام على عليه السلام : دنيا، زندگی اش کوتاه و خیرش اندک است ، رو آوردنش مکر و پشت کردنش مصیبت است ، خوشی هایش رفتنی و پیامدهای آن ، ماندنی است. 130.1 . عن رسول الله صلى الله عليه وآله : امام صادق عليه السلام \_ در سفارش لقمان به فرزندش \_ : فرزندم! بدان که دنيا اندک است و عمر تو در آن ، اندکی از اندک است، و از اندک، اندک می ماند. 129.3 . الكليني يأسناده عن يونس، عنهم عليهم السلام امام صادق عليه السلام : لقمان به فرزندش گفت: ... فرزندم! دنيا اندک است و عمر تو کوتاه. ز \_ سرای کوچیدن 127.1 . الكليني يأسناده عن عبد الله بن سنان، قال: قلامام على عليه السلام : دنيا ، منزلگاه کوچیدن است و سرای آرمیدن نیست ، خوبی آن ، ناچیز است و بدی اش آماده ؛ مُلکش از چنگ می رود و آبادش ویران می گردد. 126. حکي عن أبي موسى محمد بن المثنى العنزى الملقب باامام على عليه السلام : شما را از دنيا بر حذر می دارم ، که دنيا ، منزلگاه کوچیدن است و سرای آرمیدن نیست ؛ با فریبندگی اش خود را آراسته و با آرایشش می فریبد. 125. أمّا لفظ التهذيب فقد عرفته ، وأمّا كتاب المسائل فامام على عليه السلام \_ در سفارش به فرزندش حسن عليه السلام \_ : بدان، ای فرزندم، که تو در حقیقت برای آخرت آفریده شده ای ، نه برای دنيا ؛ برای رفتن ، نه برای ماندن ؛ برای مُردن ، نه برای زنده ماندن، و تو در حال کوچیدنی و در سرای توشه برگرفتن و در راهی به سوی آخرت.

ح \_ دارٌ شُخوصٍ 123.1 . الشيخ الطوسي بإسناده عن علي بن جعفر ، عن أخيلام علي عليه السلام : أوصيكم عباد الله بتقوى الله ، وأحذركم الدنيا ؛ فإنها دارٌ شُخوصٍ (1) ، ومحلّة تنغيصٍ ، ساكنها ظاعنٌ (2) ، وقاطنُها بائنٌ . (3) 122.2 . ورواه الشيخ في بعض نسخ التهذيب معلقاً عن الكلعة عليه السلام : إن الدنيا دارٌ شُخوصٍ ومحلّة تنغيصٍ ، ساكنها ظاعنٌ ، وقاطنُها بائنٌ ، وبرقُها خالبٌ (4) ، ونطقُها كاذبٌ ، وأموالُها محرّوبَةٌ (5) ، وأعلاقُها (6) مسلوبَةٌ . ألا وهي المتصدية العتون (7) ، والجامحة (8) الحرون (9) ، والمانيّة الخؤون . (10) ط \_ دارٌ ممرٌ 120 . وما رواه الصدوق بإسناده عن ابن أبي يعفور عن أبي عالام علي عليه السلام : الدنيا دارٌ ممرٌ لا دارٌ مقرٌ ، والناس فيها رجّالان : رجُلٌ باع فيها

نفسه فأوبقها (11) ، ورجُلٌ ابتاع نفسه فأعتقها . (12) .

- 1- شَخَصَ من بلدٍ إلى بلدٍ شخصاً : أي ذهب . وأشخصه غيره (الصحاح : ج 3 ص 1043 «شخص»).
- 2- ظَعَنَ : ارتحل ، والفاعل : ظاعن (المصباح المنير : ص 385 «ظعن»).
- 3- نهج البلاغة : الخطبة 196 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 133 ح 137 .
- 4- يقال للسحاب يومض برقُه حتى يرجى مطرُه ، ثم يُخْلِف ويُقْلِع وينقشع : الخَلْبُ ؛ وكأنه من الخِلاية : وهي الخداع بالقول اللطيف (أنظر النهاية : ج 2 ص 58 «خلب»).
- 5- المَحْرُوبُ : المسلوب المنهوب (النهاية : ج 1 ص 358 «حرب»).
- 6- الأعلاق : أي نفائس الأموال ، الواحد : علق ، قيل : سُمِّي به لتعلق القلب به (النهاية : ج 3 ص 290 «علق»).
- 7- العُتْنُ : الأشداء ، الواحد عَتون (القاموس المحيط : ج 6 ص 246 «عتن»).
- 8- جَمَحَ : أي أسرع إسراعاً لا يردّه شيء (النهاية : ج 1 ص 291 «جمح»).
- 9- فَرَسٌ حَرُونٌ : لا ينقاد ، وإذا اشتدَّ به الجري وقف (الصحاح : ج 5 ص 2097 «حرن»).
- 10- غرر الحكم : ح 3672 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 146 ح 3241 وص 556 ح 10243 نحوه .
- 11- وبق : إذا هلك ، وأوبقه غيره (النهاية : ج 5 ص 146 «وبق»).
- 12- نهج البلاغة : الحكمة 133 ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص 103 ، نزهة الناظر : ص 67 ح 58 وفيهما «إلى دار مقر» بدل «لا دار مقر» ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 75 وليس فيه «لا دار مقر» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 130 ح 135 .

## ح - سرای رفتن

## ط - گذرگاه

ح - سرای رفتن 118.2 . وفي الكافي مسنداً إلى الحسين بن سعيد، عن عبد‌امام علي عليه السلام: اي بندگان خدا! شما را به پروا از خدا سفارش می‌کنم و از دنیا بر حذرتان می‌دهم؛ زیرا که دنیا، سرای رفتن است و جایگاه تلخی‌ها؛ ساکن آن، کوچ گراست و مقیم آن، از دنیا جدا می‌شود. 117.1 . روی الشيخ الطوسي قدس سره بایسناده عن الحسين بنامام علي عليه السلام: دنیا، سرای رفتن است و جایگاه تلخی‌ها؛ ساکن آن، کوچنده است و مقیم آن، از دنیا جدا می‌شود؛ آذرخشش بی باران است، گفتارش دروغ، دارایی‌هایش به غارت رونده و نفایسش از کف رونده. بدانید که دنیا سخت گیر (1) و سرکش و چموش است و دروغ‌گویی خیانت پیشه است. ط - گذرگاه 115.2 . ورواه الكليني قدس سره مرفوعاً عن أبان، قال: امام علي عليه السلام: دنیا، گذرگاه است، نه قرارگاه؛ و مردم در آن دو دسته اند: دسته‌ای که در دنیا خود را فروختند و به نابودی افکندند، و دسته‌ای که خود را خریدند و آزاد کردند.

---

1- عبارت «المتصدية العتون» که در متن اصلی روایت آمده، به معنای «سختگیر بر بدهکار» و «آزار دهنده» معنا شده است؛ یعنی دنیا عرصه را بر انسان سخت می‌گیرد تا او را شکار کند و به دام افکند.

114.1 . روى الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن محمد بن يعنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مُقَامٍ ، بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازًا لِتَرْوَدُوا مِنْهَا الأَعْمَالَ إِلَى دَارِ القَرَارِ . فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ (1) ، وَقَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزِّيَالِ (لِلزَّوَالِ) . (2) 113.4 . ورواه الشيخ في التهذيب عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مُقَامٍ وَلَا مَحَلَّ قَرَارٍ ، وَإِنَّمَا جُعِلَتْ لَكُمْ مَجَازًا لِتَرْوَدُوا مِنْهَا الأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ لِدارِ القَرَارِ . فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ ، وَلَا تَخْدَعَنَّكُمْ مِنْهَا العَاجِلَةُ وَلَا تَغُرَّنَّكُمْ فِيهَا الفِتْنَةُ . (3) راجع : ج 2 ص 262 (خصائص الآخرة / دار القرار) .

ي \_ دارُ فِراقٍ 110.1 . ابن إدريس الحلِّي \_ من مسائل علي بن الريان \_ الإمام علي عليه السلام : اِعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا ؛ فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشْبِهُ بَعْضًا ، وَآخِرُهَا لِاحِقٌ بِأَوَّلِهَا ، وَكُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ (4) . (5) 109.2 . البخاري: الإمام الصادق عليه السلام : أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا دَارُ فِراقٍ وَدارُ التَّوَاءِ لَا دَارُ اسْتِواءٍ ، عَلَى أَنَّ فِراقَ المَآلُوفِ حُرْقَةٌ لَا تُدْفَعُ ، وَلِوَعَاةٌ لَا تُرَدُّ . (6) .

1- . على أوفاز : على سفر (النهاية : ج 5 ص 210 «وفز») .

2- . نهج البلاغة : الخطبة 132 .

3- . غرر الحكم : ح 3699 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 148 ح 3251 .

4- . حائل : أي مُتَغَيِّرٍ ، وَكُلٌّ مُتَغَيِّرٌ حَائِلٌ (النهاية : ج 1 ص 463 «حول») .

5- . نهج البلاغة : الكتاب 69 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 508 ح 707 .

6- . كمال الدين : ص 74 ، الأمالي للصدوق : ص 309 ح 356 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 165 وفيه «لاتقلع» بدل «لاترد» ، المناقب

لابن شهر آشوب : ج 1 ص 267 وليس فيه ذيله من «على أن فراق . . .» وكلها عن عنبسة بن بجاد العابد ، روضة الواعظين : ص 486 ،

بحار الأنوار : ج 47 ص 245 ح 3 .

## ی - سرای جدایی

108.1 . ابن ماجة یاسناده عن عبد المجید بن وهب، قال: امام علی علیه السلام: دنیا آفریده نشده که سرای ماندن شما باشد، بلکه آفریده شده، که گذرگاه شما باشد تا از آن برای سرای ماندگاری تان توشه عمل برگیرید. پس، در دنیا همواره مهیای سفر باشید و مرکب ها را برای رفتن، آماده سازید. 107. ما رواه البیهقی یاسناده عن أبي هريرة، عن النبي صامام علی علیه السلام: دنیا آفریده نشده که برای شما سرای ماندن و جای آسودن باشد؛ بلکه گذرگاه شما قرار داده شده است تا از آن برای سرای استقرارتان توشه اعمال نیک بردارید. پس، در دنیا همواره آماده باشید؛ و زنهار که خوشی های زودگذر آن، شما را نفریید و فریبندگی هایش شما را گول نزنند. ر. ک: ج 2 ص 263 (ویژگی های آخرت / سرای ماندن).

ی - سرای جدایی 104.1 . روت العامّة عن عمر وعن سمرة أنّ رجلاً أتى النامام علی علیه السلام: از گذشته دنیا برای آینده اش عبرت بگیر؛ زیرا همه اجزای آن، شبیه یکدیگرند و انجام آن به آغازش می پیوندد و تماماً دگرگون شونده و از کف رفتنی است. 103. کما روی الکلینی یاسناده الصحیح - المعتضد بالأحادیامام صادق علیه السلام: ای مردم! این دنیا، سرای فراق و خانه پیچ در پیچ است، نه خانه ای سُرُ راست. فراق عزیزان، داغی است که مانعش نمی توان شد و سوزی است که جلوی آن را نمی توان گرفت.

ك\_ دارُ فَنَاءٍ 101. وروى ابن حنبل بإسناده الآخر عن شَدَادِ بْنِ أَوْسٍ أَنَّهُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا دَارٌ مُنِيَّةٌ (1) لَهَا الْفَنَاءُ .  
 (2) 100. روى الصدوق قدس سره بإسناده عن عباية بن ربعي، قال عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ فَنَاءٍ وَعَنَاءٍ ، وَغَيْرٍ وَعِيبٍ ؛ فَمِنْ الْفَنَاءِ أَنَّ الدَّهْرَ  
 مَوْتٌ قَوْسُهُ (3) ، لَا تُخَطِي سِوَهُمُ ، وَلَا تُؤْسَى (4) جِرَاحُهُ ، يَرْمِي الْحَيَّ بِالْمَوْتِ ، وَالصَّحِيحَ بِالسَّقَمِ ، وَالتَّاجِرَ بِالْعَطَبِ ، أَكِلٌ لَا يَشْبَعُ ،  
 وَشَارِبٌ لَا يَنْقَعُ (5) . وَمِنْ الْعَنَاءِ أَنَّ الْمَرْءَ يَجْمَعُ مَا لَا يَأْكُلُ ، وَيَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ . (6) 99.3 . الكليني قدس سره بإسناده عن الحسين بن  
 أبي العلعنه عليه السلام: عَجِبْتُ لِعَامِرِ الدُّنْيَا دَارِ الْفَنَاءِ ، وَهُوَ نَازِلٌ دَارَ الْبَقَاءِ . (7) 98.2 . الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن عبد الله  
 بنعنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ ، أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ فَنَاءٍ وَالْآخِرَةُ دَارٌ بَقَاءٍ ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ ، وَلَا تَهْتَكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ  
 أَسْرَارُكُمْ . (8) 97.1 . روى ابن حنبل بإسناده عن أبي هريرة أَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ بَقِيَتِ الدُّنْيَا عَلَى أَحَدِكُمْ ، لَمْ تَصِلْ إِلَى مَنْ هِيَ فِي  
 يَدَيْهِ . (9) .

1- . مُنِيَّةٌ لَهُ : أَي قَدَّرَ (لسان العرب : ج 15 ص 292 «مني»).

2- نهج البلاغة : الخطبة 45 ، كفاية الأثر : ص 103 عن رسول الله صلى الله عليه وآله وفيه «الدنيا دار الفناء» ، روضة الواعظين : ص 482 وفيه «مضى» بدل «مني» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 42 .

3- . أوترت القوس : شددت وترها (المصباح المنير : ص 647 «وتر»).

4- . الأسا : المداواة والعلاج (لسان العرب : ج 14 ص 34 «أسا»).

5- . لَا يَنْقَعُ : لَا يَرُوى (النهاية : ج 5 ص 108 «نقع»).

6- نهج البلاغة : الخطبة 114 ، تحف العقول : ص 218 ، الأمالي للطوسي : ص 443 ح 992 عن ثعلبة بن ميمون عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 168 كلها نحوه ، غرر الحكم : ح 3658 وفيه «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ عَنَاءٍ وَفَنَاءٍ وَغَيْرٍ وَعِيبٍ وَمَحَلٌّ فَتْنَةٍ وَمَحْنَةٍ» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 99 ح 86 .

7- . أعلام الدين : ص 296 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 94 ح 107 .

8- . عيون أخبار الرضا : ج 1 ص 298 ح 56 ، الأمالي للصدوق : ص 172 ح 174 كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، مشكاة الأنوار : ص 468 ح 1567 ، روضة الواعظين : ص 485 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 88 ح 56 .

9- . غرر الحكم : ح 7608 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 417 ح 7086 .



**ك \_ سرای نابودی**

ك \_ سرای نابودی 95. ما رواه الكليني ياسناده عن عبد العزيز بن مسلم، عن امام علي عليه السلام: دنيا، سرایی است که نابودی برای آن رقم خورده است. 94.2. السيوطي: امام علي عليه السلام: دنيا، سرای نابودی و رنج، و پیشامدها و عبرت هاست. از نشانه نابودگری [دنيا] آن که روزگار، زه کمان خویش را بر کشیده است، تیرهایش به خطا نمی رود و زخم هایش درمان نمی پذیرد؛ زندگان را با تیر مرگ نشانه می رود، تن درستان را با تیر بیماری، و رهیدگان را با تیر هلاکت؛ خورنده ای (آدمخواری) است که سیر نمی شود و نوشنده ای (خون آشامی) است که سیراب نمی گردد. و از نشانه رنج بودن دنيا آن که آدمی، آنچه را که نمی خورد، گرد می آورد، و بنایی را که در آن سکنه نمی گزیند، می سازد. 93.1. كنز العمّال مرفوعا عن رجل من آل الحکم بن أیامام علي عليه السلام: در شگفتم از کسی که دنيا، این سرای نیستی را آباد می کند، حال آن که در سرای ماندگاری اقامت خواهد گزید. 92. روی الكليني قدس سره ياسناده عن جميل بن درّاج، قال امام علي عليه السلام: ای مردم! بدانید که دنيا، سرای نیستی است و آخرت، سرای ماندگاری. پس، از گذرگاهتان برای اقامتگاهتان [توشه] بگیرید و در نزد کسی که رازهای شما بر او پوشیده نیست، پرده دری مکنید. 91. ومنها ما رواه الصدوق في الهداية: امام علي عليه السلام: اگر دنيا برای کسی از شما باقی می ماند، به کسی که دنيا در دست اوست، نرسیده بود.

90. وبهذا الإسناد عن القاسم بن عروة، عن شجرة أخي بشير عنه عليه السلام: **إِنَّ مِنْ نَكَدٍ (1) الدُّنْيَا أَنَّهُ لَا تَبْقَى عَلَى حَالَةٍ، وَلَا تَخْلُو مِنْ اسْتِحَالَةٍ، تُصْلِحُ جَانِبًا بِفَسَادِ جَانِبٍ، وَتُسْرُّ صَاحِبًا بِمَسَاءَةِ صَاحِبٍ، فَالْكُونُ فِيهَا حَظَرٌ، وَالثَّقَّةُ بِهَا عَزْرٌ، وَالإِخْلَادُ إِلَيْهَا مُحَالٌ، وَالإِعْتِمَادُ عَلَيْهَا ضَلَالٌ.** (2) 89. ما رواه النوري عن كتاب القراءات للسياري، عن البرعنه عليه السلام: **كَفَاكَ مِنْ عُيُوبِ الدُّنْيَا أَلَّا تَبْقَى.** (3) 88. وكذا المحقق في الشرائع قال: **عنه عليه السلام: إِحْذَرُوا الزَّائِلَ الشَّهِيَّ، وَالفَانِيَّ المَحْبُوبَ.** (4) 87. الطبرسي في مجمع البيان من قوله: **عنه عليه السلام: كُلُّ أَحْوَالِ الدُّنْيَا زَلْزَالٌ، وَمِلْكُهَا سَلْبٌ وَانْتِقَالٌ.** (5) 86. الصدوق بإسناده عن معاوية بن عمّار، عن أبي عبد اللعنه عليه السلام: **الدُّنْيَا مُنْتَقِلَةٌ فَانِيَّةٌ، إِنْ بَقِيَ لَكَ لَمْ تَبْقَ لَهَا.** (6) 85. ما رواه العياشي والمحقق في المعتمد نقلاً عن كتاعنه عليه السلام: **كُلُّ مُدَّةٍ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى انْتِهَائِهَا، وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مَمَاتٍ وَفَنَاءٍ.** (7) 84. ما رواه الشيخ بإسناده عن ابن أبي عمير، عن بعض أصحابه عليه السلام: **لَا تَتَنَافَسُوا فِي عَزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا، وَلَا تَعَجَبُوا بِزَيْنَتِهَا وَنَعِيمِهَا، وَلَا تَجَزَعُوا مِنْ صَدْرَائِهَا وَبُؤْسِهَا؛ فَإِنَّ عَزَّ الدُّنْيَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ، وَإِنَّ زَيْنَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ، وَإِنَّ ضَرَّهَا وَبُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَى، وَكُلُّ حَيٍّ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبِلَاءٍ.** (8).

1- النَكَدُ: الشُّؤْمُ وَاللُّؤْمُ (لسان العرب: ج 3 ص 427 «نكد»).

2- غرر الحكم: ح 3684، عيون الحكم والمواعظ: ص 144 ح 3214.

3- المواعظ العددية: ص 60.

4- غرر الحكم: ح 2587.

5- غرر الحكم: ح 6916، عيون الحكم والمواعظ: ص 376 ح 6371.

6- غرر الحكم: ح 1802، عيون الحكم والمواعظ: ص 22 ح 151.

7- غرر الحكم: ح 6920، عيون الحكم والمواعظ: ص 377 ح 6374 و6375.

8- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 430 ح 1263، نهج البلاغة: الخطبة 99، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 254 وليس فيهما «وبلاء»،

مصباح المتهجد: ص 381 ح 508 عن زيد بن وهب وفيه «ارتجاع» بدل «زوال» وليس فيه «فناء»، بحار الأنوار: ج 73 ص 113 ح

109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

83.2 . وپاسنده عن العلاء، عن زید الشَّحَام، قال: امام علی علیه السلام: از بی خبری دنیاست که بر یک حال نمی ماند و از دگرگونی خالی نیست؛ با خراب کردن گوشه ای، گوشه ای دیگر را آباد می کند و با ناراحت کردن دوستی، دوستی دیگر را شاد می کند. پس بودن در دنیا با خطرها همراه است و اعتماد کردن به آن، فریب خوردن است و دل بستن به آن، نشاید و تکیه کردن به آن، خطاست. 82.1 .

الشیخ الطوسی یاسنده عن ابن مسکان، عن زید الشامام علی علیه السلام: از عیب های دنیا، همین تو را بس که نمی ماند. 81.3 . الشیخ الطوسی یاسنده عن السکونی، عن جعفر، عن امام علی علیه السلام: از آن دلخواهی که زوال می پذیرد و از آن دلداری که نیستی می گیرد، دوری کنید. 80.2 . الکلینی یاسنده عن عمّار بن موسی عن ابي عبد الامام علی علیه السلام: احوال دنیا، همه لرزان است و دارایی آن، گرفتگی و قابل سپردن به دیگری. 79.1 . الکلینی یاسنده عن عبد الله بن سنان، عن ابي امام علی علیه السلام: دنیا، در حال انتقال از یکی به دیگری است و از کف رفتنی است. گیرم که دنیا برای تو بماند، تو برای آن نمی مانی. 78.2 . ابن ماجه یاسنده عن عبد الوهاب الثقفي، عن جعفر امام علی علیه السلام: هر زمانی از دنیا، سرانجام به پایان می رسد و هر زنده ای در آن، رو به سوی مرگ و نیستی است. 77.1 .

الشیخ الطوسی یاسنده عن جعفر بن محمد، عن ابي امام علی علیه السلام: در کسب عزّت و افتخارات دنیوی با هم به رقابت برنخیزید و به زیور و نعمت آن، سرخوش نشوید و بر سختی و مشقّت دنیا، بی تابی مکنید؛ زیرا که عزّت و افتخارات دنیا به سر می آید و زیور و نعمت آن، زوال می گیرد و سختی و مشقّتش به پایان می رسد. هر زمانی از دنیا پایانی دارد و هر زنده ای از آن، به نیستی و پوسیدگی می انجامد. .

76.1 . ما روي عن رسول الله صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: يَبْغِي لِمَنْ عَرَفَ دَارَ الْفَنَاءِ أَنْ يَعْمَلَ لِإِدَارِ الْبَقَاءِ . (1)75. روي عن النبي صلى الله عليه وآله أنه نظر إلى بعضه عليه السلام :إتقوا الله عباد الله . . . وكونوا قوما صيخ بهم فانتبهوا ، وعلموا أن الدنيا ليست لهم بدارٍ فاستبدلوا . (2)74.2 . محمد بن يعقوب بإسناده، عن محمد بن مسلم عن أعنه عليه السلام :أين الذين ملكوا من الدنيا أقاصيها ؟! (3)73.1 . روى أبو هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام :أين الذين بلغوا من الدنيا أقاصيها ؟! (4)72. ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن أبي بصير، قال:عنه عليه السلام :أسباب الدنيا مُنْقَطَعَةٌ ، وَعَوَارِيهَا مُرْتَجِعَةٌ . (5)71.2 . الشيخ بإسناده عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بالإمام زين العابدين عليه السلام :العَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمَلَ لِإِدَارِ الْفَنَاءِ ، وَتَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ . (6)70.1 . الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن محمد بن سنانتبويه الخواطر :زُوي أن سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ فِي مَوْكِبِهِ وَالطَّيْرُ تُظِلُّهُ ، وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ \_ قَالَ : \_ فَمَرَّ بِعَابِدٍ مِنْ عِبَادِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، فَقَالَ : وَاللَّهِ يَا بْنَ دَاوُدَ ، لَقَدْ آتَاكَ اللَّهُ مُلْكَاً عَظِيماً! قَالَ : فَسَدِّمِعُهُ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : لَتَسْبِيحَةً فِي صَدْحِيْفَةٍ مُرْمُومٍ خَيْرٌ مِمَّا أُعْطِيَ ابْنُ دَاوُدَ ، وَإِنَّ مَا أُعْطِيَ ابْنَ دَاوُدَ يَذْهَبُ وَالتَّسْبِيحَةُ تَبْقَى . (7)69.2 . الشيخ الطوسي في الاستبصار بإسناده عن الحسن بن الإمام علي عليه السلام \_ فِي الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ \_ : إِنَّ الَّذِينَ بَنَوْا فِطَالَ بِنَاؤُهُمْ وَاسْتَمْتَعُوا بِالْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ جَرَّتِ الرِّيَاحُ عَلَى مَحَلِّ دِيَارِهِمْ فَكَانَتْهُمْ كَانُوا عَلَى مِيعَادٍ وَأَرَى النَّعِيمَ وَكُلَّ مَا يُلْهَى بِهِ يَوْمًا يَسِيرٌ إِلَى بِلَى وَتَفَادٍ (8)9 .

- 1- .غرر الحكم : ح 10929 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 551 ح 10168 .
- 2- .نهج البلاغة : الخطبة 64 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 396 ح 6697 وح 6700 وفيه «بِدارهم» بدل «لهم بدارٍ» .
- 3- .غرر الحكم : ح 2811 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 129 ح 2930 .
- 4- .غرر الحكم : ح 2814 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 130 ح 2936 .
- 5- .غرر الحكم : ح 1365 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 70 ح 1777 وص 127 ح 2893 وفيهما «وأحبابها بها مُتَفَجِّعَةٌ» بدل «وعوارِيها مُرْتَجِعَةٌ» .
- 6- .الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ : ص 664 ح 1387 ، المحاسن : ج 1 ص 378 ح 832 نحوه وكلاهما عن أبي حمزة الثمالي ، جامع الأخبار : ص 296 ح 810 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 142 ح 4 .
- 7- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 129 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 83 ح 27 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 300 .
- 8- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص 206 الرقم 134 .

68.1. الكليني يأسناده عن إسماعيل بن جابر، قال: امام علي عليه السلام: برای کسی که سرای نیستی را شناخته، سزاوار است که برای سرای ماندگاری کار کند. 67.2. ورواه الشيخ الطوسي في التهذيب يأسناده عن محمّام علي عليه السلام: ای بندگان خدا! از خدا پروا کنید... و [چونان] مردمانی باشید که بر آنان، بانگ زده شد و بیدار شدند و دریافتند که دنیا، خانه آنها نیست و از این رو، جایگزینش کردند. 66.1. قال الصدوق قدس سره: امام علي عليه السلام: کجایند آنان که تا دوردست های زمین، پادشاهی کردند؟! 65.2. الكليني أيضا والمفيد يأسنادهما إلى شاهويه بن عامام علي عليه السلام: کجایند آنان که به دورترین خواست های دنیوی رسیدند؟! 64.1. محمّد بن يعقوب يأسناده إلى عليّ بن عمرو العطاء امام علي عليه السلام: اسباب دنیا از هم گسیختنی است و عاریه های آن، بازگشتنی. 63. وما رواه الأخيران عن أبي عبد الله عليه السلام \_ امام زين العابدين عليه السلام: شگفتا، بس شگفتا از آن که برای سرای نیستی می کوشد و بر سرای ماندگاری چشم می پوشد! 62. كما رواه المشايخ الثلاثة \_ الكليني والشيخ الطوسيتنبيه الخواطر: روایت شده است که سلیمان بن داوود علیهما السلام با گروه همراه خود می رفت، در حالی که پرندگان بر او سایه افکنده بودند و جّیان و آدمیان، از راست و چپ او حرکت می کردند. بر عابدی از عابدان بنی اسرائیل گذشت. عابد گفت: ای پور داوود! به خدا سوگند که خداوند، سلطنت با عظمتی به تو عطا کرده است.

سلیمان علیه السلام که سخن او را شنید، گفت: «يك ذكر سبحان الله در کارنامه مؤمن، بهتر از آن چیزی است که به پور داوود داده شده است؛ زیرا آنچه به پور داوود داده شده، می رود و ذکر تسبیح می ماند». 61.2. الكليني، عن عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابنا امام علي عليه السلام \_ در دیوان منسوب به ایشان \_ : آنان که بناهای بلند بر ساختند و از زن و فرزندان، برخوردار شدند. بادها بر خانه هایشان همی وزید

انگار که بر این قرار، وعده داشتند. و نعمت ها و همه سرگرمی ها را می بینم

که روزی کهنه و نابود می شوند. 1.

60.1 . مارواه الشيخ الطوسي بإسناده عن الحسين بن سعيد عنه عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : تَحَرَّزَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ فَنَاءَهَا مَحَلٌّ  
فَنَاءٌ لَا مَحَلَّ بَقَاءٍ فَصَمَّ فَمَوْتُهَا مَمْرُوجَةٌ بِكُدُورَةٍ وَرَاحَتُهَا مَقْرُونَةٌ بِعَنَاءٍ (1) 59.2. الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن أيوب بن نوح، عنه عليه  
السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ إِنَّمَا الدُّنْيَا كَبَيْتٍ نَسَّجَتْهُ الْعَنَكَبُوتُ وَلَقَدْ يَكْفِيكَ مِنْهَا أَيُّهَا الطَّالِبُ  
قَوْتُ وَلَعَمْرِي عَنْ قَلِيلٍ كُلُّ مَنْ فِيهَا يَمُوتُ (2) .

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص 38 الرقم 10 .

2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص 162 الرقم 90 .

58.1 . الكليني، عن محمد بن إسماعيل، عن الفضيل بن شامام علي عليه السلام \_ در ديوان منسوب به ایشان \_ : حَدَّرَ از دنيا، که دنياى فانى منزلگاه رفتن است ، نه جاى ماندن . زلالى اش آميخته با تيرگى است و آسودگى اش قرين رنج .57. تفسير فرات وفي شواهد التنزيل عن [ الإمام ] عليّ علام علي عليه السلام \_ در ديوان منسوب به ایشان \_ : جز اين نيست که دنيا فانى است دنيا را پايندگى نيست . دنيا ، همانند خانه اى است که عنكبوت آن را بتد . تو را از دنيا بسنده کند اى دنياجوى، قُوتى . به جانم سوگند که به زودى هرکه در آن است ، مى ميرد . . .

ل \_ سَرِيعةُ الزَّوَالِ 1. 55. الطبرسي: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً. (1) 54. منها: عنه صلى الله عليه وآله: وَاللَّهِ مَا يُسَاوِي مَا مَضَى مِنْ دُنْيَاكُمْ هَذَا بِأَهْدَابِ (2) بُرْدِي هَذَا، وَلَمَا بَقِيَ مِنْهَا أَشْبَهُ بِمَا مَضَى مِنَ الْمَاءِ بِالْمَاءِ، وَكُلُّهُ إِلَى بَقَاءِ وَشَيْءٍ وَزَوَالِ قَرِيبٍ. (3) 53. وروى ابن حنبل بإسناده عن أبي هريرة قال: عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ بَعَثَهُ وَهُوَ ابْنُ خَمْسِينَ وَمِئَتَيْ سَنَةٍ، فَلَبِثَ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا، وَبَقِيَ بَعْدَ الطُّوفَانِ خَمْسِينَ وَمِئَتَيْ سَنَةٍ، فَلَمَّا أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ قَالَ: يَا نُوحُ، يَا أَكْبَرَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَا طَوِيلَ الْعُمُرِ وَيَا مُجَابَ الدَّعْوَةِ، كَيْفَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا؟ قَالَ: مِثْلَ رَجُلٍ بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ لَهُ بَابَانِ فَدَخَلَ مِنْ وَاحِدٍ وَخَرَجَ مِنَ الْآخَرِ. (4) 52. وروى أيضا بإسناده عن علي عليه السلام قال: الإمام الصادق عليه السلام: عاش نوح عليه السلام أَلْفِي سَنَةٍ وَثَلَاثِمِئَةَ سَنَةٍ؛ مِنْهَا ثَمَانِمِئَةٌ وَخَمْسُونَ سَنَةً قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ، وَأَلْفُ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا وَهُوَ فِي قَوْمِهِ يَدْعُوهُمْ، وَخَمْسِمِئَةَ عَامٍ بَعْدَ مَا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَنَضَبَ (5) الْمَاءَ، فَصَبَرَ الْأَمْصَارَ، وَأَسْكَنَ وُلْدَهُ الْبُلْدَانَ.

ثُمَّ إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ جَاءَهُ وَهُوَ فِي الشَّمْسِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ!

فَرَدَّ عَلَيْهِ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: مَا جَاءَ بِكَ يَا مَلَكُ الْمَوْتِ؟

قَالَ: جِئْتُكَ لِإِقْبَاضِ رُوحِكَ.

قَالَ: دَعْنِي أَدْخُلْ مِنَ الشَّمْسِ إِلَى الظِّلِّ.

فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ.

فَتَحَوَّلَ، ثُمَّ قَالَ: يَا مَلَكُ الْمَوْتِ، كُنْتُ مَا مَرَّ بِي مِنَ الدُّنْيَا مِثْلَ تَحْوِيلِي مِنَ الشَّمْسِ إِلَى الظِّلِّ، فَامْضِ لِمَا أَمَرْتَنِي بِهِ. فَاقْبَضْ رُوحَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (6).

- 1- عوالي اللآلي: ج 1 ص 285 ح 131، مصباح الشريعة: ص 33 وفيه «عبادة» بدل «طاعة»، بحار الأنوار: ج 70 ص 68 ح 14.
- 2- هُدْبُ الثَّوْبِ: ما على أطرافه (الصحاح: ج 1 ص 237 «هدب»).
- 3- أعلام الدين: ص 341 ح 28 عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 77 ص 183 ح 10.
- 4- تفسير القرطبي: ج 13 ص 333، كنز العمال: ج 3 ص 235 ح 6320 نقلاً عن ابن عساكر؛ كشف الغمّة: ج 3 ص 333، إعلام الوري: ج 1 ص 305 كلّها عن أنس وراجع تنبيه الخواطر: ج 1 ص 131 و مصباح الشريعة: ص 169.
- 5- نَضَبَ الْمَاءِ: غار في الأرض (المصباح المنير: ص 609 «نضب»).
- 6- الكافي: ج 8 ص 284 ح 429، قصص الأنبياء: ص 87 ح 80، روضة الواعظين: ص 488، الأمالي للصدوق: ص 602 ح 836، كمال الدين: ص 523 ح 1 كلاهما عن هشام بن سالم وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج 11 ص 285 ح 2.



## ل - زودگذر

ل - زودگذر 50. روی الکلینی قدس سره یاسناده عن حمزة بن محمد، قال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، ساعتی است. پس آن را به طاعت بگذران. 49.2. الصدوق یاسناده عن ابراهیم بن محمد الهمدانی قپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدا سوگند، آنچه از این دنیای شما سپری شده، با نخ های زاید [اطراف] این ردای من، برابری نمی کند و باقی مانده آن به گذشته اش مانند تر از آب به آب است، و زودا که همه زوال گیرند و به [سرای] ماندگاری روند. 48.1. روی البخاری یاسناده عن ابي هريرة، عن النبي صلی الله علیه و آله: زمانی که خداوند، نوح علیه السلام را به پیامبری در میان قومش برانگیخت، دویست و پنجاه سال از عمر نوح می گذشت و نهصد و پنجاه سال نیز در میان قومش دعوت کرد و پس از توفان نیز دویست و پنجاه سال ماند و [با این حال] چون مَلَك الموت نزد او آمد، گفت: ای نوح! ای بزرگ ترین پیامبران، ای صاحب عمر دراز، ای مستجاب الدعوه! دنیا را چگونه دیدی؟

نوح علیه السلام گفت: «مثل مردی که برایش خانه ای بنا شود، با دو در که از یکی در آید و از دیگری به در رود». 47.2. الصدوق یاسناده عن ابي الصلت الهروي، قال: امام صادق علیه السلام: نوح علیه السلام دو هزار و سیصد سال، عمر کرد. هشتصد و پنجاه سال آن را پیش از آن که برانگیخته شود، نهصد و پنجاه سال را به دعوت قومش پرداخت و پانصد سال پس از آن که از کشتی فرود آمد و آب، فروکش کرد و شهرها را ساخت و فرزندانش را در آبادی ها اسکان داد.

سپس، مَلَك الموت، نزد او که در گوشه آفتاب نشسته بود، آمد و گفت: سلام بر تو!

نوح علیه السلام جواب سلامش را داد و گفت: «برای چه آمده ای، ای ملك الموت؟».

گفت: آمده ام که جان تو را بگیرم.

نوح علیه السلام گفت: «اجازه بده که از آفتاب به سایه بروم».

ملك الموت گفت: باشد.

نوح علیه السلام به سایه رفت و سپس گفت: ای ملك الموت! این همه عمری که در دنیا سپری کردم، همانند این رفتنم از آفتاب به سایه بود. حالا مأموریتت را اجرا کن».

ملك الموت نیز جان نوح علیه السلام را گرفت.

46.1 . علي بن إبراهيم بإسناده عن هشام، عن الصادق علا إمام علي عليه السلام \_ في ذم الدنيا \_ : أذكروا عند تصرفها بكم سرعة انقضائها عنكم ، ووشك زوالها ، وضعف مجالها ، ألم تجدكم على مثال من كان قبلكم ، ووجدت من كان قبلكم على مثال من كان قبلهم ، جيل بعد جيل ، وأمة بعد أمة ، وقرن بعد قرن ، وخلف بعد خلف ، فلا هي تستحي من العار ، وما لا ينبغي من المبديات ، ولا تخجل من الغدر . (1) 45. وروى أيضا بإسناده عن علي عليه السلام قال : عنه عليه السلام : إن الدنيا سريعة التحول ، كثيرة التثقل ، شديدة الغدر ، دائمة المكر ، فأحوالها تتزلزل ، ونعيمها يتبدل ، ورخاؤها يتنقص ، ولذاتها تنغصص ، وطالبيها يذل ، وراكبيها يزل . (2) 44. روى الصدوق بإسناده عن الحسين بن خالد، قال : عنه عليه السلام : أولا ترى أن الدنيا ساعة بين ساعتين ؛ ساعة مضت ، وساعة بقيت ، وساعة أنت فيها! . (3) .

1- .بحار الأنوار : ج 73 ص 115 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

2- .غرر الحكم : ح 3685 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 147 ح 3245 .

3- .التحصيل لابن فهد : ص 16 ح 28 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 112 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

43. کما روی الکلینی قدس سره یاسناده عن حمزة بن محمد، امام علی علیه السلام \_ در نکوهش دنیا \_ : در هنگام برگشتن دنیا از شما، به یاد آورید که دنیا بر شما زود می گذرد، محکوم به زوال است و عرصه اش تنگ. آیا شما را به مانند کسانی که پیش از شما بودند، نیافت، و پیشینیان شما را نیز به مانند پیشینیان آنان: نسلی از پی نسلی، و امتی از پس امتی و قومی از پس قومی؟ پس، دنیا از ننگ و از رسوایی ها شرم نمی کند و از خیانت و بی وفایی خجالت نمی کشد. 42.2. الصدوق یاسناده عن ابراهیم بن محمد الهمدانی، امام علی علیه السلام : دنیا، زود از حالی به حالی در می آید و بسیار جا به جا می شود، سخت عهدشکن و بی وفاست و پیوسته، مکاری می کند. احوال آن، لرزان است و نعمت هایش در حال تغییر؛ آسودگی اش کاستی می پذیرد و خوشی هایش به تلخی می گراید. جوینده آن، خوار می شود و سوار بر آن، می لغزد. 41.1. ابن حنبل یاسناده عن أبیهریره، عن النبی صلی اللامام علی علیه السلام : نمی بینی که دنیا ساعتی است میان دو ساعت: ساعتی که گذشته و ساعتی که باقی مانده، و ساعتی که تو در آنی؟! .

40. روى الكليني بإسناده عن زرارة والفضيل، عن أبي جعفر الإمام الصادق عليه السلام: إصبروا على طاعة الله وتصبروا عن معصية الله، فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ؛ فَمَا مَضَى فَلَيْسَ تَجِدُ لَهُ سُدُورًا وَلَا حُزْنَ، وَمَا لَمْ يَأْتِ فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ، فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا، فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ. (1) راجع: ج 2 ص 266 (خصائص الآخرة / دار البقاء).

م \_ مَحْفُوفَةٌ بِالشَّهَوَاتِ 37. روى الشيخ قدس سره بإسناده عن صفوان بن يحيى، عن إرسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا إِنَّ الآخِرَةَ اليَوْمَ مُحَفَّفَةٌ (2) بِالْمَكَارِهِ، وَإِنَّ الدُّنْيَا مُحَفَّفَةٌ بِالشَّهَوَاتِ (3) 36.2. الشيخ بإسناده عن جعفر بن بشير، عن إسماعيل، عن الإمام علي عليه السلام: إِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا حُلُوهٌ خَصِرَةٌ (4)، حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ، وَتَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ، وَرَاقَتْ (5) بِالْقَلِيلِ، وَتَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ، وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ. لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا (6)، وَلَا تُؤْمَنُ فَجَعَتُهَا، غَرَارَةٌ ضَرَارَةٌ، حَائِلَةٌ زَائِلَةٌ، نَافِذَةٌ بَازِلَةٌ، أَكَالَةٌ غَوَالَةٌ (7). (8) راجع: ج 2 ص 276 (خصائص الآخرة / دار محفوفة بالمكاره).

- 1- الكافي: ج 2 ص 459 ح 21 عن سماعة وص 454 ح 4 نحوه، تحف العقول: ص 396 عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام وراجع الزهد للحسين بن سعيد: ص 46 ح 124.
- 2- حَفَّ القَوْمُ بالشَّيْءِ وَحَوَالِيهِ وَحَفُّهُ وَحَفَّفُوهُ: أَحْدَقُوا بِهِ وَأَطَافُوا بِهِ وَعَكَفُوا وَاسْتَدَارُوا (لسان العرب: ج 9 ص 49 «حفف»).
- 3- المعجم الكبير: ج 19 ص 200 ح 449 عن كليب بن حزن، كنز العمال: ج 15 ص 932 ح 43598 نقلاً عن ابن مندة عن معاوية بن خفاجة.
- 4- خَصِرَةٌ: أَي غَصَّةٌ نَاعِمَةٌ طَرِيَّةٌ (النهاية: ج 2 ص 41 «خضر»).
- 5- راقني الشيء: أي أعجبني (الصحاح: ج 4 ص 1486 «روق»). قال ابن أبي الحديد: أي أعجبت أهلها، وإنما أعجبتهم بأمرٍ قليلٍ ليس بدائم (شرح نهج البلاغة: ج 7 ص 228).
- 6- الحبرة: النعمة وسعة العيش، وكذلك الحبور (النهاية: ج 1 ص 327 «حبر»).
- 7- التَغَوَّلُ: التَّلَوُّنُ فِي صُورِ شَيْءٍ. وَتَغَوَّلُهُمْ: تُضِلُّهُمْ عَنِ الطَّرِيقِ (انظر النهاية: ج 3 ص 397 وص 396 «غول»).
- 8- نهج البلاغة: الخطبة 111، تحف العقول: ص 180 نحوه، غرر الحكم: ح 3686 وفيه «نصرة» بدل «خضرة» وليس فيه «وتحبيبت بالعاجلة»، بحار الأنوار: ج 73 ص 96 ح 82؛ مطالب السؤول: ص 50 نحوه.

**م \_ احاطه شده به شهوت ها**

34. روی الكليني والشيخ الطوسي والصدوق قدّست أَسرارهم بامام صادق عليه السلام: بر طاعت خدا بشكيبید و بر ترك معصيت او صبوری كنید؛ چرا كه دنيا ساعتی بیش نیست؛ زیرا برای آنچه گذشته است، نه شادی ای می یابی و نه اندوهی، و آنچه هم كه نیامده است، نمی دانی چگونه است. پس، بر آن ساعتی كه در آنی صبر كن، گویا كه تورشك برده شده ای. ر. ك: ج 2 ص 267 (ویژگی های آخرت / سرای ماندگاری).

م \_ احاطه شده به شهوت ها 31. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدانید كه آخرت را ناملايمات در میان گرفته است، و دنيا را خوشی ها و شهوات احاطه کرده است. 30.1. قال السيوطي في الدرّ المنثور: امام على عليه السلام: من، شما را از دنيا بر حذر می دارم؛ زیرا كه دنيا شیرین و خرم است و تمایلات نفسانی آن را در میان گرفته است؛ با لذت های زودگذرش دل می برد و با [متاع] اندك خود، جلوه گری می كند؛ به آرزوها آراسته است و با زیور فریب، خود را می آراید؛ ناز و نعمتش پایدار نیست و از مصائب آن، ایمنی نیست؛ گول زننده است و آسیب رسان؛ دگرگون شونده است و زوال پذیر؛ پایان پذیر است و نابود شونده؛ آدمخوار است و مرگبار. ر. ك: ج 2 ص 277 (ویژگی های آخرت / سرای محصور در ناملايمات).

1 / 3 خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا<sup>26</sup>. وروى أيضا بإسناده عن عليّ عليه السلام، قال: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّكُمْ خُلِقْتُمْ لِالْآخِرَةِ، وَالْدُنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ . (1)25. روى الصدوق بإسناده عن الحسين بن خالد، قال: عنه صلى الله عليه وآله \_ في خُطْبَةٍ لَهُ \_ :فَلْيَأْخُذِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ، وَمِنْ دُنْيَاةٍ لِالْآخِرَةِ . (2)24. روى ابن حنبل بإسناده عن أبي هريرة عن النبي صلى الإلام عليه السلام: الدُنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَلَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا . (3)23. وروى الصدوق بإسناده عن إبراهيم بن محمد الهمدعنه عليه السلام: فِي الدُنْيَا حَيَاتُكُمْ، وَلِلْآخِرَةِ خُلُقُكُمْ . (4)22. روى الكليني قدس سره بإسناده عن حمزة بن محمد، عنه عليه السلام: إِنَّكَ مَخْلُوقٌ لِالْآخِرَةِ فَاعْمَلْ لَهَا . إِنَّكَ لَمْ (5) تُخْلَقْ لِلدُنْيَا فَازْهَدْ فِيهَا وَأَعْرِضْ عَنْهَا . (6)21. قال حرب الكرمانى فى كتاب السنّة:عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي أَصْبَحْتُمْ تَتَمَتَّنُونَهَا وَتَرْغَبُونَ فِيهَا وَأَصْبَحْتُمْ تُغْضِبُكُمْ وَتُرْضِيكُمْ، لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ، وَلَا مَنَزِلِكُمْ الَّذِي خُلِقْتُمْ لَهُ وَلَا الَّذِي دُعِيتُمْ إِلَيْهِ . أَلَا وَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِبَاقِيَةٍ لَكُمْ وَلَا تَبْقُونَ عَلَيْهَا، وَهِيَ وَإِنْ غَرَّتْكُمْ مِنْهَا فَقَدْ حَذَّرْتُمْ شَرَّهَا، فَادْعُوا غُرُورَهَا لِتَحْذِيرِهَا، وَأَطْمَاعَهَا لِتَخْوِيفِهَا، وَسَابِقُوا فِيهَا إِلَى الدَّارِ الَّتِي دُعِيتُمْ إِلَيْهَا . (7).

- 1- .شعب الإيمان : ج 7 ص 360 ح 10581 عن الحسن البصري، تنبيه الغافلين : ص 238 ح 309 عن جابر بن عبد الله .
- 2- .الكافي : ج 2 ص 70 ح 9 عن حمزة بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول : ص 27 وليس فيه «المؤمن»، بحار الأنوار : ج 70 ص 362 ح 7 .
- 3- .نهج البلاغة : الحكمة 463، بحار الأنوار : ج 73 ص 133 ح 136 .
- 4- .عيون أخبار الرضا : ج 1 ص 298 ح 56، الأمالي للصدوق : ص 172 ح 174 كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسينى عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، مشكاة الأنوار : ص 468 ح 1567، الإرشاد : ج 1 ص 296، إرشاد القلوب : ص 19 وفيهما «حبستم» بدل «حييتم»، بحار الأنوار : ج 73 ص 88 ح 56 .
- 5- .فى المصدر «لن» بدل «لم»، وما فى المتن أثبتناه من عيون الحكم و المواعظ .
- 6- .غرر الحكم : ح 3810 و3811، عيون الحكم و المواعظ : ص 172 ح 3597 و ص 171 ح 3570 .
- 7- .نهج البلاغة : الخطبة 173، بحار الأنوار : ج 78 ص 95 ح 1 وراجع تحف العقول : ص 184 .

### 1 / 3 دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است

1 / 3 دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است 18. روی الکلینی باسناده عن سلیم بن قیس الهلالی ، قال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شما برای آخرت آفریده شده اید و دنیا برای شما آفریده شده است. 17. وعنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در یکی از خطبه هایش \_ بنده مؤمن باید از خود برای خود بهره گیرد و از دنیای خود برای آخرتش. 16. وعنه صلی الله علیه و آله \_ فی صفة علی علیه السلام امام علی علیه السلام : دنیا ، برای غیر خود آفریده شده و برای خودش آفریده نشده است. 15. عن رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : در دنیا زندگی می کنید ؛ اما برای آخرت ، آفریده شده اید. 14. وروی الهندی عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : تو برای آخرت آفریده شده ای . پس برای آن کار کن . تو هرگز برای دنیا خلق نشده ای . پس از دنیا دل برکن و از آن ، روی بگردان. 13. الکلینی مسندا عن رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هان! این دنیایی که شما آرزویش را دارید و خواهان آنید، ولی او شما را گاه ناخشنود و گاه خشنود می سازد، آن سرا و منزلگاهی نیست که برایش آفریده شده اید ، و نه آن جایی که بدان فرا خوانده شده اید.

هان! دنیا برای شما ماندگار نیست و شما نیز در آن باقی نمی مانید. دنیا، اگر چه شما را می فریبد ؛ اما همو، خود، شما را از شر خویش برحذر داشته است . پس ، هشدارش را بگیرید و فریبش را بگذارید و بیم دادنش را بگیرید و طمع هایش را وا نهید و در آن برای سرایی از یکدیگر سبقت بگیرید که به آن ، فرا خوانده شده اید.

12.2 . الكليني، والنعماني، والشريف الرضي، عن الإمام عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، وَابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، وَلَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا، وَلَا بِالسَّعْيِ لَهَا أَمْرُنَا، وَإِنَّمَا وُضِعْنَا فِيهَا لِنَبْتَلَى بِهَا، وَنَعْمَلْ فِيهَا لِمَا بَعْدَهَا. (1)11. وروى المفيد مرفوعاً: الإمام الصادق عليه السلام: أَحْكَمَ أَمْرَ دِينِكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ، فَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِدًا يُعْرَفُ بِهَا مَا غَابَ عَنْهَا مِنَ الْآخِرَةِ، فَاعْرِفِ الْآخِرَةَ بِهَا، وَلَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِالْإِعْتِبَارِ. (2)راجع: ص 106 (الدنيا مزرعة الآخرة)

وج 2 ص 282 (الفصل الثاني: الاهتمام بالآخرة).

1 / 4 مَثَلُ الدُّنْيَا - مَثَلُ حَمِيلَةِ الرَّبِيعِ الْكِتَابِ «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنْ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِ دَرُورَنَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبْ بِالْأَرْضِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». (3)

1- غرر الحكم: ح 3696، نهج البلاغة: الكتاب 55 وليس فيه ذيله، معادن الحكمة: ج 1 ص 277، بحار الأنوار: ج 33 ص 116 ح 409.

2- الكافي: ج 8 ص 243 ح 337 عن خالد بن نجيع، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 153.

3- يونس: 24.



**الف - مَثَل مرغزار بهاری**

3. وروی الكليني ياسناده عنه عن فضيل عن أبي عبد اللّٰه امام علي عليه السلام: خداوند بلند مرتبه، دنیا را برای پس از آن آفرید و مردمش را در آن به بوته آزمایش نهاد تا معلوم شود که چه کسی بهتر عمل می کند. ما برای دنیا آفریده نشده ایم و به تلاش برای آن، مأمور نشده ایم؛ بلکه در دنیا نهاده شده ایم تا به وسیله آن، آزموده شویم و در دنیا برای جهان پس از آن، کار کنیم. 2. روی الشيخ الطوسي ياسناده عن ابن أخي فضيل عن أبي امام صادق عليه السلام: کار دینت را استوار ساز، چنان که دنیاواران، کار دنیایشان را استوار می سازند؛ زیرا دنیا، در حقیقت، علامت و گواهی قرار داده شده تا با آن، غیب دنیا، یعنی آخرت، شناخته شود. پس به وسیله دنیا، آخرت را بشناس و به دنیا، جز با دیده اعتبار منگر. ر. ک: ص 107 (دنیا، کشتزار آخرت)

و ج 2 ص 283 (فصل دوم: اهتمام به آخرت).

1 / 4 مَثَل دُنیا الف - مَثَل مرغزار بهاری قرآن «در حقیقت، مَثَل زندگی دنیا به سان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم. پس گیاه زمین، از آنچه مردم و دام ها می خورند، با آن در آمیخت تا آن گاه که زمین، پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان، بر آن قدرت دارند. شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان در دیده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است. این گونه، نشانه ها [ی خود] را برای مردمی که می اندیشند، به روشی بیان می کنیم».

«وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنْ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيْحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا» . (1)

الحديث 15. محمد بن أبي عمير، عن الحسين الأحمسي، عن أبي عبد الإمام علي عليه السلام \_ في وصف الدنيا \_ :فهي كروضةٍ اعتم (2) مرعاها، وأعجبت من يراها، عذب شربها، طيب تربها، تمج عروقها الثرى (3)، وتنطف (4) فروعها الندى، حتى إذا بلغ العشب إبانة (5)، واستوى بنائه (6)، هاجت ريح تحت (7) الورق، وتفرق ما اتسق، فأصبحت كما قال الله: «هشيمًا تذروه الريح و كان الله على كل شئ مقتدرًا»، أنظروا في الدنيا في كثرة ما يعجبكم، وقلة ما ينفعكم . (8) 14. محمد بن أبي عمير، عن ابن بكير، عن أبي عبد اللالإمام الصادق عليه السلام: إن هذه الدنيا وإن امتعت ببهجتها وغرت بزبرجها، فإن آخرها لا يعدو أن يكون كآخر الربيع الذي يروق بخضرته ثم يهيج عند انتهاء مدته . وعلى من نصح لنفسه وعرف حق ما عليه وله، أن ينظر إليها نظر من عقل عن ربه جل وعلا، وحدّر سوء منقلبها؛ فإن هذه الدنيا قد خدعت قوما فارقوها أسرًا

ما كانوا إليها، وأكثر ما كانوا اغتباطا بها، طرقتهم آجالهم بيّاتا وهم نائمون، أو ضحى وهم يلعبون ... (9) .

1- الكهف: 45 .

2- اعتم: يقال للنبت إذا طال: قد اعتم (النهاية: ج 3 ص 302 «عمم»).

3- قال العلامة المجلسي قدس سره: في مصباح اللغة: «مخ الرجل الماء من فيه مَجًا: رمى به». وقال: «الثرى: ندى الأرض، والثرى \_ أيضا \_ : التراب الندي». أقول: إذا حملت الثرى على الندى، فالمعنى ظاهر؛ أي يترشح من عروقها الماء لكثرة طراوتها وارتوائها. وإذا حملت على التراب الندي، فالمعنى: تقذف عروقها الماء في الثرى، أو المراد أن عروقها لقوتها وكثرتها تقذف التراب وتدفعها إلى فوق وترفعها (مرآة العقول: ج 25 ص 35).

4- تنطف: تقطر (النهاية: ج 5 ص 75 «نطف»).

5- إبان كل شيء: وقته وحينه الذي يكون فيه (لسان العرب: ج 13 ص 4 «أبن»).

6- البنان: الرياض الحالية بالزهر (المعجم الوسيط: ج 1 ص 72 «بن»).

7- الحت: سقوط الورق عن الغصن وغيره (تاج العروس: ج 3 ص 34 «حت»).

8- الكافي: ج 8 ص 17 ح 3 عن محمد بن إسماعيل الهمداني عن الإمام الكاظم عليه السلام .

9- بحار الأنوار: ج 94 ص 272 ح 1 نقلًا عن مهج الدعوات: ص 222 عن الربيع وفي بعض عباراته شيء من التصحيف .

«و برای آنان، زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان، فرو فرستادیم. سپس، گیاه زمین با آن در آمیخت و [چنان] خشک گردید که بادهای پراکنده اش کردند؛ و خداست که همواره بر هر کاری تواناست».

حدیث 11. امام علی علیه السلام \_ در وصف دنیا \_ : دنیا چون مرغزاری است که گیاهانش قد کشیده و بیننده اش را خوش می آید، آبش گواراست و خاکش خوش. از آوند هایشان تری می تراود و از شاخه هایشان ژاله می چکد، و چون سبزه هایش رشد کنند و گل و گیاهانش قامت بیفزایند، به ناگاه، بادی وزیدن می گیرد و برگ ها را فرو می ریزد و آن همه نظم و هماهنگی را از هم می پراکند و چنان می شود که خداوند فرموده است: «و چنان خشک گردید که بادهای پراکنده اش کردند، و خداست که همواره بر هر کاری تواناست. دنیا را بنگرید که از آنچه شما را خوش می آید، چه فراوان دارد و آنچه شما را سودمند می افتد، چه اندک دارد». 10. ابراهیم بن ابی البلاد، عن ابیه، عن بعض أصحابهم امام صادق علیه السلام: این دنیا، اگرچه با خرمی هایش لذت می بخشد و با زرق و برقش می فریبد، اما فرجامی جز فرجام بهار ندارد که سرسبزی آن، دل نشین است؛ لیکن در پایان عمر بهار، آن همه خرمی می خشکد. آن که دلسوز خویش است و وظایف و حقوق خویشتن را می شناسد، باید به دنیا چونان کسی بنگرد که خداپسندانه می اندیشد و از بدفرجامی خویش بترسد؛ زیرا این دنیا، مردمانی را فریفت و در حالی از دنیا جدا شدند که در اوج سرخوشی از دنیا و شادمانی نسبت به آن بودند، شب هنگام که خفته بودند یا روز هنگام که سرگرم بازی [و تفریح] بودند، اجل هایشان، ناگاه به سراغشان آمد... .

ب \_ مَثَلُ الْقَنْطَرَةِ 8. الحسنُ بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن زيد بن عليّ، الإمام عليّ عليه السلام \_ فِي الْحَثِّ عَلَى الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا \_ : مَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ وَالْوَالِدِ مَنْ يَخْرُجُ مِنْهَا وَيُحَاسِبُ عَلَيْهَا؟! عُرَاءٌ دَخَلْتُمُ الدُّنْيَا وَعُرَاءٌ تَخْرُجُونَ مِنْهَا ، وَإِنَّمَا هِيَ قَنْطَرَةٌ فَاعْبُرُوا عَلَيْهَا وَانْتَظَرُوهَا . (1)7. الحسنُ بن علوان، عن سعد بن طريف، عن زيد بن عليّ، عنه عليه السلام : الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةُ . (2)6. النَّضْرُ بن سُويد، عن دُرُست، عن أَبِي الْمَغْرَا، عن الإمام زين العابدين عليه السلام \_ لِأَصْحَابِهِ \_ : أَمَا بَلَّغْتُمْ مَا قَالَ عَيْسَى بنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ ! قَالَ لَهُمْ : الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ ، فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا (3) . (4)5. الحسنُ بن محبوب، عن عليّ بن رثاب، عن أَبِي عُبيدة، شُعب الإيْمَان عن مالك بن دينار : قالوا لِعَيْسَى بنِ مَرْيَمَ : يَا رُوحَ اللَّهِ ، أَلَا نَبْنِي لَكَ بَيْتًا؟ قَالَ : بَلَى ، ابْنُوهُ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ . قالوا : إِذَا يَجِيءُ الْمَاءُ فَيَذْهَبُ بِهِ ! قَالَ : أَيْنَ تُرِيدُونَ تَبْنُونَ لِي ؟ عَلَى الْقَنْطَرَةِ؟! (5) .

1- .إرشاد القلوب : ص 19 .

2- .غرر الحكم : ح 439 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 19 ح 64 .

3- .قال في تنبيه الخواطر بعد نقله قول النبي عيسى عليه السلام : هو مثال واضح ، فإن حياة الدنيا معبر الآخرة ، والمهد هو المثل الأول على رأس القنطرة ، واللحد هو المثل الثاني ، وبينهما مسافة محدودة ؛ فمن الناس من قطع نصف القنطرة ، ومنهم من قطع ثلثها ، ومنهم من قطع ثلثيها ، ومنهم من لم يبق إلا خطوة واحدة وهو غافل عنها ، وكيف ما كان لا بد من العبور .

4- .الأمالى للمفيد : ص 43 ح 1 عن أبي حمزة الثمالي ، الخصال : ص 65 ح 95 عن الزهري ، التحصين لابن فهد : ص 30 ح 54 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 147 ، روضة الواعظين : ص 483 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 107 ح 107 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 317 .

5- .شُعب الإيْمَان : ج 7 ص 399 ح 10745 عن مالك بن دينار ، الدر المنثور : ج 2 ص 202 .

**ب - مَثَل پُل**

ب - مَثَل پُل 3. القاسم بن محمد، عن عليّ، عن أبي بصير، قال: امام علي عليه السلام - در ترغیب به بی اعتنائی به دنیا - مال و فرزند، کسی را که از دنیا می رود و برای آن حسابرسی می شود، چه به کار می آید؟! برهنه به دنیا در آمدید و برهنه از آن برون می روید. دنیا، در حقیقت، پُلی است. پس، از آن بگذرید و مراقبش باشید. 2. امام علی علیه السلام: دنیا، گذرگاه آخرت است. 1. حدّثنا الحسين بن سعيد، قال: امام زين العابدين عليه السلام - به یارانش - آیا به شما نرسیده است که عیسی بن مریم علیه السلام به حواریان چه گفت؟ به آنان فرمود: «دنیا، پُلی است. پس، از آن بگذرید و آبادش مسازید». 12. فضیل بن عثمان، عن أبي عُبَيْدة الحَدَّاء، قال: شُعب الایمان - به نقل از مالک بن دینار - به عیسی بن مریم گفتند: ای روح خدا! خانه ای برایت نسازیم؟

فرمود: «چرا. آن را بر کرانه دریا بسازید».

گفتند: آن گاه، آب می آید و آن را می بَرَد.

فرمود: «کجا می خواهید برایم بسازید؟ بر پُل؟!». (1)

---

1- در تنبیه الخواطر، پس از نقل این سخن عیسی علیه السلام آمده است: این يك مثال روشن است؛ چرا که زندگی دنیا پُل آخرت است. گهواره، يك سر این پل است و گور، سر دیگر این و میان این دو مسافتی محدود است. عدّه ای از مردم تا نیمه پل رفته اند، عدّه ای تا يك سوم، برخی تا دو سوم آن و برخی هم فقط يك گام تا انتهایش دارند و با این حال غافل اند. به هر حال، باید از این پل گذشت.

11. الحسن بن محبوب، عن أبي حمزة، عن أبي إسحاق، قال: الإمام الصادق عليه السلام: كان فيما وعظ به لقمان ابنه: يا بني . . . اجعل الدنيا بمنزلة قنطرة على نهر، جرت عليها وتركتهما، ولم ترجع إليها آخر الدهر. (1) ج \_ مثل الظل والغيم. 9. محمد بن أبي عمير، عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن الزهد عن عبد الله بن سنان: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: دخل على النبي صلى الله عليه وآله وهو على حصير قد أثر في جسمه، ووسادة ليف قد أثرت في خده. فجعل يمسخ ويقول: ما رضي بهذا كسرى ولا قيصر، إنهم ينامون على الحرير والديباج وأنت على هذا الحصير!؟

قال: فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: لآءنا خير منهُما والله، لآءنا أكرم منهُما والله، ما أنا والدنيا، إنما مثل الدنيا كمثل رجل راكب مر على شجرة ولها فيء فاستظل تحتها، فلما أن مال الظل عنها ارتحل فذهب وتركها. (2) 8. محمد بن أبي عمير، رفعه، عن أبي عبد الله عليه السلام عليّ عليه السلام: الدنيا ظل زائل. (3) 7. محمد بن أبي عمير، عن عبد الرحمن بن الحجاج، قاعنه عليه السلام: الدنيا ظل الغمام، وحلم المنام. (4) 6. فضالة، عن ربعي، عن الفضيل، عن أبي جعفر عليه العنه عليه السلام: لا يغرتكم ما أصبح فيه أهل الغرور، فإنما هو ظل ممدود إلى أجل معدود. (5) 9. النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن أيوب، قاعنه عليه السلام: إن الدنيا ظل الغمام، وحلم المنام، والفرخ الموصول بالغم، والعسل المشوب بالسّم، سلاية النعم، أكالة الأمم، جلاية النقم. (6).

- 1- الكافي: ج 2 ص 134 ح 20، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 194 كلاهما عن يحيى بن عقبة الأزدي، بحار الأنوار: ج 73 ص 69 ح 36.
- 2- الزهد للحسين بن سعيد: ص 50 ح 134 عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 73 ص 126 ح 124.
- 3- غرر الحكم: ح 318 وح 3669، عيون الحكم والمواعظ: ص 19 ح 62.
- 4- غرر الحكم: ح 1960، عيون الحكم والمواعظ: ص 21 ح 126.
- 5- نهج البلاغة: الخطبة 89، تحف العقول: ص 212 وفيه «إنما الدنيا ظل ممدود إلى أجل معدود» فقط، بحار الأنوار: ج 34 ص 253 ح 1001.
- 6- غرر الحكم: ح 3681، عيون الحكم والمواعظ: ص 144 ح 3217.

## ج - مَثَل سایه

10. صفوان، عن ابن مُسكان، عن أبي عمير البزاز امام صادق عليه السلام - از اندرزهای لقمان به فرزندش - :فرزندم!... دنیا را به سان پلی بر رودخانه ای بدان که از آن بگذری و رهایش کنی و دیگر، هرگز به سویش باز نگردی.

ج - مَثَل سایه و ابر 11. صفوان، عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام، قال زهد حسين بن سعيد - به نقل از عبدالله بن سنان - : شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد، در حالی که ایشان بر بوریایی خفته بود و بالشی از لیف خرما زیر سر داشت و اثر [زبری] آن بوریای و بالش بر بدن و گونه پیامبر صلی الله علیه و آله مانده بود. مرد، شروع به دست کشیدن [بر جای بوریای] کرد و می گفت: کسرا و قیصر به این چیزها رضایت ندارند. آنان بر بستر حریر و دیبا می خفتند و تو بر چنین بوریایی؟!!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدا که من از آنها بهترم. به خدا سوگند که من، از آنان گرامی ترم. مرا چه به دنیا؟ حکایت دنیا، در حقیقت، حکایت مردی سواره است که از درختی می گذرد و آن درخت را سایه ای است و در سایه آن، فرود می آید و چون سایه اش می رود، او می کوچد و می رود و درخت را رها می کند». 12. امام علی علیه السلام: دنیا، سایه ای ناپایدار است. 1. حدّثنا الحسين بن سعيد، قال: امام علی علیه السلام: دنیا، سایه ابر است و خوابی که خفته می بیند. 2. ابراهیم بن ابي البلاد، عن بعض أصحابه، رفعه إلى بعامام علی علیه السلام: زنهار، بر خورداری فریب خوردگان [دنیا] شما را نقریبید؛ زیرا که در دنیا [چون] سایه ای است که تا زمانی محدود، پهن می شود. 3. القاسم وعثمان بن عیسی، عن علی، عن أبي بصير، عن أمام علی علیه السلام: دنیا، سایه ابر است، خوابی است که خفته می بیند، شادی پیوسته به غم و شهد آمیخته به شرنگ است؛ رباینده نعمت ها خورنده ملّت ها و جلب کننده رنج و عذاب هاست.

4. وقال أبو بصير: عنه عليه السلام: ما مَدَّ لِي دُنْيَاكُمْ عِنْدِي إِلَّا كَمَا مَدَّ لِي غَيْمٌ عَلَا - فَاسْتَعَلَى ، ثُمَّ اسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى ، ثُمَّ تَمَرَّقَ فَانجَلَى .  
 (1) 5. فضالة، عن أبان، عن بشير النبال، قال: عنه عليه السلام - يَصِفُ الدُّنْيَا - : إِنَّهَا عِنْدَ ذَوِي الْعُقُولِ كَفْيِ الظِّلِّ ؛ بَيْنَا تَرَاهُ سَابِعًا (2) حَتَّى قَلَصَ (3) ، وَزَائِدًا حَتَّى نَقَصَ . (4) 6. علي بن النعمان، عن ابن مُسْكَان، عن سليمان بن خالعه عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَظِلِّكَ ، إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ ، وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ . (5) 7. محمد بن أبي عمير، عن جميل، عن أبي عبد الله عليا إمام زين العابدين عليه السلام: إِنْ جَمِيعَ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا - بَحْرَهَا وَبَرِّهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا - عِنْدَ وَلِيِّ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَهْلِ الْمَعْرِفَةِ بِحَقِّ اللَّهِ ، كَفْيِ الظَّلَالِ .  
 (6) 8. ابن أبي البلاد، عن أبيه، عن بعض أصحابه، الإمام الباقر عليه السلام: إِنْ الدُّنْيَا عِنْدَ الْعُلَمَاءِ مِثْلُ الظِّلِّ . (7) 9. محمد بن أبي عمير، عن علي، عن أبي بصير، قال: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : . . . يَا عَيْسَى ، لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا ، وَكُنْ مِنِّي عَلَى حَذَرٍ ، وَلَا تَعْتَرِّ بِالصِّحَّةِ وَلَا تُعَبِّطْ نَفْسَكَ ؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا كَفْيِ زَانِلٍ ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كَمَا أُدْبَرَ . (8) .

- 1- الاحتجاج: ج 1 ص 246 ح 48 ، معادن الحكمة: ج 1 ص 381 ح 68 .
- 2- شيء سابق: أي كامل وإف (الصحاح: ج 4 ص 1321 «سبغ»).
- 3- قَلَصَ : انضَمَّ وَانزَوَى (الصحاح: ج 3 ص 1053 «قلص»).
- 4- نهج البلاغة: الخطبة 63 ، روضة الواعظين: ص 483 ، غرر الحكم: ح 3698 وفيهما «سائغا» بدل «سابقا» ، بحار الأنوار: ج 73 ص 119 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
- 5- غرر الحكم: ح 9818 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 487 ح 9020 .
- 6- تحف العقول: ص 391 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 78 ص 306 ح 1 .
- 7- الزهد للحسين بن سعيد: ص 50 ح 133 ، الأمالي للطوسي: ص 296 ح 582 ، بشارة المصطفى: ص 189 ، الفضائل: ص 7 كلَّها عن جابر وفي الثلاثة الأخيرة «عند ذوي الألباب كفيء الظلال» بدل «عند العلماء مثل الظل» ، بحار الأنوار: ج 73 ص 126 ح 123 .
- 8- الأمالي للصدوق: ص 610 - 613 ح 842 عن أبي بصير ، الكافي: ج 8 ص 141 ح 103 عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تحف العقول: ص 500 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 145 وفيه «بالنصيحة» بدل «بالصحة» ، بحار الأنوار: ج 14 ص 299 ح 14 .



10. امام علی علیه السلام: حکایت دنیای شما در نزد من نیست ، مگر به سان حکایت ابری که [به تدریج] بالا و بالاتر می آید و سِتَبَر و پُر می شود و سپس از هم می پراکند و از بین می رود. 1. امام علی علیه السلام \_ در توصیف دنیا \_ : دنیا در نظر خردمندان ، چون حرکت سایه است که هنوز پهن نشده ، جمع می شود و هنوز زیاد نشده ، کم می شود. 2. الحسنُ بن محبوب، عن عليّ بن رِئاب، عن أبي عبد اللامام علی علیه السلام : حکایت دنیا، به سان سایه توست که اگر بایستی ، می ایستد و اگر دنبالش کنی ، دور می شود. 3. القاسم، عن عليّ، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله علامام زین العابدین علیه السلام : همه آنچه خورشید بر آن طلوع کند ، در خاوران و باختران زمین \_ از دریاها و خشکی هایش و دشت ها و کوه هایش ، در نزد هر يك از اولیای خدا و به نزد آنان که خدا را به درستی می شناسند، همانند جا به جا شدن سایه هاست. 4. امام باقر علیه السلام : دنیا، در نظر عالمان، به سان سایه است. 5. القاسمُ بن محمّد، عن عليّ، قال: امام صادق علیه السلام : از جمله اندرزهای خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام : ... ای عیسی! چیزی را شریک من مگردان، از من برحذر باش و به تن درستی غرّه مشو و خویشتن را خوش بخت مپندار ؛ زیرا دنیا همانند سایه ای ناپایدار است و آنچه از آن بیاید ، به مانند آن است که رفته است. .

6. القاسم، عن عليّ، عن أبي بصير، قال: مصباح الشريعة \_ فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام \_ : إن الدنيا خلقها الله تعالى بمنزلة ظلك، إن طلبته أتعبك ولا تلحقه أبدا، وإن تركته يتبعك وأنت مستريح. (1)7. القاسم، عن عليّ، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله علا لإمام عليّ عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : إنّما الدنيا كظّل زائلٍ أو كصدّيفٍ بات ليلاً فارتحل أو كنومٍ قد يراه نائمٌ أو كبرقٍ لاحٍ في أفق الأمل (2)8. القاسم، عن عليّ، عن أبي بصير، قال: تنبيه الخواطر : كان الحسن بن عليّ عليه السلام يتمثل ويقول : يا أهل لذاتِ دُنيا لا بقاء لها إن اغترارا بظُلّ زائلٍ حُمقٌ (3)د \_ مثل الحلم 10. الحسن بن محبوب، عن مالك بن عطية، عن فلان بن عمر رسول الله صلى الله عليه وآله : الدنيا حلمٌ (4)، وأهلها عليها مُجازون مُعاقبون . (5)راجع : ج 2 ص 182 (اجعل الدنيا بمنزلة ما يصاب في المنام) .

1- . مصباح الشريعة : ص 187 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 165 ح 26 .

2- . الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ص 404 الرقم 319 ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 177 ح 7 عن يحيى بن أبي عباد عن عمّه عن الإمام الرضا عليه السلام ؛ البداية والنهاية : ج 10 ص 250 عن الإمام الرضا عليه السلام وفيهما : إنّما الدنيا كظّل زائلٍ حلّ فيه راكبٌ ثم ارتحل

3- . تنبيه الخواطر : ج 1 ص 145 ، أعلام الدين : ص 241 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 15 ، كشف الغمّة : ج 2 ص 187 ، إرشاد القلوب : ص 186 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 122 ح 111 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 315 .

4- . الرؤيا والحلم : عبارة عمّا يراه النائم فينومه من الأشياء ، لكن غلبت الرؤيا على ما يراه من الخير والشيء الحسن ، وغلب الحلم على ما يراه من الشرّ والقبيح (النهاية : ج 1 ص 434 «حلم»).

5- . تنبيه الخواطر : ج 1 ص 145 ، روضة الواعظين : ص 491 وفيه «حلم المنام» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 122 ح 110 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 315 .

## د - مَثَل رُؤْيَا

12. مصباح الشريعة \_ در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده \_ دنیا را خداوند متعال به سان سایه توفیق داده است که اگر در پی آن بدوی، تورا خسته می کند و هرگز بدان نمی رسی و اگر رهایش کنی، او در پی تو می آید و تو آسوده باشی. 13. ابراهیم بن ابي البلاد، عن يعقوب بن شبيب بن عيب بن ميثم، امام علي عليه السلام \_ در ديوان منسوب به ايشان \_ : دنيا، چون سایه ناپايدار است / يا چون ميهماني که شبي بيتوته کند و سپس برود . يا چون رؤيایی که خفته می بيند / يا چون آذرخشی که در افق آرزو بر می جهد. 14. الحسن بن محبوب، عن الحسن بن علي، قال: تنبيه الخواطر: حسن بن علي عليهما السلام به اين بيت تمثّل می جُست:

ای اهل لذت های دنیای ناپايدار! / فریفتگی به سایه ای گذرا، حماقت است. د - مَثَل رُؤْيَا 2. فضالة بن أيوب، عن عمر بن أبان، عن آدم أخي أيوب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنيا، خوابی است (1) که خفته بیند و مردم دنیا برای آن سزا و کیفر بینند. ر. ك : ج 2 ص 183 (دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن، دست می یابی).

---

1- رؤیا و حُلْم، خواب هایی اند که دیده می شوند. تفاوت رؤیا با حُلْم در این است که در رؤیا، غلبه با خوبی است و در حُلْم، غلبه با شرّ و بدی (النهاية: ج 1 ص 434 «حلم»).

هـ \_ مَثَلُ السَّرَابِ 5. عثمان بن عيسى، عن ابن مُسكان، عن أبي بصير، قال: الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ سَعَى فِي طَلَبِ السَّرَابِ، طَالَ تَعَبُهُ وَكَثُرَ عَطَشُهُ. (1)و\_ مَثَلُ الْبَحْرِ الْعَمِيقِ 1.288. الكليني بإسناده عن عليّ بن أبي المغيرة قال: الإمام الصادق عليه السلام \_ في بيان مَوَاعِظِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ \_ : يَا بُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ، قَدْ هَلَكَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ، فَاجْعَلْ سَفِينَتَكَ فِيهَا الْإِيمَانَ، وَاجْعَلْ شِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ، وَاجْعَلْ زَادَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ، فَإِنَّ نَجْوَتَ فِرْحَمَةِ اللَّهِ، وَإِنْ هَلَكْتَ فَبِذُنُوبِكَ. (2)2.289. الشيخ الطوسي والصدوق بإسنادهما إلى يونس بن يعقوب الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ لُقْمَانَ قَالَ لِابْنِهِ: . . . يَا بُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ، قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ، فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ، وَحَشْوُهَا الْإِيمَانَ، وَشِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ، وَقِيَمُهَا (3) الْعَقْلَ، وَدَلِيلُهَا الْعِلْمَ، وَسَدِّكَانَهَا (4) الصَّبْرَ. (5)1.290. الصدوق بإسناده عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلفِصص الأنبياء: كَانَ لُقْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ، وَقَدْ غَرِقَ فِيهَا جَيْلٌ كَثِيرٌ، فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ تَعَالَى، وَلْيَكُنْ جِسْرُكَ إِيْمَانًا بِاللَّهِ، وَلْيَكُنْ شِرَاعُهَا التَّوَكُّلَ، لَعَلَّكَ يَا بُنَيَّ تَنْجُو وَمَا أُطْنُكَ نَاجِيًا. (6).

- 1- غرر الحكم : ح 9064، عيون الحكم والمواعظ : ص 425 ح 7207.
- 2- تفسير القمي : ج 2 ص 163 عن حمّاد، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 282 ح 2457، الاعتقادات : ص 49، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 540 ح 1875، أعلام الدين : ص 93 نحوه، بحار الأنوار : ج 6 ص 250 ح 87.
- 3- القيم : السيّد وسائس الأمر (لسان العرب : ج 12 ص 502 «قيم»).
- 4- سُكَّانُ السَّفِينَةِ : مَا تُسَكَّنُ بِهِ السَّفِينَةُ وَتَمْنَعُ مِنَ الْحَرَكَةِ وَالِاضْطِرَابِ (لسان العرب : ج 13 ص 210 «سكن»).
- 5- الكافي : ج 1 ص 16 ح 12، تحف العقول : ص 386 كلاهما عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار : ج 78 ص 299 ح 1.
- 6- قصص الأنبياء : ص 190 ح 238 عن عبد الحميد عن أبي الحسن عليه السلام، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 135 وفيه «حشوها» بدل «جسرك»، بحار الأنوار : ج 13 ص 416 ح 10؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 304، الدرّ المنثور : ج 6 ص 518 نقلاً عن ابن حنبل وفيهما «حشوها» بدل «جسرك».

## هـ - مَثَل سراب

## و - مَثَل دریای ژرف

هـ - مَثَل سراب 292.1. حکای الشوکانی عن ابن حنبل روایتہ عن عائشة: امام علی علیه السلام: هرکه در پی سراب بدوَد، خسته تر و تشنه تر می شود.

و - مَثَل دریای ژرف 293. ثم قال الشوکانی: امام صادق علیه السلام - در بیان اندرزهای لقمان به فرزندش - : فرزندم! دنیا، دریایی ژرف است که خلقی بسیار در آن نابود شدند. پس کشتی خود را در آن، ایمان قرار ده و بادبانش را توکل و توشه ات را تقوای الهی. [با این حال] اگر رستی، به لطف خدا رسته ای و اگر هلاک شدی، به سبب گناهانت هلاک شده ای». 294.1. الشریف الرضی قدس سره - و غیره - عن الإمام أمیرامام کاظم علیه السلام: لقمان به فرزندش گفت: «... فرزندم! دنیا، دریای ژرفی است که مردمان بسیاری در آن غرق شدند. پس کشتی تو در آن باید تقوای الهی باشد و اندرون آن کشتی، ایمان و بادبانش، توکل و ناخدایش، خرد و راهنمایش، دانش و سگانش، شکیبایی». 295.2. الآمدي مرفوعا عن الإمام أمير المؤمنين عليه القصص الأنبياء: لقمان عليه السلام به فرزندش می گفت: «فرزندم! دنیا، دریایی است که نسل های فراوانی در آن غرق گشته اند. پس باید که کشتی تو در این دریا، پروا از خدای تعالی باشد و گذرگاهت، ایمان به خدا و بادبانش توکل باشد تا نجات یابی، فرزندم! هرچند [با این همه] گمان نمی کنم که نجات یابی».

296. الكليني بإسناده المرفوع عن رسول الله صلى الله عللا اختصاص عن الأوزاعي: إن لقمان الحكيم رحمه الله لما خرج من بلاده نزل بقرية بالموصل يقال لها: كومليس (1). قال: فلما ضاق بها ذرعها واشتد بها غمها ولم يكن بها أحد يعينه على أمره، أغلق الباب وأدخل ابنه يعظه، فقال:

يا بني، إن الدنيا بحر عميق هلك فيها بشر كثير، تزود من عملها واتخذ سفينة حشوها تقوى الله، ثم اركب لجاج الفلك تنجو، وإني لخائف ألا تنجو.

يا بني، السفينة إيمان، وشراعها التوكل، وسكانها الصبر، ومجاذيفها الصوم والصلاة والزكاة.

يا بني، من ركب البحر من غير سفينة غرق. (2) - مثل الثوب المشقوق 298. الحميري بإسناده عن الإمام الصادق عن أبيه عليهم ارسول الله صلى الله عليه وآله: مثل هذه الدنيا مثل ثوب شق من أوله إلى آخره، فبقي متعلقاً بخيط في آخره، فيوشك ذلك الخيط أن ينقطع. (3).

1- وفي بعض النسخ: «كوماس» (هامش المصدر).

2- الاختصاص: ص 336، بحار الأنوار: ج 13 ص 427 ح 22 نقلاً عن كتاب النوادر لجعفر بن الحسين وفيه «يتبعه على أثره» بدل «يعينه على أمره».

3- شعب الإيمان: ج 7 ص 260 ح 10240، مشكاة المصابيح: ج 3 ص 49 ح 5515 كلاهما عن أنس، إحياء علوم الدين: ج 3 ص 317، حلية الأولياء: ج 8 ص 131 عن أنس وفيه «الدنيا والآخرة» بدل «هذه الدنيا» و«منها فما لبث» بدل «في آخره فيوشك»، كنز العمال: ج 3 ص 231 ح 6301؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 148 وفيه «هذه» بدل «مثل هذه».

## ز - مَثَلِ جامه دریده

1. 299. روی القمّی یاسناده عن إسحاق بن عمّار عن أبي عال اختصاص - به نقل از اوزاعی - :لقمان حکیم ، چون از شهر خویش برون شد ، در آبادی ای در موصل فرود آمد که بدان ، کوملیس (1) می گفتند. چون در آن آبادی طاقش طاق شد و غَمَش بالا گرفت و در آن آبادی کسی نبود که او را در کارهایش کمک کند [و از غم و تنهایی به در آورد]، در به روی خویش بست و فرزندش را به درون خواند و به اندرز دادن وی پرداخت و گفت:

«فرزندم! دنیا ، دریای ژرفی است که انسان های بسیار در آن نابود شدند. از کار دنیا توشه بگیر و کشتی ای بساز ، اندرونش از تقوای الهی . سپس با آن ، گرداب های این دریا را بیمای تا نجات یابی، گرچه باز هم می ترسم که نجات نیابی.

فرزندم! آن کشتی، ایمان است و بادبانش ، توکل و سگانش ، شکیبایی و پاره‌هایش ، روزه و نماز و زکات.

فرزندم! هرکه بی کشتی به دریا برود ، غرق می شود». ز - مَثَلِ جامه دریده 1. 301. عن أمير المؤمنين عليه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مَثَلُ این دنیا ، مَثَلِ جامه ای است که از سر تا به ته ، دریده و در انتهایش به نخ آویخته است. زودا که آن نخ نیز بگسلد.

---

1- . در برخی نسخه ها ، «کوماس» است.

1 / 5 مَثَلُ أَهْلِ الدُّنْيَا \_ مَثَلُ المُسَافِرِ 1.305 . روى الصدوق بإسناده عن طلحة بن يزيد ، عن جعفر روضة الواعظين : قيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَيْفَ يَكُونُ الرَّجُلُ فِي الدُّنْيَا؟

قَالَ : مُتَشَمِّرًا (1) كَطَالِبِ القَافِلَةِ .

قِيلَ : فِي كَيْفِ القَرَارِ فِيهَا؟

قَالَ : كَقَدْرِ المُتَخَلِّفِ عَنِ القَافِلَةِ .

قِيلَ : فَكَمَ مَا بَيْنَ الدُّنْيَا وَالأخِرَةِ؟

قَالَ : عَمَصَةٌ عَيْنٍ ؛ قَالَ اللهُ : « كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ » (2) . (3) 2.306 . روى الصدوق والمفيد الثاني قدس سره بإسنادهما عن الإمام علي عليه السلام : أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ يُسَارِ بِهَيْمٍ وَهُمْ نِيَامٌ . (4) 3.307 . روى الصدوق بإسناده عن المعلى بن خنيس ، قال : عنه عليه السلام : إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ ؛ بَيْنَا هُمْ حَلَّوْا إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحَلُوا . (5) 1.308 . الشهيد الثاني بإسناده إلى الشيخ الطوسي ، بإسناده عليه السلام \_ فِي صِدْفَةِ الدُّنْيَا \_ : إِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَرَكِبٍ سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَأَنَّ قَدْ قَطَعُوهُ ، وَأَفْضَوْا إِلَى عِلْمٍ (6) فَكَأَنَّ قَدْ بَلَغُوهُ ، وَكَمَ عَسَى المُجْرَى إِلَى الغَايَةِ أَنْ

يُجْرَى إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا ، وَكَمَ عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءٌ مِّن لَّهُ يَوْمٌ لَا يَعُدُّهُ ، وَطَالِبٌ حَثِيثٌ فِي الدُّنْيَا يَحْدُوهُ حَتَّى يُفَارِقَهَا؟! (7) .

1- التَّشَمِيرُ فِي الأَمْرِ : السَّرْعَةُ فِيهِ وَالخَفَّةُ . وَشَمَّرَ ثَوْبَهُ : رَفَعَهُ . وَمِنْهُ قِيلَ : شَمَّرَ فِي العِبَادَةِ ؛ إِذَا اجْتَهَدَ وَبَالَغَ (المصباح المنير : ص 322 «شمر»).

2- الأَحْقَافُ : 35 .

3- روضة الواعظين : ص 491 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 122 ح 110 .

4- نهج البلاغة : الحكمة 64 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 77 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 128 ح 131 .

5- نهج البلاغة : الحكمة 415 ، مشكاة الأنوار : ص 468 ح 1563 ، روضة الواعظين : ص 483 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 132 ح 136 ؛ مطالب السؤول : ص 57 .

6- العَلَمُ : شَيْءٌ يُنْصَبُ فِي الفُلُواتِ تَهْتَدِي بِهِ الضَّالَّةُ (لسان العرب : ج 12 ص 419 «علم»).

7- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 429 ح 1263 ، مصباح المتهدّد : ص 381 ح 508 وفيه «من الموت» بدل «في الدنيا» وليس فيه «حتى يفارقها» ، بحار الأنوار : ج 89 ص 237 ح 68 .



## 1 / 5 مَثَل اهل دنیا

## الف - مَثَل مسافر

1 / 5 مَثَل اهل دنیا الف - مَثَل مسافر 312.1 . في مجمع البيان نقلاً عن تفسير العيَّاشي بإسناد روضة الواعظين: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: آدمی در دنیا چگونه به سر برَد؟

فرمود: «کوشا، همچون جوینده کاروان».

گفته شد: چند در آن بماند؟

فرمود: «به اندازه شخص عقب مانده از کاروان» .

گفته شد: فاصله میان دنیا و آخرت ، چند است؟

فرمود: «چشم بستنی. خدای می فرماید: «روزی که آنچه را وعده داده می شوند، بنگرند، گویی که آنان، جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده اند». 313.2 . روی الكليني بإسناده عن سلام بن المستنير، عن أَمام علي عليه السلام: مردم دنیا، به سان کاروانی خفته اند که می بَرندشان. 314.3 . روی الصدوق بإسناده عن عبدالحميد، عن ابن أبي امام علي عليه السلام: مردم دنیا، چونان کاروانیانی هستند که هنوز بار نیفکنده، ساربان بر آنان بانگ [الرحيل] می زند و می کوچند. 315.4 . وروی الكليني قدس سره بإسناده عن عمر بن يزيد، امام علي عليه السلام - در توصیف دنیا - : حکایت شما و حکایت دنیا، به سان مسافرانی است که در راهی قدم گذاشتند و گویی، آن را پشت سر نهاده اند و به سوی نشانی رفتند و چنان است که بدان رسیده اند. آن که [مَرکب خویش را] به سوی هدفی تازاند، چند امید است که بتازد تا بدان رسد و آن که عمر يك روزه ای بیش ندارد و جوینده ای شتابان (یعنی مرگ) در دنیا او را می راند تا از دنیا جدا شود، چند امید است که بماند؟! .

316.1 . الشريف الرضي قدس سره عن أمير المؤمنين عليه العنه عليه السلام: عبادَ الله! أوصيكم بالرِّفضِ لِهذِهِ الدُّنْيَا . . . فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَسَفَرٍ (1) سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ ، وَأَمَّا عَلَمَا فَكَانَتْهُمْ قَدْ بَلَغُوهُ . (2) 317.2 . روى الكليني قدس سره بإسناده إلى الأصبغ بن نباعنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَكُمْ بِدَارٍ وَلَا قَرَارٍ ، إِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا كَرَكِبٍ عَرَسُوا (3) فَأَنَاخُوا ، ثُمَّ اسْتَقَلُّوا فَغَدَّوْا وَرَاحُوا ، دَخَلُوا خِفَافًا وَرَاحُوا خِفَافًا ، لَمْ يَجِدُوا عَن مَضِيٍّ نُزُوعًا ، وَلَا إِلَى مَا تَرَكَوا رُجُوعًا ، جُدَّ بِهِمْ فَجَدَّوْا ، وَرَكَنُوا إِلَى الدُّنْيَا فَمَا اسْتَعَدَّوْا ، حَتَّى إِذَا أُخِذَ بِكُظْمِهِمْ (4) وَخَلَصُوا (5) إِلَى دَارِ قَوْمٍ جَفَّتْ أَقْلَامُهُمْ ، لَمْ يَبْقَ مِنْ أَكْثَرِهِمْ خَبْرٌ وَلَا أَثَرٌ ، قَلَّ فِي الدُّنْيَا لِبُتْهِمْ ، وَعُجِّلَ إِلَى الآخِرَةِ بَعَثُهُمْ ، فَأَصْبَحْتُمْ حُلُولًا فِي دِيَارِهِمْ ، ظَاعِنِينَ (6) عَلَى آثَارِهِمْ ، وَالْمَطَايَا بِكُمْ تَسِيرُ سَدِيرًا مَا فِيهِ أَيْنٌ (7) وَلَا تَقْتِيرُ ، نَهَارُكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دَوُوبٌ ، وَلَيْلُكُمْ بِأَرَوَاحِكُمْ ذَهُوبٌ ، فَأَصْبَحْتُمْ تَحْكُونَ مِنْ حَالِهِمْ حَالًا وَتَحْتَدُونَ مِنْ مَسَلِكِهِمْ مِثَالًا ، فَلَا تَغْرَبَنَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا سَفَرٌ حُلُولٌ ، الْمَوْتُ بِكُمْ نُزُولٌ ،

فِيكُمْ مَنَايَاهُ ، وَتَمَضِي بِأَخْبَارِكُمْ مَطَايَاهُ ، إِلَى دَارِ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ وَالْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ . (8) .

- 1- السَّفَرُ: جَمْعُ سَافِرٍ ، وَالْمُسَافِرُونَ جَمْعُ مُسَافِرٍ ، وَالسَّفَرُ وَالْمَسَافِرُونَ بِمَعْنَى (النهاية: ج 2 ص 371 «سفر»).
- 2- نهج البلاغة: الخطبة 99 ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 254 وفيه «كركب» بدل «كسفر» ، بحار الأنوار: ج 73 ص 113 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
- 3- التعريس: نزول المسافر آخر الليل نزلة للنوم والاستراحة ، يقال: عرس: (النهاية: ج 3 ص 206 «عرس»).
- 4- .. الكظم: هو مخرج النفس من الحلق (النهاية: ج 4 ص 178 «كظم»).
- 5- . خَلَصَ إِلَيْهِ : وَصَلَ (القاموس المحيط: ج 2 ص 301 «خلص»).
- 6- ظَعَنَ: ارتحل ، والفاعل: ظاعن (المصباح المنير: ص 385 «ظعن»).
- 7- الأين: الإعياء والتعب (النهاية: ج 1 ص 87 «أين»).
- 8- الكافي: ج 8 ص 171 ح 193 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 149 نحوه ، بحار الأنوار: ج 77 ص 348 ح 30 وراجع مطالب السؤول: ص 51 .

318.3 . روی الشریف الرضی قدس سره عنه علیه السلام فی خامام علی علیه السلام : ای بندگان خدا! شما را به روی برتافتن از این دنیا سفارش می‌کنم... زیرا حکایت شما و حکایت آن ، به مانند مسافرانی است که در راهی قدم گذاشته اند و گویی آن را پشت سر نهاده اند و آهنگ نشانه ای کردند و چنان است که بدان رسیده اند. 319.4 . وروی عنه أيضا : امام علی علیه السلام : ای مردم! دنیا ، نه سرای شهادت و نه ماندنگاهتان است؛ بلکه شما در آن به سان کاروانی هستید که اواخر شب در جایی اتراق می‌کنند و می‌آسایند، و صبحگاهان بر می‌نشینند و می‌کوچند ، زود در می‌آیند و زود می‌روند، از رفتن گزیری نمی‌یابند و به آنچه بر جای نهاده اند ، بازگشتی ندارند. آنان را به شتاب وا داشتند و شتافتند، و به دنیا میل کردند و خود را آماده نساختند، تا آن که حلقومشان گرفته شد و به سرای مردمانی در آمدند که قلم هایشان خشکید (1) و از بیشتر آنان ، نام و نشانی نماند. در دنیا ، اندک ماندند و زود ، رهسپار آخرت شدند و شما در خانه های آنان ، مقیم شدید و در پی آنان می‌کوچید و مرکب ها، بی هیچ خستگی و سستی، شما را می‌برند. روزتان ، جسم های شما را می‌فرساید و شبستان ، جان های شما را می‌برد و شما ، حکایتگر حال آن رفتگان می‌شوید و به راه آنان می‌روید. پس، زنده‌ای که دنیا شما را نفریبد؛ چه ، شما در دنیا مسافرانی هستید فرود آمده [در این منزلگاه]، و مرگ در میان شما فرود آمده و با تیرهای نابودی آماجتان قرار

داده و مرکب های آن ، خبرهای شما را به سوی سرای پاداش و کیفر و سزا و حساب می‌برد. .

---

1- . مراد ، این است که : به خاطر دور بودن روزگار آنها و نابود شدن آثارشان ، قلم مردمان ، از این که آثار آنان را ثبت کند ، خشکید به خاطر دوری دوران آنها و نابودی آثارشان (بحار الأنوار : ج 74 ص 248). احتمال هم دارد که مراد، قلم فرشتگان باشد. در این صورت، کنایه از قطع شدن علم فرشتگان نسبت به آنهاست . احتمال هم دارد کنایه از چیزی باشد که در لوح و قلم ، تقدیر شده است. گویا براساس آن، فرشتگان از نگارش آنچه مربوط به آنهاست ، فارق شده اند و دیگر به حساب آورده نمی‌شوند (شرح اصول الکافی ملا صالح مازندرانی ج 12، ص 209).

320. المجلسي عن جامع الأصول، عن علي عليه السلام، قاعنه عليه السلام \_ في وصيته لابنه الحسن عليه السلام \_ : يَا بَنِيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَانْتِقَالِهَا ، وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الآخِرَةِ وَمَا أُعِدُّ لِأَهْلِهَا فِيهَا ، وَضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ ، لِتَعْتَبِرَ بِهَا ، وَتَحْدُوَ عَلَيْهَا .

إِنَّمَا مَثَلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفَرُوا نَبَا (1) بِهِمْ مَنْزِلُ جَدِيدٍ (2) ، فَأَمَّوْا مَنْزِلًا خَصِيصًا وَجَنَابًا (3) مَرِيحًا (4) ، فَأَحْتَمَلُوا وَعَثَاءَ (5) الطَّرِيقِ ، وَفِرَاقَ الصَّدِيقِ ، وَخُشُونَةَ السَّفَرِ ، وَجُشُونَةَ (6) المَطْعَمِ ، لِيَأْتُوا سَعَةَ دَارِهِمْ ، وَمَنْزِلَ قَرَارِهِمْ ، فَلَيْسَ يَجِدُونَ لِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَلْمًا ، وَلَا يَرُونَ نَفَقَةً فِيهِ مَعْرَمًا ، وَلَا شَيْءَ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِمَّا قَرَّبَهُمْ مِنْ مَنْزِلِهِمْ ، وَأَدْنَاهُمْ مِنْ مَحَلَّتِهِمْ .

وَمَثَلُ مَنْ اغْتَرَبَ بِهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنْزِلِ خَصِيصٍ ، فَنَبَا بِهِمْ إِلَى مَنْزِلِ جَدِيدٍ ، فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ إِلَيْهِمْ وَلَا أَفْطَحَ عِنْدَهُمْ مِنْ مُفَارَقَةٍ مَا كَانُوا فِيهِ إِلَى مَا يَهْجُمُونَ عَلَيْهِ ، وَيَصِيرُونَ إِلَيْهِ . (7) 321.1 . عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عِبَادَ اللَّهِ ، اللَّهُ اللَّهُ فِي أَعْرَ الْأَنْفُسِ عَلَيْكُمْ ، وَأَحَبُّهَا إِلَيْكُمْ ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ

أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَأَنَارَ طُرُقَهُ ، فَسَقُوهَ لَازِمَةً ، أَوْ سَعَادَةً دَائِمَةً ؛ فَتَزَوَّدُوا فِي أَيَّامِ الْفَنَاءِ لِأَيَّامِ الْبَقَاءِ ، قَدْ دَلَلْتُمْ عَلَى الزَّادِ ، وَأَمَرْتُمْ بِالظَّنِّ ، وَحُسْنِ عَلَى الْمَسِيرِ ، فَإِنَّمَا أَنْتُمْ كَرَكِبٍ وَقُوفٍ ، لَا يَدْرُونَ مَتَى يُومَرُونَ بِالسَّيْرِ . أَلَا فَمَا يَصْنَعُ بِالدُّنْيَا مَنْ خُلِقَ لِالْآخِرَةِ ؟ ! (8) .

1- نَبَا بِهِ مَنْزِلَهُ : إِذَا لَمْ يُوَافِقَهُ (النهاية : ج 5 ص 11 «نبا»).

2- جَدُّبُ الْمَكَانِ : يَبْسُ لاحتباس الماء عنه (المعجم الوسيط : ج 1 ص 109 «جدب»).

3- الْجَنَابُ : الناحية (النهاية : ج 1 ص 303 «جنب»).

4- أَرْضٌ مَرِيحَةٌ : مَخْصَبَةٌ (الصحاح : ج 3 ص 1223 «ريح»).

5- الوَعَثَاءُ : الشَّدَّةُ وَالْمَشَقَّةُ (النهاية : ج 5 ص 206 «وعث»).

6- الْجَشِبُ : الْغَلِيظُ الْخَشِنُ مِنَ الطَّعَامِ (النهاية : ج 1 ص 272 «جشب»).

7- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ : الْكِتَابُ 31 ، تَحْفُ الْعُقُولِ : ص 73 نَحْوَهُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 77 ص 202 ح 1 .

8- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ 157 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 77 ص 431 ح 46 .

322.2. ما رواه الكليني بإسناده عن يزيد بن خليفة، قال: قال الإمام علي عليه السلام \_ در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام \_ : فرزندم! من ، تو را از دنیا و حال و روز آن ، و از کف رفتن و دست به دست شدنش آگاه ساختم، و از آخرت و آنچه برای اهل آخرت در آن جا آماده شده است ، تو را آگاه ساختم، و درباره آن ، برایت نمونه هایی آوردم تا از آنها درس بیاموزی و راه درست ببویی.

همانا حکایت آن که حقیقت دنیا را شناخت ، [مردم دنیا در نظرش] حکایت گروه مسافرانی است که فرود آمدن در منزلگاهی خشک و بی آب و علف را خوش ندارند و آهنگ منزلگاهی سرسبز و ناحیه ای خرم کنند . پس دشواری راه و فراق یار و سختی سفر و ناگواری خوراک را تحمل کنند تا به سرای دلباز و منزلگاه آسوده خود در آیند . چنین مسافرانی از هیچ يك از این سختی ها درد ورنجی احساس نمی کنند و از خرج کردن در این باره ، زیان نمی بینند و هیچ چیز برایشان دوست داشتنی تر از آن چیزی نیست که آنان را به سرمنزل مقصود و بارافکنشان نزدیک می گرداند.

و حکایت کسی که فریفته دنیا شود، حکایت گروهی است که در منزلگاهی سرسبز و خرم ، فرود آمده باشند و از آن جا به منزلگاهی خشک بکوچند. برای چنین گروهی ، چیزی ناخوشایندتر و وحشتناک تر از آن نیست که از آن جایی که بوده اند ، جدا شوند و به آن جایی که می کوچند و رهسپار آن اند، بروند. 323.3. ما رواه الأمدی عن أمير المؤمنين عليه السلام : امام علی علیه السلام : ای بندگان خدا! خدای را در نظر آورید و به آن که در نزد شما عزیزترین و محبوب ترین است (یعنی خودتان) بیندیشید ، که خداوند ، مسیر

حق را برای شما آشکار نموده و راه هایش را روشن ساخته است . پس [در نهایت] یا شوربختی ماندگار است یا نیک بختی پایدار . بنا بر این، در روزهای رفتنی ، برای روزهای ماندگاری [خود] توشه بگیرید. توشه به شما نشان داده شده و به کوچیدن فرمانتان داده اند و به رفتن ، ترغیب شده اید. شما به سان کاروانی هستید که توقف کرده و نمی دانند که چه وقت فرمان حرکت داده می شوند. هان! با دنیا چه کند آن که برای آخرت آفریده شده است؟! .

324. روى الصدوق قدس سره بإسناده عن ابن عباس قال: الإمام الباقر عليه السلام: أهل الدنيا سفرٌ يحلّون عقداً رحالهم في غيرها . (1) ب  
 \_ مثل الضيف 326.2 . الشيخ الطوسي بإسناده عن علي بن جعفر، عن أخيه رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الناس في الدنيا ضيفٌ ،  
 وما في أيديهم عاريةٌ ، وإن الضيف راحلٌ ، وإن العارية مردودةٌ . (2) 327. ما رواه الشيخ والكليني بإسنادهما عن بكر بن حبيب ، عنه صلى  
 الله عليه وآله : ما أصبح في الدنيا أحدٌ إلا ضيفاً وماله عاريةٌ ، فالضيف مُطلقٌ والعارية مؤداةٌ . (3) 328. والكليني بإسناده عن ابن أبي يعفور  
 ، عن أبي عبد الله الإمام علي عليه السلام: عباد الله! إنكم وما تأملون من هذه الدنيا أثوياء (4) مؤجلون . (5) 329.1 . ابن حنبل بإسناده عن  
 ابن عباس ، قال: الإمام الصادق عليه السلام : كان أبوذر رضي الله عنه يقول في خطبته : يا مُبتغي العلم ، كأن شيئاً من الدنيا لم يكن شيئاً ،  
 إلا ما ينفع خيره ويضر شره إلا من رحم الله .

يا مُبتغي العلم ، لا يشغلك أهل ولا مال عن نفسك ، أنت يوم تفارقهم كضيف بت فيهم ثم غدوت عنهم إلى غيرهم ، والدنيا والآخرة كمنزل  
 تحوّلت منه إلى

غيره ، وما بين الموت والبعث إلا كنومة نمتها ثم استيقظت منها .

يا مُبتغي العلم ، قدّم لمقامك بين يدي الله ، فإنك مثاب بعملك ، كما تدين تدان يا مُبتغي العلم . (6) .

- 1- .تحف العقول : ص 299 ، الأمالي للمفيد : ص 18 ح 5 عن محمد بن الحنفية من دون إسناد إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 78 ص 179 ح 59 ؛ البداية والنهاية : ج 9 ص 282 من دون إسناد إلى المعصوم .
- 2- .إرشاد القلوب : ص 23 ، أعلام الدين : ص 344 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 187 ح 10 .
- 3- .الفرديوس : ج 4 ص 63 ح 6197 عن أبي سعيد الخدري .
- 4- .الثوي : الضيف (الصحيح : ج 6 ص 2296 «ثوي» ) .
- 5- .نهج البلاغة : الخطبة 129 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 89 ح 940 .
- 6- .الكافي : ج 2 ص 134 ح 18 عن أبي بصير ، الأمالي للمفيد : ص 179 ح 1 وفيه «إلا عملاً ينفع» بدل «إلا ما ينفع» و«نزلته ثم عدلت عنه» بدل «تحوّلت منه» ، الأصول الستة عشر : ص 35 وفيهما «مرتهن» بدل «مثاب» ، المحاسن : ج 1 ص 357 ح 759 كلّها عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، الأمالي للطوسي : ص 543 ح 1165 عن مسعدة بن زياد الربيعي عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 65 ح 34 .

**ب\_ مَثَل میهمان**

330.2 . الكليني ياسناده عن عذافرقال : امام باقر عليه السلام : مردم دنیا ، مسافرانی هستند که در غیر دنیا بار می گشایند (بارانداز نهایی شان آخرت است). ب\_ مَثَل میهمان 332.1 . روی الشریف الرضی قدس سره کتاب الإمام أمير المپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردم در دنیا ، میهمان هستند و آنچه در اختیار دارند ، عاریت است . میهمان ، رفتنی است و عاریت ، پس دادنی . 333.2 . روی الكلینیوالصدوقیاسنادهما عن عبد العزیز بنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کس در دنیا نیست ، مگر آن که میهمان است و دارایی اش عاریت . میهمان ، رفتنی است و عاریت ، بازگرداندنی . 334.1 . فی أمالی الطوسی یاسناده عن عبد الرحمن بن کثیر امام علی علیه السلام : بندگان خدا! شما و آرزوهای شما در این دنیا ، میهمانانی موقت هستید . 335. وفی حدیث آخر : امام صادق علیه السلام : ابو ذر در سخنرانی اش می گفت: ای جوینده دانش! هیچ چیز دنیا را چیز مینگار جز آنچه خیرش سود رساند و شرش زیان زند ، مگر به کسی که خدایش بدو رحم کند . ای جوینده علم! زنهار ، زن و فرزند و مال ، تو را از خویشتن باز ندارد؛ چه ، روزی که از آنها جدا می شوی ، [خواهی دانست که ]همانند میهمانی بوده ای که شبی را در میان ایشان گذرانده ای و صبحگاهان از نزدشان به جای دیگران رفته ای . دنیا و آخرت ، به سان منزلگاهی است که از آن به منزلگاهی دیگر منتقل شده ای . فاصله ای میان مرگ و رستاخیر نیست ،

مگر به اندازه خوابی کوتاه که بخوابی و سپس ، بیدار شوی .

ای جوینده دانش! برای آن روز که در پیشگاه خداوند قرارگیری ، چیزی پیش فرست؛ زیرا که تو در برابر عملت پاداش می یابی . ای جوینده دانش! از هر دست که بدهی ، با همان دست پس می گیری .

ج - مَثَلُ سَاكِنِ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ 337. عن أمير المؤمنين عليه السلام: الإمام الكاظم عليه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا كَسَاكِنِ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ، إِنَّمَا يَنْتَظِرُ الرَّحِيلَ . (1) 1 / 6 الدُّنْيَا الْحَمِيدَةُ - مَا كَانَ لِلَّهِ 341. و ما روي عن الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا، إِلَّا مَا ابْتِغِيَ بِهِ وَجْهُ اللَّهِ . (2) 342. عن أمير المؤمنين عليه السلام - وقد سمع قوما من أصعنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا، إِلَّا مَا كَانَ لِلَّهِ . (3) .

1- تحف العقول: ص 398، بحار الأنوار: ج 78 ص 313 ح 1 .

2- الأُمالي للطوسي: ص 531 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 368 ح 2661، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 56، أعلام الدين: ص 194 كلُّها عن أبي ذرٍّ، بحار الأنوار: ج 77 ص 80 ح 3 .

3- الزهد لابن حنبل: ص 37 عن محمد بن المنكدر، حلية الأولياء: ج 3 ص 157 عن جابر، إحياء علوم الدين: ج 3 ص 298، جامع المسانيد: ج 2 ص 72 عن أم هانئ وفي ذيله «إِلَّا الْمُؤْمِنِينَ وَمَا كَانَ لِلَّهِ تَعَالَى»، كنز العمال: ج 3 ص 185 ح 6083 .



**ج - مثل ساکن در خانه ای که از او نیست****1 / 6 دنیای پسندیده****الف - آنچه برای خدا باشد**

ج - مثل ساکن در خانه ای که از او نیست 1.344 . الإمام الصادق علیه السلام : امام کاظم علیه السلام : در دنیا ، مانند کسی باش که در خانه ای ساکن است که مال او نیست و منتظر رفتن است . 1 / 6 دنیای پسندیدهالف - آنچه برای خدا باشد 3.348 . وروی عنه علیه السلام أيضاً أنه قد سمع رجلاً يپيامبر خدا صلى الله عليه و آله : دنیا، لعنت شده است و آنچه در آن است نیز لعنت شده ، مگر آنچه بدان رضایت خدا طلب شود . 1.349 . الشيخ الطوسي والكليني باسنادهما (والصدوق مرسل) پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : دنیا، لعنت شده است و آنچه در آن است نیز لعنت شده ، مگر آنچه برای خدا باشد .

350.2 . الشيخ الطوسي بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أبيه عن علي بن الحسين عليه وآله: يُؤتى بالذُّنيا يومَ القيامةِ، فيُمازُ (1) ما كان لله، ثمَّ يُقدَّم سائرُهُ إلى النَّارِ . (2) 351.ب \_ ما رواه الكليني والشيخ الطوسي بإسناده عن الكلالي مام الصادق عليه السلام: في مُناجاة موسى عليه السلام: يا موسى، إنَّ الدُّنيا دارُ عُقوبةٍ، عاقبتُ فيها آدمَ عندَ خَطِيئَتِهِ، وجعلتُها ملعونةً؛ ملعونٌ ما فيها إلاَّ ما كانَ فيها لي . (3) ب \_ ما كانَ لِلاخِرةِ 353. قد ورد عن النبيِّ صلى الله عليه وآله وأهل بيته عرسول الله صلى الله عليه وآله \_ لِإِبي ذرَّ \_ : يا أبا ذرَّ، لا يَصيرُ مِنَ الدُّنيا ما كانَ لِلاخِرةِ، إمَّا يَصيرُ مِنَ الدُّنيا ما كانَ لِلدُّنيا . (4) 1. 354 . ما رواه الصدوق قدس سره بإسناده عن أحمد بن المعنه صلى الله عليه وآله : الدُّنيا مَلْعونةٌ مَلْعونٌ ما فيها، إلاَّ-بُلغةَ المؤمنِ لِمَعادِهِ، أو ذِكرَ اللَّهِ، أو ما والاهُ عَالِمٌ أو مُتَعَلِّمٌ . (5) 2. 355 . روى ابن حنبل والبيهقي بإسنادهما عن أبي سعيد الإمام علي عليه السلام: إنَّما لَكَ مِنَ دُنْيائِكَ ما أَصَلَحْتَ بِهِ مَثَوَاكَ . (6) .

- 1- مُزَّت الشياء فانماز : عزلته وفرزته (الصحاح : ج 3 ص 897 «ميز»).
- 2- الفردوس : ج 5 ص 460 ح 8754 عن أبي هريرة، الزهد لابن المبارك : ص 192 ح 544 عن عبادة بن الصامت ، شُعب الإيمان : ج 5 ص 338 ح 6848 عن عمار وكلاهما نحوه و من دون إسناد إلى رسول الله صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج 3 ص 237 ح 6329 .
- 3- الكافي : ج 2 ص 317 ح 9 ، ثواب الأعمال : ص 263 ح 1 ، الأمالي للصدوق : ص 765 ح 1028 ، تفسير القمي : ج 1 ص 243 كلَّها عن حفص بن غياث ، مشكاة الأنوار : ص 470 ح 1575 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 21 ح 10 .
- 4- الفردوس : ج 5 ص 341 ح 8375 ، كنز العمال : ج 3 ص 728 ح 8593 نقلاً عن أبي نعيم وكلاهما عن ابن عباس .
- 5- الفردوس : ج 2 ص 231 ح 3111 عن أبي هريرة .
- 6- نهج البلاغة : الكتاب 31 ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص 117 ، تحف العقول : ص 83 ، كشف المحجبة : ص 233 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 133 ح 66 ؛ كنز العمال : ج 16 ص 180 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .

**ب \_ آنچه برای آخرت باشد**

356. عن الإمام الصادق عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، دنیا را می آورند و آنچه برای خدا بوده، به کناری نهاده می شود. سپس، بقیه آن به آتش برده می شود. 357.1. روی الصدوق یاسناده عن عبد الملك بن عنتره الشیامام صادق علیه السلام: در مناجات خدا با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی! دنیا، سرای کیفر است. در آن، آدم را بر خطایش کیفر دادم. دنیا و آنچه را در آن است، لعنت شده قرار دادم، مگر آنچه از آن که برای من باشد». ب \_ آنچه برای آخرت باشد 359. الاستبصار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ به ابو ذر \_ ای ابو ذر! از دنیا آنچه برای آخرت باشد، دنیایی به شما نمی آید، بلکه آنچه برای دنیا باشد و دنیایی به حساب آید. 360. معاني الأخبار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا و آنچه در آن است، لعنت شده است، مگر رهتوشه مؤمن برای معادش، یا ذکر خدا، یا آنچه که دانشمند یا دانشجویی در پی آن باشد. 361.1. امام علی علیه السلام: در حقیقت، از دنیای تو آن چیز مال توست که با آن، آرامگاهت را آباد کنی.

ج - ما لا يُحاسبُ عنه يومَ القيامةِ 363.3 . الشريف الرضي قدس سره والكليني عن الإمام أمير الالمام الصادق عليه السلام : إن استطعت (1) ألا تنالَ مِنَ الدُّنيا شيئاً تُسألُ عنه غداً فأفعل . (2) راجع : ص 162 (هذا طلب الآخرة) .

1 / 7 ما رُوِيَ في عُمُرِ الدُّنيا 367.2 . وروى الكليني بإسناده عن محمد بن مسلم، قال: رسول الله صلى الله عليه وآله: عُمُرُ الدُّنيا سَبْعَةُ أَيَّامٍ مِنَ أَيَّامِ الآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» (3) . (4) 368. ما روي عن النبي صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنيا سَبْعَةُ آلَافِ سَنَةٍ، وَأَنَا فِي آخِرِهَا أَلْفًا . . . لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا أُمَّةَ بَعْدَ أُمَّتِي . (5) 369. ما رواه الكليني والشيخ الطوسي بإسنادهما إلى سماعة عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَضَى حَاجَةَ المُسْلِمِ فِي اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عُمُرَ الدُّنيا سَبْعَةَ آلَافٍ ؛ صِيَامَ نَهَارِهِ وَقيامَ لَيْلِهِ . (6) 370. وأيضا بإسنادهما إلى علي بن أبي حمزة، عن أبي عبد الله صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ سَبْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ - وَهُوَ عُمُرُ الدُّنيا - ثُمَّ أَتَى اللَّهَ يُبْغِضُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ جَاحِدًا (7) لِحَقِّهِ نَاكِثًا لَوْلَايَتِهِ، لَأَعْتَسَ اللَّهُ خَيْرَهُ وَجَدَعَ أَنْفَهُ . (8) .

- 
- 1- في المصدر: «من ألا تنال» والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار .
  - 2- كشف الريبة: ص 95 عن عبد الله بن سليمان النوفلي، بحار الأنوار، ج 78 ص 277 ح 112 .
  - 3- الحجج: 47 .
  - 4- الفردوس: ج 3 ص 57 ح 4151 عن أنس وراجع كشف الخفاء: ج 2 ص 314 ح 2799 .
  - 5- المعجم الكبير: ج 8 ص 303 ح 8146، دلائل النبوة للبيهقي: ج 7 ص 38، تاريخ دمشق: ج 67 ص 228 ح 13572 كلها عن ضحّاك بن زمل الجهني، كنز العمال: ج 14 ص 191 ح 38333 .
  - 6- تاريخ دمشق: ج 23 ص 133 ح 5026 عن أنس، كنز العمال: ج 6 ص 444 ح 16459 .
  - 7- في الطبعة المعتمدة: «جاهدا»، والتصويب من طبعة مركز الغدير .
  - 8- الغدير: ج 2 ص 301 نقلاً عن الحافظ السمان في أماليه .

## ج - آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود

## 1 / 7 گزارش هایی درباره عمر دنیا

## اشاره

ج - آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود. 372.2 . الشيخ ياسناده عن غياث بن ابراهيم ، عن جعفر ، امام صادق عليه السلام : اگر توانستی از دنیا چیزی به دست نیاوری که فردا [ی قیامت] برای آن بازخواست شوی، چنین کن. ر. ك : ص 163 (این ، دنیا طلبی نیست) .  
وص 219 (بخش دوم : دنیای نکوهیده) .

1 / 7 گزارش هایی درباره عمر دنیا. 377.2 . وروی الآمدي مرفوعا عن الإمام أمير المؤمنين عليهما بر خدا صلی الله علیه و آله : عمر دنیا ، هفت روز از روزهای آخرت است . خدای متعال می فرماید : «يك روز در نزد پروردگار تو ، مانند هزار سال است از آنچه شما می شمردید» . 378.1 . في توحيد المفضل عن مولانا الإمام الصادق عليه السلام بر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا ، هفت هزار سال است و من ، در هزاره آخر آن هستم . پس از من ، پیامبری و پس از امت من ، امتی نیست . 379.2 . الصدوق قدس سره یاسناده عن أبي هاشم الخادم ، قپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس از برای خدا نیاز مسلمانی را برآورد ، خداوند به اندازه عمر دنیا که هفت هزار سال است ، روزهایش را برای او روزه می نویسد و شب هایش را عبادت . 380.3 . روی الصدوق یاسناده عن دینار مولى أنس بن مالک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر بنده ای به اندازه عمر دنیا که هفت هزار سال است ، خدا را عبادت کند ، ولی با بغض نسبت به علی بن ابی طالب و انکار حقّ او و شکستن

پیمان ولایت او بر خداوند در آید ، خدا خوبی هایش را نابود می کند و بینی اش را می بُرد .

381.4 . روى ابن طاووس قدس سره بإسناده قال: الإمام عليّ عليه السلام \_ لَمَّا سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ عُمُرِ الدُّنْيَا \_ يُقَالُ : سَبْعَةُ آلَافٍ ، ثُمَّ لَا تَحْدِيدَ (1) . (2) .

1- . قوله : «يقال» إيعاز إلى عدم ارتضائه بذلك ، ويمكن أيضا أن يكون السائل سأل عن ابتداء خلقة آدم عليه السلام إلى زمانه لا ابتداء تكوّن الأرض ووجودها . هذا بالنسبة إلى الابتداء ، وأمّا الانتهاء فقال : لا تحديد ، أي لا نهاية ، ولعلّه بالنسبة إلى نوع الدنيا لا أرضنا هذه بالخصوص (بحار الأنوار : ج 10 ص 127) .

2- . بحار الأنوار : ج 10 ص 127 ح 6 نقلاً عن إرشاد القلوب : ص 377 وفيه «سبقه ثم لا تجديد» بدل «سبعة آلاف ثم لا تحديد»!

382.5 . النعماني بإسناده عن ابن سنان، عن أبي السائب، امام علي عليه السلام \_ در پاسخ به سؤال مردی از عمر دنیا \_ گفته می شود:  
هفت هزار است؛ اما مشخص نیست. 1 .

## پژوهشی درباره عمر دنیا

پژوهشی درباره عمر دنیا احادیثی که گذشتند ، دلالت می کنند بر این که عمر دنیا هفت هزار سال است . اگر مقصود از این سخن ، آن باشد که پس از گذشت این مدّت ، قیامت کبرا بر پا می شود \_ چنان که به حسب ظاهر ، مقصود ، همین است \_ این معنایی تردید ، قابل قبول نیست؛ زیرا : اولاً : سند این احادیث ، معتبر نیست؛ (1) بلکه برخی ، این احادیث را از مجعولات شمرده اند (2) . ثانياً : معین بودن وقت قیامت ، خلاف گفته قرآن است ؛ چرا که از نظر قرآن ، قیامت ، ناگهان فرا می رسد و کسی جز خداوند متعال ، وقت آن را نمی داند . (3) ثالثاً : خلاف واقع بودن برخی از آنها (مانند روایت شماره 134) ، در عصر حاضر ، قطعی است ؛ زیرا اکنون بیش از چهارصد سال از تاریخی که در آن مشخص

- 
- 1- الإصابة : ج 4 ص 540 ش 4703 ، أخبار الزمان : ص 310 ، تفسیر الثعالبی : ج 5 ص 335 ، ردّ اعتبار الجامع الصغیر : ص 150 ، فیض القدر : ج 3 ص 731 ح 4278 ، کشف الخفاء : ج 2 ص 315 .
  - 2- الموضوعات : ج 3 ص 243 ، سبل الهدی : ج 3 ص 315 ، تذکرة الموضوعات : ص 223 ، أضواء علی السنّة المحمّدیّة : ص 288 .
  - 3- ر. ک : انعام : آیه 31 ، اعراف : آیه 187 ، یوسف : آیه 107 حج : آیه 55 ، لقمان : آیه 34 ، احزاب : آیه 63 ، شورا : آیه 17 ، زخرف : آیه 85 ، محمّد : آیه 18 ، نازعات : آیه 43 ، قیامت : آیه 6 .



شده، گذشته است. رابعا: اگر هیچ يك از اشکالات گذشته هم وجود نداشت، در این گونه موارد، صحت سند، کافی نیست و قطع به صدور، ضروری است. اما اگر مقصود، این باشد که عمر دنیا در هنگام صدور احادیث، در آستانه هزاره هفتم است، احتمال صحت آن بعید نیست، و شاید متن احادیث، در نقل به معنا و در اثر کج فهمی راوی، بدین گونه که ملاحظه می شود، تحریف شده است. گفتنی است که روایت عیسی بن ابی حمزة، مؤید این تحلیل است. او می گوید: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت کردم! مردم می گویند که عمر دنیا هفت هزار سال است. امام علیه السلام ضمن رد این سخن و ارائه توضیحاتی در مورد آنچه پیش از آفرینش آدم در زمین روی داده، فرمود: **ثُمَّ بَدَأَ اللَّهُ فَخَلَقَ آدَمَ، وَقَدَّرَ لَهُ عَشْرَةَ آلَافِ عَامٍ، وَقَدْ مَضَى مِنْ ذَلِكَ سَبْعَةَ آلَافِ عَامٍ وَمِئْتَانِ، وَأَنْتُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ** (1). آن گاه خداوند، آغاز کرد. پس آدم را آفرید و برای او ده هزار [سال] مقرر کرد و از آن، هفت هزار و دویست سال می گذرد و اکنون شما در آخر زمان به سر می برید. علامه سید محمد حسین طباطبایی در این باره می گوید: تاریخ یهود می گوید که عمر نوع بشر، به فراتر از قریب هفت هزار سال نمی رسد. این مطلب، چندان هم بی وجه نیست؛ چرا که اگر ما زن و مردی را در نظر بگیریم که دارای عمر متوسطی بوده اند و با مزاج معتدل زیسته اند و در وضعیت میانگینی از امنیت و فراوانی و رفاه و سایر عوامل و شرایط تأثیرگذار در زندگی قرار داشته اند، آن گاه در نظر بگیریم که آن دو با هم ازدواج کرده و در وضعیت متوسط و متناسب، تولید نسل کرده اند و دقیقا همین فرض را درباره فرزندانشان (چه چه

---

1- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 31 ح 8.

دختر و چه پسر)، بر حسب آنچه از میانگین حال انسان ها به دست می آید، در نظر بگیریم، خواهیم دید که دو نفر اولی \_ که ابتدا در نظر گرفتیم \_ در يك قرن (در سر سده)، متجاوز از هزار نفر شده اند؛ یعنی هر يك نفر در طول يكصد سال، به قریب پانصد نفر افزایش پیدا کرده است. حال اگر صدماتی را که از سوی عوامل گوناگون و بلایای عمومی (از قبیل: سرما، گرما، توفان، زلزله، وبا، طاعون، فرو رفتن در زمین، خرابی، نسل کشی و سایر بلایا) به انسان وارد می شوند، محاسبه کنیم و آنها را در بالاترین حد، به گونه ای که عوامل نابود کننده همه را در بر بگیرند، در نظر بگیریم، یعنی فرض کنیم که در هر يكصد سال، از هزار نفر، تنها يك نفر بماند و 999 نفر از بین بروند و در نتیجه، عامل تناسل، در هر يكصد سال، تنها يك در هزار را باقی بگذارد، آن گاه این عدد را به هفت هزار سال یعنی هفتاد قرن، ضرب کنیم، خواهیم دید که جمعیت انسان ها در دنیا به دو و نیم میلیارد نفر می رسد، یعنی تعداد جمعیت امروز جهان (1) بر اساس آمارهای جهانی. این محاسبه تأیید می کند که عمر نوع بشر، همان مقدار گفته شده است؛ اما دانشمندان زمین شناس (دانش شناخت طبقات زمین) گفته اند که عمر زمین، بیش از میلیون ها سال است. آنها فسیل انسان ها و اجساد و آثار آنها را یافته اند که فراتر از پانصد هزار سال عمر دارد (بنا بر آنچه آنان گفته اند). این، یافته آنهاست؛ اما دلیل قانع کننده ای ندارند تا دل را راضی کند که این نسل ها پی در پی و بدون انقطاع ادامه یافته اند. پس رواست که گفته شود: این نوع [از موجودات،] در زمین پدید آمده، سپس زیاد شده و رشد کرده و زیسته و منقرض شده و مجدداً پدید آمده و منقرض شده است و این وضع چندین بار تا نسل کنونی \_ که آخرین بار است \_ ادامه یافته

---

1- مقصود، زمان تألیف این صفحات از تفسیر المیزان است.

است. (1) بنا بر این، به فرض صحّت این سخن که عصر زندگی پیامبر خدا، آغاز هزاره هفتم عمر دنیا از ابتدای آفرینش آدم ابو البشر است، می توان گفت احادیثی که عمر دنیا را هفت هزار سال می دانند، در اصل، ناظر به این معنا بوده اند و در اثر تحریف، به گونه ای نقل شده اند که خلاف مقصود را می رسانند و ظاهرشان این گونه است که پس از هفت هزار سال از آغاز جهان، قیامت برپا می گردد. گفتنی است که درباره عمر دنیا، آرای فراوان دیگری نیز وجود دارد که نیازی به ذکر یکایک آنها نیست. (2)

1- المیزان في تفسير القرآن: ج 4 ص 139.

2- برای اطلاع بیشتر، ر.ك: شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید: ج 10 ص 195، ج 13 ص 133، تفسیر ابن کثیر: ج 4 ص 227، اللعة البيضاء: ص 111، بحار الأنوار: ج 57 ص 223، ینابیع المودة: ص 212، تاریخ جرجان: ص 14، أحكام القرآن: ج 3 ص 250، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 598، مجمع الزوائد: ج 4 ص 314، المعجم الكبير: ج 11 ص 79، تفسیر مجاهد: ج 1 ص 53، مختصر بصائر الدرجات: ص 222، تفسیر القرطبی: ج 17 ص 125، العلل: ص 1211، تاریخ مدینة دمشق: ج 1 ص 270، تاریخ الطبری: ج 1 ص 70.

الفصل الثاني : أهمية الدنيا ودورها في بناء الآخرة 2 / 1 الإسلام دين الدنيا والآخرة الكتاب «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» . (1)

«فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» . (2)

«لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (3)

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (4)

«الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ \* لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (5)

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا طَلَمُوا لِنُبُوَّتِهِمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَءَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» . (6)

1- النساء : 134 .

2- آل عمران : 148 .

3- يونس : 26 .

4- النحل : 97 .

5- يونس : 63 و 64 .

6- النحل : 41 .

## فصل دوم : اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت

### 2 / 1 اسلام، دین دنیا و آخرت

فصل دوم: اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت 1 / 2 اسلام، دین دنیا و آخرتقرآن «هرکس پاداش دنیا را بخواهد، پاداش دنیا و آخرت نزد خداست، و خدا شنوای بیناست».

«پس خداوند، پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد، و خداوند، نیکوکاران را دوست دارد».

«برای کسانی که کار نیکو کرده اند، نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است. چهره هایشان را غباری و ذلتی نمی پوشاند. اینان، اهل بهشت اند و در آن، جاودانه خواهند بود».

«هر کس از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] می بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم داد».

«همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده اند. در زندگی دنیا و در آخرت، مؤده ای برای آنان است. وعده های خدا را تبدیلی نیست. این، همان کامیابی بزرگ است».

«و کسانی که پس از ستمدیدی، در راه خدا هجرت کرده اند، در این دنیا، جان نیکویی به آنان می دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت، بزرگ تر خواهد بود».

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَءَاتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» . (1)

«وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ \* وَلَا جُرْ الآخِرَةَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» . (2)

«وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» . (3)

«وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» . (4)

الحديث 410.3 . عن رسول الله صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث إنذار العشيِّرة (5) : يا بني عبد المطلب ، إني والله ما أعلم شاباً في العرب جاء قومه بأفضل مما جئتكم به ، إني قد جئتكم بخير الدنيا والآخرة! (6) أهمة الدنيا ودورها في بناء الآخرة 412. وعنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : إن الله لا يظلم مؤمناً حسنةً ؛ يعطى بها في الدنيا ويجزى بها في

الآخرة . (7)

1- .العنكبوت : 27 .

2- .يوسف : 56 و 57 .

3- .البقرة : 130 .

4- .البقرة : 36 .

5- .لما نزلت الآية الكريمة «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (الشعراء : 214) دعا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عشيرته الأقربين وهم يومئذ أربعون رجلاً إلى مادبة وأعلن لهم رسالته (بحار الأنوار : ج 18 ص 163) .

6- .الأمالى للطوسى : ص 583 ح 1206 عن ابن عباس عن الإمام علي عليه السلام ، شرح الأخبار : ج 1 ص 107 ح 27 وفيه «بمثل» بدل «بأفضل» ، تفسير فرات : ص 300 ح 404 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «بأمر» بدل «بخير» ، بحار الأنوار : ج 18 ص 192 ح 27 ؛ تاريخ الطبري : ج 2 ص 320 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 49 ح 8381 ، تفسير الطبري : ج 11 الجزء 19 ص 122 ، دلائل النبوة للبيهقي : ج 2 ص 180 وفيه «بأمر» بدل «بخير» وكلها عن عبد الله بن عباس عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج 13 ص 36419 .

7- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2162 ح 56 ، مشكاة المصابيح : ج 2 ص 648 ح 5159 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 252 ح 12266 ، مسند الطيالسي : ص 269 ح 2011 ، الزهد لابن المبارك : ص 111 ح 327 كلها عن أنس وفيهما «حسنته» بدل «حسنه» وفي الثلاثة الأخيرة «يثاب عليها الرزق» بدل «يعطى بها» ، كنز العمال : ج 1 ص 68 ح 262 .

«و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) عطا کردیم و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب قرار دادیم و در دنیا، مزدش را به او دادیم و در آخرت نیز قطعاً از شایستگان خواهد بود».

«و بدین گونه، یوسف را در سرزمین [مصر] قدرت دادیم که در آن، هر جا که می خواست، سکونت می کرد. هر که را بخواهیم، به رحمت خود می رسانیم و اجر نیکوکاران را تباه نمی سازیم. البته اجر آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می نمودند، بهتر است».

«و چه کسی \_ جز آن که به سُبُك مغزی دچار شد \_ از آیین ابراهیم روی بر می تابد؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم، و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود».

«و برای شما در زمین، قرارگاه و تا چندی برخوردار می خواهد بود».

حدیث 418. وعنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در حدیث انذار عشیره (1) \_ ای فرزندان عبد المطلب! به خدا سوگند، من در میان عرب، جوانی را نمی شناسم که برای قوم خویش، بهتر از آن چیزی آورده باشد که من برای شما آورده ام. من، خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام. 419. وعن الإمام الصادق علیه السلام \_ في مصححة عمر بن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هیچ کار نیکی از مؤمن را نادیده نمی گیرد؛ بلکه به ازای آن در دنیا عطا می شود و در آخرت، پاداش می یابد. .

---

1- زمانی که آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: آیه 214) نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، خویشان نزدیک خود را که چهل مرد بودند به طعامی فرا خواند و ضمن اطعام آنان، رسالت خویش را به آنها اعلام فرمود. (بحار الأنوار: ج 18 ص 163).

420. روى الصدوق بإسناده عن إبراهيم الكرخي ، عن أبي عبدالإمام علي عليه السلام : مَنْ رَزَقَ الدِّينَ فَقَدْ رَزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .  
 (1) 421.1 . الكليني بإسناده عن علي بن مهزيار ، قال : عنه عليه السلام : **إِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَأَجَلَ الْآخِرَةِ ، فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ ، سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ ، وَأَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ ، فَحَظُوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَّ بِهِ الْمُتَرَفُونَ ، وَأَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ ، ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبَلَّغِ وَالْمَتَجَرِّ الرَّابِحِ .** أصابوا لذة زهد (2) الدنيا في دنياهم ، وتيقنوا أنهم جيران الله غدا في آخرتهم ، لا تردُّ لهم دعوة ، ولا يُنْقِصُ لهم نصيبٌ من لذة . (3) 422.2 . وروى أيضا بإسناده عن علي بن عمر النوفلي ، قال عنه عليه السلام \_ في كتابه إلى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَأَهْلِ مِصْرَ \_ : **عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ؛ فَإِنَّهَا تَجْمَعُ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَجْمَعُ غَيْرُهَا ، وَيُدْرِكُ بِهَا مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُدْرِكُ بِغَيْرِهَا مِنَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَخَيْرِ الْآخِرَةِ ، قَالَ اللَّهُ : « وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ » .** (4)

إِعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ ، أَنَّ الْمُؤْمِنَ يَعْمَلُ لِثَلَاثٍ مِنَ الثَّوَابِ :

إِمَّا لِخَيْرِ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُثَبِّتُهُ بِعَمَلِهِ فِي دُنْيَاهُ ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِإِبْرَاهِيمَ : **« وَءَاتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ »** ، (5) **فَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ تَعَالَى أَعْطَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَكَفَاهُ الْمُهَمَّ فِيهِمَا ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ : « يَا عِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةٌ إِنَّمَا يُؤْتِي الصَّالِحِينَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ »** (6) ، فَمَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يُحَاسِبْ بِهِمْ فِي الْآخِرَةِ ، قَالَ اللَّهُ : **« لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَ زِيَادَةٌ »** (7) ، فَالْحُسْنَى هِيَ الْجَنَّةُ ، وَالزِّيَادَةُ هِيَ الدُّنْيَا .

وَإِمَّا لِخَيْرِ الْآخِرَةِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَكْفُرُ بِكُلِّ حَسَنَةٍ سَيِّئَةٍ ، قَالَ اللَّهُ : **« إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّكِرِينَ »** (8) ، حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُسْبَتْ لَهُمْ حَسَنَاتُهُمْ ، ثُمَّ أَعْطَاهُمْ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ عَشْرَ أَثْمَالِهَا إِلَى سَبْعِمِئَةِ ضِعْفٍ ، قَالَ اللَّهُ : **« جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا »** (9) ، وَقَالَ : **« فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءٌ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ءَامِنُونَ »** (10) فَارْغَبُوا فِي هَذَا \_ رَحِمَكُمُ اللَّهُ \_ وَاعْمَلُوا لَهُ وَتَحَاضُوا (11) عَلَيْهِ .

وَاعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ ، أَنَّ الْمُتَّقِينَ حَازُوا عَاجِلَ الْخَيْرِ وَأَجَلَهُ ، شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ يُشَارِكُهُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ ، أَبَاحَهُمُ اللَّهُ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَفَاهُمْ وَبِهِ أَغْنَاهُمْ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : **« قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ »**

نُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » (12) **سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ ، وَأَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ ، شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ فَأَكَلُوا مَعَهُمْ مِنَ طَيِّبَاتِ مَا يَأْكُلُونَ ، وَشَرَبُوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا يَشْرَبُونَ ، وَلَبَسُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَلْبَسُونَ ، وَسَكَنُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَسْكُنُونَ ، وَتَزَوَّجُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَتَزَوَّجُونَ ، وَرَكَبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَرَكَبُونَ ، أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا ، وَهُمْ غَدَا جِيرَانُ اللَّهِ يَتَمَنَّوْنَ عَلَيْهِ ، فَيُعْطِيهِمْ مَا تَمَنَّوْهُ ، وَلَا يَرُدُّ لَهُمْ دَعْوَةً وَلَا يُنْقِصُ لَهُمْ نَصِيبًا مِنَ اللَّذَّةِ .** فإلى هذا يا عِبَادَ اللَّهِ يَشْتَفِقُ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ لَهُ عَقْلٌ ، وَيَعْمَلُ لَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (13)

1- غرر الحكم : ح 8523 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 450 ح 8000 .

2- التأمل في مضمون الرواية يدل على منافاة كلمة «الزهد» لما يروم الإمام عليه السلام بيانه ، ولهذا فالذي يبدو هو أنّ هذه الكلمة من إضافة النسخ ، أو لعلها تصحيف لكلمة «أهل» . والذي يؤيد ما ذكرنا هو الرواية اللاحقة التي يمكن أن تعد المتن الأصلي لهذه الرواية ،



حيث إنّها خالية من كلمة «الزهد» .

3- نهج البلاغة : الكتاب 27 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 581 ح 726 .

4- النحل : 30 .

5- العنكبوت : 27 .

6- الزمر : 10 .

7- يونس : 26 .

8- هود : 114 .

9- النبأ : 36 .

10- سبأ : 37 .

11- الحَضُّ على الشيء : الحثُّ على الشيء (النهاية : ج 1 ص 400 «حَضُّ»).

12- الأعراف : 32 .

13- الأُمالي للمفيد : ص 261 ح 3 ، الأُمالي للطوسي : ص 25 ح 31 ، بشارة المصطفى : ص 44 كلّها عن أبي إسحاق الهمداني ،

الغارات : ج 1 ص 234 عن عبّاية وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 66 ح 11 وراجع تحف العقول : ص 176 .

423. ما رواه الكليني بإسناده إلى أبي بكر الفهفكي، قالامام على عليه السلام: هرکه دین روزی اش شود، خیر دنیا و آخرت، روزی اش شده است. 424.1. الحسن بن سلیمان الحلبي، عن الصفار، بإسناده عامام على عليه السلام: بدانید، ای بندگان خدا که پرهیزگاران، هم دنیای زودگذر دارند، هم آخرت ماندگار. با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند، ولی اهل دنیا در آخرت ایشان با آنان شریک نیستند. در دنیا به بهترین وجه زیستند و به بهترین وجه، خوردند، و از دنیا همان گونه بهره مند شدند که متمولان شدند و از آن، همانی را برگرفتند که قدرتمندان متکبر گرفتند. سپس با توشه کافی و تجارتی سودآور از دنیا رفتند. در دنیای خویش به لذت [زهد در] (1) دنیا رسیدند و یقین کردند که فردا در آخرتشان همجوار خدا هستند، هیچ دعایی از دعاهای آنان رد نمی شود و از لذتشان [در آخرت] چیزی کم نمی گردد. 425.2. الكليني عن محمد بن يحيى وغيره، عن محمد بن أمام على عليه السلام \_ در نامه اش به محمد بن ابی بکر و مصریان \_ بر شما باد پروا داشتن از خدا؛ زیرا هیچ چیز به مانند پروای از خدا، جامع خوبی ها نیست و به هیچ چیز چون تقوا نمی توان به خیر دنیا و آخرت رسید. خداوند می فرماید: «به آنان که تقوا پیشه کرده اند، گفته می شود: پروردگارتان چه فرو می فرستاد؟ می گویند: خوبی. برای آنان که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است، و البته سرای آخرت، بهتر است، و چه نیکوست جایگاه تقوا پیشگان».

بدانید ای بندگان خدا که مؤمن، برای سه پاداش کار می کند: یا برای خیر دنیا؛ زیرا که خداوند، او را در همین دنیا برای کارش پاداش می دهد. خدای

سبحان درباره ابراهیم فرموده است: «و مزدش را در دنیا به او دادیم و در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود». پس، هرکه برای خدای متعال کار کند، خداوند، مزدش را در دنیا و آخرت به او می دهد و در هر دو جا خواست های او را بر می آورد. خداوند فرموده است: «ای بندگان من که ایمان آورده اید! از پروردگارتان بترسید. برای آنان که خوبی کردند، در این دنیا خوبی است، و زمین خدا پهناور است. برآستی که شکیبایان مزد خویش را بی حساب، دریافت خواهند کرد». پس خداوند، آنان را بدانچه در دنیا عطایشان کرده است، در آخرت حسابرسی نمی کند. خدای فرموده است: «برای آنان که کار نیک کنند، پاداش نیک است و افزونی». مراد از پاداش نیک، بهشت است و از افزونی، دنیا.

و یا برای خیر آخرت [کار می کند]؛ زیرا که خداوند در برابر هر کار نیکی یک گناه می بخشد. خدای می فرماید: «همانا خوبی ها بدی ها را از بین می برند. این، پندی است برای پندگیرندگان» تا این که چون روز قیامت شود، خوبی هایشان برای آنان محاسبه گردد، سپس به شمار هریک از آنها، ده تا هفتصد برابر به ایشان عطا کند. خداوند می فرماید: «این، پاداشی است از پروردگار تو؛ عطایی از روی حساب». و می فرماید: «پس، برای آنان دو برابر آنچه انجام داده اند، پاداش است و آنها در غرفه ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود» پس \_ خدایتان رحمت کناد \_ به این همه پاداش، روی آورید و برای آن کار کنید و به ترغیب یکدیگر پردازید.

بدانید، ای بندگان خدا، که تقوای پیشگان، خیر دنیا و آخرت را به دست آوردند: با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند؛ لیکن اهل دنیا در آخرت آنان شریکشان نیستند. خداوند، از دنیا به آن اندازه ای که بسنده شان کند و بی نیازشان سازد، برایشان مباح و روا ساخت. خداوند بلند نام می فرماید: «بگو: چه کسی زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی های

پاکیزه، را حرام گردانیده است؟ بگو: همه اینها در زندگی دنیا از آن کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت نیز ویژه آنان است. این گونه، آیات خود را برای گروهی که می دانند، به روشنی بیان می کنیم». آنان در دنیا به بهترین وجه زیستند، به بهترین وجه، خوردند و با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند. در کنار آنان، از خوراک های پاکیزه ای که اهل دنیا می خورند خوردند و از نوشیدنی های گوارایی که

ایشان می نوشتند، نوشیدند و از بهترین لباس هایی که می پوشند، پوشیدند و در بهترین خانه هایی که ایشان سکونت می کنند، سکونت کردند و مانند آنها با بهترین همسران، ازدواج کردند و بر بهترین مرکب ها سوار شدند؛ همانند اهل دنیا از لذت دنیا بهره مند شدند و فردا [ی قیامت] هم در جوار خداوند هستند و از او آرزو و تمنا می کنند و خدا آرزوهایشان را بر می آورد؛ نه دعا و درخواستی از ایشان را رد می کند و نه از بهره لذت هایشان چیزی می کاهد. پس، ای بندگان خدا! هر که را خردی باشد، به چنین چیزی اشتیاق می ورزد و برای آن کار می کند و تقوای الهی در پیش می گیرد. هیچ توش و توانی نیست، مگر به واسطه خداوند.

---

1- تأمل در مضمون روایت، نشان می دهد که کلمه «زهد» در این جا با مقصدی که امام علیه السلام در صدد تبیین آن است، منافات دارد. و لذا به نظر می رسد که این کلمه، توسط ناسخ به متن افزوده شده است. آنچه این نظر را تقویت می کند، روایت بعدی است که در واقع، متن اصلی این روایت محسوب می شود و کلمه «زهد» در آن نیست.





426. ما رواه الكليني بإسناده عن محمد بن عبد الخالق والإمام الباقر عليه السلام \_ في قوله تعالى : «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ» \_ : فَأَمَّا الْحُسْنَىٰ الْجَنَّةُ (1) ، وَأَمَّا الزِّيَادَةُ فَالدُّنْيَا ، مَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يُحَاسِدْ بِهِمْ فِيهِ فِي الْآخِرَةِ ، وَيَجْمَعُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَيُثَبِّتُهُمْ بِأَحْسَنِ أَعْمَالِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (2) 427.1 . السيد ابن طاووس عن كتاب حسن بن أشناس ، بإسناد الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ اللَّهِ ، وَأَصَابَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (3) 428 . عن أبي الحسن عليه السلام أنه سئل عن العجب الذي الكافي عن الربيع بن خيثم : شهدت أبا عبد الله عليه السلام وهو يطأف به حول الكعبة في

محملاً وهو شديد المرض ، فكان كلما بلغ الركن اليماني أمرهم فوضّعه بالأرض ، فأخرج يده من كوة (4) المحمل حتى يجرها على الأرض ، ثم يقول : ارفعوني .

فَلَمَّا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَارًا فِي كُلِّ شَوْطٍ ، قُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ ، إِنَّ هَذَا يَشُقُّ عَلَيْكَ !

فَقَالَ : إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ : «لَيْسَ هَدُوءٌ مِنْ فِعْلِهِمْ» (5) . فَقُلْتُ : مَنَافِعُ الدُّنْيَا أَوْ مَنَافِعُ الْآخِرَةِ؟ فَقَالَ : الْكُلُّ . (6) .

- 
- 1- .في بحار الأنوار : «فالجنة» .
  - 2- .تفسير القمي : ج 1 ص 311 عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج 70 ص 66 ح 10 .
  - 3- .مختصر بصائر الدرجات : ص 79 ، بصائر الدرجات : ص 526 ح 1 وفيه «من يتق فقد ...» وكلاهما عن المفصل بن عمر ، بحار الأنوار : ج 24 ص 286 ح 1 .
  - 4- .الكوة : الخرق في الحائط والثقب في البيت ونحوه (لسان العرب : ج 15 ص 236 «كوي» ) .
  - 5- .الحجج : 28 .
  - 6- .الكافي : ج 4 ص 422 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 122 ح 398 وفيه «فأدخل» بدل «فأخرج» .

1. 429. الحسين بن سعيد، عن إبراهيم بن أبي البلاد، قال: قال امام باقر عليه السلام \_ درباره این سخن خدای متعال: «برای آنان که نیکی کنند، نیکی است و افزونی» \_ : نیکی، بهشت است و افزونی، دنیا. آنچه خداوند در دنیا عطایشان کند، در آخرت برای آن حسابرسی نمی کند و پاداش دنیا و آخرت را برایشان فراهم می آورد و در برابر بهترین کارهایشان، در دنیا و آخرت، پاداششان می دهد. 2. 430. الكليني ياسناده إلى ابن القدّاح، عن أبي عبد الله امام صادق عليه السلام: هر که از خدا پروا کند، به اذن خداوند، خویشان را از آتش مصون دانسته است و در دنیا و آخرت به همه خوبی ها دست یافته است. 431. ما رواه الشيخ الطوسي قدس سره ياسناده عن محمد \_ يالكافي \_ به نقل از ربیع بن خيثم \_ : امام صادق عليه السلام را دیدم که سخت بیمار بود و او را در محملی بر گرد کعبه طواف می دادند و هرگاه به رُکن یمنی می رسید،

دستور می داد او را بر زمین می نهادند و دستش را از سوراخ محمل، بیرون می آورد و به زمین می کشید و سپس می فرمود: «مرا بلند کنید».

چون در هر دور، این کار را تکرار کرد، به ایشان گفتم: فدایت شوم، ای فرزند پیامبر خدا! این کار، شما را به زحمت می اندازد.

فرمود: «سخن خداوند را شنیده ام که می فرماید: «تا شاهد منافع خویش باشند»».

گفتم: منافع دنیا یا منافع آخرت؟

فرمود: «هر دو».

راجع: ص 164 (الدعاء للرفاهية في المعيشة)

والتنمية الاقتصادية في الكتاب والستة: القسم الأول: التقدم الاقتصادي.

2 / 2المُسْلِمُ مَنْ يَهْتَمُّ بِالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ 436. ما رواه السيّد ابن طاووس قدس سره عن زبور داوود عرسول الله صلى الله عليه وآله: أَعْظَمُ النَّاسِ هَمًّا ، الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَهْتَمُّ بِأَمْرِ دُنْيَاةٍ وَأَمْرِ آخِرَتِهِ . (1) 437.1 . عن رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ خَيْرُكُمْ مَنْ تَرَكَ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ وَلَا الْآخِرَةَ لِلدُّنْيَا ، وَلَكِنْ خَيْرُكُمْ مَنْ أَخَذَ مِنْ هَذِهِ وَهَذِهِ . (2) 438.2 . عن مولانا الإمام زين العابدين عليه السلام فيعنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ خَيْرُكُمْ مَنْ تَرَكَ دُنْيَاةً لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاةٍ ، حَتَّى يُصِيبَ مِنْهُمَا

جَمِيعًا ، فَإِنَّ الدُّنْيَا بَلَاغٌ إِلَى الْآخِرَةِ ، وَلَا تَكُونُوا كَلًّا (3) عَلَى النَّاسِ . (4) .

- 
- 1- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 725 ح 2143 ، الهَمُّ والحزن لابن أبي الدنيا: ص 75 ح 109 ، الفردوس: ج 1 ص 359 ح 1449 كلها عن أنس ، كنز العمال: ج 1 ص 144 ح 702 .
  - 2- ربيع الأبرار: ج 1 ص 53 ، تاريخ أصبهان: ج 2 ص 167 ح 1369 عن أنس ، حلية الأولياء: ج 1 ص 278 كلاهما نحوه ، كنز العمال: ج 3 ص 733 ح 8605 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن حذيفة .
  - 3- الكَلِّ: العيال والثقل (الصحاح: ج 5 ص 1811 «كلل»).
  - 4- فردوس الأخبار: ج 3 ص 455 ح 5290 ، الفردوس: ج 3 ص 409 ح 5249 وفيه «فإن يبلغه إلى الأخرى» بدل «فإن الدنيا بلاغ إلى الآخرة» ، كنز العمال: ج 3 ص 248 ح 6334 نقلاً عن ابن عساكر وكلها عن أنس .



**2 / 2 مسلمان ، کسی است که به دنیا و آخرت ، اهتمام ورزد**

ر . ك : ص 165 (دعا برای رفاه در زندگی) .

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش اول: پیشرفت اقتصادی .

2 / 2 مسلمان ، کسی است که به دنیا و آخرت ، اهتمام ورزد 443. ما رواه القمّي، عن أبيه، عن الحسين بن خالد، عن أبيامير خدا صلی الله علیه و آله : با همّت ترین مردم، مؤمن است که به کار دنیا و آخرتش اهتمام می ورزد. 444. ما رواه الصدوق في المعاني ياسناده عن عبد العظيم ابيامير خدا صلی الله علیه و آله : بهترین شما کسی نیست که دنیا را برای آخرت یا آخرت را برای دنیا ترك کند ؛ بلکه بهترین شما کسی است که از این هر دو ، بهره گیرد. 445.1 . الشيخ الطوسي ياسناده، عن منصور بن حازم، عن أبيامير خدا صلی الله علیه و آله : بهترین شما کسی نیست که دنیايش را به خاطر آخرتش و یا آخرتش را به خاطر دنیايش وا گذارد ؛ بلکه آن کس است که از هر دوی اینها بهره اش برگیرد؛ چرا که دنیا وسیله رسیدن به آخرت است. سربار دیگران نباشید.

446.2 . وبإسناده عن ابن شجرة ، عمن ذكره ، عن أبي عبدعنه صلى الله عليه وآله : خَيْرُكُمْ مَنْ لَمْ يَتْرِكْ آخِرَتَهُ لِدُنْيَا ، وَلَا دُنْيَا لآخِرَتِهِ ، وَلَمْ يَكُنْ كَلَاءً عَلَى النَّاسِ . (1) 447. ما رواه الصدوق بإسناده عن أبي جعفر الأحول ، عمن رالإمام علي عليه السلام : خِيَارُكُمْ مَنْ لَمْ يَدَعِ آخِرَتَهُ لِدُنْيَا ، وَلَا دُنْيَا لآخِرَتِهِ . (2) 448. الشيخ الطوسي بإسناده عن حفص بن البختری ، عن أبي عالمام الصادق عليه السلام : لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَا لآخِرَتِهِ ، وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَا . (3) 449. وبإسناده عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله ، قال : الإمام الكاظم عليه السلام : اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَمَا لَا يَثْلُمُ الْمُرُوءَةَ وَمَا لَا سَرْفَ فِيهِ ، وَاسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ ، فَإِنَّهُ رُوي : لَيْسَ مِمَّا مَن تَرَكَ دُنْيَا لِدِينِهِ ، أَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِدُنْيَا . (4) 2 / 3 الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ الْكِتَابُ «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» . (5)

- 
- 1- . تاريخ بغداد : ج 4 ص 221 الرقم 1918 ، كنز العمال : ج 3 ص 238 ح 6336 نقلاً عن الحاكم وكلاهما عن أنس .
  - 2- . كنز العمال : ج 3 ص 732 ح 8604 نقلاً عن علي بن معبد في كتاب الطاعة والعصيان .
  - 3- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 156 ح 3568 ، وسائل الشيعة : ج 12 ص 49 ح 1 ، المحجّة البيضاء : ج 7 ص 418 .
  - 4- . تحف العقول : ص 410 ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 337 عن العالم عليه السلام وفيه «لم ينل» بدل «لا يثلم» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 321 ح 18 .
  - 5- . البقرة : 197 .

**2 / 3 دنیا، کشتزار آخرت**

1. 455. روی الشریف الرضی عن أمير المؤمنين عليه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین شما کسی است که آخرتش را به خاطر دنیایش وا نگذارد و دنیایش را به خاطر آخرتش، و سر بارِ مردم نباشد. 2. 456. الكليني یاسناده عن الوشاء، قال: امام علی علیه السلام: بهترین شما کسی است که آخرتش را به خاطر دنیایش فرو نگذارد و دنیایش را به خاطر آخرتش. 457. ما رواه الكليني یاسناده عن حماد بن عثمان: امام صادق علیه السلام: کسی که دنیایش را به خاطر آخرتش و یا آخرتش را به خاطر دنیایش ترك کند، از ما نیست. 458. الكشي یاسناده عن علي بن أسباط، قال: امام کاظم علیه السلام: با برآوردن خواست های روای خود تا آن جا که به مرّوت [و شخصیت] صدمه نزنند و اسراف نباشد، خویشتن را از دنیا بهره مند سازید و از دنیا در کارهای دینتان کمک بگیرید؛ زیرا روایت شده است که: از ما نیست آن که دنیایش را برای دینش یا دینش را به خاطر دنیایش وا گذارد. 2 / 3 دنیا، کشتزار آخرتقرآن «توشه بگیرید، و بهترین توشه ، پروامندی است. ای خردمندان! از من پروا کنید».

«وَابْتِغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا». (1)

الحديث 465. رسول الله صلى الله عليه وآله: الدنيا مزرعة الآخرة. (2) 466. ابن شهر آشوب وابن بطّة - في الإبانة - بإسناده منعه صلى الله عليه وآله - في وصيته لأبي ذر - يا أبا ذر، إنكم في ممر الليل والنهار، في آجال منقوصة، وأعمال محفوظة، والموت يأتي بغتة، فمن يزرع خيراً يوشك أن يحصد رغبة، ومن يزرع شراً يوشك أن يحصد ندامة، ولكل زارع ما زرعه. (3) 467. عن ابن نجيب: الإمام الصادق عليه السلام: إنكم في آجال مقبوضة، وأيام معدودة، والموت يأتي بغتة، من يزرع خيراً يحصد غبطة، ومن يزرع شراً يحصد ندامة، ولكل زارع ما زرعه. (4) 468. السمعاني عن عمر، قال: عيسى عليه السلام: إن الدنيا خلقت مزرعة تزرع فيها العباد الحلو والمر والشّر والخير، والخير له مغبة (5) نافعة يوم الحساب، والشّر له عناء وشقاء يوم الحصاد. (6) 469. في دعائم الإسلام مرفوعاً عن الإمام علي عليه السلام: يا رسول الله صلى الله عليه وآله - في الدعاء - اللهم أعني على ديني بدني، وعلى آخرتي

بتقوي، واحفظني فيما غبت عنه ولا تكلني إلى نفسي فيما حضرته. (7).

1- الفصص: 77.

2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 183، عوالي اللآلي: ج 1 ص 267 ح 66؛ إحياء علوم الدين: ج 4 ص 31.

3- الأمالي للطوسي: ص 527 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 365 ح 2661 وفيه «خيراً» بدل «رغبة»، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 53 وفيه «زرعة» بدل «رغبة»، أعلام الدين: ص 190 كلها عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج 71 ص 176 ح 15.

4- الكافي: ج 2 ص 458 ح 19، تحف العقول: ص 489 عن الإمام العسكري عليه السلام وفيه «منقوصة» بدل «مقبوضة»، بحار الأنوار: ج 78 ص 373 ح 19.

5- الغب: عاقبة الشيء (القاموس المحيط: ج 1 ص 109 «غب»).

6- تحف العقول: ص 510، بحار الأنوار: ج 14 ص 314 ح 17.

7- مهج الدعوات: ص 238، العدد القويّة: ص 157 ح 88 كلاهما عن الربيع عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام، مصباح المتجهد: ص 172 ح 259، بحار الأنوار: ج 94 ص 405 ح 7 نقلاً عن اختيار ابن الباقي من أدعية الإمام الصادق عليه السلام.

«و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن».

حدیث 472.1. الصدوق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، کشتزار آخرت است. 473.2. السید الشریف الرضی مرسلأ عن أمير المؤمنين \_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در توصیه هایش به ابو ذر \_ ای ابو ذر! شما در گذر شب و روز، عمری رو به کاهش دارید و اعمالتان نگهداری می شود و مرگ، ناگهان می رسد. پس، هرکه خوبی بکارد، زودا که بدرود و هرکه بدی بکارد، به زودی پشیمانی می درود. [آری!] هر کشتگر، آن دروید که کاشت. 474.1. روی الکلینی قدس سره یاسناده عن یونس بن یعقوب، امام صادق علیه السلام: شما در عمرهایی به سر آمدنی و روزهای چند به سر می برید و مرگ، به ناگاه فرا می رسد. هرکه نیکی بکارد، شادی می درود، و هرکه بدی بکارد، پشیمانی درو می کند. هر کشتگری، آن دروید که کاشت. 475.2. وروی یاسناده عن عبدالرحمن بن کثیر، عن ابي عبدعيسى علیه السلام: دنیا، کشتزاری آفریده شده است که بندگان در آن، شیرینی و تلخی، و بدی و خوبی می کارند. خوبی، در روز حسابرسی، فرجامی سودمند دارد و بدی، در روز درویدن، رنج و شقاوت به بار می نشاند. 476.3. وروی یاسناده عن الحسن بن الجهم، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در دعا \_ خدایا! مرا با دنیایم بر دینم، و با تقوایم بر آخرتم کمک فرما و در آنچه از آن غایبم، حفظم نما و در آنچه هم حاضریم، مرا به خودم وا مگذار. .

1. 477. الشيخ الطوسي بإسناده عن محمد بن عمر، أنه كتبه صلى الله عليه وآله: لِيَتَزَوَّدَ الْعَبْدُ مِنْ دُنْيَاهُ لِأَخْرَجَتِهِ، وَمِنْ حَيَاتِهِ لِمَوْتِهِ، وَمِنْ شَبَابِهِ لِهَرَمِهِ؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ، وَأَنْتُمْ خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ. (1) 478. الشيخ بإسناده عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن أبيه صلى الله عليه وآله: لِيَأْخُذَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ، وَمِنْ دُنْيَاهُ لِأَخْرَجَتِهِ. (2) 479. الكليني بإسناده عن محمد بن قيس، عن أبي جعفر عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ يَتَزَوَّدَ فِي الدُّنْيَا يَنْفَعُهُ فِي الْآخِرَةِ. (3) 480. ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن سلمة بن محرز، قال: عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمَوْءُومِنُ يَتَزَوَّدُ، وَالْكَافِرُ يَتَمَتَّعُ. (4) 481. الكليني بإسناده عن عمرو الأزرق، قال: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ الْأَعْمَالِ، وَجَعَلَ الْآخِرَةَ دَارَ الْقَرَارِ «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَوْا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (5). (6) 482.1. الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن زرارة، عن أبيه صلى الله عليه وآله: أَنْتُمْ الْيَوْمَ فِي الْمِضْمَارِ (7) وَغَدَا فِي السَّبَاقِ، فَالْسَّبْقُ الْجَنَّةُ

وَالْغَايَةُ النَّارُ. (8).

- 1- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 301 وزاد فيه «من نفسه لنفسه» بعد «العبد»، وراجع الفردوس : ج 5 ص 278 ح 8178 .
- 2- الكافي : ج 2 ص 70 ح 9 عن حمزة بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 27 ، أعلام الدين : ص 333 وليس فيهما «المؤمن» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 362 ح 7 .
- 3- المعجم الكبير : ج 2 ص 305 ح 2271 ، تاريخ بغداد : ج 14 ص 446 الرقم 7828 ، تفسير ابن كثير : ج 1 ص 348 كلها عن جرير بن عبد الله ، كنز العمال : ج 15 ص 775 ح 43052 .
- 4- إرشاد القلوب : ص 18 ، أعلام الدين : ص 297 ، كشف الغمّة : ج 2 ص 199 كلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 112 ح 6 .
- 5- النجم : 31 .
- 6- كمال الدين : ص 264 ح 10 ، إرشاد القلوب : ص 420 كلاهما عن سلمان ، كتاب سليم بن قيس : ج 2 ص 769 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «دار الثواب والعقاب» بدل «دار القرار» ، بحار الأنوار : ج 28 ص 54 ح 21 ؛ البداية والنهاية : ج 7 ص 263 عن زيد بن وهب عن الإمام علي عليه السلام .
- 7- المِضْمَارُ : الموضع الذي تُضَمَّرُ فيه الخيل ، ويكون وقتاً للأيام التي تُضَمَّرُ فيها . وتضمير الخيل : هو أن يظاهر عليها بالعلف حتى تسمن ، ثم لا تعلق إلا قوتاً لتخفّ (النهاية : ج 3 ص 99 «ضم»). .
- 8- كنز العمال : ج 15 ص 794 ح 43153 نقلاً عن ابن لال في مكارم الأخلاق عن جابر .

483.2. الشيخ ياسناده عن عبدالملك بن عمرو، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده باید از دنیای خویش برای آخرتش، از زندگی اش برای مرگش و از جوانی اش برای پیری اش توشه بگیرد؛ زیرا که دنیا برای شما آفریده شده است و شما برای آخرت، آفریده شده اید. 484. ما رواه الكليني ياسناده عن أبي بصير، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده مؤمن، باید از خود برای خود، و از دنیای خود برای آخرتش بهره بگیرد. 485.1. الشيخ الطوسي ياسناده عن سماعة، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که در دنیا توشه بگیرد، در آخرت سودش می دهد. 486.2. وأيضا ياسناده عن ابن أبي نصر، عن أبي الحسن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، توشه فراهم می آورد و کافر به کامجویی می گذراند. 487.1. الشيخ الطوسي ياسناده عن زرارة، عن أبي جعفر عیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند \_ تبارک و تعالی \_ ... دنیا را سرای عمل قرار داد و آخرت را سرای آسودن، «تا کسانی را که بد کرده اند، به سزای آنچه انجام داده اند، کیفر دهد، و آنان را که نیکی کرده اند، به نیکی پاداش دهد». 488.2. وياسناده عن معاوية بن شريح، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شما امروز در آمادگاهید (1) و فردا در [میدان] مسابقه. جایزه این مسابقه، بهشت است و خطّ پایان [برای بازنده]، آتش. .

---

1- آمادگاه، ترجمه «مضمار» است و مضمار، جایی یا مدّت زمانی را می گویند که در آن، اسب را برای مسابقه پرورش می دهند و آمادگاه مسابقه می سازند (النهاية: ج 3 ص 99 «ضمير»).

489. الكليني بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد اللّيسى عليه السلام: إِنَّمَا أُعْطَاكُمْ اللَّهُ الدُّنْيَا لِتَعْمَلُوا فِيهَا لِلْآخِرَةِ وَلَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَشْغَلَكُمْ عَنِ الْآخِرَةِ، وَإِنَّمَا بَسَّ طَهًا لَكُمْ لِتَعْلَمُوا أَنَّهُ أَعَانَكُمْ بِهَا عَلَى الْعِبَادَةِ وَلَمْ يُعِينَكُمْ بِهَا عَلَى الْخَطَايَا، وَإِنَّمَا أَمَرَكُمْ فِيهَا بِطَاعَتِهِ وَلَمْ يَأْمُرْكُمْ فِيهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَإِنَّمَا أَعَانَكُمْ بِهَا عَلَى الْحَلَالِ وَلَمْ يُحِلَّ لَكُمْ بِهَا الْحَرَامَ، وَإِنَّمَا وَسَّعَهَا لَكُمْ لِتَوَاصَلُوا فِيهَا، وَلَمْ يُوسَّعَهَا لَكُمْ لِتَقَاطَعُوا فِيهَا. (1) 490.1. أبو عتّاب عبد الله والحسين ابنا بسطام بن سابا لإمام عليّ عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ الْمِضْمَارَ الْيَوْمَ وَالسَّبَاقَ غَدًا، أَلَا وَإِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةَ وَالْغَايَةَ النَّارَ. (2) 491.2. وكذا الصدوق \_ في العلل \_ بإسناده عن أبي بصير عنه عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى؛ لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا، وَالْبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بَصَرَهُ وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا، فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ، وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ، وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ، وَالْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ. (3) 492.3. الشيخ الطوسي بإسناده إلى عمّار، عن أبي عبد العنه عليه السلام: بِالْذُّنْيَا تُحْرَزُ (4) الْآخِرَةُ. (5)

1- تحف العقول: ص 511، بحار الأنوار: ج 14 ص 315 ح 17.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 516 ح 1482، نهج البلاغة: الخطبة 28، الإرشاد: ج 1 ص 235، تحف العقول: ص 153، مصباح المتهدّد: ص 661 ح 728 عن جندب بن عبد الله الأزدي عن أبيه، بحار الأنوار: ج 77 ص 294 ح 2؛ تاريخ دمشق: ج 42 ص 497 عن أوفى بن دلهم وفيه صدره، مطالب السؤل: ص 51.

3- نهج البلاغة: الخطبة 133، إرشاد القلوب: ص 19 وفيه «البوار» بدل «الدار» وليس فيه «والأعمى لها متزوّد».

4- أحرز الشيء: حازه. يقال: أحرزت الشيء؛ إذا حفظته وضممته إليك وصننته عن الأخذ (لسان العرب: ج 5 ص 333 «حرز»).

5- نهج البلاغة: الخطبة 156، تحف العقول: ص 164 وفيه «تحذو» بدل «تحرز»؛ كنز العمال: ج 16 ص 188 ح 44216 نقلًا عن وكيع وفيه «تخرج» بدل «تحرز».



493.1. في تفسير القمّي عن الإمام الصادق عليه السلام معيسى عليه السلام: خداوند، دنیا را به شما داده است تا در آن برای آخرت، کار کنید. آن را به شما نداده است که از آخرت، بازتان دارد. آن را برای شما گسترانیده است تا بدانید که آن را کمک کار شما در عبادت قرار داده؛ نه این که کمک کار شما در گناهان قرار داده باشد. شما را در دنیا به طاعت خویش فرمان داده و در آن، به معصیت خویش فرماتتان نداده است به واسطه آن، شما را بر حلال کمک کرده و به وسیله آن، حرام را برای شما حلال نساخته است. دنیا را برای شما وسعت بخشیده تا در آن به یکدیگر رسیدگی کنید و برایتان وسعت نبخشیده که در آن، از یکدیگر بترسید. 494.2. وفي الدرّ المنثور عن عدّة من أصحاب التفسیر و امام علی علیه السلام: بدانید که امروز، روز آماده سازی (خودسازی) است و فردا، [روز] مسابقه. بدانید که جایزه این مسابقه، بهشت است و خطّ پایان [برای بازنده]، آتش. 495.3. وفي الدرّ المنثور أيضا: امام علی علیه السلام: دنیا، آخرین دیدرس شخص کور [دل] است و از آنچه فرا سوی آن است، چیزی نمی بیند؛ اما شخص بینا، نگاهش از دنیا فراتر می رود و می داند که سرای حقیقی، در ورای این دنیا است. پس، بینا از دنیا دل بر می کتد و کوردل، به آن رو می کند. بینا، از آن توشه بر می گیرد و کوردل، برای آن توشه فراهم می آورد. 496.1. الشيخ الطوسي باسناده عن أبي هريرة، قال: امام علی علیه السلام: با دنیا است که آخرت به دست می آید.

497.2 . الكراجكي بإسناده عن كليب بن معاوية الأسدي ، ع عنه عليه السلام : بِالْدُّنْيَا تَجُوزُ الْقِيَامَةَ (1) . (2) 498.3 . علي بن الحسن بن الفضل ، عن أنس : عنه عليه السلام : عَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ أَنَّهُ مُنْتَقِلٌ عَنْ دُنْيَاهُ ، كَيْفَ لَا يُحْسِنُ التَّرَوُّدَ لِأَخْرَافِهَا! (3) 499.1 . الصدوق بإسناده عن عبد الله بن مسعود ، قال : عنه عليه السلام : تَرَوِّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ (4) بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا ، وَخُذُوا مِنَ الْفَنَاءِ لِلْبَقَاءِ . (5) 500.2 . ما رواه الحاكم الحسكاني بإسناده إلى جميع التيمعنه عليه السلام : تَرَوِّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا . (6) 501.1 . ابن المشهدي \_ فيذيل : عنه عليه السلام \_ يَصِفُ الدُّنْيَا \_ وَلِنَعْمَ دَارٌ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا ، وَمَحَلٌّ مَنْ لَمْ يُوطَّنْهَا مَحَلًّا . (7) 502.2 . الواحدي \_ في الآية : عنه عليه السلام : الْأَعْمَالُ فِي الدُّنْيَا تِجَارَةٌ الْآخِرَةِ . (8) 503.1 . ابن عساكر والسيوطي عن جعفر بن محمد ، عن أبيه عنه عليه السلام \_ مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى مُعَاوِيَةَ \_ : إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ تِجَارَةٌ ، وَرِبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا

الْآخِرَةُ ، فَالْسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ ، وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بِعَيْنِهَا وَقَدَّرَهَا بِقَدْرِهَا . (9) .

- 1- قال العلامة المجلسي قدس سره : على صيغة الخطاب من الجواز ، وفي بعض النسخ بصيغة الغيبة ؛ أي يجوز المؤمن أو الإنسان ، وفي بعضها : «يُجَاز» على بناء المجهول ، وهو أظهر ، وفي بعضها : «يُحَاز» بالحاء المهملة من الحيازة ؛ أي تُحَاز مَثُوبَاتُ الْقِيَامَةِ . . . ومنهم من قرأ : «تحوز» بالحاء المهملة ؛ أي بسبب الدنيا وأعمالها تجمع القيامة الناس للحساب والجزاء (بحار الأنوار : ج 68 ص 364) .
- 2- الكافي : ج 2 ص 50 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عن الأصبغ بن نباتة ، الأُمالي للمفيد : ص 277 ح 3 عن قبيصة بن جابر الأسدي ، كتاب سليم بن قيس : ج 2 ص 619 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 350 ح 18 .
- 3- غرر الحكم : ح 6275 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 329 ح 5640 وفيه «علم» بدل «عرف» .
- 4- حازه يحوزه : إذا قبضه وملكه واستبد به (النهاية : ج 1 ص 459 «حوز»).
- 5- غرر الحكم : ح 4535 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 200 ح 4047 وفيه «تتقذون» بدل «تحوزون» وص 109 ح 2393 وليس فيه ذيله .
- 6- نهج البلاغة : الخطبة 28 و 64 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 8 ، تحف العقول : ص 153 ، إرشاد القلوب : ص 34 وفيه «تنجون» بدل «تحززون» وليس فيهما «غدا» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 333 ح 21 ؛ مطالب السؤل : ص 59 وفيه «تحوزوا» بدل «تحززون» .
- 7- نهج البلاغة : الخطبة 223 .
- 8- غرر الحكم : ح 1307 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 47 ح 1193 وفيه «في الآخرة» .
- 9- شرح نهج البلاغة : ج 16 ص 133 ؛ بحار الأنوار : ج 33 ص 85 ح 400 .

504.2 . ما رواه الترمذي بإسناده إلى يوسف بن سعد قال: امام علي عليه السلام: با دنیاست که قیامت را به چنگ می آوری. 505. من جملة ما استدرکه ابن أبي الحديد علي روايات السيماام علي عليه السلام: در شگفتم از کسی که می داند از دنیا منتقل می شود، چگونه برای آخرتش توشه فراهم نمی آورد! 506. الكليني عن أحمد بن مهران وعلي بن إبراهيم، جميعا امام علي عليه السلام: از دنیا، توشه ای بردارید که فردای قیامت، با آن خود را حفظ کنید و از سرای نیستی برای سرای ماندگاری بگیرید. 507. أخرج البيهقي في الدلائل عن محمد بن علي \_ يعني الامام علي عليه السلام: در دنیا، از دنیا توشه ای بگیرید که فردای قیامت، با آن خویشتن را حفظ کنید. 508. أخرج الزبير بن بكار وابن عساكر، عن جعفر بن محمد امام علي عليه السلام \_ در وصف دنیا \_ نیکو سزایی است دنیا برای آن کس که آن را خانه [ی همیشگی] خویش نداند، و نیکو منزلگاهی است برای آن کس که آن را وطن خویش نگیرد. 509.1 . البخاري في صحيحه والنسائي في سننه ، عن عبد اللامام علي عليه السلام: کارها [ی نیک] در دنیا، تجارت آخرت است. 510.2 . قال أبو الصلاح: امام علي عليه السلام \_ در نامه ای به معاویه \_ دنیا، تجارت خانه ای است و سود یا زیان آن، آخرت است [و در آخرت معلوم می شود]. پس سعادت مند، کسی است که کالای او در دنیا، کارهای نیک باشد و کسی که دنیا را به چشم دنیا دید و به آن در همان حدّ خویش ارزش نهاد. .

511.3 . الطبرسي: الإمام زين العابدين عليه السلام: الدُّنْيَا سَوْقُ الْآخِرَةِ، وَالنَّفْسُ تَاجِرٌ، وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ رَأْسُ الْمَالِ، وَالْمَكْسَبُ الْجَنَّةُ، وَالْحُسْرَانُ النَّارُ. (1) 512.4 . الطبرسي: الإمام الباقر عليه السلام \_ لِعَمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ \_ يَا عَمْرُ، إِنَّمَا الدُّنْيَا سَوْقٌ مِنَ الْأَسْوَاقِ؛ مِنْهَا خَرَجَ قَوْمٌ بِمَا يَنْفَعُهُمْ، وَمِنْهَا خَرَجُوا بِمَا يَضُرُّهُمْ. (2) 513.1 . ما وراء الحاكم الحسكاني بإسناده عن أم سلمة \_ عنه عليه السلام: نِعَمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى طَلَبِ الْآخِرَةِ. (3) 514.2 . وبإسناده عن إسماعيل بن عبد الله بن جعفر الطيالسي بإمام الصادق عليه السلام: نِعَمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ. (4) 515.3 . الحاكم الحسكاني بإسناده عن محمد بن مصعب، وعلا احتجاج \_ في ذِكْرِ أَسْئَلَةِ زَنْدِيقٍ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ قَالَ [الزَّنْدِيقُ]: فَلِإِيَّيَّ عِلَّةٍ خَلَقَ الْخَلْقَ وَهُوَ غَيْرُ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِمْ وَلَا مُضْطَرٌّ إِلَى خَلْقِهِمْ، وَلَا يَلِيقُ بِهِ التَّعَبُّثُ بِنَا؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَلَقَهُمْ لِإِظْهَارِ حِكْمَتِهِ، وَإِنْفَادِ عِلْمِهِ، وَإِمضَاءِ تَدْبِيرِهِ.

قَالَ: وَكَيْفَ لَا يَقْتَصِرُ عَلَى هَذِهِ الدَّارِ فَيَجْعَلَهَا دَارَ ثَوَابِهِ وَمُحِبَّبَسَ عِقَابِهِ؟

قَالَ: إِنَّ هَذِهِ الدَّارَ دَارُ ابْتِلَاءٍ، وَمَتَجَرُّ الثَّوَابِ، وَمُكْتَسَبُ الرَّحْمَةِ، مُلِئَتْ

أَفَاتٍ، وَطَبَّقَتْ (5) شَهَوَاتٍ، لِيَخْتَبِرَ فِيهَا عِبِيدَهُ بِالطَّاعَةِ؛ فَلَا يَكُونُ دَارَ عَمَلٍ دَارَ جَزَاءٍ. (6).

- 1- .أعلام الدين : ص 96 .
- 2- .الخصال : ص 104 ح 64 عن هشام بن معاذ ، المسترشد : ص 504 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 181 ح 6 وراجع المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 207 .
- 3- .الكافي : ج 5 ص 73 ح 14 .
- 4- .الكافي : ج 5 ص 72 ح 8 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 156 ح 3567 ، الأصول الستة عشر : ص 88 كلَّها عن ذريح المحاربي ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 51 ح 136 عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 127 ح 126 .
- 5- .طَبَّقَ الْغَيْمَ : إِذَا أَصَابَ بِمَطَرِهِ جَمِيعَ الْأَرْضِ (الصَّحاح : ج 4 ص 1512 «طَبَّقَ»).
- 6- .الاحتجاج : ج 2 ص 217 ح 223 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 317 ح 14 .

516. امام زین العابدین علیه السلام: دنیا، بازار آخرت است و نفس، بازرگان است و شب و روز، سرمایه و سود، بهشت و زیان، دوزخ. 517.2. الطبرانی عن حفص بن سعید القرشي، قال: امام باقر علیه السلام \_ به عمر بن عبد العزیز \_ ای عمر! دنیا، در حقیقت، بازاری از بازارهاست. گروهی از این دنیا، چیزی را بردند که سودشان رساند، و گروهی، کالایی را که زیانشان داد. 518.3. فی کتاب المناقب لابن شهر آشوب عن تفسیر الثعلبامام باقر علیه السلام: چه خوب کمکی است دنیا برای به دست آوردن آخرت! 519.1. أخرج ابن مردويه عن ابن عباس، قال: امام صادق علیه السلام: نیکو کمکی است دنیا برای آخرت! 520.2. الدر المنثور: الاحتجاج \_ در بیان پرسش های زندیق از امام صادق علیه السلام \_ زندیق گفت: پس به چه علت خداوند، خلق را آفرید، در حالی که نه به آنها نیاز داشت، نه به آفریدنشان مجبور بود، و باز چه قرار دادن ما هم شایسته او نیست؟

فرمود: «آنها را آفرید تا حکمت خویش را نمایان سازد و دانش خویش را به اجرا درآورد و تدبیرش را به کار برد».

زندیق گفت: چرا به همین سرا بسنده نمی کند و آن را سرای پاداش و زندان کیفر خویش قرار نمی دهد [و به آخرت موکول کرده است]؟

فرمود: «این سرا، سرای آزمایش، تجارت خانه ثواب و محل کسب رحمت است؛ آکنده از آفات و پُر از شهوات، قرار داده شده است تا خداوند، در آن بندگانش را به طاعت بیازماید. پس، خانه عمل، خانه پاداش نیست».

521. تأويل الآيات بإسناده عن عبد الله بن أبي رافع، عالِمُ الإمام الهادي عليه السلام: الدُّنيا سوقٌ، رِيحٌ فيها قَوْمٌ وَخَسِيرٌ آخَرُونَ. (1) راجع: ص 262 (خصائص الدنيا / مزرعة الشر).

و 264 (خصائص الدنيا / سوق الخسران).

2 / 4 الإنسان مطبوعٌ على حُبِّ الدُّنيا. 526.2. في نهج البيان: الإمام عليّ عليه السلام: النَّاسُ أبنَاءُ الدُّنيا، وَالوَلَدُ مَطْبُوعٌ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ. (2) 527.3. ابن أبي حاتم عن السدي: عنه عليه السلام: النَّاسُ أبنَاءُ الدُّنيا، وَلَا يَلَامُ الرَّجُلُ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ. (3) 528.1. الكليني بإسناده عن أبي الجارود عن أبي جعفر علنر الدرّ: قَالَ لَهُ [ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام ] الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا تَرَى حُبَّ النَّاسِ لِلدُّنْيَا؟ قَالَ: هُمْ أَوْلَادُهَا، أَفِيْلَامُ الْمَرْءِ عَلَى حُبِّ وَالِدَتِهِ؟! (4) 529.. وعن كتاب نزول القرآن يرفعه إلى عليّ بن عامر، عن تيسير المطالب عن أبي الحسن عليّ بن مهدي الطبري: رَوِيَ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَيْهِ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا بَالُنَا نُحِبُّ الدُّنْيَا؟

قَالَ: لِأَنَّهَا مِنْهَا، وَهَلْ يَأْتُمُّ الرَّجُلُ بِحُبِّهِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ؟

قَالَ: وَأَنْشَدَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيُّ، قَالَ: أَنْشَدْنَا ثَعْلَبَ:

وَنَحْنُ بَنُو الدُّنْيَا خُلِقْنَا لِغَيْرِهَا وَمَا كُنْتَ مِنْهُ فَهُوَ شَيْءٌ مُحَبَّبٌ (5).

- 1- تحف العقول: ص 483، بحار الأنوار: ج 78 ص 366 ح 6.
- 2- غرر الحكم: ح 1850، عيون الحكم والمواعظ: ص 55 ح 1423.
- 3- نهج البلاغة: الحكمة 303، بحار الأنوار: ج 73 ص 131 ح 135.
- 4- نثر الدرّ: ج 1 ص 284؛ ربيع الأبرار: ج 1 ص 45.
- 5- تيسير المطالب: ص 340.

**2 / 4 سرشت دنیادوستی در انسان**

530.2 . حکي العلامة الطباطبائي قدس سره عن المناقب الفامام هادي عليه السلام: دنيا، بازاری است که قومی در آن سود بُردند و شماری دیگر، زیان کردند. ر. ک: ص 263 (ویژگی های دنیا / کشتزار بدی).

و 265 (ویژگی های دنیا / بازار زیانکاری).

2 / 4 سرشت دنیادوستی در انسان 535.1 . القمّي في ذيل الآية: امام علي عليه السلام: مردمان، فرزندان دنیا هستند و فرزند، بر عشق به مادرش سرشته شده است. 536.2 . شرف الدين الحسيني ياسناده عن محمد بن الفضيل امام علي عليه السلام: مردم، فرزندان دنیا هستند و آدمی، بر دوست داشتن مادرش ملامت نمی شود. 537. کتاب الله عز و جل على أربعة أشياء: نثر الدر: حسن عليه السلام به او (علي عليه السلام) گفت: چرا مردم، دنیا را دوست دارند؟

فرمود: «آنان، فرزندان دنیا هستند. آیا آدمی بر دوست داشتن مادرش ملامت می شود؟!» 538.1 . الكليني ياسناده عن محمد بن النعمان أو غيره، تيسير المطالب \_ به نقل از ابو الحسن علي بن مهدي طبري \_ : روایت شده است که مردی از امير مؤمنان عليه السلام پرسید: ای امير مؤمنان! به چه سبب ما دنیا را دوست داریم؟

فرمود: «چون ما از دنیا هستیم. آیا گناه است که انسان، پدر و مادرش را دوست ندارد؟» .

راوی می گوید: ابو عبد الله اُزدي این بیت را از ثعلب بر ایمان خواند:

ما فرزندان دنیاییم که برای غیر آن، آفریده شده ایم / و تو، آنچه را از آنی، دوست می داری.

راجع : ج 2 ص 282 (الحث على الاهتمام بالآخرة).

2 / 5 التَّهْيُ عَنْ سَبِّ الدُّنْيَا وَذَمِّهَا 542.5 . الطبرسي : رسول الله صلى الله عليه وآله : لا تَسُبُّوا الدُّنْيَا ؛ فَنِعِمَّتْ مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ ، فَعَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ ، وَبِهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ . إِنَّهُ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ : لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا ، قَالَتِ الدُّنْيَا : لَعَنَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِرَبِّهِ . (1) 543.6 . الطبري بأسانيده عن عمرو ذي مَرٍّ ، قَالَ : عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ قَالَ : قَبَّحَ اللَّهُ الدُّنْيَا ، قَالَتِ الدُّنْيَا : قَبَّحَ اللَّهُ أَعْصَانَا لَهُ . (2) 544.7 . السيوطي : عنه صلى الله عليه وآله : نِعِمَّتِ الدَّارُ الدُّنْيَا لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا لِأَخْرَجَتْهُ حَتَّى يُرْضِيَ رَبَّهُ ، وَبَسَّتِ الدَّارُ لِمَنْ صَدَّقَتْهُ عَنْ أَخْرَجَتْهُ وَقَصَّرَتْ بِهِ عَنْ رِضَاءِ رَبِّهِ ، وَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ : قَبَّحَ اللَّهُ الدُّنْيَا ، قَالَتِ الدُّنْيَا : قَبَّحَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِرَبِّهِ . (3) 545.1 . العياشي عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله علتحف العقول عن جابر بن عبد الله الأنصاري : كُنَّا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْبَصْرَةِ فَلَمَّا فَرَّغَ مِنْ قِتَالِ مَنْ قَاتَلَهُ أَشْرَفَ عَلَيْنَا مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ ، فَقَالَ : مَا أَنْتُمْ فِيهِ؟ فَقُلْنَا : فِي دَمِ الدُّنْيَا . فَقَالَ : عَلَامَ تَدُمُّ الدُّنْيَا يَا جَابِرُ؟! ثُمَّ حَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، وَقَالَ :

أَمَّا بَعْدُ ، فَمَا بِالْأَقْوَامِ يَذُمُّونَ الدُّنْيَا ، انْتَحَلُوا الرُّهْدَ فِيهَا؟ الدُّنْيَا مَنْزِلٌ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا ، وَمَسْكَنٌ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا ، وَدَارٌ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا ، مَسْجِدٌ

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ ، وَمَهْبِطٌ وَحِيهِ ، وَمُصَدَّقٌ لِمَلَائِكَتِهِ ، وَمَسْكَنٌ أَحِبَّائِهِ ، وَمَتَجَرٌّ أَوْلِيَائِهِ ؛ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ ، وَرَبِحُوا مِنْهَا الْجَنَّةَ ، فَمَنْ ذَا يَذُمُّ الدُّنْيَا يَا جَابِرُ؟ وَقَدْ آذَنْتَ بَيْنَهُمَا (4) ، وَنَادَتْ بِانْقِطَاعِهَا ، وَنَعَتْ نَفْسَهَا بِالزَّوَالِ ، وَمَثَلَتْ بِبِلَائِهَا الْبَلَاءَ ، وَشَوَّقَتْ بِسُرُورِهَا إِلَى السُّرُورِ ، وَرَاحَتْ (5) بِفَجِيعَةٍ ، وَابْتَكَّرَتْ (6) بِنِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ ؛ تَرْهِيبًا وَتَرْغِيبًا ، يَذُمُّهَا قَوْمٌ عِنْدَ النَّدَامَةِ ، خَدَمَتْهُمْ جَمِيعًا فَصَدَّقَتْهُمْ ، وَذَكَرَتْهُمْ فَذَكَرُوا ، وَوَعَّظَتْهُمْ فَأَنْعَضُوا ، وَخَوَّفَتْهُمْ فَخَافُوا ، وَشَوَّقَتْهُمْ فَاشْتَقَوْا .

فَأَيُّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا الْمُغْتَرِّ بِغُرُورِهَا ، مَتَى اسْتَدَمَّتْ إِلَيْكَ ؟ بَلْ مَتَى غَرَّتْكَ بِنَفْسِهَا؟ بِمَصَارِعِ أَبَانِكَ مِنَ الْبَلِي؟ أَمْ بِمَضَاجِعِ أُمَّهَاتِكَ مِنَ الثَّرَى؟ كَمْ مَرَّضَتْ (7) يَدَيْكَ ، وَعَلَلَتْ (8) بِكَفِّكَ؟ تَسْتَوِصِفُ لَهُمُ الدَّوَاءَ ، وَتَطْلُبُ لَهُمُ الْأَطْيَاءَ ، لَمْ تُدْرِكْ فِيهِ طَلِبَتَكَ ، وَلَمْ تُسْعَفْ (9) فِيهِ بِحَاجَتِكَ ، بَلْ مَثَلْتَ الدُّنْيَا بِهِ نَفْسَكَ ، وَبِحَالِهِ حَالَكَ ، غَدَاةٌ لَا يَنْفَعُكَ أَحِبَاؤُكَ ، وَلَا يُغْنِي عَنْكَ نِدَاؤُكَ ، حِينَ يَسْتَدُّ مِنَ الْمَوْتِ أَعَالِيْنَ الْمَرَضِ ، وَالْيَمِّ لَوَاعِي الْمَضَضِ ، حِينَ لَا يَنْفَعُ الْأَلِيلُ (10) ، وَلَا يَدْفَعُ الْعَوِيلُ ، يَحْفَزُ (11) بِهَا الْحَيْرُومُ (12) ، وَيَغْصُ بِهَا الْحَلَقُومُ ، لَا يُسْمِعُهُ النَّدَاءُ ، وَلَا يَرُوعُهُ

الدُّعَاءُ ، فَيَا طَوَّلَ الْحُزْنَ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْأَجَلِ .

ثُمَّ يُرَاحُ بِهِ عَلَى شَرَجِ (13) نَقْلَهُ أَكْفٌ أَرْبَعٌ ، فَيَضْجَعُ فِي قَبْرِهِ فِي لَبْثِ (14) وَضِيْقِ جَدَثٍ ، فَذَهَبَتِ الْجِدَّةُ (15) ، وَانْقَطَعَتِ الْمَدَّةُ ، وَرَفَضَتْهُ الْعَطْفَةُ ، وَقَطَعَتْهُ الطُّفَّةُ ، لَا تُقَارِبُهُ الْأَخْلَاءُ ، وَلَا يُلِمُّ بِهِ الرُّوَاژُ ، وَلَا اتَّسَقَتْ بِهِ الدَّارُ ، انْقَطَعَ دُونَهُ الْأَثَرُ ، وَاسْتَعْجَمَ دُونَهُ الْخَبْرُ ، وَبَكَرَتْ وَرَثَتُهُ فَاقْتَسَمَتْ تَرَكَتَهُ ، وَلَحِقَهُ الْحَوْبُ (16) ، وَأَحَاطَتْ بِهِ الدُّنُوبُ ، فَإِنْ يَكُنْ قَدَّمَ خَيْرًا طَابَ مَكْسَبُهُ ، وَإِنْ يَكُنْ قَدَّمَ شَرًّا تَبَّ مُنْقَلَبُهُ . وَكَيْفَ يَنْفَعُ نَفْسًا قَرَارُهَا وَالْمَوْتُ قَصَارُهَا وَالْقَبْرُ مَرَاژُهَا؟! فَكْفَى بِهَذَا وَاعْظَا .

كَفَى يَا جَابِرُ ، امْضِ مَعِي . فَمَضَيْتُ مَعَهُ حَتَّى أَتَيْنَا الْقُبُورَ ، فَقَالَ :

يَا أَهْلَ الثَّرْبَةِ وَيَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ ، أَمَّا الْمَنَازِلُ فَقَدْ سَكِنَتْ ، وَأَمَّا الْمَوَارِيثُ فَقَدْ فُسِدَتْ ، وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ ، هَذَا خَبْرٌ مَا عِنْدَنَا ، فَمَا خَبْرٌ مَا عِنْدَكُمْ؟



ثُمَّ أَمْسَكَ عَنِّي مَلِيًّا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: وَالَّذِي أَقْلَّ السَّمَاءَ فَعَلَّتْ، وَسَطَّحَ الْأَرْضَ فَدَحَّتْ، لَوْ أُذِنَ لِلْقَوْمِ فِي الْكَلَامِ، لَقَالُوا: إِنَّا وَجَدْنَا خَيْرَ الرَّزَادِ النَّقْوَى. ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ إِذَا شِئْتَ فَارْجِعْ. (17).

- 1- أعلام الدين: ص 335 عن أبي موسى الأشعري، إرشاد القلوب: ص 176، بحار الأنوار: ج 77 ص 178 ح 10؛ ربيع الأبرار: ج 1 ص 66 ح 67، الفردوس: ج 5 ص 10 ح 7288 كلاهما عن ابن مسعود نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 239 ح 6343.
- 2- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 143 ح 128، كنز العمال: ج 3 ص 607 ح 8140 نقلاً عن الديلمي وكلاهما عن المطّلب بن حنطب؛ كنز الفوائد: ج 2 ص 162، أعلام الدين: ص 152، بحار الأنوار: ج 77 ص 171 ح 7.
- 3- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 348 ح 7870 عن سعد بن طارق عن أبيه، الفردوس: ج 4 ص 269 ح 6794 عن طارق بن أشيم وفيه صدره إلى «رضاء ربّه»، كنز العمال: ج 3 ص 239 ح 6341.
- 4- البين: البعد والفرق (النهاية: ج 1 ص 175 «بين»).
- 5- الرّواح: نقيض الصباح، وهو اسم للوقت من زوال الشمس إلى الليل (الصحاح: ج 1 ص 368 «روح»).
- 6- البُكرَة: الغُدوة [أي ما بين صلاة الغداة وطلوع الشمس]. وبكر عليه وإليه وفيه وابتكر: أتاه بُكرَة (القاموس المحيط: ج 1 ص 376 «بكر»).
- 7- مرصّته: تكفّلت بمداواته (المصباح المنير: ص 569 «مرض»).
- 8- علّله بالشيء: أي لهّاه به؛ كما يُعلّل الصبيّ بشيء من الطعام يتجزّأ به عن اللبن (الصحاح: ج 5 ص 1774 «علل»). والمعنى: خدمته في علّته.
- 9- أسعفته بحاجته إسعافاً: قضيتها له (المصباح المنير: ص 277 «سعف»).
- 10- الأيل: الأنين (الصحاح: ج 4 ص 1626 «أيل»).
- 11- الحفّز: الحثّ والإعجال (النهاية: ج 1 ص 407 «حفز»).
- 12- الحيزوم: وسط الصدر وما يُشدّ عليه الحزام (الصحاح: ج 5 ص 1899 «حزم»).
- 13- الشّرّج: التّعش أو الجنازة (القاموس المحيط: ج 3 ص 43 «شرج»).
- 14- اللبث: المكث (القاموس المحيط: ج 1 ص 173 «لبث»).
- 15- واحدٌ للشيء: قادرٌ عليه (المصباح المنير: ص 648 «وجد»).
- 16- الحوب: الإثم (الصحاح: ج 1 ص 116 «حوب»).
- 17- تحف العقول: ص 186 وراجع الإرشاد: ج 1 ص 296 والأمالى للطوسي: ص 594 ح 1231 وخصائص الأئمة عليهم السلام: ص 102 والزهد للحسين بن سعيد: ص 47 ح 128 ونهج البلاغة: الحكمة 131 وبحار الأنوار: ج 73 ص 129 ح 135 وتاريخ بغداد: ج 7 ص 287 ح 3789 وتاريخ دمشق: ج 42 ص 499 وكنز العمال: ج 3 ص 732 ح 8603.

## 2 / 5 نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن

ر. ک: ج 2 ص 283 (تشویق به آخرت گرایی).

2 / 5 نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن 549.2. ما رواه المجلسي عن كثر جامع الفوائد للشيخ علمپيامبر خدا صلى الله عليه و آله: به دنیا ناسزا مگویند؛ چه، دنیا نیکو مَرکبی است برای مؤمن؛ به وسیله آن به خوبی می رسد و از بدی می رَهَد. هرگاه بنده بگوید: «لعنت خدا بر دنیا»، دنیا گوید: لعنت خدا بر نافرمان ترین ما از پروردگارش. 550.3. ما رواه الصدوق یاسناده عن الفضیل بن یسار، قاپيامبر خدا صلى الله عليه و آله: هرکس بگوید: «ننگ بر این دنیا»، دنیا گوید: ننگ بر نافرمان ترین ما از خدا. 551.1. الصدوق یاسناده عن عبد الملك بن عمیر الشیبانی، پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خوب سرایی است دنیا برای کسی که از آن برای آخرتش توشه برگیرد تا پروردگارش را خشنود گرداند و بد سرایی است برای کسی که دنیا، او را از آخرتش باز دارد و نگذارد که موجبات خشنودی پروردگارش را فراهم آورد. هرگاه بنده بگوید: «ننگ بر دنیا»، دنیا گوید: ننگ بر نافرمان ترین ما از پروردگارش. 552.2. علي بن ابراهيم القمي، عن أبيه، عن ابن أبي عتق العقول \_ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری \_ : ما در بصره [در جنگ جمل] با امیر مؤمنان علیه السلام بودیم. چون ایشان از جنگ با جنگ افروزان، آسوده شد، در آخر شب به نزد ما آمد و فرمود: «در چه حالید؟».

گفتیم: بر سر نکوهش دنیا.

فرمود: «دنیا را بر چه نکوهش می کنی، ای جابر؟!».

سپس، حمد و ثنای الهی به جای آورد و فرمود: «چه شده است که

عده ای دنیا را نکوهش می کنند و دم از بی رغبتی به آن می زنند؟ دنیا، برای کسی که با آن از در راستی درآید، منزلگاه راستی و صداقت است و برای کسی که متوجه منظورش شود، سکونتگاه عافیت است و برای کسی که از آن توشه برگیرد، سرای ثروت است و عبادتگاه پیامبران خداست و فرودگاه وحی او و نمازخانه فرشتگان و مسکن دوستدارانش و تجارت خانه اولیایش. در دنیا، رحمت کسب کردند و از آن، بهشت را سود بردند. پس کیست که دنیا را نکوهش کند، ای جابر؟ در حالی که دنیا خود، جدایی خویش را اعلام کرده و رفتنش را جار زده و خبر مرگ و زوال خویش را داده است و با بلاهایش درس عبرت داده و با شادی هایش به شادی تشویق کرده است، در نیم روز، فاجعه آورده و در صبحگاه، نعمت و عافیت؛ بیم می دهد و امید می بخشد. گروهی در هنگام پشیمانی به نکوهش دنیا می پردازند. دنیا به همه آنها خدمت کرد و با صداقت برخورد کرد، یادآوری شان کرد و یادآور شدند؛ اندرزشان داد و اندرز گرفتند؛ ترساندشان و ترسیدند؛ و تشویقشان کرد و به شوق آمدند.

پس، ای آن که دنیا را نکوهش کنی، اما فریفته فریبندگی های آنی! کی دنیا جای نکوهش برای تو داشته و کجا تو را فریفته است؟ به قبرهای پوسیده پدران یا به گورهای نمودر مادرانت؟ چه بسیار کسانی که با دستان خود، پرستاری آنها کردی و تیمارداری شان را نمودی، برایشان دارو تجویز کردی و پزشکی به بالینشان آوردی، اما به مقصود خود نرسیدی و مراد خویش را نیافتی [و آن بیماران، بهبود نیافتند]؛ بلکه دنیا، آنها را نمونه [برای] تو و حال ایشان را حکایت حال تو قرار داد. فردا، نه دوستدارانت تو را سودی می بخشند، نه فریادخواهی ات گره از کارت می گشاید، آن گاه که بیماری مرگ و سوزش های درد و رنج، بالا گیرد؛ آن گاه که ناله، سودی نمی بخشد و از شیون [اطرفیان]،

کاری بر نمی آید، سینه را سخت می فشرد و گلو، گرفته

می شود، فریاد به گوش او نمی رود و فریادخواهی به هراسش نمی فکند. آه از بسیاریِ اندوه، به هنگام سر رسیدن عمر!

سپس، نعل او را بر تابوتی نهند و بر روی چهار دست بردارند و برای لحظه ای در گوش خوابانند؛ گوری تنگ؛ توش و توان از میان رفته؛ عمر به سر شده و دوستداران، او را به دور افکنده و نوازشگرانش، از او بُریده اند و دوستان، به او نزدیک نمی شوند و دیدارکنندگان، به دیدارش نمی آیند و خانه، در انتظار او نیست. نشانی از او نمی ماند و خبری از او نمی آید. وارثانش، صبح زود بشتابند و مُرده ریگش را تقسیم کنند، در حالی که گناه، دامن او را گرفته و گناهان در میانش گرفته اند. اگر کار نیکی پیش فرستاده، حاصل نیک بینند و اگر بدی فرستاده، فرجامی تباه دارد. چگونه آرمیدن در دنیا برای کسی که مرگ، فرجام آن است و گور مزارش، سود دهد! و این خود، بهترین پندآموز است. بس است، ای جابر. با من بیا».

پس با امام علیه السلام رفتم تا به گورستان رسیدیم. پس فرمود: «ای خاک نشینان، و ای تنهاییان! خانه های شما، مسکن دیگران شده و میراث ها تقسیم شده و همسرانتان شوهر کردند. این، خبری است که ما داریم. شما چه خبر دارید؟».

سپس، لختی دراز، خاموش ماند و آن گاه، سرش را بلند کرد و فرمود: «سوگند به آن که آسمان را برافراشت و زمین را بگستراند، اگر به این جماعت [مردگان] اجازه سخن گفتن داده شود، هرآینه خواهند گفت: ما، بهترین ره توشه را تقوا یافتیم».

آن گاه فرمود: «ای جابر! حال اگر می خواهی، برگرد».





553.3 . العياشي : أبو بصير عنه [يعني أبا عبد الله عالمام علي عليه السلام \_ نَحَوَ ما مَرَّ إلى أن قال \_ : فَإِنْ ذَمَّتْهَا لَصَبْرِهَا فَاَمْدَحَهَا لِشَهِدِهَا ،

وإلا فاطرحها لا مدح ولا ذم ، قد مُثِّلْتَ لَكَ نَفْسَكَ حَتَّى ما يُعْنِي عَنكَ بُكَاءُكَ ، ولا يَرَحْمُكَ إِخْأُؤُكَ . (1) .

---

1- .مطالب السؤل : ص 51 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 18 ح 74 .

554. العیاشی عن أبي عمرو الزبیری، عن أبي عبد الله علامام علی علیه السلام \_ در حدیثی نظیر حدیث پیشین، با این افزودہ \_ : اگر دنیا را بر شَرنگش نکوهش می کنی ، برای شہدش نیز او را بستای، وگرنہ رهایش کن ؛

نہ بستای و نہ نکوهش نمای . نفس تو برایت نمونہ آورده شدہ است تا جایی کہ نہ گریہ ات گیرہ از کار تو می گشاید، و نہ برادری و رفاقت بہ تو رحم می کند. .

2 / 6 النَّهْيُ عَنِ التَّرَهُبِ وَتَحْرِيمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ الْكِتَابَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». (1)

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ\* قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالبَغْيَ بغيرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَنًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ». (2)

«ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى ءَاتِ رِهْمٍ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَـهَا عَلَيْهِمُ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ». (3)

الحديث 562. فرات بن إبراهيم بإسناده عن محمد بن علي، عن أبيمجمع البيان عن ابن مسعود: كُنْتُ رَدِيفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى حِمَارٍ فَقَالَ: يَا بَنَ أُمَّ عَبْدِ، هَلْ تَدْرِي مِنْ أَيْنَ أَحَدَثَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ الرَّهَابِيَّةَ؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ

وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ!

فَقَالَ: ظَهَرَتْ عَلَيْهِمُ الْجَبَابِرَةُ بَعْدَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْمَلُونَ بِمَعَاصِي اللَّهِ، فَغَضِبَ أَهْلُ الْإِيمَانِ فَقَاتَلُوهُمْ، فَهَزِمَ أَهْلُ الْإِيمَانِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ، فَقَالُوا: إِنْ ظَهَرْنَا لَهُؤُلَاءِ (4) أَفْنُونًا وَلَمْ يَبْقَ لِلَّذِينَ أَحَدٌ يَدْعُو إِلَيْهِ، فَتَعَالَوْا نَتَفَرَّقْ فِي الْأَرْضِ إِلَى أَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ النَّبِيَّ الَّذِي وَعَدْنَا بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ يَعْزُونَ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَفَرَّقُوا فِي غَيْرِ الْجِبَالِ وَأَحَدَثُوا رَهَابِيَّةً، فَمِنْهُمْ مَنْ تَمَسَّكَ بِدِينِهِ، وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَرَهَابِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَـهَا عَلَيْهِمُ» إِلَى آخِرِهَا.

ثُمَّ قَالَ: يَا بَنَ أُمَّ عَبْدِ، أَتَدْرِي مَا رَهَابِيَّةُ أُمَّتِي؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ! قَالَ: الْهَجْرَةُ، وَالْجِهَادُ، وَالصَّلَاةُ، وَالصَّوْمُ، وَالْحَجُّ، وَالْعُمْرَةُ. (5)

1- المائدة: 87.

2- الأعراف: 32 و 33.

3- الحديد: 27.

4- في بحار الأنوار «إِنْ ظَهَرْنَا هؤُلَاءِ».

5- مجمع البيان: ج 9 ص 366، بحار الأنوار: ج 14 ص 277؛ تفسير القرطبي: ج 17 ص 265 نحوه.



## 2 / 6 نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است

2 / 6 نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده استقرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال کرده، حرام مشمارید و از حدّ مگذرید، که خدا، از حد گذرندگان را دوست نمی دارد».

«بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و نیز روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این نعمت ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] ویژه آنان است. این گونه، آیات را برای گروهی که می دانند، به روشنی بیان می کنیم. بگو: پروردگار من، فقط زشتکاری ها را، چه آشکارش و چه پنهان، و گناه و ستم به ناحق را حرام گردانیده است؛ و نیز این که چیزی را شریک خدا مسازید که دلیلی بر [حقانیت آن نازل نکرده است؛ و این که چیزی را که نمی دانید، به خود نسبت دهید».

«آن گاه، به دنبال آنان، پیامبران خود را پی در پی آوردیم و عیسی پسر مریم را در پی آنان آوردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل های کسانی که از او پیروی کردند، رأفت و رحمت نهادیم؛ و اما ترك دنیایی که از پیش خود در آوردند، ما آن را برایشان مقرر نکردیم، مگر برای آن که کسب خشنودی خدا کنند. با این حال، آن را چنان که حقّ رعایت آن بود، منظور نداشتند. پس، پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند، بدانها دادیم؛ ولی بسیاری از آنان، دست خوش انحراف اند».

حدیث 570.5. العیاشی أيضا عن عبد الله بن بکیر، عمّن حدّثم جمع البیان \_ به نقل از ابن مسعود \_ : من در ترك پیامبر خدا، بر الاغی سوار بودم. ایشان فرمود: «ای پسرِ مادرِ غلام! آیا می دانی که چرا بنی اسرائیل، رهبانیت را پدید آوردند؟»

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: «بعد از عیسی علیه السلام، شاهان بر بنی اسرائیل چیره شدند و گنهکاری پیشه کردند. مؤمنان، به خشم آمدند و با آنان به جنگ برخاستند؛ ولی اهل ایمان، سه بار شکست خوردند، به طوری که تنها شماری اندک از ایشان، باقی ماندند. پس گفتند: اگر اینان بر ما چیره آیند، نابودمان می کنند و دیگر طرفداری برای دین، باقی نمی ماند که به آن دعوت کند. بیایید در زمین، پراکنده شویم تا خداوند، پیامبری را که عیسی علیه السلام وعده آمدنش را داده است، برانگیزد. مقصودشان محمد صلی الله علیه و آله بود. پس، در غارهای کوه ها پراکنده شدند و رهبانیت را پدید آوردند. عدّه ای از ایشان به دین خویش، پایدار ماندند و برخی به کفر گراییدند».

سپس این آیه را تلاوت کرد: «(و ترك دنیایی که از پیش خود در آوردند، ما آن را برایشان مقرر نکردیم، مگر برای آن که کسب خشنودی خدا کنند. با این حال، آن را چنان که حقّ رعایت آن بود منظور نداشتند)».

سپس فرمود: «ای پسرِ مادرِ غلام! آیا می دانی رهبانیت امت من چیست؟».

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: «هجرت، جهاد، نماز، روزه، حجّ و عمره».



571.1 . الصدوق بإسناده عن داوود الرقي، عن أبي عبد المعجم البيان عن ابن مسعود: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا بَنَ مَسْعُودَ، اِخْتَلَفَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً؛ نَجَا مِنْهَا اثْنَتَانِ وَهَلَكَ سَائِرُهُنَّ: فِرْقَةٌ قَاتَلُوا الْمُلُوكَ عَلَى دِينِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَتَلُوهُمْ، وَفِرْقَةٌ لَمْ تَكُنْ لَهُمْ طَاقَةٌ لِمُوَارَاةِ الْمُلُوكِ وَلَا أَنْ يُقِيمُوا بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ يَدْعُونَهُمْ إِلَى دِينِ اللَّهِ تَعَالَى وَدِينِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَسَاحُوا فِي الْبِلَادِ وَتَرَهَّبُوا، وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُمْ: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاَهَا عَلَيْهِمْ» .

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي وَاتَّبَعَنِي فَقَدَرَ عَاقِبَتَهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِي فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ . (1)

---

1- .مجمع البيان : ج9 ص366، بحار الأنوار : ج 68 ص 320 ؛ المعجم الكبير : ج 10 ص 221 ح 10531، المعجم الأوسط : ج 4 ص 377 ح 4479، المعجم الصغير : ج 1 ص 224، تفسير القرطبي : ج 17 ص 265 كلَّها نحوه .

572.2 . الصدوق باسناده عن يحيى بن أبي القاسم، قال: مجمع البيان \_ به نقل از ابن مسعود \_ : بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم . فرمود: «ای پسر مسعود! کسانی که پیش از شما بودند ، به 72 فرقه تقسیم شدند که دو فرقه آنان ، نجات یافتند و بقیه هلاک شدند. فرقه ای که برای دفاع از دین عیسی علیه السلام با شاهان جنگیدند و کشته شدند، و فرقه ای که نه توان مقابله با شاهان را داشتند و نه در میان ایشان ماندند تا آنان را به دین خدای متعال و آیین عیسی علیه السلام

فرا خوانند . از این رو ، به سیاحت (1) در آبادی ها پرداختند و رهبانیت پیشه کردند.

اینان ، همانهایی که خداوند ، درباره آنها فرموده است: «و ترك دنیایی که از پیش خود در آوردند ، ما آن را برایشان مقرر نکردیم» .

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس فرمود: «هرکس به من ایمان آورد و تصدیق کرد و از من پیروی نمود ، این رهبانیت را ، چنان که باید ، رعایت کرده است و آنان که به من ایمان نیاوردند ، هم ایشان اند هلاک شدگان» .

---

1- . سیاحت: گشتن در زمین برای عبادت (لسان العرب: ج 2، ص 492 «سیح»)، درویشی ، دوره گردی.

3. 573. علي بن إبراهيم بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد رسول الله صلى الله عليه وآله: لا زهبانية في الإسلام (1). (2) 574. التفسير المنسوب للإمام العسكري عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لا زمام ولا خزام (3) ولا زهبانية ولا تبثل ولا سياحة في الإسلام. (4) 575.1. روى الكليني بإسناده عن الفضل بن أبي قرة رفعها لإمام علي عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس في أممي زهبانية، ولا سياحة (5)، ولا زم؛ يعني: سكوته. (6) 576.2. وروى الشيخ الطوسي بإسناده عن أبي بصير، عن أرسول الله صلى الله عليه وآله: إياكم ولباس الرهبان، فإنه من يترهب أو يتشبه بهم فليس مني، ومن ترك اللحم وحرّمه على نفسه فليس مني، ومن ترك النساء كراهية فليس مني. (7).

- 1- هي من رهبنة النصارى. وأصلها من الرهبة: الخوف، كانوا يترهبون بالتخلّي من أشغال الدنيا وترك ملاذّها والزهد فيها والعزلة عن أهلها وتعمّد مشاقّها، حتى إنّ منهم من كان يخصي نفسه ويضع السلسلة في عنقه، وغير ذلك من أنواع التعذيب، فنفاها النبي صلى الله عليه وآله عن الإسلام ونهى المسلمين عنها. والرهبان: جمع راهب، وقد يقع على الواحد ويجمع على رهابين ورهابة. والرهبنة فعلنة أو فعللة، على تقدير أصليّة النون وزيادتها. والرهبانية منسوبة إلى الرهبنة بزيادة الألف (النهاية: ج 2، ص 280 «رهب»).
- 2- النهاية في غريب الحديث: ج 2 ص 280، كشف الخفاء: ج 2 ص 377 ح 3154؛ دعائم الإسلام: ج 2 ص 193 ح 701، بحار الأنوار: ج 68 ص 319.
- 3- أراد ما كان عبّاد بني إسرائيل يفعلونه من زمّ الأنوف؛ وهو أن يُخرق الأنف ويُعمل فيه زمام كزمام الناقة ليُقاد به. والخزام جمع خزيمة؛ وهي حلقة من شعر تجعل في أحد جانبي منخري البعير. كانت بنو إسرائيل تخزم أنوفها وتخرق تراقيها ونحو ذلك من أنواع التعذيب، فوضع الله عن هذه الأمة، أي: لا يفعل الخزام في الإسلام (النهاية: ج 2 ص 314 «زمم» و ص 29 «خزم»).
- 4- نثر الدرّ: ج 1 ص 216؛ المصنّف لعبد الرزّاق: ج 8 ص 448 ح 15860 نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 220 ح 1111 نقلًا عن شعب الإيمان وكلاهما عن طاووس.
- 5- السّياحة: الذهاب في الأرض للعبادة والترهب (لسان العرب: ج 2 ص 492 «سيح»).
- 6- النخصال: ص 137 ح 154، معاني الأخبار: ص 174 ح 1 وفيه «ولا رم» بدل «ولا زم» وكلاهما عن زيد بن عليّ عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 70 ص 115 ح 2.
- 7- الفردوس: ج 1 ص 381 ح 1534 عن الإمام عليّ عليه السلام، المعجم الأوسط: ج 4 ص 178 ح 3909، مجمع الزوائد: ج 5 ص 230 ح 8575 كلاهما عن أبي كريمة عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيهما ذيله من «ومن ترك اللحم . . .».

3. 577. وفي آخر السرائر نقلاً من كتاب محمد بن عليّ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در اسلام، رهبانیت نیست. 4. 578. وروی العیاشی عن زرارة وحرمان ومحمد بن مسلم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمام و خزام (1) و رهبانیت و گوشه نشینی و سیاحت، در اسلام نیست. 579. ما رواه العیاشی عن عبید بن زرارة، عن أبي عبد الامام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «رهبانیت (2) و سیاحت و زَم (یعنی سکوت) در امت من نیست». 580. وروی المتّقی الهندی عن علیقال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از درآمدن به جامه راهبان پرهیزید، که هرکس رهبانیت پیشه کند تا به راهبان همانندی بجوید، از من نیست و هرکس گوشت خوردن را ترك کند و آن را بر خویشتن حرام سازد، از من نیست و هرکس از سر بیزاری ترك زن کند، از من نیست.

---

1- زمام، کاری بود که عابدان بنی اسرائیل می کردند. آنها، بینی خود را می شکافتند و مثل شتر، خود را مهار می زدند. خزام نیز جمع «خزامة» است و خزامه، حلقه ای موین است که در بینی شتر می کنند و مهار بر آن می بندند. بنی اسرائیل نیز با خود، همین کار را می کردند و امثال این شکنجه ها را بر سر خود می آوردند. خداوند، این رسوم و عادات را از امت اسلام برداشت.

2- از ریشه «زَهبة» است، به معنای ترس و خوف. راهبان مسیحی، از کار و لذت های دنیا دست می شستند و تارك دنیا می شدند و از مردم، کناره می گرفتند و حتّی بعضی از آنها خود را خواجه می کردند و زنجیر به گردن می آویختند و شکنجه های دیگری بر خویش روا می داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله همه اینها را از اسلام، حذف کرد و مسلمانان را از آن اعمال، نهی فرمود.

1. 581. علي بن إبراهيم القمي بإسناده عن أبي بصير، عنه صلى الله عليه وآله: تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْيَوْمَ الْقِيَامَةَ، وَلَا تَكُونُوا كَرَهْبَانِيَةِ النَّصَارَى. (1) 582. 2. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة عنه صلى الله عليه وآله: لا إحصاء في الإسلام ولا بُنيانَ كَنِيسَةٍ. (2) 583. ما رواه الكليني بإسناده عن سدير الصيرفي، قال: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَعْطَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَرَائِعَ نوح وإبراهيم وموسى وعيسى عليهم السلام: التَّوْحِيدَ وَالْإِخْلَاصَ وَخَلَعَ الْأَنْدَادَ وَالْفِطْرَةَ الْحَنِيفِيَّةَ السَّمْحَةَ، وَلَا زَهْبَانِيَّةَ وَلَا سِيَاخَةَ، أَحَلَّ فِيهَا الطَّيِّبَاتِ وَحَرَّمَ فِيهَا الْخَبَائِثَ، وَوَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ (3) وَالْأَغْلَالَ (4) الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ. (5) 584. العياشي عن عبد الرحيم القصير، قال: عنه عليه السلام - في قوله تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» - : نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَبِلَالِ وَعُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ، فَأَمَّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحَلَفَ أَلَّا يَنَامَ بِاللَّيْلِ أَبَدًا، وَأَمَّا بِلَالٌ فَإِنَّهُ حَلَفَ أَلَّا يُفْطِرَ بِالنَّهَارِ أَبَدًا، وَأَمَّا عُثْمَانُ بْنُ مَظْعُونٍ فَإِنَّهُ حَلَفَ أَلَّا يَنْكِحَ أَبَدًا.

فَدَخَلَتْ امْرَأَةً عُثْمَانَ عَلَى عَائِشَةَ وَكَانَتْ امْرَأَةً جَمِيلَةً، فَقَالَتْ عَائِشَةُ:

مَا لِي أُرَاكِ مُعْطَلَةً؟ فَقَالَتْ: وَلِمَنْ أَتَرَيْنِ؟ فَوَاللَّهِ مَا قَارَبَنِي زَوْجِي مُنْذُ كَذَا وَكَذَا، فَإِنَّهُ قَدْ تَرَهَّبَ وَلَيْسَ الْمُسُوحَ وَزَهْدًا فِي الدُّنْيَا.

فَلَمَّا دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْبَرَتْهُ عَائِشَةُ بِذَلِكَ، فَخَرَجَ فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً، فَاجْتَمَعَ النَّاسُ، فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ:

مَا بَالُ أَقْوَامٍ يُحَرِّمُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمُ الطَّيِّبَاتِ؟! أَلَا إِنِّي أَنَامُ بِاللَّيْلِ، وَأَنْكِحُ، وَأُفْطِرُ بِالنَّهَارِ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي.

فَقَامُوا هَوْلَاءَ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَدْ حَلَفْنَا عَلَى ذَلِكَ! فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمِنِكُمْ وَلَئِنْ كُنْتُمْ تُؤَاخِذُونَ بِمَا عَقَدْتُمْ الْأَيْمَانَ فَكَفَّ رِثَةَ إِطْعَامِ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تَطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كَسَوْتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرَ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكُمْ كَفٌّ رِثَةِ أَيْمِنِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ» (6) الْآيَةَ. (7).

1- السنن الكبرى: ج 7 ص 125 ح 13457 عن أبي أمامة، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ج 4 ص 385 ح 1782، كنز العمال: ج 16 ص 275 ح 44432.

2- السنن الكبرى: ج 10 ص 41 ح 19793 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 16 ص 273 ح 44417؛ الجعفریات: ص 80، النوادر للراوندي: ص 169 ح 264 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «كنيسة محدثة» بدل «بنيان كنيسة».

3- الإصر: الإثم والعقوبة، وأصله من الضيق والحبس، يقال: أصره إذا حبسه وضيق عليه (النهاية: ج 1 ص 52 «أصر»).

4- الغلّ: طوق من حديد يجعل في العنق، والجمع: أغلال (المصباح المنير: ص 452 «غل»). أي ما كان محرّما عليهم من التكاليف الشاقّة؛ نحو قرض موضع النجاسة من الجلد والثوب، وإحراق الغنائم، وتحريم السبت، وذكر الأغلال مثل لها؛ فكأنهم غلّوا عنها (مجمع البحرين: ج 2 ص 1330 «غلل»).

5- الكافي: ج 2 ص 17 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 448 ح 1035، بحار الأنوار: ج 8 ص 317 ح 1.

6- المائدة: 89.

7- تفسير القمي: ج 1 ص 179 عن ابن أبي عمير عن بعض رجاله، بحار الأنوار: ج 70 ص 116 ح 4.

585. العیاشی باسناده مرفوعاً عن خیثمة، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کنید؛ زیرا که من، در روز قیامت به وجود شما بر امت ها مباحث می کنم. مانند نصارا، رهبانیت پیشه مسازید. 586. الصدوق باسناده عن حمران بن أعین، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اسلام، خواجه کردن و کلیسا ساختن، روا نیست. 587. الصقار باسناده عن فضیل بن یسار، قال: امام صادق علیه السلام: خدای \_ تبارک و تعالی \_ شریعت های نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را به محمد صلی الله علیه و آله عطا کرد: یکتاپرستی را، اخلاص را، شرك ستیزی را و فطرت حنیفی آسان (آیین اسلام و خدایپرستی) را. رهبانیت و سیاحت، روا نیست. در این شریعت ها، چیزهای پاک و پاکیزه را حلال کرد و پلیدی ها را حرام گردانید و سختگیری ها و زنجیرهایی را که بر گردن آنها بود، از ایشان برداشت. 588.1. السید شرف الدین علیّ الحسینی فی تأویل الآیات امام صادق علیه السلام \_ درباره آیه شریف «ای کسانی که ایمان آورده اید! پاکیزه هایی را که خدا برای شما حلال کرده است، حرام مشمارید» \_ این آیه درباره امیر مؤمنان علیه السلام و بلال و عثمان بن مظعون، نازل شد. امیر مؤمنان، سوگند خورد که شب، هرگز نخوابد؛ بلال، سوگند خورد که همیشه روزه بگیرد عثمان بن مظعون نیز سوگند خورد که هرگز نزدیکی نکند.

[روزی] همسر عثمان \_ که زن زیبایی بود \_ نزد عایشه آمد. عایشه گفت: چرا به خودت نمی رسی؟

گفت: برای چه کسی آرایش کنم؟ به خدا سوگند که شوهرم از فلان و بهمان وقت با من نزدیکی نکرده است، رهبانیت پیشه کرده و پشمینه پوشیده و زاهد شده است.

چون پیامبر خدا آمد، عایشه، موضوع را به ایشان گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و مردم را به مسجد فرا خواند. مردم جمع شدند. ایشان بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس فرمود: «عده ای را چه می شود که چیزهای پاک و روا را بر خود، حرام می شمارند؟! بدانید که من، شب می خوابم و نزدیکی می کنم، و روز، غذا می خورم. پس، هر که از راه و رسم من روی گرداند، از من نیست.

آن سه نفر برخاستند و گفتند: ای پیامبر خدا! ما بر این کار، سوگند خورده ایم.

در این هنگام، خداوند متعال این آیات را فر فرستاد: «خدا، شما را بر سوگندهای بیهوده تان مؤاخذه نمی کند؛ بلکه به سوگندهایی که [از روی اراده]، می خورید [و می شکنید]، شما را مؤاخذه می کند و کفاره اش، خوراک دادن به ده بینوا \_ از غذاهای متوسطی است که به کسان خود می خورانید، یا پوشانیدن آنان، یا آزاد کردن بنده ای، و کسی که [هیچ يك از اینها را] نیابد، سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما، وقتی که سوگند می خورید» . .



589.2 . الصدوق بإسنادين له عن أحمد بن عبد الله الهروي وتفسير الطبري عن ابن عباس \_ في قوله تعالى : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» \_ : هُمْ رَهْطٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالُوا : نَقَطَعُ مَذَاكِيرَنَا وَنَتْرُكُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا وَنَسِيحُ فِي الْأَرْضِ ، كَمَا تَفْعَلُ الرَّهْبَانُ .

فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمْ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُمْ ، فَقَالُوا : نَعَمْ . فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

لِكِنِّي أَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأُصَلِّي وَأَنَا مُ وَأَنْكِحُ النِّسَاءَ ، فَمَنْ أَخَذَ بِسُنَّتِي فَهُوَ مِنِّي ، وَمَنْ لَمْ يَأْخُذْ بِسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي . (1)

---

1- . تفسير الطبري : ج 5 الجزء 7 ص 10 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 160 ، الدر المنثور : ج 3 ص 139 .

590. ما رواه فرات ، قال :تفسیر الطبری \_ به نقل از ابن عبّاس ، درباره این سخن خدای متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! پاکیزه هایی را که خدا برای شما حلال کرده است ، حرام مشمارید» \_ : اینان ، تعدادی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که گفتند: خود را آخته می کنیم و شهوات دنیا را فرو می گذاریم و مانند راهبان در زمین به گشت [و رهبانیت] می پردازیم.

این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید . در پی ایشان فرستاد و ماجرا را از آنان جویا شد. گفتند: آری [؛ چنین گفته ایم].

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اَمَّا مَنْ [به جای خود] روزه می گیرم و [به جای خود] روزه نمی گیرم، هم نماز می خوانم و هم [شب ها] می خوابم، و با زنان نیز هم بستر می شوم. پس هرکه به سنّت من عمل کند ، از من است و هرکه به سنّت من عمل نکند ، از من نیست» . .

1.591. الشيخ الطوسي مرفوعاً عن أبي جعفر وأبي عبد اللّمسند ابن حنبل عن عروة: دَخَلَتْ امْرَأَةٌ عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ - أَحْسَبُ اسْمَهَا حَوْلَةَ بِنْتِ حَكِيمٍ - عَلَى عَائِشَةَ وَهِيَ بَادَةٌ الْهَيْبَةِ، فَسَأَلَتْهَا: مَا شَأْنُكَ؟ فَقَالَتْ: زَوْجِي يَقُومُ اللَّيْلَ وَيَصُومُ النَّهَارَ.

فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَذَكَرَتْ عَائِشَةُ ذَلِكَ لَهُ، فَلَقِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عُثْمَانَ فَقَالَ: يَا عُثْمَانُ، إِنَّ الرَّهْبَانِيَّةَ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْنَا، أَمَا لَكَ فِيَّ أُسْوَةٌ؟ فَوَاللَّهِ إِنِّي أَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَأَحْفَظُكُمْ لِحُدُودِهِ. (1) 2.592. ما في حديث أبي عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عليها إمام الصادق عليه السلام: جاءت امرأة عثمان بن مظعون إلى النبي صلى الله عليه وآله وسلم فقالت: يا رسول الله، إن عثمان يصوم النهار ويقوم الليل!

فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُغْضَبًا يَحْمِلُ نَعْلَيْهِ، حَتَّى جَاءَ إِلَى عُثْمَانَ فَوَجَدَهُ يُصَلِّي، فَانصَرَفَ عُثْمَانُ حِينَ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لَهُ: يَا عُثْمَانُ، لَمْ يُرْسِدْ لِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ، وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ، أَصُومُ وَأَصَلِّي وَأَلْمَسُ أَهْلِي، فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِنِسْبَتِي وَمِنْ سُنَّتِي النَّكَاحُ. (2) 3.593. القطب الراوندي في لبّ الباب عنه صلى الله عليه وآله وسلم عليا الطبقات الكبرى عن أبي قلابة: إن عثمان بن مظعون اتخذ بيتاً فقعد يتعبّد فيه، فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وآله وسلم، فأتاه فأخذ بعصا دتي باب البيت الذي هو فيه، فقال:

يا عثمان، إن الله لم يعثني بالرهبانية - مرتين أو ثلاثاً - وإن خير الدين عند الله الحنيفية السمحة. (3).

1- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 56 ح 25951، المصنّف لعبد الرزاق: ج 7 ص 150 ح 12591، صحيح ابن حبان: ج 1 ص 185 ح 9، موارد الظمان: ص 313 ح 1288، المعجم الكبير: ج 9 ص 38 ح 8319 والثلاثة الأخيرة عن عائشة، كنز العمال: ج 3 ص 47 ح 5420.

2- الكافي: ج 5 ص 494 ح 1 عن ابن القدّاح، بحار الأنوار: ج 22 ص 264 ح 3.

3- الطبقات الكبرى: ج 3 ص 395، تلبس إبليس: ص 220 نحوه، الدر المنثور: ج 3 ص 145، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ج 4 ص 386 ح 1782، كنز العمال: ج 3 ص 47 ح 5422.

594.4 . البرهان عن كتاب خواص القرآن: مسند ابن حنبل \_ به نقل از عروه \_ زن عثمان بن مظعون \_ که گمان می کنم نامش خوله دختر حکیم باشد \_ با ظاهری ژولیده و نامرتب ، بر عایشه وارد شد. عایشه گفت: این ، چه سر و وضعی است؟

گفت: شوهرم شب ها را به عبادت می گذراند و روزها را به روزه داری.

پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. عایشه ، موضوع را به ایشان گفت: پیامبر خدا ، عثمان را ملاقات کرد و فرمود: «ای عثمان! رهبانیت بر ما مقرر نشده است. آیا من ، سرمشق تو نیستم؟ به خدا سوگند که من از همه شما خداترس ترم و بیش از همه شما حدود او را پاس می دارم. 595.5 . الطبري يأسناده عن سعيد بن جبیر: امام صادق علیه السلام: زن عثمان بن مظعون ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! عثمان، کارش این شده که روزها را روزه بگیرد و شب ها را به عبادت بگذراند .

پیامبر خدا ، پای افزار به دست و خشمناک ، بیرون شد تا نزد عثمان آمد . او را مشغول نماز خواندن یافت. عثمان با دیدن پیامبر خدا ، نمازش را سلام داد و به او فرمود: «ای عثمان! خداوند متعال ، مرا با رهبانیت نفرستاده؛ بلکه با آیین مستقیم و ساده و آسانگیر ، فرستاده است. من ، هم نماز می خوانم، هم روزه می گیرم و هم به همسرم می رسم. پس، هر که آیین مرا دوست دارد ، باید از سنت من پیروی کند، و از سنت من است نزدیکی کردن». 596.6 . الطبري يأسناده عن عكرمة \_ في الآية { Q } «الآلطبقات الكبرى \_ به نقل از ابوقلابه \_ عثمان بن مظعون ، اتاقی ساخت و در آن به عبادت نشست. خیرش به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. نزد او آمد و دو چارچوب در اتاقی را که عثمان در آن بود ، گرفت و دو یا سه بار فرمود: «ای عثمان! خداوند ، مرا با رهبانیت نفرستاده است. بهترین دین در نزد خدا ، دین مستقیم و آسان است» . .

597.7 . الطبري بإسناده عن أنس بن مالك: سنن الدارمي عن سعد بن أبي وقاص: لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ عُثْمَانَ بْنِ مَطْعُونِ الَّذِي كَانَ مِنْ تَرْكِ النِّسَاءِ ، بَعَثَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا عُثْمَانُ ، إِنِّي لَمْ أَوْمَرَ بِالرَّهْبَانِيَّةِ ، أَرِغِبْتَ عَن سُنَّتِي ؟

قَالَ : لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قَالَ : إِنَّ مِنْ سُنَّتِي أَنْ أَصَلِّيَ وَأَنَامَ ، وَأَصُومَ وَأَطْعَمَ ، وَأَنْكِحَ وَأُطْلِقَ ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي . يَا عُثْمَانُ ، إِنَّ لِي عَلَيْكَ حَقًّا ، وَلِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا .

قَالَ سَعْدٌ : فَوَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ أَجْمَعَ رِجَالٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَ أَقْرَبُ عُثْمَانَ عَلَى مَا هُوَ عَلَيْهِ أَنْ نَخْتَصِيهِ ، فَتَبَيَّنَ . (1) 598.1 . ما رواه الطوسي بإسناده إلى الأصبغ بن نباتة، عوالي اللآلي: رُوِيَ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَلَسَ لِلنَّاسِ وَوَصَفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَلَمْ يَزِدْهُمْ عَلَى التَّخْوِيفِ ، فَفَرَّقَ النَّاسُ وَبَكَوْا . فَاجْتَمَعَ عَشْرَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فِي بَيْتِ عُثْمَانَ بْنِ مَطْعُونِ ، وَاتَّفَقُوا عَلَى أَنْ يَصُومُوا النَّهَارَ ، وَيَقُومُوا اللَّيْلَ ، وَلَا يَقْرَبُوا النِّسَاءَ ، وَلَا الطَّيِّبَ ، وَيَلْبَسُوا الْمُسُوحَ ، وَيَرْفُضُوا الدُّنْيَا ، وَيَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ وَيَتْرَهُبُوا ، وَيَخْصُوا الْمَذَاكِرَ .

فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَآتَى مَنْزِلَ عُثْمَانَ فَلَمْ يَجِدْهُ ، فَقَالَ لِامْرَأَتِهِ : أَحَقُّ مَا بَلَغَنِي؟ فَفَكَرَهَتْ أَنْ يُكَذِّبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَنْ تَبْتَدِيَ عَلَى زَوْجِهَا ، فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنْ كَانَ أَخْبَرَكَ عُثْمَانُ فَقَدْ صَدَقَكَ . وَأَنْصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

وَأَتَى عُثْمَانَ مَنْزِلَهُ ، فَأَخْبَرَتْهُ زَوْجَتُهُ بِذَلِكَ ، فَآتَى هُوَ وَأَصْحَابُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُمْ : أَلَمْ أَنْبَأْكُمْ أَنْتَقْتُمْ؟ فَقَالُوا : مَا أَرَدْنَا إِلَّا الْخَيْرَ ، فَقَالَ : إِنِّي لَمْ أَوْمَرَ بِذَلِكَ ، ثُمَّ قَالَ :

إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا ؛ فَصُومُوا وَأَطْرُوا ، وَقُومُوا وَنَامُوا ، فَإِنِّي أَصُومُ وَأُطِرُّ وَأَقُومُ وَأَنَامُ ، وَأَكُلُ اللَّحْمَ وَالِدَسَمَ ، وَآتِي النِّسَاءَ ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي .

ثُمَّ جَمَعَ النَّاسَ وَخَطَبَهُمْ ، وَقَالَ : مَا بَالُ قَوْمِ حَرَمُوا النِّسَاءَ ، وَالطَّيِّبَ ، وَالنَّوْمَ ، وَشَدَّ هَوَاتِ الدُّنْيَا؟ وَأَمَّا أَنَا فَلَسْتُ أَمُرُّكُمْ أَنْ تَكُونُوا قَسِيسِينَ وَرُهَبَانًا ، إِنَّهُ لَيْسَ فِي دِينِي تَرْكُ اللَّحْمِ وَالنِّسَاءِ ، وَاتِّخَاذُ الصَّوَامِعِ ، إِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي فِي الصَّوْمِ ، وَرَهْبَانِيَّتَهَا الْجِهَادُ .

اعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ، وَحُجُّوا وَاعْتَمَرُوا ، وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ، وَأَتُوا الزَّكَاةَ ، وَصُومُوا شَهْرَ رَمَضَانَ ، وَاسْتَقِيمُوا يَسْتَقِيمَ لَكُمْ ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ قَبْلَكُمْ بِالتَّشْدِيدِ ، شَدَّدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَشَدَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، فَأُولَئِكَ بَقَايَاهُمْ فِي الدِّيَارِ وَالصَّوَامِعِ . (2) .

1- . سنن الدارمي : ج 2 ص 570 ح 2092 ، سلسلة الأحاديث الصحيحة : ج 1 ص 679 ح 394 وراجع سنن أبي داود : ج 2 ص 48 ح 1369 .

2- . عوالي اللآلي : ج 2 ص 149 ح 418 ، مستدرک الوسائل : ج 16 ص 54 ح 19126 .

1. 599. روی الشیخ الطوسی یاسناده عن إسماعیل الجعفی، عسین الدارمی \_ به نقل از سعد بن ابن وقاص \_ : چون عثمان بن مظعون ، ترك زن کرد، پیامبر خدا در پی او فرستاد و فرمود: «ای عثمان! من به رهبانیت امر نشده ام. آیا از سنت من روی گردانی؟» .

عثمان گفت: نه، ای پیامبر خدا!

فرمود: «از سنت من است که نماز بخوانم و بخوابم، و روزه بگیرم و غذا بخورم، و ازدواج کنم و طلاق بدهم. پس، هر که به سنت من پشت کند، از من نیست. ای عثمان! زن تو هم بر تو حقی دارد و نفس تو را نیز بر تو حقی است».

سعد گفت: به خدا سوگند، تعدادی از مردان مسلمان هم داستان شده بودند که چنانچه پیامبر خدا بر کار عثمان صحه گذاشت، خود را خواجه سازیم و با زن، هم بستر نشویم. 2. 600. وروی أيضا یاسناده عن الفضیل بن یسار وزیرة بنعوالی اللالی: در حدیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم دیدار کرد و به وصف روز قیامت پرداخت و برای آنان، همه اش از عذاب گفت. مردم، متأثر شدند و گریستند. ده نفر از یاران ایشان در خانه عثمان بن مظعون، گرد آمدند و با هم قرار گذاشتند که روزها، روزه بگیرند و شب ها را به عبادت بگذرانند و با زنان، هم بستر نشوند و از بوی خوش، استفاده نکنند، پشمینه بپوشند، ترك دنیا گویند و سر به کوه و بیابان بگذارند و رهبانیت پیشه کنند و خویشان را خواجه سازند.

این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. به خانه عثمان آمد؛ اما او را در آن جا نیافت. از همسر او پرسید: «آیا خبری که به من رسیده است، صحت دارد؟» .

او که دوست نداشت به پیامبر خدا دروغ بگوید و از سوی دیگر، نخواست پرده از کار شوهرش بردارد، گفت: ای پیامبر خدا! اگر عثمان به شما گفته است، درست گفته است.

پیامبر خدا رفت. عثمان به خانه اش آمد. همسرش ماجرا را به او گفت. عثمان و یارانش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «گمان می کنید [خبر ندارم که بر چه هم داستان شده اید؟]» .

گفتند: ما جز نیت نیک نداشته ایم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من، مأمور به این کارها نشده ام» .

سپس فرمود: «نفس های شما را بر شما حقی است. پس [به وقتش] روزه بگیرید و [به وقتش] روزه نگیرید، هم نماز شب بخوانید و هم شب ها بخوابید؛ زیرا که من، هم روزه می گیرم، هم [به وقتش] روزه نمی گیرم، هم شب ها را عبادت می کنم و هم می خوابم، گوشت و چربی می خورم و با زنان نزدیکی می کنم. پس، هر که از راه و رسم من روی برتابد، از من نیست» .

آن گاه، مردم را جمع کرد و برایشان سخن گفت و فرمود: «عدّه ای را چه شده که زن و بوی خوش و خواب و تمایلات دنیوی را بر خود حرام کرده اند؟! اما من، به شما دستور نمی دهم که کشیشی و راهبی پیشه کنید. ترك گوشت و زن و صومعه نشینی در دین من نیست. سیاحت امت من، در روزه است و رهبانیتش در جهاد. خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید. حج بگزارید و عمره به جای

بیاورید و نماز بخوانید و زکات پردازید و ماه رمضان را روزه بگیرید و [در دینتان] مستقیم [و معتدل] باشید تا برایتان مستقیم بماند؛ چه، کسانی که پیش از شما بودند، در حقیقت، به سبب همین سختگیری‌ها نابود شدند، بر خود سخت گرفتند و در نتیجه، خدا هم بر آنان سخت گرفت، و اینها که در دیرها و صومعه‌ها می‌بینید، بقایای همین افراد هستند.

601.3 . وروى أيضا بإسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى قاسم بن حنبل عن مجاهد عن رجل من الأنصار من أصحاب الرسول صلى الله عليه وآله : ذكروا عند رسول الله صلى الله عليه وآله و آله مولاةً لبني عبد المطلب ، فقال : إنها تقوم الليل وتصوم النهار . فقال رسول الله صلى الله عليه وآله :

لكني أنا أنام وأصلي ، وأصوم وأفطر ، فمن اقتدى بي فهو مني ، ومن رغب

عن سنتي فليس مني . (1)

---

1- . مسند ابن حنبل : ج 9 ص 124 ح 23533 ، أسد الغابة : ج 6 ص 377 ح 6504 نحوه ، مجمع الزوائد : ج 3 ص 442 ص 5165 .



602.1 . روی الصدوق قدس سره یاسناده عن المفصّل بن عمر، مسند ابن حنبل \_ به نقل از مجاهد ، از مردی از انصار که صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله بود \_ : در نزد پیامبر خدا از کنیزی از بنی عبد المطلب ، سخن به میان آوردند. مرد انصاری گفت: آن زن ، شب ها عبادت می کند و روزها روزه می گیرد.

پیامبر خدا فرمود: «اَمَّا مَنْ ، می خوابم و نماز می خوانم و [گاه] روزه می گیرم و [گاه] نمی گیرم . پس، هر که به من اقتدا کند ، از من است و هر که به راه و رسم من پشت کند ، از من نیست» . .

603.2 . عن رسول الله صلى الله عليه وآله : الإمام الصادق عليه السلام : إن ثلاث نسوة أتين رسول الله صلى الله عليه وآله فقالت إحداهن : إن زوجي لا يأكل اللحم ، وقالت الأخرى : إن زوجي لا يشم الطيب ، وقالت الأخرى : إن زوجي لا يقرب النساء .

فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْرُ رِدَاءَهُ حَتَّى صَدَّ جِدَ الْمِنْبَرِ ، فَحَمِدَ اللَّهُ وَاثْنَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : مَا بَالُ أَقْوَامٍ مِنْ أَصْحَابِي لَا يَأْكُلُونَ اللَّحْمَ وَلَا يَشْتُمُونَ الطَّيِّبَ وَلَا يَأْتُونَ النِّسَاءَ ! أَمَا إِنِّي آكُلُ اللَّحْمَ وَأَشْتُمُ الطَّيِّبَ وَأَتِي النِّسَاءَ ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي . 1604.1 . ما رواه الصدوق قدس سره بإسناده عن الحسن بن راعنه عليه السلام \_ لَمَّا كَتَبَ إِلَيْهِ سُكَيْنُ النَّخَعِيِّ ؛ وَكَانَ تَعَبَّدَ وَتَرَكَ النِّسَاءَ وَالطَّيِّبَ وَالطَّعَامَ ، فَكَتَبَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْأَلُهُ عَن ذَلِكَ ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ : أَمَا قَوْلُكَ فِي النِّسَاءِ فَقَدْ عَلِمْتَ مَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ النِّسَاءِ ، وَأَمَا قَوْلُكَ فِي الطَّعَامِ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ اللَّحْمَ وَالْعَسَلَ . (1) 605.2 . ما في إرشاد القلوب للديلمي ، عن الصادق عليه الرسول الله صلى الله عليه وآله : الْمُؤْمِنُ حُلُوٌّ يُحِبُّ الْحَلَاوَةَ ، وَمَنْ حَرَّمَهَا عَلَى نَفْسِهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ ، لَا تُحَرِّمُوا نِعْمَةَ اللَّهِ وَالطَّيِّبَاتِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ ، وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَاشْكُرُوا ،

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا لَزِمَتْكُمْ (2) عُقُوبَةُ اللَّهِ . (3) .

1- .الكافي : ج 5 ص 320 ح 4 ، رجال الكشي : ج 2 ص 688 ح 691 ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 193 ح 702 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 117 ح 6 .

2- .في المصدر : «ألزمتكم» ، وما في المتن أثبتناه من كنز العمال .

3- .الفردوس : ج 4 ص 177 ح 6551 عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال : ج 1 ص 367 ح 1612 .

606.3 . ومثله ما رواه العيَّاشي عن الصادق عليه السلام: سه زن نزد پیامبر خدا آمدند. یکی از آنها گفت: شوهرم گوشت نمی خورد.

دیگری گفت: شوهرم بوی خوش نمی بوید .

سومی گفت: شوهرم به زنان نزدیک نمی شود.

پیامبر خدا، رداکشان بیرون رفت و بر منبر شد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس فرمود: «عده ای از یاران مرا چه شده است که گوشت نمی خورند و عطر نمی بویند و به زنان نزدیک نمی شوند؟! بدانید که من، خود، گوشت می خورم و عطر می بویم و پیش زنان می روم. پس، هرکه از سنت من روی گرداند، از من نیست». 607.1 . ما رواه العيَّاشي عن إبراهيم بن عمر، عمّن ذكرها امام صادق عليه السلام \_ در پاسخ نامه سّکین نخعی که به عبادت روی آورده و زن و استعمال بوی خوش و خوردن غذا [های لذیذ] را ترک کرده و در این باره از امام علیه السلام پرسیده بود چنین نوشت \_ : اما سخن تو درباره زن . تو خود می دانی که پیامبر خدا زنانی داشته است؛ و اما سخن تو درباره خوراکی ها . پیامبر خدا، گوشت و عسل می خورد. 608.2 . وفي أمالي الطوسي يأسناده إلى أبي جعفر عليه السلام صلى الله عليه وآله : مؤمن ، شیرین است و شیرینی را دوست دارد و هرکس آن را بر خود حرام گرداند ، خدا و پیامبرش را نافرمانی کرده است . نعمت خدا و حلال ها را بر خود حرام نکنید . بخورید و بیاشامید و شکر خدا کنید که اگر

چنین نکردید ، کیفر خدای را بر شما لازم می سازم . .

3.609 . ما رواه الصدوق بإسناده عن مثنى الحنّاط، عن اعنه صلى الله عليه وآله : طوبى لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ ، وَزَهَدَ فِيمَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ مِنْ غَيْرِ رَغْبَةٍ عَنْ سِيرَتِي ، وَرَفَضَ زَهْرَةَ الدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ تَحَوُّلٍ عَنْ سُنَّتِي . (1) 610.1 . الكليني بإسناده عن سفيان بن عيينة، عن أبي عبدنهج البلاغة : مِنْ كَلَامِ لَهُ [ الإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام ] بِالْبَصْرَةِ ، وَقَدْ دَخَلَ عَلَى الْعَلَاءِ بْنِ زِيَادٍ الْحَارِثِيِّ - وَهُوَ مِنْ أَصْحَابِهِ - يَعُودُهُ ، فَلَمَّا رَأَى سَعَةَ دَارَهُ قَالَ :

مَا كُنْتُ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا ، وَأَنْتِ إِلَيْهَا فِي الآخِرَةِ كُنْتِ أَحْوَجُ؟ وَبَلَى إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الآخِرَةَ : تُقْرِي فِيهَا الضَّيْفَ ، وَتَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ ، وَتَطْلُعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطَالِعَهَا ، فَإِذَا أَنْتِ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الآخِرَةَ .

فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَشْكُو إِلَيْكَ أَخِي عَاصِمَ بْنَ زِيَادٍ . قَالَ : وَمَا لَهُ؟ قَالَ : لَيْسَ الْعِبَاءَةُ وَتَخَلَّى عَنِ الدُّنْيَا . قَالَ : عَلَيَّ بِهِ . فَلَمَّا جَاءَ قَالَ :

يَا عُدِّي نَفْسِهِ ، لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ! (2) أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ؟ أَتَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ ، وَهُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا! أَنْتِ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ!

قَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، هَذَا أَنْتِ فِي خُسُوفَةٍ مَلْبَسِكَ وَجُسُوبَةٍ مَا كَلِّكَ!

قَالَ : وَيْحَكَ ، إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتِ ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أئِمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ ؛ كَيْلَا يَتَّبِعَ (3) بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ! (4) .

- 
- 1- .الكافي : ج 8 ص 169 ح 190 عن أبي مريم عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله ، تحف العقول : ص 30 وفيه «سنتي» بدل «سيرتي» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 126 ح 32 .
  - 2- .استهام بك الخبيث : يعني الشيطان ؛ أي جعلك هائما ضالاً (شرح نهج البلاغة : ج 11 ص 33) .
  - 3- .لا يتبع : أي لا يتهيج (الصحيح : ج 4 ص 1317 «بوغ») .
  - 4- .نهج البلاغة : الخطبة 209 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 118 ح 8 وراجع ربيع الأبرار : ج 4 ص 380 .

611.2 . الطبرسي مرسلأ: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوشا به حال کسی که برای خداوند بلند نام ، خاکساری کرد و به آنچه که خدا برایش حلال کرده ، زهد ورزید، بی آن که از راه و رسم من ، روی گردان باشد و زرق و برق دنیا را رها کرد ، بی آن که از سنت من برگردد. 612.3 . الطبري یاسناده عن عبد الله بن عمرو ، عن النبهج البلاغة \_ از سخنان علی علیه السلام در بصره ، هنگامی که به عیادت علاء بن زیاد حارثی ، یکی از یارانش رفت و وسعت خانه او را دید \_ :این سرای فراخ در دنیا به چه کار تو می آید، در حالی که در آخرت به چنین خانه ای محتاج تری؟ البته، اگر بخواهی ، می توانی با همین خانه به آخرت دست یابی: در آن از میهمان پذیرایی کنی، با خویشاوندان ، صله رَحِم نمایی و حقوقی را که بر عهده توست ، ادا کنی . در این صورت با آن به آخرت رسیده ای».

علاء گفت: ای امیر مؤمنان! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می کنم.

فرمود: «چه شده است؟» .

گفت: ردا پوشیده و تارك دنیا شده است.

فرمود: «او را نزد من بیاورید».

چون آمد ، امام علیه السلام حضرت فرمود: «ای دُشْمَنَك خویش! [شیطان] پلید تو را گم راه ساخته است . به زن و فرزندان رحم نمی کنی؟! تو می پنداری که خداوند ، نعمت های پاکش را بر تو حلال کرده است ، اما دوست ندارد از آنها بهره بگیری؟! تو نزد خداوند ، خوارتر از این حرف هایی!» .

گفت: ای امیر مؤمنان! تو خود ، جامه ای چنین خشن می پوشی و خوراکی چنان خشك می خوری!

فرمود: «حیف از تو! من چون تو نیستم. خدای متعال بر پیشوایان عدالت فرض کرده است که خویشان را در سطح مردمان نادار قرار دهند تا ناداری فقیر ، او را برنشوراند» . .

2 / 17 الاحتجاج على من يدعو إلى ترك الدنيا 615. \_ الكليني بإسناده عن هشام بن الحكم، أنه سأل أبا الكافي عن مسعدة بن صدقة: دخل سفيان الثوري على أبي عبد الله عليه السلام فرأى عليه ثياب بيض كأنها غرقى (1) البيض، فقال له: إن هذا اللباس ليس من لباسك!

فقال له: اسمع مني وع ما أقول لك، فإنه خير لك عاجلاً وأجلاً، إن أنت متت على السنة والحق ولم تمت على بدعة!

أخبرك أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان في زمانٍ مقفرٍ جدبٍ (2)، فأما إذا أقبلت الدنيا فأحقت أهلها بها أبرأها لا فجارها، ومؤمنوها لا منافقوها، ومسلموها لا كفارها، فما أنكرت يا ثوري، فوالله إنني لمتع ما ترى ما أتى عليَّ \_ مُذ عقلتُ \_ صَبَّاحٌ ولا مساءً ولله في مالي حقٌّ أمرني أن أضعه موضعاً إلا وضعتُه.

قال: فاتاه قوم ممن يظهرون الزهد، ويدعون الناس أن يكونوا معهم على مثل الذي هم عليه من التقشف (3)، فقالوا له: إن صاحبنا حصر (4) عن كلامك ولم تحضره حجبته.

فقال لهم: فهاتوا حجبكم!

فقالوا له: إن حجبنا من كتاب الله.

فقال لهم: فادلوا (5) بها فإنها أحق ما اتبع وعمل به.

فقالوا: يقول الله \_ تبارك وتعالى \_ مخبراً عن قوم من أصحاب النبي صلى الله عليه وآله: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (6) فمدح فعلهم، وقال في موضع آخر: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (7) فنحن نكتفي بهذا.

فقال رجل من الجلساء: إنا رأيناكم تزهدون في الأطمعة الطيبة، ومع ذلك تأمرون الناس بالخروج من أموالهم حتى تمنعوا أنتم منها؟

فقال أبو عبد الله عليه السلام: دعوا عنكم ما لا تتفعلون به، أخبروني أيها النفر ألكم علم بنسخ القرآن من منسوخه، ومحكمه من متشابهه؛ الذي في مثله ضل من ضل، وهلك من هلك من هذه الأمة؟

فقالوا له: أو بعضه (8)، فأما كله فلا.

فقال لهم: فمن هنا أتيتم! وكذلك أحاديث رسول الله صلى الله عليه وآله. فأما ما ذكرتم من إخبار الله إيانا في كتابه عن القوم الذين أخبر عنهم بحسن فعلهم، فقد كان مباحاً جائزاً ولم يكونوا نهبوا عنه، وثوابهم منه على الله، وذلك أن الله جل وتقدس أمر بخلاف ما عملوا به فصار أمره ناسخاً لفعلهم، وكان نهى الله \_ تبارك وتعالى \_ رحمةً منه للمؤمنين ونظراً؛ لكيلا يضربوا بأنفسهم وعيالاتهم منهم الضعفة الصغار والولدان والشيخ الفاني والعجوز الكبيرة الذين لا يصبرون على الجوع، فإن تصدقت برغيفي ولا رغيف لي غيره ضاعوا وهلكوا جوعاً.

فمن ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «خمس تمراتٍ أو خمس فُرصٍ أو دنانيرٍ أو دراهمٍ يملكها الإنسان وهو يريد أن يمضي بها

فَأَفْضَلَ لَهَا مَا أَنْفَقَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى الْوَالِدِيهِ ، ثُمَّ الثَّانِيَةَ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ ، ثُمَّ الثَّلَاثَةَ عَلَى قَرَابَتِهِ الْفُقَرَاءِ ، ثُمَّ الرَّابِعَةَ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءِ ، ثُمَّ الْخَامِسَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ؛ وَهُوَ أَحْسَنُهَا أَجْرًا» .

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلْأَنْصَارِيِّ حِينَ أَعْتَقَ عِنْدَ مَوْتِهِ خَمْسَةَ أَوْ سِتَّةَ مِنْ الرِّقِيِّ وَلَمْ يَكُنْ يَمْلِكُ غَيْرَهُمْ وَلَهُ أَوْلَادٌ صِغَارٌ : «لَوْ أَعْلَمْتُمْوَنِي أَمْرَهُ مَا تَرَكْتُكُمْ تَدْفِنُوهُ مَعَ الْمُسْلِمِينَ ، يَتْرُكُ صَبِيَّةً صِغَارًا يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ!» .

ثُمَّ قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : «إِبْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ ، الْأَدْنَى فَلِأَدْنَى» .

ثُمَّ هَذَا مَا نَطَقَ بِهِ الْكِتَابُ رَدًّا لِقَوْلِكُمْ وَنَهَى عَنْهُ مَفْرُوضًا مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ، قَالَ : «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِ رَفُوعًا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (9) . أَفَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَالَ غَيْرَ مَا أَرَأَيْتُمْ تَدْعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَثَرَةِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ ، وَسَمَّى مَنْ فَعَلَ مَا تَدْعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِ مُسْرِفًا ، وَفِي غَيْرِ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يَقُولُ : «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (10) ؟ فَتَهَاهُمُ عَنِ الْإِسْرَافِ وَنَهَاهُمْ عَنِ التَّقْتِيرِ وَلَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ ؛ لَا يُعْطَى جَمِيعَ مَا عِنْدَهُ ، ثُمَّ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُ ، لِلْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«إِنَّ أَصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ : رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى الْوَالِدِيهِ . وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَى غَرِيمٍ ذَهَبَ لَهُ بِمَالٍ فَلَمْ يَكْتُبْ عَلَيْهِ وَلَمْ يُشْهَدْ عَلَيْهِ . وَرَجُلٌ

يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ تَخْلِيَةَ سَبِيلِهَا بِيَدِهِ . وَرَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَيَقُولُ : رَبِّ ارزُقني ؛ وَلَا يَخْرُجُ وَلَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ ، يَقُولُ اللَّهُ لَهُ : عَبْدِي ، أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ وَالضَّرْبَ فِي الْأَرْضِ بِجَوَارِحِ صَدْحِيحَةٍ فَتَكُونَ قَدْ أَعْدَرْتِ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فِي الطَّلَبِ لِاتِّبَاعِ أَمْرِي وَلِكَيْلَا تَكُونَ كَالَّذِي عَلَى أَهْلِكَ ؟ فَإِنْ شِئْتَ رَزَقْتِكَ ، وَإِنْ شِئْتَ قَتَرْتُ عَلَيْكَ وَأَنْتَ غَيْرُ مَعْدُورٍ عِنْدِي . وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَا لَا كَثِيرًا فَأَنْفَقَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ يَدْعُو : يَا رَبِّ ارزُقني ، يَقُولُ اللَّهُ : أَلَمْ أَرْزُقْكَ رِزْقًا وَسِيعًا؟ فَهَلَّا أَقْتَصَدْتَ فِيهِ كَمَا أَمَرْتُكَ وَلَمْ تُسْرِفْ وَقَدْ نَهَيْتُكَ عَنِ الْإِسْرَافِ . وَرَجُلٌ يَدْعُو فِي قَطِيعَةِ رَحِمٍ» .

ثُمَّ عَلَّمَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَيْفَ يُنْفِقُ ، وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَتْ عِنْدَهُ أُوقِيَّةٌ (11) مِنَ الذَّهَبِ فَكَّرَهُ أَنْ يَبِيْتَهُ عِنْدَهُ فَتَصَدَّقَ بِهَا ، فَأَصْبَحَ وَلَيْسَ عِنْدَهُ شَيْءٌ ، وَجَاءَهُ مَنْ يَسْأَلُهُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ ، فَلَامَهُ السَّائِلُ ، وَاعْتَمَّ هُوَ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ وَكَانَ رَحِيمًا رَقِيقًا ، فَأَدَّبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِهِ فَقَالَ : «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» (12) يَقُولُ : إِنَّ النَّاسَ قَدْ يَسْأَلُونَكَ وَلَا يَعْدِرُونَكَ ؛ فَإِذَا أَعْطَيْتَ جَمِيعَ مَا عِنْدَكَ مِنَ الْمَالِ كُنْتَ قَدْ حَسَرْتَ مِنَ الْمَالِ .

فَهَذِهِ أَحَادِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَدِّقُهَا الْكِتَابُ ، وَالْكِتَابُ يُصَدِّقُ أَهْلَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ .

وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ عِنْدَ مَوْتِهِ حَيْثُ قِيلَ لَهُ : أوصي ، فَقَالَ : أوصي بِالْخُمْسِ ،

وَالْخُمْسُ كَثِيرٌ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ رَضِيَ بِالْخُمْسِ فَأَوْصَى بِالْخُمْسِ ، وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ الثَّلَاثَ عِنْدَ مَوْتِهِ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ الثَّلَاثَ خَيْرٌ لَهُ أَوْصَى بِهِ .

ثُمَّ مَنْ قَدْ عَلِمْتُمْ بَعْدَهُ فِي فَضْلِهِ وَزُهْدِهِ : سَلْمَانُ وَأَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ؛ فَأَمَّا سَلْمَانٌ فَكَانَ إِذَا أَخَذَ عَطَاءَهُ رَفَعَ مِنْهُ قُوْتَهُ لِسِنْتِهِ حَتَّى يَحْضُرَ عَطَاؤُهُ مِنْ قَابِلٍ ، فَقِيلَ لَهُ : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، أَنْتَ فِي زُهْدِكَ تَصْنَعُ هَذَا ، وَأَنْتَ لَا تَدْرِي لَعَلَّكَ تَمُوتُ الْيَوْمَ أَوْ غَدًا! فَكَانَ جَوَابُهُ أَنْ قَالَ : مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِي الْبَقَاءَ كَمَا خِفْتُمْ عَلَيَّ الْفَنَاءَ ؟ أَمَا عَلِمْتُمْ يَا جَهْلَةَ أَنْ النَّفْسَ قَدْ تَلْتَأَتْ (13) عَلَى صَاحِبِهَا إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا مِنَ الْعَيْشِ مَا يَعْتَمِدُ عَلَيْهِ؟ فَإِذَا هِيَ أَحْرَزَتْ مَعِيشَتَهَا اطمأنت .

وَأَمَّا أَبُو ذَرٍّ فَكَانَتْ لَهُ نُؤِيْقَاتٌ وَشُؤِيَهَاتٌ يَحْلُبُهَا وَيَذْبَحُ مِنْهَا إِذَا اشْتَهَى أَهْلَهُ اللَّحْمَ ، أَوْ نَزَلَ بِهِ صَدِيْفٌ ، أَوْ رَأَى بِأَهْلِ الْمَاءِ الَّذِينَ هُمْ مَعَهُ خَصَاصَةً (14) نَحَرَ لَهُمُ الْجَزُورَ أَوْ مِنَ الشَّيْءِ عَلَى قَدْرِ مَا يَذْهَبُ عَنْهُمْ بِقَرَمٍ (15) اللَّحْمَ ؛ فَيَقْسِمُهُ بَيْنَهُمْ وَيَأْخُذُ هُوَ كَنَصِيْبٍ وَاحِدٍ مِنْهُمْ لَا يَتَفَضَّلُ عَلَيْهِمْ .

وَمَنْ أَرْهَدَ مِنْ هَوْلَاءِ ، وَقَدْ قَالَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا قَالَ ، وَلَمْ يَبْلُغْ مِنْ أَمْرِهِمَا أَنْ صَارَا لَا يَمْلِكَانِ شَيْئًا الْبَتَّةَ ، كَمَا تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْقَاءِ أَمْتَعْتِهِمْ وَشَيْئَهُمْ وَيُؤَثِّرُونَ بِهِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَعِيَالَتِهِمْ!

وَأَعْلَمُوا أَيُّهَا النَّفَرُ أَنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَرُوي عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ يَوْمًا : « مَا عَجِبْتُ مِنْ شَيْءٍ كَعَجَبِي مِنَ الْمُؤْمِنِ ، إِنَّهُ إِنْ قُرِضَ جَسَدُهُ فِي دَارِ

الدُّنْيَا بِالْمَقَارِيضِ كَانَ خَيْرًا لَهُ ، وَإِنْ مَلَكَ مَا بَيْنَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا كَانَ خَيْرًا لَهُ ، وَكُلُّ مَا يَصْنَعُ اللَّهُ بِهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ » ، فَلَيْتَ شِعْرِي هَلْ يَحِقُّ (16) فِيكُمْ مَا قَدْ شَرَحْتُ لَكُمْ مِنْذُ الْيَوْمِ أَمْ أَزِيدُكُمْ ؟

أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي أَوَّلِ الْأَمْرِ أَنْ يُقَاتِلَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ عَشْرَةَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ لَيْسَ لَهُ أَنْ يُؤَلِّيَ وَجْهَهُ عَنْهُمْ ، وَمَنْ وَلَاهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ فَقَدْ تَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ؟ ثُمَّ حَوْلَهُمْ عَنِ حَالِهِمْ رَحْمَةً مِنْهُ لَهُمْ ؛ فَصَارَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ عَلَيْهِ أَنْ يُقَاتِلَ رَجُلَيْنِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ تَخْفِيفًا مِنَ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ ، فَنَسَخَ الرَّجُلَانِ الْعَشْرَةَ .

وَأخْبِرُونِي أَيْضًا عَنِ الْقُضَاةِ ، أَجُورَةَ (17) هُمْ حَيْثُ يَقْضُونَ عَلَى الرَّجُلِ مِنْكُمْ نَفَقَةَ امْرَأَتِهِ إِذَا قَالَ: إِنِّي زَاهِدٌ وَإِنِّي لَا شَيْءَ لِي؟ فَإِنْ قُلْتُمْ: جُورَةٌ ، ظَلَمْتُمْ أَهْلَ الْإِسْلَامِ ، وَإِنْ قُلْتُمْ: بَلْ عُدُولٌ ، خَصَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ ، وَحَيْثُ تَرُدُّونَ صَدَقَةَ مَنْ تَصَدَّقَ عَلَى الْمَسَاكِينِ عِنْدَ الْمَوْتِ بِأَكْثَرِ مِنَ الثُّلُثِ .

أخْبِرُونِي لَوْ كَانَ النَّاسُ كُلُّهُمْ كَالَّذِينَ تُرِيدُونَ زُهَادًا لِاحْتِاجَةِ لَهُمْ فِي مَتَاعِ غَيْرِهِمْ ، فَعَلَى مَنْ كَانَ يُتَصَدَّقُ بِكَفَّارَاتِ الْإِيمَانِ وَالنُّذُورِ وَالصَّدَقَاتِ مِنْ فَرَضِ الزَّكَاةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالتَّمْرِ وَالتَّزْيِيبِ وَسَائِرِ مَا وَجَبَ فِيهِ الزَّكَاةُ مِنَ الْإِبِلِ وَالتَّبَقْرِ وَالْعَنَمِ وَغَيْرِ ذَلِكَ؟ إِذَا كَانَ الْأَمْرُ كَمَا تَقُولُونَ لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَحْبِسَ

شَيْئًا مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا إِلَّا قَدَمَهُ وَإِنْ كَانَ بِهِ خَصَاصَةٌ!

فَيْسَسَ مَا ذَهَبْتُمْ إِلَيْهِ وَحَمَلْتُمْ النَّاسَ عَلَيْهِ ؛ مِنَ الْجَهْلِ بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَحَادِيثِهِ الَّتِي يُصَدِّقُهَا الْكِتَابُ الْمُنَزَّلُ ، وَرَدَّكُمْ إِيَّاهَا بِجَهَالَتِكُمْ ، وَتَرَكْتُمْ النَّظَرَ فِي غَرَائِبِ الْقُرْآنِ مِنَ التَّفْسِيرِ بِالتَّاسِيخِ مِنَ الْمَنْسُوخِ وَالْمُحْكَمِ وَالتَّمْثَالِ وَالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ .

وَأخْبِرُونِي أَيْنَ أَنْتُمْ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ سَأَلَ اللَّهَ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ (18) ، فَأَعْطَاهُ اللَّهُ - جَلَّ اسْمُهُ - ذَلِكَ ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَمْ نَجِدِ اللَّهَ عَابَ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَلَا أَحَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . وَدَاوُودَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَهُ فِي مُلْكِهِ وَشِدَّةِ سُلْطَانِهِ ، ثُمَّ يَوْسُفَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ قَالَ لِمَلِكِ مِصْرَ : « اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ » (19) فَكَانَ مِنْ أَمْرِهِ الَّذِي كَانَ أَنْ اخْتَارَ مَمْلَكَةَ الْمَلِكِ وَمَا حَوْلَهَا إِلَى الْيَمَنِ ، وَكَانُوا يَمْتَارُونَ الطَّعَامَ مِنْ عِنْدِهِ لِمَجَاعَةٍ أَصَابَتْهُمْ ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، فَلَمْ نَجِدِ أَحَدًا عَابَ ذَلِكَ عَلَيْهِ . ثُمَّ ذُو الْقَرْنَيْنِ عَبْدُ أَحَبِّ اللَّهِ فَأَحَبَّهُ اللَّهُ وَطَوَى لَهُ الْأَسْبَابَ وَمَلَكَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَمْ نَجِدِ أَحَدًا عَابَ ذَلِكَ عَلَيْهِ !



فَتَأْتُوا بِهَا النَّفْرُ بِآدَابِ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ ، وَاقْتَصِرُوا عَلَى أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ ، وَدَعُوا عَنْكُمْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ مِمَّا لَا عِلْمَ لَكُمْ بِهِ ، وَرُدُّوا الْعِلْمَ إِلَى أَهْلِهِ ؛ تَوَجَّرُوا وَتُعَذَّرُوا عِنْدَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَكُونُوا فِي طَلَبِ عِلْمِ نَاسِخِ الْقُرْآنِ

مِنْ مَنَسُوخِهِ وَمُحْكَمِهِ مِنْ مُتَشَابِهِهِ وَمَا أَحَلَّ اللَّهُ فِيهِ مِمَّا حَرَّمَ ؛ فَإِنَّهُ أَقْرَبُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ وَأَبْعَدُ لَكُمْ مِنَ الْجَهْلِ . وَدَعُوا الْجَهْلَ لِأَهْلِهَا فَإِنَّ أَهْلَ الْجَهْلِ كَثِيرٌ وَأَهْلَ الْعِلْمِ قَلِيلٌ ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ : « وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ » (20) . (21) .

- 1- .الغزقي - كزبرج - : القشرة الملتزمة ببياض البيض ، أو البياض الذي يؤكل (مجمع البحرين : ج 2 ص 1316 «غرق»).
- 2- .الجذب : القحط (النهاية : ج 1 ص 243 «جذب»).
- 3- .المتكشَّف : الذي يتبَّع بالقوت وبالمرقَّع [من الثياب] (الصحاح : ج 4 ص 1416 «قشف»).
- 4- .حَصِرَ : عَيَّ فِي مَنْطِقِهِ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْكَلَامِ (المعجم الوسيط : ج 1 ص 178 «حصر»).
- 5- .أَذْلَى بِحَجَّتِهِ : أَثْبَتَهَا فَوْضَلُهَا بِهَا إِلَى دَعْوَاهُ (المصباح المنير : ص 199 «دلو»).
- 6- .الحشر: 9.
- 7- .الإنسان : 8.
- 8- .كلمة «أو» في قولهم : «أو بعضه» بمعنى بَلْ (مرآة العقول : ج 19 ص 7).
- 9- .الفرقان: 67.
- 10- .الأنعام: 141.
- 11- .الأوقية : أربعون درهما (الصحاح : ج 6 ص 2527 «وقى»).
- 12- .الإسراء: 29.
- 13- .إِنَّ النَّفْسَ قَدْ تَلَّتْ : أَي تَضَطَّرَبَ وَلَمْ تَتَّبِعْ مَعَ صَاحِبِهَا (مجمع البحرين : ج 3 ص 1655 «لوث»).
- 14- .الْخَصَاصَةُ : الْجُوعُ وَالضَّعْفُ ، وَأَصْلُهَا الْفَقْرُ وَالْحَاجَةُ إِلَى الشَّيْءِ (النهاية : ج 2 ص 37 «خصص»).
- 15- .الْقَرْمُ : شِدَّةُ شَهْوَةِ اللَّحْمِ حَتَّى لَا يَصْبِرُ عَنْهُ (النهاية : ج 4 ص 49 «قرم»).
- 16- .فِي نَسْخَةِ الْعَلَامَةِ الْمَجْلِسِيِّ قَدَسَ سِرُّهُ «يَحَقُّ» بَدَلَ «يَحِقُّ» ، حَيْثُ قَالَ فِي مِرْآةِ الْعُقُولِ : قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «هَلْ يَحَقُّ فِيكُمْ» أَي يَثْبُتُ وَيَسْتَقَرُّ فِيكُمْ ، وَيَعْتَقِدُونَهُ حَقًّا . قَالَ الْفَيْرُوزِآبَادِيُّ : حَقَّ الْأَمْرُ : وَجِبَ وَوَقَعَ بِلا شَكِّ ، لَازِمٌ وَمَتَعَدِّ ، انْتَهَى . وَفِي بَعْضِ النُّسخِ : «يَحِقُّ» أَي يَحِيطُ بِكُمْ وَيَلْزَمُكُمْ ؛ مِنْ قَوْلِهِ : «حَاقَ بِهِ» أَي أَحَاطَ بِهِ ، وَ«حَاقَ بِهِمُ الْأَمْرُ» لَزِمَهُمْ وَوَجِبَ عَلَيْهِمْ . . . وَهُوَ تَصْحِيفٌ كَمَا لَا يَخْفَى (مرآة العقول : ج 19 ص 10).
- 17- .الْجَوْرُ : نَقِيضُ الْعَدْلِ وَضِدُّ الْقَصْدِ ، وَقَوْمُ جَوْرَةَ (القاموس المحيط : ج 1 ص 394 «جور»).
- 18- .كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ : «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَأَنْ بَغِي لِأَعْدَائِي مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (صآ: 35).
- 19- .يوسف: 55.
- 20- .يوسف: 76.
- 21- .الكافي: ج 5 ص 65 ح 1.

## 2 / 7 اعتراض به دعوت کنندگان به ترك دنیا

7 / 2 اعتراض به دعوت کنندگان به ترك دنیا 618.3. ابن شعبه الحرّانی عن الإمام الكاظم علیه السلا الكافی \_ به نقل از مسعدة بن صدقة \_  
:سفیان ثوری بر امام صادق علیه السلام در آمد و دید امام علیه السلام جامه هایی سپید مانند پوسته نازک چسبیده به سفیده تخم مرغ، پوشیده است . گفت: چنین جامه ای در شأن تو نیست!

امام فرمود: «از من بشنو و آنچه را به تو می گویم ، حفظ کن؛ زیرا این در دنیا و آخرت به نفع توست که بر سنت و حق بمیری و بر بدعت از دنیا نروی .

بدان که پیامبر خدا ، در روزگار قحط و سختی به سر می برد ؛ اما هرگاه دنیا رو کند، سزاوارترین اهل دنیا به برخورداری از آن ، نیکان آن اند ، نه نابه کارانش، و مؤمنان آن اند، نه منافقانش، و مسلمانان جامعه اند ، نه کافرانش . این ، چه اعتراضی است که می کنی ، ای ثوری! به خدا سوگند، من، با این وضعی که در من می بینی، از زمانی که به سن رشد رسیده ام ، هیچ بام و شامی بر من نگذشته است که در اموال من برای خداوند ، حقی باشد و به من دستور داده باشد آن را پردازم ، مگر این که آن حق را پرداخته ام».

در این هنگام ، جماعتی که دم از زهد می زنند و مردم را نیز به راه و رسم خود، یعنی درویشی و خرقه پوشی فرا می خوانند، در آمدند و به ایشان گفتند: این رفیق ما از سخن گفتن با تو در مانده و قادر به اقامه دلایلش نیست.

امام علیه السلام به آنان فرمود: «پس، شما دلایلتان را بیاورید» .

گفتند: دلایل ما از کتاب خداست.

فرمود: «آن دلایل را بازگو کنید ؛ زیرا این گونه دلایل به پیروی و عمل سزاوارترند».

گفتند: خدای \_ تبارک و تعالی \_ درباره گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «و بر خویشتن ، ترجیح می دهند ، هر چند در خود آنان ، نیازی مبرم باشد، و هر کس از بخل خویش در امان بماند. اینان ، همان رستگاران اند» . پس، عمل این گروه را ستوده است.

در جایی دیگر می فرماید: «و خوراک را با آن که دوستش می دارند، به مستمند و یتیم و اسیر می خوراند» . ما به همین دو آیه بسنده می کنیم.

مردی از حاضران در مجلس گفت: به نظر ما ، شما از خوراکی های لذیذ ، دوری می کنید ؛ ولی به مردم توصیه می کنید که از اموالشان دست بکشند تا شما از آنها بهره مند شوید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این سخنان را که برایتان فایده ای ندارد، رها کنید؛ و شما ای جماعت! به من بگویید که آیا ناسخ و منسوخ قرآن ، و محکم و متشابه آن را می شناسید ؛ همان که هر کس از این امت به گم راهی و هلاکت افتاد ، از آنها افتاد؟» .

گفتند: بعضی از آنها را می دانیم، اما همه اش را نه.

فرمود: «گرفتاری شما از همین جاست. احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این گونه است (دارای ناسخ و منسوخ و... است)؛ اما این که گفتید: خداوند در کتابش از گروهی خبر داده و کردار آنها را ستوده است، [بدانید که آن روز [این عمل آنان، آزاد و مجاز بود و از آن، نهی نشده بودند و ثوابشان هم از آن کار، بر خداوند است؛ اما بعداً خداوند بزرگ و پاک، خلاف آنچه کردند، فرمان داد و این فرمان او، ناسخ عمل ایشان شد. این نهی خداوند - تبارک و تعالی - نیز از سر مهر و عنایت به مؤمنان بود، برای این که به خود و خانواده شان (از جمله به کودکان و فرزندان خردسال و پیرمردان فرتوت و پیرزنان سالخورده خانواده که تحمل گرسنگی را ندارند)، صدمه نزنند؛ چرا که اگر من يك گرده نان داشته باشم و همان را هم صدقه بدهم، این افراد [در خانواده ام] از گرسنگی تلف می شوند و می میرند.

از همین جاست که پیامبر خدا فرمود: انسان، پنج دانه خرما یا پنج گرده نان یا مقداری دینار و یا درهم دارد و می خواهد آنها را به مصرف برساند. بهترش آن است که آن را صرف پدر و مادرش کند؛ در درجه دوم، صرف خودش و عائله اش؛ در مرتبه سوم، صرف خویشاوندان ندارد؛ در مرتبه چهارم، صرف همسایگان ندارد؛ در درجه پنجم، در راه خدا [و جهاد] صرف کند که این، اجرش از بقیه کمتر است.

پیامبر خدا، درباره مردی از انصار که هنگام مرگش پنج یا شش بنده خود را آزاد کرد و جز آنها چیزی نداشت و تعدادی فرزند صغیر از خود بر جای نهاد، فرمود: اگر این کار او را به من اطلاع داده بودید، نمی گذاشتم او را در گورستان مسلمانان دفن کنید. چند بچه صغیر باقی می گذارد که دست گذاری پیش مردم دراز کنند».

سپس فرمود: «پدرم برایم حدیث کرد که پیامبر خدا فرمود: از کسانی که نانخور تو هستند، آغاز کن، به ترتیب نزدیکی شان به تو.

از این گذشته، قرآن در ردّ گفته (و عقیده) شما و نهی از آن و به عنوان فریضه ای از جانب خداوند عزیز حکیم می فرماید: «و آنان که هرگاه اتفاق کنند، نه زیاده روی کنند و نه تنگ گیرند؛ بلکه حدّ میانه این دورا در پیش گیرند». آیا نمی بینید که خداوند - تبارک و تعالی - جز آن چیزی را گفته است که می بینم شما، مردم را به آن دعوت می کنید؛ یعنی ترجیح دادن دیگران بر خود، و بر آن کس که آنچه شما مردم را به آن فرا می خوانید، به کار بندد، مُسرف نامیده است و در چند آیه از کتاب خدا می فرماید: «همانا او اسرافکاران را دوست ندارد»؟

پس، خداوند، مردم را از اسراف نهی کرده است و از تنگ گرفتن هم نهی کرده است؛ بلکه باید حدّ وسط را رعایت کرد، نه این که هر چه دارد، بیخشد و بعد دعا کند که خدا، روزی او را برساند. چنین دعایی پذیرفته نمی شود، به دلیل حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است: چند دسته از اُمَّت من، دعایشان

مستجاب نمی شود: مردی که پدر و مادرش را نفرین کند؛ مردی که بدهکارش را که به او مالی داده و آن را یادداشت نکرده و گواه نگرفته است [و او مالش را خورده است]، نفرین کند؛ مردی که زنش را نفرین کند، حال آن که خداوند اختیار طلاقش را به دست او داده است؛ مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید: خدایا! روزی مرا برسان، و بیرون نرود و در طلب روزی برنیاید. خداوند به او فرماید: ای بنده من! آیا بدن و اندامی سالم به تو ندادم تا بتوانی برای به دست آوردن روزی در زمین بگردی و در نتیجه [اولاً] با پیروی کردن از دستور من در آنچه میان من و تو برای طلب روزی است، معذور باشی و [ثانیاً] باری بر دوش خانواده ات نباشی؟ اما حالا اگر بخوام، روزی ات می دهم و اگر بخوام، بر تو تنگ می گیرم و تو را در نزد من، عذری نیست. مردی که خداوند، ثروت فراوانی روزی او کند و او همه آن را اتفاق [یا خرج] کند و بعد دعا کند که: پروردگارا! به من روزی عطا کن. خداوند می فرماید: آیا روزی فراخی به تو ندادم؟ چرا دستور مرا به

کار نسبتی و در انفاق آن روزی، جانب اعتدال نگه نداشتی؟ و چرا اسراف می کنی، در صورتی که من، تو را از اسرافکاری نهی کردم؟! و دیگر، مردی که برای بُریده شدن رابطه خویشاوندی دعا کند.

خداوند به پیامبرش آموخت که چگونه انفاق کند، بدین سان که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله يك اوقیه (1) طلا بود و خوش نداشت شب را با آنها به سر ببرد. پس، همه را صدقه داد. صبح که شد، چیزی در اختیار نداشت. سائل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد؛ اما ایشان چیزی نداشت که به او بدهد. سائل، ایشان را ملامت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله از این که چیزی نداشت تا به او بدهد و از طرفی انسانی مهربان و دل رحم بود، ناراحت شد. خداوند متعال، این دستورالعمل را به پیامبرش صادر کرده فرمود: «دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده دستی منما تا ملامت شده، حسرت زده بر جای بمانی».

می فرماید: گاه مردم از تو می خواهند و معذورت نمی دارند. پس، اگر همه پولی را که داری، ببخشی، آن گاه، دستت از مال خالی می شود [و چیزی برای انفاق باقی

نمی ماند].

این احادیث پیامبر خداست و قرآن، آنها را تأیید می کند، و قرآن را هم مؤمنان اهل آن، تصدیق می کنند.  
به ابو بکر در هنگام مرگش گفتند: وصیت کن.

او گفت: به يك پنجم وصیت می کنم و يك پنجم هم بسیار است. خداوند متعال به يك پنجم رضایت داده است. لذا او به يك پنجم وصیت کرد، در حالی که خداوند تا يك سوم را در هنگام مرگش، در اختیار او گذاشته بود و اگر ابو بکر می دانست که وصیت به يك سوم برایش بهتر است، بدان وصیت کرده بود.

از این گذشته، پس از او کسی که فضل و زهدش را شما می دانید، سلمان و ابو ذر هستند. سلمان، هرگاه مقرری خود [از بیت المال] را می گرفت، خرج سال خود را تا سررسید مقرری سال آینده اش، از آن بر می داشت. به او گفته شد: ای ابو عبد الله! تو با آن همه زهدت این کار را می کنی، در حالی که نمی دانی شاید امروز یا فردا بمیری.

سلمان در پاسخ گفت: چرا شما به همان اندازه که بیم مرگ مرا دارید، امید به زنده ماندن ندارید؟ ای نادانان! مگر نمی دانید که نفس، وقتی زندگی اش تأمین نباشد، بر صاحبش می شورد و هرگاه زندگی خود را تأمین کند، آرام می گیرد؟

ابو ذر هم چند تایی شتر و میش داشت که شیر آنها را می دوشید و هرگاه خانواده اش هوس گوشت می کرد یا میهمانی برایش می رسید، یکی از آنها را سر می بُرید، یا اگر می دید مردم آبگاهی که با او زندگی می کردند، گرسنه اند شتری یا از گوسفندان به اندازه ای که میل و نیاز آنها به گوشت را فرو نشانند، برایشان می کُشت و میانشان تقسیم می کرد و خودش هم به اندازه سهم یکی از آنها، و نه بیشتر، بر می داشت.

از اینها زاهدتر چه کسی است؟ پیامبر خدا هم در فضیلت آنان سخن ها گفته است. با این حال، هیچ گاه کارشان به آن جا نرسید که اصلاً چیزی نداشته باشند، آن طور که شما از مردم می خواهید، دار و ندارشان را رها کنند و دیگران را بر خود و خانواده شان ترجیح دهند

بدانید ای جماعت که شنیدم پدرم از پدرانش روایت می کند که: روزی پیامبر

خدا فرمود: هیچ چیز به اندازه مؤمن، مرا متعجب نساخته است. اگر در دنیا بدنش را با قیچی تگّه تگّه کنند، برایش خیر است و اگر هم مالک شرق تا غرب زمین باشد، باز برایش خیر است. [خلاصه] هر کاری که خدا با او بکند، برایش خیر [و به نفع او] است.

کاش می دانستم که آنچه امروز برایتان توضیح دادم، در شما کارگر افتاد یا باز هم باید بگویم!

آیا نمی دانید که خداوند در آغاز کار [اسلام]، بر مؤمنان مقرر داشت که يك مرد از آنان با ده تن مشرك بجنگد و حق ندارد از برابر آنها بگریزد و در آن روز، هر کس به مشرکان پشت می کرد، جایگاهش آتش دوزخ بود؟

اما بعد؛ خداوند از سر مهرش به آنان، این تکلیف را از آنان بگرداند و از آن پس، هر مرد مسلمانی می بایست با دو مشرك بجنگد و این، تخفیفی بود از جانب خداوند در حق مؤمنان. پس، [حکم] دو مرد، [حکم] ده مرد را نسخ کرد.

نیز به من بگویید که آیا هرگاه فردی از شما بگوید: «من زاهدم و چیزی ندارم»، ولی قاضیان بر او حکم کنند که نفقه زنش را بدهد، آن قاضیان ستم کرده اند؟ اگر بگویید: ستمکارند، اهل اسلام، نسبت ستم کردن به شما می دهند. و اگر بگویید: عادل اند، خود را محکوم کرده اید. نیز آن جا که صدقه دادن کسی را که در هنگام مرگش بیش از يك سوم مال خود را به مستمندان صدقه دهد، رد می کنید.

به من بگویید: اگر همه مردم، آن گونه که شما می خواهید، زاهد بودند و نیازی به مال دیگران نداشتند، پس کفاره های سوگندها و نذورات و صدقات زکات واجب طلا و نقره و خرما و کشمش و سایر چیزهایی که در آنها زکات واجب است (مانند: شتر و گاو و گوسفند و غیر اینها) به چه کسی داده می شد؟ اگر وضع چنان باشد که شما می گوئید، دیگر هیچ کس نباید چیزی از مال دنیا را نگه دارد، بلکه باید آن را انفاق کند، حتی اگر خودش به آن نیاز شدید داشته باشد.

چه بد راه و مسلکی در پیش گرفته اید و مردم را به آن می کشانید! این به سبب ناآشنایی به کتاب خداوند و سنت پیامبر او و احادیث وی است که کتاب آسمانی،

آنها را تصدیق می کند، ولی شما از روی نادانی ردشان می کنید، و اندیشیدن در شگفتی های قرآن و تشخیص ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و امر و نهی را رها کرده اید.

از سلیمان بن داوود علیه السلام به من باز گوئید، آن گاه که از خداوند، سلطنتی درخواست کرد که سزوار احدی پس از او نباشد و خداوند بلند نام هم آن را به او داد و [با این حال] سلیمان، حق می گفت و به حق عمل می کرد و ما ندیده ایم که خداوند یا احدی از مؤمنان، این کار (داشتن سلطنتی پرشکوه و بی مانند) را بر او عیب گیرد. پیش از او، داوود نبی علیه السلام نیز پادشاهی و سلطنتی عظیم داشت. یوسف پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به پادشاه مصر گفت: «مرا بر خزانه های زمین [مصر] بگمار که من، نگهبانی دانایم» و کارش به آن جا کشید که مملکت پادشاه [مصر] و پیرامون آن تا یمن را در اختیار گرفت و مردم [دیگر نقاط] بر اثر خشک سالی که بدیشان رسیده بود، از نزد او جیره و آذوقه می بردند.

با این حال، او حق می گفت و به حق عمل می کرد [و دنیا و جاه و مقام آن، او را از مسیر حق منحرف نساخت]، و ندیده ایم کسی به این خاطر بر او خرده بگیرد [که چرا سلطنت و پادشاهی داشته است]. ذوالقرنین نیز بنده ای بود که خدا را دوست می داشت و خدا هم او را

دوست داشت و اسباب [رسیدن به هرچه می خواهد] (2) را برایش فراهم آورد و او را بر شرق و غرب عالم، پادشاهی داد و با این حال، حق می گفت و به آن عمل می کرد، و احدی را هم ندیده ایم که به سبب این امر بر او خرده بگیرد.

پس، ای جماعت! آداب خداوند را نسبت به مؤمنان، پیشه خود سازید و به امر و نهی خدا بسنده کنید، و آنچه را که بر شما مشتبه شده و بدانها علم

دارید، واگذارید و علم [به آنها] را به اهلش برگردانید تا هم مأجور باشید و هم نزد خدای \_ تبارك و تعالی \_ معذور. در جستجوی شناخت ناسخ قرآن از منسوخ آن، و محکمش از متشابهاش، و حلالش از حرامش باشید؛ زیرا این، شما را به خدا نزدیک تر و از نادانی دورتر می سازد. نادانی را برای اهلش وانهید که اهل نادانی بسیارند و اهل دانش، اندک. خداوند می فرماید: «و فرادست هر صاحب دانشی، دانشمندی است».

---

1- اوقیه: چهل درهم (الصالح، ج 6، ص 2527 «وقی»).

2- اشاره است به آیه 84 سوره کهف: «اسباب هرچه را در اختیارش گذاشتیم».





























2 / 8 الإستثمار من الدنيا الكتاب «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» . (1)

الحديث 2.624 . الطبرسي في مكارم الأخلاق عن رسول الله صلى الله صلى الله عليه وآله وسلم :أصْلِحُوا دُنْيَاكُمْ ، وَعَمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ ، كَأَنَّكُمْ تَمُوتُونَ غَدًا . (2)3.625 . الصدوق بإسناده عن جابر ، عن أبي جعفر الباقر عنه صلى الله عليه وآله وسلم :إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا ، وَعَمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا . (3)4.626 . الكليني بإسناده عن سعد الخفاف ، عن أبي جعفر الإمام علي عليه السلام :إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ بِقَدْرِ مُقَامِكَ فِيهَا . (4)1.627 . التفسير المنسوب للإمام العسكري عليه السلام :عنه عليه السلام \_ فِي الْحِكْمِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ :يَابْنَ آدَمَ ، لَيْسَ بِكَ غِنَاءٌ عَن نَصِيْبِكَ مِنَ

الدُّنْيَا ، وَأَنْتَ إِلَى نَصِيْبِكَ مِنَ الْآخِرَةِ أَفْقَرُ . (5) .

1- .القصص : 77 .

2- .مسند الشهاب : ج 1 ص 417 ح 717 ، الفردوس : ج 1 ص 101 ح 334 وفيه «فإنكم» بدل «كأنكم» وكلاهما عن أبي هريرة ، الجامع الصغير : ج 1 ص 164 ح 1089 .

3- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 234 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 156 ح 3569 عن العالم عليه السلام ، كفاية الأثر : ص 227 عن جنادة بن أبي أميد (أمية) عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 44 ص 139 ح 6 .

4- .جامع الأخبار : ص 511 ح 1432 .

5- .شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 321 ح 688 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 35 ح 49 عن معاذ بن جبل من دون إسناد إلى المعصوم .

**2 / 8 بهره گیری از دنیا**

2 / 8 بهره گیری از دنیاقرآن(و در آنچه خدا به تو داده است ، سرای آخرت را بجوی و بهره ات از دنیا را نیز فراموش مکن ؛ و همچنان که خدا به تو نیکی کرده است ، نیکی کن و در زمین ، فساد مجوی ؛ چرا که خدا فسادگران را دوست نمی دارد).

حدیث 633.1 . في الكافي عن الصادق ، عن أمير المؤمنين عليهما پیامبر صلی الله علیه و آله : دنیایتان را درست کنید و برای آخرتتان کار کنید ، آن سان که گویی همین فردا می میرید. 634.2 . علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن الإمام الحسن العیامبر صلی الله علیه و آله : برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده خواهی ماند ، و برای آخرت چنان کار کن که گویی همین فردا می میری. 635.1 . الكليني بإسناده عن إبراهيم ، عن أبي عبد الله ما علی علیه السلام : برای دنیایت به اندازه ماندنت در آن ، کار کن. 636.2 . الخصيبي بإسناده عن المفصل بن عمر الجعفي ، عن امام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : ای پسر آدم! تو را از سهم

دنیایت بی نیازی نیست ؛ اما به سهم آخرت نیازمندتری.

1.637. الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن زكريّا بن مالعه عليه السلام\_ في الحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ\_ :الدُّنْيَا مَطِيئَةٌ الْمُؤْمِنِ ، عَلَيْهَا يَرْتَحِلُ إِلَى رَبِّهِ ، فَأَصْلِحُوا مَطَايِكُمْ تُبَلِّغَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ . (1)2.638 . وعن العلامة، عن المفصّل بن عمر، عن جعفر الصالِح الإمام الصادق عليه السلام :\_ في بيان ما وَعَظَ بِهِ لِقَمَانِ ابْنِهِ\_ : خُذْ مِنَ الدُّنْيَا بِلَاغًا ، وَلَا تَرَفُضْهَا فَتَكُونَ عِيَالًا عَلَى النَّاسِ ، وَلَا تَدْخُلْ فِيهَا دُخُولًا يَصْدُرُ بِأَخْرَتِكَ . (2)2 / 9 هذا طَلَبُ الْآخِرَةِ 641. ما رواه الصدوق بإسناده عن عبد الله بن سنان، عن ذرّسول الله صلى الله عليه وآله : من فقهِ الرَّجُلِ أَنْ يُصْلِحَ مَعِيشَتَهُ ، وَلَيْسَ مِنْ حُبِّكَ الدُّنْيَا طَلَبٌ مَا يُصْلِحُكَ . (3)3.642. ما رواه الصدوق بإسناده عن حمّان بن أعين، قال :الكافي عن عبد الله بن أبي يعفور : قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ إِنَّا لَنَطْلُبُ الدُّنْيَا وَنُحِبُّ أَنْ نُوتَاهَا !

فَقَالَ : تُحِبُّ أَنْ تَصْنَعَ بِهَا مَاذَا؟

قَالَ : أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَعِيَالِي ، وَأَصِلُ بِهَا ، وَأَتَصَدَّقُ بِهَا ، وَأُحِجُّ وَأَعْتَمِرُ .

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْسَ هَذَا طَلَبَ الدُّنْيَا ، هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ . (4)4.643. الكليني بإسناده عن محمّد بن سليمان ، عن أبيه، عن الأمامي عن عبد الله بن أبي يعفور : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ .

نُعْطَاهَا خَيْرًا لَنَا ، وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا نَقَصَ حَظَّهُ فِي الْآخِرَةِ .

قَالَ : فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ : إِنَّا وَاللَّهِ لَنَطْلُبُ الدُّنْيَا!

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَصْنَعُ بِهَا مَاذَا؟

قَالَ : أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَعَلَى عِيَالِي ، وَأَتَصَدَّقُ مِنْهَا ، وَأَصِلُ مِنْهَا ، وَأُحِجُّ مِنْهَا .

قَالَ : فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْسَ هَذَا طَلَبَ الدُّنْيَا ، هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ . (5)5.

1- .شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 317 ح 640 .

2- .تفسير القمّي : ج 2 ص 164 عن حمّاد ، قصص الأنبياء : ص 190 ح 238 عن إبراهيم بن عبد الحميد عن أبي الحسن عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 411 ح 2 .

3- .شعب الإيمان : ج 5 ص 254 ح 6563 عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال : ج 3 ص 50 ح 5439 .

4- .الكافي : ج 5 ص 72 ح 10 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 327 ح 903 .

5- .الأمامي للطوسي : ص 662 ح 1381 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 127 ح 130 .

**2 / 9 این، دنیا طلبی نیست**

644. الکلینی ایضا یاسناده عن أبي بصير، عن أبي جعفر علامام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : دنیا، مرکب مؤمن است که با آن به سوی پروردگارش سفر می کند . پس مرکب هایتان را به سازید تا شما را به پروردگارتان برسانند. 645. العیاشی عن مسعدة بن صدقة، عن أبي جعفر، عن أبيه، امام صادق علیه السلام \_ در ذکر اندرزهای لقمان به فرزندش \_ : از دنیا به قدر کفاف برگیر؛ نه آن را به کلی کنار نه که نانخور مردم شوی، و نه آن سان به دنیا درآی که به آخرت زیان بزند. 2 / 9 این، دنیا طلبی نیست. 648. الکلینی یاسناده عن محمد بن منصور، عن العبد الصالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از فهمیدگی مرد است که معیشتش را درست کند، و تلاش برای آنچه تو را سر و سامان می بخشد، از دنیا دوستی ات به شمار نمی آید. 649. ما رواه الکلینی یاسناده عن حمزة بن بزيع، عن أبيالكافی \_ به نقل از عبد الله بن ابی یعفور \_ : مردی به امام صادق علیه السلام گفت: به خدا که ما دنیا طلب هستیم و دوست داریم دنیا به ما داده شود! امام علیه السلام فرمود: «دوست داری با آن چه کنی؟» .

گفت: با آن به خودم و خانواده ام بهره ای رسانم، صله رجم به جا آورم، صدقه بدهم و حج و عمره بگزارم.

فرمود: «این، دنیا طلبی نیست . این، آخرت طلبی است». 650. عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي نالمالی طوسی \_ به نقل از عبد الله بن ابی یعفور \_ : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «ما البتّه دنیا را دوست می داریم ؛ ولی اگر به ما داده نشود ، برای

ما بهتر است. به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد، مگر آن که بهره او از آخرت، کم شد».

مردی به ایشان گفت: به خدا سوگند که ما طالب دنیا هستیم!

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «که با آن چه کنی؟»

گفت: با آن به خودم و خانواده ام بهره ای رسانم، از آن صدقه بدهم، با آن صله رجم به جا آورم، و از آن حج بگزارم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این، دنیا طلبی نیست . این، آخرت طلبی است».

راجع: ص 82 (الدنيا الحميدة).

10/2 الدعاء للرفاهية في المعيشة الكتاب «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (1)

«وَكَتُبَ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ». (2)

الحديث صحيح البخاري عن أنس: كَانَ أَكْثَرُ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ رَبَّنَا، آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. (3)

1- البقرة: 201.

2- الأعراف: 156.

3- صحيح البخاري: ج 5 ص 2347 ح 6026، الأدب المفرد: ص 204 ح 682، صحيح مسلم: ج 4 ص 2070 ح 26، سنن أبي داوود: ج 2 ص 85 ح 1519، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 203 ح 11981 وفي الثلاثة الأخيرة «دعوة يدعو بها» بدل «دعاء»، كنز العمال: ج 7 ص 73 ح 18020.

**2 / 10 دعا برای رفاه در زندگی**

ر . ك : ص 83 (دنیای پسندیده) .

2 / 10 دعا برای رفاه در زندگیقرآن «برخی از مردم می گویند: ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی ، و در آخرت نیز به ما نیکی عطا فرما، و از عذاب آتش نگاهمان دار» .

«و برای ما در این دنیا ، نیکی مقرر فرما و در آخرت نیز؛ زیرا ما به سوی تو بازگشته ایم» .

حدیثصحیح البخاری \_ به نقل از آن\_س \_ :بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «بار خدایا، ای پروردگار ما ! در دنیا به ما نیکی ، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش ، نگه دار .



الإمام الصادق عليه السلام \_ في قولِ الله: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً» \_ : رِضْوَانِ اللَّهِ وَالْجَنَّةِ فِي الآخِرَةِ ، وَالْمَعَاشِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا . (1) الكافي عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام : يُسْتَحَبُّ أَنْ تَقُولَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْحَجَرِ : اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

وقال : إِنَّ مَلِكًا مُوَكَّلًا يَقُولُ : آمِينَ . (2) صحيح مسلم عن أبي هريرة : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أُمْرِي ، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي . (3) الأُمَالِي عن أَبِي بُرْدَةَ الأَسْلَمِيِّ عن أَبِيهِ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّى يَسْمَعَ أَصْحَابُهُ يَقُولُ : «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرْجِعِي» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نِقْمَتِكَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ ، وَلَا مُعْطِيٍّ لِمَا مَنَعْتَ ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ (4) مِنْكَ الْجَدُّ» . (5) .

- 1- .الكافي : ج 5 ص 71 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 327 ح 900 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 156 ح 3566 ، معاني الأخبار : ص 175 ح 1 وزاد فيهما «والسعة في الرزق» بعد «الآخرة» وكلها عن جميل بن صالح ، تفسير العياشي : ج 1 ص 98 ح 274 عن عبد الأعلى وفيه «السعة في المعيشة» بدل «المعاش» ، بحار الأنوار : ج 71 ص 383 ح 18 .
- 2- .الكافي : ج 4 ص 408 ح 7 .
- 3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2087 ح 71 ، الأدب المفرد : ص 201 ح 668 ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 198 ح 7261 ، مشكاة المصابيح : ج 1 ص 760 ح 2483 ، كنز العمال : ج 2 ص 182 ح 3645 .
- 4- .لا ينفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ : أَي لَا يَنْفَعُ ذَا الْغِنَى عَنْكَ غِنَاهُ (لسان العرب : ج 3 ص 107 «جدد»).
- 5- .الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ : ص 158 ح 265 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 134 ح 14 ؛ المعجم الأوسط : ج 7 ص 142 ح 7106 نحوه ، عمل اليوم والليلة لابن السني : ص 49 ح 127 عن أبي برزة الأَسْلَمِيِّ عن أَبِيهِ ، الأذكار للنووي : ص 202 عن أبي برزة وفيها «بك منك» بدل «بعفوك من نقمتك» .

1.. جاء في بحار الأنوار نقلاً عن كتاب الأنوار: امام صادق عليه السلام \_ درباره این سخن خداوند: «ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت نیز نیکی» \_ : [یعنی] خشنودی خدا و بهشت در آخرت، و اخلاق خوش در دنیا. 2. وفيه أيضا: قال أبو الحسن البكري في كتاب الأنوار الكافي \_ به نقل از عبد الله بن سنان \_ : امام صادق عليه السلام فرمود: «مستحب است که میان زُکن و حَجَر بگویی: بار خدایا! در دنیا به ما نیکی ، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش ، نگره دار».

امام علیه السلام فرمود: «فرشته ای گماشته شده می گوید: آمین!». 3. وفيه كذلك خبر شهادة أمير المؤمنين عليه السلام: صحيح مسلم \_ به نقل از ابو هريره \_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همیشه می فرمود: بار خدایا! دین مرا که مایه نگهداری کار من است، برایم اصلاح فرما و دنیايم را نیز که زندگی من در آن است، برایم اصلاح کن. الأمالی طوسی \_ به نقل از ابو برده أسلمی از پدرش \_ : پیامبر خدا ، پس از خواندن نماز صبح، با صدای بلند ، طوری که یارانش بشنوند ، سه بار می گفت: «بار خدایا!»! دین مرا که مایه مصونیت من قرارش داده ای، برایم اصلاح فرما».

سه بار می گفت: «بار خدایا! دنیای مرا که معاش مرا در آن قرار داده ای ، برایم اصلاح فرما».

سه بار می گفت: «بار خدایا! آخرت مرا که بازگشتم را به آن قرار داده ای ، اصلاح کن».

سه بار می گفت: «بار خدایا! من از خشم تو به خشنودی تو پناه می برم، و از کيفر تو به گذشتت پناه می برم».

سه بار هم می گفت: «بار خدایا! من از تو به تو پناه می برم. آنچه را تو عطا کنی ، چیزی مانعش نمی شود، و آنچه را تو ندهی ، کس نمی تواند عطایش کند، و توانگری توانگر در برابر تو به به کارش نمی آید».

1.. ما جاء في الغيبة للطوسي قال: صحيح مسلم عن أبي مالك عن أبيه: **أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ أَقُولُ حِينَ أَسْأَلُ رَبِّي؟**

قال: **قُلْ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي وَارزُقْنِي»** وَيَجْمَعُ أَصَابِعَهُ إِلَّا الْإِبْهَامَ؛ فَإِنَّ هُوَ لَأَنْ تَجْمَعُ لَكَ دُنْيَاكَ وَأَخْرَتَكَ. (1)2. وبهذا الإسناد، عن أحمد بن علي الرازي، قال: مسند أبي يعلى عن أنس: **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا فَقَدَ الرَّجُلَ مِنْ إِخْوَانِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَأَلَ عَنْهُ، فَإِنْ كَانَ غَائِبًا دَعَا لَهُ، وَإِنْ كَانَ شَاهِدًا زَارَهُ، وَإِنْ كَانَ مَرِيضًا عَادَهُ، فَقَدَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ، فَسَأَلَ عَنْهُ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تَرَكْنَاهُ مِثْلَ الْفَرَخِ لَا يَدْخُلُ فِي رَأْسِهِ شَيْءٌ إِلَّا خَرَجَ مِنْ دُبُرِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: عودوا أخاكم.**

قال: **فَخَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَعُودُهُ، وَفِي الْقَوْمِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ، فَلَمَّا دَخَلْنَا عَلَيْهِ إِذْ هُوَ كَمَا وَصِفَ لَنَا، قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْفَ تَحْدُثُكَ؟**

قال: **لَا يَدْخُلُ فِي رَأْسِي شَيْءٌ إِلَّا خَرَجَ مِنْ دُبُرِي!**

قال: **وَمِمَّ ذَاكَ؟**

قال: **يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَرَرْتُ بِكَ وَأَنْتَ تُصَدِّ لِي الْمَغْرِبَ فَصَدَّ لِي مَعَكَ وَأَنْتَ تَقْرَأُ هَذِهِ السُّورَةَ «الْقَارِعَةَ \* مَا الْقَارِعَةُ» (2) إِلَى آخِرِهَا «نَارٌ حَامِيَةٌ»، قَالَ: فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ مَا كَانَ لِي مِنْ ذَنْبٍ أَنْتَ مُعَذِّبِي عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ فَعَجَّلْ لِي عُقُوبَتَهُ فِي الدُّنْيَا، فَزَلَّ بِي مَا تَرَى.**

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: **بِسْ مَا قُلْتُ، أَلَا سَأَلْتَ اللَّهَ أَنْ يُؤْتِيكَ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَيَقِيكَ عَذَابَ النَّارِ؟!**

قال: **فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَدَعَا بِذَلِكَ، وَدَعَا لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَامَ كَأَنَّمَا نَشِطَ مِنْ عِقَالٍ (3). (4).**

1- صحيح مسلم: ج 4 ص 2073 ح 36، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 381 ح 15877 وفيه «واهدني» بدل «وعافني» وح 15881 عن أبي طارق بن أشيم، الأدب المفرد: ص 196 ح 651 عن سعد بن طارق بن أشيم الأشجعي وكلاهما نحوه.

2- القارعة: 1 و 2.

3- يقال للمريض إذا برأ، وللمغشي عليه إذا أفاق: **كَأَنَّمَا أَنْشِطَ مِنْ عِقَالٍ. وَنَشِطٌ: أَي حُلٌّ.** قال ابن الأثير: وكثيرا ما يجيء في الرواية «كَأَنَّمَا نَشِطَ مِنْ عِقَالٍ» وليس بصحيح (لسان العرب: ج 7 ص 414 «نشط»).

4- مسند أبي يعلى: ج 3 ص 381 ح 3416، المطالب العالية: ج 2 ص 345 ح 2436، الدرر المنتور: ج 8 ص 608.

1.. ما جاء في المحاسن: صحيح مسلم \_ به نقل از مالك از پدرش \_ :مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! وقتی از پروردگارم درخواست می کنم، چگونه بگویم؟

فرمود: «بگو: بار خدایا! مرا بیمارز، و به من رحم کن، و عافیتم بخش و روزی ام ده»، و بجز انگشت شصت، بقیه انگشتانش را جمع کند؛ چون اینها، دنیا و آخرت را برای تو جمع می کند. 2. وفي عيون أخبار الرضا عليه السلام قال الصدوق: مسند أبي يعلى \_ به نقل از آن \_ : پیامبر خدا، هرگاه سه روز فردی از برادرانش را نمی دید، جویای او می شد؛ اگر [در شهر] نبود، برایش دعا می کرد؛ اگر [در شهر] بود، به دیدارش می رفت و اگر بیمار بود، به عیادتش می رفت. يك بار، سه روز مردی از انصار را ندید، جویای حال او شد. گفته شد: ای پیامبر خدا! از نزد او که آمدیم، مثل يك جوجه شده بود و هرچه می خورد، دفع می کرد.

پیامبر خدا به عده ای از یارانش فرمود: «از برادران عیادت کنید».

ما به همراه پیامبر خدا به عیادت او رفتیم. ابو بکر و عمر هم در آن جمع بودند. چون بر او در آمدیم، دیدیم همان گونه است که به ما گفته شده بود. پیامبر خدا فرمود: «حالت چگونه است؟» .

گفت: هرچه می خورم، دفع می کنم.

فرمود: «چرا به این روز افتادی؟» .

گفت: ای پیامبر خدا! روزی به تو برخوردم. مشغول خواندن نماز مغرب بودی و من هم به تو اقتدا کردم و سوره: «الْقَارِعَةُ \* مَا الْقَارِعَةُ» تا آخرش «نَأْزُ حَامِيَةً» را قرائت می کردی. من گفتم: خدایا! اگر گناهی دارم که به واسطه آن، مرا در آخرت عذاب خواهی کرد، کیفر آن را در همین دنیا به من بچشان. این بلا بر من آمد که می بینی.

پیامبر خدا فرمود: «بد چیزی گفته ای. چرا از خدا درخواست نکردی که در دنیا و در آخرت به تونیکی دهد و از عذاب آتش، نگاهت دارد؟!» .

پس، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود که این گونه دعا کند. آن مرد هم چنان دعا کرد. و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین گونه دعا کرد و او سر حال شد و از جا برخاست، چنان که گویی بند از پایش باز شده باشد. .

1.. جاء في كتاب القراءات: الإمام زين العابدين عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا يَكُونُ بِهِ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَإِذَا كُرِبْتُمْ (1) وَاعْتَمَمْتُمْ (2) دَعَوْتُمْ اللَّهَ بِهِ فَفَرَّجَ عَنْكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: قَوْلُوا: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» ثُمَّ ادْعُوا بِمَا بَدَأَ لَكُمْ. (3) وفيه أيضا: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيشَةِ، مَعِيشَةً أَتَقَوَّى بِهَا عَلَى جَمِيعِ حَوَائِجِي، وَأَتَوَصَّلُ بِهَا فِي الْحَيَاةِ إِلَى آخِرَتِي، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتْرِفَنِي (4) فِيهَا فَأَطْعِي، أَوْ تُقْتِرَ (5) بِهَا عَلَيَّ فَأَشْقَى، أَوْ سِعَ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَأَفْضَ عَلَيَّ مِنْ سَبَبِ (6) فَضْلِكَ؛

نِعْمَةً مِنْكَ سَابِغَةً وَعَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ، ثُمَّ لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِإِكْثَارِ مِنْهَا تُلْهِينِي بِهَجْتِهِ وَتَقْتِنِي زَهْرَاتِ زَهْوَتِهِ، وَلَا بِإِقْلَالِ عَلَيَّ مِنْهَا يَقْصُرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ، أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي غِنًى عَنِ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَبَلَاغًا أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا. لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِدِّجَنَا وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنَا، أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانَ وَمَسَاكِنِ الْأَخْيَارِ، وَأَبْدَلْنِي بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ نَعِيمَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَزْلِهَا وَزَلْزَلِهَا، وَسَدِّ طَوَاتِ شِدَائِطِهَا وَسَدِّ لَاطِينِهَا وَنَكَالِهَا (7)، وَمِنْ بَغْيِي مَنْ بَغَى عَلَيَّ فِيهَا. اللَّهُمَّ مَنْ كَادَنِي فَكِدَهُ وَمَنْ أَرَادَنِي فَأَرَدَهُ، وَفُلَّ عَنِّي حَدًّا مَنْ نَصَبَ لِي حَدَّهُ، وَأَطْفَ عَنِّي نَارَ مَنْ شَدَّ لِي وَقُودَهُ، وَكَافَنِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ وَأَقْدَأَ عَنِّي عُيُونَ الْكُفْرَةِ، وَكَافَنِي هَمَّ مَنْ أَدْحَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ، وَادْفَعَ عَنِّي شَرَّ الْحَسَدَةِ، وَأَعَصِدَ مِنِّي مِنْ ذَلِكَ بِالسَّكِينَةِ، وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَاخْبَأْنِي (8) فِي سِتْرِكَ الْوَاقِي، وَأَصْلِحْ لِي حَالِي، وَصَدِّقْ قَوْلِي بِفِعَالِي، وَبَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَمَالِي. (9).

1- كَرِبَهُ الْأَمْرُ: شَقَّ عَلَيْهِ (المصباح المنير: ص 529 «كرب»).

2- فِي الْمَصْدَرِ: «وَأَغْمَمْتُمْ»، وَمَا فِي الْمَتْنِ أَثْبَتَاهُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ.

3- الْمَحَاسِنُ: ج 1 ص 100 ح 71 عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، الدَّعَوَاتُ: ص 56 ح 143 وَفِيهِ «اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ» بَدَلَ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 93 ص 208 ح 11.

4- الْمُتْرِفُ: الْمُتَنَعَّمُ الْمُتَوَسِّعُ فِي مِلَادِ الدُّنْيَا وَشَهْوَاتِهَا (النهاية: ج 1 ص 187 «ترف»).

5- أَقْتَرَ اللَّهُ رِزْقَهُ: أَي ضَيَّقَهُ وَقَلَّلَهُ (النهاية: ج 4 ص 12 «قتر»).

6- السَّيْبُ: الْعَطَاءُ (القاموس المحيط: ج 1 ص 84 «سب»).

7- النَّكَالُ: الْعُقُوبَةُ (مجمع البحرين: ج 3 ص 1834 «نكل»).

8- خَبَأَ الشَّيْءَ: سَتَرَهُ (القاموس المحيط: ج 1 ص 13 «خبا»).

9- الْكَافِي: ج 2 ص 553 ح 13 عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ: ص 351 ح 466 عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ وَرَاجِعِ الْإِقْبَالَ: ج 1 ص 304 وَص 134 وَجَمَالَ الْأُسْبُوعِ: ص 295 وَص 241 وَبَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 90 ص 12 ح 2.

3. وفيه كذلك: امام زين العابدين عليه السلام: پیامبر خدا فرمود: «آیا به شما خبر دهم از چیزی که خیر دنیا و آخرت به آن است، و هرگاه ناراحت و اندوهگین شدید، با آن خدا را بخوانید و خداوند، غم و رنج شما را بزداید؟»

گفتند: بگو ای پیامبر خدا!

فرمود: «بگوید: لا إله إلا الله ربنا، لا نشارك به شيئاً؛ جز خدای یکتا که پروردگار ماست، خدایی نیست و ما هیچ گونه به وی شریک نمی‌ورزیم. سپس، هر دعایی که خواستید، بکنید». 4. و من روایاته ما جاء في كتاب التوحيد للصدوق قال: امام صادق عليه السلام: علی بن حسین علیهما السلام این دعا را می‌خواند:

«بار خدایا! از تو نیکوییِ معشیت را درخواست می‌کنم؛ معیشتی که با آن بتوانم همه نیازهایم را برآورم، و بدان وسیله، در این زندگی به آخرتم نایل آیم؛ نه آن چنان مرا در آن غوطه‌ور سازی که دچار طغیان شوم، و نه آن سان بر من تنگ‌گیری که به رنج و سختی بیفتم، از روزیِ حلالیت به من گشایش ده و از بارانِ فضل بر من بریزان. نعمتی بی‌نقص و دهشی بی‌وقفه از جانب خودت [به من ارزانی دار]؛ اما نه چندان بر آن بیفزای که خرمی‌اش مرا به خود سرگرم سازد و شکوه و زیبایی‌اش فریفته‌ام گرداند و در نتیجه، از شکر نعمت بازمانم، و نه چندان آن را بر من بکاه که رنج تحصیلش باعث کوتاهی‌ام در عمل [و عبادت] شود و هم و غمش سینه‌ام را پُر کند.

ای معبود من! از این روزی‌ات آن قدر به من عطا فرما که از بدانِ خلقت

بی‌نیاز شوم و به وسیله آن، به خشنودی (بهشت) رضوان تو نایل آیم.

پناه می‌برم به تو، ای معبود من! از شرّ دنیا و شرّ آنچه در دنیاست. دنیا را بر من زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم قرار مده. مرا از این سرای آزمایش، در حالی به سرای زندگانی و سکونتگاه نیکان [آخرت] بپر که از من، خشنود باشی و اعمالم پذیرفته باشد، و نعمت‌های آن سرای ماندگار را جایگزین این دنیای فناپذیرم کن.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از سختی و بلاهای دنیا و یورش‌های شیاطین و سلاطین آن، و تنبیه و مجازات‌هایش، و از زورگویی و ستم کسی که در این دنیا به من ستم کند و زورگویی کند.

بار خدایا! هرکه برایم نقشه کشید، تو برایش نقشه بکش، و هرکه قصد من کرد، قصد او کن و تیغ آن کس را که بر رویم تیغ کشید، کُند کن و آتش آن کس را که برای من آتش افروخت، خاموش کن و دسیسه‌دسیسه‌گران را از من بگردان و چشم‌های کافران را از من، کور گردان و بدسیه‌گالی کسی را که نسبت به من در سر پرورانده، از من دور کن و گزند بدخواهان (یا: شور چشمان) را از من دفع کن و با آرامش [خود]، مرا از آن نگه‌دار و زره محکم خود را بر من بپوشان و مرا در پرده‌نگه‌دارنده‌ات پنهان بدار، حالم را نکو گردان و کردارم را مطابق گفتارم قرار ده و به خانواده‌ام و اموالم برکت عطا فرما.

5. وفي الخصال: تهذيب الأحكام عن أبي حمزة الثمالي: أَخَذْتُ هَذَا الدُّعَاءَ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَكَانَ يُسَمِّيهِ الدُّعَاءَ الْجَامِعَ :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

... أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي ، مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى

طَاعَتِكَ وَأَبْلُغْ بِهَا رِضْوَانَكَ ، وَأَصِيرُ بِهَا مِنْكَ إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ (1) عَدَا .

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا - يَكْفِينِي وَلَا - تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي ، وَلَا تَبْتَلِينِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضَدِّ يَمَّا عَلَيَّ ، أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي وَمَعَاشًا وَاسِعًا هَنِينًا مَرِينًا فِي دُنْيَايَ ، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا تَجْعَلِ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا ، أَجْرِنِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعِيي فِيهَا مَشْكُورًا .

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي فِيهَا بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ ، وَمَنْ كَادَنِي فِيهَا فَكِدْهُ . (2) .

1- .الحيوان : قيل : هي الحياة التي لا يعقبها موت (المصباح المنير : ص 161 «حيي»).

2- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 76 ح 234 ، الكافي : ج 2 ص 587 ح 26 وليس فيه «اللهم ارزقني رزقا حلالا يكفيني» ، مهج الدعوات : ص 217 وليس فيه «مرينا» و«بزيادة» «مرضيا» بعد «فتنتها» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 269 ح 3 وراجع مصباح المتهجد : ص 549 ح 640 والمقنعة : ص 179 ح 15 .

1.. ما جاء في الكافي: تهذيب الاحكام \_ به نقل از ابو حمزه ثمالی \_ : این دعا را از امام باقر علیه السلام که آن را دعای جامع می نامید، فرا گرفتم:

«به نام خداوند مهرگستر مهربان... بار خدایا! از تو درخواست می کنم که تا زنده هستم، زندگی ام را در رفاه و آسایش قرار دهی، به طوری که با آن

بر طاعت تو توانا باشم و به خشنودی (/ بهشت) تو نایل آیم و فردا [ی قیامت] از جانب تو به سرای زندگانی [بهشت] بروم.

بار خدایا! روزی حلالی نصیبم کن که در حدّ کفایت من باشد و رزقی که مرا به سرکشی بکشاند، روزی ام مکن و به فقری گرفتارم مساز که باعث رنج و سختی من گردد، در آخرت، بهره ای فراوان عطایم کن و در دنیا، زندگی فراخ و خوش و گوارا. دنیا را بر من زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم قرار مده. مرا از فتنه آن، در پناه خود دار و اعمالم را در آن، بپذیر و تلاشم را در آن، شایان تقدیر قرار ده.

بار خدایا! هرکس در دنیا نسبت به من قصد سوء کرد، تو قصد او کن و هرکس در آن برایم نقشه کشید، برایش نقشه بکش. .



2. وفيه أيضا: الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصَلِّحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيًّا . (1)3. وفي الكافي كذلك :عنه عليه السلام :اللَّهُمَّ اعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي ، واقض لي حوائجي ، ولا تمنعني الإجابة وقد ضممتها لي ، ولا تحجب دعائي عنك وقد أمرتني به ، وامنن عليّ بكلّ ما يصلحني في دنياي وآخرتي ؛ ما ذكرت منه وما نسيته ، أو أظهرت أو أخفيت ، أو أعلنت أو أسررت . (2)4. وفيه أيضا: الإمام الصادق عليه السلام \_ مِنْ دُعَاءِ عَلَّمَهُ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ \_ :اعطني من خير الدنيا والآخرة ما أنت أهله ، وأصرف عني من شرّ الدنيا والآخرة ما أنت أهله . (3).

- 
- 1- .الصحيفة السجّادية : ص 95 الدعاء 22 وراجع مصباح المتهدّد : ص 82 ح 132 و ص 471 ح 568 وفلاح السائل : ص 329 ح 317 وبحار الأنوار : ج 86 ص 15 ح 11 .
- 2- .الصحيفة السجّادية : ص 106 الدعاء 25 .
- 3- .الكافي : ج 2 ص 259 ح 30 و ص 565 ح 4 و ج 3 ص 327 ح 20 ، عدّة الداعي : ص 257 كلّها عن يونس بن عمّار ، مصباح المتهدّد : ص 139 ح 226 ، المصباح للكفعمي : ص 196 كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 95 ص 80 ح 6 .

1.. ما جاء في الكافي: امام زين العابدين عليه السلام: بار خدایا! تو می دانی که کار دنیا و آخرتِ مرا چه چیز به صلاح می آورد . پس حاجت هایم را عطا فرما. 2. وفي الخصال قال الصدوق: امام زين العابدين عليه السلام: بار خدایا! همه درخواست هایم را به من عطا فرما، حوایجم را برآور و اجابت را که برایم تضمین کرده ای ، از من دریغ مکن و دعایم را که تو خود به آن دستور داده ای ، از درگاہت محجوب مگردان و هر آنچه را که سبب اصلاح من در دنیا و آخرتم شود ، به من عطا فرما ؛ چه آنهایی را که یاد کردم و یا فراموش نمودم، چه آنهایی را که اظهار کردم و یا نهان داشتم، چه آنهایی را که آشکارا گفتم و یا در دل ، بیان داشتم. 3. وفي الخصال أيضا: امام صادق عليه السلام \_ بخشی از دعایی که امام علیه السلام به یونس بن عمّار آموخت \_ : از نیکی دنیا و آخرت ، آنچه را که تو اهل آنی ، به من عطا فرما و از بدی دنیا و آخرت نیز ، آنچه را که تو اهل آنی ، از من بگردان .

عنه عليه السلام \_ من دُعائه في زيارة الحُسَيْن عليه السلام عند وداعه \_ :اللَّهُمَّ لا تَسْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ ، ولا بِإِكْثَارِ فِيهَا فَتُلْهِبَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا وَتَقْتِنَنِي زَهْرَتُهَا ، ولا بِإِقْلَالِ يُضِيرُ بِعَمَلِي ضَرْهًا وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ ، أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غِنًى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ ، وبِلاغا (1) أنالُ بِهِ رِضَاكَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (2) الكافي عن مُحَمَّدِ الجعفي عن أبيه :كُنْتُ كَثِيرًا ما أَشْتَكِي عَيْنِي ، فَشَدَّ كَوْتُ ذَلِكَ إِلى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ، فَقَالَ : أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءً لِدُنْيَاكَ وَأَخْرَتَكَ وَبِلاغا لَوْجَعِ عَيْنِكَ؟ قُلْتُ : بلى ، قَالَ : تَقُولُ فِي دُبْرِ الفَجْرِ وَدُبْرِ المَغْرِبِ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلِ التَّوْرَ فِي بَصَرِي ، وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي ، وَاليَقِينَ فِي قَلْبِي ، وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي ، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي ، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي ، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبداً ما أَبْقَيْتَنِي . (3) 1.. ما جاء في الكافي وعلل الشرائع واللفظ للكافي: الكافي عن عبد الرحمن بن سيابة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : أَدْعُو وَأَنَا ساجِدٌ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، فَادْعُ لِلدُّنْيَا وَالأَخْرَةِ ، فَإِنَّهُ رَبُّ الدُّنْيَا وَالأَخْرَةِ . (4) 2. وفي الأُمالي قال الطوسي: الكافي عن علي بن مهزيار : كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبراهيمَ إِلى أَبِي الحَسَنِ عليه السلام : إن رَأَيْتَ

يا سَيِّدِي أَنْ تُعَلِّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي دُبْرِ صَلَاتِي يَجْمَعُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالأَخْرَةِ .

فَكَتَبَ عَلَيْهِ السلام : تَقُولُ :

أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الكَرِيمِ ، وَعِزَّتِكَ الَّتِي لا تُرامُ ، وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالأَخْرَةِ ، وَمِنْ شَرِّ الأَوْجاعِ كُلِّها . (5) .

- 1- .البلاغ : ما يُتَبَلَّغُ وَيُتَوَصَّلُ بِهِ إِلى الشَّيْءِ المَطْلُوبِ (النهاية : ج 1 ص 152 «بلغ»).
- 2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 598 ح 3200 ، كامل الزيارات : ص 436 ح 699 كلاهما عن يوسف الكناسي ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 68 ، مصباح المتهجد : ص 728 ح 819 كلاهما من دون إسنادٍ إِلى المعصوم وفيهما «ذكرك» بدل «شكر نعمتك» وفيها «زهرات زينتها» بدل «زهرتها» و«كده» بدل «ضره» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 204 ح 32 .
- 3- .الكافي : ج 2 ص 549 ح 11 ، الأُمالي للمفيد : ص 179 ح 9 ، الأُمالي للطوسي : ص 196 ح 334 ، المصباح للكفعمي : ص 233 وفيها «تكفي به وجع» بدل «بلاغاً لوجع» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 247 ح 2597 وليس فيهما «عليك» ، فلاح السائل : ص 410 ح 282 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 90 ح 8 .
- 4- .الكافي : ج 3 ص 323 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 299 ح 1207 وفيه «أدعو الله» بدل «أدعو» .
- 5- .الكافي : ج 3 ص 346 ح 28 ، مصباح المتهجد : ص 51 ح 68 من دون إسنادٍ إِلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 86 ص 48 .

امام صادق علیه السلام \_ از دعای ایشان در زیارت خداحافظی با امام حسین علیه السلام \_ : بار خدایا! در دنیا مرا از گزاردن شکر نعمت هایت باز مدار، نه چندان در دنیا فزونی ام بخش که شکوه خیره کننده آن ، مرا سرگرم سازد و زرق و برقش فریفته ام گرداند، و نه چندان تهی دستم کن که به عملم لطمه بزند و دغدغه اش ذهنم را پُر کند ؛ [بلکه] از آن به اندازه ای به من ببخش که از بدان خلقت بی نیازم گرداند و در حدّی باشد که با آن ، به خشنودی تو دست یابم، ای مهربان ترین مهربانان! الکافی \_ به نقل از محمد جعفری از پدرش \_ : من بسیار به چشم درد مبتلا می شدم. از آن ، به امام صادق علیه السلام شکایت کردم . فرمود: «آیا دعایی برای دنیا و آخرت و بهبود درد چشمانت به تو نیاموزم؟» .

گفتم: چرا.

فرمود: «در تعقیب نماز صبح و مغرب می گویی:

بار خدایا! به حقّ محمد و آل محمد بر تو ، از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و در دیده ام نور قرار ده، در دینم بینش، در دلم یقین، در کردارم اخلاص، در روانم سلامت و در روزی ام گشایش، و این که تا زنده ام ، همواره سپاس گزار تو باشم. الکافی \_ به نقل از عبدالرحمان بن سیّاب \_ : به امام صادق علیه السلام گفتم: در حال سجده دعا کنم؟

فرمود: «آری. برای دنیا و آخرت ، دعا کن؛ زیرا که او خداوندگار دنیا و آخرت است». الکافی \_ به نقل از علی بن مهزیار \_ : محمد بن ابراهیم به ابوالحسن علیه السلام نوشت: سرورم! اگر صلاح می دانی ، دعایی به من بیاموز که در تعقیب نماز بخوانم و خداوند به واسطه آن ، خیر دنیا و آخرت را به من بدهد.

امام علیه السلام نوشت: می گویی:

«به ذات بزرگوار تو، و به اقتدار شکست ناپذیر تو، و به قدرتت که هیچ چیز از آن سر بر نمی تابد ، پناه می برم از بدی دنیا و آخرت و از بدی همه دردها» . .

1.. ما جاء في تهذيب الأحكام: الكافي عن هلقام بن أبي هلقام: أتيت أبا إبراهيم عليه السلام (1) فقلت له: جعلت فداك، علمني دعاء جامعاً للدنيا والآخرة وأوجزاً.

فقال: قل في دبر الفجر إلى أن تطلع الشمس: سبحان الله العظيم وبحمده، أستغفر الله وأسأله من فضله.

قال هلقام: ولقد كنت من أسوأ أهل بيتي حالاً، فما علمت حتى أتاني ميراث من قِبَلِ رَجُلٍ ما ظننت أن بيني وبينه قرابة، وإني اليوم لمن أيسر أهل بيتي، وما ذلك إلا مما علمني مولاي العبد الصالح عليه السلام. (2) وفي كتاب الغيبة قال النعماني: الإمام علي عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أمسى قال: «... اللهم إني بك بجميع حاجتي عالم، وإنيك على جميع نجاتها قادر، اللهم أنجح الليلة كل حاجة لي، ولا تردني في دنيائي، ولا تنقصني في آخرتي»، وإذا أصبح قال مثل ذلك. (3) عنه عليه السلام \_ في الدعاء \_: اللهم لا تجعل الدنيا لي سجنًا، ولا فراقها عليّ حزنًا،

أعوذ بك من دنيا تحرمني الآخرة، ومن أمل يحرمني العمل، ومن حياة تحرمني خير الممات. (4).

1- أي الإمام الكاظم عليه السلام.

2- الكافي: ج 2 ص 550 ح 12، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 328 ح 962، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 34 ح 2075، بحار الأنوار: ج 86 ص 131 ح 7.

3- المعجم الأوسط: ج 7 ص 334 ح 7657 عن الحارث، كنز العمال: ج 2 ص 634 ح 4951.

4- نثر الدر: ج 1 ص 284.

الكافي \_ به نقل از هلقام بن ابی هلقام \_ : خدمت ابو ابراهیم (امام کاظم) علیه السلام رسیدم و گفتم: فدایت شوم! دعایی به من بیاموز که جامع دنیا و آخرت باشد و کوتاه بیاموز.

فرمود: «پس از نماز صبح تا طلوع خورشید بگو: منزه است خدای بزرگ، و ستایش، مخصوص اوست. از خدا آمرزش می طلبم و از فضل او مسئلت می کنم».

وضع زندگی من از همه فامیلم بدتر بود؛ اما [در اثر خواندن این دعا] ناگهان ارثیه ای از جانب مردی به من رسید که گمان نمی کردم بین من و او خویشاوندی ای باشد و امروز، من از ثروتمندترین افراد خاندانم هستم. این نبود، مگر به برکت دعایی که مولایم، عبد صالح، به من آموخت. 1.. ما جاء في المحاسن: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، شب که می شد، می گفت: «... بار خدایا! تو از همه حاجت هایم آگاهی و به برآوردن همه آنها توانایی. بار خدایا! امشب هر حاجتی که دارم، برآورده ساز و در دنیایم میفزای و از آخرتم مکاه...». . صبح که می شد نیز چنین دعایی می کرد. 2. وفي الكافي: امام علی علیه السلام \_ دعا \_ : بار خدایا! دنیا را برایم زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم مساز. به تو از دنیایی که مرا از آخرت محروم گرداند و از امیدی که

مرا از عمل باز بدارد، و از زندگی ای که مرا از بهترین مُردن محروم سازد، به تو پناه می برم».. .

2 / 11 ثَوَابٌ مَن أَخَذَ الدُّنْيَا بِحَقِّهَا<sup>2</sup>. وفي الخصال للشيخ الصدوق قال: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا خَضِرَةٌ (1) حُلْوَةٌ، مَن اِكْتَسَبَ فِيهَا مَالًا - مَن جِلَّ وَأَنْفَقَهُ فِي حَقِّهِ أَثَابَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأُورِدَهُ جَنَّتَهُ، وَمَن اِكْتَسَبَ فِيهَا مَالًا مِّنْ غَيْرِ جِلِّ وَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ دَارَ الْهَوَانِ، وَرُبَّ مُتَحَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ (2) وَرَسُولُهُ لَهُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. يَقُولُ اللَّهُ: «كُلَّمَا خَبَتَ زِدْنَهُمْ سَعِيرًا» (3). (4) 1. عن الحسين بن الحسن بن بندار، ومحمد بن قولويه المسند ابن حنبل عن خولة بنت قيس - امرأة حمزة بن عبد المطلب رضى الله عنه - : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلَ عَلَى حَمَزَةَ فَتَذَاكِرَا الدُّنْيَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ، فَمَن أَخَذَهَا بِحَقِّهَا بَوْرَكَ لَهُ فِيهَا، وَرُبَّ مُتَحَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ وَمَالِ رَسُولِهِ لَهُ النَّارُ يَوْمَ يَلْقَى اللَّهُ. (5) 2. عن سعد، قال: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَن رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَن طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا إِسْتِعْفَا عَنِ الْمَسْأَلَةِ، وَسَعِيَ عَلَى أَهْلِهِ،

وَتَعَطَّفَا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهُ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. وَمَن طَلَبَ الدُّنْيَا مُكَاثِرًا بِهَا حَلَالًا (6) مُرَائِيًا، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ. (7).

1- خَضِرَةٌ: أَي غَضَّة نَاعِمَةٌ طَرِيَّةٌ (النهاية: ج 2 ص 41 «خضر»).

2- رُبَّ مُتَحَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ: أَي رَبٌّ مُتَصَرِّفٌ فِي مَالِ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا لَا يَرْضَاهُ اللَّهُ (لسان العرب: ج 7 ص 147 «خوض»).

3- الإسراء: 97.

4- شُعْبُ الْإِيمَانِ: ج 4 ص 396 ح 5527 عن ابن عمر، كُنز العمال: ج 3 ص 184 ح 6076.

5- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 299 ح 27122، سنن الترمذي: ج 4 ص 587 ح 2374، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 76 ح 6932 عن حمزة وكلاهما نحوه، المعجم الكبير: ج 24 ص 230 ح 585، شُعْبُ الْإِيمَانِ: ج 7 ص 280 ح 10306 عن عمرة بنت الحارث نحوه، حلية الأولياء: ج 7 ص 311 وليس فيهما صدره، كُنز العمال: ج 3 ص 184 ح 6075.

6- الظاهر أَنَّ الصواب في العبارة: «مَن طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا مُكَاثِرًا بِهَا...» كما في أغلب المصادر.

7- المصنَّف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 258 ح 7، شُعْبُ الْإِيمَانِ: ج 7 ص 298 ح 10375، مشكاة المصابيح: ج 2 ص 658 ح 5207، مسند إسحاق بن راهويه: ج 1 ص 353 ح 352، حلية الأولياء: ج 3 ص 110 كلُّها عن أبي هريرة وفيها «مكاثرا مفاخرًا»، كُنز العمال: ج 4 ص 12 ح 9247.

**2 / 11 پاداش کسی که دنیا را به حق برگیرد**

2 / 11 پاداش کسی که دنیا را به حق (1) برگیرد.. ما جاء في الكافي: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا دل پذیر و شیرین است. هرکه در آن مالی از حلال به دست آورد و در راه درستش هزینه کند، خداوند، او را بر این کار، پاداش دهد و به بهشت خویش برَد و هرکه در دنیا، مالی از غیر حلال به دست آورد و به ناحق هزینه اش کند، خداوند، او را به سرای خفت و خواری در آورد. ای بسا تصرف کننده ای در مال خدا (2) و پیامبر او که روز قیامت، آتش، سزای اوست. خداوند می فرماید: «هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره ای [تازه] برایشان می افزایم». 2. وفي الهداية الكبرى للخصيبي: مسند ابن حنبل \_ به نقل از خوله دختر قیس، همسر حمزة بن عبد المطلب \_ پیامبر خدا بر حمزه وارد شد و میان آن دو از دنیا سخن به میان آمد. پیامبر خدا فرمود: «دنیا، جَدَاب و شیرین است. پس هر که آن را به حق برگیرد، در آن به او برکت داده شود و ای بسا تصرف کننده در مال خدا و مال پیامبر او که آن روز که خدا را دیدار کند، آتش در انتظار او باشد. 3. وفي التوحيد قال الصدوق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیا را از راه حلال طلب کند، برای این که دست خواهش و نیاز به سوی کسی دراز نکند و خانواده اش را تأمین کند و به همسایه اش

محبتی نماید، با چهره ای چون ماه شب چهارده، خدا را دیدار کند و هرکه دنیا را از راه حلال بطلبد، برای آن که با ثروتش بر دیگران بنازد و آن را به رُخ بکشد، در حالی خداوند را دیدار کند که خدا از او در خشم است.

1- . یعنی به اندازه نیاز و از راه حلال.

2- . یعنی برخلاف رضای خدا در آن دخل و تصرف کند.



4. وفي معاني الأخبار قال: الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الرِّزْقَ فِي الدُّنْيَا اسْتَعْفَافًا عَنِ النَّاسِ ، وَتَوَسَّعًا عَلَى أَهْلِهِ ، وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ . (1) راجع : ص 352 (التحذير من الاغترار بالدنيا / الدنيا خضرة حلوة) .

---

1- .الكافي : ج 5 ص 78 ح 5 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 324 ح 890 وفيه «سعيًا» بدل «توسيعًا» وكلاهما عن أبي حمزة ، ثواب الأعمال : ص 215 ح 1 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام ، مسند زيد : ص 255 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 103 ص 8 ح 31 .

امام باقر علیه السلام: هرکس در دنیا به دنبال روزی رود تا دست نیاز سوی مردم دراز نکند و خانواده اش را در آسایش قرار دهد و به همسایه اش کمک کند، روز قیامت، با صورتی چون ماه شب چهارده، خداوند را دیدار می کند. ر. ک: ص 353 (برحذر داشتن از فریفته شدن به دنیا/ دنیاخوش و شیرین است).

الفصل الثالث : ما يُنال به خير الدنيا والآخرة 3 / 1 الحكمة الكتاب «يُوتى الحكمة من يشاء ومن يُوت الحكمة فقد أُوتى خيراً كثيراً وما يدكر إلا أولوا الألباب». (1)

الحديث 2. وما جاء في رجال الكشي: لقمان عليه السلام \_ في وصيته لولده \_ يا بني تعلم الحكمة تشرف بها . . . وكيف يظن ابن آدم أن يتهبأ له أمر دينه ومعيشته بغير حكمة؟ ولن يهيئ الله أمر الدنيا والآخرة إلا بالحكمة، ومثل الحكمة بغير طاعة مثل الجسد بغير نفس ومثل الصعيد بغير ماء، ولا صلاح للجسد بغير نفس ولا للصعيد بغير ماء ولا للحكمة بغير طاعة. (2).

1- البقرة: 269.

2- أعلام الدين: ص 327، كنز الفوائد: ج 2 ص 66 و ص 67، بحار الأنوار: ج 1 ص 219 ح 51.

## فصل سوم : عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت

### 3 / 1 حکمت

فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت 3 / 1 حکمتقرآن «حکمت را [خداوند] به هرکه بخواهد، می دهد، و به هرکه حکمت داده شود، هر آینه، خیر فراوان داده شده است؛ و پند نمی گیرند، مگر خردمندان».

حدیث 1.. ما جاء قي الاختصاص: لقمان عليه السلام \_ در سفارش به فرزندش \_ :فرزندم! حکمت بیاموز تا بدان، شرافت یابی... آدمی چگونه گمان می برد که بدون حکمت، کار دین و معیشتش سامان می پذیرد؟ خداوند هرگز کار دنیا و آخرت را سامان نمی دهد، مگر با حکمت، و حکایت حکمت بی طاعت [خداوند]، حکایت جسم بی جان و حکایت زمین بی آب است. نه جسم بدون جان به کار می آید، نه زمین بدون آب، و نه حکمت بدون طاعت.

3 / 2 إشاراً الآخرة. وفيه أيضاً: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الآخِرَةِ حُرِّمَهُمَا جَمِيعًا، وَمَنْ آثَرَ الآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا أَصَابَهُمَا جَمِيعًا. (1)3. وفي تفسير العياشي: الإمام علي عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دُنْيَاكَ تَبَعًا لِدِينِكَ، أَحْرَزْتَ دِينَكَ وَدُنْيَاكَ، وَكُنْتَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْفَائِزِينَ. (2)1.. ما جاء في كامل الزيارات: الإمام زين العابدين عليه السلام: كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا سَيِّدِي أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ . فَكَتَبَ إِلَيْهِ :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاةَ اللَّهِ أُمُورَ النَّاسِ ، وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ . وَالسَّلَامُ . (3)2. وفي عيون أخبار الرضا عليه السلام قال الصدوق: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الآخِرَةِ نَصِيبٌ ، وَمَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الآخِرَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ . (4)راجع : ج 2 ص 316 (آثار الاهتمام بالآخرة) و346 (بركات عمارة الآخرة) .

1- الفردوس : ج 3 ص 586 ح 5835 عن أبي هريرة .

2- غرر الحكم : ح 3751 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 161 ح 3444 .

3- الأمالي للصدوق : ص 268 ح 293 عن يحيى بن أبي القاسم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، الاختصاص : ص 225 عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، روضة الواعظين : ص 485 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 208 ح 17 .

4- الكافي : ج 1 ص 46 ح 2 ، منية المرید : ص 138 ، مشكاة الأنوار : ص 245 ح 714 كلّها عن أبي خديجة ، بحار الأنوار : ج 2 ص 158 ح 2 .

**3 / 2 ترجیح دادن آخرت**

3 / 2 ترجیح دادن آخرت 1.. ماجاء في تاريخ مدينة دمشق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرکس دنیا را بر آخرت ترجیح دهد ، از هر دوی آنها محروم می شود و هرکس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد ، به هر دوی آنها دست یابد. 2. وفي الموضوعات لابن الجوزي ، قال: امام علی علیه السلام: اگر دنیایت را تابع دینت قرار دهی ، دین و دنیایت را به دست می آوری و در آخرت از کامیابان خواهی بود. 1.. ماجاء في الكافي: امام زين العابدين علیه السلام: مردی به پدرم حسین بن علی علیهما السلام نوشت: «سرورم! مرا از خیر دنیا و آخرت ، خبر ده».

به او نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. بدان که هر کس خشنودی خدا را بر ناخشنودی مردم برگزیند ، خدا او را از مردم ، بی نیاز می گرداند و هرکه خشنودی مردم را با ناخشنودی خدا بجوید ، خداوند ، او را به مردم وا می گذارد. بدرود!» 2. وفي بصائر الدرجات قال: امام صادق علیه السلام: هرکه حدیث را برای سود دنیا بخواهد [و فرا گیرد] ، در آخرت ، او را بهره ای نیست و هرکه با آن خیر آخرت را بخواهد ، خدا ، خیر دنیا و آخرت را به او عطا می کند. ر. ک: ج 2 ص 317 (آثار اہمیت دادن به آخرت)

و 347 (برکات آباد کردن آخرت).

3 / 3 الصّدق 1.. ما جاء في المحاسن: الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: نروي أن رجلاً أتى سيّدنا رسول الله صلى الله عليه و آله فقال: يا رسول الله علّمني خُلُقًا يَجْمَعُ لي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

فَقَالَ: لا تَكْذِبَ .

قَالَ الرَّجُلُ: وَكُنْتُ عَلَى حَالَةٍ يَكْرَهُهَا اللَّهُ فَتَرَكْتُهَا خَوْفًا مِنْ أَنْ يَسْأَلَنِي سَائِلٌ عَنْهَا عَمِلْتَ كَذَا وَكَذَا، فَأَفْتَضِحَ أَوْ أَكْذِبَ، فَأَكُونُ قَدْ خَالَفْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيمَا حَمَلَنِي عَلَيْهِ . (1) 2. وفي ثواب الأعمال: تحف العقول \_ في ذِكْرِ حِكْمِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ سَأَلَهُ رَجُلٌ أَنْ يُعَلِّمَهُ مَا يَنَالُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلا يُطَوَّلَ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

لا تَكْذِبَ . (2) 3 / 4 حُسْنُ الْخُلُقِ 1.. ما جاء في الهداية الكبرى: رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (3) .

1- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص 354، معدن الجواهر: ص 21 نحوه .

2- تحف العقول: ص 359، بحار الأنوار: ج 78 ص 241 ح 27 .

3- ثواب الأعمال: ص 215 ح 1 عن موسى بن إبراهيم رفعه، الأمالي للصدوق: ص 588 ح 811 عن موسى بن إبراهيم عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عن أمّ سلمة عنه صلى الله عليه و آله، الخصال: ص 42 ح 34 عن الحسن عن أبيه بإسناده رفعه إليه صلى الله عليه و آله، مشكاة الأنوار: ص 393 ح 1296، بحار الأنوار: ج 71 ص 384 ح 23؛ المعجم الكبير: ج 23 ص 222 ح 411، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 365 ح 1212 كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 16 ص 485 ح 45581 .

### 3 / 3 راستگویی

### 3 / 4 خوش خویی

3 / 3 راستگوییالفرقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: روایت می کنم که مردی خدمت سرورمان پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا اخلاقی بیاموز که خیر دنیا و آخرت مرا در خود داشته باشد.

فرمود: «دروغ مگو».

آن مرد گفت: من در وضعیتی خداناپسند قرار گرفتم، ولی مرتکب آن نشدم؛ چون ترسیدم که کسی از من بپرسد چنین و چنان کردی؟ و من [یا باید راستش را بگویم و] رسوا شوم و یا دروغ بگویم که در این صورت، با توصیه پیامبر خدا به من مخالفت کرده باشم. تحف العقول \_ در بیان حکمت های امام صادق علیه السلام \_ مردی از امام علیه السلام تقاضا کرد به او چیزی بیاموزد که با آن به خیر دنیا و آخرت، دست یابد، و مختصر هم باشد. امام علیه السلام فرمود: «هیچ گاه دروغ مگو». 3 / 4 خوش خوییپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوش خویی، خیر دنیا و آخرت را به ارمغان می آورد.



3 / 15 استغفار الكتاب: «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمַغِّعْكُمْ مَتَعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ». (1)

(ويَقُومُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ». (2)

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا».

(3)

الحديث: 2. وفي تفسير القمي: الزهد عن أبي الجلد: إن داود النبي عليه السلام أمر مُنَادِيَا فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً، فَخَرَجَ النَّاسُ وَهُمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ سَيَكُونُ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ مَوْعِظَةٌ وَتَأْدِيبٌ وَدُعَاءٌ، فَلَمَّا وَافَى مَكَانَهُ قَالَ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا» وَانصَرَفَ.

فَاسْتَقْبَلَ آخِرُ النَّاسِ أَوَائِلَهُمْ، قَالَوا: مَا لَكُمْ؟ قَالَوا: إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا دَعَا بِدَعْوَةٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ انصَرَفَ، قَالَوا: سُبْحَانَ اللَّهِ، كُنَّا نَرْجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا الْيَوْمُ يَوْمَ عِبَادَةِ وَدُعَاءٍ وَمَوْعِظَةٍ وَتَأْدِيبٍ، فَمَا دَعَا إِلَّا بِدَعْوَةٍ وَاحِدَةٍ!

قَالوا: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ أبلغ عَنِّي قَوْمَكَ فَإِنَّهُمْ قَدْ اسْتَقَلُّوا دُعَاءَكَ، إِنِّي مَنْ اغْفِرَ لَهُ أَصْلِحَ لَهُ أَمْرَ آخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ. (4) راجع: التنمية الاقتصادية في الكتاب والسنّة: القسم الثالث / الفصل الرابع / الاستغفار.

1- هود: 3.

2- هود: 52.

3- نوح: 10\_12.

4- الزهد لابن حنبل: ص 92، حلية الأولياء: ج 6 ص 57، الدر المنثور: ج 7 ص 172.

## 3 / 5 آموزش خواهی

3 / 5 آموزش خواهیقرآن» از پروردگارتان آموزش بخواهید و به درگاه او توبه کنید . شما را از بهره ای نیکو، تا سررسیدی معین، برخوردار می کند و فزون هر فزونمندی را به وی می دهد» .

«[هود به قوم خود گفت:] ای قوم من! از پروردگارتان آموزش بخواهید و به درگاه او توبه کنید ، تا باران پیوسته تیزبار بر شما بفرستد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید، و چون بزهکاران ، پشت مکنید» .

«[نوح گفت:] پس گفتم: از پروردگارتان آموزش بخواهید که او آمرزگار است ، تا باران پیوسته تیزبار بر شما بفرستد و شما را با دارایی ها و فرزندان ، یاری دهد و برای شما باغ ها پدید آورد و رودها برایتان قرار دهد» .

حدیث 1.. عن علي بن محمد بن جعفر بن عبسة ، عنه ، عن الإلهد \_ به نقل از ابو جلد \_ : داوود پیامبر ، به جارچی فرمود و او فریاد : «جمع شوید» سر داد . مردم ، بیرون آمدند و فکر می کردند که امروز ، داوود علیه السلام به اندرز و موعظت و دعا خواهد پرداخت ؛ اما چون به جایگاهش آمد، گفت: «بار خدایا! ما را بیامرز» و رفت .

افراد آخر جمعیت ، از آنان که جلو بودند [و بر می گشتند] پرسیدند: چه خبر؟

گفتند: پیامبر خدا فقط يك دعا کرد و برگشت!

گفتند: سبحان الله ! ما انتظار داشتیم که امروز ، روز عبادت و دعا و اندرز و موعظت باشد ؛ اما او فقط يك جمله دعا کرد!

گفتند: خداوند به او وحی کرد که : از طرف من به مردم بگو آنان ، دعای تو را اندک شمردند، در صورتی که من ، هرکس را بیامرزم ، کار آخرت و دنیايش را اصلاح می کنم. ر. ك : توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش سوم / فصل چهارم / آموزش خواستن .

3 / 6 القراءة. وفي دلائل الإمامة للطبري: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا يَدْعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»؛ فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جُمِعَ لَهُ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَغُفِرَ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَمَا وُلِدَا. (1) الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام: مَنْ قَرَأَ سُورَةَ «وَ الطُّورِ»، جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (2) 3 / 7 الذِّكْرُ رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (3) 1. جاء في التوحيد للشيخ الصدوق: عنه صلى الله عليه وآله: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، مَنْ قَالَهَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ (4)، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (5) 2. وفي المحاسن: عنه صلى الله عليه وآله \_ لِلْحَسَنِ بْنِ أَبِي رَزِينٍ \_ : أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى مَلَائِكَةِ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي تُصِيبُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ عَلَيْكَ بِمَجَالِسِ أَهْلِ الذِّكْرِ، وَإِذَا حَلَوْتَ فَحَرِّكْ لِسَانَكَ مَا اسْتَطَعْتَ بِذِكْرِ اللَّهِ، وَأَحِبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغِضْ فِي اللَّهِ. (6).

- 1- .جامع الأخبار : ص 123 ح 230 ، الكافي : ج 2 ص 622 ح 11 ، ثواب الأعمال : ص 156 ح 4 كلاهما عن أبي بكر الحضرمي عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما زيادة «اللَّهُ» بعد «جمع»، بحار الأنوار : ج 92 ص 345 ح 4.
- 2- .ثواب الأعمال : ص 143 ح 1 عن محمد بن مسلم ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 185 ح 2492 عن الإمام الصادق عليه السلام ، مجمع البيان : ج 9 ص 245 عن محمد بن هشام عن الإمام الباقر عليه السلام .
- 3- .الكافي : ج 2 ص 499 ح 1 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير نور الثقلين : ج 4 ص 285 ح 147 .
- 4- .في المصدر : «عليه» بدل «إليه»، والتصويب من الفردوس .
- 5- .معجم السفر : ص 184 ح 587 ، الفردوس : ج 5 ص 10 ح 7285 كلاهما عن أبي بكر .
- 6- .حلية الأولياء : ج 1 ص 367 ، تاريخ دمشق : ج 13 ص 317 ح 3285 وفيه «بمجالسة» بدل «بمجالس»، كنز العمال : ج 5 ص 837 ح 43329 .

**3 / 6 قرائت سوره توحيد و طور****3 / 7 ذکر گفتن**

3 / 24 قرائت قرآنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که به خدا و آخرت ایمان دارد، نباید خواندن «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را در تعقیب نماز واجب، ترك کند؛ زیرا هرکس آن را بخواند، به خیر دنیا و آخرت دست می یابد، و خودش و پدر و مادرش و فرزندانش آمرزیده می شوند. 1. \_ جاء في الكافي: امام باقر و امام صادق عليهما السلام: هرکس سوره «والطور» را بخواند، خداوند، خیر دنیا و آخرت را برایش گرد می آورد. 3 / 25 ذکر گفتنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هرکس زبانی ذاکر داده شود، خیر دنیا و آخرت بدو داده شده است. 1. \_ قال ابن عدّي الجرجاني: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «لا حول ولا قوة إلا بالله»، گنجی از گنج های بهشت است. هرکس آن را بگوید، خدا بر او می نگرَد و هرکس که خدا بر او بنگرد، خیر دنیا و آخرت را به او داده است. 2. وروی ابن عدّي الجرجاني رواية أُخرى من موضوعاته، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ به حسن بن ابی رزین \_ : آیا تو را بر اساس این امر که با آن به خیر دنیا و آخرت بررسی، راهنمایی کنم؟ بر تو باد مجلس های اهل ذکر؛

و هرگاه خلوت کردی، تا می توانی زبانت را به ذکر خدا حرکت بده و برای خدا دوست بدار و برای خدا دشمنی بوزر.

3 / 8 الرِّفْقُ رسول الله صلى الله عليه وآله: أما إنَّه من أُعطيَ حَظَّهُ من الرِّفْقِ فَقَد أُعطيَ حَظَّهُ من خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمَنْ حُرِمَ حَظَّهُ من الرِّفْقِ فَقَد حُرِمَ حَظَّهُ من خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (1) 1. \_ جاء في كامل الزيارات: الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أُعطيَ الحُلُقَ والرِّفْقَ فَقَد أُعطيَ الحَيْرَ كُلَّهُ والرَّاحَةَ ، وَحَسُنَ حالُهُ في دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ ، وَمَنْ حُرِمَ الرِّفْقَ والحُلُقَ كانَ ذلكَ لَهُ سَبيلًا إلى كُلِّ شَرٍّ وبَلِيَّةٍ إلاَّ مَنْ عَصَمَهُ اللهُ تَعَالَى . (2) 3 / 9 الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وآلِهِ 2. وجاء في كتاب من لا يحضره الفقيه للشيخ الصدوق: الإمام علي عليه السلام: إذا كانت لك إلى الله سبحانه حاجة فابدأ بمسألة الصلاة على رسوله صلى الله عليه وآله ، ثم سل حاجتك ؛ فإنَّ الله أكرم من أن يُسألَ حاجتين فيَقْضِي إحداهما وَيَمْنَعُ الأخرى . (3) .

- 
- 1- .مسند أبي يعلى : ج 4 ص 304 ح 4513 ، حلية الأولياء : ج 9 ص 159 كلاهما عن عائشة وراجع مسند ابن حنبل : ج 9 ص 504 ح 24314 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 274 ح 445 و شرح نهج البلاغة : 6 ص 339 ؛ الجعفریات : ص 149 نحوه .
- 2- .حلية الأولياء : ج 3 ص 186 ، البداية والنهاية : ج 9 ص 311 ؛ كشف الغمّة : ج 2 ص 345 كلها عن عبد الله بن المبارك ، بحار الأنوار : ج 78 ص 186 ح 23 .
- 3- .نهج البلاغة : الحكمة 361 ، نزهة الناظر : ص 48 ح 17 ، الدعوات : ص 22 ح 26 ، روضة الواعظين : ص 354 وفيهما «على النبي وآله» بدل «على رسوله» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 313 ح 18 .

**3 / 8 مدارا و ملایمت****3 / 9 درود فرستادن بر پیامبر**

3 / 26 مدارا و ملایمت 5. وما رواه الكليني: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که به هرکس بهره اش از مدارا داده شود، بهره اش از خیر دنیا و آخرت، داده شده است و هرکس از بهره اش از مدارا محروم شود، از بهره اش از خیر دنیا و آخرت، محروم شده است. 1. قال الشيخ الصدوق في الخصال: امام باقر علیه السلام: به هرکس خوش خویی و مدارا داده شود، تمام خیر و آسایش به او داده شده است و در دنیا و آخرت، حال و روزش خوش باشد و هرکس از مدارا و خوش خویی محروم گردد، این برای او راهی به سوی هر بدی و بلائی باشد، مگر کسی که خدای متعال نگاهش بدارد. 3 / 27 درود فرستادن بر پیامبر امام علی علیه السلام: هرگاه از خدای سبحان حاجتی داری، ابتدا درخواست درود فرستادن بر پیامبرش را بکن، سپس حاجتت را بنخواه؛ زیرا خداوند، کریم تر از آن است که دو حاجت از او خواسته شود و یکی را برآورد و دیگری را برنیآورد.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ» مِئَةَ مَرَّةٍ، فَضِيَّتْ لَهُ مِئَةُ حَاجَةٍ؛ ثَلَاثُونَ لِلدُّنْيَا وَالْبَاقِي لِلْآخِرَةِ. (1)1. من رواياته: الكافي عن مُرَازِمٍ عَنِ الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي جَعَلْتُ ثُلُثَ صَلَوَاتِي لَكَ! فَقَالَ لَهُ خَيْرًا، فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي جَعَلْتُ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ! فَقَالَ لَهُ: ذَلِكَ أَفْضَلُ، فَقَالَ: إِنِّي جَعَلْتُ كُلَّ صَلَوَاتِي لَكَ! فَقَالَ: إِذَا يَكْفِيكَ اللَّهُ مَا أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَصَلَحَكَ اللَّهُ، كَيْفَ يَجْعَلُ صَلَاتَهُ لَهُ؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْأَلُ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا بَدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ. (2)3 / 10 خَصَلَتَانِ. وفي بصائر الدرجات قال الصفار: رسول الله صلى الله عليه وآله: خَصَلَتَانِ مَنْ رَزَقَهُمَا قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: مَنْ إِذَا ابْتَلِيَ صَبَرَ، وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ. (3)3. وفي الكافي: الإمام علي عليه السلام: مَا أُعْطِيَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ الْعَبْدَ شَيْئًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ خُلُقِهِ وَحُسْنِ نِيَّتِهِ. (4)4. وفيه أيضا: عنه عليه السلام: جُمِعَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السَّرِّ وَمُصَادَقَةِ الْأَخْيَارِ، وَجُمِعَ الشَّرُّ فِي الإِذَاعَةِ وَمُؤَاخَاةِ الْأَشْرَارِ. (5)5.

- 
- 1- الكافي: ج 2 ص 493 ح 9، ثواب الأعمال: ص 190 كلاهما عن معاوية بن عمّار.
  - 2- الكافي: ج 2 ص 493 ح 12، ثواب الأعمال: ص 188 ح 1 نحوه، بحار الأنوار: ج 94 ص 60 ح 42 وراجع الكافي: ج 2 ص 491 ح 3 و 4.
  - 3- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 247.
  - 4- غرر الحكم: ح 9670، عيون الحكم والمواعظ: ص 483 ح 8915.
  - 5- الاختصاص: ص 218، بحار الأنوار: ج 74 ص 178 ح 17.

## 3 / 10 دو خصلت

5. وفي الخصال قال الصدوق: امام صادق عليه السلام: هرکس صد مرتبه بگوید: «پروردگارا! بر محمد و آل محمد، درود فرست»، صد حاجت او برآورده شود، سی تا برای دنیا و بقیه برای آخرت. 6. وقال في علل الشرائع: الكافي \_ به نقل از مُرازم \_ : امام صادق عليه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من ، يك سوم دعاهاى خود را برای تو قرار دادم .

حضرت فرمود: «خوب است».

دوباره گفت: ای پیامبر خدا! من ، نیمی از دعاهایم را برای تو قرار دادم .

فرمود: «این بهتر ، است».

باز گفت: من ، همه دعاهایم را به تو اختصاص دادم .

پیامبر فرمود صلی الله علیه و آله : «در این صورت ، خداوند خواسته های دنیا و آخرت را برآورده می سازد».

مردی به امام صادق علیه السلام گفت: خداوند ، کارهایت را به سامان کند! چگونه می شود کسی دعایش را برای پیامبر خدا قرار دهد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «چیزی از خداوند درخواست نکنند ، مگر این که با درود فرستادن بر محمد و خاندان او آغاز کند». 3 / 28 دو خصلت 1 \_ جاء في الكافي: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دو خصلت اند که روزی هرکس شوند ، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است: کسی که هرگاه گرفتار شود ، شکیبایی ورزد و هرگاه برخوردار شود ، سپاس گزاری کند. 2. وفيه أيضاً: امام علی علیه السلام : خداوند سبحان ، چیزی از خیر دنیا و آخرت به بنده نداد ، مگر به سبب حُسن خُلق او و حُسن نیتش. 1 \_ جاء في الكافي: امام علی علیه السلام : خیر دنیا و آخرت ، در رازداری و دوستی با خوبان گرد آمده است ، و بدی در افشای راز و دوستی با بدان ، جمع شده است .



2. وفي تهذيب الأحكام: عنه عليه السلام: الخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ: الشُّكْرُ مَعَ النَّعْمَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ (1). (2)1. في البصائر: عنه عليه السلام \_ فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَاصِلَتَيْنِ: الْغِنَى، وَالتَّقَى. (3)3 / 11 ثلاث خصالٍ 2. في الكافي: رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاث خصال يدرك بها خير الدنيا والآخرة: الشكر عند النعماء، والصبر عند الضراء، والدعاء عند البلاء. (4)3. وفي البصائر للصفار قال: عنه صلى الله عليه وآله: ثلاث يدرك بهن العبد رغائب الدنيا والآخرة: الصبر على البلاء، والرضا بالقضاء، والدعاء في الرخاء. (5)4. وفي الكافي للكليني: عنه صلى الله عليه وآله: في وصيته لعلي عليه السلام \_ : يا علي، ثلاث ثوابهن في الدنيا والآخرة: الحج ينفي الفقر، والصدقة تدفع البلية، وصلة الرحم تزيد في العمر. (6)1. جاء في الكافي: الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثة من نال من الدنيا والآخرة بغيره: من اعتصم بالله، ورضي بقضاء الله، وأحسن الظن بالله. (7).

1- النازلة: المصيبة الشديدة (المصباح المنير: ص 601 «نزل»).

2- تحف العقول: ص 234، بحار الأنوار: ج 78 ص 106 ح 7؛ دستور معالم الحكم: ص 26.

3- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 301 ح 446.

4- إرشاد القلوب: ص 149.

5- كنز العمال: ج 15 ص 808 ح 43211 نقلاً عن أبي الشيخ عن عمران بن حصين، الجامع الصغير: ج 1 ص 538 ح 3489.

6- تحف العقول: ص 7، الدعوات: ص 127 ح 314 عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه «الدنيا» وفيه «البر» بدل «صلة الرحم»، بحار الأنوار: ج 77 ص 62 ح 4.

7- تحف العقول: ص 316، بحار الأنوار: ج 78 ص 229 ح 107.

2. وفي كامل الزيارات: امام علي عليه السلام: خیری که شری در آن نیست: سپاس گزاری بر نعمت است، و شکیبایی در گرفتاری و مصیبت. 3. وفي المحاسن \_ في فضل أكل الرمان \_ امام علي عليه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : خیر دنیا و آخرت ، در دو چیز است: توانگری و پرهیزگاری. 3 / 29 سه خصلت 1. \_ جاء في كتاب البصائر قال الصّفّار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه خصلت است که با آنها خیر دنیا و آخرت به دست می آید: سپاس گزاری در هنگام نعمت و برخورداری، شکیبایی در هنگام سختی، و دعا در هنگام بلا و گرفتاری. 1. \_ جاء في الموضوعات لابن الجوزي قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که بنده به واسطه آنها به خواسته های دنیا و آخرت می رسد: صبر بر بلا، راضی بودن به قضا [ای الهی] ، و دعا در هنگام آسایش و رفاه. 2. وفي تذكرة الموضوعات للفتني: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در سفارش به علی علیه السلام \_ : ای علی! سه چیز است که پاداش آنها در دنیا و آخرت است: حج ، فقر را می زدايد ؛ صدقه ، بلا را دور می کند ؛ و صله رَجَم ، عمر را می افزاید. 3. وفي موضع آخر منه: امام صادق علیه السلام: سه چیز است که هرکس به آنها چنگ زند ، در دنیا و آخرت به آرزوی خود برسد: آن که به خدا متمسک شود ؛ و به قضای خدا رضایت دهد ؛ و به خدا حسن ظن داشته باشد.

4. وفي المحاسن: مصباح الشريعة \_ فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام \_ ثلاثة أشياء في كلِّ زمانٍ عزيزةٌ، وهي: الإخاء في الله، والزوجة الصالحة الأليفة في دين الله، والولد الرشيد. ومن أصاب إحدى الثلاثة، فقد أصاب خير الدارين والحظ الأوفر من الدنيا. (1) 3 / 12 أربع خصالٍ 1. \_ جاء في تفسير القمي: رسول الله صلى الله عليه وآله: أربع من أعطيهنَّ أعطي خير الدنيا والآخرة: قلباً شاكراً، ولساناً ذاكراً، وبدناً على البلاء صابراً، وزوجةً لا تبغيه خوفاً في نفسه ولا ماله. (2) 2. وفي عيون الأخبار والخصال قال الصدوق: عنه صلى الله عليه وآله: قال الله: إذا أردت أن أجمع للمسلم خير الدنيا والآخرة جعلت له قلباً خاشعاً، ولساناً ذاكراً، وجسداً على البلاء صابراً، وزوجةً مؤمنةً تسره إذا نظر إليها وتحفظه إذا غاب عنها في نفسها وماله. (3) الإمام علي عليه السلام: أربع من أعطيهنَّ فقد أعطي خير الدنيا والآخرة: صدق حديث، وأداء أمانة، وعفة بطن، وحسن خلق. (4).

1- .مصباح الشريعة: ص 307، بحار الأنوار: ج 74 ص 282 ح 3.

2- .المعجم الكبير: ج 11 ص 109 ح 11275، شعب الإيمان: ج 4 ص 104 ح 4429، حلية الأولياء: ج 3 ص 65 وفيه «لا تتبعه» بدل «لا تبغيه»، الشكر لابن أبي الدنيا: ص 28 ح 34 كلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 15 ص 858 ح 43416؛ الجعفریات: ص 230 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «صالحة» بدل «لا تبغيه...»، تاريخ اليعقوبي: ج 2 ص 90، مشكاة الأنوار: ص 481 ح 1600 عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 145 ح 30.

3- .الكافي: ج 5 ص 327 ح 2 عن بريد بن معاوية العجلي عن الإمام الباقر عليه السلام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 194 ح 705 عن الإمام الباقر عليه السلام.

4- .غرر الحكم: ح 2142، عيون الحكم والمواعظ: ص 74 ح 1807.

**3 / 12 چهار خصلت**

مصباح الشريعة \_ در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است \_ سه چیز است که در هر زمانی کمیاب است: برادری برای خدا ؛ زن شایسته و یار و همراه در دینداری ؛ و فرزند سر به راه . هرکس به یکی از این سه چیز برسد ، به خیر هر دو سرا و به بیشترین سهم از دنیا رسیده است. 3 / 30 چهار خصلت 2. وفي علل الشرائع قال الصدوق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار چیز است که به هرکس داده شود ، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: دلی شاکر ؛ زبانی ذاکر ؛ بدنی بر رنج و بلا ، صابر ؛ و همسری که به شوهرش و اموال او خیانت نکند. 3. وفي البصائر قال الصفار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند فرمود: «هرگاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی گرد آورم، دلی خاشع، زبانی ذاکر، بدنی بر رنج و بلا صابر ، و همسر باایمانی که هرگاه به او نگاه کند ، شاد شود و در غیاب شوهر ، خود و مال شوهر را حفظ کند ، به او می دهم». امام علی علیه السلام : چهار چیز است که به هر کس داده شود خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: راستگویی، امانتداری، حلال خواری، و خوش خویی.

عنه عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ فِي الدُّنْيَا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَارَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا: وَرَعَّ يَعْصِمُهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ، وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ، وَرُوحَانَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (1)1. جاء في الكافي: الإمام الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ وَهُوَ عَلَى مَنبَرِهِ:

وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ، وَرَجَائِهِ لَهُ، وَحُسْنِ خُلُقِهِ، وَالْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ. (2)2. وفي التوحيد قال الصدوق: عدّة الداعي: رُويَ عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: وَاللَّهِ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ، وَرَجَائِهِ لَهُ، وَحُسْنِ خُلُقِهِ، وَالْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ، وَاللَّهِ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ عَبْدًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ وَتَقْصِيرِهِ فِي رَجَائِهِ لِلَّهِ وَسُوءِ خُلُقِهِ وَاغْتِيَابِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَيْسَ يَحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّهِ، لِإِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي أَنْ يُخْلِفَ ظَنَّ عَبْدِهِ وَرَجَاءَهُ، فَأَحْسِنُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «الظَّنُّ اثْنَيْنِ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (3). (4).

- 1- الأُمالي للطوسي: ص 577 ح 1190 عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عن الإمام عليّ عليهما السلام، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 71 عن نوف بن عبد الله البكالي وليس فيه «في الدنيا»، بحار الأنوار: ج 69 ص 404 ح 106.
- 2- الكافي: ج 2 ص 71 ح 2 عن بريد بن معاوية، الاختصاص: ص 227 وليس فيه «ورجائه له وحسن خلقه»، عدّة الداعي: ص 135 عن الإمام الكاظم عليه السلام وليس فيه صدره، مشكاة الأنوار: ص 77 ح 147، بحار الأنوار: ج 6 ص 28 ح 29.
- 3- الفتح: 6.
- 4- عدّة الداعي: ص 135، إرشاد القلوب: ص 109 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 6 ص 28 ح 29.

1. \_ جاء في علل الشرائع: امام علي عليه السلام: به هرکس در دنیا چهار خصلت داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و به بهره خود از هر دو رسیده است: پارسایی ای که او را از حرام های خدا نگه دارد؛ خوش خویی ای که با آن در میان مردم زندگی کند؛ بردباری ای که با آن، نادانی و جسارت نادان را دفع کند؛ و همسر شایسته ای که او را در کار دنیا و آخرت، کمک کند. 2. و فیالاستبصار: امام باقر علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام دیدیم که پیامبر صلی الله علیه و آله روی منبر فرمود: «سوگند به آن که معبودی جز او نیست، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد، مگر به سبب خوش گمانی اش به خدا و امیدش به او، و خوش خویی اش، و خودداری از غیبت کردن از مؤمنان. 3. وفيه أيضاً: عمدة الداعی: از عالم (امام کاظم) علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به خدا سوگند، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد، مگر به واسطه خوش گمانی اش به خداوند و امیدواری اش به او، و خوش خویی اش، و خودداری از غیبت کردن از مؤمنان. خدای متعال، هیچ بنده ای را پس از توبه و استغفار، عذاب نمی کند، مگر به سبب بدگمانی اش به خدا، کوتاهی اش در امید داشتن به خدا، بد اخلاقی اش، و غیبت کردنش از مؤمنان. هیچ بنده مؤمنی نیست که به خداوند گمان نیک ببرد، مگر آن که خدا با او مطابق گمانش رفتار کند؛ زیرا خداوند، بزرگوar است و شرم می کند از این که خلاف گمان و امید بنده اش عمل کند. پس، به خدا گمان نیک ببرید و به درگاهش دعا و تضرع کنید؛ چه، خداوند متعال می فرماید: «آنان که به خدا گمان بد ببرند، بر گردشان بدی حلقه زند، و خدا بر آنان خشم گرفته است» . . .

3 / 13 سِتُّ خِصَالٍ 1. في البصائر قال الصَّفَّار: الإمام عليّ عليه السلام: جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: عَلَّمَنِي عَمَلًا يُحِبُّنِي اللهُ عَلَيْهِ، وَيُحِبُّنِي المَخْلُوقُونَ، وَيُثْرِي اللهُ مَالِي، وَيُصِحِّحُ بَدَنِي، وَيُطِيلُ عُمُرِي، وَيَحْشُرُنِي مَعَكَ.

فَقَالَ: هَذِهِ سِتُّ خِصَالٍ، تَحْتَاجُ إِلَى سِتِّ خِصَالٍ؛ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللهُ فَخَفِّهْ وَاتَّقِهِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ المَخْلُوقُونَ فَأَحْسِنْ إِلَيْهِمْ وَارْفُضْ مَا فِي أَيْدِيهِمْ (1)، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُثْرِيَ اللهُ مَالَكَ فَزَكِّهِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُصِحِّحَ بَدَنَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّدَقَةِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُطِيلَ اللهُ عُمُرَكَ فَصِلْ ذَوِي أَرْحَامِكَ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَحْشُرَكَ اللهُ مَعِيَ فَأَطِلِ السُّجُودَ بَيْنَ يَدَيِ اللهِ الوَاحِدِ القَهَّارِ. (2) 3 / 14 ثَمَانُ خِصَالٍ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ: طَلَبْتُ القَدَرَ وَالْمَنْزِلَةَ فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِالعِلْمِ؛ تَعَلَّمُوا يَعْظُمَ قَدْرُكُمْ فِي الدَّارَيْنِ.

وطلبتُ الكرامةَ فما وجدتُ إلا بالتَّقوى؛ اتَّقوا لِتَكْرُموا.

وطلبتُ الغنىَ فما وجدتُ إلا بالقناعةِ؛ عَلَيْكُمْ بِالقناعةِ تَسْتَغْنُوا.

وطلبتُ الراحةَ فما وجدتُ إلا بِتَرْكِ مُخالطةِ النَّاسِ إِلَّا لِقِوَامِ عَيْشِ الدُّنْيَا؛ اتْرُكُوا الدُّنْيَا وَمُخالطةِ النَّاسِ تَسْتَرِيحُوا فِي الدَّارَيْنِ وَتَأْمَنُوا مِنَ العذابِ.

وطلبتُ السَّلامَةَ فما وجدتُ إلا بِطاعةِ اللهِ؛ أَطِيعُوا اللهَ تَسَلَمُوا.

وطلبتُ الخُضُوعَ فما وجدتُ إلا بِقبولِ الحَقِّ؛ اقبُلُوا الحَقَّ فَإِنَّ قبولَ الحَقِّ يُبْعِدُ مِنَ الكِبَرِ.

وطلبتُ العيشَ فما وجدتُ إلا بِتَرْكِ الهَوَى؛ فَاتْرُكُوا الهَوَى لِيُطِيبَ عَيْشَكُمْ.

وطلبتُ المَدْحَ فما وجدتُ إلا بِالسَّخَاوَةِ؛ كُونُوا أَسْخِيَاءَ تَمْدَحُوا.

وطلبتُ نعيمَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ فما وجدتُ إلا بِهَذِهِ الخِصَالِ الَّتِي ذَكَرْتُهَا. (3).

1- في المصدر «يديهم» والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.

2- أعلام الدين: ص 268، بحار الأنوار: ج 85 ص 164 ح 12.

3- جامع الأخبار: ص 341 ح 950، بحار الأنوار: ج 69 ص 399 ح 91.

## 3 / 13 شش خصلت

## 3 / 14 هشت خصلت

3 / 31 شش خصلت 3. وفي التوحيد: امام علی علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: به من کاری بیاموز که خداوند، به سبب آن، مرا دوست بدارد و آفریدگان نیز دوستم بدارند، و خدا دارایی ام را افزون گرداند و تن درستم بدارد و عمرم را طولانی گرداند و مرا با تو محشور کند.

فرمود: «اینها [بی که گفتم] شش چیز است که به شش چیز، نیاز دارد: اگر می خواهی خدا تو را دوست بدارد، از او بترس و تقوا داشته باش. اگر می خواهی آفریدگان دوستت بدارند، به آنان نیکی کن و به آنچه دارند، چشم مدوز. اگر می خواهی خدا دارایی ات را افزونی بخشد، زکات آن را بپرداز. اگر می خواهی خدا بدنت را سالم بدارد، صدقه بسیار بده. اگر می خواهی خداوند عمرت را طولانی گرداند، به خویشاوندانت رسیدگی کن؛ و اگر می خواهی خداوند تو را با من محشور کند، در پیشگاه خدای یگانه قهار، سجده طولانی کن. 3 / 32 هشت خصلت 2. وفي ثواب الأعمال قال: امام علی علیه السلام: قدر و منزلت را جُستم و آن را جز به دانش نیافتم. [پس] دانش بیاموزید، تا قدر و منزلت شما در هر دو سرا بالا برود. ارجمندی را جُستم و آن را جز به تقوا نیافتم. [پس] تقوا پیشه کنید تا ارجمند شوید. توانگری را جُستم و آن را جز به فناعت نیافتم پس قانع باشید تا بی نیاز و توانگر شوید. آسایش را جُستم و آن را جز در ترك آمیزش با مردم، مگر در حد گذران

زندگی دنیا نیافتم. پس دنیا و آمیزش با مردم را ترك گوئید تا در دو جهان، آسوده شوید و از عذاب [ورنج] در امان باشید. سلامت را جُستم و آن را جز در اطاعت از خدا نیافتم. پس از خدا اطاعت کنید تا به سلامت مانید. فروتنی را جُستم و آن را جز در پذیرش حق نیافتم. پس حق را بپذیرید؛ زیرا که پذیرش حق [آدمی را] از تکبر دور می سازد. [لذت] [زندگی را جُستم و آن را جز در ترك هوس نیافتم. پس هوس را رها کنید تا زندگی شما خوش و گوارا شود. ستایش را جُستم و آن را جز در سخاوت نیافتم. پس سخاوتمند باشید تا ستوده شوید. آسایش و سعادت دنیا و آخرت را جُستم و آن را جز با [تحقق] این اموری که نام بردم، نیافتم.



راجع : ص 184 (الفصل الثالث : ما ينال به خير الدنيا والآخرة) ،

التممية الاقتصادية في الكتاب والسنة : القسم الثالث : مبادئ التتمية .

ر. ك: ص 185 (فصل سوّم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت)،

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش سوم: مبانی و اصول توسعه.

.

الفصل الرابع : أصناف الناس في نيل الدنيا والآخرة<sup>4</sup>. وفي كامل الزيارات قال ابن قولويه : رسول الله صلى الله عليه وآله : النَّاسُ أَرْبَعَةٌ . . . فَمُوسِعٌ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا مَقْتُورٌ عَلَيْهِ فِي الآخِرَةِ ، وَمَقْتُورٌ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا مُوسِعٌ عَلَيْهِ فِي الآخِرَةِ ، وَمَقْتُورٌ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمُوسِعٌ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (1)1. ما جاء في دلائل الإمامة : الإمام علي عليه السلام : الحَرْثُ (2) حَرْثَانِ : فَحَرْثُ الدُّنْيَا الْمَالُ وَالْبَنُونَ ، وَحَرْثُ الآخِرَةِ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ ، وَقَدْ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لِأَعْقَابِهِمْ . (3)2. وفي دلائل الإمامة أيضاً : عنه عليه السلام : إِنَّ الْمَالَ وَالْبَنِينَ حَرْثُ الدُّنْيَا ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الآخِرَةِ ، وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ لِأَعْقَابِهِمْ . (4).

1- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 484 ح 18922 ، صحيح ابن حبان : ج 14 ص 45 ح 6171 وزاد فيه «وشقي في الدنيا وشقي في الآخرة» ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 97 ح 2442 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 32 ح 4269 وفيهما «شقي في الدنيا والآخرة» بدل «مقتور عليه في الدنيا والآخرة» ، المعجم الكبير : ج 4 ص 207 ح 4155 كلَّها عن خريم بن فاتك ، كنز العمال : ج 6 ص 379 ح 16142 .

2- .الحَرْثُ : الكَسْبُ ؛ يقال : فلانٌ يَحْرُثُ لِعِيَالِهِ ويَحْتَرِثُ ؛ أي يكتسب (مجمع البحرين : ج 1 ص 381 «حَرْثٌ») .

3- .تاريخ دمشق : ج 42 ص 503 عن يحيى بن يعمر ، كنز العمال : ج 16 ص 207 ح 44231 .

4- .الكافي : ج 5 ص 57 ح 6 عن حسن ، نهج البلاغة : الخطبة 23 ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص 102 ، تحف العقول : ص 217 ، تفسير القمّي : ج 2 ص 274 ، قرب الإسناد : ص 39 ح 123 كلاهما عن بكر بن محمد الأزدي عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 63 ح 8 ؛ تاريخ دمشق : ج 42 ص 502 عن يحيى بن يعمر ، كنز العمال : ج 16 ص 192 ح 44216 نقلاً عن وكيع نحوه .

### فصل چهارم : گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت

فصل چهارم: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت 1. \_ ما جاء في المحاسن : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردم ، چهار دسته اند : ... آن که در دنیا در گشایش است و در آخرت در مضیقه ؛ آن که در دنیا در مضیقه است و در آخرت در گشایش ؛ آن که در دنیا و آخرت در مضیقه است ؛ و آن که در دنیا و آخرت در گشایش است. 2. وفي حديث آخر قال : امام علی علیه السلام : کشت ، دو گونه است : کشت دنیا ، مال و فرزند است ، و کشت آخرت ، باقیات صالحات (اعمال صالح) . گاه خداوند ، همه اینها را به عده ای می دهد. امام علی علیه السلام : مال و فرزند ، کشت دنیا است و کار نیک ، کشت آخرت . گاهی اوقات خداوند ، هر دو اینها را به عده ای می دهد.

عنه عليه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ: عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ، يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُفُهُ الْفَقْرَ، وَيَأْمَنُهُ عَلَى نَفْسِهِ، فَيُفْنِي عُمرَهُ فِي مَنَفَعَةٍ غَيْرِهِ. وَعَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ عَمَلٍ، فَأَحْرَزَ الْحَطَّيْنِ مَعًا وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا، فَأَصْبَحَ وَجِهَا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ. (1) الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سَيَجْمَعُ لَنَا وَلِشِيعَتِنَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ. (2) 1. جاء في الغيبة للنعماني والمقتضب قال: تهذيب الأحكام عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام: ما أعطى الله عبدا ثلاثين ألفا وهو يريد به خيرا.

وقال: ما جمع رجل قطب عشرة آلاف درهم من حل، وقد يجمعها لآءقوام؛ إذا أعطى القوت ورزق العمل فقد جمع الله له الدنيا والآخرة. (3) 2. وفي دلائل الإمامة: الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: ما أحسن الدين والدنيا إذا اجتمعا لا بارك الله في الدنيا بلا دين (4).

- 
- 1- نهج البلاغة: الحكمة 269، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص 98، أعلام الدين: ص 296 وليس فيهما من «فأحرز» إلى «جميعا» وفيهما «ملكا» بدل «وجيها»، غرر الحكم: ح 2139 وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج 73 ص 131 ح 135.
  - 2- الكافي: ج 1 ص 474 ح 4، الاختصاص: ص 269، دلائل الإمامة: ص 289 ح 238، بصائر الدرجات: ص 374 ح 1، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 737 ح 52 كلها عن يونس بن ظبيان والمفضل بن عمر وأبي سلمة السراج والحسين بن ثوير بن أبي فاختة، بحار الأنوار: ج 47 ص 87 ح 88.
  - 3- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 328 ح 907، التمهيص: ص 50 ح 87 عن إبراهيم بن عمر وفيه «لقوم» بدل «له»، مشكاة الأنوار: ص 474 ح 1584 نحوه، بحار الأنوار: ج 72 ص 66 ح 23.
  - 4- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص 592 الرقم 449.

امام علی علیه السلام: مردم در دنیا دو گونه عمل می کنند: یکی در دنیا برای دنیا کار می کند، به طوری که دنیایش او را از آخرتش باز داشته است، برای بازماندگانش از فقر می ترسد، اما به فقر خودش [در آخرت] نیست. از این رو، عمر خود را در راه منفعت دیگران صرف می کند و دیگری در دنیا برای بعد از دنیا کار می کند و از دنیا آنچه برای او مقدر است، بدون زحمت و تلاش به او می رسد. چنین کسی هر دو بهره را جمع کرده و هر دو سر را به دست آورده است و نزد خداوند با آبرو شده، به طوری که هر حاجتی از خدا بخواهد، به او بدهد. امام صادق علیه السلام: به زودی خداوند، دنیا و آخرت را به ما و شیعیان ما خواهد داد. 1. \_ جاء في كتاب الغيبة للنعماني: تهذيب الاحكام \_ به نقل از ابراهیم بن محمد \_ امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، به هیچ بنده ای سی هزار نداده است که با این کار، خیر او را خواسته باشد».

و فرمود: «هیچ مردی هرگز از راه حلال، ده هزار درهم جمع نکرده است. البته گاه خداوند، آن را به عده ای می دهد: هرگاه خوراکش داده و عمل روزی اش شود، در این صورت، خداوند، دنیا و آخرت را برایش جمع کرده است». 2. وقال النعماني: امام علی علیه السلام \_ در دیوان منسوب به ایشان \_ : چه نیکوست دین و دنیا، هرگاه با هم جمع شوند/ خداوند به دنیای بدون دین برکت نمی دهد .

3. وقال: عنه عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : رَبِّ فَتَى دُنْيَاهُ مَوْفُورَةٌ لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ وَأَخْرُ دُنْيَاهُ مَذْمُومَةٌ تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ وَأَخْرُ فَازَ بِكِلْتَيْهِمَا قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ وَأَخْرُ يُحْرَمُ كِلْتَيْهِمَا لَيْسَ لَهُ الدُّنْيَا وَلَا الْآخِرَةُ (1) عنه عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : أَرْبَعَةٌ فِي النَّاسِ مَيَّزَتْهُمْ أَحْوَالُهُمْ مَكْشُوفَةٌ ظَاهِرَةٌ فَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَقْبُوضَةٌ تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ وَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَحْمُودَةٌ لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ وَوَاحِدٌ فَازَ بِكِلْتَيْهِمَا قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ وَوَاحِدٌ مِنْ بَيْنِهِمْ ضَائِعٌ لَيْسَ لَهُ دُنْيَا وَلَا آخِرَةُ (2) .

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ص 272 الرقم 194 .

2- .الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ص 272 الرقم 195 .

امام علی علیه السلام \_ در دیوان منسوب به ایشان \_ : بسا جوانی که برخوردار از دنیا/ امّا بی بهره از آخرت است! و دیگری که دنیاش نکوهیده/ امّا آخرتش افتخار آفرین است! و دیگری که برخوردار از هر دو/ و گردآورنده دنیا و آخرت با هم است! و دیگری که محروم است از هر دو/ نه دنیایی دارد و نه آخرتی! 1. \_ من روایاته ما جاء في علل الشرائع قال الصدوق: امام علی علیه السلام \_ در دیوان منسوب به ایشان \_ : مردم را به چهار دسته متمایز می کنم/ که دارای چهار حالت آشکار و نمایان اند: یکی دستش از دنیا تهی/ امّا دارای آخرتی افتخارآمیز است. یکی دنیایش پسندیده/ امّا از آخرت، محروم است. یکی به هر دو رسیده/ و دنیا را با آخرت، گرد آورده است. و یکی هر دو را از دست داده/ و نه دنیا دارد، نه آخرت. .



الفصل الخامس : الوعي في طلب الدنيا رسول الله صلى الله عليه وآله : الدُّنْيَا دُوْلٌ ، فَمَا كَانَ لَكَ مِنْهَا أَتَاكَ عَلَيَّ ضَعْفِكَ ، وَمَا كَانَ عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعُهُ بِقُوَّتِكَ ، وَمَنْ انْقَطَعَ رَجَاؤُهُ مِمَّا فَاتَ اسْتِرَاحَ بَدْنُهُ ، وَمَنْ رَضِيَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ قَرَّتْ عَيْنُهُ . (1)1 . جاء في علل الشرائع : عنه صلى الله عليه وآله : أَجْمَلُوا (2) في طلب الدنيا ؛ فَإِنَّ كَلًّا مُيَسَّرَ لِمَا خُلِقَ لَهُ . (3)2 . وفي دلائل الإمامة : الإمام علي عليه السلام : خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَتَاكَ وَتَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنكَ ، فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَأَجْمَلْ فِي الطَّلَبِ . (4)1 . جاء في الكافي : عنه عليه السلام : الدُّنْيَا دُوْلٌ ، فَاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ حَتَّى تَأْتِيكَ دَوْلَتُكَ . (5) .

- 1- الأُمالي للطوسي : ص 225 ح 393 عن الحسن بن موسى عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، التمحيص : ص 54 ح 106 عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، نهج البلاغة : الكتاب 72 عن الإمام علي عليه السلام وفيه «الدنيا دار دول» وفيه صدره إلى «بقوتك»، الخصال : ص 258 ح 133 عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «ولم تمتنع منه» بدل «لم تدفعه»، تحف العقول : ص 40 ، مشكاة الأنوار : ص 233 ح 659 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 73 ص 94 ح 72 .
- 2- أجمل في طلب الشيء : إئتاد واعتدل ولم يفرط (لسان العرب : ج 11 ص 127 «جمل»).
- 3- سنن ابن ماجه : ج 2 ص 725 ح 2142 ، حلية الأولياء : ج 3 ص 265 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 4 ح 2133 ، السنن الكبرى : ج 5 ص 434 ح 10403 وفيهما «كتب له منها» بدل «خُلِقَ له» وكلها عن أبي حميد الساعدي ، كنز العمال : ج 4 ص 20 ح 9291 .
- 4- نهج البلاغة : الحكمة 393 ، تحف العقول : ص 78 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 38 ح 83 .
- 5- الخصال : ص 633 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كنز الفوائد : ج 1 ص 61 ، أعلام الدين : ص 173 وليس فيهما «حتى تأتيك دولتك»، غرر الحكم : ح 1913 وفيه «أجمل في طلبها واصطبر» بدل «فاطلب حظك منها بأجمل الطلب»، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .

## فصل پنجم: هشیاری در طلب دنیا

## اشاره

فصل پنجم: هشیاری در طلب دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، نوبتی است. آن گاه که نوبتش به تو برسد، به سراغ تو می آید، هرچند ناتوان باشی و آن گاه که به زیان تو شود، همه قدرتت هم نمی توانی آن را دفع کنی. هرکه از آنچه از کف رفته، امید برگردد، تنش آسوده گشت و هرکس به آنچه خدا روزی اش کرده خشنود شد، چشمش روشن گشت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در طلب دنیا آرام باشید (افراط نکنید)؛ زیرا هرکس به آنچه برای او آفریده [و مقدر] شده است، می رسد. 1. \_ جاء في الكافي: امام علي عليه السلام: از دنیا آنچه را که به تو می رسد، بگیر و از آنچه از تو روی می گرداند، رو بگردان و اگر چنین نمی کنی [و در پی دنیا می روی]، پس در طلب آن، راه اعتدال بیوی. 2. وفي علل الشرائع قال الصدوق: امام علي عليه السلام: دنیا، نوبتی است. پس بهره خود از دنیا را با آرامی تمام طلب کن تا آن که نوبت تو فرا رسد.



## توضیحی درباره میانه روی در طلب دنیا

توضیحی درباره میانه روی در طلب دنیا در این فصل، لازم است که آفات توسعه مادی و راه های پیشگیری از آن، از نگاه قرآن و احادیث اسلامی تبیین گردند تا توسعه مادی به بهای تخریب معنویت و جهان آخرت برای انسان تمام نشود؛ لیکن - همان طور که در مقدمه این بخش اشاره شد - این مبحث به تفصیل در کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث آمده است (1) و نیازی به تکرار آن در این جا نیست. تنها برای توضیح احادیثی که ملا-حظه شد، به این نکته اشاره می کنیم که جهان بینی الهی، عامل اصلی برای پرهیز از آفات توسعه مادی است؛ زیرا پیوند با آفریننده هستی و ایمان به حیات جاودان، انسان را از در افتادن به ورطه اعمال نامشروع باز می دارند و مانع استفاده از وسایل نادرست برای دستیابی به اهداف اقتصادی و توسعه نامشروع مادی می گردند. بدین سان است که آدمی شکار دام دنیای نکوهیده نمی شود. تفکر توحیدی و ایمان به تقدیر (با مفهوم درست و سازنده اش) در کنار

---

1- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش پنجم: آفات توسعه.

مدیریت و کار، سبب می شوند که انسان با آرامش و آسودگی زندگی کند. انسان هر گاه باور کند که خداوند روزی دهنده است، دیگر اندوه روزی را نمی خورد؛ چرا که می داند خداوند متعال، در صورتی که او در طلب روزی خود سستی نکند، روزی اش را تضمین کرده است. چنین کسی، حرص نیز نمی ورزد و خود را بیش از حدی که رواست در کام سختی ها و خطرهای نمی اندازد؛ بلکه به زندگی کریمانه قناعت می کند و نیز آنچه را از حد رفع نیازش فراتر باشد، انفاق می نماید که این خود، مایه شکوفایی اقتصاد در گستره جامعه و خدمتی به همه انسان هاست (1)، و این است معنای میانه روی در طلب دنیا.

---

1- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش سوم: اصول، موانع و آفات توسعه / زهد و توسعه.

## بخش دوم : دنیای نکوهیده

### اشاره

بخش دوم : دنیای نکوهیده فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده فصل دوم: ارزش دنیافصل سوم: برحذر داشتن از دنیافصل چهارم: زیان های دنیادوستیفصل پنجم: ریشه های دنیادوستی

درآمد بر پایه آنچه در تبیین معنای «دنیا» از نگاه قرآن و حدیث آمد، دنیا به خودی خود، نه مذموم است و نه ممدوح؛ بلکه همچون مزرعه ای است که اگر تخم بدی در آن کشت شود، حاصل آن زیانبار و نکوهیده است و اگر تخم نیکی در آن کاشته شود، حاصل آن سودمند و ستوده است. از این رو، تعارضی میان احادیثی که می گویند دنیا مزرعه خیر است (1) و احادیثی که دنیا را مزرعه شر (2) می دانند، وجود ندارد. بنا بر این، آنچه در این بخش تحت عنوان «دنیای نکوهیده» آمده، بدان معنا نیست که دنیا بر دو نوع است: نکوهیده و ستوده؛ بلکه بدان معناست که بهره گیری از دنیا دو گونه است: مذموم و ممدوح. در بخش دوم از این کتاب، رهنمودهای بسیار مهمی در هفت فصل درباره دنیای نکوهیده ارائه می گردند. این رهنمودها به طور خلاصه عبارت اند از:

---

1- ر.ك: ص 107 (دنیا، کشتزار آخرت).

2- ر.ك: ص 263 (ویژگی های دنیا / کشتزار بدی).

**1. تفسیر «دنیای نکوهیده»****2. بی ارزشی دنیای نکوهیده****3. هشدار نسبت به دام دنیا**

1. تفسیر «دنیای نکوهیده» در فصل یکم، ابتدا اهمیت شناخت دنیای نکوهیده مورد تأکید قرار گرفته و سپس دنیای نکوهیده تحت عنوانین: تعریف دنیا، ویژگی های دنیا، مثل دنیا و جلوه های دنیا، تفسیر و تبیین و بدین سان، مرزبندی گردیده است و در پایان نیز چگونگی اقبال و اِدبار دنیا بیان شده است. چکیده سخن در این باره، آن است که مرزهای دنیای نکوهیده، عبارت اند از: ترجیح دادن دنیا بر آخرت، دل بستگی به دنیا، فریب هوس های مادی را خوردن، اسراف، تجاوز به حقوق دیگران و... (1) و در يك کلمه، «بهره وریِ نادرست از دنیا»، که اگر کسی وارد این مرزها گردد، در دام هوس های نامشروع گرفتار می شود و هلاکت اوقطعی است.

2. بی ارزشی دنیای نکوهیده آنچه در فصل دوم در تبیین بی ارزشی دنیای نکوهیده آمده است (مانند: دنیا به اندازه بال پشه ای نمی ارزد؛ پست ترین آفریده در نزد خداست؛ پست تر از مردار است) (2) در نگاهی ابتدایی، مبالغه آمیز به نظر می رسد؛ اما با تأمل، معلوم می شود که این تعبیرها در تبیین ارزش بهره گیری از منافع فانی دنیا به بهای از دست دادن منافع همیشگی آخرت، کاملاً دقیق و حساب شده است.

3. هشدار نسبت به دام دنیادر فصل سوم، حقیقت لذت های دنیا تبیین، و هشدار داده شده که مبادا مسلمانان فریفته شیرینی و خوشی های آن شوند؛ زیرا محبت دنیا مبدأ انواع گرفتاری ها

1- ر.ك: ص225 (فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده).

2- ر.ك: ص319 (فصل دوم: ارزیابی دنیا).



#### 4. بزرگ ترین خطر دنیادوستی

وآلودگی های اخلاقی و عملی است . همچنین تأکید شده است که مصاحبت با دنیای نکوهیده خطرناک است و مصاحب دنیا نمی تواند خود را از گرفتار شدن در دام آن و آلودگی به گناه ، حفظ کند ، همان طور که کسی نمی تواند روی آب ، راه برود و پاهایش تر نشود .

4. بزرگ ترین خطر دنیادوستی فصل چهارم ، شرح فصل سوم است ؛ زیرا فصل سوم هشدار می دهد که فریفتگی و دل بستگی به دنیا ، ریشه انواع آلودگی ها و گرفتاری هاست و در فصل چهارم ، آثار زیانبار دل بستگی به دنیا در زندگی فردی و اجتماعی ، و دنیوی و اخروی شرح داده شده اند . شایان ذکر است که در میان آثار زیانبار حبّ دنیا ، از همه خطرناک تر ، بیماری کوردلی و تباه شدن خرد و اندیشه است و اگر کسی دچار این بیماری گردد ، هرگز رستگار نخواهد شد . به بیان روشن تر ، دل بستگی به دنیا ، از يك سو ، ریشه در نادانی دارد و از سوی دیگر ، ثمره اش نادانی است ؛ اما این دو نادانی ، با هم متفاوت اند : نادانی اول ، قابل درمان است و رهنمودهای اسلام در تعریف دنیای مذموم و تبیین خطر آن ، در حقیقت برای درمان این نوع از نادانی است ؛ ولی نادانی دوم ، قابل درمان نیست ؛ زیرا اگر رهنمودهای اسلام برای زدودن نادانی اول به کار گرفته نشد و آدمی در دام دنیا افتاد ، آلودگی های اخلاقی و عملی ، حجاب خرد و قلب می گردند و به تدریج ، در اثر کثرت زنگارهای جان و مزمن شدن بیماری روانی ، قدرت شناخت عقلی و قلبی از انسان سلب می گردد . در این جاست که او دیگر نمی تواند راه نجات را بیابد و سعادت مند شود . درباره این گونه افراد ، خداوند متعال خطاب به پیامبر خود می فرماید :

## 5. ریشه دل بستگی به دنیا

### 6. نشانه های دنیاپرستان و ادب برخورد با آنان

«وَمَا أَنْتَ بِدِي الْعُمِّيِّ عَنِ ضَلِّ—لَتِهِمْ . (1) و تو کوران را از گمراهی شان به راه نمی آوری» . یعنی حتی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نیز که بزرگ ترین طبیب بیماری های روانی است ، نمی تواند او را درمان کند و هدایت نماید .

5. ریشه دل بستگی به دنیا در فصل پنجم ، روشن می شود که دل بستگی به دنیای نکوهیده ، به دور ریشه باز می گردد : یکی نادانی و ناآگاهی ، و دیگری آرزوی دور و دراز . البته آرزوی دور و دراز نیز ریشه در ناآگاهی و نادانی دارد (2) . بنا بر این ، گام اول در درمان بیماری دنیا دوستی ، تحصیل علم و معرفت ، و گام بعدی ، به کارگیری آن در عمل است .

6. نشانه های دنیاپرستان و ادب برخورد با آنان در فصل ششم ، نشانه های دنیاپرستان و کسانی که در دام دنیا گرفتار شده اند ، بیان شده تا از این طریق ، جامعه اسلامی آنان را بشناسد . از این رو ، برای آن که انسان ، خود نیز گرفتار این دام نگردد ، نه تنها از بزرگداشت آنان باید اجتناب کند؛ بلکه روی گردانی از آنان نیز ضروری است : « فَأَعْرِضْ عَنِ مَن تَوَلَّى عَن ذِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا . (3) پس ، از هر که از ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است ، روی برتاب » .

1- نمل : آیه 81 .

2- ر . ك : ج 2 ص 7 (ریشه های دنیا دوستی) .

3- نجم : آیه 29 .

الفصل الأول : معرفة الدنيا الذميمة 1 / 1 أهمية معرفة الدنيا 1. \_ تقدّم ما جاء في الفصول المختارة للمفيد وفرق الشالام علي عليه السلام : أَحَدُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَارِ غِبْطَةٍ (1) ، قَدْ تَزَيَّتْ بِغُرُورِهَا وَعَرَّتْ بِزِينَتِهَا لِمَنْ كَانَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا ، فَأَعْرِفُوهَا كُنْهَ (2) مَعْرِفَتِهَا . (3) 2. وفي الكافي : عنه عليه السلام : مَنْ جُمِعَ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ مَا يَدْعُ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا : مَنْ عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ ، وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ ، وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ ، وَعَرَفَ الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ ، وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا ، وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا . (4) 1 / 2 حَقِيقَةُ الدُّنْيَا الذَّمِيمَةِ 1 / 2 \_ 1 إثنا الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ الْكِتَابِ «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» . (5)

- 1- .الغِبْطَةُ : النعمة والسرور (النهاية : ج 3 ص 340 «غبط»).
- 2- .كُنْهَ الأمر : حقيقته (النهاية : ج 4 ص 206 «كنه»).
- 3- .مطالب السؤل : ص 52 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 21 ح 82 .
- 4- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 135 ، جامع الأخبار : ص 296 ح 806 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 304 .
- 5- .الأعلى : 16 و 17 .

**فصل یکم : شناخت دنیای نکوهیده****1 / 1 اهمیت شناخت دنیا****1 / 2 حقیقت دنیای نکوهیده****1 / 2\_1 ترجیح دنیا بر آخرت**

فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده 1 / 33 اهمیت شناخت دنیا امام علی علیه السلام: شما را از دنیا بر حذر می دارم، که دنیا، سرای خوشی و شادمانی نیست، بلکه فریبکارانه، خود را آراسته و با آراستگی و زیورش کسی را که به او بنگرد، می فریبد. پس دنیا را نیک بشناسید. 1.. و من روایاته ما جاء في علل الشرائع، قال الصدوق امام علی علیه السلام: هر که شش خصلت در او گرد آمده باشد، همه اسباب رسیدن به بهشت و رهیدن از آتش را به دست آورده است. هر که خدا را شناخت و فرمانش بُرد؛ و شیطان را شناخت و نافرمانی اش کرد؛ حق را شناخت و پیروی اش کرد؛ باطل را شناخت و از آن پرهیز کرد؛ دنیا را شناخت و دورش افکند؛ و آخرت را شناخت و در طلب آن برآمد. 1 / 34 حقیقت دنیای نکوهیده 1 / 2\_1 ترجیح دنیا بر آخرت قرآن «بلکه شما زندگی دنیا را بر می گزینید، در حالی که آخرت، بهتر و ماندگارتر است».

«يَأْيَهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَعَزُّوْ جِكْ إِنْ كُنْتُمْ تُرْذِنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُمْ وَأُسْرِحْكُمْ سَرَاحًا جَمِيلًا» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! لا تَشْغَلْكُمْ دُنْيَاكُمْ عَنْ آخِرَتِكُمْ ، فَلَا تُؤْثِرُوا أَهْوَاءَكُمْ عَلَى طَاعَةِ رَبِّكُمْ ، وَلَا تَجْعَلُوا إِيْمَانَكُمْ ذَرِيْعَةً (2) إِلَى مَعَاصِيكُمْ . (3)1.. ما جاء في التوحيد والأمالى قال الصدوق: عنه صلى الله عليه وآله - مِمَّا أَوْصَى بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : وَأَلَّا تُؤْثِرَ الدُّنْيَا عَلَى الآخِرَةِ ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَاتِيَةٌ وَالآخِرَةُ الْبَاقِيَةُ . (4)2. وفي قصص الأنبياء للراوندي: عنه صلى الله عليه وآله : الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ بَاعَ نَعِيمًا دَائِمَ الْبَقَاءِ بِكِسْرَةٍ تَفْنَى ، وَخِرْقَةٍ تَبْلَى . (5)1. لي بن الحسن ، قال : الإمام علي عليه السلام : يَقُولُ اللَّهُ : « مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَ لَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ \* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ » (6) فَبَسَّتِ الدَّارُ لِمَنْ لَمْ يَتَهَيَّبْهَا وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ (7) . (8)2. علي بن محمد قال : عنه عليه السلام : ارْكَبِ الْحَقَّ وَإِنْ خَالَفَ هَوَاكَ ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ . (9) .

- 1- الأحراب : 28 .
- 2- الذريعة : الوسيلة (الصحاح : ج 3 ص 1211 «ذرع»).
- 3- أعلام الدين : ص 339 عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 181 ح 10 .
- 4- الخصال : ص 544 ح 19 عن إسماعيل بن الفضل الهاشمي وإسماعيل بن زياد جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، أعلام الدين : ص 347 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 155 ح 7 وفي آخرها «الآخرة باقية».
- 5- تنبيه الخواطر : ج 2 ص 119 .
- 6- هود : 15 و 16 .
- 7- الوجل : الخوف (الصحاح : ج 5 ص 1840 «وجل»).
- 8- تحف العقول : ص 182 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 97 ح 82 .
- 9- غرر الحكم : ح 2297 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 79 ح 1907 .

«ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر زندگی دنیا و زیور آن را می خواهید، بیاید بهره مندتان کنم و به شیوه ای نیکو، رهایتان سازم» .

حدیث 5. وفي مستطرفات السرائر فیما استطرفه من کتاب أبان بنیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! مبدا دنیایان، شما را از آخرتتان باز دارد. پس، هوس های خود را بر فرمان برداری از پروردگارتان ترجیح ندهید، و عهد و پیمان و سوگندتان را وسیله ای برای نافرمانی هایتان قرار بدهید. 1.. ما جاء في الخصال، قال الصدوق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ از سفارش های ایشان به امیر مؤمنان علیه السلام \_: و این که دنیا را بر آخرت برنگزینی؛ چرا که دنیا، رفتنی است و آخرت، ماندنی. 2. وفي سنن الترمذی و مسند أحمد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وای و صد وای بر کسی که نعمت پاینده را به تگّه نانی که از بین می رود و به گُهنه پارچه ای که می پوسد، بفروشد. 1. محمد بن مسعود، قال: امام علی علیه السلام: خداوند می فرماید: «آنان که زندگی دنیا و زیورش را می خواهند، کردارشان را در آن درست به آنان باز می دهیم و از ایشان در آن هیچ نمی کاهند. آنان، کسانی اند که در آخرت، جز آتش ندارند و هرچه در آن کرده اند، هیچ شده است و تباه است آنچه می کرده اند». . پس، چه بد سرایی است [دنیا] برای کسی که از آن نهراسد و در آن، بیمناک نباشد! 2. الکشی: امام علی علیه السلام: همواره با حق حرکت کن، هرچند بر خلاف میل تو باشد و آخرت را به دنیایت بفروش. .

3. ووجدت بخط جبرئيل بن أحمد: عنه عليه السلام: رضاك بالدنيا من سوء اختيارك وشقاء جدك (1). (2)4. وفي ترجمة يحيى بن أم الطويل: عنه عليه السلام: أيها الناس، اتقوا الله، فما خلق امرؤ عبثاً فيلهو، ولا ترك سدىً فيلغو، وما دُنياه التي تحسنت له بحلف من الآخرة التي قبحها سوء النظر عنده، وما المغرور الذي ظفر من الدنيا بأعلى همته كالأخر الذي ظفر من الآخرة بأدنى سهمته. (3)5. وفي ترجمة سعيد بن المسيب: عنه عليه السلام - من خطبة له في ذم الدنيا - ألستم في مساكن من كان قبلكم أطول أعماراً، وأبقى آثاراً، وأبعد آمالاً، وأعد عديداً، وأكثف جنوداً! تعبدوا للدنيا أي تعبد، وأثروها أي إيثار، ثم ظعنوا (4) عنها بغير زاد مبلغ ولا ظهر قاطع.

فهل بلغكم أن الدنيا سحت لهم نفساً بديية، أو أعانتهم بمعوذة، أو أحسنت لهم صدقة؟! بل أرهقتهم بالقوادح (5)، وأوهقتهم بالقوارع (7)، وضعتهم بالنوائب، وعفرتهم (8) للمناخر، ووطئتهم بالمناسم (9)، وأعانت عليهم ريب المنون.

فقد رأيتم تنكرها لمن دان لها، وأثرها وأخلد إليها، حين ظعنوا عنها لفرق الأبد، وهل زودتهم إلا السغب (10)، أو أحلتهم إلا الضنك، أو نورت لهم إلا الظلمة، أو أعقبتهم إلا الندامة! أفهذه تؤثرن، أم إليها تطمئنون، أم عليها تحرصون؟ فيست الدار لمن لم يتهمها، ولم يكن فيها على وجل منها! (11).

- 1- الجَدُّ : الحَظُّ والبَختُ (الصحيح : ج 2 ص 452 «جدد»).
- 2- غرر الحكم : ح 5413 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 269 ح 4937 .
- 3- نهج البلاغة : الحكمة 370 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 79 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 132 ح 136 .
- 4- ظَعَنَ : ارتحل (المصباح المنير : ص 385 «ظعن»).
- 5- القَدْحُ والقَادِحُ : أكل يقع في الشجر والأسنان (القاموس المحيط : ج 1 ص 242 «قدح»).
- 6- الوَهْقُ : حبل يلقي في عنق الشخص يؤخذ به ويوثق ، وأصله للدواب (المصباح المنير : ص 674 «وهق»).
- 7- القارعة : من شدايد الدهر ؛ وهي الداهية . ويقال : قرعتهم قوارع الدهر ؛ أي أصابتهم (لسان العرب : ج 8 ص 265 «قرع»).
- 8- العَفْرُ : التراب ، وعَفْرَهُ : أي مرَّغَهُ (الصحيح : ج 2 ص 751 «عفر»).
- 9- المَنَاسِمُ : جمع منسم وهو طرف خُفِّ البعير (تاج العروس : ج 17 ص 685 «نسم»).
- 10- سَغَبٌ : جاع ، وقيل : لا يكون السَّغَبُ إلا الجوع مع التعب (المصباح المنير : ص 278 «سغب»).
- 11- نهج البلاغة : الخطبة 111 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 115 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ ؛ مطالب السؤل : ص 50 كلاهما نحوه .

6. وفي الكافي: امام علي عليه السلام: راضی بودن تو به دنیا، از بدانتخابی تو و از شوربختی توست. 7. وفي الاختصاص قال الشيخ المفيد: امام علي عليه السلام: ای مردم! از خدا بترسید؛ زیرا هیچ کس بیهوده آفریده نشده است تا در نتیجه، عمر خویش را به سرگرمی بگذرانید، و سر خود رها نشده است تا در نتیجه، زندگی اش را به پوچی و باطل سپری کند، و دنیای او که خویشتن را برایش آراسته، نمی تواند جایگزین آخرتی شود که بد نگرستن به آن، او را در نظرش زشت جلوه گر ساخته است، و فریب خورده ای که به بالاترین خواست خویش از دنیا دست یافته، مانند کسی نیست که [حتی] به کم ترین بهره خویش از آخرت، دست یافته باشد. 1.. ما جاء في الغيبة للنعماني: امام علي عليه السلام \_ بخشی از خطبه ایشان در نکوهش دنیا \_ : آیا شما در خانه های همان کسانی نیستید که پیش از شما بودند و از شما عمری درازتر داشتند و آثاری ماندگارتر و آرزوهایی دورتر و نیروهایی آماده تر و لشکریانی انبوه تر؟! دنیا را بندگی کردند، چه بندگی ای! و آن را برگزیدند، چه برگزیدنی! اما سرانجام، بی هیچ توشه ای رساننده [به سرمنزل مقصود] و مرکبی راهوار [طاعات و عبادات] از آن کوچیدند.

آیا هرگز شنیده اید که دنیا جانی فدای آنها کرده باشد، یا کمکی در اختیارشان نهاده باشد، یا با آنان خوش مصاحبتی کرده باشد؟! نه؛ بلکه چونان خوره (1) به جانشان افتاد و آنان را به کمند بلاها افکند و با مصیبت ها از پا درآوردشان و بینی هایشان را به خاک مالید و لگدکوبشان کرد و پیشامدهای بد روزگار را علیه شان یاری رساند.

شما خود دیده اید که دنیا به هرکس، سر در فرمانش نهاد و آن را [بر آخرت] برگزید و بدان گرایید، ناآشنایی و بی اعتنایی نمود، آن گاه که برای همیشه از دنیا کوچیدند. آیا دنیا، جز گرسنگی توشه ای در اختیارشان نهاد، یا

جز تنگی [معیشت] بر آنها چیزی روا داشت، یا جز تاریکی، نوری به آنها داد، یا جز پشیمانی برایشان بر جای گذاشت؟! پس، آیا چنین دنیایی را بر می گزینید، یا به آن اطمینان می کنید، یا بر آن حرص می زنید؟ بدسرای است [دنیا] برای کسی که به آن بدگمان نباشد و از آن، در بیم و هراس به سر نبرد!

---

1- . خوره، بیماری است که آن را آکله و جذام گویند و لب و بینی را می خورد (لغت نامه دهخدا).



2. وفي إكمال الدين واتمام النعمة: الإمام الصادق عليه السلام: الْمَسْجُونُ مَنْ سَجَنَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ . (1)3. وفي دلائل الإمامة للطبري عنه: عنه عليه السلام : لَا يَشْغَلُكَ طَلَبُ دُنْيَاكَ عَنْ طَلَبِ دِينِكَ ؛ فَإِنَّ طَالِبَ الدُّنْيَا رُبَّمَا أَدْرَكَ ، وَرُبَّمَا فَاتَتْهُ فَهَلَكَ بِمَا فَاتَتْهُ مِنْهَا . (2)1.. ما جاء في كشف الخفاء للعجلوني: الإمام علي عليه السلام \_ فِي الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ \_ : يَا مُؤَثِّرَ الدُّنْيَا عَلَى دِينِهِ وَالتَّائِهَ الْحَيْرَانَ عَنْ قَصْدِهِ أَصَبَحْتَ تَرْجُو الخُلْدَ فِيهَا وَقَدْ أَبْرَزَ نَابُ الْمَوْتِ عَنْ حَدِّهِ هَيْهَاتَ إِنَّ الْمَوْتَ ذُو أَسْهُمٍ مَنْ يَرِمُهُ يَوْمًا بِهَا يُرِدُهُ (3)راجع : ج 2 ص 392 (ذم من باع آخرته بدنيا غيره) .

1 / 2 \_ 2 الطَّمَانِينَةُ إِلَى الدُّنْيَا الْكِتَابُ «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ \* أُولَئِكَ مَاؤَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» . (4)

- 
- 1- .الكافي : ج 2 ص 455 ح 9 ، المحاسن : ج 2 ص 6 ح 1074 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 105 ح 99 .
  - 2- .المحاسن : ج 1 ص 356 ح 758 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 214 ح 15 .
  - 3- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص 202 الرقم 131 .
  - 4- .يونس : 7 و 8 .

**1 / 2\_2 دل بستگی**

3. وفي كامل الزيارات قال ابن قولويه: امام صادق عليه السلام: زندانی [واقعی] کسی است که دنیایش او را از آخرتش باز داشته باشد. 4. وفيه أيضا قال: امام صادق عليه السلام: طلب دنیایت، تو را از طلب دینت باز ندارد؛ زیرا که طالب دنیا، گاه [آن را] به دست می آورد و گاه از دستش می دهد و به واسطه همان چیزی که از دست داده است، نابود می شود. 1.. ما جاء في كتاب من لا يحضره الفقيه، قال الصدوق امام علي عليه السلام \_ در دیوان منسوب به ایشان \_ : ای آن که دنیا را بر دین، برگزیده ای / و سرگشته ای و از راه به در رفته ای و امید جاودانگی در دنیا داری / \_ حال آن که نیش مرگ، نمایان است \_ ! چه دور است [جاودانگی]؛ چرا که دنیا تیرها دارد / که هرگاه و بر هر که آنها را بیفکند، نابود می کند. ر. ک: ج 2 ص 393 (نکوهش آن که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد).

1 / 2\_2 دل بستگیقرآن «آنان که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و به آن دل بستند و آنان که از نشانه های ما بی هوش اند، آنان، جایگاهشان آتش است، به سبب آنچه که به دست آورده اند» .

الحديث 4. وفي علل الشرائع ، قال الصدوق : رسول الله صلى الله عليه وآله : يَقُولُ اللَّهُ : يَا دُنْيَا مُرِّي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِأَنْوَاعِ الْبَلَايَا وَمَا هُوَ فِيهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَا ، وَصَدَّقِي عَلَيْهِ فِي مَعِيشَتِهِ ، وَلَا تَحْلُولِي لَهُ فَيْسُكُنَ إِلَيْكَ . (1) 5. وفي الكافي : عنه صلى الله عليه وآله : كَانَ تَحْتَ الْجِدَارِ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ : «وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَّهُمَا» (2) لَوْحٌ مِنْ ذَهَبٍ مَكْتُوبٌ فِيهِ :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِالمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ ، وَعَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِالقَدْرِ كَيْفَ يَحْزَنُ ، وَعَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِزَوَالِ الدُّنْيَا وَتَقَلُّبِهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ قَلْبُهُ إِلَيْهَا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (3) 1. ما جاء في رجال الكشي : الإمام علي عليه السلام : سُكُونُ النَّفْسِ إِلَى الدُّنْيَا مِنْ أَعْظَمِ الغُرُورِ . (4) .

1- المؤمن : ص 24 ح 33 عن الإمام الباقر عليه السلام ، التمحيص : ص 49 ح 81 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «فيركن» بدل «فيسكن» ، أعلام الدين : ص 435 وليس فيهما «وما هو فيه من أمر دنياه» ، بحار الأنوار : ج 72 ص 52 ح 73 .

2- الكهف : 82 .

3- كنز الفوائد : ج 1 ص 380 عن أنس ، الجعفریات : ص 238 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تاريخ اليعقوبي : ج 2 ص 101 بزيادة «وعجبا لمن يوقن بالنار كيف يضحك» بعد «كيف يحزن» ، الكافي : ج 2 ص 59 ح 9 عن علي بن أسباط عن الإمام الرضا عليه السلام ، الخصال : ص 236 ح 79 عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، معاني الأخبار : ص 200 ح 1 عن عمر بن جميع رفعه إلى الإمام علي عليه السلام ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 44 ح 158 ، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 254 ح 180 كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام ، علل الشرائع : ص 62 ح 1 ، تفسير القمي : ج 2 ص 40 كلاهما عن محمد بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام ، رجال الكشي : ج 2 ص 859 ح 1116 عن أحمد بن عمر الحلبي عن الإمام الجواد عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص 520 ح 1751 عن الإمام الرضا عليه السلام وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 288 ح 4 .

4- غرر الحكم : ح 5650 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 285 ح 5155 .

حدیث 1.. في بحار الأنوار وتمام السنند في تاريخ جرجان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند می فرماید: «ای دنیا! با انواع بلاها بر بنده مؤمن من، تلخ شو و امور دنیایش را به کام او شرنگ ساز و زندگی اش را بر او ننگ گردان و برایش شیرین مشو که به تو دل بستگی پیدا کند». 2. وفي فلاح السائل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در زیر آن دیواری که خداوند متعال در ستایش از آن یاد کرده و فرموده است: «و در زیر آن، گنجی متعلق به آن دو نفر [کودک یتیم] بود»، لوحی زرین قرار داشت و در آن، چنین نوشته شده بود:

«به نام خدای مهرگسترِ مهربان . در شگفتم از کسی که به مرگ، یقین دارد، چگونه شاد می شود؟ و در شگفتم از کسی که به تقدیر، یقین دارد، چرا اندوهگین می شود؟ و در شگفتم از کسی که به از کف رفتن دنیا و بی وفایی آن به اهلش یقین دارد، چگونه به آن دل خوش می کند؟ معبودی جز خدا نیست. 1.. ما جاء في الكافي: امام علی علیه السلام: اعتماد کردن به دنیا، از بزرگ ترین فریب هاست. .

2. وفي رجال الكشي: عنه عليه السلام: إني أهدركم الدنيا، فإنها حلوة خضرة... كم من واثقٍ بها قد فجعتُهُ، وذي طمأنينةٍ إليها قد صرعتُهُ ، وذي أبهةٍ (1) قد جعلته حقيراً. (2)3. وفي بصائر الدرجات: عنه عليه السلام \_ في كتابه إلى عمرو بن العاص في حرب صفين \_ : أما بعد ، فإن الذي أعجبك من الدنيا مما نازعتك إليه نفسك ووثقت به منها لمتقلب عنك ومفارق لك ، فلا تطمنن إلى الدنيا فإنها غرارة . ولو اعتبرت بما مضى لحفظت ما بقي ، وانتفعت بما وُعظت به . (3)1. ما جاء في الكافي: عنه عليه السلام: إن الدنيا تُخلق الأبدان وتجدد الآمال ، وتقرّب المنيّة وتباعد الأمنيّة ، كلّمَا اطمأن صاحبها منها إلى سرور أشخصته منها إلى محذور . (4)2. وفي كتاب الغيبة للنعمانى ، قال: الكافي عن جابر: دخلت على أبي جعفر عليه السلام فقال: ... يا جابر ، إن المؤمنين لم يطمننوا إلى الدنيا بقائهم فيها ، ولم يأمنوا قُدمهم الآخرة .

يا جابر ، الآخرة دار قرار ، والدنيا دار فناء وزوال ، ولكن أهل الدنيا أهل غفلة ، وكان المؤمنين (5) هم الفقهاء أهل فكرة وعبرة ؛ لم يصمهم عن ذكر الله \_ جلّ اسمه \_ ما سمعوا بأذانهم ، ولم يُعمهم عن ذكر الله ما رأوا من الزينة بأعينهم ، ففازوا بثواب الآخرة ، كما فازوا بذلك العلم . (6).

- 1- الأبهة: العظمة والبهاء (النهاية: ج 1 ص 18 «أبه»).
- 2- نهج البلاغة: الخطبة 111 ، تحف العقول: ص 181 بزيادة «وذي حذر قد خدعته» بعد «قد صرعته» ، غرر الحكم: ح 6947 \_ ح 6949 نحوه ، بحار الأنوار: ج 73 ص 97 ح 82 .
- 3- وقعة صفين: ص 498 ، بحار الأنوار: ج 32 ص 539 ح 451 .
- 4- غرر الحكم: ح 3675 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 146 ح 3243 .
- 5- في تنبيه الخواطر: «وكان المؤمنون» بدل «وكان المؤمنين» .
- 6- الكافي: ج 2 ص 132 ح 16 ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 193 ، بحار الأنوار: ج 73 ص 36 ح 17 وراجع كشف الغمّة: ج 2 ص 333 وتحف العقول: ص 287 وتاريخ دمشق: ج 54 ص 281 .

3. وفي ثواب الأعمال: امام علی علیه السلام: من، شما را از دنیا برحذر می دارم؛ زیرا که دنیا شیرین و خرم است... چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند و دنیا، آنان را دردمند ساخت، و چه بسیار کسانی که به دنیا دل خوش کردند و دنیا، آنان را زمین زد، و چه بسیار افراد با جاه و جلالی که دنیا، حقیرشان کرد! 4. وفي کتاب الغيبة أيضا قال النعماني: امام علی علیه السلام \_ در نامه اش به عمرو بن عاص در جنگ صفین \_ اما بعد، این دنیایی که تو را خوش آمده و نفست مشتاق آن گشته و بدان، دل بسته ای، بی گمان، به تو پشت خواهد کرد و از تو جدا خواهد شد. پس به دنیا دل خوش مکن که دنیا. فریبنده است. اگر از آنچه گذشته است، عبرت گیری، آنچه را مانده است، حفظ خواهی کرد و از پند و اندرزهایش استفاده خواهی کرد. 1. امام علی علیه السلام: دنیا، بدن ها را کهنه و آرزوها را نومی کند، مرگ را نزدیک و امید را دور می سازد. هرگاه صاحب دنیا به خوشی ای از آن آسوده خاطر گشت، دنیا او را از آن خوشی به محذوری کشاند. 2. وفيه أيضا: الکافی \_ به نقل از جابر \_ : خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. فرمود: ... ای جابر! مؤمنان به ماندنشان در دنیا مطمئن نیستند و از رسیدن به آخرتشان [بهشت] آسوده خاطر نیستند.

ای جابر! آخرت، خانه ماندگاری است و دنیا، خانه نابودی و زوال؛ اما اهل دنیا اهل غفلت اند و این مؤمنان اند که اهل فهم و اندیشیدن و عبرت آموختن هستند. نه آنچه با گوش هایشان شنیدند، آنان را از یاد خداوند \_ که نامش شکوهمند باد \_ گر ساخت، و نه آنچه از زرق و برق دیدند، آنان را از یاد خداوند، کور ساخت. پس به پاداش آخرت دست یافتند، چنان که به این دانش و معرفت، دست یازیدند. .

3. وفي المحاسن: الإمام الصادق عليه السلام: إن كانت الدنيا فانيةً فالطمأنينةُ إليها لِمَاذَا؟! (1)4. وفي الكافي: عنه عليه السلام: كان عيسى بن مريم عليه السلام يقول لأصحابه: يا بني آدم اهربوا من الدنيا إلى الله، وأخرجوا قلوبكم عنها؛ فإنكم لا تصلحون لها ولا تصلح لكم، ولا تبقون فيها ولا تبقى لكم، هي الخداعةُ الفجاعةُ، المغرورُ من اغترَّ بها، المغبونُ من اطمأنَّ إليها، الهالكُ من أحبَّها وأرادها، فتوبوا إلى بارئكم واتقوا ربكم، واخشوا يوماً لا يجزي والدٌ عن ولده، ولا مولودٌ هو جازٍ عن والده شيئاً. (2)1 / 2 \_ 3 الركون إلى الدنيا. وفي تفسير القمي أيضاً: رسول الله صلى الله عليه وآله لا تركنوا إلى الدنيا؛ فإنها قد آذنت بفراقها، ودعت إلى غورها، فأحذروا فجعته. (3)1. قال عنه صلى الله عليه وآله في موعظته لابن مسعود \_ يابن مسعود، لا تركزن إلى الدنيا ولا تطمئن إليها؛ فستفارقتها عن قليل. (4)2. عن أبي طالب عبد الله بن الصلت القمي، قال: عنه صلى الله عليه وآله: لا تكونوا ممن خدعته العاجلة، وغرته الأميئة، فاستهوتته الخدعة، فركن إلى دار سوءٍ سريعة الزوال، وشيكة الانتقال. إنَّه لم يبق من دنياكم هذه

في جنب ما مضى إلا كإناخة راكب، أو صرَّ حالبٍ (5)، فعلام تعرجون، وماذا تنتظرون؟! (6).

- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 393 ح 5836، الخصال: ص 450 ح 55، التوحيد: ص 376 ح 21، الأمالي للصدوق: ص 56 ح 12، مختصر بصائر الدرجات: ص 139 كلها عن أبان بن عثمان، بحار الأنوار: ج 78 ص 190 ح 1.
- 2- الأمالي للصدوق: ص 650 ح 884 عن منصور بن حازم، روضة الواعظين: ص 489، بحار الأنوار: ج 14 ص 288 ح 13.
- 3- الفردوس: ج 3 ص 586 ح 5835 عن أبي هريرة.
- 4- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 353 ح 2660، بحار الأنوار: ج 77 ص 104 ح 1.
- 5- أصل الصرَّ: الجمع والشد. ومن عادة العرب أن تصرَّ ضروع الحلوبات إذا أرسلوها إلى المرعى سارحة، فإذا راحت عشيّاً حلت تلك الأصرّة وحلبت (النهاية: ج 3 ص 22 «صرر»).
- 6- أعلام الدين: ص 340 عن أبي هريرة، بحار الأنوار: ج 77 ص 183 ح 10.

## 1 / 2 \_ 3 دل بستگی به دنیا

3. حدّثني محمّد بن قولويه ، قال حدّثني سعد بن أحمد بامام صادق عليه السلام : اگر دنیا نابود شدنی است ، پس دل خوش کردن به آن ، چرا؟! 4. محمّد بن مسعود ، قال : امام صادق عليه السلام : عیسی بن مریم علیها السلام به یارانش می گفت : «ای فرزندان آدم! از دنیا به خدا بگریزید و دل هایتان را از دنیا بیرون برید ؛ زیرا که نه شما شایسته دنیایید ، نه دنیا شایسته شماست . نه شما در دنیا می مانید ، نه دنیا برای شما می ماند. دنیا ، فریبکار و مصیبت بار است. فریب خورده [ی واقعی] کسی است که فریب دنیا را بخورد؛ زیان دیده ، کسی است که به دنیا آرمید؛ به هلاکت در افتاده ، کسی است که دنیا را دوست داشت و خواستارش شد. پس به درگاه آفریدگارتان توبه آرید و از پروردگارتان پروا کنید و بترسید از آن روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی آید و هیچ فرزندی نیز به کار پدرش نخواهد آمد. 1 / 2 \_ 3 دل بستگی به دنیا .. ما جاء في البصائر للصفار ، قال : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به دنیا دل مبنید ، که دنیا ، جدایی خود را اعلام کرده و به فریبندگی های خویش ، فرا می خواند. پس ، از مصیبت آفرینی های آن ، بر حذر باشید. 2. وفيه أيضا قال : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در اندرزش به ابن مسعود \_ : ای پسر مسعود! به دنیا دل مبند و بدان میارام ؛ زیرا به زودی از آن جدا خواهی شد. 3. وفي المحاسن : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از آنان نباشید که دنیای زودگذر ، فریشان داد و آرزو ، گولشان زد و اسیر نیرنگ [ دنیا] شدند و در نتیجه ، به سرای بدی که زود زوال می پذیرد و آماده انتقال [به دیگری] است ، دل بستند. آنچه از این دنیای شما باقی مانده ، در برابر آنچه گذشته ، به اندازه خُسباندن اشتری [برای آسودن

ساعاتی] یا بستن پستان حیوان شیردهی (1) بیش نیست. پس بر چه درنگ می کنید و منتظر چه هستید؟!

1- عرب ها عادت داشتند که هنگام رها کردن حیوانات شیرده خویش در چراگاه ، پستان هاشان را با کیسه ای می بستند و غروب که بر می گشتند ، کیسه ها را باز می کردند و حیوانات را می دوشیدند (النهاية : ج 3 ص 22 «صرر»).



1.. جاء في نوادر المعجزات ودلائل الإمامة ، قال أبو جلالٍ امام عليّ عليه السلام : مَنْ اعْتَمَدَ عَلَى الدُّنْيَا فَهُوَ الشَّقِيّ الْمَحْرُومُ . (1)2. جاء في إكمال الدين : عنه عليه السلام : مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالدُّنْيَا تَمَكَّنَتْ مِنْهُ الْمِحْنَةُ . (2)3. ما جاء في كتاب الغيبة ، للنعماني : عنه عليه السلام : هَلَكَ مَنْ اسْتَنَامَ إِلَى الدُّنْيَا وَأَمَهَرَهَا دِينَهُ ، فَهُوَ حَيْثُمَا مَالَتْ مَالٌ إِلَيْهَا ، قَدِ اتَّخَذَهَا هَمَّهُ وَمَعْبُودَهُ . (3)1. جاء في مختصر الدرجات : عنه عليه السلام : لَا تَعْصِمُ الدُّنْيَا مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا . (4)2. جاء في الأمالي : الإمام زين العابدين عليه السلام : لَا تَرَكَنَا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونَ مَنْ اتَّخَذَهَا دَارَ قَرَارٍ وَمَنْزِلَ اسْتِيْطَانٍ ، وَاللَّهِ إِنَّ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا عَلَيْهَا لَدَلِيلاً وَتَنْبِيهاً ؛ مِنْ تَصْرِيفِ أَيَّامِهَا وَتَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَمَثَلَاتِهَا (5) وتلاعِبِهَا بِأهلِهَا ، إِنَّهَا لَتَرْفَعُ الْحَمِيلَ وَتَضَعُ الشَّرِيفَ ، وَتُورِدُ أَقْوَاماً إِلَى النَّارِ غَدَاً ، فَفِي هَذَا مُعْتَبَرٌ وَمُخْتَبَرٌ وَزَاجِرٌ لِمُنْتَبِهِ . (6)1.. جاء في كامل الزيارات ، والمزار للمفيد ، والمزار عنه عليه السلام \_ لِأَصْحَابِهِ \_ : أَمَا بَلَّغْتُكُمْ مَا قَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ؟ قَالَ لَهُمْ : . . . أَيُّكُمْ يَبْنِي عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ دَاراً؟ تَلَكُمُ الدَّارُ الدُّنْيَا ، فَلَا تَتَّخِذُوهَا قَرَاراً . (7) .

- 1- غرر الحكم : ح 9083 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 425 ح 7198 .
- 2- غرر الحكم : ح 8841 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 435 ح 7528 .
- 3- غرر الحكم : ح 10033 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 511 ح 9312 .
- 4- غرر الحكم : ح 10700 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 538 ح 9941 .
- 5- المَثَلَاتُ : الأَشْبَاهُ وَالْأَمْثَالُ مِمَّا يُعْتَبَرُ بِهِ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1671 «مثل»).
- 6- الكافي : ج 8 ص 15 ح 2 ، الأمالي للمفيد : ص 200 ح 33 نحوه ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 37 وفيه «لنبيته» بدل «لمنتبه» وكلها عن أبي حمزة الشمالي ، تحف العقول : ص 253 نحوه .
- 7- الأمالي للمفيد : ص 43 ح 1 عن أبي حمزة الشمالي ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 76 وص 133 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 73 ص 107 ح 107 ؛ الزهد لابن حنبل : ص 76 عن مكحول من دون إسنادٍ إلى المعصوم وراجع الدر المنثور : ج 2 ص 207 والبداية والنهاية : ج 2 ص 89 .

2. جاء في طبّ الأئمّة: امام على عليه السلام: هرکه به دنیا تکیه کند ، بدبخت و بی بهره است. 3. جاء في الكافي: امام على عليه السلام: هرکه به دنیا خوش گمان باشد ، گرفتار رنج و سختی می شود. 1.. جاء في التهذيب: امام على عليه السلام: هرکه به دنیا خو گرفت و دینش را کابین آن قرار داد ، به هر طرف که دنیا رو آورد ، او نیز رو می کند [و در واقع] ، دنیا را آرمان و معبود خویش گرفته است. 2. جاء في الخصال: امام على عليه السلام: دنیا از کسی که به آن پناه ببرد ، پاسداری نمی کند. 3. جاء في الهداية الكبرى: امام زين العابدين عليه السلام: به آنچه در این دنیاست ، دل مبنید ، چونان دل بستگی کسی که آن را خانه ماندن و منزلگاه همیشگی قرار داده است. به خدا سوگند که در امور این دنیا ، برای شما نشانی و هشدار بر [بی وفایی و ناپایداری] دنیاست: اموری چون کشاکش روزگار ، فراز و نشیب های آن ، کیفهای عبرت آموزش و به بازی گرفتن اهل خود. دنیا، گم نام را بالا می برد و بلند پایه را پست می گرداند و فردای قیامت ، اقوامی را به آتش می افکند و در این همه ، عبرت و تجربه و مایه بازدارندگی است برای شخص هشیار. 1.. جاء في دلائل الإمامة: امام زين العابدين عليه السلام \_ به یارانش \_ : آیا آنچه عیسی بن مریم علیهما السلام به حواریان فرمود: به شما نرسیده است؟ او به آنان فرمود: «... کدام يك از شما بر [روی] موج دریا خانه ای می سازد؟ دنیا، چنین خانه ای است. پس، آن را اقامتگاه مگیرید» . .

2. جاء في مختصر البصائر قال الحسن بن سليمان الحلبي: الإمام الصادق عليه السلام: فيما ناجى الله به موسى عليه السلام: يا موسى، لا تركزن إلى الدنيا ركون الظالمين وركون من اتخذها أبا وأما... وأترك من الدنيا ما بك الغنى عنه، ولا تنظر عينك إلى كل مفتون بها وموكل إلى نفسه، واعلم أن كل فتنة بدوها حب الدنيا. (1)1.. جاء في مختصر بصائر الدرجات: تنبيه الخواطر: أوحى الله تعالى إلى موسى عليه السلام: أن يا موسى لا تركزن إلى حب الدنيا؛ فلن تأتيني بكبيرة هي أشد منها. (2)2. جاء في الخصال: حلية الأولياء عن كعب الأخبار: إن الرب تعالى قال لموسى عليه السلام: ... أدن الفقراء وقرب مجالستهم منك، ولا تركزن إلى حب الدنيا؛ فإنك لن تلقاني بكبيرة من الكبائر أضرت عليك من الركون إلى الدنيا. (3)راجع: ص 74 (مثل أهل الدنيا / مثل المسافر).

1 / 2 \_ 4 لاغترار بالدنيا الكتاب «يأيها الناس إن وعد الله حق فلا تعرتكم الحيوه الدنيا ولا يعرتكم بالله العرور». (4)

- 1- الكافي: ج 2 ص 135 ح 21 عن ابن أبي يعفور، قصص الأنبياء: ص 162 ح 184 عن أبي يعقوب وفيه «بذرها» بدل «بدوها»، بحار الأنوار: ج 73 ص 73 ح 37.
- 2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 134، التحصين لابن فهد: ص 27 ح 45.
- 3- حلية الأولياء: ج 6 ص 5.
- 4- فاطر: 5.

**1 / 2 \_ 4 فریفته شدن به دنیا**

3. في بصائر الدرجات أيضا: امام صادق عليه السلام: از نخواستن خداوند با موسی علیه السلام این بود که: «ای موسی! به دنیا دل میند، همانند دل بستگی ستمگران و دل بستگی کسی که دنیا را پدر و مادر خویش گرفته است... از دنیا، آنچه را که بدان نیازی نداری، رها کن و به آنان که فریفته دنیا گشته اند و به خود، وا نهاده شده اند، منگر و بدان که هر گرفتاری ای، آغازش دنیا دوستی است». تنبیه الخواطر: خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای موسی، زنهار! به دنیا دوستی مگرای؛ زیرا هرگز با گناه کبیره ای بر من وارد نشوی که بدتر از دنیا دوستی باشد». حلیة الأولیاء \_ به نقل از کعب الأحبار \_ : پروردگار متعال به موسی علیه السلام فرمود: «... بینویان را به خود نزدیک گردان و با آنان، همنشیني نزدیک داشته باش و به دنیا دوستی مگرای؛ زیرا، هرگز با [گناه] کبیره ای از کبائر با من دیدار نخواهی کرد که برایت زیانبارتر از گرایش به دنیا باشد. ر. ک: ص 75 (مَثَل اهل دنیا / مَثَل مسافر).

1 / 2 \_ 4 فریفته شدن به دنیا قرآن «ای مردم! به راستی که وعده خدا راست است. پس، زنهار تا زندگی دنیا شما را نفریید و زنهار تا آن فریبنده (شیطان) شما را بیهوده به خدا امیدوار نسازد» .

الحديث 2. جاء في الهداية الكبرى للخصيبي ، قال :صحيح البخاري عن أبي سعيد الخدري :قال رسول الله صلى الله عليه وآله : إن أكثر ما أخاف عليكم ما يخرج الله لكم من بركات الأرض . قيل : وما بركات الأرض؟ قال : زهرة الدنيا . (1) 1.. جاء في بصائر الدرجات ، قال الصفار :رسول الله صلى الله عليه وآله :إن أخوف ما أخاف عليكم ما يخرج الله من نبات الأرض وزهرة الدنيا . (2) 2. وفيه أيضا قال :عنه صلى الله عليه وآله :يا عجباً كل العجب للمصدق بدار الخلود وهو يسعى لدار الغرور! (3) 1.. جاء في الكافي :عنه صلى الله عليه وآله :أين الراضون بالمقدور؟ أين الساعون للمشكور؟ عجب لمن يؤمن بدار الخلود كيف يسعى لدار الغرور! (4) 2. وفيه أيضا :الإمام علي عليه السلام \_ عند تلاوته : «يـ أيها الأئمة نـ ما غرك برتك الكريم» (5) \_ : حقا أقول! ما الدنيا غرتك ، ولكن بها اغتررت ، ولقد كاشفتك العظام ، وأذنتك على سواي . ولهي بما تعدك من نزول البلاء بجسمك ، والنقص في قوتك ، أصدق وأوفى من أن تكذبك ، أو تغرك . ولرب ناصح لها عندك متهم ، وصادق من خبرها مكذب .

ولئن تعرفتها في الديار الخاوية ، والرُبوع الخالية ، لتجدنها من حسن تذكيرك ، وبلاغ موعظتك ، بمحلة الشفيق عليك ، والشحيح بك!

ولئن دأب من لم يرض بها دارا ، ومحل من لم يوطنها محلا ، وإن السعداء بالدنيا عدا هم الهاربون منها اليوم . (6) .

- 
- 1- .صحيح البخاري : ج 5 ص 2362 ح 6063 وج 3 ص 1045 ح 2687 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 727 ح 121 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 281 ح 5710 كلها نحوه ؛ المحجة البيضاء : ج 5 ص 358 .
  - 2- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 16 ح 11035 ، مسند الحميدي : ج 2 ص 325 ح 740 ، حلية الأولياء : ج 7 ص 311 كلها عن أبي سعيد الخدري .
  - 3- .ذم الدنيا لابن أبي الدنيا : ص 19 ح 14 عن عمرو بن مرة عن الإمام الباقر عليه السلام ، الدر المنثور : ج 6 ص 476 نقلا عن شعب الإيمان عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ؛ المحاسن : ج 1 ص 377 ح 831 عن أبي نعمان عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «يعمل» بدل «يسعى» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 184 ح 10 .
  - 4- .الزهد لهناد : ج 1 ص 294 ح 514 عن عمرو بن مرة ، كنز العمال : ج 3 ص 160 ح 5962 .
  - 5- .الانفطار : 6 .
  - 6- .نهج البلاغة : الخطبة 223 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 193 ح 59 .

حدیث 1.. جاء في كامل الزيارات: صحيح البخاری \_ به نقل از ابو سعید خُدَری \_ : پیامبر خدا فرمود: «بیشترین ترس و نگرانی من برای شما، از برکت های زمین است که خداوند در اختیارتان می گذارد».

گفته شد: برکت های زمین چیست؟

فرمود: «خَرَمِي وَ بَهْجَتِ دُنْيَا». 2. جاء في الخصال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ترسناك ترین چیزی که من از آن بر شما می ترسم، محصولات زمین و خَرَمِي و بهجت دنیا است که خداوند در اختیارتان می گذارد. 1.. جاء في الكافي: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شگفتا، شگفتی تمام از کسی که به سرای جاودانگی باور دارد و با این حال، برای سرای فریب (دنیا) می کوشد! 2. جاء في الكافي، والتهذيب واللفظ للكافي: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کجایند خشنودان از تقدیر؟ کجایند کوشندگان برای آنچه مورد قدردانی [از سوی خداوند] قرار می گیرد؟ شگفتا از کسی که به سرای جاودانگی ایمان دارد، چگونه برای سرای فریب می کوشد؟! امام علی علیه السلام \_ در هنگام تلاوت آیه «ای انسان! چه چیز تو را به پروردگار کریمت بیهوده امیدوار ساخت؟» \_ : به راستی می گویم، دنیا تو را فریب نداد؛ بلکه تو به آن فریفته شدی. دنیا به تو پندها [و درس های عبرت آموز] داد و عادلانه و یکسان (همانند دیگران) آگاهی ساخت و به آنچه تو را وعده می دهد، از قبیل: رسیدن رنج و درد به جسمت و کاستی یافتن نیرویت، راستگوتر و وفادارتر از آن است که به تو دروغ بگوید یا فریب بدهد. دنیا، راهنماهای بسیار دارد، اما تو بدانها بدگمانی و خبرهای راست فراوان دارد، لیکن تو دروغشان می پنداری.

اگر دنیا را در خانه های بر باد رفته و منزلگاه های تهی گشته [از سکنه] بکاوی، آن را در نیکو اندر زدهی و پند رسا دادن، چونان یار دلسوز و سخت علاقه مند به خود، خواهی یافت!

[دنیا] نیکو سرایی است برای کسی که آن را سرای [ماندگاری] خود نداند و خوب منزلگاهی است برای کسی که در آن منزلگاه، وطن نگزیند. نیک بختان به دنیا، فردا [ی قیامت] آنان اند که امروز از آن گریزان اند. .

1.. جاء في الكافي: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا حُلُوءٌ، الحَلَاوَةُ لِمَنْ اغْتَرَّ بِهَا . (1)2. في البصائر: عنه عليه السلام: مَا الْعَاجِلَةُ خَدَعَتْكَ ، وَلَكِنْ بِهَا انْخَدَعْتَ . (2)3. وفيه أيضا: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا حُلْمٌ ، وَالْإِغْتِرَارُ بِهَا نَدْمٌ . (3)4. وفي الإرشاد: عنه عليه السلام: إِحْذَرُ أَنْ يَخْدَعَكَ الْغُرُورُ بِالْحَائِلِ (4) الْيَسِيرِ ، أَوْ يَسْتَرْزِلَكَ الشُّرُورُ بِالزَّائِلِ الْحَقِيرِ . (5)1.. جاء في المحاسن: عنه عليه السلام \_ في ذمِّ الدُّنْيَا \_ : تَجَافَوْا عَنْهَا ، فَإِنَّ الْمُغْتَرَّ مَنْ اغْتَرَّ بِهَا . (6)2. جاء في مئة منقبة للقمي ، قال: عنه عليه السلام: مَا قَدَّمْتَ فَهُوَ لِلْمَالِكِينَ ، وَمَا أَخَّرْتَ فَهُوَ لِلْوَارِثِينَ ، وَمَا مَعَكَ فَمَا لَكَ عَلَيْهِ سَبِيلٌ سِوَى الْغُرُورِ بِهِ . كَمْ تَسْعَى فِي طَلَبِ الدُّنْيَا؟ وَكَمْ تَرَعَى؟ أَفْتَرِيدُ أَنْ تُفْقَرَ نَفْسَكَ وَتُغْنِيَّ غَيْرَكَ؟! (7)3. وفي مختصر البصائر: عنه عليه السلام: أَيُّهَا الْمُعَلَّلُ نَفْسَهُ بِالدُّنْيَا ، الرَّاحِضُ عَلَى حَبَائِلِهَا (8) ، الْمُجْتَهِدُ فِي عِمَارَةِ مَا سَيُخْرَبُ مِنْهَا! أَلَمْ تَرِ إِلَى مَصَارِعِ آبَائِكَ فِي الْبِلَى ، وَمَصَارِعِ أَبْنَائِكَ تَحْتَ

الْجِنَادِلِ وَالثَّرَى؟ كَمْ مَرَّضَتْ يَدَيْكَ ، وَعَلَّلَتْ بِكَفَيْكَ ، تَسْتَوْصِفُ لَهُمُ الْأَطِبَاءُ وَتَسْتَعْتِبُ لَهُمُ الْأَحْبَاءُ ، فَلَمْ يُغْنِ عَنْهُمْ غَنَاؤُكَ ، وَلَا يَنْجِعُ (9) فِيهِمْ دَوَاؤُكَ . (10) .

- 1- الاحتجاج: ج 1 ص 397 ح 83 عن عبد الله بن الحسن، بحار الأنوار: ج 32 ص 223 ح 173؛ كنز العمال: ج 16 ص 186 ح 44216 نقلاً عن وكيع .
- 2- غرر الحكم : ح 9655 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 479 ح 8790 .
- 3- غرر الحكم : ح 1384 .
- 4- الحائِلُ : الْمُتَغَيَّرُ (النهاية : ج 1 ص 463 «حول») .
- 5- غرر الحكم : ح 2612 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 104 ح 2354 .
- 6- الكافي : ج 8 ص 174 ح 194 عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 351 ح 31 .
- 7- مصباح الشريعة : ص 301 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 356 ح 17 .
- 8- الْحَبَائِلُ : جَمْعُ حِبَالَةٍ وَأُحْبُولَةٌ وَهُوَ الشَّرْكُ (المصباح المنير : ص 119 «حبل») .
- 9- نَجَعَ الدَّوَاءُ : ظَهَرَ أَثَرُهُ (المصباح المنير : ص 594 «انتجع») .
- 10- الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ : ص 87 ح 2 عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 69 ص 319 ح 35 .

4. وفي الكافي: امام علي عليه السلام: دنيا، شیرین است؛ شیرینی [دنيا] برای کسی است که فریفته آن شود. 1.. جاء في البصائر، قال الصفار: امام علي عليه السلام: دنيا تو را گول نزده است؛ بلکه تو گول آن را خورده ای. 2. جاء في الهداية الكبرى للخصيبي: امام علي عليه السلام: دنيا يك رؤیاست و فریفته شدن به آن، مایه پشیمانی است. 3. جاء في الكافي: امام علي عليه السلام: بپرهیز از این که فریفته شدن به [این دنیای] دگرگون شونده ناچیز، تو را گول بزند، یا شاد گشتن به این فناپذیر بی ارزش، تو را بلغزند. 4. جاء في الأمالي، قال الطوسي: امام علي عليه السلام \_ در نکوهش دنيا \_ : از دنيا دوری کنید؛ زیرا فریب خورده [ی واقعی]، کسی است که فریب دنيا را بخورد. 5. جاء في علل الشرائع، قال الصدوق: امام علي عليه السلام: آنچه [برای آخرت] پیش بفرستی، همان از آن دارندگان است [و به خودت می رسد] و آنچه بر جای بگذاری، از آن وارثان است و آنچه با توست، راهی جز فریفته شدن به آن نیست. چه قدر در پی دنيا می کوشی و چه قدر می چری؟ آیا می خواهی خودت را فقیر و دیگران (وارثان) را توانگر سازی؟! 6. جاء في بصائر الدرجات، قال الصفار: امام علي عليه السلام: ای آن که خویشتن را به دنيا سرگرم ساخته ای و بر ریسمان های [پوسیده] آن می دوی و در آباد کردن دنیایی که به زودی خراب می شود، می کوشی! آیا به گورهای پوسیده پدران و پیکرهای خفته در زیر سنگ ها

و خاک های فرزندان ننگریسته ای؟ چه بسیار کسانی که با دست خود، پرستاری شان کردی و به معالجه آنان پرداختی، از پزشکان برایشان نسخه و دارو خواستی و از دوستان، برایشان رضایت طلبیدی؛ اما تلاش تو سودشان نبخشید و دارو و درمانت، در آنان کارگر نیفتاد..



1.. جاء في البصائر: عيسى عليه السلام: وَيَلْ لِصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا، وَيَأْمَنُهَا وَتَغْرُهُ، وَيَثُقُ بِهَا وَتَخْذُلُهُ. وَيَلْ لِلْمُغْتَرِّينَ كَيْفَ رَهَقَهُمْ مَا يَكْرَهُونَ وَفَارَقَهُمْ مَا يُحِبُّونَ، وَجَاءَهُمْ مَا يُوْعَدُونَ. (1)2.. جاء في مناقب آل أبي طالب: الإمام علي عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : فَلَمْ أَرُ كَالدُّنْيَا بِهَا اغْتَرَّ أَهْلُهَا وَلَا كَالْيَقِينِ اسْتَوْحَشَ الدَّهْرَ صَاحِبُهُ أَمْرٌ عَلَى رَمْسٍ (2) الْقَرِيبِ كَأَنَّمَا أَمْرٌ عَلَى رَمْسٍ امْرِيءٍ مَا أَنَا بِدَبُّهُ فَوَاللَّهِ لَوْلَا أَنَّنِي كُلَّ سَاعَةٍ إِذَا شِئْتُ لَأَقِيتُ امْرَأَةً صَاحِبُهُ إِذَا مَا اعْتَرَيْتُ الدَّهْرَ عَنْهُ بِحِيلَةٍ تُجَدِّدُ حُزْنَنا كُلَّ يَوْمٍ نَوَادِبُهُ (3)1.. جاء في الكافي: عنه عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : أَحْسَدَ نَتَّ ظَنَّاكَ بِالْأَيَّامِ إِذْ حَسَدَتْ وَلَمْ تَخَفْ سَوْءَهَا يَأْتِي بِهِ الْقَدْرُ وَسَالَمَتَكَ اللَّيَالِي فَاعْتَرَّتْ بِهَا وَعِنْدَ صَفْوِ اللَّيَالِي يَحْدُثُ الْكَدْرُ (4)راجع: ص 264 (خصائص الدنيا / دار الغرور).

- 
- 1- . تنبيه الخواطر : ج 1 ص 132 ، التحصين لابن فهد : ص 29 ح 49 وفيه «أنتهم» بدل «رهقهم» ، المحجبة البيضاء : ج 5 ص 358 وفيه «ألزمهم» بدل «رهقهم» ، بحار الأنوار : ج 14 ص 328 ح 54 وراجع الأمالي للمفيد : ص 209 ح 43 وعدة الداعي : ص 96 .
  - 2- . الرَّمْسُ : الْقَبْرُ (القاموس المحيط : ج 2 ص 220 «رمس»).
  - 3- . الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص 88 الرقم 45 .
  - 4- . الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص 260 الرقم 182 ؛ البداية والنهاية : ج 11 ص 184 من دون إسنادٍ إلى المعصوم وفيه «يوما» بدل «سوءها» .

3. جاء في مختصر بصائر الدرجات: عيسى عليه السلام: بیچاره دنیا دار، که می میرد و دنیا را رها می کند، به دنیایی اطمینان می کند که او را می فریبد و به دنیایی اعتماد می کند که او را فرو می گذارد [و به موقع، یاری اش نمی کند]. بیچاره این گول خوردگان، که آنچه دوست ندارند، به آنان می رسد و آنچه دوست دارند، از ایشان جدا می شود و آنچه به ایشان وعده داده می شود، به سراغشان می آید. امام علی علیه السلام \_ در دیوان منسوب به ایشان \_ : چیزی چون دنیا ندیدم که اهلش فریب آن را بخورند/ و نه چون یقین (مرگ) که صاحب آن، از روزگار بگریزد. بر گورِ نزدیکان می گذرم، اما گویی/ بر گور کسی می گذرم که هیچ نسبتی با او ندارم. به خدا سوگند، اگر نبود که هر ساعتی/ هرگاه بخواهم، کسی را می بینم که یارش مُرده است، هرگز، به هیچ روی، در برابر روزگار صبر نمی کردم/ روزگاری که هر روز، مصیبت هایش غمی تازه می آفریند. 1. جاء في الكافي: امام علی علیه السلام \_ در دیوان منسوب به ایشان \_ : به روزها نیک گمان گشتی، آن گاه که [با تو] نیک شدند و از بدی آنها که دست تقدیر می آورد، نترسیدی.

شب ها با تو سر سازش نشان داد و تو فریب آنها را

خوردی اما در همان زلالی شب هاست که تیرگی پدید می آید. ر. ک: ص 265 (سرای فریب).

1 / 2 - 5 ما يوجب الطغيان من الدنيا 1.. جاء في مستطرفات السرائر: الإمام علي عليه السلام: خُذْ مِنْ قَلِيلِ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ ، وَدَعْ مِنْ كَثِيرِهَا مَا يُطْعِمُكَ . (1) وفيه أيضا: عنه عليه السلام: يَسِيرُ الدُّنْيَا يَكْفِي ، وَكَثِيرُهَا يُرْدِي . (2) عنه عليه السلام: يَسِيرُ الدُّنْيَا خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِهَا ، وَبُلْغَتُهَا (3) أَجْدَرُ مِنْ هَلَكَتِهَا . (4) 1.. جاء في بصائر الدرجات: عنه عليه السلام - في ذم الدنيا - : مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُؤْمِنُهُ ، وَمَنْ اسْتَكْتَرَ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُوْبِقُهُ (5) . (6) 1 / 2 - 6 ما فوق الكفاف من الدنيا 4. جاء في دلائل الإمامة ، والاختصاص: رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من غني ولا فقير إلا ودَّ يوم القيامة أنه أتى من الدنيا قوتا (7) . (8) 1.. جاء في إكمال الدين: عنه صلى الله عليه وآله: ما من ذي غنى إلا سيؤدُّ يوم القيامة لو كان إنما أوتي في الدنيا

قوتا . (9) .

- 1- غرر الحكم: ح 5044 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 241 ح 4591 .
- 2- غرر الحكم: ح 10988 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 555 ح 10238 .
- 3- البلغة: ما يُبَلِّغُ [أي يكتفى] به من العيش ولا يَفْضُلُ (المصباح المنير: ص 61 «بلغ»).
- 4- غرر الحكم: ح 10993 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 556 ح 10240 وص 553 ح 10194 وفيه «يسير الدين خير من كثير الدنيا» .
- 5- يُوْبِقُهُ: يُهْلِكُهُ (الصحاح: ص 4 ح 1562 «وبق»).
- 6- نهج البلاغة: الخطبة 111 ، غرر الحكم: ح 8252 وح 8253 نحوه، تحف العقول: ص 181 ، بحار الأنوار: ج 78 ص 15 ح 73 نقلاً عن مطالب السؤل وفيهما «لم يدْم له» بدل «استكثر ممّا يوبقه» .
- 7- أي يَقْدَرُ ما يُمَسِكُ الرَّمَقَ من المطعم (النهاية: ج 4 ص 119 «قوت»).
- 8- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1387 ح 4140 ، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 235 ح 12164 وص 335 ح 12710 ، حلية الأولياء: ج 10 ص 69 كلّها عن أنس ، تاريخ بغداد: ج 4 ص 8 عن عبد الله نحوه ، كنز العمال: ج 3 ص 394 ح 7115 ، مشكاة الأنوار: ص 230 ح 647 نحوه ، روضة الواعظين: ص 500 ، أعلام الدين: ص 265 وفيه «ما من امرئ مسلم غني . . .» .
- 9- شعب الإيمان: ج 7 ص 300 ح 10378 عن أنس ، كنز العمال: ج 3 ص 197 ح 6143 نقلاً عن الزهد لهناد عن أنس .

**1 / 2 \_ 5 دنیای طغیان آور****1 / 2 \_ 6 دنیای بیش از کفاف**

1 / 2 \_ 5 دنیای طغیان آور. 2. جاء في الفوائد المجموعة: امام على عليه السلام: از دنیا، اندکی که کفایت کند، برگیر و بسیار آن را که به طغیان بکشاند، فرو بگذار. 3. جاء في الموضوعات قال ابن الجوزي: امام على عليه السلام: اندک دنیا کفایت می کند و بسیار آن، نابود می کند. 1. جاء في الكافي عن محمد بن يحيى، عن محمد بن عيسى امام على عليه السلام: کم دنیا بهتر از زیاد آن است و به کفاف آن بسنده کردن، سزاوارتر است تا گرفتار شدن به هلاکت آن [بر اثر فزون خواهی]. 2. جاء في دلائل الإمامة: امام على عليه السلام \_ در نکوهش دنیا \_ آن کس که از دنیا کم بر گرفت، بر آنچه او را ایمن و آسوده می گرداند، افزود و آن کس که از دنیا زیاد بر گرفت، بر آنچه او را به نابودی می کشاند، افزود. 1 / 2 \_ 6 دنیای بیش از کفاف 1.. جاء في كتاب الموضوعات لابن الجوزي، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز قیامت، هر کس از دارا و نادار، آرزو می کند که ای کاش از دنیا به اندازه بخور و نمیر به او داده می شد. 2. جاء في كتاب السقيفة وفدك، قال الجوهری أخبرنا أبو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ توانگری نیست، مگر آن که در روز قیامت آرزو خواهد کرد که ای کاش در دنیا به اندازه نیاز به او داده می شد.

3. جاء في التهذيب ، والاستبصار ، قال الطوسي : عنه صلى الله عليه وآله : دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا ، فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ (1) وَهُوَ لَا يَشْعُرُ . (2) 4. جاء في أمالي الصدوق ، قال : عنه صلى الله عليه وآله : اَتْرَكُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا ، اَتْرَكُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا ؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ فَإِنَّهُ يَأْخُذُ مِنْ جَنَّتِهِ وَلَا يَشْعُرُ . (3) 5. جاء في المحاسن : عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ آلِ مُحَمَّدٍ قُوتًا . (4) عنه صلى الله عليه وآله \_ في وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ : يَا عَلِيُّ ، مَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَتَّى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُعْطَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قُوتًا . (5) صحيح البخاري عن عمرو بن عوف الأنصاري : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ أَبَا عُبَيْدَةَ بْنَ الْجَرَّاحِ إِلَى الْبَحْرَيْنِ يَأْتِي بِجَزَيْتَيْهَا ، وَكَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَ صَالِحَ أَهْلِ الْبَحْرَيْنِ وَأَمَرَ عَلَيْهِمُ الْعَلَاءَ بْنَ الْحَضْرَمِيِّ ، فَقَدِمَ أَبُو عُبَيْدَةَ بِمَالٍ مِنَ الْبَحْرَيْنِ ، فَسَمِعَتْ

الأنصار بِقُدُومِ أَبِي عُبَيْدَةَ فَوَافَتْ صَلَاةَ الصُّبْحِ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَمَّا صَلَّى بِهِمُ الْفَجْرَ انصَرَفَ ، فَتَعَرَّضُوا لَهُ ، فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ رَأَاهُمْ ، وَقَالَ : أَطْنُكُمْ قَدْ سَمِعْتُمْ أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ قَدْ جَاءَ بِشَيْءٍ !  
قالوا : أَجَلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قال : فَأَبْشِرُوا وَأَمْلُوا مَا يُسْرُكُمْ ، فَوَاللَّهِ لَا الْفَقْرَ أَخْشَى عَلَيْكُمْ ، وَلَكِنْ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُبْسَطَ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا ، كَمَا بُسِطَتْ عَلَيَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ، فَتَنَافَسُوهَا كَمَا تَنَافَسُوهَا ، وَتُهْلِكُكُمْ كَمَا أَهْلَكْتَهُمْ . (6) .

- 1- الحَتْفُ : الْهَلَاكُ (المصباح المنير : ص 120 «حتف»).
- 2- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 156 ، الأمالي للشجري : ج 2 ص 163 عن أنس وزاد فيه «لأهلها ثلاث مرّات» ، المحجّة البيضاء : ج 6 ص 42 ؛ كنز العمال : ج 3 ص 193 ح 6117 .
- 3- الفردوس : ج 1 ص 108 ح 363 عن أنس ، كنز العمال : ج 3 ص 181 ح 6058 .
- 4- صحيح مسلم : ج 2 ص 730 ح 126 ، صحيح البخاري : ج 5 ص 2372 ح 6095 وفيه «ارزق آل محمد» ، سنن الترمذي : ج 4 ص 580 ح 2361 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1387 ح 4139 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 454 ح 9760 كلّها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 395 ح 7116 ؛ مشكاة الأنوار : ص 492 ح 1640 عن الإمام زين العابدين عليه السلام وفيه «اللهم اجعل رزق محمد وآل محمد الكفاف» ، بحار الأنوار : ج 72 ص 60 .
- 5- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 363 ح 5762 ، مستطرفات السرائر : ص 116 ح 1 كلاهما عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 327 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، جامع الأخبار : ص 504 ح 1392 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 54 ح 3 .
- 6- صحيح البخاري : ج 3 ص 1152 ح 2988 وج 4 ص 1473 ح 3791 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2274 ح 6 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1324 ح 3997 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 105 ح 17234 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 320 ح 18658 وفيهما «تلهيكم كما ألهتهم» بدل «تهلككم كما أهلكتهم» .

1.. جاء في تهذيب الأحكام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا را برای اهلش واگذارید؛ زیرا هرکس که از دنیا بیش از اندازه کفایتش بگیرد، نادانسته، [عوامل] مرگ خود را برگرفته است. 2. جاء في ثواب الأعمال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا را برای اهلش رها کنید ، دنیا را برای اهلش رها کنید ، دنیا را برای اهلش رها کنید؛ زیرا هر کس که از دنیا بیش از اندازه کفایتش بردارد، ناخودآگاه، از بهشت خود بر می دارد [و کم می کند]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! روزی خاندان محمد را در حدّ نیاز قرار بده. 1.. جاء في کامل الزیارات: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در سفارش به علی علیه السلام \_ ای علی! از پیشینیان و پسینیان، هیچ کس نیست ، مگر آن که در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش از دنیا ، جز به اندازه نیاز ، به او داده نمی شد. 2. جاء في أمالي الصدوق ، قال: صحیح البخاری \_ به نقل از عمرو بن عوف انصاری \_ پیامبر خدا ، ابو عبیده جراح را به بحرین فرستاد تا جزیه آن را بیاورد. پیامبر خدا با مردم بحرین [بر پرداخت جزیه] مصالحه کرده و علاء بن حَضَرَمی را به امیری ایشان گماشته بود. ابو عبیده با اموالی از بحرین آمد. انصار ، خبر ورود ابو عبیده را شنیدند. نماز صبح را با پیامبر صلی الله علیه و آله گزاردند و ایشان ، چون نماز صبح را با آنان خواند،

برگشت. انصار ، جلو او آمدند. پیامبر خدا ، وقتی آنها را دید ، لبخندی زد و فرمود: «گمان می کنم شنیده اید که ابو عبیده چیزی آورده است» .

گفتند: آری، ای پیامبر خدا!

حضرت فرمود: «پس مژده باد بر شما و امیدوار باشید به چیزی که خوش حالتان می کند. به خدا سوگند ، من از فقر بر شما نمی ترسم ؛ بلکه از این برای شما می ترسم که دنیا بر شما گسترده شود ، چنان که برای پیشینیان شما گسترده شد، و بر سر دنیا به رقابت برخیزید ، همچنان که آنان به رقابت برخاستند، و دنیا شما را به هلاکت افکند ، همچنان که آنان را به هلاکت افکند .

3. جاء في الكافي: الإمام علي عليه السلام: يَابْنَ آدَمَ ، مَا كَسَبَتْ فَوْقَ قَوْلِكَ فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ . (1) 4. جاء في البصائر ، قال الصفار : الخصال عن علي بن الحسين بن رباط ، رفعه : سَكَى رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَاجَّةَ ، فَقَالَ لَهُ : إَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ تُصِيبُهُ مِنْ الدُّنْيَا فَوْقَ قَوْلِكَ أَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ . (2) الإمام علي عليه السلام : الوَيْلُ لِمَنْ جَمَعَ الدُّنْيَا وَأُورَثَهَا مَنْ لَا يَحْمَدُهُ ، وَقَدِمَ عَلَى مَنْ لَا يَعِذْرُهُ (3) . الدُّنْيَا دَارُ الْمُتَنَافِقِينَ وَلَيْسَتْ بِدَارِ الْمُتَّقِينَ ، فَلْيَكُنْ حَظُّكَ مِنَ الدُّنْيَا قِوَامَ صُلْبِكَ ، وَإِمْسَاكَ نَفْسِكَ ، وَالتَّرَوُّدَ لِمَعَادِكَ . (4) .

1- نهج البلاغة : الحكمة 192 ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص 112 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 144 ح 28 .

2- الخصال : ص 16 ح 58 ، روضة الواعظين : ص 468 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 90 ح 61 .

3- في المصدر : «يغدره»، والتصويب من بحار الأنوار .

4- مطالب السؤل : ص 52 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 23 ح 86 .

امام علی علیه السلام: ای پسر آدم! آنچه بیش از کفایت به دست آوری، در واقع، تو خزانه دار آن برای دیگران هستی. الخصال \_ به نقل از علی بن حسین بن رباط، که سند آن را به معصوم علیه السلام رسانده است \_ : مردی به امیر مؤمنان از نیازمندی اش شکایت کرد. به او فرمود: «بدان که آنچه از دنیا بیش از کفایت به دست آوری، در واقع، تو خزانه دار آن برای دیگرانی». 1.. جاء في تفسير العياشي: امام علی علیه السلام: وای بر کسی که [مال] دنیا را جمع کند و آن را برای کسی به ارث بگذارد که از او سپاس گزاری نمی کند و [خود] بر کسی (خداوند) وارد شود که عذر و بهانه اش را نمی پذیرد. دنیا، سرای منافقان است و سرای تقوایندگان نیست. پس باید بهره ات از دنیا به اندازه ای باشد که قوت بدنت، نگهدار جانت و توشه ای برای معادت باشد. .



2. جاء في الكافي: عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ مُنِي لَهَا (1) الفناء ولاءِ هِلْهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ، وَهِيَ حُلُوءَةٌ خَضْرَاءُ، وَقَدْ عَجَلَتْ لِلطَّالِبِ وَالتَّبَسَّتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ، فَارْتَحَلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ، وَلَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكِفَافِ، وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ. (2) الإمام زين العابدين عليه السلام: الدُّنْيَا دُنْيَاءَانِ: دُنْيَا بِلَاغٍ، وَدُنْيَا مَلْعُونَةٍ. (3) راجع: ج 2 ص 212 (الفصل السادس: أمثال الزهاد).

1 / 2 \_ 7 ما يَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ مِنَ الدُّنْيَا. 1. الخصال بإسناده عن الحسين بن عليّ عن أبيه أمير المتنبية الخواطر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ. (4) 2. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام \_ مِنْ دُعَائِهِ عَقِيبَ صَلَاتِهِ \_ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآجِلِ، وَحَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ، وَأَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ. (5) 3. نزهة الناظر: لقمان عليه السلام \_ فِي وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ \_ : يَا بُنَيَّ، لَا تَدْخُلْ فِي الدُّنْيَا دُخُولًا يَضُرُّ بِآخِرَتِكَ،

وَلَا تَتْرُكْهَا تَرْكًا تَكُونُ كَلَالًا (6) عَلَى النَّاسِ. (7).

- 
- 1- مُنِي لَهُ: أَي فُدِّر (لسان العرب: ج 15 ص 292 «مني»).
  - 2- نهج البلاغة: الخطبة 45، روضة الواعظين: ص 482 وفيه «مضى» بدل «مني»، غرر الحكم: ح 3697، بحار الأنوار: ج 72 ص 68 ح 28.
  - 3- الكافي: ج 2 ص 131 ح 11 عن محمد بن مسلم بن شهاب وص 317 ح 8 عن محمد بن مسلم بن عبيد الله، مشكاة الأنوار: ص 466 ح 1555، بحار الأنوار: ج 73 ص 20 ح 9.
  - 4- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 273، الإقبال: ج 2 ص 146 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 98 ص 260.
  - 5- مصباح المتهجد: ص 64 ح 101، فلاح السائل: ص 320 ح 215، البلد الأمين: ص 15 كلّها عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج 86 ص 69 ح 4.
  - 6- الكلّ: الذي هو عيال وثقل على صاحبه (لسان العرب: ج 11 ص 594 «كلل»).
  - 7- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 79، بحار الأنوار: ج 73 ص 124 ح 112.

## 1 / 2\_ 7 دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود

4. مهج الدعوات عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ في وَصْفِ أولياءِ اللَّهِ \_ ) امام علی علیه السلام: دنیا، سرایی است که برای آن، نیستی رقم خورده است و برای اهلس رخت برستن از آن. دنیا، شیرین و دل پذیر است و شتابان به سراغ خواهانش می رود و به دل بیننده می نشیند. پس با بهترین توشه ای که در اختیار دارید، از دنیا بکوچید و در آن، بیش از کفاف نخواهید و از آن، بیش از آنچه شما را به مقصد می رساند، نطلبید. 5. المعجم الأوسط عن محمد بن عبد الله بن حسين عن علامام زين العابدين عليه السلام: دنیا دو گونه است: دنیای در حد کفاف (1) و دنیای لعنت شده. ر. ک: ج 2 ص 213 (فصل ششم: نمونه های زهد).

1 / 2\_ 7 دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود 9. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: تنبيه الخواطر: پیامبر خدا در دعایش می گفت: «خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود، و از زندگی ای که مانع خیر مرگ گردد». 10. محاضرات الأدباء عن الإمام الحسين عليه السلام: امام صادق علیه السلام \_ از دعای ایشان در تعقیب نمازش \_ : خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود و از اکنونی که مانع خیر آینده شود و از زندگی ای که مانع خیر مرگ گردد و از آرزویی که مانع نیکویی عمل گردد. 11. أعلام الدین عن الإمام الحسين عليه السلام: لقمان عليه السلام \_ در سفارش به فرزندش \_ : فرزندم! نه چندان وارد دنیا شو که به آخرت لطمه بزندی و نه چنان رهایش کن که باری بر دوش مردم باشی.

1- . بلاغ: کفاف، یا آن مقدار از قوت که برای زنده ماندن کفایت کند؛ وسیله رسیدن به مطلوب.

راجع: ص 184 (ما ينال به خير الدنيا والآخرة).

و 442 (فقر الدنيا والآخرة)

و 444 (خسران الدنيا والآخرة).

1 / 2 \_ 8 إذا كانت الدنيا أكبر الهوموم 17. مسند زيد: سنن الترمذي عن ابن عمر: قَلَّمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ حَتَّى يَدْعُو بِهَؤُلَاءِ الدَّعَوَاتِ لِأَصْحَابِهِ :

اللَّهُمَّ اقْسِمِ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا ، وَمَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا ، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا ، وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا ، وَانصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا ، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا ، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا ، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا ، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا . (1) 18. المعجم الكبير عن سكينه بنت الحسين بن علي عن أبيها الإمام علي عليه السلام \_ مِنْ وَصَايَا لَابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ : لَا تُكُنِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّكَ . (2) 19. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللعنه عليه السلام \_ فِي التَّرْهِيدِ فِي الدُّنْيَا وَالتَّرْغِيبِ فِي أَعْمَالِ الْآخِرَةِ \_ : يَا بَنَ آدَمَ ، لَا يَكُنْ أَكْبَرَ هَمِّكَ يَوْمَكَ الَّذِي إِنْ فَاتَكَ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَجْلِكَ ، فَإِنَّ كُلَّ يَوْمٍ تَحْضُرُهُ

يَأْتِي اللَّهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ ، وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَكْتَسِبَ شَيْئًا فَوْقَ قُوَّتِكَ إِلَّا كُنْتَ فِيهِ خَازِنًا لِغَيْرِكَ ؛ يَكْتُرُ فِي الدُّنْيَا بِهَ نَصَبِكَ ، وَيَحْظِي بِهِ وَارِثُكَ ، وَيَطُولُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِسَابُكَ !

فَاسْعِدْ بِمَالِكَ فِي حَيَاتِكَ ، وَقَدِّمْ لِيَوْمِ مَعَادِكَ زَادًا يَكُونُ أَمَامَكَ ؛ فَإِنَّ السَّفَرَ بَعِيدٌ ، وَالْمَوْعِدَ الْقِيَامَةَ ، وَالْمَوْرِدَ الْجَنَّةَ أَوْ النَّارَ . (3) .

1- . سنن الترمذي : ج 5 ص 528 ح 3502 ؛ عوالي اللآلي : ج 1 ص 159 ح 144 ، الإقبال : ج 3 ص 321 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 92 ح 252 عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام ، مصباح المتهجد : ص 568 ح 673 وليس فيهما من «قوتنا» إلى «علي من ظلمنا» ، منية المرید : ص 211 كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم وراجع المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 709 ح 1934 .

2- . الأمالی للمفید : ص 221 ح 1 ، الأمالی للطوسی : ص 7 ح 8 كلاهما عن الفجیع العقيلي عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 98 ح 1 .

3- . الإرشاد : ج 1 ص 234 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 31 ح 58 نقلاً عن تفسير العياشي بزيادة «فإن همك يوم» بعد «من أجلك» وراجع نشر الدرّ : ج 1 ص 295 .

**1 / 2\_ 8 هرگاه دنیا بزرگ ترین هم و غم باشد**

ر. ک: ص 185 (فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت)

و 443 (فقر در دنیا و آخرت)

و 445 (باختن در دنیا و آخرت).

1 / 2\_ 8 هرگاه دنیا بزرگ ترین هم و غم باشد 25. الأُمالي بإسناده عن علي بن الحسين عن الحسين بن عل ( \_ في قول الله عز و جل : { Q } «هَلْ جَزَاءُ الْ ( سنن الترمذی \_ به نقل از ابن عمر \_ : کمتر پیش می آمد که پیامبر خدا از مجلسی برخیزد و این دعاها را برای اصحابش نخواند:

بار خدایا! چنان ترسی از خودت نصیب ما کن که میان ما و نافرمانی از تو مانع گردد و چنان اطاعتی از خودت که با آن ، ما را به بهشتت برسانی و چنان یقینی که به سبب آن ، [تحمل] مصیبت ها و گرفتاری های دنیا را بر ما آسان گردانی و تا زنده ایم ، ما را از گوش هایمان و چشم هایمان و نیرویمان بهره مند گردان و آن را وارث ما قرار ده و خونخواهی ما را از کسی قرار ده که به ما ستم کند و ما را بر هر که با ما دشمنی کند ، پیروزی بخش و مصیبت ما را در دینمان قرار مده و دنیا را بزرگ ترین هم و غم ما و نهایت دانش و شناخت ما قرار مده و کسی را که به ما رحم نمی کند ، بر ما مسلط مگردان. 26. المحاسن عن عمرو بن أبي نصر : امام علی علیه السلام \_ از سفارش های ایشان به فرزندش حسن علیه السلام در هنگام وفات \_ : دنیا، بزرگ ترین هم و غمّت نباشد. 27. المعجم الأوسط عن زید بن أسلم عن الحسين بن عليّ عل ( \_ في قوله تعالى : { Q } «و شَاهِدٍ وَمَشِّهُودٍ ) امام علی علیه السلام \_ در تشویق به دل برگردن از دنیا و ترغیب به کارهای آخرت \_ : ای پسر آدم! بزرگ ترین هم و غمّت آن روزت نباشد که چون از دستت رفت ، از عمر تو نباشد ؛ (1) زیرا هر روزی که وارد آن می شوی ، خداوند در آن ، روزی ات را می رساند. بدان که هرگز ، چیزی بیش از قوتت به دست

نمی آوری ، مگر این که تو خزانه دار آن برای دیگران باشی. [فقط] مایه رنج بسیار تو در دنیا می شود و وارثت از آن بهره مند می گردد و به سبب آن ، حسابرسی تو در روز قیامت به درازا می کشد!

پس با مال خود در زندگی ات [آینده خود را تأمین کن و] خوش بخت شو و برای معادت که در پیش داری ، توشه ای بفرست؛ زیرا سفری دور و دراز پیش رو داری و وعده گاه ، قیامت است و محلّ ورود ، بهشت یا آتش.

1- . یعنی : غم روزی روزی را که جزء عمر تو نیست ، مخور.

1 / 2 \_ 9 طَلَبُ الدُّنْيَا بِغَيْرِ حَقٍّ 30. معاني الأخبار عن شريح بن هانئ: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ حَقٍّ ، حُرِمَ الآخِرَةَ بِحَقٍّ . (1) 1 / 2 \_ 10 طَلَبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ 33. جامع الأخبار بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام رسول الله صلى الله عليه وآله : رِيحُ الجَنَّةِ تَوَجَّدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِئَةِ عَامٍ ، وَلَا يَجِدُ رِيحَ الجَنَّةِ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ . (2) 34. التوحيد عن إسحاق بن راهويه : عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ طُمِسَ (3) وَجْهُهُ ، وَمُحِقَّ ذِكْرُهُ ، وَأُثْبِتَ اسْمُهُ فِي النَّارِ . (4) .

1- . تحف العقول : ص 321 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 235 ح 57 .

2- . الفردوس : ج 2 ص 271 ح 3261 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 3 ص 474 ح 7492 .

3- . الطُّمُوسُ : الدُّرُوسُ وَالْمُحَاءُ (الصَّحاح : ج 3 ص 944 «طمس» ) .

4- . المعجم الكبير : ج 2 ص 268 ح 2128 ، كشف الخفاء : ج 2 ص 261 ح 2527 ، كنز العمال : ج 3 ص 227 ح 6275 نقلاً عن المعجم الأوسط وكلها عن الجارود بن المعلّى .

**1 / 2 \_ 9 دنیاطلبی به ناحق****1 / 2 \_ 10 دنیاطلبی با کار آخرت**

1 / 2 \_ 9 دنیاطلبی به ناحق 37. التوحید عن محمد بن زیاد و محمد بن سیار عن الحسن امام صادق علیه السلام: هرکس دنیا را به ناحق بجوید، از آخرت به حق محروم می شود. 1 / 2 \_ 10 دنیاطلبی با کار آخرت 40. الإقبال عن الإمام الحسين علیه السلام ( \_ فيما نُسب إليه من دُعاء عَرَفاة \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی بهشت از فاصله پانصد سال به مشام می رسد؛ اما کسی که دنیا را با کار آخرت بطلبد، بوی بهشت را استشمام نمی کند. 41. التوحید عن عكرمة عن الحسين بن عليّ علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرکس با کار آخرت، دنیا را بجوید، چهره [ی انسانی] اش محو می شود، (1) یادش نابود می گردد و نامش در آتش ثبت می شود.

---

1- . اشاره است به آیه 47 سوره نساء: «مَنْ قَبَلَ أَنْ نَنْظِمَسَ وَجْهًا؛ پیش از آن که چهره هایی را محو کنیم» (ر.ك: تفسیر این آیه . گفتنی است که محو شدن چهره را در این جا می توان به بی آبرویی نیز معنا کرد).

42. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بَعَمَلِ الْآخِرَةِ، لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ. (1) 43. تفسير العياشي عن يزيد بن رويان: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْهُومانِ لَا يَشْبَعَانِ: طَالِبُ دُنْيَا وَطَالِبُ عِلْمٍ؛ فَمَنْ اقْتَصَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ، وَمَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَوْ يُرَاجَعَ. وَمَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَعَمِلَ بِعِلْمِهِ نَجَا، وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حَظُّهُ. (2) 44. التوحيد عن وهب بن وهب القرشي عن الصادق جعفر بن محالٍ إمام علي عليه السلام: النَّاسُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ: . . . وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَلَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا، قَدْ طَامَنَ (3) مِنْ شَخْصِهِ، وَقَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ، وَشَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ، وَزَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ، وَاتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ. (4) 45. التوحيد بإسناده عن الحسين بن علي عليه السلام: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَلْتَمِسِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَلَا تُؤَثِّرِ الْعَاجِلَةَ عَلَى الْآجِلَةِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ شِيمَةُ الْمُتَنَافِقِينَ وَسَجِيَّةُ الْمَارِقِينَ (5). (6) 46. التوحيد بإسناده عن الحسين عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَنْزَلَ كِتَابًا مِنْ كُتُبِهِ عَلَى نَبِيٍِّّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ، وَفِيهِ:

إِنَّهُ سَيَكُونُ خَلْقٌ مِنْ خَلْقِي يَلْحَسُونَ الدُّنْيَا بِالدِّينِ، يَلْبَسُونَ مُسُوكَ (7) الصَّانِ

عَلَى قُلُوبِ كُفُلِهِ الدَّنَابِ أَشَدَّ مَرَارَةً مِنَ الصَّبْرِ، أَلْسِنَتُهُمْ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، وَأَعْمَالُهُمْ الْبَاطِنَةُ أُنْتَنُ مِنَ الْجِيْفِ.

أَبِي يَعْتَرُونَ، أَمْ إِيَّايَ يَخْدَعُونَ، أَمْ عَلَيَّ يَتَجَبَّرُونَ؟! فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ لَا أَبْعَثَنَّ لَهُمْ فِتْنَةً تَطَأُ فِي خِطَامِهَا (8) حَتَّى تَبْلُغَ أَطْرَافَ الْأَرْضِ، تَتْرُكُ الْحَكِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ. (9).

- 1- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 354 ح 7895 عن أبي بن كعب، كنز العمال: ج 10 ص 203 ح 29067 نقلاً عن الديلمي عن أنس؛ بحار الأنوار: ج 70 ص 218 وراجع مجمع البيان: ج 9 ص 41.
- 2- الكافي: ج 1 ص 46 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 328 ح 906، كتاب سليم بن قيس: ج 2 ص 718 وفيهما «منهوم» بدل «طالب» وكلها عن سليم بن قيس عن الإمام علي عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 246 ح 719 عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «المال» بدل «دنيا»، بحار الأنوار: ج 2 ص 35 ح 37.
- 3- طامن: سکن وانخفض (المعجم الوسيط: ج 2 ص 566 «طمان»).
- 4- نهج البلاغة: الخطبة 32؛ إعجاز القرآن: ص 148 ح 227.
- 5- المارق: الخارج عن الدين (مجمع البحرين: ج 3 ص 1689 «مرق»).
- 6- غرر الحكم: ح 10405، عيون الحكم والمواعظ: ص 527 ح 9596.
- 7- المسك: الجلد، الجمع: مسوك (تاج العروس: ج 13 ص 640 «مسك»).
- 8- الخطام: مقدم الأنف والشم (المصباح المنير: ص 174 «خطم»).
- 9- قرب الإسناد: ص 28 ح 93، ثواب الأعمال: ص 304 ح 2 نحوه وفيه «يجترون» بدل «يتجربون» وكلاهما عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 73 ص 371 ح 4 وراجع عيون الأخبار لابن قتيبة: ج 2 ص 270.

47. جامع الأخبار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرکس با کار آخرت در پی دنیا باشد، او را در آخرت، بهره ای نباشد. 48. التوحید یاسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهما السلام: طالب علم و طالب دنیا و طالب علم. پس هر که از دنیا به آنچه خداوند برایش روا شمرده است، بسنده کند، به سلامت می ماند و هرکه آن را از غیر حلالش به دست آورد، نابود می شود، مگر آن که توبه کند یا برگردد (1) و هرکه علم را از اهلس فراگیرد و به علم خویش عمل کند، نجات می یابد و هرکه مرادش از [تحصیل] علم [رسیدن به] دنیا باشد، همان دنیا بهره اوست [و در آخرت، نصیبی ندارد]. 49. الخصال یاسناده عن الحسين بن علي عن أبيه عليّ علیهما السلام: مردم، چهار دسته اند: ... دسته ای از ایشان، کسانی اند که با اعمال آخرت، دنیا را می طلبند و با کار دنیا، در پی به دست آوردن آخرت نیستند، تظاهر به فروتنی و وقار می کنند، گام هایشان را نزدیک به هم بر می دارند [آهسته و سر به زیر، راه می روند]، دامن جامه شان را [برای حفظ از آلودگی] جمع می کنند، خویشتن را امانتدار جلوه می دهند و پرده پوشی خداوند [از گناهان] را وسیله ای برای گناه و نافرمانی قرار می دهند. 50. الأمالی یاسناده عن الحسين بن عليّ الشهید عن أبيه امام علی علیه السلام: دنیا را با کار آخرت معجوی و این جهان را بر آن جهان برمگزین که این، خوی مناققان و خصلت از دین خارج شدگان است. 51. الخصال یاسناده عن الحسين بن عليّ بن أبي طامام باقر علیه السلام: خداوند - تبارک و تعالی - کتابی از کتاب هایش را بر پیامبری از پیامبرانش فر فرستاد و در آن آمده بود:

«به زودی، بندگان از مخلوقات من خواهند آمد که دنیا را به واسطه دین می خورند، لباس میس بر دل هایی می پوشند که چون دل های گرگ هاست و

تلخ تر از صبر زرد. (2) زبان هایشان شیرین تر از عسل است و کردارهای باطنی شان متعفن تر از مُردار.

آیا به من غره می شوند، یا مرا می فریبد، یا بر من بزرگی می نمایند؟! به عزّتم سوگند، فتنه ای بر آنان انگیزم که افساز گسیخته پیش می رود تا آن که همه جای زمین را فرا می گیرد و خردمند را در خود، حیران می کند...» .

1- توبه کند و از ظلم به مردم باز ایستد. احتمال دارد تعبیر «أو يراجع» که در متن عربی آمده، تردیدی از سوی راوی باشد. احتمال هم دارد «أو» و او تفسیری باشد؛ یعنی توبه کند و از خطاها و گناهانش دست بکشد. احتمال هم دارد که به صیغه مجهول باشد؛ یعنی خداوند با فضل خود، او را بازگرداند.

2- صبر زرد که در عربی بدان «صبر» گفته می شود، گیاهی است با گل های زرد یا قرمز و عصاره ای تلخ که برای درمان مورد استفاده قرار می گیرد.



1 / 3 خصائص الدنيا 1 / 3 \_ 1 مزرعة الشر الكتاب «ولا يحسد بن الذين يخلون بما آتاهم الله من فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم سيطقون ما خلوا به يوم القيامة ولله ميراث السموات والأرض والله بما تعملون خبير» . (1)

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» . (2)

الحديث 60. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللامام علي عليه السلام: الدنيا مزرعة الشر . (3)

1- آل عمران : 180 .

2- الزلزلة : 8 .

3- غرر الحكم : ح 401 وح 693 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 38 ح 834 .

## 1 / 3 ویژگی های دنیا

### 1 / 3\_1 کشتزار بدی

1 / 35 ویژگی های دنیا 1 / 3\_1 کشتزار بدی قرآن «و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود عطایشان کرده است ، بخل می ورزند ، هرگز گمان نکنند که آن [بخل] برای ایشان خوب است ؛ بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه به آن بخل ورزیده اند ، در روز قیامت ، طوق گردنشان می شود. میراث آسمان ها و زمین ، از آن خداست و خدا به آنچه می کنید ، آگاه است» .

«و هرکس به سنگینی ذره ای بدی کند ، آن را می بیند» .

حدیث 69. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ في دُعاء عَرَفَةَ \_ ) امام علی علیه السلام : دنیا، کشتزار بدی است.

70. التوحيد عن عمرو بن جميع عن جعفر بن محمد عليه السعنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْدِنُ الشَّرِّ وَمَحَلُّ الغُرُورِ . (1) راجع : ص 106 (الدنيا مزرعة الآخرة) .

1 / 3 \_ 2 سوقُ الخُسرانِ الكتاب «وَالْعَصْرُ \* إِنَّ الْأَنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» . (2)

الحديث 77. الرسالة القشيرية: الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا سَوْقُ الخُسرانِ . (3) راجع : ص 106 (الدنيا مزرعة الآخرة) .

1 / 3 \_ 3 دارُ الغُرُورِ الكتاب «وَمَا الحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَّعُ الغُرُورِ» . (4)

«رُزِينٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالبَنِينَ وَالقَنَاطِيرِ المُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّةِ وَالخَيْلِ المُسَوَّمَةِ وَالأَنْعَامِ وَالحَرْثِ ذَلِكَ مَتَّعُ الحَيَوةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ المَبَاقِ» . (5)

راجع : البقرة : 212 والأَنْعَامِ : 70 والأعراف : 51 والكهف : 46 والجاثية : 35 .

1- غرر الحكم : ح 1473 .

2- العصر : 1 \_ 3 .

3- غرر الحكم : ح 396 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 18 ح 18 .

4- آل عمران : 185 .

5- آل عمران : 14 .

**1 / 3\_2 بازار زیانکاری**

**1 / 3\_3 سرای فریب**

85. کامل الزیارات عن میسر بن عبد العزیز عن ابي جعفر امام علی علیه السلام: دنیا، معدن بدی و جایگاه فریب است. ر. ک: ص 107 (دنیا، کشتزار آخرت).

1 / 3\_2 بازار زیانکاری قرآن «سوگند به عصر، که به راستی انسان، دست خوش زیان است، مگر کسانی که گرویدند و کارهای شایسته کردند و همدیگر را به حق سفارش نمودند و به شکیبایی توصیه کردند».

حدیث 92. بستان الواعظین: امام علی علیه السلام: دنیا، بازار زیان است. ر. ک: ص 107 (دنیا، کشتزار آخرت).

1 / 3\_3 سرای فریب قرآن «و زندگی دنیا، جز مایه فریب نیست».

«دوستی خواستی ها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب های نشاندار و چارپایان و کشتزار، برای مردم آراسته شده؛ [لیکن] اینها بر خورداری زندگی دنیاست، حال آن که بازگشتگاه نیکو، نزد خداست».

ر. ک: بقره: آیه 212، انعام: آیه 70، اعراف: آیه 51، کهف: آیه 46، جاثیه: آیه 35.

الحديث 101. الحكايات بإسناده عن الحسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَالْعِبَادَةِ، وَأَزْهَدُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الرَّاهِدَةَ فِيكُمْ؛ فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ، دَارٌ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ. كَمِ مِنْ مُعْتَرِّبٍ بِهَا قَدْ أَهْلَكَتُهُ، وَكَمِ مِنْ وَائِقٍ بِهَا قَدْ خَانَتْهُ، وَكَمِ مِنْ مُعْتَمِدٍ عَلَيْهَا قَدْ خَدَعَتْهُ وَأَسْلَمَتْهُ. (1) 102. المناقب والمثالب: الإمام علي عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ، لَا تَعْرَتِكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ، وَبِالْفَنَاءِ مَعْرُوفَةٌ، وَبِالْغَدْرِ مَوْصُوفَةٌ. (2) 103. الفتوح: عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا رَنَقٌ (3) مَشْرَبٌ، رَدْعٌ (4) مَشْرَعٌ، يُونُقٌ (5) مَنْظَرٌ، وَيُوبِقٌ (6) مَخْبَرٌ، غُرُورٌ حَائِلٌ، وَضَوْءٌ آفِلٌ، وَظِلٌّ زَائِلٌ، وَسِينَادٌ مَائِلٌ. (7) 104. الأمالي عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد علعنه عليه السلام: الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ، وَسَرَابٌ زَائِلٌ، وَسِينَادٌ مَائِلٌ. (8) 105. الخرائج والجرائح عن أبي حمزة عن علي بن الحسين عنعنه عليه السلام: فِي صِفَةِ الدُّنْيَا: تَعْرُ وَتَضُرُّ وَتَمُرُّ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَرْضَهَا ثَوَابًا لِأَوْلِيَائِهِ، وَلَا عِقَابًا لِأَعْدَائِهِ. (9).

- 1- الأمالي للصدوق: ص 354 ح 432 عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ص 488، مشكاة الأنوار: ص 450 ح 1509 وفيه «غدارة» بدل «غزارة»، بحار الأنوار: ج 73 ص 87 ح 51.
- 2- تاريخ دمشق: ج 42 ص 500 عن صالح العجلي، تذكرة الخواص: ص 123 نحوه، المناقب للخوارزمي: ص 370 ح 389 كلاهما عن عبد الله بن صالح العجلي عن رجل من بني شيبان وزاد فيهما «ولا يعزتكم بالله الغرور» بعد «الدنيا»، كنز العمال: ج 16 ص 201 ح 44224؛ بحار الأنوار: ج 73 ص 117 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ وفيه «بالعناء» بدل «بالفناء».
- 3- ماء رنق وعيش رنق: أي كدر (الصحاح: ج 4 ص 1485 «رنق»).
- 4- رَدْعٌ: وَحَل (مجمع البحرين: ج 2 ص 692 «ردع»).
- 5- الأثق: الفرغ والسرور. والشيء الأثيق: المعجب (النهاية: ج 1 ص 76 «أثق»).
- 6- وَيَبِقُ: هلك (النهاية: ج 5 ص 146 «وبق»).
- 7- نهج البلاغة: الخطبة 83، بحار الأنوار: ج 73 ص 116 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.
- 8- غرر الحكم: ح 2053 وح 3669، عيون الحكم والمواعظ: ص 20 ح 112 وص 145 ح 3233 نحوه.
- 9- نهج البلاغة: الحكمة 415، روضة الواعظين: ص 483، غرر الحكم: ح 513 وفيه صدره، بحار الأنوار: ج 73 ص 132 ح 136؛ مطالب السؤول: ص 57.

حدیث 107. الأُمالی یاسنادہ عن الحسن بن علی بن علی بن ابیہامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ: پارسایی و سختکوشی و عبادت در پیش بگیرد و به این دنیایی که به شما پشت می کند، پشت کنید؛ زیرا دنیا فریبکار است و سرای نیستی و نابودی است. چه بسیار کسانی که فریفته دنیا شدند و دنیا نابودشان کرد و چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند، ولی دنیا به آنان خیانت کرد. چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند؛ لیکن دنیا آنان را بازی داد و تنهایشان گذاشت. 108. الخصال عن فاطمة بنت الحسن عن أبيها عليه السلام: امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! زنهار، زندگی دنیا شما را فریبید که دنیا، سرایی است آکنده از گرفتاری، شناخته شده به نابودی و موصوف به بی وفایی. 109. الأُمالی یاسنادہ عن الحسن بن علی بن ابیہ علی بن امام علی علیه السلام: دنیا، آبشخورش تیره است، چشمه اش گل آلود است، ظاهرش شگفتی آور و درونش هلاکت بار است. فریبی از میان رونده است [سراب گونه است]، نوری غروب کننده، سایه ای رفتنی و تکیه گاهی ناستوار است. 110. الإرشاد عن الإمام الحسن عليه السلام: امام علی علیه السلام: دنیا، فریبی از میان رفتنی است و سرابی زایل شدنی و تکیه گاهی ناستوار. 111. الطبقات الكبرى عن يزيد الرشك: امام علی علیه السلام \_ در وصف دنیا \_ می فریبد و زیان می زند و می گذرد. خداوند متعال، آن را نه به عنوان پاداشی برای دوستان خود پسندیده است، نه کیفری برای دشمنانش.

112. تاريخ الطبري عن حميد بن مسلم: عنه عليه السلام \_ أيضا \_ :عَرَاةٌ؛ غُرُورٌ ما فيها، فَايَّةٌ؛ فَايَةٌ مَن عَلِيَّهَا، لا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِّنْ أَرْوَادِهَا إِلَّا التَّقْوَى . (1) 113. مقتل الحسين ( \_ فِي وَقَائِعِ عَاشُورَاءَ \_ ) عنه عليه السلام :إِحْدَرُوا الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا عَدَارَةٌ عَرَاةٌ خَدُوعٌ، مُعْطِيَةٌ مَنُوعٌ، مُلْبَسَةٌ نَزُوعٌ، لا يَدُومُ رِخَاؤُهَا، ولا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا، ولا يَرْكُدُ بِلَاؤُهَا . (2) 114. الملهوف: عنه عليه السلام :سُرُورُ الدُّنْيَا غُرُورٌ، وَمَتَاعُهَا ثُبُورٌ (3) . (4) 115. الملهوف: عنه عليه السلام :الدُّنْيَا تُغْوِي . (5) 116. نزهة الناظر: عنه عليه السلام :خَطَرُ الدُّنْيَا يَسِيرٌ، وَحَاصِلُهَا حَقِيرٌ، وَيَهْجَتْهَا زُورٌ، وَمَوَاهِبُهَا غُرُورٌ . (6) 117. الفتوح عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فِي جَوَابِهِ لِمَرْوَانَ لَمَّا قَالَ لَهُ: إِنِّي أُمٌّ ) عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ عَرَاةٌ خَدَاعَةٌ، تَنْكُحُ فِي كُلِّ يَوْمٍ بَعْلًا، وَتَقْتُلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ أَهْلًا، وَتُفَرِّقُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ شِمْلًا؛ فَكَمِ مِنْ مُنَافِسٍ فِيهَا وَرَاكِنٍ إِلَيْهَا مِنَ الْأُمَمِ السَّالِفَةِ قَدْ قَدَفْتَهُمْ فِي الْهَاطِئَةِ، وَدَمَّرْتَهُمْ تَدْمِيرًا، وَتَبَرَّتَهُمْ (7) تَبِيرًا، وَأَصْلَتْهُمْ سَعِيرًا! (8) 118. الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فِي جَوَابِهِ لِمَرْوَانَ حِينَ قَالَ لَهُ: إِنِّي أُمٌّ ) عنه عليه السلام \_ فِي الْمُنَاجَاةِ \_ :إِلَهِي، كَيْفَ بَنَيْتَهُ فِي دَارٍ حُفِرَتْ لَنَا فِيهَا حَفَائِرُ صَرَغَتِهَا، وَفَتِلَتْ بِأَيْدِي الْمَنَايَا حَبَائِلُ غَدَرَتِهَا، وَجَرَعَتْنَا مُكْرَهِينَ جُرْعَ

مَرَارَتِهَا، وَدَلَّتْنَا النَّفْسَ عَلَى انْقِطَاعِ عَيْشَتِهَا، لَوْلَا مَا صَعَتَ (9) إِلَيْهِ هَذِهِ النَّفُوسُ مِنْ رَفَائِعِ (10) لَذَّتِهَا، وَافْتِتَانِهَا بِالْفَانِيَاتِ مِنْ فَوَاحِشِ زِينَتِهَا . إِلَهِي فَالْيَكْ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدَعَتِهَا، وَبِكَ نَسْتَعِينُ عَلَى عُيُورِ قَطَرَتِهَا . (11) .

- 1- نهج البلاغة: الخطبة 111، تحف العقول: ص 181، بحار الأنوار: ج 73 ص 114 ح 109 نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ .
- 2- نهج البلاغة: الخطبة 230، غرر الحكم: ح 3677 نحوه، بحار الأنوار: ج 73 ص 83 ح 46 .
- 3- الثُّبُورُ: الهلاك والخسران (الصحاح: ج 2 ص 604 «ثبر»).
- 4- غرر الحكم: ح 5576، عيون الحكم والمواعظ: ص 283 ح 5097 .
- 5- غرر الحكم: ح 25، عيون الحكم والمواعظ: ص 36 ح 734 .
- 6- غرر الحكم: ح 5074، عيون الحكم والمواعظ: ص 242 ح 4614 وفيه «وعاجلها» بدل «وواصلها» .
- 7- تَبَرُّهُ تَبِيرًا: كَسَّرَهُ وَأَهْلَكَهُ (الصحاح: ج 2 ص 600 «تبر»).
- 8- الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص 685 ح 1456 عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 77 ص 374 ح 36 .
- 9- صَعَتُ: مَالَتْ (المصباح المنير: ص 342 «صغى»).
- 10- الرَّفْعُ: سَعَةُ الْعَيْشِ وَالخَصْبِ وَالسَّعَةِ (لسان العرب: ج 8 ص 430 «رفع»).
- 11- البلد الأمين: ص 315، المصباح للكفعمي: ص 491 وفيه «رفائع» بدل «رفائع» وكلاهما عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 94 ص 104 ح 14 .





126. المناقب عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ في قوله تعالى : { Q } «الَّذِينَ إِذَا مَكَرُوا» ) الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ أميرَ المؤمنين عليه السلام لَمَّا انْقَضَتِ القِصَّةُ فيما بينَهُ وبينَ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ وعائِشَةَ بِالبَصْرَةِ ، صَعِدَ المِنْبَرَ فَحَمِدَ اللهَ وأثنى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى رَسولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ :

يا أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوءَةٌ حَضِرَةٌ ، تَقْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وتُزَيِّنُ لَهُم بِعاجِلِهَا ، وإيمُ اللهُ إِنَّهَا لَتَغُرُّ مَنْ أَمَلَهَا وتُخْلِيفُ مَنْ رَجَاهَا ، وسَتُورُثُ أقواما النَّدَامَةَ وَالْحَسْرَةَ بِإِقْبالِهِمْ عَلَيْهَا وتَنافُسِهِمْ فِيهَا ، وَحَسَدِهِمْ وَبَغْيِهِمْ عَلَى أَهْلِ الدِّينِ وَالْفَضْلِ فِيهَا ظُلْمًا وَعُدوانًا وَبَغيًا وَأَسْرًا (1) وَبَطْرًا . (2) 127. الفتوح عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه عليه السلام : أوصيكمُ عبادَ اللهِ بِتَقْوَى اللهِ . . . فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الدُّنْيَا وَلَا تَرَكَنوا إِلَيْهَا ؛ فَإِنَّها دارٌ غُرُورٍ ، كَتَبَ اللهُ عَلَيْها وَعَلَى أَهْلِها الفَناءَ ، فَتَزَوَّدوا مِنْها الَّذي أَكْرَمَكُم اللهُ بِهِ مِنَ التَّقْوَى وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ ، فَإِنَّهُ لا يَصِلُ إِلى اللهِ مِنَ أَعْمالِ العِبادِ إِلاَّ ما حَلَصَ مِنْها ، ولا يَتَقَبَّلُ اللهُ إِلاَّ مِنَ المُتَّقِينَ . (3) .

1- الأَشْرُ : البَطْرُ ، وقيل : أَشَدُّ البَطْرِ (النهاية : ج 1 ص 51 «أشْر»).

2- الكافي : ج 8 ص 256 ح 368 عن سلام بن المستنير ، بحار الأنوار : ج 32 ص 233 ح 186 .

3- الكافي : ج 3 ص 422 ح 6 عن محمد بن مسلم .

128. کمال الدین یاسناده عن الحسين عن أبيه علي صلوات الامام باقر عليه السلام: امير مؤمنان عليه السلام، چون ماجرای میان او و طلحه و زبیر و عایشه در بصره پایان یافت، بر منبر رفت و حمد و ثنای خداوند به جای آورد و بر پیامبر خدا درود فرستاد و آن گاه فرمود: «ای مردم! دنیا شیرین و دل پذیر است، مردم را با خواست ها می فریبد و زرق و برق گذرای خود را در نگاه آنان می آراند. سوگند به خدا که دنیا ، هر که را آرزومند آن شود، می فریبد و هر که را بدان امید بندد ، نوید می سازد و به زودی ، مردمانی را که به آن روی آورده اند و در آن به رقابت برخاسته اند و بر سر آن بر یکدیگر حسادت می ورزند و بر اهل دین و فضیلت ستم و تعدی و زورگویی و سرکشی و گستاخی می کنند، دچار پشیمانی و افسوس خواهد کرد. 129. الكافي عن الحكم بن عتيبة: امام باقر عليه السلام: ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می کنم... زنهار، دنیا شما را نفریبد و به آن دل مبنید که دنیا، فریبده ای بیش نیست و خداوند، برای آن و اهلش نابودی رقم زده است. پس، از دنیا توشه تقوا و کار نیک بگیرید، که خداوند، ارجمندی شما را در آنها نهاده است؛ زیرا از اعمال بندگان، تنها آن عملی به درگاه خداوند می رسد که پاک و خالص باشد، و خدا فقط از پرهیزگاران می پذیرد. .

130. شواهد التنزيل عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها الحسين الإمام علي عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : مَضَى الدَّهْرُ وَالْأَيَّامُ وَالذَّنْبُ حَاصِلٌ وَأَنْتَ بِمَا تَهْوَى عَنِ الْحَقِّ غَافِلٌ سُرُورُكَ فِي الدُّنْيَا غُرُورٌ وَحَسْرَةٌ وَعَيْشُكَ فِي الدُّنْيَا مُحَالٌ وَبَاطِلٌ (1) 131. تأويل الآيات الظاهرة عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ لأصحابه بالطَّفِّ \_ ) عنه عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : جَمِيعُ فَوَائِدِ الدُّنْيَا غُرُورٌ وَلَا يَبْقَى لِمَسْرُورٍ سُرُورٌ فَقُلْ لِلشَّامِتِينَ بِنَا أَفِيقُوا فَإِنَّ نَوَائِبَ الدُّنْيَا تَدُورُ (2) راجع : ص 240 (حقيقة الدنيا الذميمة / الاغترار بالدنيا) و 352 (التحذير من الاغترار بالدنيا) .

1 / 3 \_ 4 دَارُ لَعِبٍ وَلَهُوَ الْكِتَابُ «وَمَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» . (3)

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» . (4)

«إِنَّمَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ» . (5)

«اعْلَمُوا أَنَّ مَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَعْوَالِ دِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطًّا مَا وَفَى الْآخِرَةَ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» . (6)

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص 412 الرقم 326 .

2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص 258 الرقم 178 .

3- .الأنعام : 32 .

4- .العنكبوت : 64 .

5- .محمد: 36 .

6- .الحديد : 20 .

## 1 / 3 - 4 سرای بازی و سرگرمی

141. روضة الواعظین عن الحسین بن علیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - روزگار و روزها گذشت و حاصلش گناه بود /

و تو به سبب هواهای نفسانی ات ، از حق غافل .

شادی تو در دنیا ، فریب و حسرتی بیش نیست

و زیست تو در دنیا ، محال و ناشدنی است . 142. صحیح البخاری عن ابن شهاب عن علی بن حسین علیه السلام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - : همه منافع دنیا فریب است / و شادی هیچ شادمانی پایدار نمی ماند . به دشمنی شادان ما بگو: به هوش باشید / که مصیبت های دنیا می چرخد [و نوبت شما هم می رسد] . ر . ک : ص 241 (حقیقت دنیای نکوهیده / فریفته شدن به دنیا) و 353 (بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا) .

1 / 3 - 4 سرای بازی و سرگرمی «و زندگی دنیا ، جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری می کنند ، بهتر است . آیا نمی اندیشید؟» .

«و این زندگی دنیا ، جز سرگرمی و بازی نیست، و سرای آخرت است که زندگی [حقیقی] است . ای کاش می دانستند!» .

«زندگی دنیا، در حقیقت، يك بازی و سرگرمی است و اگر شما ایمان آورید و تقوا پیشه کنید ، مزدهای شما را می دهد، و از شما امواتان را [در عوض] نمی خواهد» .

«بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در دارایی ها و فرزندان است. [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] به شگفتی اندازد، سپس [آن کشت] خشك شود و آن را زرد بینی، آن گاه ، خاشاك شود. و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا ، جز کالای فریبنده ای نیست» .

الحديث 153. معاني الأخبار عن زيد بن علي عن أبيه علي بن الحسا إمام علي عليه السلام - في ذم الدنيا - : فَبَسَّتِ الدَّارُ لِمَنْ لَمْ يَتَهَيَّبْهَا وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ ، وَأَعْلَمُوا - وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ - أَنْكُمْ تَارِكُوهَا لِأَبَدٍ ، وَإِنَّمَا هِيَ كَمَا نَعَتَ اللَّهُ : «لَعِبٌّ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَعْوَالِ - د» . (1) 1 / 3 \_ 5 دَارُ خَبَالٍ 156. الأُمالي عن عبد الرحمن بن أبي ليلى عن الحسين بن علا إمام علي عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ (2) وَوَبَالٍ وَزَوَالٍ وَانْتِقَالٍ ، لَا تُسَاوِي لِدَانَتِهَا تَنْغِيصَهَا ، وَلَا تَقِي سُعُودَهَا بِنُحُوسِهَا ، وَلَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهُبُوطِهَا . (3) 1 / 3 \_ 6 دَارُ مَعْصِيَةٍ 159. كشف الغمّة عن الإمام الحسين عليه السلام : الإمام علي عليه السلام : مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا ، وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا . (4) 160. المناقب عن أبي سعيد دينار عن الحسين عليه السلام : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : دَارُ الْفَنَاءِ مَقِيلٌ (5) الْعَاصِينَ ، وَ مَحَلُّ الْأَشْقِيَاءِ وَالْمُتَعَدِّينَ . (6) .

- 1- .تحف العقول : ص 182 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 98 ح 81 .
- 2- .الخبال : الفساد ، ويكون في الأفعال والأبدان والعقول (النهاية : ج 2 ص 8 «خبل»).
- 3- .غرر الحكم : ح 3480 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 151 ح 3313 .
- 4- .نهج البلاغة : الحكمة 385 ، غرر الحكم : ح 3662 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 132 ح 136 .
- 5- .المقيل : الاستراحة نصف النهار إذا اشتد الحرّ ، والمقيل - أيضا - : الموضع (لسان العرب : ج 11 ص 578 و ص 577 «قيل»).
- 6- .غرر الحكم : ح 5127 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 251 ح 4703 .

## 1 / 3 \_ 5 سرای تباهی

## 1 / 3 \_ 6 سرای نافرمانی

حدیث 162. الأُمالي عن أبان بن تغلب عن أبي جعفر محمد بن عليّ بن عليّ عليه السلام \_ در نکوهش دنیا \_ : بد سرایی است برای کسی که از آن نهراسد و در دنیا ، بیمناک نباشد، و بدانید و می دانید که به ناچار ، دنیا را ترك خواهید کرد، و دنیا چنان است که خداوند ، وصف کرده است: «بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی میانستان و فزون جویی در دارایی ها و فرزندان است». 1 / 3 \_ 5 سرای تباهی 165. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسين بن عليّ بن عليّ عليه الامام علی عليه السلام : دنیا، سرای تباهی (1) و گزند و دگرگونی و جا به جایی است، خوشی های آن با تلخی هایش برابری نمی کند، و خوش بختی هایش با بدبختی هایش همسان نیست، و فرازش با نشییش یکسان نیست. 1 / 3 \_ 6 سرای نافرمانی 168. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسين بن عليّ بن عليّ عليه الامام علی عليه السلام : از خواری و بی مقداری دنیا در نزد خداست که او ، جز در دنیا نافرمانی نمی شود و جز با ترك آن ، به آنچه [از بهشت و نعمت های ابدی که ] نزد خداست ، نمی توان رسید. 169. الأُمالي عن زید بن عليّ : امام علی عليه السلام : این سرای نیستی، خوابگاه نیم روزی نافرمانان است و جایگاه شوربختان و تجاوزگران.

---

1- . ممکن است به آیه 118 سوره آل عمران «لَا يَأْتِيَنَّكُمْ حَبَالًا» حَبَال ، به معنای شر و فساد و تباهی است و به همین جهت ، جنون را «خبل» هم می گویند ؛ چون فساد عقل است.

1 / 3 \_ 7 داؤ شَقَاءِ 172. المستدرك على الصحيحين بإسناده عن الحسين بن عليّ عالِمِام عليّ عليه السلام: إن كُنْتُمْ لِلنَّعِيمِ طَالِبِينَ ، فَاعْتَقُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ دَارِ الشَّقَاءِ . (1) 173. الإرشاد: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ الْغُرَبَاءِ ، وَمَوْطِنُ الْأَشْقِيَاءِ . (2) 1 / 3 \_ 8 داؤ الظَّالِمِينَ 176. بحار الأنوار عن أبي عبد الله الحسين عليه السلام: الخواطر: قيلَ : أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُوسَى ، مَا لَكَ وَلِدَارِ الظَّالِمِينَ؟! إِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ بِدَارٍ ، أَخْرَجَ مِنْهَا هَمَّكَ ، وَفَارَقَهَا بِعَقْلِكَ ، وَبَسَّتِ الدَّارُ هَيَّ ، إِلَّا لِلْعَامِلِ فِيهَا فَنَعَمَتِ الدَّارُ هَيَّ . (3) 177. الملهوف عن عمر بن عليّ بن أبي طالب عن الحسين بن عالكافي عن عليّ بن عيسى رَفَعَهُ : إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاةَ اللَّهِ \_ تَبَارَكَ وَتَعَالَى \_ فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاةِهِ : يَا مُوسَى ، طِبَّ نَفْسَا عَنِ الدُّنْيَا وَانظُرْ عَنهَا ، فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ وَاسْتَلْهَا ، مَا لَكَ وَلِدَارِ الظَّالِمِينَ! إِلَّا لِعَامِلٍ فِيهَا بِالْخَيْرِ ؛ فَإِنَّهَا لَهُ نِعَمَ الدَّارِ . (4) 178. عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن عليّ عن عليالمام الباقر عليه السلام: إنَّ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ : إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ بِعَمَلِهِ ، وَلَا نِقْمَةً لِلْفَاجِرِ [بِقَدْرِ] (5) ذَنْبِهِ ، وَهِيَ دَارُ الظَّالِمِينَ ، إِلَّا الْعَامِلَ فِيهَا بِالْخَيْرِ ؛ فَإِنَّهَا لَهُ نِعَمَتِ الدَّارِ . (6) .

1- غرر الحكم : ح 3745 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 163 ح 3479 وفيه «شقاء الدنيا» بدل «دار الشقاء» .

2- غرر الحكم : ح 1206 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 46 ح 1131 .

3- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 132 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 302 .

4- الكافي : ج 8 ص 47 ح 8 ، تحف العقول : ص 494 من دون إسنادٍ إلى الراوي ، أعلام الدين : ص 221 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 36 ح 7 .

5- ما بين المعقوفين سقط من المصدر ، وأثبتناه من بحار الأنوار .

6- قصص الأنبياء : ص 162 ح 183 عن قتيبة الأعشى ، بحار الأنوار : ج 73 ص 104 ح 97 .

## 1 / 3 \_ 7 سرای بدبختی

## 1 / 3 \_ 8 سرای ستمکاران

1 / 3 \_ 7 سرای بدبختی 181. کتاب سلیم بن قیس: امام علی علیه السلام: اگر خواهان نیک بختی و راحتی هستید، پس جان هایتان را از [بندگی این] سرای شوربختی، آزاد سازید. 182. الإرشاد ( \_ في ذكر مسير الإمام الحسين عليه السلام ) امام علی علیه السلام: دنیا، خانه [موقت] غریبان است و وطن شوربختان. 1 / 3 \_ 8 سرای ستمکاران 185. التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: تنبيه الخواطر: گفته شده که خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود: «ای موسی! تو را با سرای ستمکاران چه کار؟! دنیا، سرای تو نیست، همّت را از آن بیرون بر و با خردت از آن جدا شو. دنیا، بدسرای است، مگر برای کسی که در آن به کار و عمل پردازد که در این صورت، دنیا، سرای خوبی است. 186. الاستنصار عن أبي الجارود عن أبي جعفر محمد بن علي الكافي \_ به نقل از علی بن عیسی، در حدیثی که سندش را به معصوم علیه السلام رسانده است \_ : خداوند \_ تبارک و تعالی \_ با موسی علیه السلام مناجات کرد و در مناجاتش به او گفت: «ای موسی! دل و جان را از دنیا رها کن و از آن روی بگردان؛ زیرا نه دنیا برای توست و نه تو برای دنیایی تو را با سرای ستمکاران چه کار؟! مگر این که کسی در آن، کار نیک کند که در این صورت، برای او نیکو سرایی است». 187. كفاية الأثر عن إبراهيم بن يزيد السّمان عن أبيه عنامام باقر علیه السلام: از جمله مناجات های خداوند با موسی علیه السلام این بود که فرمود: «دنیا، نه پاداشی است برای عمل مؤمن، و نه کیفر گناه گنهکار است. دنیا، سرای ستمکاران است، مگر این که کسی در آن، کار نیک کند که در این صورت، برای او نیکو سرایی است».



1 / 3 \_ 9 دارُ الفاسِقِينَا لكتاب: «سَأْرِبِكُمْ دَارَ الْفَسَقِينِ». (1).

الحديث: 193. كمال الدين ياسناده عن الحسين بن عليّ عليهما السلام تفسير العياشي: عن محمد بن سابق بن طلحة الأنصاري: كان مما قال هارونُ لإبي الحسنِ موسى عليه السلام حينَ أُدخِلَ عَلَيْهِ: ما هذه الدارُ؟

قال: هذه دارُ الفاسِقِينِ. قال: وقرأ: «سَأَصَّرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلاًّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا» (2).

فقال له هارون: فدارُ من هي؟

قال: هي لِشيعتنا فترّة، ولغيرهم فتنّة.

قال: فما بالُ صاحبِ الدارِ لا يأخذُها؟

قال: أُخِذَتْ مِنْهُ عامِرَةٌ، ولا يأخذُها إلاّ معمورة. (3) 1 / 3 \_ 10 دارُ من لا دارَ له 196. كفاية الأثر عن محمد بن مسلم: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدنيا دارُ من لا دارَ له، ولها يجمعُ من لا عقلَ له. (4).

1- الأعراف: 145.

2- الأعراف: 146.

3- تفسير العياشي: ج 2 ص 29 ح 78، الإختصاص: ص 262، بحار الأنوار: ج 48 ص 138 ح 13.

4- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 344 ح 24473، ذمّ الدنيا لابن أبي الدنيا: ص 92 ح 182، شعب الإيمان: ج 7 ص 375 ح 10638 وفيهما بزيادة «ومال من لا مال له» بعد «لا دار له» وكلّها عن عائشة، كنز العمال: ج 3 ص 186 ح 6086؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 340 ح 2660 عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج 73 ص 54 ح 26.



حدیث 1285). فرزندش امام رضا علیه السلام نیز برای پذیرفتن ولایت عهدی مأمون همین جمله را تکرار فرمود.

206. كفاية الأثر بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا دَارٌ مِّنْ لَا دَارَ لَهُ، وَمَالٌ مِّنْ لَا مَالَ لَهُ، وَلَهَا يَجْمَعُ مِّنْ لَا-عَقْلَ لَهُ، وَشَهَوَاتُهَا يَطْلُبُ مِّنْ لَا-فَهْمَ لَهُ، وَعَلَيْهَا يُعَادِي مِّنْ لَا عِلْمَ لَهُ، وَعَلَيْهَا يَحْسَدُ مِّنْ لَا فِقْهَ لَهُ، وَلَهَا يَسْعَى مِّنْ لَا يَقِينَ لَهُ.

(1) 207. كفاية الأثر بإسناده عن الحسين عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : الدَّارُ دَارٌ مِّنْ لَا دَارَ لَهُ، وَبِهَا يَفْرَحُ مِّنْ لَا-عَقْلَ لَهُ، فَأَنْزَلُوهَا مَنْزِلَتَهَا . (2) 208. كفاية الأثر عن زيد بن عليّ عن عليّ بن الحسين عن الإمام الصادق عليه السلام: خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مَحْزُونٌ، فَأَتَاهُ مَلَكٌ وَمَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، هَذِهِ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ، يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ: افْتَحْ وَخُذْ مِنْهَا مَا شِئْتَ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَنْقُصَ شَيْئًا عِنْدِي .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الدُّنْيَا دَارٌ مِّنْ لَا دَارَ لَهُ، وَلَهَا يَجْمَعُ مِّنْ لَا عَقْلَ لَهُ .

فَقَالَ الْمَلَكُ : وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَقَدْ سَمِعْتُ هَذَا الْكَلَامَ مِنْ مَلَكٍ يَقُولُهُ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ حِينَ أُعْطِيَتْ الْمَفَاتِيحُ! (3) 1 / 3 - 11 أَقْرَبُ دَارٍ مِّنْ سَخَطِ اللَّهِ 211. كمال الدين عن عبد الله بن عمر: الإمام عليّ عليه السلام - يَصِفُ الدُّنْيَا - : أَقْرَبُ دَارٍ مِّنْ سَخَطِ اللَّهِ، وَأَبْعَدُهَا مِّنْ رِّضْوَانِ اللَّهِ؛ فَغَضُّوا عَنْكُمْ - عِبَادَ اللَّهِ - غُمُومَهَا وَأَشْغَالَهَا، لِمَا قَدْ أُيْقِنْتُمْ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَرُّفِ حَالَاتِهَا . (4) .

1- .مشكاة الأنوار : ص 467 ح 1560 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 70 ، روضة الواعظين : ص 491 ، إرشاد القلوب : ص 186 وليس فيه «ومال مِّنْ لَا مَالَ لَهُ» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 123 ح 111 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 300 وليس فيه «وشهواتها يطلب من لا فهم له» .

2- .شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 309 ح 542 .

3- .الكافي : ج 2 ص 129 ح 8 عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ج 73 ص 54 ح 26 .

4- .نهج البلاغة : الخطبة 161 .

**1 / 3 \_ 10 سرای کسی که سرایی ندارد****1 / 3 \_ 11 نزدیک ترین سرا به خشم خداوند**

212. إثبات الهداة عن ثابت بن دينار عن أبي جعفر عليه السلام خبره صلى الله عليه وآله: الدنيا، سرای کسی است که سرایی ندارد و دارایی کسی است که مالی ندارد و کسی از بهر آن گرد می آورد که خرد ندارد و کسی در پی خواسته های دنیوی می رود که فهم ندارد، و کسی بر سر دنیا دشمنی می ورزد که شناخت ندارد و کسی به خاطر آن حسادت می ورزد که دانایی ندارد و کسی برای آن تلاش می کند که [به آخرت] یقین ندارد. 213. کمال الدین یاسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام ما قاله عليه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : دنیا، سرای کسی است که سرایی ندارد و کسی به آن شاد می شود که خرد ندارد . پس دنیا را در جایگاه [واقعی] خودش قرار دهید. 214. كفاية الأثر عن يحيى بن جعدة بن هبيرة عن الحسين بن ( \_ في جواب رجلٍ سأله عن الأئمة \_ ) امام صادق عليه السلام : روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که غمگین بود ، بیرون آمد. فرشته ای با کلیدهای خزانه های زمین ، نزد ایشان آمد و گفت: «ای محمّد! اینها کلیدهای خزانه های زمین است . پروردگارت به تو می گوید: [خزانه ها را] باز کن و از آنها هر اندازه که می خواهی ، بردار ، بی آن که از آنچه [از مقام و پاداش] نزد من داری ، چیزی کم شود».

پیامبر خدا فرمود: دنیا ، سرای کسی است که سرایی ندارد و کسی برای آن گرد می آورد که خرد ندارد.

فرشته گفت: «سوگند به آن که تو را به حق به پیامبری برانگیخت، هنگامی که در آسمان چهارم کلیدها به من داده شد ، از فرشته ای نیز شنیدم که همین سخن را می گفت» . 1 / 3 \_ 11 نزدیک ترین سرا به خشم خداوند 217. دلائل الإمامة عن الزهري عن عليّ بن الحسين عن أبيه امام عليّ عليه السلام \_ در وصف دنیا \_ : نزدیک ترین سرا به خشم و ناخشنودی خداوند و دورترین سرا به خشنودی خداست . پس \_ ای بندگان خدا \_ غم ها و

مشغله های دنیا را از خود ، کم کنید؛ زیرا به جدایی دنیا و ناپایداری حالات آن ، یقین دارید.

1 / 3 \_ 12 سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ 220. كمال الدين بإسناده عن الحسين بن عليّ عن أبيه أمير رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ ، وَجَنَّةُ الْكَافِرِ . (1) 221. عقد الدرر عن الحسين بن عليّ عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا لَا تَصْفُو لِمُؤْمِنٍ ، كَيْفَ وَهِيَ سِجْنُهُ وَبَلَاؤُهُ؟! (2) 222. كتاب من لا يحضره الفقيه عن سالم عن أبي عبد الله عليه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ ، فَأَيُّ سِجْنٍ جَاءَ مِنْهُ خَيْرٌ؟! (3) 223. مستدرک الوسائل عن مسروق: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ ، لَا رَاحَةَ لِمُؤْمِنٍ دُونَ لِقَاءِ اللَّهِ . (4) 224. كتاب من لا يحضره الفقيه: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَسُنَّتُهُ (5) ، فَإِذَا فَارَقَ الدُّنْيَا فَارَقَ السَّجْنَ وَالسَّنَةَ . (6) 225. المحاسن عن زيد بن أرقم عن الحسين بن عليّ عليه السعنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ ، فَأَمَّا (7) الْمُؤْمِنُ فَمَرَّوْعٌ فِيهَا ، وَأَمَّا الْكَافِرُ فَمُتَمَتِّعٌ مِنْهَا . (8) .

- 1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 363 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 53 ، الأمالي للطوسي : ص 346 ح 715 عن سلمان ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 47 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 99 ح 84 ؛ صحيح مسلم : ج 4 ص 2272 ح 1 ، سنن الترمذي : ج 4 ص 562 ح 2324 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1378 ح 4113 كلّها عن أبي هريرة ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 699 ح 6545 ، المعجم الكبير : ج 6 ص 236 ح 6087 كلاهما عن سلمان ، كنز العمال : ج 3 ص 185 ح 6081 .
- 2- .الفردوس : ج 2 ص 229 ح 3105 ، كشف الخفاء : ج 1 ص 410 ح 1317 كلاهما عن عائشة ، كنز العمال : ج 3 ص 187 ح 6090 .
- 3- .مشكاة الأنوار : ص 465 ح 1553 ، الكافي : ج 2 ص 250 ح 7 عن شعيب عن الإمام الصادق عليه السلام ، مستطرفات السرائر : ص 159 ح 32 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 68 ص 221 ح 11 .
- 4- .الفردوس : ج 2 ص 229 ح 3106 عن أبي هريرة .
- 5- .السَّنَةُ : الْجَدْبُ ، يُقَالُ : أَخَذْتَهُمُ السَّنَةُ ؛ إِذَا أَجْدَبُوا وَأَقْحَطُوا (النهاية : ج 2 ص 413 «سنه» ) .
- 6- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 635 ح 6872 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 351 ح 7882 ، الزهد لابن المبارك : ص 212 ح 598 ، الفردوس : ج 2 ص 229 ح 3104 كلّها عن عبد الله بن عمرو ، حلية الأولياء : ج 8 ص 177 عن عبد الرحمن بن عمرو ، كنز العمال : ج 3 ص 185 ح 6081 .
- 7- .في المصدر زيادة كلمة «سجن» هنا ، وحذفناها طبقا لباقي المصادر ، إذ لا يصحّ السياق معها .
- 8- .الجعفریات : ص 204 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، التمهيص : ص 48 ح 76 عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، بحار الأنوار : ج 67 ص 242 ح 77 .

**1 / 3 \_ 12 زندان مؤمن و بهشت کافر**

1 / 3 \_ 12 زندان مؤمن و بهشت کافر 228. تاریخ دمشق عن علي بن محمد بن الصايغ عن أبيه عن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است. 229. الخصال بإسناده عن الحسين عن أبيه عن علي بن أبي طالب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا به کام هیچ مؤمنی نمی شود . چگونه شود ، حال آن که دنیا ، زندان او و مایه رنج و گرفتاری اوست؟! 230. المؤمن عن سعد بن طریف : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، زندان مؤمن است. کدام زندان است که از آن ، خیر و خوشی آید؟! 231. علل الشرائع عن عبد الله بن الحسن عن علي بن الحسين پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، زندان مؤمن است . هیچ مؤمنی بدون لقای خداوند ، آسایش نمی یابد. 232. المحاسن عن إسحاق بن جریر الجریري عن رجل من أهل بی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، زندان مؤمن و قحطگاه اوست و چون از دنیا برود ، از این زندان و قحطگاه می رهد. 233. شرح نهج البلاغة عن ابن عباس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است . زندان مؤمن است ؛ چون در آن هراسان است، و بهشت کافر است؛ چون از آن برخوردار است.

234. تنبيه الخواطر: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرِ حِصْنُهُ وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَالدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرِ سِجْنُهُ وَالتَّارُ مَأْوَاهُ .  
 (1) 235. الإرشاد: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرِ حِصْنُهُ وَإِلَى الْجَنَّةِ مَصِيرُهُ، وَالدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرِ سِجْنُهُ وَإِلَى التَّارِ مَصِيرُهُ . وَإِنَّمَا صَارَتِ الدُّنْيَا لِلْمُؤْمِنِ سِجْنًا ؛ لِأَنَّ الْمَسْجُونَ مُضْطَرًّا إِلَى الصَّبْرِ . (2) 236. أنساب الأشراف عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فِي جَوَابِ مَنْ دَعَاهُ إِلَى تَقْضِي بَيْعَةِ مُعَاوِيَةَ ) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ \_ لِأَبِي ذَرٍّ \_ : يَا أَبَا ذَرٍّ ، إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرِ أَمْنُهُ وَالْجَنَّةُ مَصِيرُهُ . يَا أَبَا ذَرٍّ ، إِنَّ الدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرِ عَذَابُهُ وَالتَّارُ مَصِيرُهُ . (3) 237. أنساب الأشراف عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ لِمُحَمَّدِ بْنِ بَشِيرٍ وَسُفْيَانَ بْنِ لَيْلَى الْهَمِّ ) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ \_ أَيْضًا \_ : يَا أَبَا ذَرٍّ ، الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ ، وَمَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا حَزِينًا ، فَكَيْفَ لَا يَحْزَنُ الْمُؤْمِنُ وَقَدْ أَوْعَدَهُ اللَّهُ جَلَّ تَنَاؤُهُ أَنَّهُ وَإِذَا وَارِدُ جَهَنَّمَ وَلَمْ يَعِدْهُ أَنَّهُ صَادِرٌ عَنْهَا ! وَلِيَلْقِيَنَّ أَعْرَاضًا وَمُصِيبَاتٍ وَأُمُورًا تَغِيظُهُ ، وَلِيُظَلَمَنَّ فَلَا يُنْتَصَرُ ، يَبْتَغِي ثَوَابًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى ، فَلَا يَزَالُ حَزِينًا حَتَّى يُفَارِقَهَا ، فَإِذَا فَارَقَهَا أَفْضَى إِلَى الرَّاحَةِ وَالْكَرَامَةِ . (4) 238. أنساب الأشراف عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فِي جَوَابِ كِتَابٍ كَتَبَهُ إِلَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنْ شِ ) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ جِبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَحْسَنِ مَا كَانَ يَأْتِينِي صُورَةً ، فَقَالَ : إِنَّ السَّلَامَ

يُقْرِئُكَ السَّلَامَ يَا مُحَمَّدَ ، وَيَقُولُ : إِنِّي أَوْحَيْتُ إِلَى الدُّنْيَا أَنْ تَمْرُرِي وَتَكَلِّدِي وَتَضَعِي يَدَيْكِ وَتَشَدَّدي عَلَى أَوْلِيَائِي حَتَّى يُجِبُوا لِقَائِي ، وَتَسَدَّ هَلْيَ وَتَوَسَّعِي وَتَطْيَّبِي لِأَعْدَائِي حَتَّى يَكْرَهُوا لِقَائِي ؛ فَإِنِّي جَعَلْتُهَا سِجْنًا لِأَوْلِيَائِي وَجَنَّةً لِأَعْدَائِي . (5) .

1- .الجعفریات: ص 204 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الخصال: ص 108 ح 74 عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام ، تحف العقول: ص 363 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «الصبير حصنه» بدل «القبر حصنه» ، الاعتقادات: ص 96 عنهم عليهم السلام ، الدعوات: ص 280 ح 817 عن الإمام العسكري عليه السلام ، جامع الأحاديث للقمي: ص 78 عن علي بن صدقة الرقي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج 73 ص 91 ح 67 .

2- .الفردوس: ج 2 ص 230 ح 3107 عن ابن عمر .

3- .حلية الأولياء: ج 6 ص 353 ، كشف الخفاء: ج 2 ص 400 ح 3276 نقلًا عن الطبراني وكلاهما عن ابن عمر ؛ إرشاد القلوب: ص 18 نحوه .

4- .مكارم الأخلاق: ج 2 ص 367 ح 2661 ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 55 وفيه «أمراضا» بدل «أعراضا» ، الأمالي للطوسي: ص 529 ح 1162 ، أعلام الدين: ص 192 وليس فيهما ذيله من «وليلقين...» وكلها عن أبي الأسود الدؤلي ، بحار الأنوار: ج 77 ص 78 ح 3 .

5- .المعجم الكبير: ج 19 ص 7 ح 11 ، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 7 ص 149 ح 9800 ، الفردوس: ج 1 ص 145 ح 521 كلاهما نحوه وكلها عن قتادة بن النعمان ، كنز العمال: ج 3 ص 191 ح 6110 ؛ أعلام الدين: ص 277 نحوه ، بحار الأنوار: ج 81 ص 194 ح 52 .



239. الطبقات الكبرى: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، زندان مؤمن است. گور، پناهگاه او و بهشت، جایگاهش و دنیا، بهشت کافر است و گور، زندان او و آتش، جایگاهش. 240. دلائل الإمامة عن محمد بن یعلی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، زندان مؤمن است و گور، پناهگاه او و بهشت، سرانجامش است و دنیا، بهشت کافر است و گور، زندان او و آتش، سرانجامش. دنیا، زندان مؤمن است؛ چون زندانی، ناگزیر از صبر کردن است. 241. کنز الفوائد عن الإمام الحسين علیه السلام ( \_ حِينَ بَلَغَهُ كَلَامُ نَافِعِ بْنِ جُبَيْرٍ فِي مُعَا ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ به ابو ذر \_ : ای ابو ذر! دنیا زندان مؤمن است و گور، آرامشگاه او و بهشت، سرانجامش. ای ابو ذر! دنیا، بهشت کافر است و گور، جایگاه عذاب او و آتش دوزخ، سرانجامش. 242. شرح الأخبار عن بشر بن غالب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ به ابو ذر \_ : ای ابو ذر! دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و هیچ مؤمنی در دنیا نیست، مگر آن که اندوهگین است، و چگونه مؤمن، اندوهگین نباشد، حال آن که خداوند او را بیم در آمدن به دوزخ داده و نوید بیرون شدن از آن را به او نداده است؟! بی گمان، او پیشامدها و مصیبت ها و اموری خواهد دید که او را به خشم می آورد، و ستم ها خواهد چشید، بی آن که انتقامش گرفته شود و [از این ره گذر] پاداشی از خدای متعال می جوید. پس او همواره اندوهگین است تا آن گاه که از دنیا جدا شود و چون از دنیا رفت، به آسایش و کرامت [الهی] می رسد. 243. عیون الأخبار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، جبرئیل علیه السلام را در زیباترین چهره ای که بر من وارد می شد، نزد من فرستاد و او گفت: ای محمد! سلام، (1) به تو سلام می رساند و می گوید: «من به دنیا وحی کردم که بر دوستانم تلخ و تیره و تنگ و سخت شو

تا مشتاق دیدار من شوند و بر دشمنانم آسان و فراخ و خوش شو تا که دیدار مرا ناخوش بدانند؛ زیرا من، دنیا را زندان دوستانم و بهشت دشمنانم قرار داده ام» .

1- یکی از اسمای خداوند متعال، «سلام» است، چنان که در آیه 23 حشر آمده است.

244. تاريخ يعقوبي: الإمام علي عليه السلام: أهرّبوا من الدنيا وأصرفوا قلوبكم عنها، فإنّها سيجنّ المؤمن؛ حظّه منها قليل، وعقله بها عليل، وناظره فيها كليل (1) ! (2) 245. نشر الدرّ: عنه عليه السلام: الدنيا سيجنّ المؤمن، والموت تحفّته (3)، والجنّة مأواه. (4) 246. الإمامة والسياسة (في ذكر قدوم معاوية إلى المدينة حاج) عنه عليه السلام: الدنيا جنّة الكافر، والموت مُشخصه (5)، والنّاز مئواه. (6) 247. الفتوح (في ذكر قدوم معاوية إلى مكّة وأخذه) الإمام زين العابدين عليه السلام: لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فَإِذَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ؛ لِإِنَّهُمْ كُلَّمَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتِ أَلْوَانُهُمْ وَارْتَعَدَتِ فَرَائِصُهُمْ (7) وَوَجِبَتْ (8) قُلُوبُهُمْ، وَكَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تُشْرِقُ أَلْوَانَهُمْ وَتَهْدَأُ جَوَارِحَهُمْ وَتَسْكُنُ نُفُوسَهُمْ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: أَنْظَرُوا لَا يُبَالِي بِالْمَوْتِ!

فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ، فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ، فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرِ؟! وَمَا هُوَ إِلَّا عَدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سِجْنٍ وَعَذَابٍ، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنٌ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لَاءٌ إِلَى جَنَّتِهِمْ، وَجِسْرٌ هُوَ لَاءٌ إِلَى جَحِيمِهِمْ، مَا كَذَّبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ. (9).

- 1- الكليل: الذي لم يحقّق المنظور (النهاية: ج 4 ص 198 «كلل»).
- 2- غرر الحكم: ح 2551، عيون الحكم والمواعظ: ص 92 ح 2165.
- 3- التّحفّة: طرفة الفاكهة، ثم تستعمل في غير الفاكهة من الألفاظ (النهاية: ج 1 ص 182 «تحف»).
- 4- غرر الحكم: ح 1860.
- 5- يقال للرجل إذا أتاه ما يُقلِّقه: قد شخّص به. ومنه شخوص المسافر: خروجه عن منزله (النهاية: ج 2 ص 450 «شخص»).
- 6- غرر الحكم: ح 1861.
- 7- الفريضة: اللحمية بين الجنب والكتف، التي لا تزال تُرعد من الدابة، وجمعها فريص وفرائص (الصحاح: ج 3 ص 1048 «فرص»).
- 8- وَجِبَ الْقَلْبُ: خَفَقَ واضطرب (لسان العرب: ج 1 ص 794 «وجب»).
- 9- معاني الأخبار: ص 288 ح 3، الاعتقادات: ص 52 من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج 6 ص 154 ح 9.

248. أنساب الأشراف: امام علی علیه السلام: از دنیا بگریزید و دل هایتان را از آن بگردانید؛ زیرا دنیا، زندان مؤمن است، بهره اش از آن اندک است و خردش در [کار] آن، ناتوان است و چشمش در [دیدن] آن، ضعیف است! (1) 249. الخصال عن النضر بن مالک: امام علی علیه السلام: دنیا، زندان مؤمن است و مرگ، هدیه ای است به او و بهشت، سرپناه اوست. 250. بحار الأنوار عن بکر بن ایمن عن الحسين بن عليّ علیهما علی علیه السلام: دنیا، بهشت کافر است و مرگ، کوچاننده او و آتش، جایگاهش. 251. دعائم الاسلام: امام زین العابدین علیه السلام: [در کربلا] چون کار بر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام سخت شد، همراهانش به او نگریستند، دیدند که ایشان به خلاف ایشان است؛ چرا که هرچه کار سخت تر می شد، رنگ از چهره آنان بر می گشت و بدن هایشان به لرزه و قلب هایشان به تپش می افتاد؛ اما حسین علیه السلام و عده ای از یاران خاص او، رنگ چهره شان روشن می شد و بدن هایشان آرام می گرفت و دل هایشان تسکین می یافت. همراهان به یکدیگر گفتند: ببینید، از مرگ باکی ندارد!

حسین علیه السلام به ایشان فرمود: «صبور باشید، ای بزرگ زادگان؛ زیرا مرگ، چیزی نیست، جز پلی که شما را از رنج و سختی به سوی بهشت های پهناور و خوشی و آرامش همیشگی عبور می دهد. پس کدام يك از شما دوست ندارد که از زندانی به کاخی منتقل شود؟ و برای دشمنان شما، مرگ چیزی نیست، جز همانند کسی که از کاخی به زندان و شکنجه گاهی منتقل شود. پدرم از پیامبر خدا برایم حدیث کرد که: «دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ، پل آنان به سوی بهشتشان و پل اینان به سوی دوزخشان است. هرگز دروغ نگفته ام و به من، دروغ گفته نشده است».

---

1- مقصود، آن است که بصیرت و خردورزی مؤمن، در امور اخروی است؛ اما در تحصیل دنیای نکوهیده که مانع آخرت است، چنان بی توجه است که گویا اندیشه اش ناتوان است یا دیده اش ضعیف و نابینا.

252. الفتوح عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ لَمَّا أَمَرَهُ مَرَوَانُ بِبَيْعَةِ يَزِيدَ \_ ) الكافي عن محمد بن عجلان: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَشَدَّ كَأَيْلِيهِ رَجُلٌ الْحَاجَةَ، فَقَالَ لَهُ: إِصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ فَرْجًا، ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ الرَّجُلُ، فَقَالَ: أَخْبِرْنِي عَنْ سِجْنِ الْكُوفَةِ كَيْفَ هُوَ؟ فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ صَبِيْقٌ مُنْتَبِئٌ، وَأَهْلُهُ بِأَسْوَأَ حَالٍ!

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّمَا أَنْتَ فِي السِّجْنِ فَتُرِيدُ أَنْ تَكُونَ فِيهِ فِي سَعَةٍ؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ؟! (1) 253. مثير الأحزان عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ لِمَرَوَانَ لَمَّا أَشَارَ عَلَيَّ الْوَلِيدُ وَالِي الْمَمِ ) الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيهَا وَعَظَّ اللَّهُ بِهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ: . . . يَا عَيْسَى، إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنٌ صَبِيْقٌ مُنْتَبِئٌ الرِّيحِ وَحِشٍّ، وَفِيهَا مَا قَد تَرَى مِمَّا قَدْ أَلَحَّ عَلَيْهِ الْجَبَّارُونَ، فَإِيَّاكَ وَالدُّنْيَا، فَكُلُّ نَعِيمِهَا يَزُولُ، وَمَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ. (2) راجع: ج 2 ص 188 (اجعل الدنيا سجنك).

- 
- 1- الكافي: ج 2 ص 250 ح 6، المؤمن: ص 26 ح 43، مستطرفات السرائر: ص 159 ح 33، مشكاة الأنوار: ص 471 ح 1577 عن نصر بن الصباح البلخي، التمهيص: ص 48 ح 77، بحار الأنوار: ج 68 ص 219 ح 9.
- 2- الأماشي للصدوق: ص 610 ح 842 عن أبي بصير، الكافي: ج 8 ص 137 ح 103 عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام وليس فيه «صبيق» وفيه «وحسن فيها» بدل «وحش وفيها»، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 143 وفيهما «تذابح» بدل «ألح»، أعلام الدين: ص 231 من دون إسنادٍ إلى المعصوم وفيه «وحسن فيها» بدل «وحش وفيها» و«يتذابح» بدل «ألح»، بحار الأنوار: ج 14 ص 294 ح 14.

255. الطبقات الكبرى ( \_ في ذكر أحداث يوم عاشوراء \_ ) الكافي \_ به نقل از محمد بن عجلان \_ نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی به ایشان از تنگ دستی شکوه کرد. به او فرمود: «صبر کن . به زودی خداوند ، گشایشی در کار تو خواهد داد».

آن گاه ، ساعتی سکوت کرد و سپس ، رو به آن مرد کرد و فرمود: «از زندان کوفه برایم بگو که چگونه است؟» .

گفت: خداوند ، به سلامتت بدارد! تنگ و بدبوست و زندانیان در بدترین وضع به سر می برند .

امام علیه السلام فرمود : تو هم [در این دنیا] در زندانی . پس می خواهی در آن ، در گشایش و آسایش باشی؟ مگر نمی دانی که دنیا ، زندان مؤمن است؟!». 256. الأخبار الطوال : امام صادق علیه السلام : از جمله اندرزهای خداوند به عیسی بن مریم علیهما السلام این بود که به او فرمود: «... ای عیسی! دنیا، زندانی تنگ و بدبو و وحشتناک است و در آن ، گاه چیزهایی می بینی که گردنگشان بر آنها پای می فشارند. پس، از دنیا پرهیز که همه ناز و نعمت دنیا ، از بین رفتنی است و ناز و نعمتش جز اندک نیست». ر . ک : ج 2 ص 189 ( دنیا را زندان خود بشمار) .

1 / 4 مَثَلُ الدُّنْيَا \_ مَثَلُ السَّمِّ 261. تاريخ الطبري عن أبي عثمان النهدي: الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ السَّمِّ؛ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ. (1) 262. تاريخ الطبري عن الحسين عليه السلام ( \_ مِنْ كَلَامِهِ مَعَ أَصْحَابِ الحُرِّ بْنِ يَزِيدَ \_ ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا الدُّنْيَا كَالسَّمِّ؛ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ. (2) ب \_ مَثَلُ الحَيَّةِ 264. تاريخ الطبري عن عقبة بن أبي العيزار: الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الحَيَّةِ؛ لَيْنٌ مَسُّهَا، قَاتِلٌ سَمُّهَا، فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا، وَضَعَّ عَنْكَ هُمُومَهَا لِمَا أَيْقَنْتَ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَدَّرَفَ حَالَاتِهَا، وَكُنْ أَنْسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَحَدَرَ مَا تَكُونُ مِنْهَا؛ فَإِنَّ صَاحِبَهَا كُلَّمَا اطْمَأَنَّ فِيهَا إِلَى سُرُورِ اشْخَصَتَهُ (3) عَنْهُ إِلَى مَحْذُورٍ، أَوْ إِلَى إِيْنَاسٍ أزالَتْهُ عَنْهُ إِلَى إِحْشَاشٍ! (4) 265. تاريخ الطبري ( \_ فِي خُرُوجِ الإِمَامِ مِنَ المَدِينَةِ \_ ) الإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَيْهِ: إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الحَيَّةِ؛ مَا أَلَيْنَ مَسُّهَا وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ النَّافِعُ (5)، يَحْذَرُهَا الرَّجُلُ العَاقِلُ، وَيَهْوِي إِليهَا الصَّيِّئُ الجَاهِلُ. (6).

- 1- الإرشاد: ج 1 ص 296، إرشاد القلوب: ص 19، بحار الأنوار: ج 77 ص 418 ح 40.
- 2- عيون أخبار الرضا: ج 1 ص 298 ح 56، الأمالي للصدوق: ص 172 ح 174 كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، مشكاة الأنوار: ص 468 ح 1567، روضة الواعظين: ص 485، غرر الحكم: ح 1411، بحار الأنوار: ج 73 ص 88 ح 56.
- 3- شَخَّصَ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ: أَي ذَهَبَ، وَأشْخَصَهُ غَيْرُهُ (الصَّحاح: ج 3 ص 1043 «شخص»).
- 4- نهج البلاغة: الكتاب 68، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص 101، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 148، روضة الواعظين: ص 483، كلُّها نحوه، بحار الأنوار: ج 33 ص 484 ح 689؛ مطالب السُّؤل: ص 51 نحوه وراجع الإرشاد: ج 1 ص 233 و تيسير المطالب: ص 373.
- 5- سَمُّ نَاقِعٍ: بِالغُ ثَابِت (القاموس المحيط: ج 3 ص 90 «نقع»).
- 6- الكافي: ج 2 ص 136 ح 22 عن غياث بن إبراهيم، نهج البلاغة: الحكمة 119، الزهد للحسين بن سعيد: ص 45 ح 121 عن طلحة بن زيد، تحف العقول: ص 396 عن الإمام الكاظم عليه السلام وكلُّها نحوه، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 194، بحار الأنوار: ج 73 ص 75 ح 38.

1 / 36 مَثَل دُنیا الف - مَثَل سَم 269. الطبقات الكبرى: امام علی علیه السلام: مَثَل دُنیا، مَثَل سَم است. کسی سم را می خورد که نمی داند. 270. الخرائج والجرائح عن أبي حمزة الثمالي: امام علی علیه السلام: دُنیا، در حقیقت، مانند سم است. کسی سم را می خورد که آن را نمی شناسد. ب - مَثَل مَار 272. الأُمالي عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد علام علی علیه السلام: مَثَل دُنیا، مَثَل مَار است: پوستش نرم است و زهرش کُشنده. پس، از آنچه در دُنیا برایت جاذبه دارد، روی بگردان؛ زیرا آنچه از آن تو را همراهی می کند، اندک [کفنی] است. (1) دغدغه های آن (دُنیا) را از خود، دور کن؛ چرا که به جدا شدن از آن و ناپایداری حالاتش یقین داری و آن گاه که با دُنیا بیشترین انس را داری، بیشترین ترس و حذر را از آن داشته باش؛ زیرا که دُنیا دار، هر زمان که در آن به خوشی و لذتی اطمینان کرد، دُنیا او را از آن خوشی به مشکلی کشاند، یا هرگاه انسی گرفت، انس او را تبدیل به تنهایی و وحشت کرد. 273. تاریخ الطبری عن الحارث بن کعب وأبي الضحاک عن علیامام صادق علیه السلام: در کتاب علی - که درودهای خدا بر او باد - آمده است: حکایت دُنیا، در حقیقت، حکایت مَار است که پوستی بس نرم دارد؛ اما در درویش

زهر کُشنده است. آدم خردمند، از آن پرهیز می کند؛ اما کودک نادان، دست به سویی دراز می نماید.

274. تاريخ دمشق عن بشر بن طانحة عن رجل من همدان: الإمام عليّ عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : قَدْ رَأَيْتُ الْقُرُونَ كَيْفَ تَفَانَتْ دَرَسَتْ ثُمَّ قِيلَ كَانَ وَكَانَتْ هِيَ دُنْيَا كَحَيَّةٍ تَنْفُثُ السَّمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْمَجْسَّةُ (1) لَأَنْتَ كَمِ أُمُورٍ لَقَدْ تَشَدَّدْتُ فِيهَا

ثُمَّ هَوَّتْهَا عَلَيَّ فَهَانَتْ (2)

ج \_ مَثَلُ الْجَيْفَةِ 275. مقتل الحسين: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ جَيْفَةٍ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهَا كِلَابٌ يَجْرُونَهَا، أَفْتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ كَلْبًا مِثْلَهُمْ فَتَجْرَ مَعَهُمْ؟! (3) 276. الأماشي عن حسين بن زيد بن عليّ عن أبائه عليهم السنتبيه الخواطر: رُويَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَفَ عَلَى مَرْبَلَةٍ فَقَالَ: هَلُمُّوا إِلَيَّ الدُّنْيَا، وَأَخَذَ خِرْقًا قَدْ بَلَيْتَ (4) عَلَى تِلْكَ الْمَرْبَلَةِ وَعِظَامًا قَدْ نَخَرَتْ (5)، فَقَالَ: هَذِهِ الدُّنْيَا. (6) 277. معاني الأخبار عن عليّ بن الحسين عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : وَمَنْ يَذُقِ الدُّنْيَا فَاتَّيَطَّعْمَتْهَا وَسَيَقَى إِلَيْنَا عَذْبُهَا وَعَذَابُهَا فَلَمْ أَرَهَا إِلَّا غُرُورًا وَبِاطِلًا كَمَا لَاحَ فِي أَرْضِ الْفَلَاةِ (7) سَرَابُهَا (8) وَمَا هِيَ إِلَّا جَيْفَةٌ مُسْتَحِيلَةٌ عَلَيْهَا كِلَابٌ هَمُّهُمْ اجْتِدَابُهَا فَإِنْ تَجْتَنَّبَهَا كُنْتَ سَلِيمًا لِأَهْلِهَا وَإِنْ تَجْتَدِبُهَا نَارَ عَتَاكَ كِلَابُهَا (9).

- 1- جسّه: أي مسّه، والمجسّنة الموضع الذي يجسّسه الطيب (الصحاح: ج 3 ص 913 «جسس»).
- 2- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ص 160 الرقم 89.
- 3- الفردوس: ج 1 ص 141 ح 502 عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمال: ج 3 ص 214 ح 6215.
- 4- بِلْيَةِ الثَّوْبِ: خَلَقَ، فَهُوَ بَالٍ (المصباح المنير: ص 62 «بلي»).
- 5- نَخَرَ الْعَظْمُ: بَلِيَ وَتَفَقَّتْ (المصباح المنير: ص 596 «نخر»).
- 6- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 128؛ إحياء علوم الدين: ج 3 ص 299.
- 7- الفلاة: القفر من الأرض، لَأَنَّهَا فُلَيْتَ \_ أَي فُطِمَتْ وَعُزِلَتْ \_ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ (تاج العروس: ج 20 ص 56 «فلو»).
- 8- السَّرَابُ: الَّذِي تَرَاهُ نِصْفَ النَّهَارِ كَأَنَّهُ مَاءٌ (الصحاح: ج 1 ص 147 «سرب»).
- 9- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ص 96 الرقم 49.



## ج - مَثَل لاشه

278. الأُمالي عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد علامام صادق عليه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - : دیدم که چه سان نسل ها نابود شدند/ از میان رفتند و آن گاه ، گفته شد: فسانه گشتند . این دنیاست که چون مار ، زهر می ریزد/ هرچند پوستی نرم دارد . چه بسیار کارها که در آنها سخت گرفتم/ اما بعد که آسانشان گرفتم ، بر من آسان شدند . ج - مَثَل لاشه 280. الأُمالي عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد عليپيامبر خدا صلی الله عليه و آله : خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «حکایت دنیا ، حکایت لاشه ای است که شماری سگ بر آن گرد آمده اند و این سو و آن سو می کشانند. آیا دوست داری که تو سگی چون آنان باشی و با آنها کشاکش کنی؟! 281. تاریخ الطبري عن الضحاک المشرقي : تنبيه الخواطر: روایت شده است که پیامبر خدا ، کنار زباله دانی ایستاد و فرمود: «بیاید دنیا را ببینید!» و چند لته پاره استخوان پوسیده را از زباله دانی برداشت و فرمود: «این، دنیاست!». 282. مقتل الحسين: امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - : هر که می خواهد دنیا را بچشد، من آن را مزه کرده ام/ شیرینی و شرنگ آن به ما رسیده است . من ، آن را جز فریب و پوچ نیافتم/ همچون سرابی که در بیابان می درخشد . دنیا ، لاشه گندیده ای بیش نیست/ که سگ ها بر سر آن ، کشمکش می کنند . اگر از دنیا دوری کنی، با اهل آن آسوده به سر میبری/ و اگر آن را بکشی، سگ ها بر سر آن با تو کشمکش می کنند.

راجع: ص 324 (تقويم الدنيا / أهون من جيفة)

و12 ح 785 و786

و212 ح 1163 .

د - مَثَلُ الطَّعَامِ 287. تاريخ الطبري عن حميد بن مسلم عن الإمام الحسين علي رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَطْعَمَ ابْنِ آدَمَ جُعِلَ مَثَلًا لِلدُّنْيَا وَإِنْ قَزَّحَهُ (1) وَمَلَّحَهُ ، فَانظُرُوا إِلَى مَا يَصِيرُ! (2) 288. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا ضَرْبَتٌ مَثَلًا لِابْنِ آدَمَ ، فَانظُرْ مَا يَخْرُجُ مِنْ ابْنِ آدَمَ - وَإِنْ مَرَّجَهُ وَمَلَّحَهُ - إِلَى مَا يَصِيرُ! (3) 289. الكافي عن أبي جعفر الخثعمي عن الحسين عليه السلام ( - فِي كَلَامٍ لَهُ مَعَ أَبِي ذَرٍّ لَمَّا سَأَلَهُ ع ) مسند ابن حنبل عن الحسن بن الضَّحَّاكِ بْنِ سَفِيَّانِ الْكِلَابِيِّ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهُ: يَا ضَحَّاكُ مَا طَعَامُكَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اللَّحْمُ وَاللَّبَنُ. قَالَ: ثُمَّ يَصِيرُ إِلَى مَاذَا؟ قَالَ: إِلَى مَا قَدْ عَلِمْتَ! قَالَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - ضَرَبَ مَا يَخْرُجُ

مِنْ ابْنِ آدَمَ مَثَلًا لِلدُّنْيَا . (4) .

- 1- قَزَّحَهُ: أَي تَوَبَّلَهُ، مِنَ الْقَزْحِ وَهُوَ التَّابِلُ الَّذِي يُطْرَحُ فِي الْقَدْرِ، كَالكَمُونِ وَالْكَزْبِرَةِ وَنَحْوِ ذَلِكَ (النهاية: ج 4 ص 58 «قزح»).
- 2- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 49 ح 21297، الزهد لابن المبارك: ص 169 ح 493 وفيه «قد علم» بدل «فانظروا»، كنز العمال: ج 3 ص 213 ح 6213.
- 3- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 149؛ الزهد لابن المبارك: ص 169 ح 494 وفيه «قزحه» بدل «مزجه»، صحيح ابن حبان: ج 2 ص 476 ح 702، المعجم الكبير: ج 1 ص 198 ح 531، شُعب الإيمان: ج 7 ص 327 ح 10473، حلية الأولياء: ج 1 ص 254 والأربعة الأخيرة نحوه وكلها عن أبي بن كعب.
- 4- مسند ابن حنبل: ج 5 ص 341 ح 15747، المعجم الكبير: ج 8 ص 299 ح 8138، شُعب الإيمان: ج 5 ص 29 ح 5653 كلُّها عن الضَّحَّاكِ بْنِ سَفِيَّانِ الْكِلَابِيِّ، كنز العمال: ج 3 ص 189 ح 6098 وراجع تنبيه الخواطر: ج 1 ص 149.

## د \_ مَثَل خوراك

ر . ك : ص 325 (ارزیابی دنیا / بی ارزش تر از مردار) ،

ج 2 ص 12 ح 785 و 786

و 212 ح 1163 .

د \_ مَثَل خوراك 294. مقاتل الطالبيين عن سعيد بن ثابت : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوراك فرزند آدم ، مثالی است از دنیا، اگرچه بر آن ادویه و نمک بزند. بنگرید که آن خوراك به چه تبدیل می شود . 295. الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فيما عَزَى بِهِ أُخْتَهُ أُمَّ كُثُومٍ لَمَّا أَخَ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا برای فرزند آدم ، مَثَل زده شده است . پس بنگر که از فرزند آدم ، چه خارج می شود ، هرچند [خوراك را] خوش مزه و نمکینش کند و [به این که] به چه تبدیل می شود . 296. الملهوف ( \_ في ذِكْرِ أَحْدَاثِ عَاشُورَاءَ \_ ) مسند ابن حنبل \_ به نقل از حسن از ضحَّاك بن سفیان کلابی \_ : پیامبر خدا به او (ضحَّاك) فرمود: «ای ضحَّاك! خوراك تو چیست؟» .

گفت: ای پیامبر خدا! گوشت و شیر.

فرمود: «بعد به چه تبدیل می شود؟» .

گفت : به چیزی که خود می دانید .

فرمود: «خداوند \_ تبارك و تعالی \_ آنچه را از انسان دفع می شود ، مَثَلی برای دنیا زده است» .

297. مقاتل الطالبين عن عتبة بن سمعان الكلبي: تنبيه الغافلين: رُوِيَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ رَجُلًا قَدِيمَ عَلَيْهِ مِنْ أَرْضِ الشَّامِ ، فَسَأَلَهُ عَنْ أَرْضِهِمْ ، فَأَخْبَرَهُ عَنْ سَعَةِ أَرْضِهِمْ وَكَثْرَةِ النَّعِيمِ فِيهَا ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَيْفَ تَفْعَلُونَ؟ قَالَ : إِنَّا نَتَّخِذُ الْوَانَا مِنَ الطَّعَامِ وَنَأْكُلُهَا . قَالَ : ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى مَاذَا؟ قَالَ : إِلَى مَا تَعَلَّمُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، يَعْنِي تَصِيرُ بَوْلًا وَغَائِطًا ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَكَذَلِكَ مَثَلُ الدُّنْيَا . (1) 298. مشير الأحرار: تنبيه الخواطر عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أَبَا هُرَيْرَةَ ، أَلَا أُرِيكَ الدُّنْيَا جَمِيعًا بِمَا فِيهَا؟ قُلْتُ : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . فَأَخَذَ بِيَدِي وَأْتَى بِي وَايَا مِنْ أُوْدِيَةِ الْمَدِينَةِ ، فَإِذَا مَزْبَلَةٌ فِيهَا رُؤُوسُ النَّاسِ وَعَدْرَاتٌ وَخِرْقٌ وَعِظَامٌ .

ثُمَّ قَالَ لِي : يَا أَبَا هُرَيْرَةَ ، هَذِهِ الرُّؤُوسُ كَانَتْ تَحْرِصُ عَلَى الدُّنْيَا كَحَرِصِكُمْ ، وَتَأْمُلُ آمَالَكُمْ ، ثُمَّ هِيَ عِظَامٌ بِلَا جِلْدٍ ، ثُمَّ هِيَ صَائِرَةٌ رَمَادًا !

وهذه العَدْرَاتُ الْوَانُ أَطْعَمَتِكُمْ اِكْتَسَبُوهَا مِنْ حَيْثُ اِكْتَسَبُوهَا ، ثُمَّ قَذَفُوهَا مِنْ بُطُونِهِمْ فَأَصْبَحَتْ وَالنَّاسُ يَتَحَامَوْنَهَا !

وهذه الخِرْقُ الْبَالِيَةُ كَانَتْ رِيَاثَهُمْ وَلِبَاسَهُمْ فَأَصْبَحَتْ وَالرِّيَاحُ تَصْفِقُهَا !

وهذه العِظَامُ عِظَامُ دَوَابِّهِمْ الَّتِي كَانُوا يَنْتَجِعُونَ (2) عَلَيْهَا أَطْرَافَ الْبِلَادِ! فَمَنْ كَانَ رَاكِنًا إِلَى الدُّنْيَا فَلْيَبِكِ .

فَمَا بَرَحْنَا حَتَّى اِسْتَدَّ بُكَاءُنَا . (3) .

1- تنبيه الغافلين: ص 242 ح 316 وراجع الزهد لابن المبارك: ص 169 و ص 170 .

2- انتجع القوم: إذا ذهبوا لطلب الكلاء في موضعه (المصباح المنير: ص 594 «نجع»).

3- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 130 .

299. الملهوف: تنبيه الغافلین: روایت شده است که مردی از سرزمین شام، خدمت پیامبر خدا رسید. ایشان از او درباره سرزمینشان پرسید. آن مرد از پهناوری سرزمینشان و پُر ناز و نعمت بودنش برای ایشان گفت.

پیامبر خدا فرمود: «آن نعمت ها را چه می کنید؟» .

گفت: غذاهای رنگارنگ درست می کنیم و می خوریم.

فرمود: «بعد چه می شود؟» .

گفت: چیزی که خود می دانی، ای پیامبر خدا؛ یعنی تبدیل به ادرار و مدفوع می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا نیز چنین است». 300. الدرّ المنثور عن الحسين بن عليّ عليه السلام: تنبيه الخواطر \_ به نقل از ابو هریره \_ : پیامبر خدا فرمود: «ای ابوهریره! آیا همه دنیا را با هر آنچه در آن است، به تو نشان ندهم؟» .

گفتم: چرا، ای پیامبر خدا!

دستم را گرفت و مرا به یکی از دژه های مدینه برد. در آن جا با زباله دانی رو به رو شدیم که در آن، اسکلت سر آدم و نجاست و پارچه های کهنه پاره و استخوان، افتاده بود. سپس به من فرمود: «ای ابوهریره! این سرها نیز مثل شما به دنیا حریص بودند و چون آرزوهای شما را داشتند، اما تبدیل به اسکلت شدند و بعد، خاکستر می شوند .

این نجاست ها، همان غذاهای رنگارنگ شماس است که اینان از راه های مختلف به دست آوردند و بعد، از شکم هایشان دفع کردند و تبدیل به چیزی شد که مردم از آن دوری می کنند .

این لته پاره ها، جامه ها و پوشاک های ایشان بوده که اکنون، بادها آنها را به هم می زند و این استخوان ها، استخوان های چارپایان آنان است که بر آنها سوار می شدند و برای یافتن چراگاه به این طرف و آن طرف می کوچیدند. پس، هرکه دل بسته دنیا است، باید که بگرید» .

ما تا آن جا بودیم، سخت گریستیم .

هـ \_ مَثَلُ الْغُولِ 302. مثير الأحزان عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فِي مَوْتِ مُعَاوِيَةَ \_ ) الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالْغُولِ (1) تُغْوِي مَنْ أَطَاعَهَا وَتُهْلِكُ مَنْ أَجَابَهَا ، وَإِنَّهَا لَسَرِيعَةُ الزَّوَالِ وَشَيْكَةُ (2) الْإِنْتِقَالِ . (3) و\_ مَثَلُ الشَّرْكِ 304. الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فِي جَوَابِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ لَمَّا أَشَأَ ) الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا شَرْكٌ (4) وَقَعَ فِيهِ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ . (5) 305. أسد الغابة: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا شَرْكُ النَّفْسِ ، وَقَرَارَةٌ كُلِّ ضَرٍّ وَبُؤْسٍ . (6) 306. الفتوح ( \_ بَعْدَ ذِكْرِ كِتَابِ أَهْلِ الْكُوفَةِ إِلَى الْإِمَامِ ) عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالشَّبَكَةِ ؛ تَلْتَفُّ عَلَى مَنْ رَغِبَ فِيهَا وَتَحْرَزُّ (7) عَمَّنْ أَعْرَضَ عَنْهَا ، فَلَا تَمَلُ إِلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَلَا تُقْبِلُ عَلَيْهَا بِوَجْهِكَ ، فَتَوْقَعَكَ فِي شَبَكَتِهَا وَتُلْقِيكَ فِي هَلَكَتِهَا . (8) ز\_ مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ 308. الطبقات الكبرى: الإمام الصادق عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ ؛ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ . (9) .

- 1- الغُول: هي جنس من الجنّ والشياطين ، وكانت العرب تزعم أنّ الغول في الفلاة تتراءى للناس فتتغول تغولاً: أي تتلون تلوّناً في صور شتى ، وتغولهم أي تضللهم عن الطريق وتهلكهم (النهاية: ج 3 ص 396 «غول»).
- 2- الوشيكُ: السريع والقريب (النهاية: ج 5 ص 189 «وشك»).
- 3- غرر الحكم: ح 3665 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 145 ح 3229 .
- 4- الشَّرْكُ \_ محرّكة \_ : حبانل الصَّيْدِ ، وما يُنصب للطير (القاموس المحيط: ج 3 ص 308 «شرك»).
- 5- غرر الحكم: ح 3865 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 177 ح 3652 .
- 6- غرر الحكم: ح 2047 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 62 ح 1614 وليس فيه «كلّ» .
- 7- احترزت وتحرّزت من كذا: تَوَقَّيْتُهُ (الصحاح: ج 3 ص 873 «حرز»).
- 8- غرر الحكم: ح 3678 .
- 9- الكافي: ج 2 ص 136 ح 24 ، الزهد للحسين بن سعيد: ص 48 ح 129 وفيه «البحر المالح» بدل «ماء البحر» وكلاهما عن طلحة بن زيد ، تحف العقول: ص 396 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 195 ، بحار الأنوار: ج 73 ص 79 ح 40 .

**هـ - مَثَلِ غُول****و - مَثَلِ دَامِ وَتَلَه****ز - مَثَلِ آبِ دَرِيَا**

هـ - مَثَلِ غُول 310. مقتل الحسين: امام علي عليه السلام: دنيا، به سانِ غُول (1) است. هر که را از آن فرمان ببرد، گم راه می سازد و هر که را اجابتش کند، نابود می گرداند. دنيا به سرعت زوال می پذیرد و زود [به دیگری] منتقل می شود. و - مَثَلِ دَامِ وَتَلَه 312. تاريخ الطبري: امام علي عليه السلام: دنيا، در حقيقت، يك دام است. کسی در دام می افتد که نمی داند. 313. الفتوح: امام علي عليه السلام: دنيا، دام جان ها و جایگاه هر رنج و گزندى است. 314. الفتوح: امام علي عليه السلام: دنيا، همانند تور [صيادی] است؛ بر هر که به آن روی آورد، می پیچد و به کسی که از آن روی بگرداند، در نمی پیچد. پس، به دنيا دل مبند و بدان روی مياور که تو را در تور خویش می افکند و به هلاکت می اندازد. ز - مَثَلِ آبِ دَرِيَا 316. تهذيب الأحكام عن أيوب بن أعيان عن أبي عبد الله عامام صادق عليه السلام: حکايت دنيا، حکايت آب درياست که هر چه تشنه از آن بيشتتر بنوشد، تشنه تر می شود تا سرانجام، او را بکشد.

---

1- غول: موجودی است از جنس جن و شياطين. عرب ها معتقد بودند که غول در بيابان بر مردم نمايان می شود و به شکل های مختلف در می آيد و آنها را به بيراهه می کشاند و نابودشان می کند (النهاية: ج 3 ص 396 «غول»).

317. دلائل الإمامة عن محمد الكناني عن أبي عبد الله عيسى عليه السلام: مَثَلُ طَالِبِ الدُّنْيَا مَثَلُ شَارِبِ مَاءِ البَحْرِ؛ كَلَّمَا ازدادَ شَرِبَا ازدادَ عَطَشًا حَتَّى يَفْتُلَهُ . (1)ح \_ مَثَلُ جَمِيعِ الرِّذَالِ 319. الطبقات الكبرى عن أبي عون: مصباح الشريعة \_ فيما نَسَبَهُ إِلَى الإمامِ الصَّادِقِ عليه السلام \_ :الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ صَوْرَةٍ ؛ رَأْسُهَا الكِبْرُ ، وَعَيْنُهَا الحِرْصُ ، وَأُذُنُهَا الطَّمَعُ ، وَلِسَانُهَا الرِّيَاءُ ، وَيَدُهَا الشَّهْوَةُ ، وَرِجْلُهَا العُجْبُ ، وَقَلْبُهَا الغَفْلَةُ ، وَلَوْثُهَا الفَنَاءُ ، وَحَاصِلُهَا الرِّوَالُ . فَمَنْ أَحَبَّهَا أَوْرَثَتْهُ الكِبْرَ ، وَمَنْ اسْتَحَسَدَ نَهَا أَوْرَثَتْهُ الحِرْصَ ، وَمَنْ طَلَبَهَا أَوْرَثَتْهُ الطَّمَعُ ، وَمَنْ مَدَحَهَا أَلْبَسَتْهُ الرِّيَاءَ ، وَمَنْ أَرَادَهَا مَكَّنَتْهُ مِنَ العُجْبِ ، وَمَنْ اطْمَأَنَّ إِلَيْهَا أَرْكَبَتْهُ الغَفْلَةَ ، وَمَنْ أَعْجَبَهُ مَتَاعُهَا فَتَنَّتْهُ وَلَا تَبْقَى لَهُ ، وَمَنْ جَمَعَهَا وَبَخِلَ بِهَا أَوْرَدَتْهُ إِلَى مُسْتَقَرِّهَا وَهِيَ النَّارُ . (2) 1 / 5 مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ \_ مَثَلُ ضَرَّتَيْنِ 323. تنبيه الخواطر عن الإمام الحسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله :الدُّنْيَا صَدْرَةٌ (3) الْآخِرَةُ (4) 324. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله :الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ضَرَّتَانِ ؛ بِقَدْرِ مَا تَقَرَّبُ مِنْ أَحَدِهِمَا تَبَعُدُ عَنِ الْآخَرَى . (5) .

1- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 149 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 318 ، البداية والنهاية : ج 2 ص 89 عن أبي عبد الله الصوفي وليس فيه «مثل» .

2- .مصباح الشريعة : ص 196 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 105 ح 100 .

3- .ضربة المرأة : امرأة زوجها (المصباح المنير : ص 360 «ضرب») .

4- .كشف الخفاء : ج 1 ص 408 ح 1310 .

5- .عوالي اللآلي : ج 1 ص 277 ح 106 وج 4 ص 114 ح 177 .



## ح \_ مَثَل همه رذیلت ها

## 1 / 5 مَثَل دنیا و آخرت

## الف \_ مَثَل دو هوو

325. دعائم الإسلام: عیسی علیه السلام: حکایت دنیا طلب، حکایت نوشنده آب دریاست که هر چه بیشتر بنوشد، تشنه تر می شود تا عاقبت، او را بکشد. ح \_ مَثَل همه رذیلت ها 327. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فيما نُسب إليه من دُعَاءِ عَرَفَةَ \_ ) مصباح الشریعة \_ در سخنی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است \_ : دنیا، به منزله شکلی است که سر آن، تکبر است و چشمش، آزمندی و گوشش، طمع و زبانش، ریا و دستش، شهوت و پایش، خودپسندی و قلبش، غفلت و رنگش، نابودی و حاصلش، زوال. پس، هرکه دنیا دوست شد، دنیا به او تکبر داد و هر که دنیا را پسندید، به او آزمندی داد و هرکه دنیا را طلبید، به او طمع داد و هرکه دنیا را ستود، جامه ریا بر قامت او پوشاند و هرکه خواهان دنیا شد، به او خودپسندی داد و هرکه به دنیا اطمینان کرد، او را بر مرکب غفلت نشاند و هرکه کالای دنیا خوشایندش شد، او را فریفت و برایش باقی نماند و هرکه دنیا را گرد آورد و بخل ورزید، او را به فرارگاهش، یعنی آتش، در آورد. 1 / 5 مَثَل دنیا و آخرت الف \_ مَثَل دو هوو 331. دعائم الإسلام یاسناده عن الحسين بن علي عليه السليمانبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، هووی آخرت است. 332. مسند البزار عن زیاد بن المنذر عن محمد بن علي پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا و آخرت، هووی یکدیگرند. هر اندازه به یکی از آنها نزدیک شوی، از دیگری دور می شوی.

333. معاني الأخبار بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالب علي عليه السلام: إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَرَجُلٍ لَهُ امْرَأَتَانِ، إِذَا أَرْضَى إِحْدَاهُمَا أَسَخَطَ الْأُخْرَى. (1) 334. مسند أبي يعلى عن طلحة بن عبيد الله عن حسين عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ صَرَّتَانِ؛ فَيَقْدِرُ مَا تُرْضِي إِحْدَاهُمَا تُسَخِّطُ الْأُخْرَى. (2) 335. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام: عيسى عليه السلام: لَا يُطِيقُ عَبْدٌ أَنْ يَكُونَ لَهُ رِبَّانٍ، إِنْ أَرْضَى أَحَدَهُمَا أَسَخَطَ الْآخَرَ، وَإِنْ أَسَخَطَ أَحَدَهُمَا أَرْضَى الْآخَرَ، وَكَذَلِكَ لَا يُطِيقُ عَبْدٌ أَنْ يَكُونَ خَادِمًا لِلدُّنْيَا يَعْمَلُ عَمَلَ الْآخِرَةِ. بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ؛ لَا تَهْتَمُّوا بِمَا تَأْكُلُونَ (3) وَلَا مَا تَشْرَبُونَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ نَفْسًا أَعْظَمَ مِنْ رِزْقِهَا، وَلَا جَسَدًا أَعْظَمَ مِنْ كِسْوَتِهِ، فَاعْتَبِرُوا. (4) ب - مَثَلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ 337. مسند زيد بن علي عن أبيه عن جدّه الحسين بن الإمام علي عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَثَلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؛ مَتَى أَزْدَدَتْ مِنْ أَحَدِهِمَا قُرْبًا إِزْدَدَتْ مِنَ الْآخَرِ بَعْدًا. (5) 338. الأماشي بإسناده عن الحسين بن علي عن أبيه علي بنعنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدْوَانِ مُتَقَاوَتَانِ، وَسَيِّلَانِ مُخْتَلِفَانِ؛ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا.

وَهُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا شَبَّهَهُمَا؛ كُلَّمَا قَرَّبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِ، وَهُمَا بَعْدُ صَرَّتَانِ. (6).

- 1- غرر الحكم: ح 3531، مشكاة الأنوار: ص 467 ح 1559، روضة الواعظين: ص 490 وفيهما «صرتان» بدل «امراتان»، بحار الأنوار: ج 73 ص 122 ح 110.
- 2- إحياء علوم الدين: ج 3 ص 307؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 138 عن عيسى عليه السلام.
- 3- في المصدر: «بما لا تأكلون»، والتصويب من الدر المنثور.
- 4- تاريخ دمشق: ج 47 ص 445 عن أنس، الدر المنثور: ج 2 ص 213.
- 5- الأماشي للسيد المرتضى: ج 1 ص 107، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 24 نحوه.
- 6- نهج البلاغة: الحكمة 103، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص 96، غرر الحكم: ح 3692، تحف العقول: ص 212 نحوه، بحار الأنوار: ج 73 ص 129 ح 133.

**ب \_ مَثَل مَشْرُق و مَغْرِب**

339. مسند زید عن زید بن علی عن ابيه عن جدّه: امام علی علیه السلام: حکایت دنیا و آخرت ، حکایت مردی است که دوزن دارد . هرگاه یکی از آن دو را خشنود گرداند ، دیگری را ناخشنود می سازد. 340. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسین بن علی عن ابیامام علی علیه السلام: دنیا و آخرت ، دو هوویند . پس به اندازه ای که یکی از آن دو را خشنود سازی ، دیگری را ناخشنود می گردانی. 341. عوالی اللالی یاسناده عن الحسین الشهید عن ابيه علیعیسی علیه السلام: هیچ بنده ای نمی تواند دو خواجه داشته باشد . اگر یکی از آن دو را راضی کند ، دیگری را ناراضی کرده است و اگر یکی را ناراضی سازد ، دیگری را راضی ساخته است. همچنین، هیچ بنده ای نمی تواند خدمت گزار دنیا باشد و کار آخرت بکند. به حق به شما می گویم: به آنچه می خورید و می آشامید ، اهمیت ندهید [و غم آن را نخورید] ؛ زیرا که خداوند هیچ جانی را بزرگ تر از روزی اش و هیچ تنی را بزرگ تر از پوشاکش نیافریده است. پس، عبرت گیرید. ب \_ مَثَل مَشْرُق و مَغْرِب 343. الدرّ المنتور: امام علی علیه السلام: مَثَل دنیا و آخرت ، مَثَل مَشْرُق و مَغْرِب است . هر اندازه به یکی از آنها نزدیک تر شوی ، از دیگری دورتر می افتی. 344. بحار الأنوار عن منیف مولى جعفر بن محمد عن جعفر بامام علی علیه السلام: دنیا و آخرت، دو دشمن متفاوت و دو راه مختلف اند. پس، هرکه دنیا را دوست بدارد و با آن دوستی ورزد ، از آخرت نفرت دارد و با آن دشمنی می ورزد. [نیز] دنیا و آخرت ، به منزله مشرق و مغرب اند که هرکس میان آن دو را ببیند ، هرچه به یکی نزدیک شود ، از دیگری دور می شود. از اینها بالاتر ، دنیا و آخرت ، هووی هم اند.

ج - مَثَلُ كَفَّتِي الميزان 346. تاريخ الطبري عن حميد بن مسلم: الإمام زين العابدين عليه السلام: وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ إِلَّا كَكَفَّتِي الميزانِ ؛ فَأَيُّهُمَا رَجَحَ ذَهَبَ بِالْآخِرِ . (1) 1 / 6 تَمَثَّلُ الدُّنْيَا - تَمَثَّلُ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ 350. مسائل علي بن جعفر: رسول الله صلى الله عليه وآله :مَثَلْتُ لِأَخِي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ الدُّنْيَا فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ ، فَقَالَ لَهَا : أَلَيْكَ زَوْجٌ؟ فَقَالَتْ : نَعَمْ ، أَزْوَاجٌ كَثِيرَةٌ . فَقَالَ : هُمْ أَحْيَاءٌ؟ قَالَتْ : لَا ، وَلَكِنْ قَتَلْتُهُمْ . فَعَلِمَ حِينَئِذٍ أَنَّهَا دُنْيَا مُثَلَّتْ لَهُ . (2) 351. مكارم الأخلاق عن الحسين بن علي عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: تَمَثَّلَتْ الدُّنْيَا لِعَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زُرْقَاءَ ، فَقَالَ لَهَا : كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ قَالَتْ : كَثِيرًا ، قَالَ : فَكُلُّ طَلَّقَكَ؟ قَالَتْ : بَلْ كُلًّا قَتَلْتُ (3) . قَالَ : فَوَيْحُ أَزْوَاجِكِ الْبَاقِيْنَ ، كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِيْنَ! (4) 352. الكافي عن عامر بن السمط عن أبي عبد الله عليه السالتحصين :رُويَ أَنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كَشَفَ لَهُ الدُّنْيَا فَرَأَاهَا فِي صُورَةِ عَجُورَةٍ شَمِطَاءَ (5) عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةٍ ، فَقَالَ لَهَا : كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ قَالَتْ : لَا أَحْصِيهِمْ ، قَالَ : فَكُلُّهُمْ

مَاتَ عَنكَ ، أَوْ طَلَّقوكِ؟ قَالَتْ : بَلْ كُلُّهُمْ قَتَلْتُ .

قَالَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : بُوسًا لِأَزْوَاجِكِ الْبَاقِيْنَ ، كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِأَزْوَاجِكِ الْمَاضِيْنَ؟ كَيْفَ أَهْلَكْتَهُمْ وَاحِدًا وَاحِدًا وَلَا يَكُونُونَ مِنْكَ عَلَى حَذَرٍ؟! (6) .

- 1- النخصال : ص 64 ح 95 عن الزهري ، عوالي اللآلي : ج 4 ص 115 ح 178 وفيه «نقصت» بدل «ذهب» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 92 ح 69 .
- 2- الفردوس : ج 4 ص 167 ح 6520 عن أنس ، كنز العمال : ج 3 ص 236 ح 6324 .
- 3- في المصدر : «بلى ، كلاً طَلَّقْتُ» ، والتصويب من بحار الأنوار و المصادر الأخرى .
- 4- الزهد للحسين بن سعيد : ص 48 ح 129 عن طلحة بن زيد ، تحف العقول : ص 396 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص 469 ح 1573 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 125 ح 120 .
- 5- الشَّمَطُ : في الرجل شيب اللحية ، وفي المرأة شيب الرأس ، يقال للمرأة : شَمِطَاءٌ (تاج العروس : ج 10 ص 313 «شمط»).
- 6- التحصين لابن فهد : ص 28 ح 48 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 146 ، إرشاد القلوب : ص 186 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 328 ح 56 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 315 نحوه .

## ج - مثل دو کفه ترازو

## 1 / 6 مجسم شدن دنیا

## الف - مجسم شدن دنیا برای مسیح

ج - مَثَل دو کفه ترازو 354. الخصال: امام زین العابدین علیه السلام: به خدا سوگند ، دنیا و آخرت ، درست مانند دو کفه ترازویند که هرکدام سنگین تر شود ، دیگری سبک تر می شود. 1 / 6 مجسم شدن دنیا الف - مجسم شدن دنیا برای مسیح 358. تاریخ واسط عن الإمام الحسين علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا برای برادرم عیسی بن مریم علیهما السلام به صورت زنی مجسم شد. عیسی علیه السلام به او گفت: «آیا تو شوهر داری؟» .

دنیا گفت: آری ؛ شوهرهای بسیار.

عیسی علیه السلام گفت: «آنها زنده اند؟» . گفت: نه . همه آنها را کشته ام».

در این هنگام ، عیسی علیه السلام فهمید او دنیا است که برایش مجسم شده است. 359. فضائل الأشهر الثلاثة یاسناده عن الحسين بن علي علامام صادق علیه السلام: دنیا به صورت زنی چشم آبی در برابر عیسی علیه السلام مجسم شد. عیسی علیه السلام از او پرسید: چند شوی کرده ای؟

گفت: بسیار.

پرسید: «همه آنها تو را طلاق دادند؟» .

گفت: نه . همه را گشتم. عیسی علیه السلام گفت: «بیچاره شوهران باقی مانده تو که از [سرنوشت] گذشتگان ، عبرت نمی گیرند!» 360. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسين بن علي عن أبيالتحصين: روایت شده است که [حقیقت] دنیا برای عیسی علیه السلام مکشوف شد و آن را به صورت پیر زالی سپید موی دید که انواع زیورها بر اوست. عیسی به او گفت: «چند شوی کرده ای؟» .

گفت: از شمار بیرون اند. عیسی علیه السلام گفت: «همه آنها مُردند یا طلاق دادند؟» .

گفت: نه . همه شان را گشتم.

عیسی علیه السلام گفت: «بدبخت ، شوهران باقی مانده تو! چگونه از شوهران

گذشته ات عبرت نمی گیرند؟ چگونه یکایک آنها را نابود کردی و اینان از تو برحذر نیستند» .

ب \_ تَمَثَّلُ الدُّنْيَا لِلنَّبِيِّ 362. المعجم الأوسط عن عباية بن رفاعة عن الحسين بن عليّ المُستدرِكِ على الصَّحِيحَيْنِ عن أبي بكر: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَأَيْتُهُ يَدْفَعُ عَن نَفْسِهِ شَيْئًا وَلَمْ أَر مَعَهُ أَحَدًا، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الَّذِي تَدْفَعُ عَن نَفْسِكَ؟ قَالَ: هَذِهِ الدُّنْيَا تُثَلِّثُ لِي، فَقُلْتُ لَهَا: إِلَيْكَ عَنِّي، ثُمَّ رَجَعَتْ فَقَالَتْ: إِنْ أَفَلَتَ مِنِّي فَلَنْ يَنْفَلِتَ مِنِّي مَن بَعْدَكَ. (1) ج \_ تَمَثَّلُ الدُّنْيَا لِأَيِّ مِيرِ الْمُؤْمِنِينَ 364. الكافي عن إبراهيم بن عمر اليماني عن أبي عبد الله الجراح الأَنوار عن عبد الله بن سليمان النَّوْفَلِيِّ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا بِمَوْلَى لِعَبْدِ اللَّهِ النَّجَاشِيِّ قَدْ وَرَدَ عَلَيْهِ، فَسَلَّمَ وَأَوْصَلَ إِلَيْهِ كِتَابَهُ، فَفَضَّهَ (2) وَقَرَأَهُ، فَإِذَا أَوَّلَ سَطْرٍ فِيهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَ سَيْدِي وَجَعَلَنِي مِنْ كُذِّلٍ سَوْءٍ فِدَاءَهُ، وَلَا- أُرَانِي فِيهِ مَكْرُوهًا؛ فَإِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكِ وَالْقَادِرُ عَلَيْهِ. إِعْلَمَ سَيْدِي وَمَوْلَايَ أَنِّي بُلِيْتُ بِوِلَايَةِ الْأَهْوَازِ، فَإِنْ رَأَى سَيْدِي أَنْ يُحَدِّثَ لِي حَدًّا أَوْ يُمَثِّلَ لِي مَثَلًا لِأَسْتَدِلَّ بِهِ عَلَيَّ مَا يُقَرِّبُنِي إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ، وَيُلْخِصَ فِي كِتَابِهِ مَا يَرَى لِي الْعَمَلَ بِهِ... وَأَيْنَ أَصْعُ زَكَاتِي وَفِيمَنْ أَصْرَفُهَا، وَبِمَنْ أَنَسُ وَإِلَى مَنْ

أَسْتَرِيحُ، وَبِمَنْ أَثِقُ وَأَمْنٌ وَالْجَأُ إِلَيْهِ فِي سِرِّي، فَعَسَى أَنْ يُخَلِّصَنِي اللَّهُ بِهَدَايَتِكَ وَدَلَالَتِكَ، فَإِنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ فِي بِلَادِهِ، وَلَا زَالَتْ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ.

فَأَجَابَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، جَامِلَكَ (3) اللَّهُ بِصَدْنِعِهِ، وَلَطْفَ بِكَ بِمَنِّهِ، وَكَلَاكَ بِرِعَايَتِهِ فَإِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكِ، أَمَا بَعْدُ:

فَقَدَّ جَاءَ إِلَيَّ رَسُولُكَ بِكِتَابِكَ، فَفَرَّأْتُهُ وَفَهَمْتُ جَمِيعَ مَا ذَكَرْتَهُ وَسَأَلْتُ عَنْهُ، وَزَعَمْتَ أَنَّكَ بُلِيْتُ بِوِلَايَةِ الْأَهْوَازِ، فَسَدَّرَنِي ذَلِكِ وَسَاءَنِي... وَسَأَبَّبْتُكَ بِهَوَانِ الدُّنْيَا وَهَوَانِ شَرَفِهَا عَلَيَّ مِنْ (4) مَضَى مِنَ السَّلَفِ وَالتَّابِعِينَ، فَقَدْ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا تَجَهَّزَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْكُوفَةِ أَتَاهُ ابْنُ عَبَّاسٍ، فَنَاشَدَهُ اللَّهُ وَالرَّحِمَ أَنْ يَكُونَ هُوَ الْمَقْتُولُ بِالطَّفِّ. فَقَالَ: أَنَا أَعْرِفُ بِمَصْرَعِي مِنْكَ، وَمَا وَكُدي (5) مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا فِرَاقَهَا، أَلَا أَخْبِرُكَ يَا بَنَ عَبَّاسٍ بِحَدِيثِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالدُّنْيَا؟

فَقَالَ لَهُ: بَلَى لَعَمْرِي، إِنِّي لِأَحِبُّ أَنْ تُحَدِّثَنِي بِأَمْرِهَا.

فَقَالَ أَبِي: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: حَدَّثَنِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ بِفَدَاكَ (6) فِي بَعْضِ حَيْطَانِهَا وَقَدْ صَارَتْ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، قَالَ: فَإِذَا أَنَا بِأَمْرَةٍ قَدْ هَجَمَتْ عَلَيَّ، وَفِي يَدِي مِسْحَاةٌ وَأَنَا أَعْمَلُ بِهَا، فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهَا طَارَ قَلْبِي مِمَّا تَدَاخَلَنِي مِنْ جَمَالِهَا، فَشَبَّهْتُهَا بِبَيْتَةِ بِنْتِ

عَامِرِ الْجَمْحِيِّ وَكَانَتْ مِنْ أَجْمَلِ نِسَاءِ قُرَيْشٍ، فَقَالَتْ: يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ، هَلْ لَكَ أَنْ تَتَزَوَّجَ بِي فَأُغْنِيكَ عَنِ هَذِهِ الْمِسْحَاةِ، وَأَذَلَّكَ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ فَيَكُونَ لَكَ الْمُلْكُ مَا بَقِيَتْ وَلِعَقْبِكَ مِنْ بَعْدِكَ؟ فَقَالَ لَهَا: مَنْ أَنْتِ حَتَّى أَخْطُبُكَ مِنْ أَهْلِكَ؟ فَقَالَتْ: أَنَا الدُّنْيَا. قَالَ لَهَا: فَارْجِعِي وَأَطْلُبِي زَوْجًا غَيْرِي فَلَسْتُ مِنْ شَأْنِي. وَأَقْبَلْتُ عَلَى مِسْحَاتِي، وَأَنْشَأْتُ أَقُولُ:

لَقَدْ خَابَ مَنْ غَرَّتَهُ دُنْيَا دَيْبِيَّةٌ وَمَا هِيَ إِلَّا غَرَّتْ قُرُونًا بِنَائِلِ أَتْنَا عَلَى زِيِّ الْعَزِيزِ بُيُوتَهُ وَزِينَتُهَا فِي مِثْلِ تِلْكَ الشَّمَائِلِ فَقُلْتُ لَهَا غُرِّي سِوَايَ فَإِنِّي عَرُوفٌ (7) عَنِ الدُّنْيَا فَلَسْتُ بِجَاهِلٍ وَمَا أَنَا وَالدُّنْيَا فَإِنَّ مُحَمَّدًا أَحَلَّ صَدْرِي بَيْنَ تِلْكَ الْجَنَادِلِ (8) وَهَبَهَا أَتْنَا بِالْكَنُوزِ وَدُرِّهَا وَأَمْوَالِ قَارُونَ وَمُلْكِ الْقَبَائِلِ أَلَيْسَ جَمِيعًا لِلْفَنَاءِ مَصِيرُهَا وَيَطْلُبُ مِنْ خَزَائِنِهَا بِالطَّوَائِلِ فَعُرِّي سِوَايَ إِنِّي غَيْرُ رَاغِبٍ بِمَا فِيكَ مِنْ مُلْكٍ وَعِزٍّ وَنَائِلٍ فَقَدْ قَنِعْتُ نَفْسِي بِمَا قَدْ رَزَقْتَهُ فَشَأْنُكَ يَا دُنْيَا وَأَهْلَ الْعَوَائِلِ (9) فَإِنِّي أَخَافُ اللَّهَ يَوْمَ لِقَائِهِ وَأَخْشَى عَذَابًا دَائِمًا غَيْرَ زَائِلٍ

فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ تَبَعَةٌ لِإِءْتَادِ حَتَّى لَقِيَ اللَّهَ مَحْمُودًا غَيْرَ مَلُومٍ وَلَا مَذْمُومٍ، ثُمَّ اقْتَدَتْ بِهِ الْأُيُمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ بِمَا قَدْ بَلَّغَكُمْ؛ لَمْ يَتَلَطَّخُوا بِشَيْءٍ مِنْ بَوَائِقِهَا (10)،

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَأَحْسَنَ مَثْوَاهُمْ (11). (12).

- 1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 344 ح 7856 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 343 ح 10518 ، تاریخ بغداد : ج 10 ص 268 الرقم 5382 ، حلیة الأولیاء : ج 1 ص 30 نحوه ، کنز العمال : ج 7 ص 184 ح 18598 ؛ تنبیہ الخواطر : ج 1 ص 128 نحوه .
- 2- .فَضُّهُ : كَسْرَهُ وَفَتْحَهُ (النهاية : ج 3 ص 454 «فضض»).
- 3- .المُجَامَلَةُ : الْمُعَامَلَةُ بِالْجَمِيلِ (الصحاح : ج 4 ص 1662 «جمل»).
- 4- .في المصدر : «على ما مضى» ، والتصويب من الموضوع الآخر من بحار الأنوار .
- 5- .وَكُدِّي : أَي دَأْبِي وَقَصْدِي (النهاية : ج 5 ص 219 «وكد»).
- 6- .فَدَكٌ : قَرْيَةٌ مِنْ قَرَى الْيَهُودِ بَيْنَهَا وَبَيْنَ مَدِينَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَانِ ، وَبَيْنَهَا وَبَيْنَ خَيْبَرَ دُونَ مَرْحَلَةٍ . وَهِيَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . وَكَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛ لِأَنَّهُ فَتَحَهَا هُوَ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ مَعَهُمَا أَحَدٌ ، فَزَالَ عَنْهَا حَكْمُ الْفَيِّءِ وَلَزِمَهَا اسْمُ الْأَنْفَالِ ، فَلَمَّا نَزَلَ «وَأَتَتْ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» «الإسراء : 26» أَي أُعْطِيَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَذَكَا ، أُعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيَّاهَا ، وَكَانَتْ فِي يَدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَى أَنْ تَوَفَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخَذَتْ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِالْقَهْرِ وَالْعَلْبَةِ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1370 «فدك»).
- 7- .عَزَفَتْ نَفْسِي عَنْ الشَّيْءِ تَعَزَفُ عَزُوفًا: أَي زَهَدَتْ فِيهِ وَانصرفت عنه (الصحاح : ج 4 ص 1403 «عزف»).
- 8- .الْجَنْدَلُ : الْحَجَرُ ، وَالْجَنْدَلُ : الْمَوْضِعُ تَجْتَمِعُ فِيهِ الْحِجَارَةُ (تاج العروس : ج 14 ص 125 «جندل»).
- 9- .الْغَانَلَةُ : الْفَسَادُ وَالشَّرُّ (مجمع البحرين : ج 2 ص 1342 «غول»).
- 10- .بَوَائِقُهَا : أَي غَوَائِلُهَا وَشُرُورُهَا (النهاية : ج 1 ص 162 «بوق»).
- 11- .بحار الأنوار : ج 78 ص 271 ح 112 وج 77 ص 189 ح 11 مختصرا وكلاهما نقلاً عن كشف الريبه : ص 86 (وقد صُحِّفَتْ فِيهِ بَعْضُ الْعِبَارَاتِ) وَرَاجِعِ الْمُنَاقِبِ لِابْنِ شَهْرٍ أَشُوبَ : ج 2 ص 102 .
- 12- .في بحار الأنوار نقلاً عن نهج الكيدري أنه قال عند شرح قول أمير المؤمنين عليه السلام لهمّام في وصف المتّقين «أرادتهم الدنيا فلم يريدوها» : من مكاشفات أمير المؤمنين عليه السلام ما رواه الصادق ، عن آبائه عليهم السلام \_ وساق الحديث نحو ما ذكرناه ، ثم قال \_ : فهذا معنى قوله عليه السلام : أرادتهم الدنيا ولم يريدوها (بحار الأنوار : ج 73 ص 83 ح 46) .

**ب \_ مجسم شدن دنیا برای پیامبر****ج \_ مجسم شدن دنیا برای امیر مؤمنان**

ب \_ مجسم شدن دنیا برای پیامبر 366. تاریخ دمشق عن صمصامة بن الطرمّاح: المستدرک علی الصحیحین \_ به نقل از ابو بکر \_ : با پیامبر خدا بودم که دیدم چیزی را از خود می راند ، در حالی که کسی را با ایشان ندیدم. گفتم: ای پیامبر خدا! چه چیزی را از خود می رانی؟

فرمود: «این دنیا برایم مجسم شد و من به او گفتم: از من دور شو. دوباره آمد و گفت: اگر تو از من گریختی، کسانی که بعد از تو می آیند ، از چنگ من نخواهند گریخت». ج \_ مجسم شدن دنیا برای امیر مؤمنان 368. وقعة صفین ( \_ بَعْدَ ذِكْرِ كَلَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ ) بحار الأنوار \_ به نقل از عبد الله بن سلیمان نوفلی \_ : نزد جعفر بن محمد صادق علیهما السلام بودم که یکی از غلامان عبد الله نجاشی بر ایشان درآمد و سلام کرد و نامه او را به ایشان داد. امام علیه السلام نامه را گشود و خواند. نامه چنین شروع شده بود:

«به نام خداوند بخشنده مهربان . خداوند بلند مرتبه ، عمر سرورم را دراز گرداند و مرا بلاگردان او سازد و هر غم و گزندی را از ایشان به دور دارد که این همه ، به دست اوست و او بر آن ، تواناست. آقا و مولایم بدانند که این جانب به ولایتداری اهواز ، گرفتار آمده ام. بنا بر این ، اگر سرورم صلاح ببیند ، برای من مرزی [و دستور العملی] تعیین کند یا الگویی فرا پیشم نهد تا از طریق آن ، به آنچه مرا به خداوندو پیامبر او نزدیک می سازد ، رهنمون شوم و در نامه اش آنچه را که فکر می کند من باید به کار ببندم [ بیاورد ] ... و این که زکاتم را به که بدهم و در چه مواردی به مصرفش رسانم ، با چه کسی دمخور شوم ، به چه کسی اطمینان کنم، چه کسی مورد وثوق من و رازدار و امینم باشد. امید است که خداوند به واسطه هدایت و راهنمایی ات مرا نجات بخشد؛ زیرا که شما حجّت خدا بر خلق او و امین او در سرزمینش هستید و همواره از نعمت و نواخت او برخوردارید».

امام صادق علیه السلام در جواب او نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند با

احسان خود ، تو را بنوازد و رهین سئّت خویش قرار دهد و همواره ، نگهدار تو باشد که این همه ، به دست اوست. اینک ، پیک تو نامه ات را برایم آورد و آن را خواندم و مطالب آن و هر آنچه در آن گفته بودی و درخواست کرده بودی ، دریافتم. گفته ای که به ولایتداری اهواز ، گرفتار شده ای. این خبر ، هم موجب مسرت من گردید و هم مایه نگرانی ام... از خواری دنیا و بی مقداری مقام آن در نزد گذشتگان و آیندگان برایت بگویم: محمد بن علی بن حسین علیهم السلام برایم حدیث کرد و فرمود: چون حسین علیه السلام آماده رفتن به کوفه شد ، ابن عباس ، خدمت وی رسید و او را به خدا و حقّ خویشاوندی سوگند داد که به این سفر نرود تا مبادا آن کسی که در کف (کربلا) کشته می شود ، او باشد.

امام به او فرمود: من به قتلگاه خود ، از تو آگاه ترم و من ، از دنیا ، جز مفارقت آن را نمی خواهم. ای پسر عباس! آیا داستان امیر مؤمنان و دنیا را برایت نگویم؟!

ابن عباس گفت: چرا . به جانم سوگند که دوست دارم ماجرای آن را برایم بازگویی.

پدرم فرمود: علی بن حسین علیهما السلام گفت: از ابا عبد الله [حسین] علیه السلام شنیدم که می فرماید: امیر مؤمنان علیه السلام برایم



گفت: من در یکی از باغ های فدک که به فاطمه علیها السلام رسیده بود ، (1) با بیل مشغول کار بودم که ناگهان ، زنی سرزده بر من درآمد. با دیدن جمال او ، قلبم از جا کنده شد. او را شبیه بُئینه (2) دختر عامر جُمحی \_ که از زیباترین زنان قریش بود \_ دیدم. آن زن به من گفت: ای پسر ابو طالب! دوست داری با من ازدواج کنی تا تو را از این بیل ، بی نیاز گردانم

و گنجینه های زمین را به تو نشان دهم که تا زنده ای ، خودت و پس از تو بازماندگانت ، پادشاهی کنید؟

به او گفتم : «تو که هستی تا تو را از خانواده ات خواستگاری کنم؟» .

گفت: من ، دنیايم.

گفتم: (برو و شوهری جز من بجوی) .

سپس بیل را برداشتم و با خود ، این ابیات را برخواندم:

آن که دنیای دون فریش داد ، ناکام ماند/ و دنیا اگر نسل هایی را هم بفریبد ، کسی نیست که بخشندگی کند. دنیا در چهره زیبای بُئینه نزد ما آمد/ و جمالش به سان همو می نمود . گفتمش: کسی دیگر را بفریب که من/ از دنیا روی گردانیده ام و نادان نیستم . مرا چه به دنیا؛ زیرا که محمّد/ در میان آن تخته سنگ ها آرمیده است . گیرم که دنیا گنج ها و مرواریدهای خود/ و دارایی های قارون و مُلک قبایل را به من دهد ، آیا نه این است که همه اینها از بین رفتنی اند/ و از گنجورانشان می خواهند که بخشش کنند؟! پس ، جز مرا بفریب که مرا/ ملک و عزّت و بخشش تو رغبتی نیست . نفس من به آنچه روزی اش شده ، قانع است/ ای دنیا! برو کار خویش را با غانله جویان پی گیر . من از خداوند، آن روز که دیدارش کنم، می ترسم/ و از عذاب همیشگی و پایدار ، بیمناکم .

آری! امیر مؤمنان از دنیا رفت ، در حالی که حقّ احدی را به گردن نداشت و خداوند را در حالی دیدار کرد که مورد پسند او بود و هیچ ملامت و نکوهشی متوجّهش نبود. سپس امامان پس از او ، به او اقتدا کردند که خبرش

به شما رسیده است. خویشان را به کمترین پلشتی دنیا نیالودند. درود بر همگی آنان باد و جایگاهشان نکو باد! (3)

1- فدک: روستایی از روستاهای متعلّق به یهود است که تا مدینه ، دو روز و با خیبر ، کمتر از يك منزل راه فاصله دارد و از غنایمی بود که خداوند به پیامبرش بخشید. به این دلیل به پیامبر خدا تعلق گرفت که توسط ایشان و امیر مؤمنان فتح شد و کسی دیگر در فتح آن دخالت نداشت. لذا کلمه «فَى ء» از آن برداشته و نام «انفال» بر آن نهاده شد. چون آیه «وَأَتَتْ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُو» (اسراء : آیه 26) یعنی فدک را به فاطمه علیها السلام بده، نازل شد، پیامبر خدا ، آن را به فاطمه علیها السلام داد و تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت همچنان در اختیار فاطمه او بود و بعد به زور از ایشان گرفته شد (مجمع البحرین: ج3، ص170 «فدک»).

2- در متن عربی : «ثَبِيَّة» آمده که براساس متن بحار الأنوار ، آن را اصلاح کردیم.

3- در بحار الأنوار آمده است: کیدری ، پس از شرح این سخن امیر مؤمنان به همّام در وصف پرهیزگاران که: «دنیا آنان را خواست ؛ امّا آنان دنیا را نخواستند» ، می گوید: از مکاشفات امیر مؤمنان ، روایتی است که امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می کند \_ شارح آن حدیث را نزدیک به آنچه گذشت نقل می کند \_ و سپس می گوید: این است معنای فرمایش او که: «دنیا آنان را خواست ؛

امّا آنان دنيا را نخواستند» (بحار الأنوار : ج 73 ص 83 ح 246).









د \_ تَمَثَّلُ الدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ 370. تاريخ الطبري عن الضحَّك المَشْرَقِي عن الحسين عليه ( \_ فِي جَوَابِ مُسْلِمِ بْنِ عَوَسَجَةَ لَمَّا قَالَ لَهُ )  
التحصين عن ابن عباس: يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالدُّنْيَا فِي صُورَةِ عَجُوزٍ زَرْقَاءَ شَمِطَاءَ ، بَادِيَةٍ أَنْبَاهُا مُشَوَّهَةٌ خَلَقَتْهَا ، وَتُشْرِفُ عَلَى الْخَلَائِقِ .

فَيَقُولُ : تَعْرِفُونَ هَذِهِ؟

فَيَقُولُونَ : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ مَعْرِفَةِ هَذِهِ !

فَيَقُولُ : هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفَاخَرْتُمْ عَلَيْهَا ، وَبِهَا تَقَاطَعْتُمْ الْأَرْحَامَ ، وَبِهَا تَحَاسَدْتُمْ وَتَبَاغَضْتُمْ وَاعْتَرَّزْتُمْ .

ثُمَّ تُقَدَّفُ فِي جَهَنَّمَ ، فَتَقُولُ : يَا رَبِّ أَتَبَاعِي وَأَشْيَاعِي؟ فَيَقُولُ اللَّهُ : الْحِقُوا بِهَا أَتَبَاعِهَا وَأَشْيَاعِهَا . (1) راجع : ص 330 ح 490 و 334 ح 496 و 497 .

1 / 7 إقبال الدنيا وإدبارها 374. الأمامي بإسناده عن الحسين عليه السلام ( \_ فيما قاله لِأَمِّ وَهَبٍ لَمَّا قُتِلَ ابْنُهَا وَ ) الإمام علي عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا رُبَّمَا أَقْبَلَتْ عَلَى الْجَاهِلِ بِالْإِتِّفَاقِ ، وَأَدْبَرَتْ عَنِ الْعَاقِلِ بِالْإِسْتِحْقَاقِ ، فَإِنَّ أَتَتَكَ مِنْهَا سَهْمَةٌ مَعَ جَهْلٍ أَوْ فَاتَتْكَ مِنْهَا بُغْيَةٌ مَعَ عَقْلِ ، فَإِيَّاكَ

أَنْ يَحْمِلَكَ ذَلِكَ عَلَى الرَّغْبَةِ فِي الْجَهْلِ وَالزُّهْدِ فِي الْعَقْلِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزْرِي (2) بِكَ وَيُرْدِيكَ (3) . (4) .

- 
- 1- .التحصين لابن فهد : ص 27 ح 47 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 146 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 316 وفيهما «تناجزتم» بدل «تفاخرتم» ، كنز العمال : ج 3 ص 724 ح 8579 نقلاً عن أبي سعيد بن الأعرابي في الزهد .
  - 2- . يقال : أزرى بأخيه إزراءً ؛ أي أدخل عليه عيباً (تاج العروس : ج 19 ص 492 «زرى») .
  - 3- .رَدِي يَرْدِي : أَي هَلَكَ . وَأَرْدَاهُ غَيْرُهُ (الصَّحاح : ج 6 ص 2355 «ردى») .
  - 4- .غرر الحكم : ح 3683 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 146 ح 3237 وفيه «بالإنفاق» بدل «بالإتفاق» .

## د \_ مجسم شدن دنیا در روز قیامت

## 1 / 7 اقبال و ادبار دنیا

د \_ مجسم شدن دنیا در روز قیامت 376. مسند أبي يعلى عن زيد بن علي بن حسين عن أبيه عن جالتحصين \_ به نقل از ابن عباس \_ : روز قیامت، دنیا را در هیئت پیرزنی چشم آبی و سپید موی با نیش هایی بیرون زده و قیافه ای زشت و بدریخت می آورند و آن را بر خلاق نزدیک می کنند. سپس [ خداوند ] می گوید: «این را می شناسید؟» .

خلاق می گویند: پناه به خدا از این که او را بشناسیم!

می گوید: «این ، همان دنیا است که با آن به یکدیگر فخر می فروختید و به خاطر آن ، از یکدیگر پیوند خویشاوندی می بُریدید و برای آن ، با یکدیگر حسادت می ورزیدید و کینه توی می کردید و فریب خوردید» .

سپس او را به دوزخ پرتاب می کنند و دنیا می گوید: پروردگارا! پیروانم و دنباله روانم [ چه می شوند ]؟

خداوند می فرماید: «پیروان و دنباله روانش را نیز به او ملحق کنید» . ر . ك : ص 331 ح 490 و 335 ح 496 و 497 .

1 / 7 اقبال و ادبار دنیا 380. نوادر الأصول عن الحسين بن علي عليه السلام : امام علي عليه السلام : دنیا ، گاه تصادفاً به نادان روی می آورد و به حق ، از خردمند بر می گردد. پس اگر با وجود نادانی ات ، بهره ای از دنیا به تو رسید یا با وجود خردمندی ات ، به مطلوبی از آن دست نیافتی ، مبدا این امر ، تو را وا دارد که به

نادانی رغبت کنی و به خرد و دانایی پشت نمایی که این ، تو را بی مقدار می کند و به نابودی می کشاند.



381. الأمامي عن الحسين بن علي بن الحسين عن أبيه عن جدعنه عليه السلام: إذا أقبَلت الدنيا على أحدٍ أعارته محاسن غيره، وإذا أدبرت عنه سلبته محاسن نفسه . (1) 382. تاريخ الطبري عن عقبة بن أبي العيزار: الإمام الصادق عليه السلام: إذا أقبَلت دنيا قوم كُسوا محاسن غيرهم، وإذا أدبرت سلبوا محاسن أنفسهم . (2) 383. مسند أبي يعلى عن يوسف الصبّاغ عن الحسين عليه السل ( \_ ولا أعلمه إلا عن النبي صلى الله عليه ) الإمام علي عليه السلام: إن الدنيا تُقبل إقبال الطالب، وتُدبر إدبار الهارب، وتصل مواصلة الملوكة، وتُفارق مفارقة العجول . (3) 384. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ في الأمر بالمعروف والنهي عن المنك ) عنه عليه السلام \_ في وصف الدنيا: إن أقبَلت غرّت، وإن أدبرت صرّت . (4) 385. الكافي عن بشر بن غالب الأسدي عن الحسين بن علي علعه عليه السلام \_ في الحكم المنسوبة إليه \_ : إذا أقبَلت الدنيا أقبَلت على حمارٍ قَطوفٍ (5) ، وإذا أدبرت أدبرت على البراق (6) . (7) .

- 1- نهج البلاغة : الحكمة 9 ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 130 ح 11 عن إبراهيم بن العباس عن الإمام الرضا عن أبيه عليهما السلام ، مشكاة الأنوار : ص 469 ح 1569 ، نثر الدرّ : ج 1 ص 353 ، روضة الواعظين : ص 488 والأربعة الأخيرة عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «أعطته» بدل «أعارته» ، جامع الأخبار : ص 509 ح 1418 ، غرر الحكم : ح 4126 وفيه «كسته» بدل «أعارته» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 357 ح 71 .
- 2- تحف العقول : ص 382 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 269 ح 185 .
- 3- غرر الحكم : ح 3666 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3230 وفيه «الملول» بدل «الملوك» .
- 4- مطالب السؤل : ص 53 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 23 ح 88 .
- 5- القَطوف من الدواب وغيرها : البطيء (المصباح المنير : ص 509 «قطف») .
- 6- البراق : هي الدابة التي ركبها رسول الله صلى الله عليه وآله ليلة الإسراء . قيل : سمي بذلك لسرعة حركته (النهاية : ج 1 ص 120 «برق») .
- 7- شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 293 ح 352 .

386. الأُمالي عن سعد بن طريف عن أبي جعفر الباقر عن أبيهامام علي عليه السلام: هرگاه دنیا به کسی رو کند، خوبی های دیگران را نیز به او عاریت می دهد و هرگاه از او برگردد، خوبی های خودش را هم از او می گیرد. 387. الأُمالي یاسناده عن الحسين بن علي عن أخيه الحسن بامام صادق عليه السلام: هرگاه دنیا به قومی رو کند، خوبی های دیگران بر قامت آنان پوشانده می شود و هرگاه پشت کند، خوبی های خودشان هم از آنان رُبوده می شود. 388. جامع الأحادیث عن الحسين بن علي عليه السلام: امام علي عليه السلام: دنیا، به سان شخص جوینده می آید و همانند شخص گریزنده می رود و چون شاهان، پیوند برقرار می کند و مانند کسی که عجله دارد، جدا می شود. 389. الأُمالي یاسناده عن الحسين بن علي عن علي بن أبيامام علي عليه السلام \_ در توصیف دنیا \_ دنیا، اگر روی آورد، می فریبد و اگر پشت کند، زیان می زند. 390. الأُمالي یاسناده عن الحسين بن علي عن أمير المؤمنينامام علي عليه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ دنیا وقتی می آید، سوار بر الاغی کُند رو، می آید و وقتی می رود، با بُراق (1) می رود.

---

1- بُراق: مرکب پیامبر خدا در شب معراج . می گویند: آن را «بُراق» گفته اند، چون تند حرکت می کرده است (النهاية: ج 1 ص 120 «برق»).

391. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فيما نُسِبَ إليه من دُعاء عَرَفَةَ \_ ) عنه عليه السلام \_ في الديوان المنسوب إليه \_ : فَمَنْ يَحْمَدُ الدُّنْيَا بَعِيشٍ يَسْرُهُ فَسَوْفَ لَعْمَرِي عَنْ قَلِيلٍ يَلُومُهَا إِذَا أَقْبَلَتْ إِذَا أَلْمَمَتْ عَلَى الْمَرْءِ فِتْنَةٌ وَإِنْ أُدْبِرَتْ كَانَتْ كَثِيرًا هُمُومُهَا (1) راجع : ج 2 ص 112 (رفاه العيش / خدمة الدنيا) .

---

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ص 522 الرقم 396 .

393. الأُمالي يأسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: امام علي عليه السلام \_ در ديوان منسوب به ایشان \_ : هرکه دنيا را از سرِ خوشی بستاید ، / سوگند به جانم که به زودی آن را خواهد نکوهيد . دنيا ، هرگاه بيايد ، مایه گرفتاری آدمی است / و هرگاه پشت کند ، آه و افسوس هایش بسیار است . ر . ک : ج 2 ص 113 (آسایش زندگی / خدمت گزاری دنيا) .

الفصل الثاني : تقويم الدنيا / 2 / 1 ما تَعَدِلُ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ! 398. طَبَّ الأئمة عن جابر الجعفي عن محمد الباقر عليه ارسول الله صلى الله عليه وآله : لو كانت الدنيا تعدل عند الله مثل جناح بعوضة ، ما أعطى كافراً ولا منافقاً منها شيئاً . (1) 399. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللعنه صلى الله عليه وآله : إن الدنيا لو عدلت عند الله - تبارك وتعالى - جناح بعوضة ، لَمَا سَقَى الكافرَ مِنْهَا شَرْبَةً مِنْ ماءٍ . (2) .

- 
- 1- . تحف العقول : ص 40 ، الدعوات : ص 225 ح 624 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه «ولا منافقاً» ، التمهيد : ص 49 ح 79 عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «متمثال» بدل «مثل» ، بحار الأنوار : ج 72 ص 52 ح 72 ؛ كنز العمال : ج 3 ص 213 ح 6208 نقلاً عن ابن المبارك .
- 2- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 363 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج 2 ص 246 ح 5 عن فضيل بن يسار عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «عدوه» بدل «الكافر» ، الأمالي للصدوق : ص 305 ح 348 عن محمد بن قيس وفيه «عند الله من الخير» بدل «عند الله» ، الاحتجاج : ج 1 ص 55 ح 22 عن الإمام العسكري عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «كافراً به مخالفاً له» بدل «الكافر» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 87 ح 50 ؛ سنن الترمذي : ج 4 ص 560 ح 2320 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1377 ح 4110 وفيه «قطرة أبدا» بدل «شربة من ماء» ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 342 ح 7847 كلّها عن سهل بن سعد ، كنز العمال : ج 3 ص 195 ح 6132 .

## فصل دوم : ارزیابی دنیا

### 2 / 1 کم مقدارتر از بال پشه

فصل دوم: ارزیابی دنیا 2 / 1 کم مقدارتر از بال پشه 403. الطبقات الكبرى عن محمد بن أبي محمد البصري: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه بال پشه ای می‌ارزید، چیزی از آن را به کافر و منافق نمی‌داد. 404. مسند أبي يعلى عن أبي الحوراء: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا اگر در نزد خداوند \_ تبارك و تعالی \_ با بال پشه ای برابری می‌کرد، [حتی] جرعه آبی از آن را به کافر نمی‌نشانند.

405. ربيع الأبرار: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ نَعِيمَ الدُّنْيَا أَقْلٌ وَأَصْغَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ خُرءٍ بُعِيضَةٍ، وَلَوْ عَدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ ذُبَابٍ لَمْ يَكُنْ لِمُسْلِمٍ بِهَا لِحَاقٌ، وَلَا لِكَافِرٍ خَلَاقٌ (1). (2) 406. تهذيب الأحكام: حلية الأولياء عن زيد بن ثابت: نَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى حَصِيرٍ فَأَثَّرَ فِي جَنْبِهِ، فَقَالَتْ لَهُ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا كِسْرَى وَقَيْصَرٌ فِي مُلْكِكَ عَظِيمٍ، وَأَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ لَا شَيْءَ لَكَ؛ تَنَامُ عَلَى الْحَصِيرِ وَتَلْبَسُ الثَّوبَ الرَّدِيءَ!

فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَائِشَةُ، لَوْ شِئْتُ أَنْ تَسِيرَ مَعِيَ الْجِبَالُ ذَهَبًا لَسَارَتْ، وَلَقَدْ أَتَانِي جِبْرِيلُ بِمَفَاتِيحِ خَزَائِنِ الدُّنْيَا فَلَمْ أُرِدْهَا. اِرْفَعِي الْحَصِيرَ!

فَرَفَعَتْهُ، فَإِذَا تَحْتَ كُلِّ زَاوِيَةٍ مِنْهَا فَضِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ مَا يَحْمِلُهُ الرَّجُلُ، فَقَالَ: أَنْظُرِي إِلَيْهَا يَا عَائِشَةُ، إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ قَدْرَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ. ثُمَّ غَارَتِ التُّضْبَانُ. (3) 2 / 2 ما لها قدرٌ ولا وزنٌ، ولا خلقٌ \_ فيما بلغنا \_ خلقاً أبغضَ إليه منها، وما نظرتُ إليها مُذْ خَلَقَهَا. وَلَقَدْ عُرِضَتْ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَفَاتِيحِهَا وَخَزَائِنِهَا لَا يَنْقُصُهُ ذَلِكَ مِنْ حَظِّهِ مِنَ الْآخِرَةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا؛ لِعِلْمِهِ أَنَّ اللَّهَ \_ عَزَّ وَجَلَّ \_ تَنَاوَهُ \_ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ، وَصَدَّ عَرَّ شَيْئًا فَصَدَّ عَرَّهُ، وَالْأَيُّ يَرْفَعُ مَا وَضَعَ اللَّهُ \_ جَلَّ تَنَاوَهُ \_ وَالْأَيُّ يَكْتُمُ مَا أَقَلَّ اللَّهُ \_ جَلَّ وَعَزَّ \_، وَلَوْ لَمْ يُخْبِرْكَ عَنْ صِغَرِهَا عِنْدَ اللَّهِ، إِلَّا أَنَّ اللَّهَ \_ جَلَّ

وَعَزَّ \_ أَصْغَرَهَا عَنْ أَنْ يَجْعَلَ خَيْرَهَا ثَوَابًا لِلْمُطِيعِينَ، وَأَنْ يَجْعَلَ عُقُوبَتَهَا عِقَابًا لِلْعَاصِينَ (4). (5).

1- الخلاق: النَّصِيب (المصباح المنير: ص 180 «خلق»).

2- تاريخ المدينة: ج 2 ص 557 عن الشعبي.

3- حلية الأولياء: ج 7 ص 262 وراجع الطبقات الكبرى: ج 1 ص 466.

4- جواب «لو» محذوف وتقديره: «لكفى» كما في بحار الأنوار.

5- دستور معالم الحكم: ص 37 و ص 39؛ بحار الأنوار: ج 73 ص 108 و 110 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ وفيه

«الغدارة» بدل «الغزارة».

## 2 / 2 بی قدر و وزن

410. عیون الأخبار عن إسرائيل عن الحسين عليه السلام ( \_ أَنَّهُ كَانَ إِذَا اسْتَسْقَى قَالَ \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ناز و نعمت دنیا در نزد خداوند ، کمتر و کوچک تر از فضله يك پشه ریز است. اگر دنیا در نظر خداوند به اندازه بال مگسی ارزش داشت، نه مسلمانی به آن می رسید و نه کافری از آن بهره ای می یافت. 411. طَبَّ الْأَنْثَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُفَضَّلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أُحْلِيَةَ الْأَوْلِيَاءِ \_ به نقل از زید بن ثابت \_ : پیامبر خدا بر بوریایی خوابید و بوریای در پهلوی ایشان ، رد انداخت. عایشه گفت: ای پیامبر خدا! کسرا و قیصر ، از سلطنتی بزرگ برخوردارند و شما که پیامبر خدايید ، هیچ ندارید : بر بوریای می خوابید و جامه بی مقدار می پوشید!

پیامبر خدا به او فرمود: «ای عایشه! اگر بخواهم که کوه ها برایم از طلا شوند، چنین می شوند . جبرئیل ، کلیدهای خزانه های دنیا را برایم آورد ؛ ولی من آنها را نخواستم. بوریای را بالا بزن!» .

بوریای برداشتم . دیدم که زیر هر گوشه ای از آن ، قطعه ای از طلاست که يك مرد نمی تواند آن را بردارد.

پیامبر فرمود: «ای عایشه ! به اینها بنگر . دنیا در نزد خداوند ، حتّی به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد». در این هنگام ، قطعه ها [ای طلا] در زمین فرو رفتند (ناپدید شدند). 2 / 2 بی قدر و وزن 414. كشف الغمّة عن راشد بن أبي روح الأنصاري : امام علی علیه السلام : از این دنیای مگار فریبکار ، بر حذر باشید... که دنیا در نزد خداوند هیچ قدر و وزنی ندارد، و تا آن جا که به ما خبر رسیده است ، خداوند هیچ مخلوقی نیافریده است که در نزد او منفورتر از دنیا باشد، و از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن نگاه نکرد. کلیدها و خزانه های دنیا به پیامبرمان محمّد صلی الله علیه و آله پیشنهاد شد ، بی آن که از بهره آخرتش چیزی کم شود ؛ اما او از پذیرفتن آن سر باز زد؛ زیرا می دانست که خداوند چه چیز را ناخوش می دارد، او هم آن را ناخوش داشت، و چه چیز را کوچک می شمارد ، او هم

کوچکش شمرد، و آنچه را خداوند پایین آورده است ، او بالا نبرد، و آنچه را خداوند کم قرار داده ، او زیادش نگرداند.

اگر درباره خُردی دنیا در نزد خداوند ، تو را جز همین اندازه خبر نداده بود که خداوند آن را کوچک تر از آن دانسته که خوبی اش (خوشی اش) را پاداشی برای اهل طاعت قرار دهد و کیفرهایش را کیفری برای اهل معصیت [ ، همین، کفایت می کرد].



2 / 3 أهونُ الخلقِ على الله 417. الدعوات عن علي بن الحسين عليه السلام: تنبيه الخواطر: قيل: مكتوبٌ في صحف إبراهيم عليه السلام: يا دنيا ما أهونك على الأبرار الذين تزيت وتصنعت لهم، إني قدفت في قلوبهم بغضك والصُدودَ عنك، وما خلقت خلقاً أهون علي منك، كلُّ شأنك صغيرٌ، وإلى الفناء تصيرين. فضديت عليك يوم خلقتك ألا تدومي لاءحدٍ ولا يدوم أحدٌ لك، وإن بخل بك صاحبك وشح عليك. (1) 418. مهج الدعوات بإسناده عن الإمام الحسين عليه السلام مصحح مسلم عن جابر بن عبد الله: إن رسول الله صلى الله عليه وآله وآله مرَّ بالسوقِ داخلاً من بعضِ العالِيَةِ (2)، والناسُ كنفته (3)، فمرَّ بجدي أسك (4) ميّت فتناوله فأخذ بأذنيه، ثم قال: أيُّكم يحبُّ أن هذا له بدرهم؟ فقالوا: ما نحبُّ أنه لنا بشيءٍ، وما نصنع به؟!

قال: أتحبون أنه لكم؟ قالوا: والله لو كان حياً كان عيباً فيه؛ لآئته أسك، فكيف وهو ميّت؟

فقال: فوالله للدنيا أهونُ على الله من هذا عليكم. (5).

- 1- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 130؛ إحياء علوم الدين: ج 3 ص 300 عن داوود بن هلال.
- 2- العالِيَةِ والعوالي: أماكن بأعلى أراضي المدينة، وأدناها من المدينة على أربعة أميال، وأبعدُها من جهة نجد ثمانية (النهاية: ج 3 ص 295 «علا»).
- 3- الكنف: الجانب. واكتنفته القوم: كانوا منه يمتنةً ويسرةً (المصباح المنير: ص 542 «كنف»).
- 4- الأسك: أي مصطلم الأذنين مقطوعهما (النهاية: ج 2 ص 384 «سك»).
- 5- صحيح مسلم: ج 4 ص 2272 ح 2، الأدب المفرد: ص 285 ح 962، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 151 ح 14935، السنن الكبرى: ج 1 ص 218 ح 660 كلُّها نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 212 ح 6206؛ الزهد للحسين بن سعيد: ص 49 ح 131 عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر نحوه.

**2 / 3 بی ارزش ترین مخلوق در نزد خدا**

2 / 3 بی ارزش ترین مخلوق در نزد خدا 421. الأمايلي بإسناده عن الحسين بن علي عن علي بن أبيتنبية الخواطر: گفته شده که: در صُحُف ابراهیم علیه السلام نوشته شده است: «ای دنیا! تو در نزد نیکان، چه بی ارزشی که خود را برای آنان می آرایی و طُنَّازی می کنی. من نفرت و بیزاری از تو را در دل های آنان افکنده ام، و مخلوقی ناچیزتر از تو در نزد خودم نیافریده ام. همه چیز تو، حقیر است، و به نابودی می انجامی. همان روز که تو را آفریدم، حکم کردم که نه تو برای کسی پبایی و نه کسی برای تو پباید، هرچند دارنده تو، نسبت به تو، بخل و زُفتی ورزد. 422. مسند أبي يعلي عن طلحة بن عبيد الله عن الحسين بنصحيح مسلم \_ به نقل از جابر بن عبد الله \_ : پیامبر خدا از یکی از مناطق بالا دست مدینه به بازار در آمد و در حالی که مردم او را در میان گرفته بودند، بر لاشه بزغاله گوش بریده ای گذشت. آن را برداشت و گوشش را گرفت و فرمود: «کدام يك از شما دوست دارد که این، به يك درهم از آن او باشد؟» .

گفتند: به هیچ مقداری دوست نداریم که مال ما باشد . با آن، چه کنیم؟!

فرمود: «دوست دارید که [ رایگان، ] مال شما باشد؟» .

گفتند: به خدا سوگند، اگر زنده بود چون گوش بریده است، معیوب بود [و آن را نمی خواستیم]، چه رسد به این که مرده است!

فرمود: «به خدا سوگند که دنیا در نزد خداوند، بی ارزش تر از این در نزد شماست» .

2 / 4 أهونٌ من جيفةٍ 425. الإرشاد عن علي بن الحسين زين العابدين عليه السلا الإمام الصادق عليه السلام: مرَّ رسولُ الله صلى الله عليه و آله بجدي أسكَّ مُلقَى على مذبلةٍ مَيِّتًا، فقالَ لِأَصْحَابِهِ: كَمْ يُسَاوِي هَذَا؟ فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دِرْهَمًا!

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا الجَدِيِّ عَلَيَّ أَهْلِهِ. (1) 426. الطبقات الكبرى: سنن الترمذي عن المُستَوْرِد بن شَدَّاد: كُنْتُ مَعَ الرِّكْبِ الَّذِينَ وَفَّقُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيَّ السَّخْلَةَ المَيِّتَةَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَتَرُونَ هَذِهِ هَانَتْ عَلَيَّ أَهْلِهَا حِينَ أَلْقَوْهَا؟ قَالُوا: مِنْ هَوَانِهَا أَلْقَوْهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: فَالِدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ هَذِهِ عَلَيَّ أَهْلِهَا. (2) 427. الدعوات عن زين العابدين عليه السلام: مسند ابن حنبل عن عبد الله بن ربيعة السُّلَمي: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرٍ... فَلَمَّا هَبَطَ الوَادِيَّ مَرَّ عَلَيَّ سَخْلَةً مَنبُوذَةً، فَقَالَ: أَتَرُونَ هَذِهِ هَيَّئَةً عَلَيَّ أَهْلِهَا؟ لَلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ هَذِهِ عَلَيَّ أَهْلِهَا. (3) راجع: ص 292 (مثل الدنيا / مثل الجيفة).

- 
- 1- الكافي: ج 2 ص 129 ح 9 عن جميل بن درّاج، بحار الأنوار: ج 73 ص 55 ح 27.
  - 2- سنن الترمذي: ج 4 ص 560 ح 2321، سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1377 ح 4111، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 294 ح 18035 كلاهما نحوه، الزهد لابن المبارك: ص 177 ح 508، كنز العمال: ج 3 ص 211 ح 6201.
  - 3- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 11 ح 18986، أسد الغابة: ج 3 ص 234 الرقم 2940 وفيه «فإذا هو راعي غنم وإذا شاة ميتة» بدل «مرّ على سخله منبوذة» وراجع روضة الواعظين: ص 491 وبحار الأنوار: ج 73 ص 122 ح 110.

**2 / 4 بی ارزش تر از مردار**

2 / 4 بی ارزش تر از مردار 431. مقتل الحسین علیه السلام ( \_ فِي ذِكْرِ مَصْرَعِ الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ \_ ) امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا بر لاشه بزغاله گوش بریده ای که در خرابه ای افتاده بود، گذشت. به یارانش فرمود: «این، به چند می ارزد؟» .

گفتند: شاید اگر زنده بود ، به درهمی هم نمی ارزید!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این بزغاله در نزد صاحب آن است». 432. تاریخ دمشق عن مسلم بن رباح مولى علي بن أبي طالب سنن الترمذی \_ به نقل از مُسْتَوْرِدِ بْنِ شَدَّادٍ \_ : من همراه عدّه ای سواره بودم که با پیامبر خدا کنار برّه مرده ای ایستادند. پیامبر خدا فرمود: «به نظر شما آیا این ، در نزد صاحبش بی ارزش بوده که آن را دور انداخته است؟» .

گفتند: ای پیامبر خدا! چون بی ارزش بوده ، آن را دور انداخته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این در نزد صاحب آن است». 433. مصباح المتهجد : مسند ابن حنبل \_ به نقل از عبد الله بن ربيعه سلمی \_ : پیامبر صلی الله علیه و آله در سفری... چون از دره ای پایین رفت، لاشه برّه دور افکنده ای را دید . فرمود: «آیا به نظر شما این برای صاحبش بی ارزش بوده [که آن را دور انداخته] است؟ دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این لاشه در نزد صاحب آن است». ر . ك : ص 293 (مَثَلُ دُنْيَا / مَثَلُ لَاشِه).

2 / 5 لا يُنال ما عند الله إلا بتركها 437. تاريخ الطبري عن فضيل بن خديج الكندي: الإمام علي عليه السلام: من ذمامة الدنيا عند الله ألا يُنال ما عنده إلا بتركها . (1) 438. معاني الأخبار عن عبد الله بن علي بن الحسين عن أعيسى عليه السلام: من حُبب الدنيا أن الله عَصِي فيها ، وأن الآخرة لا تُنال إلا بتركها . (2) 6 / 2 ما نَظَرَ اللهُ إليها مُنذُ خَلَقَها 441. بغية الطلب عن زياد الحارثي: رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا ، وَإِنَّهُ مُنذُ خَلَقَهَا لَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا . (3) 442. الأماشي عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها الحسين عن علعنه صلى الله عليه وآله: إن الله لَمَّا خَلَقَ الدُّنْيَا أَعْرَضَ عَنْهَا ، فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا مِنْ هَوَانِهَا عَلَيْهِ . (4) 443. دلائل الإمامة عن فاطمة الصغرى عن أبيها الحسين عليه السلام: إن الله تعالى لَمَّا خَلَقَ الدُّنْيَا نَظَرَ إِلَيْهَا ، ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا ، ثُمَّ قَالَ : وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَنْزَلْتُكَ إِلَّا فِي شِرَارِ خَلْقِي . (5) .

- 1- غرر الحكم : ح 9367 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 470 ح 8585 وفيه «حقارة» بدل «ذمامة» .
- 2- ربيع الأبرار : ج 1 ص 93 ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 299 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 78 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 327 ح 49 .
- 3- شعب الإيمان : ج 7 ص 338 ح 10500 ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 300 كلاهما عن موسى بن يسار ، كنز العمال : ج 3 ص 190 ح 6102 نقلاً عن الحاكم في التاريخ عن أبي هريرة ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 129 وليس فيه ذيله .
- 4- تاريخ دمشق : ج 20 ص 200 ح 4633 عن أبي بكر الزاهري عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، كنز العمال : ج 3 ص 190 ح 6100 .
- 5- الجامع الصغير : ج 1 ص 274 ح 1787 ، كنز العمال : ج 3 ص 190 ح 6103 نقلاً عن ابن عساكر عن أبي هريرة وليس فيه «نظر إليها» .

**2 / 5 به پاداش خداوند ، جز با ترك دنیا نمی توان رسید****2 / 6 خداوند از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن ننگریست**

2 / 5 به پاداش خداوند ، جز با ترك دنیا نمی توان رسید 446. الكافي عن زرارة: امام علي عليه السلام: از نکوهیدگی دنیا در نزد خداوند است که آنچه در نزد اوست، جز با ترك دنیا به دست نمی آید. 447. الذرية الطاهرة عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها علي عيسى عليه السلام: از [نشانه های] پلیدی دنیاست که خدا در آن نافرمانی شد، و این که به آخرت جز با ترك دنیا نمی توان رسید. 2 / 6 خداوند از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن ننگریست 450. الخصال بإسناده عن الحسين عن أبيه عليّ عليهما السلام: خداوند مخلوقی منفورتر از دنیا نیافرید و از زمانی هم که آفریدش ، به آن نگاه نکرد. 451. تاريخ بغداد عن أبي هشام القناد البصري: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند چون دنیا را آفرید ، از آن روی گرداند و بدان ننگریست؛ چرا که در نزد او بی ارزش بود. 452. معاني الأخبار عن ثابت بن دينار عن عليّ بن الحسين: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای متعال چون دنیا را آفرید ، نگاهی به آن کرد و سپس از آن روی گرداند و فرمود: «به عزّت و جلالم سوگند که تو را جز در میان آفریدگان بدخویش ، فرود نمی آورم».

453. مستدرک الوسائل: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا مُنْذُ خَلَقَهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا بَعْدُ إِلَّا مَكَانَ الْمُتَعَبِّدِينَ فِيهَا مِنْهَا، وَلَيْسَ بِنَاطِرٍ إِلَيْهَا إِلَى يَوْمٍ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ، وَيَأْذَنُ فِي هَلَاكِهَا مَقْتًا لَهَا، وَلَمْ يُؤْثِرْهَا عَلَى الْآخِرَةِ. (1) 454. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ: ابْنِ آدَمَ، مَا خَلَقْتُ هَذِهِ الدُّنْيَا مُنْذُ خَلَقْتُهَا إِلَّا مِحْنَةً عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا أَنْظَرُ إِلَيْهَا إِلَّا بَعِينَ الْمَقْتِ، فَلَا تُؤَالِهَا فَأَعَادِيكَ. (2) 7/2 لم يَرْضَ مَا لَأَوْلِيَائِهِ وَلَمْ يَضِنَّ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهَا الْكِتَابِ «وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُدُفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ\* وَلِيُؤْتِيَهُمْ آبُوبًا وَسُرَرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ\* وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكُ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ». (3)

الحديث 460. دلائل الإمامة عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عن الإمام الصادق عليه السلام \_ في قوله تعالى: «وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُدُفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ» \_ : لَوْ فَعَلَ لَكَفَرَ النَّاسُ جَمِيعًا. (4) 461. تاريخ اليعقوبي عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام \_ أيضا \_ : لَوْ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ لَمَا آمَنَ أَحَدٌ، وَلَكِنَّهُ جَعَلَ فِي الْمُؤْمِنِينَ أَغْنِيَاءَ وَفِي الْكَافِرِينَ فُقَرَاءَ، وَجَعَلَ فِي الْكَافِرِينَ أَغْنِيَاءَ وَفِي الْمُؤْمِنِينَ فُقَرَاءَ، ثُمَّ امْتَحَنَهُمْ بِالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ وَالصَّبْرِ وَالرِّضَا. (5)

1- .كنز العمال : ج 3 ص 214 ح 6216 نقلاً عن ابن عسّال عن أبي هريرة .

2- .الفردوس : ج 5 ص 234 ح 8051 عن ابن عمر .

3- .الزخرف : 33 \_ 35 .

4- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 47 ح 127 عن إسحاق بن غالب ، مشكاة الأنوار : ص 510 ح 1716 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 125 ح 118 .

5- .تفسير القمّي : ج 2 ص 284 ، تفسير نور الثقلين : ج 4 ص 599 ح 31 .

## 2 / 7 خداوند، آن را برای دوستانش نپسندید و آن را از دشمنانش دریغ نکرد

462. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسین بن علی عن سَیِّدِ امیرِ خدا صلی الله علیه و آله : خداوند دنیا را آفرید و از زمانی که آن را آفریده ، هنوز به آن نظر نکرده است ، مگر به جاهایی از آن که عبادت پیشگان در آن جایند، و تا روزی هم که در صور دمیده می شود و اجازه نابودی دنیا را می دهد ، به خاطر نفرتش از دنیا ، به آن نگاه نخواهد کرد ، و [هرگز] آن را بر آخرت ترجیح نداده است. 463. نزهة الناظر عن الإمام الحسین علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می فرماید: «پسر آدم! این دنیا را از همان زمان که آفریدم ، جز مایه رنج اهل دنیا خلق نکردم. من جز با چشم دشمنی به آن نمی نگرم. پس ، آن را دوست مدار که تو را دشمن خواهم داشت». 7 / 2 خداوند ، آن را برای دوستانش نپسندید و آن را از دشمنانش دریغ نکرد قرآن «و اگر نبود بیم آن که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند ، قطعاً برای خانه های کسانی که به [خدای] رحمان کفر می ورزند ، سقف ها و نردبان هایی از نقره \_ که بر آنها بالا روند \_ ، و برای خانه هایشان ، درها و تخت هایی که بر آنها تکیه زنند ، و [نیز] زیورهایی [دیگر] قرار می دادیم. و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست، و آخرت در پیش پروردگار تو ، برای پرهیزگاران است» .

حدیث 469. الخصال یاسناده عن الحسین بن علی عن علی بن ابي طامام صادق علیه السلام \_ درباره این سخن خدای متعال: «و اگر نبود بیم آن که [همه] مردم امتی واحد گردند ، قطعاً برای خانه های کسانی که به [خدای] رحمان کفر می ورزند ، سقف ها و نردبان هایی از نقره \_ که بر آنها بالا روند \_ قرار می دادیم» \_ : [یعنی] اگر خداوند این کار را بکند ، همه مردم ، کافر می شوند. 470. مشکاة الأنوار : امام صادق علیه السلام \_ درباره همین آیه \_ : اگر خداوند این کار را می کرد ، دیگر هیچ

کس ایمان نمی آورد ؛ لیکن در میان مؤمنان ، توانگر و تهی دست قرار داد و در میان کافران نیز توانگر و تهی دست . سپس از طریق امر و نهی و صبر و رضایت ، آنان را آزمود.



471. تاريخ يعقوبي: رسول الله صلى الله عليه وآله يقول الله: لولا- عبدي المؤمن لعصبت رأس الكافر بعصاة من جوهري .  
 (1) 472. أعلام الدين عن الإمام الحسين عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: قال الله: لولا أن يجد عبدي المؤمن في قلبه (2) ،  
 لعصبت رأس الكافر بعصاة حديد لا يصدع رأسه أبدا . (3) 473. نثر الدر عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام: قال الله تعالى :  
 لولا أن يجد عبدي المؤمن في نفسه ، لعصبت المنافق عصاة لا يجد ألما حتى يموت . (4) 474. كشف الغمة: عنه عليه السلام: إنّه -  
 تبارك وتعالى - لم يبال بنعيم الدنيا لعدوه ساعة قط . . . ولولا ذلك لما جاء في الحديث : لولا أن يحزن المؤمن لجعلت للكافر عصاة من  
 حديد لا يصدع رأسه أبدا . (5) 475. نثر الدر عن الإمام الحسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله الدنيا . . . تقول يوم القيامة :  
 يا رب ، اجعلني لآءدني أوليائك نصيبا اليوم ، فيقول : أسكتي يا لا شيء ، إنني لم أرضك لهم في الدنيا ، أرضاك لهم اليوم؟! (6) 476. مقتل  
 الحسين: عنه صلى الله عليه وآله يقول الله: وعزتي وجلالي وعظمتي وارتفاعي فوق عرشي ، إنني  
 لآءدو عبدي المؤمن عن الدنيا وسلوتها ورحابها كما يذود الراعي الشفيق إبله عن مرائب الغرّة (7) ومواقع الهلكة . (8) .

- 1- التمهيص : ص 47 ح 73 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 51 ح 69 .
- 2- كأن مفعول الوجدان محذوف ، أي : شكّا أو حزنا شديدا ، أو يكون الوجد بمعنى الغضب أو بمعنى الحزن ، فقوله : «في قلبه» للتأكيد  
 (مرآة العقول : ج 2 ص 346) .
- 3- الكافي : ج 2 ص 257 ح 24 عن أبي أسامة ، مشكاة الأنوار : ص 487 ح 1627 ، علل الشرائع : ص 604 ح 74 عن منصور بن  
 يونس نحوه ، بحار الأنوار : ج 67 ص 216 ح 24 .
- 4- التمهيص : ص 48 ح 74 عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 67 ص 242 ح 76 .
- 5- الإقبال : ج 3 ص 84 عن عطية بن نجیح وإسحاق بن عمّار الصيرفي ، بحار الأنوار : ج 82 ص 147 ح 32 .
- 6- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 301 .
- 7- عَرَّ فلانٌ فلاناً : عَرَّضَهُ لِلهَلْكَةِ (لسان العرب : ج 5 ص 17 «غرر») .
- 8- الفردوس : ج 5 ص 227 ح 8030 عن أنس .

477. تاریخ یعقوبی عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می فرماید: «اگر [به خاطر] بنده مؤمنم نبود ، بر سر کافر ، دستاری از گوهر [بارزش] می بستم». 478. المناقب والمثالب عن الحسين بن علي عليه السلام: امام صادق علیه السلام : خداوند فرمود: «اگر بنده مؤمنم دل آزرده نمی شد ، بر سر کافر ، دستمالی آهنین می بستم تا هرگز سردرد نگیرد». 479. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: امام صادق علیه السلام : خداوند متعال فرمود: «اگر بنده مؤمنم آزرده خاطر نمی شد ، هر آینه بر سر منافق ، دستاری می بستم که تا زنده است ، دردی نگیرد». 480. عيون أخبار الرضا یاسناده عن علي بن الحسين عن أبيامام صادق علیه السلام : خداوند \_ تبارک و تعالی \_ به برخورداری دشمنش از دنیا هرگز لحظه ای اهمّیت نداده است... . اگر چنین نبود ، در حدیث نمی آمد که: «اگر بیم آن نبود که مؤمنّ اندوهگین شود ، هر آینه برای کافر ، دستاری آهنین قرار می دادم که هرگز سردرد نگیرد». 481. نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا... در روز قیامت می گوید: ای پروردگار من! امروز از من برای دوزخ پایه ترین دوستانت نصیبی قرار ده.

خداوند می فرماید: «خاموش ، ای ناچیز! من در دنیا تو را برای آنان نپسندیدم . امروز ، تو را برایشان پسندم؟!». 482. تاریخ یعقوبی عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می فرماید: «به عزّت و جلالم و به عظمت و بلندای مقامم بر فراز عرشم سوگند ، بنده مؤمن خود را از دنیا و مشغولیات آن و نزدیک شدن به آن دور می کنم ، چنان که شبان دلسوز ، اشتراش را از آغل های خطرناک و جایگاه های مرگبار ، دور می گرداند»..

483. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللعنه صلى الله عليه وآله: **إِنَّ مِنْ أُمَّتِي مَنْ لَوْ أَتَى بَابَ أَحَدِكُمْ فَسَأَلَهُ دِينَارًا لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ ، وَلَوْ سَأَلَهُ دِرْهَمًا لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ ، وَلَوْ سَأَلَهُ فَلْسًا لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ ، وَلَوْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ لَأَعْطَاهَا إِيَّاهُ ، وَلَوْ سَأَلَ الدُّنْيَا لَمْ يُعْطِهَا إِيَّاهُ ، وَمَا يَمْنَعُهَا إِيَّاهُ لِهَوَانِهِ عَلَيْهِ . (1) 484.** مشكاة الأنوار: عنه صلى الله عليه وآله: **إِنَّ اللَّهَ لِيَحْمِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ مِنَ الدُّنْيَا وَهُوَ يَجِبُهُ ، كَمَا تَحْمُونَ مَرِيضَكُمْ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ تَخَافُونَهُ عَلَيْهِ . (2) 485.** نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: **إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَمَاهُ الدُّنْيَا ، كَمَا يَظَلُّ أَحَدُكُمْ يَحْمِي سَقِيمَهُ الْمَاءَ . (3) 486.** الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ في دُعَاءِ عَرَفَةَ \_ ) عنه صلى الله عليه وآله: **إِنَّ مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَحْيِيَ بَنَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَلَّتَهُ امْرَأَةٌ . (4) .**

- 
- 1- . الزهد لابن حنبل : ص 18 عن سالم بن أبي الجعد ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 406 ، كنز العمال : ج 3 ص 155 ح 5942 نقلاً عن هناد عن سالم بن أبي الجعد ؛ الأمالي للشجري : ج 2 ص 205 عن ثوبان ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 182 .
  - 2- . مسند ابن حنبل : ج 9 ص 158 ح 23683 ، الزهد لابن حنبل : ص 17 كلاهما عن محمود بن ليبد ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 231 ح 7465 عن أبي سعيد الخدري ، تاريخ دمشق ، ج 12 ص 288 عن حذيفة بن اليمان نحوه ، إحياء علوم الدين : ج 4 ص 186 وليس فيه ذيله ، كنز العمال : ج 3 ص 190 ح 6104 وص 331 ح 6801 .
  - 3- . سنن الترمذي : ج 4 ص 381 ح 2036 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 230 ح 7464 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 12 ح 17 ، موارد الظمآن : ص 613 ح 2474 ، التاريخ الكبير : ج 7 ص 185 ح 823 كلُّها عن قتادة بن النعمان ، كنز العمال : ج 3 ص 183 ح 6068 ؛ تنبيه الخواطر : ج 2 ص 32 وفيه «كما يحمي أحدكم مريضه من الماء» بدل «كما يظل» .
  - 4- . شعب الإيمان : ج 7 ص 328 ح 10474 عن أبي بن كعب ، الدر المنثور : ج 5 ص 489 ، كنز العمال : ج 3 ص 195 ح 6133 .

487. الأما لي باسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در میان اّمّت من ، کسانی هستند که اگر فردی از آنها به در خانه یکی از شما بیاید و از وی دیناری بخواهد ، به او نمی دهد، اگر درهمی بخواهد ، به او نمی دهد، اگر يك فلس (سکه مسی) بخواهد ، به او نمی دهد، و همو ، اگر از خداوند بهشت را بخواهد ، آن را به او می دهد، هر چند ، اگر دنیا را از خدا بخواهد ، آن را به او نمی دهد، و این ندادن دنیا به او ، نه از آن روست که وی در نزد خداوند ، بی ارزش باشد. 488. الدعوات عن الإمام الباقر عن عليّ بن الحسين عليهما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند بنده مؤمنش را از دنیا پرهیز می دهد ؛ چون دوستش دارد ، همچنان که شما بیمارتان را از خوردن و آشامیدن پرهیز می دهید ؛ چون از آن بر او می ترسید. 489. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، هر گاه بنده ای را دوست بدارد، او را از دنیا پرهیز می دهد، چنان که هر يك از شما همواره بیمارش را از آب ، پرهیز می دهد. 490. المناقب عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از خواری دنیا در نزد خدا ، یکی این است که یحیی بن زکریّا علیه السلام را يك زن [منحرف ،] به قتل رساند .

491. كفاية الأثر عن يحيى بن يعمن: عنه صلى الله عليه وآله: يُجاءُ بِالدُّنْيَا مُصَوَّرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَتَقُولُ: يَا رَبِّ، اجْعَلْنِي لِرَجُلٍ مِنْ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً، فَيَقُولُ اللَّهُ: أَنْتِ أَنْتُنِ مِنْ ذَلِكَ، بَلْ أَنْتِ وَأَهْلُكَ فِي النَّارِ. (1) 492. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ في دُعاء عَرَفَةَ \_ ) الإمام عليّ عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَتَتِ الدُّنْيَا بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا، ثُمَّ قَالَتْ: يَا رَبِّ، هَبْنِي لِبَعْضِ أَوْلِيَائِكَ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِذْهَبِي فَإِنَّتِ لَا شَيْءَ، أَنْتِ أَهْوَنُ عَلَيَّ أَنْ أَهْبَكَ لِبَعْضِ أَوْلِيَائِي، فَتَطْوِي كَمَا يُطْوَى الثَّوْبُ الْخَلْقُ، فَتُلْقَى فِي النَّارِ. (2) 493. الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام: لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ مَحْمُودَةً (3) لَأَخْتَصَّ بِهَا أَوْلِيَاءَهُ، لَكِنَّهُ صَدَّرَفَ قُلُوبَهُمْ عَنْهَا وَمَحَا عَنْهُمْ مِنْهَا الْمَطَامِعَ. (4) 494. مقتل الحسين عليه السلام عن عبد الله بن الحسن ( \_ في أحداث عاشوراء \_ ) عنه عليه السلام: مِمَّا يَدُلُّكَ عَلَى دَنَاءَةِ الدُّنْيَا، أَنَّ اللَّهَ \_ جَلَّ تَنَاهُةُ \_ زَوَاهَا عَنْ أَوْلِيَائِهِ وَأَحِبَّائِهِ نَظْرًا وَاخْتِيَارًا، وَسَطَّهَا لِأَعْدَائِهِ فِتْنَةً وَاخْتِيَارًا. (5) 495. الإرشاد عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ مُخَاطَبَا جَيْشِ ابْنِ زِيَادٍ يَوْمَ عَاشُورَاءَ \_ ) عنه عليه السلام \_ فِي ذَمِّ الدُّنْيَا \_ دَارٌ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا، فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا، وَخَيْرُهَا بِشَرِّهَا، وَحَيَاتُهَا بِمَوْتِهَا، وَحُلُوهَا بِمُرِّهَا، لَمْ يُصِفْهَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَوْلِيَائِهِ، وَلَمْ يَضِنَّ (6) بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ. (7).

- 1- .حلية الأولياء: ج 10 ص 73 عن أنس، كنز العمال: ج 3 ص 237 ح 6330.
- 2- .حلية الأولياء: ج 1 ص 72 عن زيد بن أسلم عن الإمام زين العابدين عليه السلام، كنز العمال: ج 3 ص 718 ح 8561.
- 3- .في الطبعة المعتمدة: «محمودا»، والتصويب من طبعة بيروت وطهران.
- 4- .غرر الحكم: ح 7603، عيون الحكم والمواعظ: ص 415 ح 7056.
- 5- .بحار الأنوار: ج 73 ص 110 ح 109، عيون الحكم والمواعظ: ص 368 ح 6205 نحوه وفي صدره «في ذكر رسول الله صلى الله عليه وآله: قد حَقَّرَ الدُّنْيَا وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ زَوَاهَا . . .».
- 6- .ضَنِنْتُ بِالشَّيْءِ: بَخَلْتُ بِهِ (الصحاح: ج 6 ص 2156 «ضنن»).
- 7- .نهج البلاغة: الخطبة 113، تشبيه الخواطر: ج 1 ص 77 وفيه «لم يرضها» بدل «لم يصفها»، كشف الغمّة: ج 1 ص 172 وليس فيهما «حلالها بحرامها»، غرر الحكم: ح 3687 وليس فيها «وحياتها بموتها»، بحار الأنوار: ج 73 ص 123 ح 112؛ مطالب السؤول: ص 32 نحوه.

496. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، دنیا را در حالی که مجسم شده است، می آورند و می گویند: ای پروردگار من! مرا برای یکی از دون پایه ترین اهل بهشت، منزلتی قرار بده.

خداوند می فرماید: «تو متعفن تر از آنی. نه! تو و اهل تو، در آتش اند». 497. معانی الأخبار عن شريح بن هانئ عن الحسين عليه السلام ( \_ لَمَّا سَأَلَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ) امام علی علیه السلام: چون روز قیامت شود، دنیا با زیباترین زیور خود می آید و می گویند: پروردگارا! مرا به یکی از دوستانت ببخش.

خداوند متعال می فرماید: «برو، که تو هیچی. تو در نزد من، بی ارزش تر از آنی که به یکی از دوستانم ببخشم». پس مانند پارچه ای کهنه مچاله و در آتش افکنده می شود. 498. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ فِي دُعَاءِ عَرَفَةَ \_ ) امام علی علیه السلام: اگر دنیا در نزد خداوند پسندیده بود، آن را به دوستانش اختصاص می داد؛ اما او دل های آنان را از دنیا بگردانید و مطامع دنیوی را از آنان پاک ساخت. 499. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللامام علی علیه السلام: از جمله چیزهایی که تو را به پستی دنیا رهنمون می شود، این است که خداوند از سر لطف و خیرخواهی، دنیا را از نزدیکان و دوستانش دور ساخت، و از بهر آزمایش و امتحان، آن را برای دشمنانش گسترانید. 500. المعجم الكبير عن فاطمة بنت الحسين عن حسين بن عليّ امام علی علیه السلام \_ در نکوهش دنیا \_ : سرایی است که نزد خداوندش بی ارزش است. از این رو، حلال آن را با حرامش، و نیکش را با بدش، و زندگی اش را با مرگش، و شیرینی اش را با تلخی اش آمیخت. خداوند متعال، آن را برای دوستانش ناب نگردانید، و از دشمنانش دریغ نورزید. .

501. المناقب: الإمام زين العابدين عليه السلام: من هوان الدنيا على الله تعالى أن يحيى بن زكريا عليه السلام أهدي رأسه [ إلى ] (1) بغى في طست من ذهب، فيه تسليية لحر فاضل يرى التافص الدني يظفر من الدنيا بالخط السني، كما أصابت تلك الفاجرة تلك الهدية العظيمة . (2) 502. جامع الأخبار عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام: خرنا مع الحسين عليه السلام فما نزل منزلاً ولا ارتحل منه إلا ذكر يحيى بن زكريا عليه السلام وقتله، وقال يوماً: ومن هوان الدنيا على الله أن رأس يحيى بن زكريا عليه السلام أهدي إلى بغى من بغايا بني إسرائيل . (3) 503. جامع الأخبار عن الإمام الحسين عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إن الله ليتعاهد عبده المؤمن بالبلاء كما يتعاهد الغائب أهله بالطرف (4)، وإنه ليحمله الدنيا كما يحمي الطبيب المريض . (5) 504. إرشاد القلوب عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام: إن الله يطلع على الدنيا في كل يوم مرة أو مرتين، فيقول: يا دنيا، أنت دنية فتكدرى على عبدي المؤمن ولا تحلي له فيفتن . (6) 505. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: الزهد عن وهب بن منبه \_ في ذكر كلامه تعالى لموسى وأخيه هارون عليهما السلام لما بعثهما

إلى فرعون \_ ولا- يعجبكما زينته ولا ما متع به، ولا تمدان إلى ذلك أعينكما، فإنها زهرة الحياة الدنيا وزينة المترفين، وإني لو شئت أن أزيئكما من الدنيا بزينة يعلم فرعون حين ينظر إليها أن مقدرته تعجز عن مثل ما أوتيتما فعلت، ولكني أرغب بكما عن ذلك وأزويه (7) عنكما، وكذلك أفعل بأوليائي، وقديما ما خرت لهم في ذلك، فإني لأذودهم عن نعيمها ورخايتها كما يذود الراعي الشفيق إبله عن مراتع الهلكة، وإني لأجنبهم سملوتها وعيشها كما يجنب الراعي الشفيق إبله عن مبارك الغرة، وما ذلك لهوانهم علي، ولكن ليستكملوا نصيبهم من كرامتي سالما موفورا؛ لم تكلمه (8) الدنيا، ولم يطغيه (9) الهوى . (10) .

- 1- ما بين المعقوفين إضافة متا يقتضيه السياق .
- 2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 76 .
- 3- الإرشاد للمفيد: ج 2 ص 132 عن علي بن يزيد، كشف الغمة: ج 2 ص 221، إعلام الوری: ج 1 ص 429 كلاهما عن علي بن زيد، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 85، عوالي اللآلي: ج 4 ص 81 ح 83 نحوه من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج 45 ص 298 ح 10 .
- 4- أطرف الرجل: أعطاه ما لم يعطه أحدا قبله، وأطرفت فلانا شيئا، أي: أعطيته شيئا لم يملك مثله فأعجبه (لسان العرب: ج 8 ص 145 «طرف»).
- 5- الكافي: ج 2 ص 259 ح 28 عن الحلبي، تحف العقول: ص 300، المؤمن: ص 21 ح 21 عن حمران وفيه «يحميه» بدل «ليحميه الدنيا»، مسكن الفؤاد: ص 115 عن حمدان، مشكاة الأنوار: ص 503 ح 1683 وليس فيه «بالباء»، التمهيص: ص 50 ح 91 عن أبي جميلة وكلها عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 67 ص 213 ح 19 .
- 6- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 200 .
- 7- زواة: نحاه (القاموس المحيط: ج 4 ص 339 «زواه»).
- 8- الكلم: الجرح . وكلمه: جرحه (القاموس المحيط: ج 4 ص 172 «كلم»).
- 9- في الزهد لابن حنبل: «يطفه»، والصواب ما أثبتناه كما في حلية الأولياء .
- 10- الزهد لابن حنبل: ص 82، حلية الأولياء: ج 1 ص 11، الدر المنثور: ج 5 ص 557 كلاهما نحوه وراجع عده الداعي: ص 147 وبحار الأنوار: ج 13 ص 49 ح 18 .

506. تاریخ دمشق عن رجلٍ من همدان عن الحسين بن عليّ ( \_ يَوْمَ عاشوراءَ \_ ) امام زين العابدين عليه السلام: از نشانه های بی ارزشی دنیا در نزد خداوند متعال، این است که سر یحیی بن زکریّا علیه السلام در تشتی از طلا به يك روسپی پیشکش شد، و این خود، مایه تسلّی خاطر هر آزاده بافضیلتی است که می بیند يك فرد بی کمال پست، از دنیا به بهره وافر می رسد، چنان که آن روسپی به آن پیشکش گران سنگ دست یافت. 507. الأُمالي یاسناده عن الحسين بن عليّ علیه السلام: امام زين العابدين عليه السلام: با حسین علیه السلام به راه افتادیم. ایشان در هیچ منزلی فرود نمی آمد و از آن نمی کوچید، مگر آن که از یحیی بن زکریّا علیه السلام و کشته شدن او یاد می کرد. روزی فرمود: «از بی ارزشی دنیا در نزد خداست که سر یحیی بن زکریّا علیه السلام به فاحشه ای از فاحشه های بنی اسرائیل پیشکش شد». 508. مستدرک الوسائل عن الحسين بن عليّ علیه السلام: امام صادق علیه السلام: خداوند، بنده مؤمنش را با بلا (گرفتاری) می نوازد، همچنان که مسافر با تحفه ها خانواده اش را می نوازد، و او را از دنیا پرهیز می دهد، همچنان که پزشک، بیمار را پرهیز می دهد. 509. الفتوح: امام صادق علیه السلام: خداوند هر روز، یکی دو بار به دنیا سرکشی می کند و می فرماید: «ای دنیا! تو پستی. پس، بر بنده مؤمنم تیره شو و خود را برایش میارای که فریفته شود». 510. الأُمالي یاسناده عن الحسين بن عليّ علیه السلام: الزهد \_ به نقل از وهب بن مُنبّه، در بیان سخن خداوند متعال به موسی و برادرش هارون علیهما السلام، آن گاه که آنان را به سوی فرعون فرستاد \_ زرق و برق او و برخورداری اش [از قدرت و ثروت]، شما را شگفت زده نکند، و چشمانتان را خیره نسازد؛ زیرا آنها تجملات زندگی دنیا و زیور مرقّهان اند.

من اگر بخواهم، شما دو تن را به چنان زیوری از دنیا می آریم که فرعون وقتی آن را ببیند، درمی یابد که با همه قدرتش، از داشتن چنان زیوری که به شما داده ام، ناتوان است؛ لیکن من شما را از داشتن چنین زیوری برتر می دانم و آن را از شما دور می کنم. من با [همه] دوستانم این گونه عمل می کنم و از قدیم، همین را برایشان برگزیده ام. من آنان را از خوشی و آسایش دنیا می رانم، آن سان که ساریان دلسوز، اشتراش را از چراگاه های مُهلک می راند، و آنان را از عیش و نوش دنیا دور می کنم، آن سان که ساریان دلسوز، اشتراش را از شترخان های خطرناک دور می کند. و این، نه از آن روست که نزد من، بی ارزش باشند؛ بلکه از آن روست که سهمشان را از بخشش من، بی کم و کاست و کامل دریافت کنند، به طوری که نه دنیا به آن، زخمی (نقصی) وارد آورده باشد و نه هوس، او را سرکش کند. .



2 / 8 هُونٌ مِنَ النَّعْلِ الْمَخْصُوفِ 513. المستدرك على الصحيحين بإسناده عن الحسين عن أبيه عنهما عن ابن عباس: دَخَلْتُ عَلَى أمير المؤمنين عليه السلام بِذِي قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ (1) نَعْلَهُ، فَقَالَ لِي: مَا قِيَمَةُ هَذَا النَّعْلِ؟ فَقُلْتُ: لَا قِيَمَةَ لَهَا! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَانِكُمْ، إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بِاطِلَاءٍ. (2) 514. تفسير العياشي عن مسعدة بن صدقة: الإرشاد: لَمَّا تَوَجَّهَ أمير المؤمنين عليه السلام إِلَى الْبَصْرَةِ نَزَلَ الرَّبْدَةُ، فَلَقِيَهُ بِهَا آخِرُ الْحَاجِّ فَاجْتَمَعُوا لِيَسْمَعُوا مِنْ كَلَامِهِ وَهُوَ فِي خِبَائِهِ.

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَأَتَيْتُهُ فَوَجَدْتُهُ يَخْصِفُ نَعْلًا، فَقُلْتُ لَهُ: نَحْنُ إِلَى أَنْ تُصَلِّحَ أَمْرَنَا أَحْوَجُ مِنَّا إِلَى مَا تَصْنَعُ! فَلَمْ يُكَلِّمْنِي حَتَّى فَرَغَ مِنْ نَعْلِهِ، ثُمَّ ضَمَّهَا إِلَى صَاحِبَتَيْهَا، ثُمَّ قَالَ لِي: قَوْمَهَا، قُلْتُ: لَيْسَ لَهَا قِيَمَةٌ! قَالَ: عَلَى ذَاكَ، قُلْتُ: كَسَرُ دِرْهَمٍ، قَالَ: وَاللَّهِ، لَهُمَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرِكُمْ هَذَا! إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بِاطِلَاءٍ. (3).

- 
- 1- يَخْصِفُ نَعْلَهُ: أَي يَخْرُزُهَا؛ مِنَ الْخَصْفِ: الضَّمِّ وَالْجَمْعِ (النهاية: ج 2 ص 38 «خصف»).
  - 2- نهج البلاغة: الخطبة 33، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 9، بحار الأنوار: ج 32 ص 76 ح 50.
  - 3- الإرشاد: ج 1 ص 247، بحار الأنوار: ج 32 ص 113 ح 90 وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 101.

**2 / 8 بی ارزش تر از کفش وصله دار**

2 / 8 بی ارزش تر از کفش وصله دار 517. نثر الدرّ عن أنس: نهج البلاغة \_ به نقل از ابن عبّاس \_ : در ذی قار ، بر امیر مؤمنان علیه السلام در آمدم که مشغول وصله کردن کفش خویش بود. به من فرمود: «این کفش ، چند می ارزد؟» .

گفتم: ارزشی ندارد!

فرمود: «به خدا سوگند که این کفش در نزد من ، محبوب تر از فرمان روایی بر شماس است ، مگر آن که حقی را به پا دارم ، یا باطلی را از میان بردارم». 518. الْمُحَلَّى عن عبد الله بن شدّاد: الإرشاد: چون امیر مؤمنان علیه السلام ره سپار بصره شد، در رَیْذَه فرود آمد. در آن جا آخرین گروه حاجیان به دیدار امام علیه السلام آمدند و در خیمه ایشان جمع شدند تا از سخنان ایشان چیزی بشنوند.

ابن عبّاس می گوید: من نزد امام علیه السلام آمدم و دیدم لنگه کفشی را می دوزد . گفتم: پرداختن به اصلاح کار ما ، لازم تر از این کاری است که می کنید!

امام علیه السلام به من چیزی نگفت ، تا آن که کفشش را وصله کرد و آن را کنار لنگه دیگرش گذاشت و آن گاه فرمود: «این را قیمت بگذار».

گفتم: قیمتی ندارد!

فرمود: «یک چیزی بگو!».

گفتم: درهم شکسته ای [ ، اگر بیزد ] .

فرمود: «به خدا سوگند که این جفت کفش ، در نزد من ، محبوب تر از این فرمان روایی بر شماس است ، مگر آن که حقی را به پا دارم ، یا باطلی را از میان بردارم».

2 / 9أهونٌ من ورقةٍ في فم جرادةٍ 521. المناقب عن عمرو بن دينار: الإمام عليّ عليه السلام: إنّ دُنياكم عندي لأهونٌ من ورقةٍ في فم جرادةٍ تَقْضُمُهَا (1). ما لِعَلِيٍّ ولِنَعِيمٍ يَفْنَى وَلذَّةٍ لا تَبْقَى؟! (2) 2 / 10أهونٌ من عَفْطَةِ عَنزٍ 524. تاريخ دمشق عن عصام بن المصطلق: الإمام عليّ عليه السلام: أما وَالَّذِي فَلقَ الحَبَّةَ ، وَبراً النَّسَمَةَ ، لولا حُضُورُ الحاضِرِ ، وقيامُ الحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ ، وما أَخَذَ اللهُ عَلَيَّ العُلَماءُ أَلّا يُقارَوا عَلَيَّ كِطْطَةَ (3) ظالمٍ ، ولا سَغَبٍ (4) مَظْلُومٍ ، لَأَلْقَيْتُ حَبْلَها عَلَيَّ غارِبِها ، وَلَسَقَيْتُ آخِرَها بِكَاسِ أَوَّلِها ، ولَأَلْفَيْتُم دُنياكم هذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِن عَفْطَةِ عَنزٍ . (5).

- 
- 1- فَضَمَّت الدابَّةُ الشَّعيرَ تَقْضُمُهُ : كَسَرْتَهُ بِأَطرافِ الأَسنانِ (المصباح المنير : ص 507 «فضم»).
  - 2- نهج البلاغة : الخطبة 224 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 56 ، إرشاد القلوب : ص 217 ، غرر الحكم : ح 3664 وفيه «أحقر» بدل «أهون» وليس فيه «تقضمها» ، بحار الأنوار : ج 41 ص 162 ح 57 .
  - 3- الكِطْطَةُ : شيءٌ يَعْتري الإنسانَ مِنَ الامتلاءِ مِنَ الطَّعامِ حَتَّى لا يَطيقُ التَّنَفُّسَ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1574 «كظظ»). والمراد استئثار الظالم بالحقوق .
  - 4- السَّغَبُ : الجوعُ مَعَ التَّعبِ (المصباح المنير : ص 278 «سغب»). والمراد منه هضم حقوقه .
  - 5- نهج البلاغة : الخطبة 3 ، علل الشرائع : ص 151 ح 12 ، الإرشاد : ج 1 ص 289 نحوه ، معاني الأخبار : ص 362 ح 1 ، الأمالي للطوسي : ص 374 ح 803 ، الاحتجاج : ج 1 ص 458 ح 105 ، الطرائف : ص 419 وكلَّها عن ابن عباس .

**2 / 9 بی ارزش تر از يك برگ در دهان ملخی****2 / 10 پست تر از تیز دادن يك بز**

2 / 9 بی ارزش تر از يك برگ در دهان ملخی 527. الكافي عن عبد الرحمن العزمي عن أبي عبد الله عليهما السلام: دنیای شما در نزد من ، از يك برگ در دهان ملخی که آن را می جود ، بی ارزش تر است. علی را با نعمت های نابود شونده و لذت های ناپایدار ، چه کار؟! 2 / 10 پست تر از تیز دادن يك بز 530. الفتوح ( \_ في ذكر ما جرى بين الحسين عليه السلام ق ) امام علی علیه السلام : هان! سوگند به آن که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور آن جمعیت [بیعت کننده] نبود و این که با وجود یاوران ، حجت تمام می شود، و این که خداوند از دانایان پیمان گرفته است که در برابر شکمبارگی ستمگر و گرسنگی رنج آور ستم دیده آرام نگیرند، هر آینه مهار [اشتر] [خلافت را برگردن آن می انداختم (به حال خود رهایش می کردم) و آخر آن را با همان جام نخستینش آب می دادم، و می دیدید که این دنیای شما ، در نزد من ، ناچیزتر از تیز دادن يك بز است.

11 / 2 أهونٌ من عُراقٍ خنزيرٍ في يدٍ مجذومٍ 533. قضاء حقوق المؤمنين عن ابن مهران: الإمام علي عليه السلام: وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عُراقٍ (1) خنزيرٍ في يدٍ مجذومٍ. (2) 12 / 2 أمرٌ من حَنْظَلَةٍ يَلُوكُهَا ذُو سَقَمٍ 536. عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن علي عليه الإمام علي عليه السلام - في ذمِّ الدنيا، ويذكر رجلاً أتاه ببعض الحلوى - لَدُنْيَاكُمْ أَهْوَنُ عِنْدِي مِنْ وَرَقَةٍ فِي فِي جَرَادَةٍ تَقْضَى مُمَّا، وأقذرٌ عندي من عُراقَةٍ خنزيرٍ يقذفُ بها أجذمها، وأمرٌ على فؤادي من حَنْظَلَةٍ يَلُوكُهَا (3) ذُو سَقَمٍ فَيَبْسُمُهَا (4)، فكيف أقبلُ ملفوفاتٍ عكمتها (5) في طيها، ومعجونةٌ كأنها عجنَت بريقِ حيَّةٍ أو قيها؟! اللَّهُمَّ إِنِّي نَفَرْتُ عَنْهَا نِفَارَ الْمُهْرَةِ مِنْ رَاكِبِهَا، أَرِيهِ الشُّهَاءَ وَيُرِينِي الْقَمَرَ! (6) أَمْتَنُ مِنْ وَبَرَةٍ مِنْ قَلْوَصِهَا (7) ساقطةٌ، وأبتلعُ إبلاً في مبركها رابطةً؟! أديبُ العقاربِ من وكريها التَّقِطُ، أم قواثلَ الرِّقَشِ (8) في مبيتي أرتبطُ؟! فدعوني أكتفي من دنياكم بملحي وأقراصِي، فَيَتَّقُوا اللَّهَ أَرَجُو خَلَاصِي.

ما لِعَلِيٍّ وَنَعِيمٍ يَفْنَى، وَلِدَّةٍ تُتَجَبُّهَا (تَنَحُّهَا) الْمَعَاصِي، سَأَلْتِي وَشِيَعْتِي رَبَّنَا بِعُيُونٍ مُرَّةٍ (9)، وَبُطُونٍ خِمَاصٍ «وَلِيْمَحِصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمَحَقَ الْكٰفِرِينَ» (10). (11).

- 1- العُرُقُ: العظم إذا أخذ عنه معظم اللحم، والجمع عُراق (النهاية: ج 3 ص 220 «عرق»).
- 2- نهج البلاغة: الحكمة 236، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 78 وفيه «كراع» بدل «عراق»، غرر الحكم: ح 3664، بحار الأنوار: ج 73 ص 130 ح 135.
- 3- يَلُوكُهَا: أي يَمَضُّغُهَا. واللُّوكُ: إدارة الشيء في الفم (النهاية: ج 4 ص 278 «لوك»).
- 4- بِشِمْتُ مِنْهُ بِشْمًا: أي سَمْتُ (الصحاح: ج 5 ص 1873 «بشم»).
- 5- عَكَمْتُ الْمَتَاعَ: شددته (الصحاح: ج 5 ص 1989 «عكم»).
- 6- يُضْرَبُ مَثَلًا لِمَنْ تَخَاطَبَهُ فَيُبْعِدُ فِي الْجَوَابِ (جمهرة الأمثال: ج 1 ص 117). والشُّهَاءُ: كُوَيْكَبٌ صَغِيرٌ خَفِيٌّ الضَّوْءِ، وَالنَّاسُ يَمْتَحِنُونَ بِهِ أَبْصَارَهُمْ (لسان العرب: ج 14 ص 408 «سها»).
- 7- الْقَلْوَصُ: الناقاة الشابة (النهاية: ج 4 ص 100 «قلص»).
- 8- الرِّقَشَاءُ: الأفعى (النهاية: ج 2 ص 250 «رقش»).
- 9- كَذَا فِي الْمَصْدَرِ وَالظَّاهِرُ أَنَّهُ تَصْحِيفٌ «مُرُو».
- 10- آل عمران: 141.
- 11- الأمامي للصدوق: ص 722 ح 988 عن المفصل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 40 ص 348 ح 29.

**2 / 11 بی ارزش تر از استخوان خوکی در دست يك جذامی****2 / 12 تلخ تر از حنظلی که بیماری در دهان می چرخاند**

2 / 11 بی ارزش تر از استخوان خوکی در دست يك جذامی 539. دعائم الإسلام: امام علی علیه السلام: به خدا سوگند که این دنیای شما در چشم من، بی ارزش تر از استخوان يك خوك در دست يك جذامی است. 2 / 12 تلخ تر از حنظلی که بیماری در دهان می چرخاند 542. علل الشرائع یاسناده عن الحسين بن عليّ عن أخيه الحامام علی علیه السلام. در نکوهش دنیا و یادکرد مردی که برای ایشان مقداری شیرینی آورد. هر آینه دنیای شما در نزد من، از برگی که يك ملخ در دهانش می جود، بی ارزش تر، و از استخوان خوکی که يك جذامی به دور می افکند، کثیف تر، و از حنظلی که يك بیمار در دهان می چرخاند و با نفرت آن را تُف می کند، به مذاق جانم تلخ تر است. پس چگونه بسته هایی را که محکم بسته ای، و شیرینی ای را که گویا با آب دهان مار و یا استفراغ آن درست شده است، بپذیریم؟! بار خدایا! من از دنیا رَمیده ام، آن سان که کره اسب از داغ کردنش می رمد. من ستاره سُها را به او نشان می دهم و او ماه را به من نشان می دهد. (1)

من که از برداشتن پَر گُرکی افتاده از يك ماده اشتر جوان خودداری می کنم، [چگونه] شتری را که در آغوش بسته است، ببلعم؟! آیا عقرب های زهرآگین را از سوراخشان بگیرم، یا مارهای سمّی کشنده را در خوابگاه خویش ببندم؟! (2) رهایم کنید تا از دنیای شما به نمک و چند گرده نانم بسنده کنم، که با پروا کردن از خداوند، امید رهایی خویش دارم.

علی را با نعمتی که فنا می پذیرد و لذّتی که از معاصی بر می خیزد، چه کار؟ من و شیعیانم با چشمانی زردی گرفته و شکم هایی گود افتاده، پروردگاران را ملاقات خواهیم کرد: «و تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند، خالص گرداند و کافران را نابود سازد».

1- این جمله، ضرب المثلی است برای کسی که شما از او سؤالی می کنی و او جوابی بی ربط به شما می دهد (جمهرة الأمثال: ج 1 ص 117). سَها، ستاره ای بسیار کوچک و کم نور است و مردم به وسیله آن، سوی چشم خود را امتحان می کنند (لسان العرب: ج 14 ص 408 «سها»).

2- به عبارت دیگر: آیا دست خویش در لانه عقرب های زهرآگین فرو برم، یا مارهای کشنده در آستین بپرورم!؟

13 / 2 أهون من عَفَصَةٍ مَقْرَةٍ 545. نشر الدر عن الإمام الحسين عليه السلام: الإمام علي عليه السلام \_ في كتابه إلى عامله على البصرة عثمان بن حنيف \_ : ألا وإن لكل مأموم إماما يفتدي به ، ويستضيء بنور علمه ، ألا وإن إمامكم قد اكتفى من دنياه بطمريه (1) ، ومن طعمه (2) بقرصيه ، ألا وإنكم لا تقدرون على ذلك ، ولكن أعينوني بوزع واجتهاد ، وعفة وسداد . فوالله ما كنت من دنياكم تبراً (3) ، ولا أدخرت من غنائمها وفراً (4) ، ولا أعددت لبالي ثوبي طمرا ، ولا حزت من أرضها شبرا ، ولا أخذت منه إلا كقوت أتان دبيرة (5) ، ولهي في عيني أوهى وأهون من عَفَصَةٍ مَقْرَةٍ (6) . (7) . (8) .

1- الطمر : الثوب الخلق (المصباح المنير : ص 378 «طمرت»).

2- الطعم : الطعام (المصباح المنير : ص 373 «طعمته»).

3- التبر : هو الذهب والفضة قبل أن يضربا دنائير ودراهم ، ومنهم من يجعله في الذهب أصلاً (النهاية : ج 1 ص 179 «تبر»).

4- الوفر : المال الكثير (الصحاح : ج 2 ص 847 «وفر»).

5- الأتان : الحمامة الأثني خاصة (النهاية : ج 1 ص 21 «أتن» ). وأتان دبيرة : هي التي عقر ظهرها فقلأ أكلها (شرح نهج البلاغة : ج 16 ص 207).

6- العفص : حمل شجرة البلوط ؛ تحمل سنة بلوطا وسنة عفصا (لسان العرب : ج 7 ص 55 «عفص»).

7- مقر الشيء : صار مراً ، فهو شيء مقر . والمقر أيضا \_ الصبر (الصحاح : ج 2 ص 819 «مقر»).

8- نهج البلاغة : الكتاب 45 .

**2 / 13 بی ارزش تر از مازوی تلخ**

13 / 2 بی ارزش تر از مازوی تلخ 548. کامل الزیارات عن هارون بن خارجه عن أبي عبد الله امام علي عليه السلام \_ در نامه اش به عثمان بن حنیف ، کارگزار ایشان در بصره \_ :هان! هر پیروی را پیشوایی است که به او اقتدا می کند و از نور دانشش روشنائی می گیرد. هان! پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان ، بسنده کرده است. البته شما توانایی این کار را ندارید ؛ اما با [در پیش گرفتن] پارسایی و سختکوشی [در کار و عبادت] و پاک دامنی و راستی ، مرا یاری رسانید.

به خدا سوگند که از دنیای شما زر و سیمی نیندوختم، و از غنایم آن ، مالی فراوان پس انداز نمودم، و بر دو جامه کهنه ام جامه ای نیفزودم، و از زمین آن ، یک وجب به دست نیاوردم، و از خوراک آن جز به اندازه خوراک ماده الاغی ریش پشت برنگرفتم. دنیا در چشم من ، ناقابل تر و بی ارزش تر از یک دانه مازوی (1) تلخ است.

---

1- بر جستگی کروی شکلی به قطر دوازده تا سی سانتی متر که تحت تأثیر گزش حشره سینپس گالاتکتوریا (cynips gallaetinctoriae) بر روی جوانه های درخت بلوط مازو، ایجاد می شود. حشره مذکور برای تخم گذاری ، پوست درخت بلوط را سوراخ می کند که بر اثر آن ، مقدار زیادی از شیر درخت بیرون می زند که مازوسیوم نامیده می شود. از مازو ، در صنعت ، برای تهیه مرگب سیاه و رنگ پارچه ها و در پزشکی به عنوان قابض استفاده می شود (ر . ک : فرهنگ معین : «مازو»).



2 / 14 حَمِيمٌ غَسَّاقٌ وَعَلَقَمٌ زُعَاقٌ وَسَمٌّ أَفْعَى! 551. ثواب الأعمال عن هارون بن خارجة عن أبي عبد الله ع الإمام علي عليه السلام: وَاللَّهِ مَا دُنْيَاكُمْ عِنْدِي إِلَّا كَسَفَرٍ عَلَى مَهْلٍ حَلَّوْا، إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحَلُوا، وَلَا لَدَاذُنْهَا فِي عَيْنِي إِلَّا كَحَمِيمٍ أَشْرَبُهُ غَسَّاقًا (1)، وَعَلَقَمٌ أَتَجَرَّعُهُ زُعَاقًا (2)، وَسَمٌّ أَفْعَى أَسْقَاهُ دِهَاقًا (3)، وَقِلَادَةٌ مِنْ نَارٍ أَوْهَقُهَا (4) خِنَاقًا، وَلَقَدْ رَفَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا، وَقَالَ لِي: إِقْذِفْ بِهَا قَذْفَ الْأُتْنِ؛ لَا يَرْتَضِيهَا لِيَرَقِعَهَا، فَقُلْتُ لَهُ: أَغْرُبَ عَنِّي، فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ الشُّرَى، وَتَنْجَلِي عَنَّا غَلَالَاتُ الْكَرَى (5). (6) 2 / 15 مُطَلَّقَةٌ الْأَكْيَاسِ 554. أعلام الدين عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ \_ ) الإمام علي عليه السلام: إِنِّي طَلَّقْتُ الدُّنْيَا ثَلَاثًا بِنَاتَا لَا رَجْعَةَ لِي فِيهَا، وَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا. (7) 555. المعجم الكبير عن حبيب بن أبي ثابت: مَرُوجُ الذَّهَبِ عَنْ ضِرَارِ بْنِ ضَمْرَةَ \_ فِي وَصْفِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ طَلَبَ مِنْهُ مُعَاوِيَةَ ذَلِكَ \_: يَسْتَوْحِشُّ مِنَ الدُّنْيَا وَزَهْرَتِهَا، وَيَأْتَسُّ بِاللَّيْلِ وَطُلْمَتِهِ، وَكَأَنِّي بِهِ وَقَدْ أَرَخَى اللَّيْلُ سُدُولَهُ (8)، وَغَارَتْ نُجُومُهُ، وَهُوَ فِي مِحْرَابِهِ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ (9)، وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ، وَيَقُولُ:

يَا دُنْيَا غُرِّي غَيْرِي، أَلِي تَعَرَّضْتِ، أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّفْتِ (10)؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! لَا حَانَ حِينُكَ، قَدْ أَبْنَتُكَ (11) ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي فِيكَ. عُمْرُكَ قَصِيرٌ، وَعَيْشُكَ حَقِيرٌ، وَخَطْرُكَ يَسِيرٌ. أَوْ مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ، وَبُعْدِ السَّفَرِ، وَوَحْشَةِ الطَّرِيقِ. (12).

- 1- الغَسَّاقُ \_ بالتخفيف والتشديد \_ : ما يسيل من صديد أهل النار وغسالتهم (النهاية: ج 3 ص 366 «غسق»).
- 2- الزُعَاقُ: الماء المرّ الغليظ لا يطاق شربه (القاموس المحيط: ج 3 ص 241 «زقع»).
- 3- دَهَقَ الماءُ: أفرغه إفراغاً شديداً (القاموس المحيط: ج 3 ص 233 «دهق»).
- 4- الوَهَقُ: حَبْلٌ يُلْقَى فِي عُنُقِ الشَّخْصِ يُؤْخَذُ بِهِ وَيُوثَقُ، وَأَصْلُهُ لِلدَّوَابِّ (المصباح المنير: ص 674 «وهق»).
- 5- مَثَلٌ يُضْرَبُ لِلرَّجُلِ يَحْتَمِلُ الْمَشَقَّةَ رَجَاءَ الرَّاحَةِ (مجمع الأمثال: ج 2 ص 318 الرقم 2382).
- 6- الأماليل للصدوق: ص 718 ح 988 عن المفصل بن عمر عن الإمام الصادق ع أبانه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 40 ص 345 ح 29.
- 7- غرر الحكم: ح 3782، عيون الحكم والمواعظ: ص 170 ح 3567.
- 8- سَدَلُ الثَّوْبِ سَدَلًا: أَرخَاهُ، وَسَدَلْتُ سِتْرَهَا وَسَعَرَهَا (أساس البلاغة: ص 206 «سدل»).
- 9- تَمَلَّمَلَ: تَقَلَّبَ. وَالسَّلِيمُ: اللَّدِيغُ (القاموس المحيط: ج 4 ص 52 «ملل» و ص 129 «سلم»).
- 10- تَشَوَّفَ: تَزَيَّنَ. وَتَشَوَّفَ لِلشَّيْءِ: أَي طَمَحَ بَصْرَهُ إِلَيْهِ (النهاية: ج 2 ص 509 «شوف»).
- 11- بَانَتْ الْمَرْأَةُ مِنْ زَوْجِهَا: أَي انْفَصَلَتْ عَنْهُ وَوَقَعَ عَلَيْهَا طَلَاقُهُ. وَالطَّلَاقُ الْبَائِنُ: هُوَ الَّذِي لَا يَمْلِكُ الزَّوْجُ فِيهِ اسْتِرْجَاعَ الْمَرْأَةِ إِلَّا بَعْدَ جَدِيدٍ (النهاية: ج 1 ص 175 «بين»).
- 12- مروج الذهب: ج 2 ص 433، الاستيعاب: ج 3 ص 209، شرح نهج البلاغة: ج 18 ص 225 وفيهما «باينتك ثلاثاً» بدل «أبتك ثلاثاً»، حلية الأولياء: ج 1 ص 84؛ نهج البلاغة: الحكمة 77، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص 71، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 79، روضة الواعظين: ص 483، مشكاة الأنوار: ص 467 ح 1562 وفيها «قد طَلَّقْتِك ثلاثاً» بدل «قد أبتك ثلاثاً» وكلها نحوه، كنز الفوائد: ج 2 ص 160.

## 2 / 14 چرکابه ای جوشان ، حنظلی شَرنگین ، و زهر مار

## 2 / 15 مطلقه زیرکان

2 / 14 چرکابه ای جوشان ، حنظلی شَرنگین ، و زهر مار 558. سنن ابن ماجه عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها علي عليه السلام : به خدا سوگند که دنیای شما در نظر من نیست ، مگر به سان کاروانیانی که در آگاهی فرود آمده باشند و ناگهان کاروان سالارشان بانگ کوچ برآورد و آنها بکوچند ، و خوشی های آن در نگاه من نیست ، مگر چونان چرکابه جوشانی که بنوشم ، یا حنظلی شَرنگین که جرعه جرعه سر کشم ، یا زهر ماری که کاسه کاسه به کامم ریخته شود ، یا گردنبند آتشی که به گردنم آویزند .

من ، این تن پوش خود را چندان پینه زده ام که دیگر از پینه دوز آن ، خجالت می کشم . او به من گفت : « این را همچون ماده الاغ ها به دور انداز » (1) و حاضر نشد که آن را وصله کند . بدو گفتم : از من دور شو ، که در بامدادان ، شبروان ستوده می شوند و رنج بی خوابی از ما زدوده می شود . 2 / 15 مطلقه زیرکان 561. الخصال یاسناده عن الحسين بن علي بن أبي طامام علي عليه السلام : من دنیا را سه طلاقه قطعی کرده ام که دیگر مرا بدان رجوعی نیست ، و ریسمانش را بر دوش آن افکنده ام . 562. تاریخ أصبهان یاسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالمروج الذهب \_ به نقل از ضرار بن صدّ مَره ، در پاسخ به درخواست معاویه برای توصیف امام علی علیه السلام \_ : از دنیا و زرق و برق آن ، گریزان بود و با شب و تاریکی آن ، انس داشت . گویا می بینم در حالی که شب ، پرده هایش را افکنده

و ستارگانش ناپدید شده اند ، او در محراب خویش محاسنش را به دست گرفته و چون مار گزیده به خود می پیچد و به سان مصیبت زده می گیرد و می گوید :

« ای دنیا! غیر مرا بفریب . آیا خود را به من عرضه می کنی ، یا که خویشتن را برایم می آرایی ؟ مباد ، مباد که آن روز برسد! من تو را سه طلاقه کرده ام ، که مرا در آن رجوعی نیست . عمر تو کوتاه است ، و عیشت حقیر ، و اهمّیت ناچیز . آه از کمی توشه ، و دوری سفر و تنهایی [در] راه .

1- . تشبیه به الاغ ، از این جهت است که الاغ در خودداری از حمل بار ناهموار ، بیش از هر چارپای دیگری عکس العمل نشان می دهد و سعی می کند بارش را بر زمین بیندازد .

563. حلية الأولياء بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طال الأمامي عن الأصمغ بن نباتة: دَخَلَ ضِرَارُ بْنُ ضَمْرَةَ النَّهْشَلِيِّ عَلَى مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ، فَقَالَ لَهُ: صِفْ لِي عَلِيًّا! قَالَ: أُوْتَعِفْنِي؟ فَقَالَ: لَا، بَلْ صِفْهُ لِي. فَقَالَ لَهُ ضِرَارُ:

رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا، كَانَ وَاللَّهِ فِينَا كَأَحَدِنَا؛ يُدْنِينَا إِذَا أَتَيْنَاهُ، وَيُجِيبُنَا إِذَا سَأَلْنَاهُ، وَيَقْرُبُنَا إِذَا زُرْنَاهُ، لَا يُغْلَقُ لَهُ دُونَنَا بَابٌ، وَلَا يَحْجُبُنَا عَنْهُ حَاجِبٌ، وَنَحْنُ وَاللَّهِ مَعَ تَقْرِيْبِهِ لَنَا وَقُرْبِهِ مِنَّا لَا نُكَلِّمُهُ لِهَيْبَتِهِ، وَلَا نَبْتَدِيهِ لِعَظَمَتِهِ، فَإِذَا تَبَسَّمَ فَعَنَ مِثْلَ اللُّؤْلُؤِ الْمَنْظُومِ.

فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: زِدْنِي مِنْ صِفَتِهِ، فَقَالَ ضِرَارُ:

رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا، كَانَ وَاللَّهِ طَوِيلَ الشَّهَادِ (1)، قَلِيلَ الرُّقَادِ، يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ آنَاءَ (2) اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ، وَيَجُودُ لِلَّهِ بِمُهْجَتِهِ (3)، وَيَبُوءُ إِلَيْهِ بِعَبْرَتِهِ، لَا تُغْلَقُ لَهُ الشُّتُورُ، وَلَا يَدَّخِرُ عَنَّا الْبُدُورَ (4)، وَلَا يَسْتَلِينُ الْإِتِّكَاءَ، وَلَا يَسْتَخْسِنُ الْجَفَاءَ.

وَلَوْ رَأَيْتَهُ إِذْ مُتَّلِّ فِي مِحْرَابِهِ، وَقَدْ أَرَخَى اللَّيْلُ سُدُولَهُ، وَغَارَتْ نُجُومُهُ، وَهُوَ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمُ تَمَلَّمَلِ السَّلِيمِ وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ، وَهُوَ يَقُولُ: يَا دُنْيَا أَلِي تَعَرَّضْتِ، أَمْ أَلِي تَشَوَّقْتِ؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ، أَبْنَتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي عَلَيْكَ. ثُمَّ يَقُولُ: وَاه وَاه لِيُبْعِدَ السَّفَرَ وَقَلَّةَ الرَّادِ وَخُسُونَةَ الطَّرِيقِ!

فَبَكَى مُعَاوِيَةُ وَقَالَ: حَسْبُكَ يَا ضِرَارُ، كَذَلِكَ كَانَ وَاللَّهِ عَلِي، رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْحَسَنِ (5).

1- الشَّهَادُ: الأرق (الصحاح: ج 2 ص 492 «سهد»).

2- آنَاءُ اللَّيْلِ: ساعاته (مفردات ألفاظ القرآن: ص 96 «أنا»).

3- الْمُهْجَةُ: الرُّوح (القاموس المحيط: ج 1 ص 208 «مهج»).

4- الْبُدْرَةُ: كَيْسٌ فِيهِ أَلْفٌ أَوْ عَشْرَةُ أَلْفٍ، وَالْجَمْعُ: الْبُدُورُ (لسان العرب: ج 4 ص 49 «بدر»).

5- الأمامي للصدوق: ص 724 ح 990، بحار الأنوار: ج 41 ص 14 ح 6.

564. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: الأملی صدوق \_ به نقل از اصبع بن نباته \_ : ضرار بن ضميره نَهْشَلِي بر معاوية بن ابي سفيان در آمد. معاويه به او گفت: علی را برایم وصف کن!

ضرار گفت: مرا معاف بدار.

[معاویه] گفت: نمی دارم. او را برایم وصف کن!

ضرار گفت: رحمت خداوند بر علی باد! به خدا سوگند که او در میان ما همچون یکی از ما بود. هر گاه به نزدش می رفتیم، ما را نزدیک خود می نشانند، و هر گاه از او چیزی می پرسیدیم، پاسخمان می داد، و هر گاه به دیدارش می رفتیم، ما را احترام می نهاد. هرگز در خانه اش به روی ما بسته نمی شد، و هیچ دربانی نداشت که ما را از دیدار او منع کند؛ لیکن با وجود این ارتباط نزدیکی که میان ما با او بود، به خدا سوگند از هیبتی که داشت، با او سخن نمی گفتیم، و از شگوهی که داشت، شروع [به گفتگو] نمی کردیم. هر گاه لبخند می زد، دندان هایش چون مرواریدهای به رشته کشیده، نمایان می شد.

معاویه گفت: باز هم از اوصاف او برایم بگو!

ضرار گفت: رحمت خداوند بر علی باد! به خدا سوگند که او بیشتر شب را

به عبادت می گذرانید و کمتر می خوابید. در دل شب و هر بام و شام، کتاب خدا را تلاوت می کرد. به خاطر خدا جانبازی می کرد، و به درگاه او اشک می ریخت. پرده ای برایش افکنده نمی شد (و همواره مردم به او دسترس داشتند)، و همیان ها [ای درهم و دینار] را از ما پنهان نمی ساخت (همه بیت المال را میان مردم تقسیم می کرد). بر پشتی نرم تکیه نمی زد، و سختی ها [ای زندگی] را سخت به حساب نمی آورد.

کاش او را آن گاه که شب، پرده هایش را فرو افکنده بود و ستارگانش غروب کرده بودند، می دیدی که در محرابش ایستاده و محاسن خویش را به دست گرفته است و چونان مارگزیده به خود می پیچد و به سان مصیبت زده می گیرد و می گوید: «ای دنیا! آیا خود را به من عرضه می کنی، یا آرزومند منی؟ هیهات، هیهات! مرا به تو نیازی نیست. من تو را سه طلاقه کرده ام و دیگر مرا به تو رجوعی نیست» و سپس می گوید: «آه، آه از درازی سفر، و کمی ره توشه، و ناهمواری راه».

در این هنگام، معاویه گریست و گفت: بس است، ای ضرار! به خدا سوگند که علی همین گونه بود. خدا ابو الحسن را رحمت کناد!

ص: 350

راجع : ج 2 ص 200 (طَلَّقُوا الدنِيا ثَلَاثًا) .

ص: 351

ر.ك: ج 2 ص 200 (دنیا راسه طلاقه كنید)

.

الفصل الثالث : التحذير من الدنيا 3 / 1 التحذير من الإغترار بالدنيا \_ الدنيا خَصْرَةٌ حُلُوَّةٌ 571. تاريخ يعقوبي : رسول الله صلى الله عليه و آله : إحدروا الدنيا ؛ فَإِنَّهَا خَصْرَةٌ (1) حُلُوَّةٌ . (2) 572. بغية الطلب عن أحمد بن أبي القاسم عن أبيه : عنه صلى الله عليه و آله \_ لجرير \_ : يا جريرُ أسلمِ تَسَلِّمَ ، يا جريرُ أسلمِ تَسَلِّمَ \_ قَالَهَا ثَلَاثًا \_ . . . يا جريرُ أَحَدَّرْكَ الدُّنْيَا وَحَلَاوَةَ رِضَاعِهَا وَمَرَارَةَ فِطَامِهَا . (3) 573. الاختصاص عن أبي جعفر عن علي بن الحسين عن الحسين عن صلى الله عليه و آله : أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوَّةٌ خَصْرَةٌ ، فَرَبَّ مُتَخَوِّضٍ فِي الدُّنْيَا مِنْ مَالِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لَيْسَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا النَّارُ . (4) .

1- . خَصْرَةٌ : أَي غَضَّةٌ نَاعِمَةٌ طَرِيَّةٌ (النهاية : ج 2 ص 41 «خضر»).

2- . الزهد لابن حنبل : ص 18 عن مصعب بن سعد ، كنز العمال : ج 3 ص 182 ح 6066 .

3- . تاريخ المدينة : ج 2 ص 568 ، الفردوس : ج 5 ص 409 ح 8576 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 3 ص 731 ح 8601 ؛ نزهة الناظر : ص 34 ح 104 وفيهما ذيله من «إني أحدرك الدنيا . . .» .

4- . المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 76 ح 6932 عن حمدة بنت جحش ، كنز العمال : ج 6 ص 509 ح 16760 .

## فصل سوم : بر حذر داشتن از دنیا

### 1 / 3 بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا

#### الف \_ دنیا خوش و شیرین است

فصل سوم: بر حذر داشتن از دنیا 1 / 3 بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا الف \_ دنیا خوش و شیرین است 578. الأُمّالی عن یحیی بن أبی القاسم عن الصادق جعفر بن میامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دنیا بر حذر باشید؛ چرا که دنیا خوش و شیرین است. 579. الفتحوح ( \_ بَعْدَ ذِكْرِ كِتَابِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ به جریر \_ : «ای جریر! اسلام بیاور تا به سلامت مانی ، اسلام بیاور تا به سلامت مانی» این را سه بار فرمود . « . . . ای جریر! تو را از دنیا و شیرینی شیر خوردن از آن (دستیابی به دنیا) و تلخی گرفته شدن از شیر آن ، بر حذر می دارم». 580. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان! دنیا شیرین و خوش است . پس، ای بسا کسی که از مال خدا و پیامبر او خود را غرق دنیا می کند ، اما در روز قیامت ، او را جز آتش نیست.



581. نظم درر السمطين عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوَّةٌ خَضِرَةٌ، فَمَنْ أَصَابَ مِنْهَا شَيْئًا مِنْ حِلِّهِ فَذَلِكَ الَّذِي يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ، وَكَمْ مِنْ مُتَخَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ وَمَالِ رَسُولِهِ لَهُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1) 582. تزهة الناظر: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوَّةٌ خَضِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النَّسَاءَ. (2) 583. المطالب العالية عن الحسين بن علي عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوَّةٌ خَضِرَةٌ، فَمَنْ اتَّقَى فِيهَا وَأَصْلَحَ، وَإِلَّا فَهُوَ كَالْأَكْلِ وَلَا يَشْبَعُ، فَبَعْدُ النَّاسِ كَبَعْدِ الْكُوكَبِينَ (3)، أَحَدُهُمَا يَطْلُعُ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَالْآخَرُ يَغِيبُ بِالْمَغْرِبِ. (4) 584. تهذيب الكمال عن ابن عون عن الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَأَعْنَا فِي فِتْنَةِ السَّرَّاءِ أَخَوْفَ عَلَيْكُمْ مِنْ فِتْنَةِ الضَّرَّاءِ، إِنَّكُمْ قَدِمْتُمْ بِفِتْنَةِ الضَّرَّاءِ فَصَبِرْتُمْ، وَإِنَّ الدُّنْيَا حُلُوَّةٌ خَضِرَةٌ. (5) 585. مكارم الأخلاق عن إسماعيل بن يسار: صحيح البخاري عن أبي سعيد الخدري: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَامَ عَلَى الْمِنْبَرِ، فَقَالَ: إِنَّمَا

أَخْشَى عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي مَا يُفْتَحُ عَلَيْكُمْ مِنْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ. ثُمَّ ذَكَرَ زَهْرَةَ الدُّنْيَا، فَبَدَأَ بِأَحَدَاهُمَا وَتَنَّى بِالْآخَرَى، فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْ يَأْتِي الْخَيْرُ بِالسَّرِّ؟ فَسَكَتَ عَنْهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قُلْنَا: يُوْحَى إِلَيْهِ، وَسَكَتَ النَّاسُ كَأَنَّ عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيْرَ، ثُمَّ إِنَّهُ مَسَحَ عَن وَجْهِهِ الرُّحْضَاءَ (6)، فَقَالَ:

أَيْنَ السَّائِلُ أَنْفَا، أَوْ خَيْرٌ هُوَ؟! \_ ثَلَاثَا \_ إِنَّ الْخَيْرَ لَا يَأْتِي إِلَّا بِالْخَيْرِ، وَإِنَّهُ كُلُّ مَا يُنْبِتُ الرَّبِيعُ مَا يَقْتُلُ حَبَطًا (7) أَوْ يُلِمُّ (8)، إِلَّا آكَلَةَ الْخَضِرِ كُلَّمَا أَكَلَتْ، حَتَّى إِذَا امْتَلَأَتْ خَاصِرَ رِثَاهَا اسْتَقْبَلَتِ الشَّمْسَ، فَتَلَطَّتْ (9) وَبَالَتْ ثُمَّ رَتَعَتْ، وَإِنَّ هَذَا الْمَالُ خَضِرَةٌ حُلُوَّةٌ، وَنِعْمَ صَاحِبُ الْمُسْلِمِ لِمَنْ أَخَذَهُ بِحَقِّهِ فَجَعَلَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ، وَمَنْ لَمْ يَأْخُذْهُ بِحَقِّهِ فَهُوَ كَالْأَكْلِ الَّذِي لَا يَشْبَعُ، وَيَكُونُ عَلَيْهِ شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (10).

- 1- المعجم الكبير: ج 24 ص 341 ح 851 عن عمرة بنت الحارث بن أبي ضرار، شُعب الإيمان: ج 7 ص 280 ح 10306، كنز العمال: ج 3 ص 201 ح 6166.
- 2- صحيح مسلم: ج 4 ص 2098 ح 99، سنن الترمذي: ج 4 ص 483 ح 2191، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1325 ح 4000، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 39 ح 11143، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 551 ح 8543، السنن الكبرى: ج 7 ص 147 ح 13523، شُعب الإيمان: ج 7 ص 278 ح 10301 كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 3 ص 210 ح 6197.
- 3- أراد - والله أعلم - الكواكب التي جعلها الله تعالى منازل للقمر، كما قال: «وَالْقَمَرَ قَدْرَنَهُ مَنَازِلًا» وهي التي تسمى: الأنواء، فإن أحدهما لا يغيب في المغرب غدوة حتى يطلع رقبته في المشرق غدوة، فهما لا يلتقيان ولا يتقاربان، فكذلك اختلاف أحوال أهل الدنيا في حظوظهم ومكاسبهم لا يتقارب؛ قاهرٌ ومقهورٌ، ومحرومٌ ومرزوقٌ، ومُعافى ومبتلى، وأشبه ذلك (أمثال الحديث للرامهرمزي: ص 53).
- 4- مسند أبي يعلى (طبعة دار الثقافة العربية): ج 13 ص 15 ح 7099 عن ميمونة، كنز العمال: ج 3 ص 210 ح 6200 نقلًا عن الأسندة للرامهرمزي نحوه.
- 5- مسند أبي يعلى: ج 1 ص 364 ح 776، شُعب الإيمان: ج 7 ص 280 ح 10308، مسند البزار: ج 3 ص 367 ح 1168 وفيه «في السراء» بدل «في فتنة السراء»، حلية الأولياء: ج 1 ص 93 وكلها عن سعد بن أبي وقاص، كنز العمال: ج 3 ص 257 ح 6431.
- 6- الرُّحْضَاءُ: هو عَرَقٌ يَغْسِلُ الْجِلْدَ لِكَثْرَتِهِ (النهاية: ج 2 ص 208 «رحض»).

7- .حَبَطَ حَبْطًا : هَدَرَ (المصباح المنير : ص 118 «حبط»).

8- .ما يُقتل حبطًا أو يُلَمَّ : أي يقرب من ذلك (القاموس المحيط : ج 4 ص 177 «لَمَّ»).

9- .ثلط الثور والبعير والصبيّ : سلح رقيقًا (القاموس المحيط : ج 2 ص 353 «ثلط»). والسَّاحح للطائر وغيره كالتغوّط من الإنسان (أنظر المصباح المنير : ص 284 «سلح»).

10- .صحیح البخاري : ج 3 ص 1045 ح 2687 ، صحیح مسلم : ج 2 ص 729 ح 123 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1323 ح 3995 ، سنن النسائي : ج 5 ص 90 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 16 ح 11035 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 281 ح 5710 كلّها نحوه .

586. الهدایة الكبرى عن سيف بن عميرة التمار عن أبي عبد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا شیرین و خوش است. پس، هر که به چیزی از دنیا از راه حلال دست یابد، خداوند در آن به او برکت می دهد، و ای بسا تصرف کننده در مال خدا و مال پیامبر او که در روز قیامت برایش آتش است. 587. تاریخ الطبری عن عقبه بن سمعان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا شیرین و خوش است. خداوند، شما را در آن جانشین قرار داده است تا ببیند که چگونه عمل می کنید. پس، از دنیا [زدگی] و زن [بارگی] پروا کنید. 588. الفتح: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا شیرین و خوش است. پس، هر که در آن تقوا پیشه کند و کار شایسته انجام دهد، [رستگار می گردد]، وگرنه همانند کسی خواهد بود که می خورد و سیر نمی شود. پس، دوری مردم [از دنیا و سیر شدن از آن]، چون دوری دو ستاره ای است که یکی از شرق طلوع می کند و [در همان زمان، [دیگری غروب می کند. (1) 589. الفتح: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من از آزمایش در رفاه، برای شما بیشتر می ترسم تا آزمایش در سختی. شما به آزمایش در سختی آزموده شدید و صبر کردید؛ اما دنیا خوش و شیرین است. 590. کنز الفوائد عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ أَنَّهُ قَالَ يَوْمًا لِابْنِ عَبَّاسٍ \_ ) صحیح البخاری \_ به نقل از ابو سعید خدری \_ پیامبر خدا بر منبر ایستاد و فرمود: «ترس من برای شما بعد از رفتنم، باز شدنِ درِ برکت های زمین به

روی شماست». سپس از ناز و نعمت های دنیا یاد کرد و یکی پس از دیگری، آنها را برشمرد.

مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! آیا خیر (مال و ثروت دنیا)، شر می آورد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله جوابش را نداد.

گفتیم: «به او وحی می شود» و مردم، چنان آرام گرفتند که گویی پرنده روی سر آنان نشسته است (کوچک ترین تکانی نمی خوردند).

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس صورتش را که خیس عرق شده بود، با دست، پاک کرد و سه بار فرمود: «کجاست آن پرسنده؟ آیا آن، خیر است؟! خیر، جز خیر نمی آورد. علف هایی که در بهار می رویند، [خورنده خویش را] می گشند یا تا آستانه گشته شدن می برند، مگر آن حیوانی را که خاشاک بخورد. چنین حیوانی می خورد تا آن که معده اش پر می شود و سپس در آفتاب، دراز می کشد و بعد، ریقی می زند و ادراری می کند و دوباره می چرد. این مال و ثروت [دنیا] دل پذیر و شیرین است و برای مسلمانی که به اندازه حق خود از آن بگیرد و آن را در راه خدا و برای یتیمان و مستمندان خرج کند، نیکوریقی است؛ اما کسی که بیش از حقش از آن بگیرد، همانند خورنده ای سیری ناپذیر است، و آن مال [که به ناحق برداشته شده]، در روز قیامت، علیه او گواهی می دهد».

1- مراد پیامبر صلی الله علیه و آله از «دوری دو ستاره...» \_ البتّه خدا داناتر است \_ ستاره هایی هستند که [در بیست و هشت شب هر ماه، [منزلگاه های ماه اند و «انواء» نام گرفته اند، همان گونه که خداوند فرموده است: «برای ماه، منزلگاه هایی مقدر کردیم» (یس: آیه 39)]. هر یکی از آن دو ستاره، صبحگاهان غروب نمی کند، مگر این که ستاره دیگر در مشرق طلوع کند. این دو، نه به همدیگر می رسند و نه به یکدیگر نزدیک می شوند. چنین است اختلاف احوال اهل دنیا در برخوردار و درآمدهایشان، که به هم نزدیک نمی شوند؛ اختلاف میان زیر سلطه و مسلط، برخوردار و محروم، در آسایش و گرفتار، و مانند اینها.

591. الأماي باسناده عن سيّد الشهداء الحسين بن عليّ بن الإمام الباقر عليه السلام: إنّ أمير المؤمنين عليه السلام لَمَّا انقَضَتِ القِصَّةُ فيما بينه وبين طلحة والزبير وعائشة بالبصرة، صعد المنبر فحمد الله وأثنى عليه وصلى على رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم قال:

يا أيها الناس، إنّ الدنيا حلوة خضرة، تفتن الناس بالشهوات وتزين لهم بعاجلها... (1).

---

1- الكافي: ج 8 ص 256 ح 368 عن سلام بن المستنير، بحار الأنوار: ج 32 ص 233 ح 186.

592. تاریخ أصبهان عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها الحسينامام باقر عليه السلام: امير مؤمنان عليه السلام پس از آن که ماجرای میان او و میان طلحه و زبیر و عایشه در بصره [در جنگ جمل] خاتمه یافت، بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی گفت و بر پیامبر خدا درود فرستاد. آن گاه فرمود: «ای مردم! دنیا شیرین و خوش است. مردم را با خواست‌ها [ی دنیوی] می فریبد، و ظاهر خویش را برای آنان می آراند. .

593. دعائم الإسلام: الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ . . . : يا عيسى ، إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوءَةٌ ، وَإِنَّمَا اسْتَعْمَلْتُكَ فِيهَا ، فَجَانِبِ مِنْهَا مَا حَدَّرْتُكَ ، وَخُذْ مِنْهَا مَا أُعْطَيْتُكَ عَفْوًا (1) . (2) ب \_ الدُّنْيَا سَحَارَةٌ 595. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول الرسول الله صلى الله عليه وآله : إِحْدَرُوا الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّهَا أُسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَمَارُوتَ . (3) 596. أعلام الدين عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : قَالَ أَخِي عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَعَاشِرَ الْحَوَارِيِّينَ ، احْدَرُوا الدُّنْيَا لَا تَسْحَرَكُم ، لَهِيَ وَاللَّهِ أَشَدُّ سِحْرًا مِنْ هَارُوتَ وَمَارُوتَ ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا مُدْبِرَةٌ وَالْآخِرَةُ مُقْبِلَةٌ ، وَإِنَّ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَنِينَ ، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ دُونَ بَنِي الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ ، وَغَدَا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ . (4) ج \_ الدُّنْيَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ 598. تحف العقول: الإمام علي عليه السلام : إِحْدَرِ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّهَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَمَفْسَدَةُ الْإِيمَانِ . (5) .

- 1- العَفْوُ : أحلُّ المال وأطيبه ، وخيارُ الشيء وأجوده ، والفضلُ والمعروف (القاموس المحيط : ج 4 ص 364 «عفو») .
- 2- الكافي : ج 8 ص 131 \_ 140 ح 103 ، تحف العقول : ص 500 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، الأمالي للصدوق : ص 613 ح 842 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام بزيادة «لتطيعني» بعد «فيها» ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 145 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 298 ح 14 .
- 3- شُعب الإيمان : ج 7 ص 339 ح 10504 ، ذم الدنيا لابن أبي الدنيا : ص 54 ح 132 كلاهما عن أبي الدرداء الرهاوي ، نوادر الأصول : ج 1 ص 75 ، تفسير القرطبي : ج 2 ص 53 كلاهما عن عبد الله بن بشر [ بسر ] المازني وفيهما «اتقوا الدنيا ، فوالذي نفسي بيده إتيها لأسحر» ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 301 ، كنز العمال : ج 3 ص 182 ح 6065 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 .
- 4- الدر المنثور : ج 1 ص 244 نقلاً عن الخطيب عن ابن عمر .
- 5- غرر الحكم : ح 2608 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 104 ح 2340 .

**ب \_ دنیا افسونگر است****ج \_ دنیا، دام شیطان است**

599. نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام: الكافي \_ به نقل از علی بن اسباط ، از ائمّه علیهم السلام \_ : از پنندهای خداوند به عیسی آن بود که: «... ای عیسی! دنیا شیرین است، و من تو را در آن به کار گرفته ام . پس، دنیا از آنچه تو را بر حذر داشته ام ، دوری کن، و در آن آنچه را که از روی بخشش عطایت کرده ام ، برگیر (1)». ب \_ دنیا افسونگر است 601. تحف العقول: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از دنیا حذر کنید؛ چرا که از هاروت و ماروت (2) هم افسونگرتر است. 602. المناقب والمثالب عن الحسين بن عليّ عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برادرم عیسی علیه السلام گفت: «ای گروه حواریان! به هوش باشید که دنیا شما را افسون نکند. به خدا سوگند که دنیا افسونگرتر از هاروت و ماروت است. بدانید که دنیا رفتنی است و آخرت ، آمدنی، و برای هر يك از آن دو ، فرزندان است. پس شما از فرزندان آخرت باشید ، نه فرزندان دنیا؛ زیرا امروز ، روز عمل است نه حساب، و فردا روز حسابرسی است نه عمل». ج \_ دنیا، دام شیطان است 604. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: از دنیا بر حذر باش؛ چرا که دام شیطان و تباہ کننده ایمان است.

1- یا: از آنچه از دنیا عطایت کرده ام ، پاك ترین و حلال ترین آن را برگیر.

2- مشهور ، این است که هاروت و ماروت : دو فرشته بوده اند که به مردم بابل ، سحر می آموخته اند تا سحر ساحرانی را که می کوشیدند با سحر زندگی مردم را مختل سازند، باطل نمایند. از ظاهر آیه 102 سوره بقره نیز همین استفاده می شود . (م)

د \_ الدُّنْيَا غَدَاةٌ غَرَارَةٌ مَكَارَةٌ خَدَاعَةٌ 606. مكارم الأخلاق بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: إحدروا الدنيا؛ فإنّها غَدَاةٌ غَرَارَةٌ خَدَوَعٌ، مُعْطِيَةٌ مَنُوعٌ، ومُلبِسةٌ نَزْوَعٌ. (1) 607. المعجم الكبير عن بشر بن غالب عن الإمام الحسين عليه السلام: إحدروا هذه الدنيا الخداعة الغرارة، التي قد تزيّنت بحليّتها، وفتنت بغرورها، وغرّت بآمالها، وتشوّفت لخطابها، فأصبحت كالعروس المجلوة، والعيون إليها ناظرة، والنفوس بها مشغوفة، والقلوب إليها تانقة، وهي لأزواجها كلّهم قاتلة، فلا الباقي بالماضي معتبر، ولا الآخِرُ بسوء أثرها على الأوّل مُردَجِرٌ، ولا اللَّيْبُ (2) فيها بالتجارب مُنتَفِعٌ. (3) 608. المحاسن عن بشير بن غالب: عنه عليه السلام: إنّ الدنيا خداعة صرّاعة، مكاراة غرارة سحارة، أنهاؤها لامعة، وثمراتها يانعة، ظاهرها سرور، وباطنها غرور، تأكلكم بأضراس المنايا، وتبيركم (4) بإتلاف الرزايا، لهم بها أولاد الموت، وآثروا زينتها فطلّبوا رتبته... .

دارت عليكم بصّ روفها، وزمتكم بسهام حنوفها (5)، فهي تنزع أرواحكم نزعاً، وأنتم تجمعون لها جمعا، للموت تولّدون، وإلى القبور تنقلون، وعلى الثراب تؤنّمون، وإلى الدود تسلمون، وإلى الحساب تبعثون. (6) 609. المحاسن عن سدير: عنه عليه السلام: من راقه زبرج (7) الدنيا ملكته الخدع. (8).

1- نهج البلاغة: الخطبة 230، بحار الأنوار: ج 73 ص 83 ح 46.

2- اللَّيْبُ: العاقل (الصحاح: ج 1 ص 216 «لب»).

3- دستور معالم الحكم: ص 37؛ بحار الأنوار: ج 73 ص 108 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

4- المبير: أي المهلك، يُسرف في إهلاك الناس (النهاية: ج 1 ص 161 «بور»).

5- الحنف: الموت، والجمع حنوف (الصحاح: ج 4 ص 1340 «حنف»).

6- الأمالي للطوسي: ص 652 ح 1353 عن شريح القاضي، بحار الأنوار: ج 77 ص 371 ح 35.

7- الزبرج: الزينة من وشي أو جوهر أو نحو ذلك (الصحاح: ج 1 ص 318 «زبرج»).

8- غرر الحكم: ح 8170، عيون الحكم والمواعظ: ص 443 ح 7763.



## د \_ دنیا خیانت پیشه، فریبنده، نیرنگباز و حيله گر است

د \_ دنیا خیانت پیشه، فریبنده، نیرنگباز و حيله گر است 611. تحف العقول: امام علی علیه السلام: از دنیا حذر کنید؛ (چرا که خیانتکار، فریبنده، حيله گر، عطاکننده و دریغ ورزنده، و پوشاننده و برهنه کننده است. 612. الجعفریات یاسناده عن علی بن الحسین عن ابیه علیهما علی علیه السلام: از این دنیای حيله گر فریبنده، بر حذر باشید؛ دنیایی که خویشتن را با زیورهایش آراسته، و با فریبایی اش مفتون می سازد، و با آرزوهایش می فریبد، و برای خواستگاران خود آرای می کند، و همچون عروس نقاب برکشیده ای شده است که چشم ها بدو خیره گشته، و جان ها شیدایش شده، و دل ها شیفته اش گردیده اند، و در حالی که او قاتل همه شوهران خویش است، نه شوهران آینده از شوهران گذشته عبرت می گیرند، و نه بدرفتاری او با اولی، عامل بازدارنده آخری است، و نه خردمند از این تجربه ها سود می برد. 613. تاریخ دمشق عن عبد الرحمن بن کثیر عن جعفر بن محمد دامام علی علیه السلام: دنیا، حيله گر است و به خاک افکن و نیرنگباز و فریبنده و افسونگر. جویبارهای درخشان، و میوه های رسیده اند و ظاهرش خوش، و باطنش پوچ است. با دندان های مرگ، شما را می خورد، و با بلاهای ویرانگرش نابودتان می کند. مردم در دنیا برای مرگ، زاده می شوند، با این حال، زینت دنیا را برگزیدند و جاه آن را طلبیدند.

نادان مردی است آن مرد که شیفته لذت های دنیا شد، و به شادی آن دل خوش کرد، و از خیانت آن آسوده خاطر گشت. دنیا با مصیبت هایش شما را در میان گرفته، و با تیرهای مرگش شما را نشانه رفته است. او پیوسته جان های شما را می ستاند و شما پیوسته برای او [ثروت] گرد می آورید. برای مرگ، زاده می شوید، و به سوی گورها می برنندتان، و در بستر خاک می خوابانندتان، و به دست کرم ها می سپارندتان، و برای حسابرسی برانگیخته خواهید شد. 614. تحف العقول عن الإمام الحسین علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر که زیور دنیا، او را خوش آید، فریب ها [ی دنیا] اختیاردار او خواهند گشت.

615. نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام: بحار الأنوار \_ في ذكر صّحفِ إدريس عليه السلام \_ : الصّحيفةُ الثّانيةُ والعشرون «صّحيفةُ الدّنيا» : تفكّروا في هذه الدّنيا الّتي تفتنُ بزبرج زخاريفها ، وتخدعُ بحلاوة تصارييفها، ولذاتها شبيهةُ بنور (1) الوردِ المحفوفِ بالشّوكِ الكثيرِ ، فهو مادامَ زاهراً يروقُ العيونَ ويسرُّ النفوسَ ، وهو مع ذلكَ ممتنعٌ بالشّوكِ المُقرّحِ يدُ متناولِهِ ، فإذا مضتْ ساعاتُ قليلاً ، انتثرَ الزّهرُ وبقيَ الشّوكُ ، كذلكَ الدّنيا الخائنةُ الفانيّةُ ، فإنَّ حياتها مُتعبّةٌ بالموتِ ، وشبابها صائرٌ إلى الهَرَمِ ، وصحّتها محفوفةٌ بالمرَضِ ، وغناها متبوعٌ بالفقرِ ، ومُلكها معرضٌ للزّوالِ ، وعزّها مقرونٌ بالذّلِّ ، ولذاتها مُكدّرةٌ بالشّوائِبِ (2) ، وشهواتها مُمتزجةٌ بمضضِ النّوائِبِ ، شرّها محضٌ ، وخيرها مُمتزجٌ ، من حبيي (3) منها بشيءٍ من شهواتها لم يخلُ من عُصصِ مراراتها ، وخوفِ عقوباتها ، وخشيةِ تبعاتها ، وما يعرضُ في الحالِ من آفاتِها .

هذه حالُ فازٍ من سدِّ عدِّ بها ، فما تقولُ فيمن لم يحظَ بطائلٍ منها ! الصّحيحُ فيها يخافُ السّقمَ ، والغنيُّ يخشى الفقرَ ، والشّابُّ يتوقّعُ الهَرَمَ ، والحيُّ ينتظرُ الموتَ ، من اعتَمَدَ عليها واستنّام إليها كانَ مثلَ المُستندِ إلى جبلٍ شاهقٍ من الثّلجِ ؛ يعظُمُ في العيونِ عرَضُهُ وطولُهُ وسَمَكُهُ ، فإذا أشرقتْ شمسُ الصّيفِ عليه ذابَ غفلةً وسالَ ، وبقيَ المُستندُ إليه والمُستدري (4) له بالعرَاءِ ، فكذلكَ مَصيرُ هذه الدّنيا إلى زوالٍ واضمحلالٍ ، وانتقالٍ إلى دارٍ غيرِها ، لا يُقبلُ فيها إلاّ الإيمانُ ، ولا يَنفَعُ فيها إلاّ العملُ الصّالحُ ، ولا يُتخلّصُ فيها إلاّ بِرحمةِ اللّهِ ، من هَلَكَ فيها هوى ، ومن فازَ فيها علا ، وهي مُختلفةٌ دائمةٌ . (5) .

- 1- التّورُ : زهر النبت (المصباح المنير : ص 629 «نور») .
- 2- الشوائب : الأقدار والأدناس (الصّحاح : ج 1 ص 159 «شوب») .
- 3- حباه يحبوه : أي أعطاه (الصّحاح : ج 6 ص 2308 «حبا») .
- 4- استندريُّ بفلان : أي التجأتُ إليه وصرْتُ في كنفه (الصّحاح : ج 6 ص 2345 «ذرا») .
- 5- بحار الأنوار : ج 95 ص 468 .

616. المعجم الكبير عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها الحسين بن الأَنوار \_ در یادکرد صُحُف ادریس علیه السلام \_ : صحیفه بیست و دوم ، «صحیفه دنیا» است: اندیشه کنید درباره این دنیایی که با زیورهایش مفتون می سازد، و با شیرین کاری هایش می فریبد، و لذت هایش به غنچه گلی می ماند که خار بسیار ، آن را در میان گرفته است. چنین گلی ، تا زمانی که شاداب است ، چشم نواز و جان افزاست، و با این حال، در میان خارهایی است که دستِ چیننده اش را زخم می کنند. و چون اندک ساعاتی بگذرد، گل ، پرپر می شود و خار می ماند.

دنیای خیانت پیشه ناپایدار نیز چنین است . زندگی اش مرگ در پی دارد، جوانی اش به پیری می انجامد، سلامتش با بیماری ، در میان گرفته شده است، دارایی اش ناداری در پی دارد، مُلکش در معرض زوال است، عزّتش با ذلّت همراه است، خوشی هایش با ناخالصی ها آمیخته است، خواهش هایش آمیخته با رنج بلاهاست، بدی هایش خالص است، و خوبی هایش آمیخته . هر که چیزی از خواهش های دنیوی به وی داده شود ، از اندوه تلخی های آن و ترس از کیفرهای آن و بیم پیامدهایش، و آفاتی که در حال دامنگیرش می شود، برکنار نیست.

این ، حال کسی است که از آن برخوردار شده است. حال ، درباره کسی که بهره ای از آن نبرده است ، چه می گویی؟ تن درست ، در دنیا از بیماری می ترسد، دارا از نادار شدن می هراسد، جوان ، نگران پیری است، و زنده ، چشم به راه مرگ است. هر که به دنیا تکیه کند و بدان دل خوش نماید ، چونان کسی است که به کوه بلندی از یخ و برف ، تکیه کرده است. پهنا و درازا و ستبری چنین کوهی ، به چشم ، بزرگ می آید ؛ اما چون آفتاب تموز بر آن بتابد ، به ناگاه آب می شود و روان می گردد، و آن که بدان تکیه کرده و در پناهش در آمده است ، بی پشت و پناه می ماند. حالِ این دنیا نیز چنین است: حرکت به سوی زوال و فروپاشی، و منتقل شدن به سرایی دیگر که در آن جا ،

تنها ایمان پذیرفته می شود، و فقط کار نیک سود می بخشد، و تنها با رحمت خدا نجات می توان یافت. هر که در این سرایِ بازنده شود ، [به دوزخ] سقوط می کند، و هر که برنده شود ، [به درجات عالی بهشت] بالا می رود . .

هـ \_ الدُّنْيَا عَدُوَّةٌ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَعْدَائِهِ 618. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ لِرَجُلٍ اغْتَابَ عِنْدَهُ رَجُلًا \_ ) الإمام علي عليه السلام: إحدَرُوا الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا عَدُوَّةٌ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَعَدُوَّةٌ أَعْدَائِهِ، وَأَمَّا أَوْلِيَاؤُهُ فَعَمَّتَهُمْ، وَأَمَّا أَعْدَاؤُهُ فَعَرَّتَهُمْ . (1) و \_ إحدَرُوا الدُّنْيَا الحَدَرَ كُلَّهُ 620. المناقب والمثالب عن الحسين بن علي عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: إحدَرُوا الدُّنْيَا الحَدَرَ كُلَّهُ، وَصَدَّ عَوَا عَنكُمْ تَقَلَّ هُمُومَهَا لِمَا تَيَقَّنْتُمْ لَوْشَكَ زَوَالِهَا، وَكُونُوا أَسَدَرَ مَا تَكُونُونَ فِيهَا أَحَدَرَ مَا تَكُونُونَ لَهَا، فَإِنَّ طَالِبَهَا كُلَّمَا اطْمَأَنَّ مِنْهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَهُ عَنْهَا مَكْرُوهٌ، وَكُلَّمَا اغْتَبَطَ مِنْهَا بِإِقْبَالِ نَغْصَةٍ (2) عَنْهَا إِدْبَارٌ، وَكُلَّمَا ثَبَّتَ عَلَيْهِ مِنْهَا رَجُلًا (3) طَوَّتَ عَنْهُ كَشْحًا (4)، فَالَسَاؤُ فِيهَا غَاثٌ، وَالتَّافِعُ فِيهَا ضَارٌّ، وَصِلَ رَخَاؤُهَا بِالْبَلَاءِ، وَجُعِلَ بَقَاؤُهَا إِلَى الْفَنَاءِ، فَرَحُّهَا مَشُوبٌ بِالْحُزْنِ، وَآخِرُ هُمُومِهَا إِلَى الْوَهْنِ . (5) 621. دلالات الإمامة بإسناده عن الحسين عليه السلام عن أئمة عليه السلام: إحدَرُوهَا حَدَرَ الشَّفِيقِ التَّاصِحِ، وَالمُجَدِّ الكَادِحِ . (6) 622. نثر الدر: عنه عليه السلام \_ في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ \_ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: . . . يَا أَحْمَدُ، أَحْدَرَ أَنْ تَكُونَ مِثْلَ الصَّبِيِّ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْأَخْضَرِ وَالْأَصْفَرِ [ أَحَبَّهُ ] (7)، وَإِذَا أُعْطِيَ شَيْئًا

مِنَ الحُلُوِّ وَالْحَامِضِ اغْتَرَبَ بِهِ . (8) .

- 1- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 115 .
- 2- نغصه: كدرة (القاموس المحيط: ج 2 ص 321 «نغص»).
- 3- كذا في المصدر والصحيح «كلما ثبتت عليها منه رجل» .
- 4- طوى فلان عني كشحه: إذا قطعك وعاداك (الصحاح: ج 1 ص 399 «كشح»).
- 5- بحار الأنوار: ج 73 ص 109 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
- 6- نهج البلاغة: الخطبة 161 .
- 7- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
- 8- إرشاد القلوب: ص 199 \_ 200، بحار الأنوار: ج 77 ص 22 ح 6 .

## ه - دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست

### و - از دنیا کاملاً بر حذر باشید

ه - دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست 624. نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: از دنیا بر حذر باشید؛ چرا که هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنان او. دشمن دوستان اوست؛ چون غمگینشان می سازد، و دشمن دشمنان اوست؛ چون فرییشان می دهد. و - از دنیا کاملاً بر حذر باشید 626. معانی الأخبار عن شریح بن هانی ء عن الحسين عليه ال ( - لَمَّا سَأَلَهُ أَبُوهُ عَنِ الْفَقْرِ ) امام علی علیه السلام: از دنیا کاملاً بر حذر باشید و بار اندوه های آن را از دوش خویش بردارید؛ چون یقین دارید که به زودی از شما جدا می شود، و آن گاه که بیش از هر زمان دیگر در دنیا شادید، بیش از همیشه از آن بر حذر باشید؛ چرا که طالب دنیا هر گاه به شادی ای از آن دل گرم شود، پیشامدی ناگوار، او را از آن شادی خارج می سازند، و هر گاه با اقبالی از دنیا شادمان شود، ادباری از آن، شادی او را به کاش تلخ می گرداند، و هر گاه دنیا گامی برای او بردارد، گامی به او پشت می کند. پس، شادکننده دنیا فریبنده است، و سودمند آن، زیانمند. آسایشش به گرفتاری پیوسته است، بودنش به نابودی واگذار شده است، شادی اش با اندوه، آمیخته است، و غم هایش به ناتوانی می انجامد. 627. الخصال بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: امام علی علیه السلام: از دنیا حذر کنید، همچون حذر کردن دلسوز خیر خواه، و کوشای رنجبر. 628. الكافي عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام: از دنیا حذر کنید، همچون یادکرد معراج پیامبر صلی الله علیه و آله - : خدای متعال فرمود: «... ای احمد! بپرهیز از این که چون کودک باشی که هر گاه چشمش به سبز و زردی (چیزی رنگارنگ) می افتد، آن را می خواهد، و هر گاه شیرینی و ترشی به او داده

می شود، فریب می خورد». (1)

ز \_ اِتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا 630. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللالام علي عليه السلام : اِتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّهَا تَسْتَرْجِعُ أَبَدًا مَا خَدَعَتْ بِهِ مِنَ الْمَحَاسِنِ ، وَتُزَعِّجُ (1) الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَالْقَاطِنَ (2) . (3) 631. المناقب عن إسماعيل بن رجاء وعمرو بن شعيب : عنه عليه السلام : فَلَـ تَغُرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ، فَإِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا سَفَرٌ حُلُولٌ ، الْمَوْتُ بِكُمْ نُزُولٌ ، تَنْتَضِلُ (4) فِيكُمْ مَنَائِهُ ، وَتَمْضِي بِأَخْبَارِكُمْ مَطَايَاهُ ، إِلَى دَارِ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ وَالْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ . (5) 632. شرح الأخبار عن رجاء : عنه عليه السلام : لَا يَغُرَّتْكُمْ كَثْرَةُ مَا يُعْجِبُكُمْ فِيهَا ، لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا . (6) 633. نثر الدر عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه عليه السلام : لَا يَغُرَّتْكُمْ مَا أَصْبَحَ فِيهِ أَهْلُ الْغُرُورِ ، فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودٍ . (7) 634. المعجم الكبير عن يحيى بن سعيد عن علي بن الحسين ع عنه عليه السلام : عِبَادَ اللَّهِ ، لَا تَغُرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ، فَإِنَّهَا دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ ، وَبِالْفَنَاءِ مَعْرُوفَةٌ ، وَبِالْغَدْرِ مَوْصُوفَةٌ ، وَكُلُّ مَا فِيهَا إِلَى زَوَالٍ ، وَهِيَ بَيْنَ أَهْلِهَا دُورٌ وَسِجَالٌ (8) ، لَنْ يَسْلَمَ مِنْ شَرِّهَا نُزَالُهَا ؛ بَيْنَا أَهْلِهَا فِي رَجَاءٍ وَسُرُورٍ إِذْ هُمْ مِنْهَا فِي بَلَاءٍ وَغُرُورٍ .

الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ ، وَالرَّخَاءُ فِيهَا لَا يَدُومُ ، وَإِنَّمَا أَهْلُهَا فِيهَا أَغْرَاضٌ مُسْتَهْدَفَةٌ ، تَرْمِيهِمْ بِسِهَامِهَا ، وَتَقْضِيهِمْ بِحِمَامِهَا (9) . (10) .

- 1- يقال : أَرَعَجْتُ فَلَانًا عَنْ مَوْضِعِهِ ؛ إِذَا أَرَلْتَهُ عَنْهُ (أنظر المصباح المنير : ص 253 «زجع»).
- 2- قَطَنٌ بِالْمَكَانِ : أَقَامَ بِهِ فَهُوَ قَاطِنٌ (المصباح المنير : ص 509 «قطن»).
- 3- غَرَّرَ الْحَكْمَ : ح 2562 ، عِيُونَ الْحَكْمِ وَالْمَوَاعِظُ : ص 88 ح 2099 .
- 4- يُقَالُ : انْتَضَلَ الْقَوْمُ وَتَنَاضَلُوا : أَي رَمَوْا لِلسَّبْقِ (النهاية : ج 5 ص 72 «نضل»).
- 5- الكافي : ج 8 ص 172 ح 193 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 149 وفيه «ينتصل» و «بأخباركم» بدل «تنتصل» و «بأخباركم» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 348 ح 30 ؛ مطالب السؤل : ص 51 نحوه .
- 6- نهج البلاغة : الخطبة 103 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 118 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ ؛ مطالب السؤل : ص 51 .
- 7- نهج البلاغة : الخطبة 89 .
- 8- سِجَالٌ : أَي مَرَّةٌ لَنَا وَمَرَّةٌ عَلَيْنَا (النهاية : ج 2 ص 344 «سجل»).
- 9- الْحِمَامُ : قَدْرُ الْمَوْتِ (الصحاح : ج 5 ص 1906 «حمم»).
- 10- تاريخ دمشق : ج 42 ص 500 عن عبد الله بن صالح العجلي عن أبيه ، تذكرة الخواص : ص 123 ، المناقب للخوارزمي : ص 370 ح 389 كلاهما عن عبد الله بن صالح العجلي عن رجل من بني شيبان ، دستور معالم الحكم : ص 36 نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 201 ح 44224 ؛ نهج البلاغة : الخطبة 226 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 117 ح 109 .

**ز - از فریب دنیا بترسید**

ز - از فریب دنیا بترسید 636. تنبيه الخواطر عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: از فریب دنیا بترسید زیرا دنیا همیشه آنچه را که فریبکارانه داده است، پس می گیرد، و کسی را که آسوده خاطر در آن اقامت گزیده است، می راند. 637. منية المرید عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ لِرَجُلٍ قَالَ لَهُ: اِجْلِسْ حَتَّى تَنْتَظِرَ فِ ) امام علی علیه السلام: زنده‌ای که زندگی دنیا، شما را نفریبد! شما در دنیا مسافرانی هستید که اُتراق کرده اید. مرگ نیز در میان شما منزل گزیده است؛ شما را آماج تیرهای خود کرده است، و مرکب های آن، خبرهای شما را به سرای ثواب و عقاب و سزا و حساب می برند. 638. كنز الفوائد عن الإمام الحسين عليه السلام ( \_ مِمَّا قَالَهُ يَوْمًا لِابْنِ عَبَّاسٍ \_ ) امام علی علیه السلام: زنده‌ای که جاذبه های فراوان دنیا شما را نفرینند؛ چرا که از دنیا، اندکی (کفنی) با خود می برید! 639. كشف الغمّة عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: زنده‌ای که برخوردار فریب خوردگان [دنیا] شما را نفریبد؛ زیرا آن همه، در حقیقت، سایه ای است که تا مدتی محدود ادامه می یابد! 640. الكافي عن محمد بن علي بن جعفر عن الرضا عليه السلام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! زنده‌ای که زندگی دنیا شما را نفریبد. دنیا، سرایی است که بلا از هر سو آن را در میان گرفته است، و به نابودی معروف است، و بی وفایی، صفت آن است. هر آنچه در دنیا است، رو به زوال است، و آن، میان اهلیش به نوبت می چرخد و هر روز به کام یکی است. ساکنانش هرگز از گزند او در امان نیستند؛ گاه در امید و شادمانی به سر می برند و گاه در رنج و ناکامی.

زندگی آن، نکوهیده [و نامطلوب] است، و آسایشش دوام ندارد. مردم دنیا، در آن هدف های نشانه رفته ای هستند که دنیا تیرهایش را به سوی آنان می افکند، و با مرگ خُردشان می کند.

641. الأُمالي بإسناده عن الحسين بن عليّ عن أمير المؤمنين عليه السلام: غُرُورُ الدُّنْيَا يَصْرَعُ . (1) 642. الأُمالي بإسناده عن الحسين بن عليّ عن عليّ عليهما عنه عليه السلام: مَنْ اغْتَرَّ بِالدُّنْيَا اغْتَرَّ بِالمُنَى . (2) ح \_ اتَّقُوا الرِّغْبَةَ فِي الدُّنْيَا 644. كشف الريبة عن عبد الله بن سليمان النوفلي عن جعفر الإمام عليّ عليه السلام: يَا أُسْرَى الرِّغْبَةَ أَقْصِرُوا؛ فَإِنَّ المَعْرَجَ عَلَى الدُّنْيَا لَا يَرَوْعُهُ مِنْهَا إِلَّا صَرِيفُ (3) أَنْيَابِ الحَدَثَانِ (4) . (5) 645. مستدرک الوسائل: عنه عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ يَنْزَلَ بِكَ المَوْتُ وَأَنْتَ أَبَقُّ (6) مِنْ رَبِّكَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا . (7) 646. تنبيه الخواطر: عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ رَغِبْتُمْ فِي الدُّنْيَا أَفْنَيْتُمْ أَعْمَارَكُمْ فِيمَا لَا تَبْقُونَ لَهُ وَلَا يَبْقَى لَكُمْ . (8) .

1- غرر الحكم : ح 6387 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 347 ح 5872 .

2- غرر الحكم : ح 8351 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 455 ح 8206 .

3- الصريف : صرير الباب ، و صرير ناب البعير (تاج العروس : ج 12 ص 320 «صرف»).

4- الحَدَثَانِ مِنَ الدَّهْرِ : نُوبُهُ وَمَا يَحْدُثُ مِنْهُ كحَوَادِثِهِ ، وَاحِدُهَا حَادِثٌ (تاج العروس : ج 3 ص 190 «حدث»).

5- نهج البلاغة : الحكمة 359 ، غرر الحكم : ح 10994 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 73 ح 27 .

6- أَبَقُّ العَبْدُ : هَرَبَ (النهاية : ج 1 ص 15 «أبق»).

7- نهج البلاغة : الكتاب 69 ، غرر الحكم : ح 2398 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 98 ح 2262 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 509 ح

707 .

8- غرر الحكم : ح 3848 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 175 ح 3634 .



**ح - از دل بستگی به دنیا بپرهیزید**

647. معاني الأخبار عن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهما السلام: فريب دنیا [آدمی را] به خاک می افکند. 648. الخصال عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عليه السلام: امام علی علیه السلام: هر که فريب دنیا را بخورد، فريب آرزوها را خورده است. ح - از دل بستگی به دنیا بپرهیزید 650. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: ای اسیران خواهش ها! کوتاه بیایید؛ زیرا دنیاگرایان را تنها غرغز نیش های [هیولای] مصائب روزگار، از دنیا می ترساند. 651. عيون أخبار الرضا یاسناده عن الحسين بن علي عن عليامام علی علیه السلام: مبادا مرگ، در حالی به سراغت بیاید که تو از پروردگار خویش گریخته ای و در طلب دنیایی! 652. الأمالي یاسناده عن الحسين بن علي عليه السلام: امام علی علیه السلام: شما اگر دنیاخواهی پیشه کنید، عمر خویش را در راه چیزی صرف کرده اید که نه شما برای آن می مانید و نه آن برای شما می ماند.

653. مكارم الأخلاق عن الحسين بن علي عليه السلام: عنه عليه السلام: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَوْجِبُ المَقْتَّ (1). (2) راجع: ج 2 ص 162 (الفصل الخامس: إرشادات لتحصيل الزهد).

3 / 2 التَّحْذِيرُ مِنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا \_ لَذَاتُهَا آلامٌ 658. طَبَّ الأئمةُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صِحَّةُ الدُّنْيَا أَسْقَامٌ، وَلَذَاتُهَا آلامٌ. (3) ب \_ لَذَاتُهَا تَنْغِيصٌ 660. المعجم الكبير عن بشر بن عبد الله الخثعمي عن محملاً إمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَعكُوسَةٌ مَعكُوسَةٌ، لَذَاتُهَا تَنْغِيصٌ وَمَوَاهِبُهَا تَنْغِيصٌ (4)، وَعَيْشُهَا عَنَاءٌ وَبَقَاؤُهَا فَنَاءٌ، تَجْمَعُ بِطَالِبِهَا وَتُرْدِي رَاكِبَهَا، وَتَخُونُ الوَائِقَ بِهَا وَتُزَعِّجُ المُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا، وَإِنَّ جَمْعَهَا إِلَى انْصِدَاعٍ وَوَصْلَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ. (5) ج \_ عَذْبُهَا أَجَاخٌ 662. عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن علي عليه الإمام علي عليه السلام \_ فِي وَصْفِ الدُّنْيَا \_: سُلْطَانُهَا دَوْلٌ (6)، وَعَيْشُهَا رَنْقٌ (7)، وَعَذْبُهَا أَجَاخٌ (8)، وَحُلُوهَا صَبْرٌ (9)، وَغِذَاؤُهَا سِمَامٌ، وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ، حَيْثُهَا بَعْرَضٍ مَوْتٌ،

وَصَحِيحُهَا بَعْرَضٍ سُقْمٌ، مُلْكُهَا مَسْلُوبٌ، وَعَزِيْزُهَا مَغْلُوبٌ، وَمَوْفُورُهَا مَنكُوبٌ، وَجَارُهَا مَحْرُوبٌ (10). (11).

- 1- المَقْتُّ: أَشَدُّ البُغْضِ (النهاية: ج 4 ص 346 «مقت»).
- 2- غرر الحكم: ح 1201، عيون الحكم والمواعظ: ص 19 ح 83.
- 3- غرر الحكم: ح 5811، عيون الحكم والمواعظ: ص 303 ح 5400.
- 4- الغصّة: ما غصّ به الإنسان من طعام أو غيظ (المصباح المنير: ص 448 «غصص»).
- 5- غرر الحكم: ح 3661، عيون الحكم والمواعظ: ص 145 ح 3225.
- 6- تَدَاوَلَ القَوْمُ الشَّيْءَ تَدَاوُلًا: هُوَ حَصُولُهُ فِي يَدِ هَذَا تَارَةً وَفِي يَدِ هَذَا أُخْرَى، وَالاسْمُ: الدُّوْلَةُ، وَالجَمْعُ دَوْلٌ (المصباح المنير: ص 203 «دول»).
- 7- عَيْشٌ رَنْقٌ: أَي كَدِرٌ (الصحاح: ج 4 ص 1485 «رنق»).
- 8- الأَجَاخُ: المَاءُ الشَّدِيدُ المَلُوحَةُ (النهاية: ج 1 ص 25 «أجج»).
- 9- الصَّبْرُ \_ بِكسْرِ البَاءِ \_: الدَّوَاءُ المَرِّ (الصحاح: ج 2 ص 707 «صبر»).
- 10- المَحْرُوبُ: المَسْلُوبُ المَنْهُوبُ (النهاية: ج 1 ص 358 «حرب»).
- 11- نهج البلاغة: الخطبة 111، تحف العقول: ص 181 نحوه، بحار الأنوار: ج 73 ص 114 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

## 3 / 2 بر حذر داشتن از لذت های دنیا

## الف - لذت های دنیا رنج اند

## ب - لذت های دنیا تیرگی آورند

## ج - گوارای دنیا، شور است

663. المعجم الصغير بإسناده عن الحسين بن عليّ عن عليّ بامام علي عليه السلام: دنیاخواهی، موجب دشمنی می شود. ر. ك: ج 2 ص 163 (فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد).

3 / 2 بر حذر داشتن از لذت های دنیا الف - لذت های دنیا رنج اند 668. دعائم الإسلام عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: تن درستی دنیا، بیماری است و لذت هایش، دردند. ب - لذت های دنیا تیرگی آورند 670. كنز العمال عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عن جدّها امام علي عليه السلام: همانا دنیا وارونه و باژگونه است: خوشی هایش تیرگی می آورد و بخشش هایش اندوه می آورد (گلوگیرند)، و زندگی اش رنج است و بقایش فنا. جوینده خود را بی اختیار می برد، و سوار خویش را به خاک هلاکت می افکند. به کسی که به او اعتماد کند، خیانت می ورزد و کسی را که بدان آرام گیرد، بی قرار (پریشان خاطر) می سازد. اتحاد آن، به پراکندگی می انجامد و پیوندش، به جدایی. ج - گوارای دنیا، شور است 672. الفردوس عن الحسين بن عليّ عليه السلام عن رسول اللامام علي عليه السلام - در توصیف دنیا - قدرتش نوبتی است، عیشش تیره است، گوارایش شور است، شیرینش تلخ است، غذایش زهر است، ریسمان هایش پوسیده است، زنده اش دست خوش مرگ است، سالمش در معرض بیماری

است، دارایی اش از کف رفتنی است، قدرتمندش شکست خوردنی است، ثروتمندش اسیر [رنج و گرفتاری] است، و پناهنده به آن، تاراج شونده است.

د \_ عَزَّهَا ذُلٌّ 674. الأُمالي بإسناده عن الإمام الشهيد الحسين بن عليّ عالِمِ عليّ عليه السلام \_ في ذَمِّ الدُّنيا \_ عَزَّهَا ذُلٌّ ، وَجَدَّهَا هَزَلٌ ، وَعَلُوُّهَا سُفْلٌ . (1) 675. النوادر بإسناده عن الحسين عليه السلام : عنه عليه السلام : كَثْرَةُ الدُّنيا قِلَّةٌ ، وَعَزَّهَا ذِلَّةٌ ، وَزَخَارِفُهَا مُضِلَّةٌ ، وَمَوَاهِبُهَا فِتْنَةٌ . (2) 676. الخصال بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام : عنه عليه السلام : سُلْطَانُ الدُّنيا ذُلٌّ ، وَعَلُوُّهَا سُفْلٌ . (3) ه \_ لَدَّتْهَا غُصَّةٌ الْآخِرَةَ 678. الكافي عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام : مَا التَّدَّ أَحَدٌ مِنَ الدُّنيا لَذَّةً إِلَّا كَانَتْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُصَّةٌ . (4) 679. الكافي عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام : عنه عليه السلام : لِلْمُسْتَحْلِي لَذَّةُ الدُّنيا غُصَّةٌ . (5) 680. حلية الأولياء بإسناده عن الحسين بن عليّ عن عليّ عرسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ فِي الدُّنيا شَبَعًا أَكْثَرُهُمْ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (6)

- 1- نهج البلاغة : الخطبة 191 ، غرر الحكم : ح 3446 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3232 وص 150 ح 3294 .
- 2- غرر الحكم : ح 7125 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 390 ح 6610 .
- 3- غرر الحكم : ح 5570 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 283 ح 5095 .
- 4- غرر الحكم : ح 9618 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 480 ح 8816 .
- 5- غرر الحكم : ح 7333 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 404 ح 6823 ، مستدرک الوسائل : ج 11 ص 346 ح 13217 .
- 6- عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 39 ح 113 عن داوود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأُمالي للطوسي : ص 346 ح 715 عن سلمان ، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 232 ح 130 عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام عن أبي جحيفة عنه صلى الله عليه وآله ، عدّة الداعي : ص 74 وليس فيه «في الدنيا» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 99 ح 84 ؛ سنن الترمذي : ج 4 ص 649 ح 2478 عن ابن عمر ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1112 ح 3351 عن سلمان وفيهما «أطولهم» بدل «أكثرهم» ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 135 ح 7140 عن أبي جحيفة ، كنز العمال : ج 3 ص 200 ح 6163 .

**د \_ عزّت دنیا ، خواری است****ه \_ خوشی دنیا ، اندوه آخرت است**

د \_ عزّت دنیا ، خواری است 682. الكافي عن الفضل بن أبي قرّة عن أبي عبد الله عليها مام على عليه السلام \_ در نکوهش دنیا \_ عزّتش خواری، و جدّی اش شوخی ، و بلندی اش پستی است. 683. محاضرات الأُدباء : امام على عليه السلام : زیاد دنیا اندك است، و عزّتش خواری، و زیورهایش گم راه کننده، و دِهش هایش مایه گرفتاری. 684. مقتل الحسين : امام على عليه السلام : قدرت دنیا ، خواری است و بلندی اش ، پستی. ه \_ خوشی دنیا ، اندوه آخرت است 686. مستدرک الوسائل : امام على عليه السلام : هیچ کس از دنیا لذّتی نمی چشد ، مگر آن که در روز قیامت ، مایه اندوه او می گردد (اگلوگیر او می شود). 687. کتاب من لا يحضره الفقيه یاسناده عن الحسين بن عليّ ( \_ لَمَّا قِيلَ لَهُ : كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا بَنَ رَسُولِ ا ) امام على عليه السلام : آن که لذّت دنیا را شیرین یابد ، به اندوه گرفتار می آید. 688. عيون أخبار الرضا یاسناده عن الحسين بن عليّ عليه ا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سیرترین مردم در دنیا، گرسنه ترین آنها در روز قیامت است.

689. الأمامي ياسناده عن الحسين عن أبيه علي بن أبي طالب عنه صلى الله عليه وآله: ألا يا زُبَّ نَفْسٍ طَاعِمَةٍ نَاعِمَةٍ فِي الدُّنْيَا، جَائِعَةٍ عَارِيَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1) 690. بحار الأنوار: عيسى عليه السلام \_ لِلْحَوَارِيِّينَ \_ بِقَدْرِ مَا تَنْصَبُونَ (2) هَاهُنَا تَسْتَرِيحُونَ هَاهُنَا، وَبِقَدْرِ مَا تَسْتَرِيحُونَ هَاهُنَا تَنْصَبُونَ هَاهُنَا. (3) و\_ حَلَاوَتُهَا مَرَاةُ الْآخِرَةِ 692. كشف الغمّة عن أبي جعفر محمد بن عليّ عن أبيه عن جرسول الله صلى الله عليه وآله: حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مُرَّةُ الْآخِرَةِ، وَمُرَّةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ. (4) 693. تاريخ بغداد ياسناده عن الحسين عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: مَرَاةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ، وَحَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَاةُ الْآخِرَةِ. (5) 694. الخصال ياسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: عنه عليه السلام: حَلَاوَةُ الدُّنْيَا تَوْجِبُ مَرَاةَ الْآخِرَةِ وَسُوءَ الْعُقْبَى. (6) 695. طب الأئمّة ياسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام عيسى عليه السلام \_ لِلْحَوَارِيِّينَ \_ يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ، كُلُوا خُبْزَ الشَّعِيرِ وَنَبَاتِ الْأَرْضِ وَالْمَاءِ الْقَرَّاحِ (7)، وَإِيَّاكُمْ وَخُبْزَ الْبُرِّ (8)؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَقُومُونَ بِشُكْرِهِ، وَاعْلَمُوا أَنَّ

حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَاةُ الْآخِرَةِ، وَأَشَدُّ مَرَاةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ. (9).

- 1- شُعْبُ الْإِيمَانِ : ج 2 ص 170 ح 1461 ، الطبقات الكبرى : ج 7 ص 423 كلاهما عن أبي البجير ، مسند الشهاب : ج 2 ص 308 ح 1423 عن ابن البجير ، كنز العمال : ج 15 ص 883 ح 43502 ؛ عدّة الداعي : ص 109 ، إرشاد القلوب : ص 157 وفيهما «كاسية» بدل «طاعمة» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 321 ح 38 .
- 2- نَصِبَ الرَّجُلُ : تعب (الصحاح : ج 1 ص 225 «نصب»).
- 3- الدَّرُّ الْمَشْتُورُ : ج 2 ص 206 نقلاً عن ابن حنبل عن وهب .
- 4- مسند ابن حنبل : ج 8 ص 448 ح 22962 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 345 ح 7861 ، شُعْبُ الْإِيمَانِ : ج 7 ص 288 ح 10336 ، المعجم الكبير : ج 3 ص 291 ح 3438 ، مسند الشاميين : ج 2 ص 86 ح 963 كلّها عن أبي مالك الأشعري ، كنز العمال : ج 3 ص 192 ح 6115 .
- 5- نهج البلاغة : الحكمة 251 ، روضة الواعظين : ص 483 ، غرر الحكم : ح 9793 وفيه صدره ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 .
- 6- غرر الحكم : ح 4881 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4436 .
- 7- الْقَرَّاحُ : الماء الذي لم يخالطه شيء يُطَيَّبُ به (النهاية : ج 4 ص 36 «قرح»).
- 8- الْبُرُّ : الحِنْطَةُ (لسان العرب : ج 4 ص 55 «برر»).
- 9- الدَّرُّ الْمَشْتُورُ : ج 2 ص 205 نقلاً عن أحمد عن عطاء الأزرق ، البداية والنهاية : ج 2 ص 88 عن ابن عمر نحوه وليس فيه «أشد» .

## و- شیرینی دنیا، تلخی آخرت است

696. الأُمالي بإسناده عن الحسين بن عليّ عن أمير المؤمنين صلّى الله عليه وآله: هان! أي بسا انسان سير و نازپرورده در دنیا که روز قیامت، گرسنه و برهنه است. 697. الكافي عن عبد الله بن الوليد الجعفي عن رجل عن أبي عيسى عليه السلام - به حواریان - به اندازه ای که در این جا خسته می شوید، در آن جا (آخرت) می آسایید، و به اندازه ای که در این جا می آسایید، در آن جا به خستگی می افتید. و- شیرینی دنیا، تلخی آخرت است 699. المعجم الكبير بإسناده عن عليّ بن حسين عليه السلام صلّى الله عليه وآله: شیرینی دنیا، تلخی آخرت است و تلخی دنیا، شیرینی آخرت. 700. تهذيب الأحكام عن عليّ بن شعيب عن الإمام الصادق علامام علی عليه السلام: تلخی دنیا، شیرینی آخرت است و شیرینی دنیا، تلخی آخرت. 701. الكافي عن أبي شهاب: امام علی عليه السلام: شیرینی دنیا، موجب تلخی آخرت و بدی عاقبت می شود. 702. الأُمالي عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه العیسی عليه السلام - به حواریان - ای گروه حواریان! نان جوین و گیاه زمین و آب بی مزه (1) بخورید و از خوردن نان گندم پرهیز کنید؛ چرا که شما از عهده شکرش بر نمی آید. و بدانید که شیرینی دنیا، تلخی آخرت است، و بدترین

تلخی دنیا، شیرینی آخرت است.

---

1- .آبی که خالص است و طعم دهنده ای به آن افزوده نشده است.

ز \_ ثَرَوْتُهَا فَقَرُّ الآخِرَةِ 704. الفردوس عن الحسين بن عليّ عليه السلام عن رسول اللّٰلإمام عليّ عليه السلام : ثَرَوَةُ الدُّنْيَا فَقَرُّ الآخِرَةِ .  
 (1) 705. الإرشاد ( \_ فِي ذِكْرِ خُرُوجِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ المِ ) عنه عليه السلام : مَا زَادَ فِي الدُّنْيَا نَقَصَ فِي الآخِرَةِ . مَا نَقَصَ مِنَ الدُّنْيَا  
 زَادَ فِي الآخِرَةِ . (2) 706. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه عليه السلام : أَغْنَى النَّاسِ فِي الآخِرَةِ أَفْقَرُهُمْ فِي الدُّنْيَا . أَوْفَرُ  
 النَّاسِ حَظًّا مِنَ الآخِرَةِ أَقَلُّهُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا . (3) 707. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّا  
 لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَالْأَنْعَاطَ خَيْرَ لَنَا ، وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا نَقَصَ مِنْ حَظِّهِ فِي الآخِرَةِ . (4) 708. كتاب من لا يحضره الفقيه بإسناده عن  
 عليّ بن الحسين رسول الله صلى الله عليه وآله : مَا أُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا مُؤْمِنًا حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَشُوبًا (5) بِتَكْدِيرٍ ؛ لِئَلَّا يَكُونَ ذَلِكَ حَظَّهُ مِنَ  
 ثَوَابِ اللَّهِ ، وَلِيُكْمَلَ اللَّهُ لَهُ صَفْوَةَ عَيْشِ الآخِرَةِ . (6) 709. الأملالي عن هرثمة بن أبي مسلم : عنه صلى الله عليه وآله : لَا يَشْغَلَنَّكَ طَلَبُ دُنْيَاكَ  
 عَنْ طَلَبِ دِينِكَ ؛ فَإِنَّ طَالِبَ الدُّنْيَا رُبَّمَا أُدْرِكَ فَهَلَّكَ بِمَا أُدْرِكَ ، وَرُبَّمَا فَاتَهُ فَهَلَّكَ بِمَا فَاتَهُ .

الأكثرُونَ فِي الدُّنْيَا هُمُ الْأَقْلُونَ فِي الآخِرَةِ إِلَّا مَنْ قَالَ : هَكَذَا ، وَهَكَذَا \_ وَحَثَّ بِيَدِهِ \_ .

وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا إِلَّا كَانَ أَنْقَصَ مِنْ حَقِّهِ فِي الآخِرَةِ ، حَتَّى سَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ؛  
 لِمَا أُعْطِيَ مِنَ الدُّنْيَا ، وَرَأْسُ كُلِّ حَاطِيَّةٍ حُبُّ الدُّنْيَا . (7) .

- 
- 1- .غرر الحكم : ح 4705 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 217 ح 4267 .
  - 2- .غرر الحكم : ح 9619 و 9620 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 480 ح 8817 و 8818 .
  - 3- .غرر الحكم : ح 3221 و 3222 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 115 ح 2554 وص 122 ح 2780 .
  - 4- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 51 ح 138 عن أبي يعقوب ، الأملالي للطوسي : ص 662 ح 1381 ، مستطرفات السرائر : ص 40 ح 6 ،  
 تنبيه الخواطر : ج 2 ص 79 كلّها عن عبد الله بن أبي يعفور ، عدّة الداعي : ص 100 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 127 ح 130 .
  - 5- .الشّوبُ : الخَلْطُ (الصّحاح : ج 1 ص 158 «شوب») .
  - 6- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 47 .
  - 7- .تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 96 .



## ز - ثروت دنیا، فقر آخرت است

ز - ثروت دنیا، فقر آخرت است 711. ثواب الأعمال عن عمرو بن قيس المشرقي: امام علی علیه السلام: ثروت دنیا، فقر آخرت است. 712. الأماي عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد عن امام علی علیه السلام: آنچه در دنیا می افزاید، در آخرت می کاهد، و آنچه در دنیا می کاهد، در آخرت می افزاید. 713. الإرشاد: امام علی علیه السلام: توانگرترین مردم در آخرت، درویش ترین آنان در دنیا است، و بهره مندترین مردم از آخرت، کم بهره ترین آنان از دنیا است. 714. الفتوح: امام صادق علیه السلام: ما البتة دنیا را دوست داریم؛ اما این که به ما داده نمی شود، برایمان بهتر است. به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد، مگر آن که از بهره او در آخرت کم شد. 715. الخصال یاسناده عن الحسين عن أبيه علي بن أبي طالب مبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به هیچ بنده مؤمنی بهره ای از دنیا نداد، مگر آمیخته با تیرگی، تا آن، سهم او از پاداش خداوند [در آخرت] نباشد، و تا خداوند، زلالی زندگی آخرت را برایش کامل گرداند. 716. أسد الغابة یاسناده عن الحسين عن أبيه علي بن أبي طالب مبر خدا صلی الله علیه و آله: «زنهار، که طلب دنیایت، تو را از طلب دینت باز مدارد؛ چرا که طالب دنیا، گاه [به مطلوبش] می رسد و با همانچه بدان رسیده است، نابود می شود، و گاه نمی رسد و همانچه بدان رسیده است، مایه هلاکت او می گردد!

آنان که در دنیا دارا ترند، در آخرت نادار ترند، مگر کسی که چنین و چنان کند»

و با دستش پراکند. (1)

«به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد، مگر آن که از حق او در آخرت کاست، حتی سلیمان بن داوود علیه السلام. او به خاطر دنیایی که به وی داده شد، آخرین پیامبری است که وارد بهشت می شود. ریشه (اسرآمد) هر خطایی، دنیادوستی است».

1- بدین معنا که از چپ و راست و این سو و آن سو، بخشش کند و در راه خدا انفاق نماید.

ح - رَفَعَتْهَا ضَعَةً الْآخِرَةَ 718. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: المعجم الكبير عن سلمان عن رسول الله صلى الله عليه وآله ما من عبدٍ يُريدُ أن يَرْتَفِعَ فِي الدُّنْيَا دَرَجَةً فَارْتَفَعَ ، إِلَّا وَضَعَهُ اللَّهُ فِي الْآخِرَةِ أَكْبَرَ مِنْهَا . ثُمَّ قَرَأَ «وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا» (1) . (2) 719. محاضرات الأدباء عن الحسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: حَقُّ عَلَى اللَّهِ أَلَّا يَرْتَفِعَ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا وَضَعَهُ . (3) 720. الأُمالي بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ ، وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ ، وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ . (4) راجع: ص 390 (التحذير من حبّ الدنيا / لا يجتمع مع حبّ الآخرة).

1- الإسراء : 21 .

2- المعجم الكبير : ج 6 ص 239 ح 6101 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 60 كلاهما عن سلمان ، كنز العمال : ج 3 ص 197 ح 6144 .

3- الفردوس : ج 2 ص 132 ح 2675 عن أنس ، مجمع الزوائد : ج 10 ص 447 ح 17860 عن سعيد بن المسيّب .

4- نهج البلاغة : الخطبة 126 ، الأُمالي للمفيد : ص 176 ح 6 ، الأُمالي للطوسي : ص 195 ح 331 كلاهما عن ربيعة وعمارة ، تحف

العقول : ص 185 ، الغارات : ج 1 ص 76 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 32 ص 48 ح 32 .

**ح \_ بلندی دنیا ، پستی آخرت است**

ح \_ بلندی دنیا ، پستی آخرت است 723. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: المعجم الكبير \_ به نقل از سلمان \_ پیامبر خدا فرمود: «هیچ بنده ای نیست که بخواهد در دنیا يك درجه بالا برود و بالا هم برود ، مگر آن که خداوند او را در آخرت ، يك درجه بزرگ تر از آن ، پایینش می آورد».

پیامبر سپس این آیه را خواند: «وقطعاً درجات آخرت بزرگ ترند و برتری آن ، بیشتر است» . 724. تحف العقول ( \_ في ذكر مسائل سأل الإمام عنها ملبك ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بر خداوند است که هیچ چیزی در دنیا بالا-نرود ، مگر این که آن را پایین آورد. 725. المناقب : امام علی علیه السلام : آگاه باشید که بخشیدن نابه جای مال ، ریختن و پاش و اسراف است. این کار ، صاحب مال را در دنیا بالا می برد ؛ اما در آخرت ، پست می گرداند، و در میان مردم ، ارجمندش می سازد ؛ ولی نزد خدا بی مقدارش می کند. ر. ک : ص 391 (بر حذر داشتن از دنیادوستی / دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود).

3 / 3 التَّحْذِيرُ مِنْ مُصَاحَبَةِ الدُّنْيَا 729. تاريخ دمشق عن بشر بن غالب: رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّما مَثَلُ صَاحِبِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الماشي في الماء، هَلْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْشِيَ فِي المَاءِ إِلَّا وَتَبَّتْ قَدَمَاهُ؟! (1) 730. كامل الزيارات عن أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السُّلْبُ الإِيْمَانُ عَنْ أَنَسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَلْ مِنْ أَحَدٍ مَشَى عَلَى المَاءِ إِلَّا ابْتَلَّتْ قَدَمَاهُ؟ قالوا: لا يا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا؛ لا يَسْلَمُ مِنَ الدُّنُوبِ. (2) 731. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: إرشاد القلوب: كانَ عَلِيُّ بْنُ الحُسَيْنِ زَيْنُ العَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَمَثَّلُ بِهَذِهِ، وَيَقُولُ:

وَمَنْ يَصْحَبِ الدُّنْيَا يَكُنْ مِثْلَ قَابِضٍ عَلَى المَاءِ خَاتَمُهُ فُرُجُ الأصابع (3) 3 / 4 التَّحْذِيرُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا - رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ 735. الأغانِي عَنْ مَصْعَبِ عَنْ أَبِيهِ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ. (4).

1- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 148؛ إحياء علوم الدين: ج 3 ص 317.

2- شعب الإيمان: ج 7 ص 323 ح 10457، مشكاة المصابيح: ج 2 ص 657 ح 5205، كنز العمال: ج 3 ص 198 ح 6151.

3- إرشاد القلوب: ص 23.

4- كنز الفوائد: ج 1 ص 217، الخصال: ص 25 ح 87 عن درست بن أبي منصور عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 508 عن عيسى عليه السلام، التحصين لابن فهد: ص 27 ح 43، غرر الحكم: ح 4868 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 70 ص 315 ح 20 نقلاً عن مصباح الشريعة؛ شعب الإيمان: ج 7 ص 338 ح 10501، ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص 16 ح 9 كلاهما عن الحسن، إحياء علوم الدين: ج 3 ص 299، البداية والنهاية: ج 2 ص 89 عن عيسى عليه السلام، كنز العمال: ج 3 ص 192 ح 6114.

## 3 / 3 بر حذر داشتن از همدمی با دنیا

## 3 / 4 بر حذر داشتن از دنیادوستی

## الف - ریشه هر خطا

3 / 3 بر حذر داشتن از همدمی با دنیا 738. الغيبة عن أبي جعفر السَّمَّان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حکایت همدم با دنیا، حکایت کسی است که در آب، راه می رود. آیا می تواند در آب راه برود، بدون آن که پاهایش خیس شود؟! 739. رجال النجاشي عن عبید الله بن الحرّ: شُعَبُ الْإِيمَانِ - به نقل از آنس - پیامبر خدا فرمود: «آیا کسی هست که بر آب راه برود و پاهایش خیس نشود؟» .

گفتند: نه، ای پیامبر خدا!

فرمود: «همدم با دنیا نیز چنین است. او از گناهان به سلامت نمی ماند». 740. المعجم الكبير عن سفیان بن عیینة: إرشاد القلوب: امام زین العابدین علیه السلام به این شعر، تمثّل می جست و می گفت:

«همنشین دنیا، مانند کسی است که مشتی آب برگیرد/ شکاف های انگشتان به او خیانت می کنند». 3 / 4 بر حذر داشتن از دنیادوستیالف - ریشه هر خطا 744. المصنّف عن بشر بن غالب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیادوستی، ریشه هر خطایی است.

745. الجوهرة عن بشر بن غالب: عنه صلى الله عليه وآله: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، ومِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ، وَسَبَبُ إِحْبَابِ (1) كُلِّ حَسَنَةٍ .  
 (2) 746. كنز العمّال عن الحسين عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! أَيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَدَاعِي كُلِّ رَزِيئَةٍ. (3) 747. مكارم الأخلاق عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام: أَلَا وَحُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَمَجْمَعُ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَدَاعِيَةُ كُلِّ رِيئَةٍ (4). (5) 748. تاريخ الطبري عن حميد بن مسلم: الإمام زين العابدين عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ - مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا، وَإِنَّ لِدَلِكَ لَشُعْبًا كَثِيرَةً (6)، وَلِلْمَعَاصِي شُعْبًا: فَأَقُولُ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ الْكَبِيرُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبِي وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ، وَالْحِرْصُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَحَوَّاءَ حِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُمَا: «كُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (7)، فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ بِهِمَا إِلَيْهِ، فَدَخَلَ ذَلِكَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَذَلِكَ أَنَّ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ، ثُمَّ الْحَسَدُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ حَيْثُ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ، فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ: حُبُّ النِّسَاءِ، وَحُبُّ

الدُّنْيَا، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ، وَحُبُّ الرِّاحَةِ، وَحُبُّ الْكَلَامِ، وَحُبُّ الْعُلُوِّ وَالثَّرْوَةِ، فَصِرْنَ سَبْعَ خِصَالٍ، فَاجْتَمَعْنَ كُلُّهُنَّ فِي حُبِّ الدُّنْيَا، فَقَالَ الْأَنْبِيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَعْدَ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ. (8).

- 1- حَبِطَ عَمَلُهُ: بَطَلَ ثَوَابُهُ. وَأَحْبَطَهُ اللَّهُ تَعَالَى (الصحاح: ج 3 ص 1118 «حبط»).
- 2- إرشاد القلوب: ص 21، أعلام الدين: ص 340 عن أبي هريرة، عدّة الداعي: ص 294 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 182 ح 10.
- 3- تحف العقول: ص 215، بحار الأنوار: ج 78 ص 54 ح 97.
- 4- الرِّيْبَةُ: الشُّكُّ، وَقِيلَ: الشُّكُّ مَعَ التُّهْمَةِ (النهاية: ج 2 ص 286 «ريب»).
- 5- مطالب السؤول: ص 52؛ بحار الأنوار: ج 78 ص 23 ح 86.
- 6- «إِنَّ لِدَلِكَ» أَي لِبُغْضِ الدُّنْيَا، «لَشُعْبًا» أَي مِنَ الصِّفَاتِ الْحَسَنَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَهِيَ ضِدُّ شُعْبِ الْمَعَاصِي (مرآة العقول: ج 8 ص 279).
- 7- الأعراف: 19.
- 8- الكافي: ج 2 ص 130 ح 11 وص 317 ح 8 كلاهما عن الزهري محمد بن مسلم بن شهاب، مشكاة الأنوار: ص 465 ح 1555، بحار الأنوار: ج 73 ص 59 ح 29.

749. المعجم الكبير عن ابن أبي ليلى: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیادوستی، ریشه هر خطا، و کلید هر گناه، و سبب بی حاصل شدن هر کار نیکی است. 750. الخصال یاسناده عن الحسين بن علي عليه السلام: امام علی علیه السلام: ای مردم! از دنیادوستی پرهیزید که ریشه هر خطا، و در هر بلا، و جفت هر فتنه، و فراخواننده هر مصیبتی است. 751. الإقبال عن خلاد بن عمير الكندي: امام علی علیه السلام: هان! دنیادوستی، ریشه هر خطا، و در هر بلا، و مجمع هر فتنه، و باعث هر سوء ظنی است. 752. مقاتل الطالبیین عن یحیی بن عبد الله عن الذي أفلام زین العابدین علیه السلام \_ در پاسخ به سؤال از برترین اعمال در نزد خداوند \_ بعد از شناخت خداوند و شناخت پیامبر او صلی الله علیه و آله، هیچ عملی برتر از نفرت از دنیا نیست، و برای آن، شاخه های بسیاری است، (1) چنان که گناهان نیز شاخه هایی دارند و نخستین چیزی که خدا با آن نافرمانی شد، تکبر بود و آن، نافرمانی شیطان بود، آن گاه که سرپیچی و گردن فرازی کرد و از کافران شد. و [دوم،] آزمندی بود و آن، نافرمانی آدم و حوا بود، آن گاه که خداوند به آن دو فرمود: «از هر چه می خواهید، بخورید؛ ولی به این درخت، نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید بود»؛ اما آن دو [از سر آزمندی،] چیزی را برداشتند که بدان نیازی نداشتند، و این خصلت به نسل آنها راه یافت تا روز قیامت. از همین رو، آدمیزاد، به بیشتر آنچه می طلبد، نیازی ندارد. و [سوم،] حسد بود و آن، نافرمانی پسر آدم بود، آن گاه که به برادرش حسادت ورزید و او را کشت.

و از این خصلت ها، زن دوستی، دنیادوستی، ریاست خواهی، راحت طلبی، شهوت کلام، حب جاه و ثروت، نشئت گرفت. پس، هفت خصلت شدند که همگی در دنیادوستی گرد آمده اند. از این رو، پیغمبران و دانشمندان \_ که این نکته را شناخته اند \_ گفته اند: دنیادوستی، منشأ هر گناهی است. .

---

1- . یعنی: نفرت از دنیا، شاخه ها و نتایج فراوانی از صفات نیک و کارهای شایسته دارد، که ضد شاخه های معصیت اند.

753. دعائم الإسلام: الإمام الصادق عليه السلام: رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا . (1) 754. الأُمالي بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام :الكافي عن عليّ بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عيسى عليه السلام: . . . اعْلَمَ أَنَّ رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَذَنْبٍ هُوَ حُبُّ الدُّنْيَا ، فَلَا تُحِبُّهَا فَإِنِّي لَا أُحِبُّهَا . (2) 755. عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه اعيسى عليه السلام \_ في مَوَاعِظِهِ \_ : بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ : إِنَّ الَّذِي يَخْوِضُ النَّهْرَ لَابِدًا أَنْ يُصِيبَ ثَوْبَهُ الْمَاءُ وَإِنْ جَهَدَ أَلَّا يُصِيبَهُ ، كَذَلِكَ مَنْ يُحِبُّ الدُّنْيَا لَا يَنْجُو مِنَ الْخَطَايَا . (3) ب \_ أصلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ 757. الكافي عن أبي سعيد عن الحسين عليه السلام :رسول الله صلى الله عليه وآله : حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ ، وَأَوَّلُ كُلِّ ذَنْبٍ . (4) 758. المصنّف عن جابر الجعفي عن الشعبي أو عن أبي جعفر معنه صلى الله عليه وآله :إِنَّ أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ سِتٌّ : حُبُّ الدُّنْيَا ، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ ، وَحُبُّ الطَّعَامِ ، وَحُبُّ النَّوْمِ ، وَحُبُّ الرِّاحَةِ ، وَحُبُّ النِّسَاءِ . (5) .

- 
- 1- .الكافي : ج 2 ص 315 ح 1 ، الأُمالي للطوسي : ص 662 ح 1378 كلاهما عن هشام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 7 ح 1 ؛ الزهد لابن حنبل : ص 117 عن جعفر بن جرفاس عن عيسى عليه السلام .
  - 2- .الكافي : ج 8 ص 131 \_ 141 ح 103 ، تحف العقول : ص 500 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، الأُمالي للصدوق : ص 613 ح 842 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 145 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 298 ح 14 .
  - 3- .تحف العقول : ص 510 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 314 ح 17 .
  - 4- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 122 .
  - 5- .الكافي : ج 2 ص 289 ح 3 ، الخصال : ص 330 ح 27 ، المحاسن : ج 1 ص 459 ح 1063 كلّها عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 205 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 105 ح 3 .



**ب \_ ریشه هر نافرمانی**

759. الكافي عن أبي سعيد عقيبا التيمي: امام صادق عليه السلام: ریشه هر خطایی، دنیادوستی است. الكافی \_ به نقل از علی بن اسباط ، از ائمه علیهم السلام \_ : از جمله اندرزهای خداوند به عیسی علیه السلام این بود: «... بدان که اساس هر خطا و گناهی ، دنیادوستی است. پس، آن را دوست مدار که من نیز دوستش نمی دارم». عیسی علیه السلام \_ در اندرزهایش \_ : به حق به شما می گویم: کسی که وارد نهر آب شود ، جامه اش تر می شود ، هر چند بکوشد که آب به آن نرسد. این چنین ، هر که دنیا را دوست بدارد ، از خطاها نمی رهد. ب \_ ریشه هر نافرمانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیادوستی، ریشه هر نافرمانی، و آغاز هر گناهی است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخستین عواملی که خدا با آنها نافرمانی شد ، شش چیز بود: دنیادوستی، ریاست خواهی، علاقه مندی به خوراک، علاقه مندی به خواب، راحت طلبی، و زن دوستی.

الإمام عليّ عليه السلام: إِيَّاكَ وَحُبَّ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَمَعْدِنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ. (1) عيسى عليه السلام: إَعْلَمُوا أَنَّ أَصْلَ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا. (2) جـ \_ بَدَأَ كُلَّ فِتْنَةٍ الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ مِنْ أَهْوَاءِ تَتَّبِعُ، وَأَحْكَامِ تَبْتَدِعُ. (3) الإمام الصادق عليه السلام: فيما ناجى الله به موسى عليه السلام: يا موسى... إَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ بَدَأَهَا حُبُّ الدُّنْيَا. (4) د \_ أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ حُبُّ الدُّنْيَا. (5) عَنِ اللَّهِ الْمَغْفِرَةَ مِنْهُ: حُبُّ الدُّنْيَا. (6) الإمام عليّ عليه السلام: أَعْظَمُ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا. (7) هـ \_ شَرُّ الْفِتَنِ الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَرُّ الْفِتَنِ مَحَبَّةُ الدُّنْيَا. (8).

- 
- 1- غرر الحكم: ح 2669، عيون الحكم والمواعظ: ص 96 ح 2220.
  - 2- ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص 22 ح 33 عن وهيب المكي، الزهد لابن حنبل: ص 117 عن سفيان، شعب الإيمان: ج 7 ص 323 ح 10458 عن سفيان بن سعيد وكلاهما نحوه؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 129، بحار الأنوار: ج 14 ص 327 ح 49.
  - 3- الكافي: ج 8 ص 58 ح 21 عن سليم بن قيس الهلالي، نهج البلاغة: الخطبة 50، كتاب سليم بن قيس: ج 2 ص 719 ح 18، بحار الأنوار: ج 2 ص 290 ح 8.
  - 4- الكافي: ج 2 ص 135 ح 21 عن ابن أبي يعفور، قصص الأنبياء: ص 163 ح 184 عن أبي يعقوب وفيه «بذرها» بدل «بدؤها»، بحار الأنوار: ج 73 ص 73 ح 37.
  - 5- الفردوس: ج 1 ص 364 ح 1468 عن ابن مسعود، كنز العمال: ج 3 ص 184 ح 6074.
  - 6- الفردوس: ج 2 ص 248 ح 3167 عن محمد بن عجلان، كنز العمال: ج 3 ص 202 ح 6171.
  - 7- غرر الحكم: ح 2999، عيون الحكم والمواعظ: ص 118 ح 2661.
  - 8- غرر الحكم: ح 5747، عيون الحكم والمواعظ: ص 295 ح 5290.

**ج\_ آغاز هر فتنه****د\_ بزرگ ترین گناه کبیره****ه\_ بدترین فتنه**

امام علی علیه السلام: از دنیادوستی بپرهیز؛ چرا که ریشه هر خطا و معدن هر بلایی است. عیسی علیه السلام: بدانید که ریشه هر خطایی، دنیادوستی است. ج\_ آغاز هر فتنه امام علی علیه السلام: سرآغاز پیدایش فتنه ها، در حقیقت، پیروی از هوس ها و بدعت نهادن در احکام است. امام صادق علیه السلام: در نجواهای خداوند با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی!... بدان که هر فتنه ای، آغازش دنیادوستی است.» د\_ بزرگ ترین گناه کبیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بزرگ ترین گناه کبیره، دنیادوستی است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گناه بزرگی که مردم درباره آن از خداوند طلب مغفرت نمی کنند، دنیادوستی است. امام علی علیه السلام: بزرگ ترین خطاها، دنیادوستی است. ه\_ بدترین فتنه امام علی علیه السلام: بدترین فتنه ها [و گرفتاری ها]، حبّ دنیاست.

عنه عليه السلام: الوَلَةُ (1) بِالْذُّنْيَا أَعْظَمُ فِتْنَةٍ. (2) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ. (3) وَ- شَرُّ الْمِحَنِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَرُّ الْمِحَنِ حُبُّ الدُّنْيَا. (4) ز- رَأْسُ الْأَفَاتِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَأْسُ الْأَفَاتِ الْوَلَةُ بِالْذُّنْيَا. (5) ح- لا- يَجْتَمِعُ مَعَ حُبِّ اللَّهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا. (6) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى أَخِي عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَيْسَى، لَا تُحِبِّ الدُّنْيَا فَإِنِّي لَسْتُ أَحِبُّهَا، وَأَحِبُّ الْآخِرَةَ فَإِنَّمَا هِيَ دَارُ الْمَعَادِ. (7) الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ، كَذَلِكَ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ. (8) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ- فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: . . . يَا أَحْمَدُ، لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَصَامَ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ،

وَطَوَى (9) مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ، وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي، ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سَمِعَتْهَا أَوْ رِيَّاسَتَهَا أَوْ حَلِيَّتَهَا أَوْ زِينَتَهَا، لَا يُجَاوِزُنِي فِي دَارِي، وَلَا عَزَزَعَنِّي مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي، وَعَلَيْكَ سَلَامِي وَمَحَبَّتِي. (10).

- 
- 1- الوَلَةُ: ذَهَابُ الْعَقْلِ وَالتَّحْيِيرُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجْدِ (النهاية: ج 5 ص 227 «وله»).
  - 2- غرر الحكم: ح 1210، عيون الحكم والمواعظ: ص 120 ح 2734 وفيه «المصائب» بدل «فتنة».
  - 3- غرر الحكم: ح 4870، عيون الحكم والمواعظ: ص 231 ح 4424 وفيه «رأس» بدل «أصل».
  - 4- غرر الحكم: ح 5721، عيون الحكم والمواعظ: ص 293 ح 5222.
  - 5- غرر الحكم: ح 5264، عيون الحكم والمواعظ: ص 264 ح 4796 وفيه «بالذات» بدل «بالدنيا».
  - 6- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 122.
  - 7- الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ: ص 531 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 368 ح 2661، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 56 كُلُّهَا عَنْ أَبِي ذَرٍّ، بحار الأنوار: ج 77 ص 80 ح 3.
  - 8- غرر الحكم: ح 7219، عيون الحكم والمواعظ: ص 397 ح 6720.
  - 9- رَجُلٌ طَيَّانٌ: لَمْ يَأْكُلْ شَيْئًا؛ طَوَى- كَرَضِي- طَوَى. فَإِنْ تَعَمَّدَ ذَلِكَ فَطَوَى- كَرَمَى- (القاموس المحيط: ج 4 ص 358 «طوى»).
  - 10- إرشاد القلوب: ص 199- 206، بحار الأنوار: ج 77 ص 30 ح 6.

**و \_ بدترین رنج****ز \_ منشأ آفت ها****ح \_ دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی شود**

امام علی علیه السلام: شیفتگی به دنیا، بزرگ ترین فتنه است. امام علی علیه السلام: دنیادوستی، منشأ فتنه ها و ریشه رنج هاست. و \_ بدترین رنج امام علی علیه السلام: بدترین رنج ها، دنیادوستی است. ز \_ منشأ آفت ها امام علی علیه السلام: منشأ همه آفت ها، عشق به دنیا است. ح \_ دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیادوستی و خدادوستی، هرگز در یک دل نمی گنجند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال به برادرم عیسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! دنیا را دوست مدار؛ زیرا من آن را دوست نمی دارم. و آخرت را دوست مدار؛ زیرا آن جا بازگشت گاه است». امام علی علیه السلام: چنان که خورشید و شب با هم جمع نمی شوند، خدادوستی و دنیادوستی نیز با هم جمع نمی شوند. امام علی علیه السلام \_ در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله \_ : خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! اگر بنده به اندازه نمازهای اهل آسمان و زمین نماز بخواند، و به اندازه روزه های اهل آسمان و زمین روزه بگیرد، و چون فرشتگان غذا نخورد، و مانند برهنگان جامه بپوشد، اما در دل او ذره ای حبّ دنیا یا شهرت آن یا ریاست آن یا زر و زیور آن بینم، هرگز در خانه ام به جوار من در

نخواهد آمد، و محبت خود را از دل او برخواهم کند. سلام و محبت من، بر تو باد!

عنه عليه السلام: إن كنتم تُحِبُّونَ اللَّهَ فَأَخْرِجُوا مِنْ قُلُوبِكُمْ حُبَّ الدُّنْيَا. (1) عنه عليه السلام: كَيْفَ يَدَّعِي حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبَهُ حُبَّ الدُّنْيَا؟! (2) الإمام الصادق عليه السلام: وَاللَّهِ، مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا. (3) عيسى عليه السلام: فِي مَوَاعِظِهِ: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَخْدُمَ رَبَّيْنِ، وَلَا مَحَالَةَ أَنَّهُ يُؤَثِّرُ أَحَدَهُمَا عَلَى الْآخَرِ وَإِنْ جَهَدَ، كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ لَكُمْ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا. (4) ط \_ لَا يَجْتَمِعُ مَعَ حُبِّ الْآخِرَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ، وَفِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا بِالدُّنْيَا، فَأَضِرُّوا بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ. (5).

1- غرر الحكم: ح 3747، عيون الحكم والمواعظ: ص 163 ح 3474.

2- غرر الحكم: ح 7002، عيون الحكم والمواعظ: ص 383 ح 6474.

3- الكافي: ج 8 ص 129 ح 98 عن حفص بن غياث، تحف العقول: ص 357، بحار الأنوار: ج 75 ص 226 ح 95.

4- تحف العقول: ص 503، بحار الأنوار: ج 14 ص 307 ح 17.

5- الكافي: ج 2 ص 131 ح 12 عن ابن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 209 ح 569، تنبيه الخواطر: ج 2

ص 192 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «أحق» بدل «أولى»، بحار الأنوار: ج 73 ص 61 ح 30

وراجع المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 529 ح 8487 وكنز العمال: ج 3 ص 725 ح 8582.

**ط \_ دنیا دوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود**

امام علی علیه السلام: اگر به راستی ، خدا را دوست می دارید ، دوستی دنیا را از دل هایتان بیرون کنید. امام علی علیه السلام: کسی که دوستی دنیا در دلش خانه کرده است ، چگونه ادعای دوستی خدا می کند؟! امام صادق علیه السلام: سوگند به خدا کسی که دنیا را دوست دارد ، خدا را دوست ندارد. عیسی علیه السلام \_ در اندرزهایش \_ : به حق به شما می گویم: بنده نمی تواند دو خواجه را خدمت کند و هر چه بکوشد، به ناچار ، یکی از آن دو را بر دیگری بر می گزیند . خدادوستی و دنیا دوستی نیز با هم جمع نمی شوند. ط \_ دنیا دوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا طلبی به آخرت زیان می زند و آخرت طلبی به دنیا لطمه می زند. شما به دنیا زیان بزنید که آن به زیان زند ، سزاوارتر است.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضَرَّ بِآخِرَتِهِ، وَمَنْ أَحَبَّ آخِرَتَهُ أَضَرَّ بِدُنْيَاهُ، فَأَثَرُوا (1) مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى . (2) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ، وَمَا آتَى اللّهُ عَبْدًا عِلْمًا فَازْدَادَ لِلدُّنْيَا حُبًّا إِلَّا أَزْدَادَ مِنَ اللّهِ تَعَالَى بَعْدًا، وَأَزْدَادَ اللّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ غَضَبًا. (3) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ وَسُرَّ بِهَا ذَهَبَ خَوْفُ الآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ . (4) عيسى عليه السلام \_ في مواعظه \_ بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ : مَنْ لَا يُنْقِي مِنْ زَرْعِهِ الْحَشِيشَ يَكْثُرُ فِيهِ حَتَّى يَغْمُرَهُ فَيَفْسِدَهُ، وَكَذَلِكَ مَنْ لَا يُخْرِجُ مِنْ قَلْبِهِ حُبَّ الدُّنْيَا يَغْمُرُهُ حَتَّى لَا يَجِدَ لِحُبِّ الآخِرَةِ طَعْمًا . (5) عنه عليه السلام : لا- يَسْتَقِيمُ حُبُّ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ، كَمَا لَا يَسْتَقِيمُ الْمَاءُ وَالنَّارُ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ . (6) الإمام علي عليه السلام : طَالِبُ الدُّنْيَا تَقْوَةُ الآخِرَةِ وَيُدْرِكُهُ الْمَوْتُ حَتَّى يَأْخُذَهُ بَغْتَةً، وَلَا يُدْرِكُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُسِمَ لَهُ . (7) .

- 1- أثرته : فضّلته (المصباح المنير : ص 4 «أثر»).
- 2- مسند ابن حنبل : ج 7 ص 165 ح 19717 و 19718 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 343 ح 7853 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 517 ح 6516 ، موارد الظمان : ص 612 ح 2473 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 259 ح 418 كلّها عن أبي موسى الأشعري ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 128 ، مجمع البيان : ج 10 ص 722 نحوه وراجع كنز الفوائد : ج 1 ص 61 وأعلام الدين : ص 173 وبحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .
- 3- النوادر للراوندي : ص 157 ح 229 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 399 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، الاختصاص : ص 243 عن الإمام الصادق عليه السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 82 عنهم عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و آله وكلّهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 36 ح 39 .
- 4- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 179 ، المحجّة البيضاء : ج 6 ص 96 .
- 5- تحف العقول : ص 509 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 312 ح 17 .
- 6- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 ، التمهيص : ص 5 عنهم عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 327 ح 51 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 301 .
- 7- غرر الحكم : ح 6015 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 317 ح 5522 وفيه «بعنقه» بدل «بغته» .



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیایش را دوست بدارد، به آخرت خود زیان می رساند، و هر که آخرتش را دوست بدارد، به دنیای خویش زیان می زند. پس، شما آنچه را ماندگار است، بر آنچه فناپذیر است، ترجیح دهید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیا را دوست بدارد، هراس آخرت از دلش می رود. خداوند به هیچ بنده ای علمی نداد و آن علم بر دنیادوستی او نیفزود، مگر آن که از خداوند متعال دورتر شد، و خشم خداوند متعال بر او فزونی گرفت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیایش را دوست بدارد و بدان شادمان گردد، ترس آخرت از دلش می رود.

عیسی علیه السلام \_ در اندرزهایش \_ : به حق به شما می گویم: هر که زراعتش را از علف های هرز پاك نکند، علف هایش بسیار می گردد، چندان که همه زراعت را فرا می گیرد و تباهش می کند. همچنین کسی که دنیادوستی را از دلش بیرون نکند، همه دلش را فرا می گیرد تا جایی که دیگر مزه آخرت دوستی را نچشد.

عیسی علیه السلام: دوستی دنیا و آخرت، در دل هیچ مؤمنی نمی گنجند، چنان که آب و آتش در يك ظرف نمی گنجند.

امام علی علیه السلام: جوینده دنیا، آخرت را از دست می دهد و مرگ، او را در می رسد و ناگهان او را فرو می گیرد، و از دنیا جز به آنچه قسمت اوست، نمی رسد.

عنه عليه السلام: ما ظَفِرَ بِالْآخِرَةِ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا مَطْلَبَهُ . (1)

عنه عليه السلام: مَنْ مَلَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا ، فَاتَهُ مِنَ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ مِمَّا مَلَكَ . (2)

عنه عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِي زَخَارِفِ الدُّنْيَا ، فَاتَهُ الْبَقَاءُ الْمَطْلُوبُ . (3)

عنه عليه السلام: طَلَبَ الْجَمْعِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ خِدَاعِ النَّفْسِ . (4)

عنه عليه السلام: بِإِثَارِ حُبِّ الْعَاجِلَةِ صَارَ مَنْ صَارَ إِلَى سُوءِ الْآجِلَةِ . (5)

عنه عليه السلام: لَا تَجْتَمِعُ الْآخِرَةُ وَالْدُّنْيَا . (6)

عنه عليه السلام: لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ مَعَ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا . (7)

عنه عليه السلام: كَيْفَ يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا! (8)

راجع: ص 374 (التحذير من لذات الدنيا / حلاوتها مرارة الآخرة)

وص 376 (التحذير من لذات الدنيا / ثروتها فقر الآخرة) ،

ج 2 ص 358 (ما يخرب الآخرة) .

3 / 5 الْحَثُّ عَلَى بُغْضِ الدُّنْيَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ ، مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنَ الدُّنْيَا ؛ خَلَقَهَا ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا ، وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ . (9)

1- .غزر الحكم: ح 9558 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 477 ح 8748 .

2- .غزر الحكم: ح 8908 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 434 ح 7501 .

3- .غزر الحكم: ح 8801 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 436 ح 7541 وفيه «التقاء» بدل «البقاء» .

4- .غزر الحكم: ح 5995 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 317 ح 5533 .

5- .غزر الحكم: ح 4314 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 188 ح 3878 .

6- .غزر الحكم: ح 10575 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 533 ح 9728 .

7- .غزر الحكم: ح 10829 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 542 ح 10069 .

8- .غزر الحكم: ح 6976 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 383 ح 6461 .

9- .الأمالى للطوسى: ص 531 ح 1162 ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 368 ح 2661 ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 56 ، أعلام الدين: ص

194 كَلِّهَا عَنْ أَبِي ذَرٍّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 80 ح 3 .

## 3 / 5 تشویق به نفرت از دنیا

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا مطلوب او باشد، به آخرت دست نمی یابد.

امام علی علیه السلام: هر کس چیزی از دنیا را به دست آورد، بیشتر از آنچه به دست آورده، از آخرت از دست می دهد.

امام علی علیه السلام: هر کس خواهان تجملات دنیا باشد، زندگی جاویدان مطلوب را از دست می دهد.

امام علی علیه السلام: خواهان جمع میان دنیا [ی نکوهیده] و آخرت بودن، از نیرنگ های نفس است.

امام علی علیه السلام: با برگزیدن دوستی دنیا است که آدمیان به سوء عاقبت، گرفتار می شوند.

امام علی علیه السلام: آخرت و دنیا [ی نکوهیده]، با هم جمع نمی شوند.

امام علی علیه السلام: با وجود دنیاخواهی، کار برای آخرت، سودی نمی بخشد.

امام علی علیه السلام: کسی که سرگرم دنیا است، چگونه برای آخرت کار کند!؟

ر. ک: ص 375 (برحذر داشتن از لذت های دنیا / شیرینی دنیا، تلخی آخرت است)

و 377 (برحذر داشتن از لذت های دنیا / ثروت دنیا، فقر آخرت است)،

ج 2 و ص 359 (آنچه آخرت را ویران می کند).

3 / 5 تشویق به نفرت از دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در سفارشش به ابو ذر \_ ای ابو ذر! هیچ چیز در نزد خدا منفورتر از دنیا

نیست. خداوند، دنیا را آفرید، سپس از آن روی گرداند و بدان ننگریست و تا قیام قیامت هم به آن نمی نگرد.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْآخِرَةَ وَيُبْغِضُ الدُّنْيَا، فَأَحِبُّوا مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَأَبْغِضُوا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ، وَلَا تَعْتَرُوا بِالرَّائِدَةِ عَنْ أَهْلِهَا، وَاعْمَلُوا لِلْبَاقِيَةِ؛ تَدْرِكُوا ثَوَابَ الْآخِرَةِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَابْغِضِ الدُّنْيَا، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ النَّاسُ فَمَا كَانَ عِنْدَكَ مِنْ فَضُولِهَا فَانْبِذْهُ إِلَيْهِمْ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً... وَالتَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا. (3)

الإمام عليّ عليه السلام - في ذكر حديث معراج النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قَالَ اللَّهُ... يَا أَحْمَدُ ابْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَأَحِبِّ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا. (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا. (5)

بحار الأنوار: قِيلَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَّمْنَا عَمَلًا وَاحِدًا يُحِبُّنَا اللَّهُ عَلَيْهِ. قَالَ: ابْغِضُوا الدُّنْيَا يُحِبِّكُمْ اللَّهُ. (6)

راجع: ص 326 (تقويم الدنيا / ما نظر الله إليها منذ خلقها).

1- الفردوس: ج 1 ص 167 ح 619 عن أبي هريرة.

2- تاريخ بغداد: ج 7 ص 270 ح 3754، البداية والنهاية: ج 10 ص 137 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن ربيعي بن خراش، كنز العمال: ج 3 ص 182 ح 6067 وراجع حلية الأولياء: ج 8 ص 41.

3- الخصال: ص 515 ح 1 عن أبي سعيد الخدري، روضة الواعظين: ص 298، مشكاة الأنوار: ص 153 ح 376.

4- إرشاد القلوب: ص 201، الجواهر السنّية: ص 194، بحار الأنوار: ج 77 ص 23 ح 6.

5- الكافي: ج 2 ص 130 ح 11 عن الزهري محمد بن مسلم بن شهاب، مشكاة الأنوار: ص 465 ح 1555، بحار الأنوار: ج 73 ص 19 ح 9.

6- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 134، بحار الأنوار: ج 14 ص 328 ح 55؛ شرح نهج البلاغة: ج 19 ص 288 وفيه «قيل لحكيم...».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند آخرت را دوست، و دنیا را دشمن می دارد. پس، شما نیز آنچه را خدا دوست دارد، دوست بدارید و آنچه را دشمن می دارد، دشمن بدارید، و فریب چیزی را که از اهلش جدا می شود، نخورید، و برای آنچه ماندنی است، کار کنید تا به پاداش آخرت دست یابید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خواستی که خدا تو را دوست بدارد، دنیا را دشمن بدار، و هر گاه خواستی که مردم تو را دوست بدارند، زیادی های دنیا را که نزد توست، پیش آنان بینداز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: محبت نسبت به اهل بیت من، بیست فایده دارد: . . . . نهم: بیزاری از دنیا.

امام علی علیه السلام \_ در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله \_ : خداوند فرمود: «... ای احمد! دنیا و دنیاخواهان را دشمن بدار، و آخرت و آخرتگرایان را دوست بدار».

امام زین العابدین علیه السلام: بعد از شناخت خداوند و شناخت پیامبر او، هیچ کاری برتر از بیزاری از دنیا نیست.

بحار الأنوار: به عیسی علیه السلام گفته شد: يك کار به ما بیاموز که به سبب آن، خداوند ما را دوست بدارد. فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خدا دوستتان بدارد».

ر . ك : ص 327 (ارزیابی دنیا / خداوند از زمانی که دنیا را آفرید، به آن ننگریست).

الفصل الرابع : مضارَّ حبِّ الدُّنيا 4 / 1 حِجَابُ الْقَلْبِ الْكِتَابُ «كَلَّا- بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ \* كَلَّا- إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّحْجُوبُونَ» . (1)

الحديثُ للإمام الكاظم عليه السلام : أوحى اللهُ تعالى إلى داوودَ عليه السلام : يا داوودُ ، حَذَّرْ وَأَنْذِرْ أَصْحَابَكَ عَنْ حُبِّ الشَّهَوَاتِ ، فَإِنَّ الْمُعَلَّقَةَ قُلُوبُهُمْ بِشَهَوَاتِ الدُّنْيَا قُلُوبُهُمْ مَحْجُوبَةٌ عَنِّي . (2)

تنبيه الخواطر عن عبد الله بن سلام : يَقُولُ اللهُ فِي التَّوْرَةِ: إِنَّ الْقُلُوبَ الْمُتَعَلِّقَةَ بِحُبِّ الدُّنْيَا مَحْجُوبَةُ الْعُقُولِ عَنِّي . (3)

الاختصاص : قَالَ اللهُ لِدَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا دَاوُودُ ، احْذَرِ الْقُلُوبَ الْمُعَلَّقَةَ بِشَهَوَاتِ الدُّنْيَا ، [فَإِنَّ] (4) عُقُولَهَا مَحْجُوبَةٌ عَنِّي . (5)

1- .المطّفقين : 14 و 15 .

2- .تحف العقول : ص 397 ، التحصين لابن فهد : ص 6 ح 3 نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 313 ح 1 .

3- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 229 عن كعب .

4- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

5- .الاختصاص : ص 335 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 39 ح 19 ؛ الدرّ المنثور : ج 5 ص 526 عن ابن الأشعث سنحوه .

## فصل چهارم: زیان های دنیادوستی

### 1 / 4 حجاب دل

فصل چهارم: زیان های دنیادوستی 1 / 4 حجاب دلقرآن «البته چنین نیست؛ بلکه آنچه آنان مرتکب می شدند، بر دل هایشان زنگار بسته است. زهی پندار، که آنان در آن روز، از پروردگارشان سخت در حجاب اند.»

حدیثامام کاظم علیه السلام: خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی کرد: «ای داوود! یارانت را از دوستی هوس ها بر حذر بدار و به آنان هشدار بده؛ زیرا آنان که به خواست های دنیوی دل بسته اند، دل هایشان از من در حجاب است.»

تنبيه الخواطر \_ به نقل از عبد الله بن سلام \_ : خداوند در تورات می فرماید: «دل های در گرو دوستی دنیا، خردهایشان از [درك] من در حجاب اند.»

الاختصاص: خداوند به داوود علیه السلام فرمود: «ای داوود! از دل های آویخته به خواست های دنیوی بپرهیز؛ زیرا خردهای آنها از [درك] من در حجاب اند.»



4 / 2 عَمَى الْقَلْبِ الْكِتَابُ «أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشًّا فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَدَّكَّرُونَ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ يَرَعِبُ فِي الدُّنْيَا فَطَالَ فِيهَا أَمَلُهُ ، أَعَمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدْرِ رَغْبَتِهِ فِيهَا . (2)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ غَلَبَتِ الدُّنْيَا عَلَيْهِ ، عَمِيَ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ . (3)

عنه عليه السلام: مَنْ قَصَرَ نَظْرُهُ عَلَى أَبْنَاءِ الدُّنْيَا ، عَمِيَ عَنِ سَبِيلِ الْهُدَى . (4)

عنه عليه السلام \_ فِي ذَمِّ الدُّنْيَا \_ : مَنْ رَافَهُ زَبْرُجُهَا أَعَقَبَتْ نَازِرِيهِ كَمَهَا (5) . (6)

عنه عليه السلام : أَرْفُضِ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمِي وَيُصِمُّ وَيُبْكِمُ وَيُذِلُّ الرِّقَابَ ، فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَلَا تَقُلُّ : غَدَا أَوْ بَعْدَ غَدٍ ؛ فَإِنَّمَا هَلَاكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالْتِسْوِيفِ ، حَتَّى آتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَغْتَةً وَهُمْ غَافِلُونَ ، فَتَقْلُوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَى قُبُورِهِمْ الْمُظْلِمَةَ الضَّيِّقَةَ ، وَقَدْ أَسْلَمَهُمُ الْأَوْلَادُ وَالْأَهْلُونَ . فَانْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ مِنْ رَفْضِ الدُّنْيَا ، وَعَزْمٍ لَيْسَ فِيهِ انْكِسَارٌ وَلَا انْخِرَالٌ (7) . (8)

1- .النمل : 4 .

2- .تحف العقول : ص 60 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 عن أنس ، تيسير المطالب : ص 365 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ؛ تاريخ أصبهان : ج 1 ص 162 ح 144 عن ابن عباس وفيه «رغبته» بدل «أمله» ، كنز العمال : ج 3 ص 209 ح 6194 نقلاً عن أبي عبد الرحمن السلمي في كتاب المواعظ .

3- .غرر الحكم : ح 8856 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 457 ح 8281 .

4- .غرر الحكم : ح 8870 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 458 ح 8295 وليس فيه «أبناء» .

5- .الكَمَّة : العمى (النهاية : ج 4 ص 201 «كمه») .

6- .نهج البلاغة : الحكمة 367 ، تحف العقول : ص 221 وفيه «رواؤها» بدل «زبرجها» ، غرر الحكم : ح 8786 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 .

7- .الانْخِرَالُ : مُشْبِهُةٌ فِيهَا تَثَاقُلُ (القاموس المحيط : ج 3 ص 367 «خزل») .

8- .الكافي : ج 2 ص 136 ح 23 عن أبي جميلة عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص 466 ح 1556 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 75 ح 39 .

## 4 / 2 کوردلی

2 / 4 کوردلیقرآن «پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گم راه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟! آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به دنیا علاقه مند باشد و آرزوهای دور و دراز در آن داشته باشد، خداوند به اندازه علاقه اش به دنیا، دل او را کور می گرداند.

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا بر او چیره گردد، از دیدن آنچه پیش روی اوست، کور می شود.

امام علی علیه السلام: هر که نگاه کردنش را به دنیا طلبان محدود کند، از [دیدن] راه درست، کور می شود.

امام علی علیه السلام \_ در نکوهش دنیا \_ : آن که تجملات پوچ دنیا خیره اش سازد، دنیا دو دیده اش را کور می گرداند.

امام علی علیه السلام: دنیا را رها کن؛ چرا که دنیا دوستی، کور و کر و لال و زبون می کند. و باقی مانده عمرت را دریاب و مگو: فردا و پس فردا؛ زیرا آنان که پیش از تو بودند، از آن روی به هلاکت در افتادند که به آرزوها و امروز و فردا کردن تکیه نمودند، تا آن که فرمان خدا (مرگ)، ناگهان و بی خبر برایشان در رسید، و بر تابوت هایشان به سوی گورهای تنگ و تاریکشان برده شدند و فرزندان و خانواده شان آنها را تنها گذاشتند. پس، با دلی توبه کننده و دست از دنیا شسته و عزمی استوار، به خدا رو کن.

عنه عليه السلام: لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الأَسْمَاعُ عَنِ سَمَاعِ الحِكْمَةِ ، وَعَمِيَّتِ القُلُوبُ عَنِ نُورِ البَصِيرَةِ . (1)

عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الآمَالِ ، وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ الأَمَانِيِّ ، أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا ، وَأَلْبَسَتْهُ عَمِيًّا ، وَقَطَعَتْهُ عَنِ الأُخْرَى ، وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى . (2)

راجع : ج 2 ص 102 (فراغ القلب) .

4 / 3 فسادُ العَقْلِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله : أَنْتُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ مَا لَمْ يَظْهَرَ مِنْكُمْ سَكْرَتَانِ : سَكْرَةُ الجَهْلِ ، وَسَكْرَةُ حُبِّ الدُّنْيَا . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : أَنْتُمْ اليَوْمَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ ، تَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ الله ، ثُمَّ تَظْهَرُ فِيكُمْ السَّكْرَتَانِ : سَكْرَةُ الجَهْلِ ، وَسَكْرَةُ حُبِّ العَيْشِ ، وَسَتَحْوِلُونَ عَنِ ذَلِكَ ؛ فَلَا تَأْمُرُونَ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تَنْهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ ... (4)

1- . غرر الحكم : ح 7363 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 404 ح 6841 .

2- . غرر الحكم : ح 3532 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 152 ح 3337 .

3- . ربيع الأبرار : ج 1 ص 618 عن معاذ بن جبل وراجع حلية الأولياء : ج 8 ص 48 وكنز العمال : ج 3 ص 66 ح 5519 .

4- . حلية الأولياء : ج 8 ص 49 عن أنس ، كنز العمال : ج 1 ص 214 ح 1070 .

**4 / 3 تباهی خرد**

امام علی علیه السلام: از دنیادوستی است که گوش ها از شنیدن حکمت ، کرگشته و دل ها از [دیدن] نور بینش ، کور شده اند.

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا او را با آرزوهای دست نیافتنی بفریبد و با امیدهای دروغین گولش زند، برایش کوری به ارث می نهد و بر او نابینایی می پوشاند، و از آخرت بریده اش می گرداند و او را به آبشخورهای هلاکت در می آورد.

ر . ك : ج 2 ص 103 (خالی شدن دل از اغیار) .

4 / 3 تباهی خرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تا زمانی که دو مستی در شما پدید نیاید ، پیوسته در مسیر درست هستید : مستی نادانی و مستی دنیادوستی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شما امروز در راه روشن پروردگارتان هستید . امر به معروف و نهی از منکر می کنید و در راه خدا به جهاد می پردازید ؛ اما پس از آن ، دو مستی در شما پدید می آید: مستی نادانی و مستی عشق به زندگی . پس ، تغییر می کنید و دیگر نه امر به معروف می کنید و نه نهی از منکر . . . .

الإمام علي عليه السلام: سَبَبُ فَسَادِ الْعَقْلِ حُبُّ الدُّنْيَا. (1)

عنه عليه السلام: زَخَارِفُ الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْعُقُولَ الضَّعِيفَةَ. (2)

عنه عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ ، وَيُصِمُّ الْقَلْبَ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ ، وَيُوجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ. (3)

عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَصْرَعُ الْعُقُولِ. (4)

راجع: ج 2 ص 98 (كمال المعرفة / حفظ العقل).

4 / 4 فَسَادُ النَّفْسِ - الْعَفَلَةُ رسول الله صلى الله عليه وآله: ما لي أرى حُبَّ الدُّنْيَا قَدْ غَلَبَ عَلَى كَثِيرٍ مِنَ النَّاسِ حَتَّى كَأَنَّ الْمَوْتَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ كُتِبَ! وَكَأَنَّ الْحَقَّ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ وَجَبَ! وَحَتَّى كَأَنَّ لَمْ يَسْمَعُوا وَيَرَوْا مِنْ خَبَرِ الْأَمْوَاتِ قَبْلَهُمْ! سَبِيلُهُمْ سَبِيلُ قَوْمٍ سَفَرِ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْهِمْ رَاجِعُونَ ، يُبِئْتُهُمْ أَجْدَانُهُمْ ، وَيَأْكُلُونَ تَرَائِمَهُمْ (5) ، فَيَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُخَلَّدُونَ بَعْدَهُمْ ، هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! أَمَا يَتَّعِظُ آخِرُهُمْ بِأَوْلِيهِمْ؟ لَقَدْ جَهَلُوا وَنَسُوا كُلَّ وَاعِظٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ، وَأَمِنُوا شَرَّ كُلِّ عَاقِبَةٍ سَوْءٍ ، وَلَمْ يَخَافُوا نُزُولَ فَادِحَةٍ وَبَوَائِقِ (6) حَادِثَةٍ. (7)

1- غرر الحكم: ح 5543 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 281 ح 5056 .

2- غرر الحكم: ح 5494 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 275 ح 5003 .

3- غرر الحكم: ح 4878 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 231 ح 4421 وفيه «ويصم» بدل «ويهم» .

4- غرر الحكم: ح 921 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 35 ح 704 .

5- التُّرَاثُ: أَصْلُ التَّاءِ فِيهِ وَاو . تَقُولُ: وَرِثْتُ أَبِي ، وَوَرِثْتُ الشَّيْءَ مِنْ أَبِي (الصَّحَاحُ: ج 1 ص 295 «ورث»).

6- البَوَائِقُ: الْغَوَائِلُ وَالشَّرُورُ (النَّهَائِيَّةُ: ج 1 ص 162 «بوق»).

7- الكافي: ج 8 ص 168 ح 190 عن جابر بن عبد الله ، تحف العقول: ص 29 نحوه ، بحار الأنوار: ج 77 ص 132 ح 42 ؛ نوادر

الأصول: ج 1 ص 152 عن أنس نحوه ، كنز العمال: ج 16 ص 142 ح 44175 نقلاً عن ابن عساکر .

## الف \_ غفلت

امام علی علیه السلام: عَلت تباهی خرد، دنیا دوستی است.

امام علی علیه السلام: زیب و زر دنیا، خردهای ناتوان را تباه می گرداند.

امام علی علیه السلام: دنیا دوستی، خرد را تباه می کند، گوش را از نیوشیدن حکمت، کر می سازد، و موجب عذاب دردناک می گردد.

امام علی علیه السلام: دنیا، قتلگاه خردهاست.

ر. ک: ج 2 ص 99 (کمال یافتن شناخت / نگهداری خرد).

4 / 4 تباهی جانالف \_ غفلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه شده است که می بینم دنیا دوستی بر بسیاری از مردم، چیره آمده است، چندان که گویی مرگ در این دنیا برای دیگران رقم خورده، و انگار حق (وظیفه) در این دنیا بر غیر آنان واجب گشته است، و گویی از خبر مردگان پیش از خود، چیزی نشنیده و ندیده اند؟! راهشان راه گروهی مسافر است و به زودی به سوی آنان باز می گردند؛ آنان که به خانه های گور خویش رفته اند، و اینان میراث خوارشان شده اند، و می پندارند که پس از آنان جاودانه خواهند زیست. هیهات، هیهات! آیا آخرینشان از اولینشان پند نمی گیرند؟ سخنان پندآموز کتاب خدا را نفهمیدند و آنها را به فراموشی سپردند، و خویشان را از گزند هر بدفرجامی ای در امان پنداشتند، و از فرود آمدن هیچ گونه مصیبت و رویداد مهلکی نهراسیدند.

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ: يَا بَنِيَّ . . . لَا تَكُنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ شَاةٍ وَقَعَتْ فِي زَرْعٍ أَخْصَرَ فَأَكَلَتْ حَتَّى سَمِنَتْ (1)، فَكَانَ حَتْفُهَا عِنْدَ سَمَنِهَا . (2)

ب \_ الحِرْصِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا التَّاطَ (3) مِنْهَا بِثَلَاثٍ: شَقَاءٌ لَا يَنْفَدُ عَنْهُ، وَحِرْصٌ لَا يَبْلُغُ غِنَاهُ، وَأَمَلٌ لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ . (4)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثٍ: هَمٌّ لَا يُغْبِيهِ (5)، وَحِرْصٌ لَا يَتْرُكُهُ، وَأَمَلٌ لَا يُدْرِكُهُ . (6)

1- في الكافي: «سمن»، والتصويب من بحار الأنوار .

2- الكافي: ج 2 ص 134 ح 20، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 194 كلاهما عن يحيى بن عقبة الأزدي، بحار الأنوار: ج 73 ص 69 ح 36

3- التاط: لصق (النهاية: ج 4 ص 277 «لوط»).

4- المعجم الكبير: ج 1 ص 163 ح 10328، حلية الأولياء: ج 8 ص 120 وليس فيه «عنا» وكلاهما عن عبد الله بن مسعود، تنبيه الغافلين: ص 243 ح 317 عن أبي عبيدة الأسدي نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 224 ح 6266 .

5- أَعْبَيْتُ الْقَوْمَ وَعَبَيْتُ عَنْهُمْ: إِذَا جُنْتُ يَوْمًا وَتَرَكْتَ يَوْمًا . وَفُلَانٌ لَا يُغْبِيْنَا عَطَاؤُهُ: أَي لَا يَأْتِينَا يَوْمًا دُونَ يَوْمٍ؛ بَلْ يَأْتِينَا كُلَّ يَوْمٍ (الصحاح: ج 1 ص 190 و 191 «غيب»). فالمعنى: هَمٌّ لَا يَفَارِقُهُ .

6- نهج البلاغة: الحكمة 228، غرر الحكم: ح 8741 وفيه «لا يغنيه» بدل «لا يُغْبِيهِ»، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص 103 وفيه «رجاء لا يناله» بدل «حرص لا يتركه»، بحار الأنوار: ج 73 ص 130 ح 135 .

## ب - آزمندی

امام صادق علیه السلام: از اندرزه‌های لقمان به فرزندش این بود که: «فرزندم!... در این دنیا به سان گوسفندی مباش که در سبزه زاری افتاده و چندان چریده که پروار گشته است و همان پرواری، مایه مرگ اوست».

ب - آزمندی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دلش مالا مال از عشق به دنیا شود، سه چیز همواره با اوست: مشقتی که رنج آن تمام نمی شود، حرصی که به بی نیازی نمی انجامد، و آرزویی که به پایان نمی رسد.

امام علی علیه السلام: آن که دلش غرق دنیادوستی شود، سه چیز از دنیا به دل او درمی آمیزد: اندوهی که دمی از او جدا نمی شود، حرصی که از او دست بر نمی دارد، و آرزویی که به آن نمی رسد.



عنه عليه السلام \_ من كتابٍ له إلى معاوية \_ :أما بعدُ ، فإنَّ الدنيا مشغلةٌ عن غيرها ، ولم يُصب صاحبُها منها شيئاً إلا فتحت له حرصاً عليها ولَهجاً (1) بها ، ولن يستغني صاحبُها بما نال فيها عمّا لم يبلغه منها ، ومن وراء ذلك فراقٌ ما جمَعَ ونقَضَ ما أبرم! ولو اعتبرت بما مضى حَفِظْتَ ما بقي ، والسَّلامُ . (2)

عنه عليه السلام \_ من كتابٍ له إلى عمرو بن العاص \_ :أما بعدُ ، فإنَّ الدنيا مشغلةٌ عن غيرها ، وصاحبُها مقهورٌ فيها ، لم يُصب منها شيئاً قطُّ إلا فتحت له حرصاً ، وأدخلت عليه مؤونةً تزيدهُ رغبةً فيها ، ولن يستغني صاحبُها بما نال عمّا لم يبلغه ، ومن وراء ذلك فراقٌ ما جمَعَ ، والسَّعيدُ من وعظ بغيره . فلا تحيط أجرك أبا عبد الله ، ولا تجارين معاوية في باطله ، فإنَّ معاوية غمَصَ (3) النَّاسَ وسَفِهَ الحَقَّ . (4)

راجع : ج 2 ص 102 (صلاح النفس) .

ج \_ الطَّمَعُ رسول الله صلى الله عليه وآله : حرامٌ على كُلِّ قلبٍ يُحبُّ الدنيا أن يفارقه الطَّمَعُ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : لا تزال نفسُ ابنِ آدمَ شابةً في طلبِ الدنيا ، وإن التفت ترُقوتاه من الكبر . (6)

- 1- . يلهج لهجا : إذا أغري به فتاير عليه (الصحاح : ج 1 ص 339 «لهج»).
- 2- . نهج البلاغة : الكتاب 49 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 36 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 483 ح 688 وراجع غرر الحكم : ح 3695 .
- 3- . غمَصَ النَّاسَ : احتقرهم (النهاية : ج 3 ص 386 «غمص»).
- 4- . وقعة صفين : ص 110 وراجع ص 498 وبحار الأنوار : ج 32 ص 402 ح 369 .
- 5- . تنبيه الخواطر : ج 2 ص 122 .
- 6- . كنز العمال : ج 3 ص 220 ح 6242 نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة .

## ج - طمع

امام علی علیه السلام \_ در نامه اش به معاویه \_ : اَمَا بَعْدَ ؛ دُنْيَا مَآيَه بَاز دَاشْتَن اَز غَيْر خُود (آخِرْت) اَسْت، وَ دُنْيَاخُوَاه ، بَه چِيزِي اَز اَن نَمِي رَسَد ، جَز اَن كَه دَرِي اَز اَزْمَنْدِي وَ شِيفْتِگِي بَه دُنْيَا بَر رُويش گِشُودَه مِي گَرَدَد، وَ بَا اَنچِه اَز دُنْيَا بَه دَسْت اُورَدَه ، اَز اَنچِه بَه دَسْت نِيَاورَدَه اَسْت ، هَرگِز اَحْسَاس بِي نِيَازِي نَمِي كَنَد، دَر حَالِي كَه سِرانجَام، بَايَد اَنچِه رَا گَرَد اُورَدَه اَسْت ، بَگِذَارَد وَ بَرُود وَ اَنچِه رَا رِشْتَه اَسْت ، پَنبِه كَنَد! وَ تُو اِگَر اَز اَنچِه گِذِشْتَه اَسْت ، پَنَد مِي گَرَفْتِي ، اَنچِه رَا مَانَدَه اَسْت ، پَاس مِي دَاشْتِي . بَدْرُود!

امام علی علیه السلام \_ در نامه اش به عمرو بن عاص \_ : اَمَا بَعْدَ ؛ دُنْيَا مَآيَه بَاز دَاشْتَن اَز غَيْر خُود (آخِرْت) اَسْت، وَ دُنْيَاپَرِسْت دَر اَن ، شَكِست خُورَدَه اَسْت. اُو هَرگِز بَه چِيزِي اَز دُنْيَا نَرَسِيد ، مَگَر اَن كَه دُنْيَا دَرِي اَز اَزْمَنْدِي رَا بَه رُويش گِشُود، وَ هَزِينَه اِي بَر اُو بَار كَرَد كَه مَوْجِب دُنْيَاخُوَاهِي بِيَشْتَر اُو شُد. دُنْيَا دَار ، هَر اَنْدَازَه اَز دُنْيَا بَه دَسْت اُورَد ، بَاز اُو رَا اَز اَنچِه بَه دَسْت نِيَاورَدَه اَسْت ، بِي نِيَاز نَمِي كَنَد، دَر حَالِي كَه سِرانجَام اُو ، جِدا شَدَن اَز چِيزِي اَسْت كَه گَرَد اُورَدَه اَسْت. خُوش بَخْت ، كَسِي اَسْت كَه اَز دِيگَران پَنَد گِيرَد. پَس، اِي اَبُو عِبْد اللّٰه ! اِجْر خُود رَا ضَايِع مَكْن، وَ بَا مَعَاوِيَه دَر رَاه بَاطَلش هَمْرَاهِي مَنْمَا؛ چِرا كَه مَعَاوِيَه مَرْدَم رَا خُوار مِي شَمَارَد وَ بَراي حَق ، اَرْزِشِي قَائِل نِيسْت.

ر . ك : ج 2 ص 103 (دوستی و پاکی نفس) .

ج \_ طمع پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جدا شدن طمع از دلی که دنیادوست است ، ناشدنی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نَفْس اَدَمِي دَر دُنْيَاخُوَاهِي ، پِيوسْتَه جُوان اَسْت ، هَرچَند اَز شَدْت پِيرِي ، چَنبَرهاِي (1) اُو بَه هَم بَرَسَنَد.

1- . چنبر ، چنبره یا ترقوه ، استخوان باریک و نسبتاً بلندی در شانه است که هر يك از دو سر آن ، دارای انحنايي مخالف آن دیگری است (ر . ك : لغت نامه دهخدا).

الإمام عليّ عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يوجبُ الطَّمَع . (1)

د \_ العُبُودِيَّةُ الإِمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَظَمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ ، وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا فِي قَلْبِهِ ، آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ؛ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا . (2)

عنه عليه السلام: مَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعشى بَصَرَهُ ، وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ ، قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ ، وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ ، وَوَلَّهَتْ عَلَيْهَا نَفْسَهُ ، فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَلَمْ يَنْ يَدِيهِ شَيْءٌ مِنْهَا ، حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا ، وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهَا ، لَا يَنْزَجِرُ مِنَ اللَّهِ بِزَاجِرٍ ، وَلَا يَتَّعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ ، وَهُوَ يَرَى الْمَأْخُودِينَ عَلَى الْغُرَّةِ \_ حَيْثُ لَا إِقَالَةَ وَلَا رَجْعَةَ \_ كَيْفَ نَزَلَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَجْهَلُونَ ، وَجَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمَنُونَ ، وَقَدِمُوا مِنَ الْآخِرَةِ عَلَى مَا كَانُوا يُوْعَدُونَ ، فَغَيْرُ مَوْصُوفٍ مَا نَزَلَ بِهِمْ . (3)

عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: أَبْنَاءُ الدُّنْيَا عَبِيدٌ مَا يَأْكُلُونَ وَيَلْبَسُونَ . (5)

عيسى عليه السلام: لَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا رَبًّا فَتَتَّخِذَكُمْ عِبِيدًا . (6)

1- غرر الحكم : ح 4872 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4431 .

2- نهج البلاغة : الخطبة 160 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 36 ، أعلام الدين : ص 246 وفيه «وعظم» بدل «وكبر» .

3- نهج البلاغة : الخطبة 109 .

4- الخصال : ص 113 ح 91 عن الأصبغ بن نباتة ، بحار الأنوار : ج 2 ص 107 ح 4 .

5- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 272 ح 843 ، علل الشرائع : ص 341 ح 1 كلاهما عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 85 ص 147 ح 2 .

6- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 129 ، المحجبة البيضاء : ج 5 ص 354 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 327 ح 48 .

**د \_ بردگی**

امام علی علیه السلام: دنیا دوستی، موجب طمعکاری می شود.

د \_ بردگی امام علی علیه السلام: کسی که دنیا در نظرش بزرگ آید، و در دلش جایگاهی بشکوه یابد، آن را بر خداوند متعال مقدم می دارد، پس یکسره به دنیا روی می آورد و بنده آن می شود.

امام علی علیه السلام: کسی که عاشق چیزی شود، آن چیز دیده [دل] او را کم سو می گرداند، و دلش را بیمار می کند. در نتیجه، چنین کسی با چشمی ناسالم می نگرد، و با گوشی ناشنوا می شنود. خواست های دنیوی، خرد او را از هم دریده، و دنیا دلش را میرانده، و جانش شیفته آن گردیده است. از این رو، بنده دنیا و بنده کسی است که چیزی از دنیا دارد. به هر کجا که دنیا برود، او نیز بدان جا می رود، و به هر سو که دنیا رو کند، او نیز بدان رو می کند. با هیچ نهی ای از جانب خدا، باز نمی ایستد، و از هیچ پندی از او، اندرز نمی گیرد، در حالی که می بیند مرگ، چه سان ناگهان گریبان دیگران را می گیرد و مجال پوزشخواهی و بازگشتی نمی دهد، و آنچه نمی دانستند، بر آنان فرود می آید، و از دنیا که خود را در آن ایمن می پنداشتند، جدا می شوند، و به آنچه در آخرت وعده داده می شدند، می رسند. آنچه بر سر آنان می آید، به راستی در وصف نمی گنجد.

امام علی علیه السلام: هر که درهم و دینار را دوست بدارد، بنده دنیاست.

امام صادق علیه السلام: دنیاپرستان، بنده خوراک و پوشاک اند.

عیسی علیه السلام: دنیا را خداوندگار خویش مگیرید که شما را به بندگی می گیرد.

هـ \_ الْجَزَعُ إِلا مَامَ الكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ فِي وَصِيَّتِهِ لِهَيْشَامٍ ، يَا هَيْشَامُ ، إِنَّ الْمَسِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلْحَوَارِيِّينَ : . . . إِنَّ أَجْرَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا ، وَإِنَّ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَعَزَّهُدْكُمْ فِي الدُّنْيَا . (1)

و \_ الشَّقَاءُ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ \_ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ يَا عَلِيُّ ، أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ : جُمُودُ (2) الْعَيْنِ ، وَقَسَاوَةُ الْقَلْبِ ، وَبُعْدُ الْأَمَلِ ، وَحُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ . (3)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مِنْ عِلَامَاتِ الشَّقَاءِ : جُمُودُ الْعَيْنِ ، وَقَسْوَةُ الْقَلْبِ ، وَشِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلْبِ الدُّنْيَا ، وَالْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ . (4)

الإمام علي عليه السلام : سَبَبُ الشَّقَاءِ حُبُّ الدُّنْيَا . (5)

عنه عليه السلام : إِيَّاكَ وَالْوَالَةَ بِالدُّنْيَا ؛ فَإِنَّهَا تَوْرَثُكَ الشَّقَاءَ وَالْبَلَاءَ ، وَتَحْدُوكَ (6) عَلَى بَيْعِ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ . (7)

1- . تحف العقول: ص 392\_393 و ص 509 من دون إسناد إلى الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 146 ح 30؛ البداية والنهاية : ج 9 ص 300 ، الدر المنثور : ج 2 ص 205 نقلاً عن أحمد وكلاهما عن وهب بن منبه نحوه .

2- . جُمُودُ الْعَيْنِ : قِلَّةُ دَمْعِهَا ؛ كِنَايَةٌ عَنِ قَسْوَةِ الْقَلْبِ (المصباح المنير : ص 107 «جمد»).

3- . تحف العقول : ص 12 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 360 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الخصال : ص 243 ح 97 عن محمد أبي مالك عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «حُبُّ الْبَقَاءِ» بدل «حُبِّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 65 ح 5 ؛ مجمع الزوائد : ج 10 ص 389 ح 17685 نقلاً عن البرّار عن أنس وفيه «طُولُ الْأَمَلِ وَالْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا» بدل «بُعْدُ الْأَمَلِ وَحُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ» .

4- . الكافي : ج 2 ص 290 ح 6 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 47 ؛ مجمع الزوائد : ج 10 ص 389 ح 17685 نقلاً عن البرّار عن أنس نحوه .

5- . غرر الحكم : ح 5516 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 98 ح 2269 نحوه .

6- . حُدَا الْإِبِلِ : زَجَرُهَا وَسَاقُهَا (القاموس المحيط : ج 4 ص 315 «حدا»).

7- . غرر الحكم : ح 2707 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 98 ح 2269 .

## هـ - بی تابی

### و - شقاوت

هـ - بی تابی امام کاظم علیه السلام - در سفارش به هشام - ای هشام! مسیح علیه السلام به حواریان فرمود: «... بی تاب ترین شما در هنگام بلا ، علاقه مندترین شما به دنیاست، و شکیباترینتان در بلا ، زاهدترین شما در دنیاست».

و - شقاوت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به علی علیه السلام - ای علی! چهار خصلت ، از شقاوت است . خشکی چشم (1) و قساوت قلب و آرزوی دراز و دنیا دوستی ، از شقاوت اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از نشانه های شقاوت اند: خشکی چشم، قساوت قلب، آزمندی شدید در طلب دنیا، و ادامه دادن به گناه.

امام علی علیه السلام: علّت شقاوت، عشق به دنیاست.

امام علی علیه السلام: زندهار از شیفستگی به دنیا، که بدبختی و رنج برایت بر جای می نهد، و به فروختن زندگی جاودانی به زندگی فناپذیر ، وادارت می کند!

---

1- کم گریستن. کنایه از سنگ دلی و نداشتن عاطفه و رقّت قلب است (المصباح المنیر: ص 107 «جمد»).

عنه عليه السلام: حُكِمَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا بِالشَّقَاءِ وَالْفَنَاءِ وَالذَّمَارِ وَالتَّوَارِ . (1)

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ ، طَالَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَقَاؤُهُ وَغَمُّهُ . (2)

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ ، طَالَ شَقَاؤُهُ وَغَمُّهُ . (3)

عنه عليه السلام: الدِّينُ يُجِلُّ ، الدُّنْيَا تُدِلُّ . (4)

ز\_ الهلاك رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ جَعَلَ الِهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا ؛ هَمَّ آخِرَتِهِ ، كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّ دُنْيَاهُ . وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الِهُمُومُ فِي أَحْوَالِ الدُّنْيَا لَمْ يُبَالِ اللَّهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَّتِهَا هَلَكَ . (5)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ مَنْ كَانَتْ الْعَاجِلَةُ أَمْلَكَ بِهِ مِنَ الْآجِلَةِ ، وَأُمُورُ الدُّنْيَا أَغْلَبَ عَلَيْهِ مِنْ أُمُورِ الْآخِرَةِ ، فَقَدِ بَاعَ الْبَاقِيَّ بِالْفَاقِي ، وَتَعَوَّضَ الْبَائِدَ عَنِ الْخَالِدِ ، وَأَهْلَكَ نَفْسَهُ وَرَضِيَ لَهَا بِالْحَائِلِ الزَّائِلِ ، وَنَكَبَ بِهَا عَنِ نَهْجِ السَّبِيلِ . (6)

عنه عليه السلام: كُلَّمَا أَزْدَادَ الْمَرْءُ بِالدُّنْيَا شُغْلًا وَزَادَ بِهَا وَأَلَهَا ، أَوْرَدَتْهُ الْمَسَالِكَ وَأَوْقَعَتْهُ فِي الْمَهَالِكِ . (7)

1- غرر الحكم : ح 4932 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 234 ح 4486 .

2- غرر الحكم : ح 9110 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 425 ح 7189 .

3- كنز الفوائد : ج 1 ص 345 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .

4- غرر الحكم : ح 3 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 18 ح 48 و 49 .

5- سنن ابن ماجة : ج 1 ص 95 ح 257 ، شُعب الإيمان : ج 2 ص 306 ح 1888 كلاهما عن عبد الله بن مسعود ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 481 ح 3658 وج 4 ص 364 ح 7934 كلاهما عن ابن عمر ، حلیة الأولیاء : ج 2 ص 105 عن عبد الله بن مسعود وكلها نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 203 ح 6178 .

6- غرر الحكم : ح 3607 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 153 ح 3351 .

7- غرر الحكم : ح 7200 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 396 ح 6714 .

**ز\_ هلاکت**

امام علی علیه السلام: مردم دنیا، محکوم به بدبختی و نیستی و نابودی و هلاکت اند.

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا هم و غم او باشد، در روز قیامت شقاوت و اندوه او به درازا می کشد.

امام علی علیه السلام: کسی که بزرگ ترین اهتمامش دنیا باشد، گرفتاری و اندوهش به درازا می کشد.

امام علی علیه السلام: دین، [آدمی را] ارجمند می گرداند، و دنیا، خوار می سازد.

ز\_ هلاکت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس همه غصّه هایش را يك غصّه \_ یعنی غصّه آخرتش \_ کند، خداوند غصّه های دنیای او را برطرف می سازد، و هر کس انواع غصّه های دنیا وجودش را فرا بگیرد، خداوند، اهمّیتی نمی دهد که در کدام وادی از وادی های آن نابود می شود.

امام علی علیه السلام: کسی که زندگی کنونی، بیشتر از زندگی آینده اختیاردار او باشد و کارهای دنیا بر او چیره تر از کارهای آخرت باشد، هر آینه ماندگار را به فناپذیر فروخته، و جاویدان را با گذرا عوض کرده، و خویشتن را به نابودی افکنده، و زندگی دگرگون شونده زوال پذیر را برای خود پسندیده، و از راه روشن به کج راه رفته است.

امام علی علیه السلام: هر گاه مشغله انسان به دنیا بیشتر شود و علاقه اش به آن فزون تر گردد، دنیا او را به راه های گوناگون می برد و وی را در مهلکه ها می افکند.



عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يُبَالِ مَا رُزِيَ (1) مِنْ آخِرَتِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ، فَهُوَ هَالِكٌ. (2)

عنه عليه السلام: أَفَةُ النَّفْسِ الْوَلَةُ (3) بِالْدُّنْيَا. (4)

عنه عليه السلام: زُهِدْكَ فِي الدُّنْيَا يُنْجِيكَ، وَرَغَبْتُكَ فِيهَا تُرْدِيكَ. (5)

عنه عليه السلام: الرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ الْعَطْبِ (6). (7)

4 / 5 الاستيعلاء الإمام علي عليه السلام \_ في حُطْبَتِهِ الْمَعْرُوفَةِ بِالشَّقِيشِ قِيَّةٍ \_ : فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَثَتْ (8) طَائِفَةٌ، وَمَرَقَتْ (9) أُخْرَى، وَقَسَطَ (10) آخَرُونَ، كَأَنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَ الْعِزَّةَ لِلْمُتَّقِينَ» (11)! بلى، وَاللَّهِ سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا، وَلَكِنَّهُمْ حَلَيْتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ، وَرَاقَهُمْ زَبْرُجُهَا. (12)

1- رزاة رزيئة: أصابته مصيبة (الصحيح: ج 1 ص 53 «رزأ»).

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 382 ح 5833، معاني الأخبار: ص 198 ح 4، الأمالي للطوسي: ص 435 ح 974 نحوه، الأمالي للصدوق: ص 478 ح 644 كلها عن عبدالله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن أبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ص 487 وفيهما «زرى» بدل «رزى»، مشكاة الأنوار: ص 208 ح 566 وفيه «زوى» بدل «رزى»، بحار الأنوار: ج 77 ص 377 ح 1.

3- الولة: ذهاب العقل والتحير من شدة الوجد (النهاية: ج 5 ص 227 «وله»).

4- غرر الحكم: ح 3926، عيون الحكم والمواعظ: ص 182 ح 3731 وفيه «العقل» بدل «النفس».

5- غرر الحكم: ح 5477، عيون الحكم والمواعظ: ص 276 ح 5031.

6- عَطِبَ عَطْبًا: هَلَكَ (المنحيط في اللغة: ج 1 ص 410 «عطب»).

7- كنز الفوائد: ج 1 ص 279، أعلام الدين: ص 187، بحار الأنوار: ج 78 ص 91 ح 95.

8- النَّكَثُ: نقض العهد (النهاية: ج 5 ص 114 «نكث»).

9- مَرَقَ مِنَ الدِّينِ: خرج منه (المصباح المنير: ص 569 «مرق»).

10- الْقَسَطُ: الْجَوْرُ وَالْعُدُولُ عَنِ الْحَقِّ (الصحيح: ج 3 ص 1152 «قسط»).

11- القصص: 83.

12- نهج البلاغة: الخطبة 3، الإرشاد: ج 1 ص 289، علل الشرائع: ص 151 ح 12 نحوه، الاحتجاج: ج 1 ص 457 ح 105 كلها عن ابن عباس، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 205.

#### 4 / 5 برتری جویی

امام علی علیه السلام: کسی که هر گاه دنیایش سالم (و تأمین) باشد، برایش مهم نیست که چه بلایی بر سر آخرتش می آید، در هلاکت است.

امام علی علیه السلام: آفت نفس، شیفتگی به دنیا است.

امام علی علیه السلام: زهد تو در دنیا، تو را نجات می دهد، و دل بستگی تو به آن، تو را نابود می کند.

امام علی علیه السلام: دنیاخواهی، کلید نابودی است.

4 / 5 برتری جویان امام علی علیه السلام \_ در خطبه معروف به شقشقیه \_ : چون زمام امور را به دست گرفتم، گروهی پیمان شکستند، عدّه ای از فرمان به در شدند، و عدّه ای سر از فرمان حق برتافتند. گویی آنان نشنیده اند که خداوند سبحان می فرماید: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواهان برتری جویی و تباہکاری در زمین نیستند، و عاقبت، از آن تقوایپشگان است». آری! به خدا سوگند که آن را شنیدند و فهمیدند؛ اما دنیا در چشم آنان زیبا نمود، و زرق و برق آن خیره شان ساخت.

راجع : ج 2 ص 292 (خصائص أبناء الآخرة).

4 / 6 التنازع تنبيه الخواطر : قيل : صدحِبَ رَجُلٌ عَيْسَى بْنِ مَرِيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : أَكُونُ مَعَكَ وَأَصْحَبُكَ . فَاذْهَبَا فَانْتَهِيَا إِلَى شَطِّ نَهْرٍ فَجَلَسَا يَتَغَدَّيَانِ وَمَعَهُمَا ثَلَاثَةُ أَرْغَفَةٍ ، فَأَكَلَا زَغِيْفَيْنِ وَبَقِيَ زَغِيْفٌ ، فَقَامَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّهْرِ فَشَرِبَ مَاءً ، ثُمَّ رَجَعَ فَلَمْ يَجِدِ الرَّغِيْفَ ، فَقَالَ لِلرَّجُلِ : مَنْ أَخَذَ الرَّغِيْفَ؟ قَالَ : لَا أَدْرِي . قَالَ : فَانْطَلِقْ وَمَعَهُ صَاحِبُهُ ، فَرَأَى ظَبِيَّةً مَعَهَا خِشْفَانٍ (1) لَهَا ، فَدَعَا أَحَدَهُمَا فَأَتَاهُ فَذَبَحَهُ فَأَشْوَى (2) مِنْهُ ، فَأَكَلَ هُوَ وَذَلِكَ الرَّجُلُ ، ثُمَّ قَالَ لِلْخِشْفِ : قُمْ يَا ذَنِي اللَّهِ ، فَقَامَ فَذَهَبَ . فَقَالَ لِلرَّجُلِ : أَسَأَلُكَ بِالَّذِي أَرَاكَ هَذِهِ الْآيَةَ ، مَنْ أَخَذَ الرَّغِيْفَ؟ قَالَ : لَا أَدْرِي . ثُمَّ انْتَهَى إِلَى وَادِي مَاءٍ ، فَأَخَذَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَ الرَّجُلِ فَمَشَى عَلَى الْمَاءِ ، فَلَمَّا جَاوَزَاهُ قَالَ : أَسَأَلُكَ بِالَّذِي أَرَاكَ هَذِهِ الْآيَةَ ، مَنْ أَخَذَ الرَّغِيْفَ؟ قَالَ : لَا أَدْرِي . قَالَ : فَانْتَهَى إِلَى مَفَازَةٍ (3) فَجَلَسَا ، فَجَمَعَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ تُرَابًا أَوْ كَثِيْبًا (4) ، فَقَالَ : كُنْ ذَهَابًا يَا ذَنِي اللَّهِ! فَصَارَ ذَهَابًا ، فَقَسَمَهُ ثَلَاثَةً أَثْلَاثٍ فَقَالَ : ثُلْثٌ لِي وَثُلْثٌ لَكَ وَثُلْثٌ لِمَنْ أَخَذَ الرَّغِيْفَ . قَالَ : فَأَنَا أَخَذْتُ الرَّغِيْفَ . فَقَالَ : فَكُلُّهُ لَكَ . قَالَ : وَفَارَقَهُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَانْتَهَى إِلَيْهِ رَجُلَانِ فِي الْمَفَازَةِ وَمَعَهُ الْمَالُ ، فَأَرَادَا أَنْ يَأْخُذَاهُ مِنْهُ وَيَقْتُلَاهُ ، فَقَالَ : هُوَ بَيْنَنَا أَثْلَاثٌ ، قَالَ : فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ إِلَى الْقَرْيَةِ حَتَّى يَشْتَرِيَ طَعَامًا ، فَابْعَثُوا أَحَدَهُمْ ، فَقَالَ الَّذِي بُعِثَ : لِأَيِّ شَيْءٍ أَقَاسِمُ هُوَ لِأَنَّ هَذَا الْمَالَ لِكِنِّي أَصْنَعُ فِي هَذَا الطَّعَامِ سَهْمًا فَأَقْتُلُهُمَا ، فَفَعَلَ . وَقَالَ أَوْلَيْكَ : لِأَيِّ شَيْءٍ نَجْعَلُ لِهَذَا ثُلْثَ الْمَالِ ، وَلَكِنْ إِذَا رَجَعَ قَتَلْنَاهُ وَأَقْتَسَمْنَا الْمَالَ بَيْنَنَا . قَالَ : فَلَمَّا رَجَعَ إِلَيْهِمَا قَتَلَاهُ ، وَأَكَلَا الطَّعَامَ فَمَاتَا ، فَبَقِيَ ذَلِكَ الْمَالُ فِي الْمَفَازَةِ وَأَوْلَيْكَ الثَّلَاثَةُ قَتَلُوا عِنْدَهُ . فَمَرَّ بِهِمْ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُمْ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ ، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ : هَذِهِ الدُّنْيَا فَاحْذَرُوهَا . (5)

1- الخِشْفُ : وَكَدُّ الْغَزَالِ يُطْلَقُ عَلَى الذِّكْرِ وَالْأُنْثَى (المصباح المنير : ص 170 «خشف»).

2- شَوَيْتُ اللَّحْمَ . . . وَأَشْوَيْتُهُ \_ بِالْأَلْفِ \_ لُغَةٌ (المصباح المنير : ص 328 «شوى»).

3- الْمَفَازَةُ : الْبَرِّيَّةُ الْقَفْرُ (النهاية : ج 3 ص 478 «فوز»).

4- الْكَثِيْبُ : الرَّمْلُ الْمَسْتَطِيلُ الْمَحْدُودُ (النهاية : ج 4 ص 152 «كثب»).

5- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 179 ، المحجبة البيضاء : ج 6 ص 103 عن ليث وراجع الدر المنثور : ج 2 ص 219 .

ر. ك: ج 2 ص 293 (ویژگی های آخرت گرایان).

4 / 6 ستیزه تنبیه الخواطر: آورده اند که: مردی با عیسی بن مریم علیه السلام مصاحبت اختیار کرد و گفت: [می خواهم] با تو باشم و همراهی ات کنم. آن دو به راه افتادند و رفتند تا به کنار جوی آبی رسیدند و نشستند که غذایی بخورند. سه گرده نان با خود داشتند. دو گرده آن را خوردند و یکی باقی ماند. عیسی علیه السلام به طرف رود رفت و آبی نوشید و چون برگشت، آن گرده نان را ندید. به مرد گفت: «چه کسی نان را برداشت؟». مرد گفت: نمی دانم. عیسی علیه السلام با آن مرد به راه افتاد. در راه، آهوایی را دید که دو بچه آهو همراهش بودند. یکی از آن دو را صدا زد و آن بچه آهو جلو رفت. عیسی آن را سر برید و مقداری از گوشتش را بریان کرد و هر دو نفر خوردند. سپس به آن بچه آهو ذبح شده فرمود: «به اذن خدا، برخیز!» بچه آهو برخاست و رفت. عیسی علیه السلام به آن مرد گفت: «تورا به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد، بگو چه کسی آن نان را برداشت؟». مرد گفت: نمی دانم. باز هم رفتند تا به رودخانه ای رسیدند. عیسی علیه السلام دست مرد را گرفت و هر دو، بر آب رفتند و چون از آن گذشتند، عیسی علیه السلام گفت: «تورا به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد، بگو چه کسی نان را برداشت؟». مرد گفت: نمی دانم. رفتند تا به بیابانی رسیدند. هر دو نشستند. عیسی علیه السلام مثنی خاك یا ریگ برداشت و [به آن] گفت: «به اذن خدا، طلا شو!» و طلا شد. عیسی علیه السلام آنها را سه قسمت کرد و فرمود: «یک سوم، مال من، یک سوم، مال تو و یک سوم، مال کسی که نان را برداشته است». در این هنگام، مرد گفت: من نان را برداشته ام. عیسی گفت: «حال، همه اش مال تو» و از او جدا شد. در آن بیابان، دو مرد به او \_ که حالا مقداری طلا با خود داشت \_ رسیدند. خواستند او را بکشند و طلاهایش را بردارند؛ اما او گفت: طلاها را میان خود به سه قسمت می کنیم. و گفت: یک نفرمان را به آبادی بفرستیم تا غذایی بخرد. یک نفرشان را فرستادند. آن که رفته بود، با خود گفت: چرا این طلاها را با اینها قسمت کنم. در این غذا سَمی می ریزم و آن دورا می کشم. و این کار را کرد. آن دو نفر هم گفتند: چرا یک سوم طلاها را به او بدهیم. وقتی برگشت، او را می کشیم و طلاها را میان خودمان تقسیم می کنیم. چون آن مرد برگشت، او را کشتند، و غذا را خوردند و خود نیز مردند، و در آن بیابان، آن طلاها ماند و سه کشته در کنارش. عیسی علیه السلام در این حال بر آنان گذشت. به یارانش فرمود: «این است دنیا! از آن حذر کنید».





4 / 7 التَّعْبِيرُ سَوَّلَ اللّٰهُ صَلىَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ البَدَنَ ، وَالرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُتْعِبُ البَدَنَ . (1)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَرَاحَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ ، وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا تَعِبَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ . (2)

عنه عليه السلام \_ فِي التَّزْهِيدِ فِي الدُّنْيَا \_ : مَنْ رَغِبَ فِيهَا أَتَعَبَتْهُ وَأَشَقَّتْهُ . (3)

عنه عليه السلام : ثَمَرَةُ الوَلِيِّ بِالدُّنْيَا عَظِيمُ المِحْنَةِ . (4)

عنه عليه السلام : فُرِنَتْ المِحْنَةُ بِحُبِّ الدُّنْيَا . (5)

راجع : ص 28 (خصائص الدنيا / دار محنة) .

4 / 8 الحُزْنُ سَوَّلَ اللّٰهُ صَلىَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الرِّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكثِرُ الهَمَّ وَالْحُزْنَ . (6)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ لِلْقَلْبِ وَالبَدَنِ ، فَأَنَّ اللّهَ يَسْأَلُ أَهْلَ الدُّنْيَا عَمَّا نَعَمُوا فِي حَلَالِهَا ، فَكَيْفَ بِمَا نَعَمُوا فِي حَرَامِهَا؟

(7)

1- الفردوس : ج 2 ص 299 ح 3364 عن أبي هريرة .

2- إرشاد القلوب : ص 125 .

3- غرر الحكم : ح 8481 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 456 ح 8243 .

4- غرر الحكم : ح 4611 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 208 ح 4190 .

5- غرر الحكم : ح 6721 وح 1060 نحوه ، عيون الحكم والمواعظ : ص 369 ح 6218 .

6- الخصال : ص 73 ح 114 عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص 468 ح 1564 ، روضة الواعظين : ص

484 ، إرشاد القلوب : ص 19 عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «تورث» بدل «تكثر» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 91 ح 65 ؛ مسند

الشهاب : ج 1 ص 188 ح 278 عن عبدالله بن عمرو .

7- الأمالي للطوسي : ص 532 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 369 ح 2661 نحوه وكلاهما عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77

ص 81 ح 3 .

4 / 7 خستگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل برکندن از دنیا، مایه آسایش تن است و دنیاخواهی، موجب خستگی تن.

امام علی علیه السلام: آن که به دنیا زهد ورزید، دل و تنش آسود، و آن که در پی آن برآمد، دل و تنش خسته شد.

امام علی علیه السلام: در تشویق به ترك دنیا: هر که دنیاخواه شد، دنیا او را خسته و رنجور ساخت.

امام علی علیه السلام: ثمره شیفنگی به دنیا، رنج بسیار است.

امام علی علیه السلام: دنیا دوستی و رنج، همنشین اند.

ر. ک: ص 29 (ویژگی های دنیا / محنتکده).

4 / 8 اندوه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیاخواهی، گرفتگی و اندوه را زیاد می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا مایه سرگرمی دل و تن [و غافل داشتن آنها از آخرت] است. خداوند از مردم دنیا درباره نعمت های حلالی که برخوردار بوده اند، بازخواست می کند، چه رسد به برخورداری آنان از نعمت های حرام دنیا.



الإمام عليّ عليه السلام: لِلْمُسْتَحْلِي لَذَّةُ الدُّنْيَا غُصَّةٌ . (1)

عنه عليه السلام: الْمُسْتَمْتِعُونَ بِالدُّنْيَا تَبْكِي قُلُوبُهُمْ وَإِنْ فَرِحُوا ، وَيَسْتَدُّ مَقْتَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ وَإِنْ اغْتَبَطُوا بِبَعْضِ مَا مِنْهَا رُزِقُوا . الدُّنْيَا فَايَةٌ لَا بَقَاءَ لَهَا ، وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ لَا فَنَاءَ لَهَا . الدُّنْيَا مُقْبَلَةٌ إِلَى الْآخِرَةِ ، وَالْآخِرَةُ مَلْجَأُ الدُّنْيَا . (2)

عنه عليه السلام \_ فِي بَيَانِ مَضَارِّ حُبِّ الدُّنْيَا \_ : مَنْ اسْتَشَعَرَ الشَّغْفَ (3) بِهَا مَلَأَتْ ضَمِيرَهُ أَشْجَانًا لَهْنًا رَقِصَ عَلَى سُوَيْدَاءِ قَلْبِهِ: (4) هَمٌّ يَشْغَلُهُ ، وَغَمٌّ يَحْزَنُهُ ، كَذَلِكَ حَتَّى يُؤَخِّدَ بِكَظْمِهِ (5) فَيَلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرًا (6) ، هَيِّنًا عَلَى اللَّهِ فَنَؤُهُ وَعَلَى الْإِخْوَانِ لِقَاؤُهُ . (7)

عنه عليه السلام \_ فِي الدِّيَّانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ \_ : أُمَّ عَلَى الدُّنْيَا وَأَسْبَابِهَا فَإِنَّهَا لِلْحَزَنِ مَخْلُوقَةٌ هُمُومُهَا مَا تَنْقُضِي سَاعَةً عَن مَلِكٍ فِيهَا وَعَن سَوْفَةٍ (8)

- 1- .غرر الحكم : ح 7333 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 404 ح 6823 .
- 2- .مطالب السؤل : ص 52 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 21 ح 82 .
- 3- .شغف بالشيء : أولع به (تاج العروس : ج 12 ص 308 «شغف»).
- 4- .سواد القلب : حبه، وقيل : دمه، وإذا صغروا ردّوه إلى سويداء (لسان العرب: ج 3 ص 227 «سود»).
- 5- .الكظم : هو مخرج النفس من الحلق (النهاية : ج 4 ص 178 «كظم»).
- 6- .الأبهر : عرق في الظهر ، وهما أبهران (النهاية : ج 1 ص 18 «أبهر»).
- 7- .نهج البلاغة : الحكمة 367 ، تحف العقول : ص 221 نحوه ، غرر الحكم : ح 9060 وفيه «بعيدا على الإخوان لقاؤه» بدل «على الإخوان لقاؤه» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 .
- 8- .الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ص 390 الرقم 301 .

امام علی علیه السلام: کسی که لذت دنیا را شیرین بشمرد، اندوه به سراغش می آید.

امام علی علیه السلام: برخورداران از دنیا، دل هایشان می گرید، اگرچه [به ظاهر] شاد باشند، و از خویشتن سخت در خشم اند، اگرچه برای آنچه از دنیا روزی داده شده اند، مورد غبطه دیگران باشند. دنیا، فناپذیر است و بقایی ندارد، و آخرت، ماندگار است و فنا نمی پذیرد. دنیا رو به آخرت دارد، و آخرت، پناهگاه دنیاست.

امام علی علیه السلام \_ در بیان زیان های دنیادوستی \_ : آن که دل باخته دنیا شود، دنیا اندرون او را آکنده از اندوه ها (نگرانی ها) می کند که در سویدای دلش به رقص در می آیند . اندوهی او را به خود مشغول می سازد، و غصّه ای اندوهگینش می کند، تا آن که گلویش گرفته ، شاه رگ هایش از کار می افتند و در گوشه ای افکنده می شود. خداوند ، به آسانی نابودش می کند، و دوستان ، به راحتی در گورش می افکنند.

امام علی علیه السلام \_ در دیوان منسوب به ایشان \_ : تقو بر دنیا و اسباب آن/ که برای غم و اندوه آفریده شده است غم هایش دمی پایان نمی گیرند/ نه برای شاه و نه برای رعیت .

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: هَمٌّ لَا يَفْنَى، وَأَمَلٌ لَا يُدْرِكُ، وَرَجَاءٌ لَا يُنَالُ. (1)

9 / 4 الحسرة الإمام علي عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ، اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَثُرَ اشْتِبَاكُهُ بِالدُّنْيَا، كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا. (3)

10 / 4 فساد الدين الكتاب «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَمْ يَكُنْ مِّنْ شَرَحٍ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ \* ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ». (4)

1- الكافي: ج 2 ص 320 ح 17، الخصال: ص 88 ح 22، تحف العقول: ص 367، مشكاة الأنوار: ص 468 ح 1565، روضة الواعظين: ص 484.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 382 ح 5833، معاني الأخبار: ص 198 ح 4، الأمالي للطوسي: ص 435 ح 974 نحوه، الأمالي للصدوق: ص 477 ح 644 كلها عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مشكاة الأنوار: ص 208 ح 566، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 173 عن الإمام زين العابدين عليه السلام، روضة الواعظين: ص 487، بحار الأنوار: ج 77 ص 376 ح 1.

3- الكافي: ج 2 ص 320 ح 16 عن حفص بن قرط، عدّة الداعي: ص 105، مشكاة الأنوار: ص 473 ح 1582، بحار الأنوار: ج 73 ص 19 ح 8.

4- النحل: 106 و 107.

4 / 9 افسوس

4 / 10 تباهی دین

امام صادق علیه السلام: هر که به دنیا دل بسته شود، دلش به سه چیز بسته می شود: اندوه پایان ناپذیر، آرزوی دست نیافتنی، و امید نارسیدنی.

4 / 9 افسوس امام علی علیه السلام: هر که مطلوبش دنیا باشد، در هنگام جدایی از آن، افسوس بسیار می خورد.

امام صادق علیه السلام: کسی که زیاد گرفتار دنیا شود، هنگام جدا شدن از آن، بیشترین افسوس را می خورد.

4 / 10 تباهی دینقرآن «هر که پس از ایمان آوردنش، به خدا کفر ورزد [، عذابی سخت خواهد داشت]، مگر آن کس که مجبور شده؛ ولی قلبش به ایمان، اطمینان دارد؛ لیکن هر کس سینه اش به کفر گشاده گردد، خشم خدا بر آنان است و بر آنان عذابی بزرگ خواهد بود؛ زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت، برتری داده اند و [هم] این که خدا گروه کافران را هدایت نمی کند».

«وَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ فَرَيْنَ مِنْ عَذَابِ شَدِيدٍ \* الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ». (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ مِنْ أُمَّتِي وَهَمُّهُ غَيْرُ اللَّهِ، فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ، فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ أَكْثَرَ هَمِّهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَأَكْثَرَ سَعْيِهِ لِلذَّاتِ تَقْنَى، فَلَيْسَ مِنَ الدِّينِ فِي شَيْءٍ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» يَمْنَعُ الْعِبَادَ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى مَا لَمْ يُؤْثِرُوا صَفَقَةَ دُنْيَاهُمْ عَلَى دِينِهِمْ، فَإِذَا آثَرُوا صَفَقَةَ دُنْيَاهُمْ عَلَى دِينِهِمْ، ثُمَّ قَالُوا: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» رُدَّتْ عَلَيْهِمْ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كَذَبْتُمْ. (5)

1- إبراهيم: 2 و 3.

2- المحاسن: ج 1 ص 324 ح 649 عن محمد بن القاسم الهاشمي عن الإمام الصادق عليه السلام، جامع الأحاديث للقمي: ص 121 وفيه «وأكبر همّه» بدل «من أمتي»، بحار الأنوار: ج 70 ص 243 ح 12؛ المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 356 ح 7902 عن عبد الله بن مسعود، شعب الإيمان: ج 7 ص 361 ح 10586 عن أنس، كنز العمال: ج 3 ص 225 ح 6268.

3- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 352 ح 7889 عن حذيفة، المعجم الأوسط: ج 1 ص 151 ح 471 عن أبي ذر، شعب الإيمان: ج 7 ص 361 ح 10585 عن أنس وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 225 ح 6267؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 130، المحجّة البيضاء: ج 5 ص 355.

4- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 116.

5- نوادر الأصول: ج 2 ص 73، شعب الإيمان: ج 7 ص 337 ح 10497 نحوه وكلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 1 ص 62 ح 221.

«وای بر کافران از عذابی سخت؛ همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند و مانع راه خدا می شوند و آن را کج می جویند! آنان در گم راهی دور و درازی هستند».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر فردی از امت من که صبح کند و دغدغه اش غیر خدا باشد، از خدا نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که صبح کند و دنیا بزرگ ترین دل مشغولی او باشد، نزد خداوند جایگاهی ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بیشترین دغدغه اش زندگی دنیا، و بیشترین تلاشش برای لذت های فناپذیر باشد، از دین بهره ای ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [گفتن] لا إله إلا الله، بندگان را از خشم خداوند متعال نکه می دارد، تا زمانی که داد و ستد [و منافع] دنیایشان را بر دینشان مقدم ندارند. و هر گاه داد و ستد دنیایشان را بر دینشان مقدم بدارند و با این حال بگویند: «لا إله إلا الله»، به خودشان پس زده می شود و خداوند متعال می گوید: دروغ می گویند.

عنه صلى الله عليه وآله: أَنْتُمْ الْيَوْمَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ ، قَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ تَعَالَى طَرِيقَكُمْ ، مَا لَمْ تَظْهَرَ فِيكُمْ السَّكَرَاتَانِ (1) : سَكْرَةُ الْعَيْشِ ، وَسَكْرَةُ الْجَهْلِ . فَأَنْتُمْ الْيَوْمَ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَسَيَحْوُلُونَ عَنْ ذَلِكَ إِذَا فَشَا فِيكُمْ حُبُّ الدُّنْيَا ؛ فَلَا تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَتُجَاهِدُونَ فِي غَيْرِ سَبِيلِ اللَّهِ . وَالْقَائِمُونَ يَوْمَئِذٍ بِالْكِتَابِ سِدْرًا وَعِلَاقِيَّةً ، كَالسَّابِقِينَ الْأَوَّلِينَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ . (2)

الإمام علي عليه السلام: فَسَادَ الدِّينِ الدُّنْيَا . (3)

عنه عليه السلام: مَا أَفْسَدَ الدِّينَ كَالدُّنْيَا . (4)

عنه عليه السلام: مَنْ عَمَرَ دُنْيَاهُ ، أَفْسَدَ دِينَهُ وَأَخْرَبَ أُخْرَاهُ . (5)

عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمَفْسَدَةٌ الدِّينِ وَمَسَلَبَةُ الْيَقِينِ ، وَإِنَّهَا لِرَأْسِ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ . (6)

عنه عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَلِّهِ بِالدُّنْيَا أَنْ يَسْكُنَهُ التَّقْوَى . (7)

الإمام الحسين عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا ، وَالدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ (8) يَحْوِطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ ، فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ . (9)

1- السُّكْرُ: غَيْبُوبَةُ الْعَقْلِ وَاجْتِلَاطُهُ مِنَ الشَّرَابِ ، وَقَدْ يَعْتَرِي الْإِنْسَانَ مِنَ الْغَضَبِ أَوْ الْعَشْقِ أَوْ الْقُوَّةِ أَوْ الظَّفْرِ (المعجم الوسيط: ج 1 ص 438 «سكر»).

2- تنبيه الغافلين: ص 99 ح 100 ، نوادر الأصول: ج 2 ص 48 نحوه وراجع حلية الأولياء: ج 8 ص 49 .

3- غرر الحكم: ح 6554 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 357 ح 6040 .

4- غرر الحكم: ح 9476 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 480 ح 8831 .

5- غرر الحكم: ح 8858 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 457 ح 8283 .

6- غرر الحكم: ح 3518 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 152 ح 3330 .

7- غرر الحكم: ح 4904 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 233 ح 4472 .

8- قال الطريحي: من كلام علي عليه السلام: «وصار دين أحدكم لُعَقَةً عَلَى لِسَانِهِ» ؛ قال بعض الشارحين: اللُعَقَةُ: اسم لما تأخذه الملعقة ، استعارة للإقرار بالدين باللسان ، وكتى به عن ضعفه وقلته (مجمع البحرين: ج 3 ص 1634 «لعق»).

9- تحف العقول: ص 245 ، كشف الغمّة: ج 2 ص 244 عن الفرزدق وفيه «لغو» بدل «لعق» و«المال» بدل «الدنيا» ، بحار الأنوار: ج 78 ص 117 ح 2 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما امروز دارای حجّتی آشکار از جانب پروردگارتان هستید . خداوند متعال ، تا زمانی که دو مستی در میان شما نمایان نشود ، راه شما را آشکار ساخته است: مستی زندگی، و مستی نادانی. شما امروز ، امر به معروف و نهی از منکر می کنید، و در راه خدا به جهاد می پردازید؛ ولی زودا که با شیوع دنیادوستی در میاتتان ، از این حال برگردید و دیگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید و در غیر راه خدا بجنگید. کسانی که در آن هنگام ، در نهان و آشکار ، به کتاب [خدا] پایبندی نشان می دهند ، همانند نخستین پیشگامان مهاجران و انصار هستند.

امام علی علیه السلام: دنیا ، مایه تباهی دین است.

امام علی علیه السلام: هیچ چیزی مانند دنیا، دین را تباه نکرد.

امام علی علیه السلام: هر کس دنیای خویش را آباد ساخت ، دینش را تباه و آخرتش را ویران نمود.

امام علی علیه السلام: دنیا ، مایه تباهی دین و از بین رفتن یقین است، و اساس فتنه ها و ریشه رنج هاست.

امام علی علیه السلام: بر هر دلی که شیفته دنیا است ، حرام است که تقوا در آن ، خانه کند.

امام حسین علیه السلام: مردم ، بنده دنیایند و به ظاهر ، دم از دین می زنند و تا زمانی که زندگی شان تأمین شود ، از آن دفاع می کنند؛ اما چون در بوته آزمایش قرار گیرند ، دینداران اندک اند.



الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَفَتْ لَهُ دُنْيَاهُ فَاتَّهَمَهُ فِي دِينِهِ . (1)

عنه عليه السلام: إِذَا صَلَحَ أَمْرُ دُنْيَاكَ فَاتَّهَمَ دِينَكَ . (2)

الإمام عليّ عليه السلام \_ فِي الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ \_ : مَا هَذِهِ الدُّنْيَا لِطَالِبِهَا إِلَّا عَنَاءٌ وَهُوَ لَا يَدْرِي إِنْ أَقْبَلَتْ شَغَلَتْ دِيانَتَهُ إِنْ أَدْبَرَتْ شَغَلَتْهُ بِالْفَقْرِ (3)

راجع : ج 2 ص 106 (بركات الزهد / صلاح الدين) .

4 / 11 عَدَمُ الْإِلْتِذَازِ بِالْعِبَادَةِ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ : إِنَّهُ كَمَا يَنْظُرُ الْمَرِيضُ إِلَى طَيِّبِ الطَّعَامِ فَلَا يَلْتَمِذُهُ مَعَ مَا يَجِدُهُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجَعِ ؛ كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَمِذُ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ . وَكَمَا يَلْتَمِذُ الْمَرِيضُ نَعْتَ الطَّيِّبِ الْعَالِمِ بِمَا يَرِجُو فِيهِ مِنَ الشِّفَاءِ ، فَإِذَا ذَكَرَ مَرَاةَ الدَّوَاءِ وَطَعْمَهُ كَدَّرَ عَلَيْهِ الشِّفَاءَ ، كَذَلِكَ أَهْلُ الدُّنْيَا يَلْتَمِذُونَ بِبِهْجَتِهَا وَأَنْوَاعِ مَا فِيهَا فَإِذَا ذَكَرُوا فُجَاءَةَ الْمَوْتِ كَدَّرَهَا عَلَيْهِمْ وَأَفْسَدَهَا . (4)

1- . الأُمالي لِلطُّوسِي : ص 280 ح 540 وص 284 ح 552 كلاهما عن المنصوري عن عمّ أبيه عن الإمام الهادي عن آبائه عليهم السلام

2- . تحف العقول : ص 359 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 242 ح 30 .

3- . الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ص 262 الرقم 184 .

4- . تحف العقول : ص 507 ، التحصين لابن فهد : ص 5 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 310 ح 17 وراجع عدّة الداعي : ص 96 .

**4 / 11 لذت نبردن از عبادت**

امام صادق علیه السلام: هر که دنیایش به کام او شد، وی را در دینش متهم کن.

امام صادق علیه السلام: هر گاه کار دنیایت درست شد، به دینداری ات بدگمان شو.

امام علی علیه السلام \_ در دیوان منسوب به ایشان \_ : این دنیا برای جوینده اش نیست / مگر رنج، و او خود نمی داند دنیا اگر روی آورد، او را از دینش باز می دارد/ و چون برود، او را به فقر گرفتار می سازد.

ر. ک: ج 2 ص 107 (برکت های زهد / درستی دین).

4 / 11 لذت نبردن از عبادت عیسی علیه السلام: به حق برایتان می گویم: همان گونه که بیمار به خوراک خوش مزه می نگرد، اما از شدت دردی که دارد، از آن لذتی نمی برد، دنیا دار نیز به سبب عشق به ثروت، از عبادت لذت نمی برد و شیرینی آن را نمی چشد. و همان گونه که بیمار از نسخه طبیب حاذق، به خاطر امید شفایی که در آن دارد، لذت می برد، اما چون تلخی دارو و مزه اش را به یاد آورد، شفا در نظرش تیره می شود، اهل دنیا نیز از زرق و برق دنیا و انواع خوشی هایی که در آن است، لذت می برند؛ اما چون غافلگیری مرگ را به یاد آورند، همه این لذت ها را بر آنان تیره و تبا می سازد.

رسول الله صلى الله عليه وآله ما جفوة العيون إلا من كثرة الذنوب، وما كثرة الذنوب إلا من قلة الورع، وما قلة الورع إلا من كثرة الجفاء، وما كثرة الجفاء إلا من حب الدنيا. (1)

4 / 12 حبط الأعمال رسول الله صلى الله عليه وآله ستة أشياء تحبب الأعمال: الاشتغال بعيوب الخلق، وقسوة القلب، وحب الدنيا، وقلة الحياء، وطول الأمل، وظالم لا ينتهي. (2)

4 / 13 الشغل عن الآخرة الإمام الباقر عليه السلام: كان على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله مؤمن فقير شديد الحاجة من أهل الصفة (3)، وكان مُلازماً لرسول الله صلى الله عليه وآله عند مواعيت الصلاة كلها لا يقده في شيء منها، وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يرق له وينظر إلى حاجته وعُربته، فيقول: يا سعد، لو قد جاءني شيء لأعغيتك. قال: فأبطأ ذلك على رسول الله صلى الله عليه وآله، فأشد غم رسول الله صلى الله عليه وآله لسعد، فعلم الله سبحانه ما دخل على رسول الله صلى الله عليه وآله من غمه لسعد. فأهبط عليه جبرئيل عليه السلام ومعه درهمان، فقال له: يا محمد، إن الله قد علم ما قد دخلك من الغم لسعد، أفتحب أن تغنيه؟ فقال: نعم. فقال له: فهالك هذين الدرهمين فأعطهما إياه ومرة أن يتجر بهما. قال: فأخذ رسول الله صلى الله عليه وآله ثم خرج إلى صلاة الظهر، وسعد قائم على باب حُجرات رسول الله صلى الله عليه وآله ينتظره، فلما رآه رسول الله صلى الله عليه وآله قال: يا سعد، أتحسن التجارة؟ فقال له سعد: والله ما أصبحت أملك ما لا أتجر به! فأعطاه النبي صلى الله عليه وآله الدرهمين، وقال له: اتجر بهما وتصرف لِرزق الله. فأخذهما سعد ومضى مع النبي صلى الله عليه وآله حتى صلى معه الظهر والعصر، فقال له النبي صلى الله عليه وآله: قم فاطلب الرزق، فقد كنت بحالك مُغتمًا يا سعد. قال: فأقبل سعد لا يشتري بدرهم شيئاً إلا باعه بدرهمين ولا يشتري شيئاً بدرهمين إلا باعه بأربعة دراهم، فأقبلت الدنيا على سعد فكثرت متاعه وماله وعظمت تجارته، فاتخذ على باب المسجد موضعاً وجلس فيه فجمع تجارته إليه، وكان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أقام بلالاً للصلاة يخرج وسعد مشغولاً بالدنيا، لم يتطهر ولم يتهياً كما كان يفعل قبل أن يتشاعل بالدنيا، فكان النبي صلى الله عليه وآله يقول: يا سعد، شعلت الدنيا عن الصلاة! فكان يقول: ما أصنع، أضيع مالي؟! هذا رجل قد بعته فأريد أن أستوفيه منه، وهذا رجل قد اشتريت منه فأريد أن أوفيه. قال: فدخل رسول الله صلى الله عليه وآله من أمر سعد غم أشد من غمه بفقره، فهبط عليه جبرئيل عليه السلام، فقال: يا محمد، إن الله قد علم غمك بسعد، فأبى حب إليك، حاله الأولى أو حاله هذه؟ فقال له النبي صلى الله عليه وآله عليه وآله: يا جبرئيل، بل حاله الأولى، قد أذهبت (4) دنياه بأخرته. فقال له جبرئيل عليه السلام: إن حب الدنيا والآموال فتنة ومشغلة عن الآخرة، فللسعد عدل يرد عليك الدرهمين اللذين دفعتهما إليه، فإن أمره سيصير إلى الحالة التي كان عليها أولاً. قال: فخرج النبي صلى الله عليه وآله عليه وآله فمر بسعد، فقال له: يا سعد، أما تريد أن ترد علي الدرهمين اللذين أعطيتكهما؟ فقال سعد: بلى وميتين. فقال له: لست أريد منك يا سعد إلا الدرهمين، فأعطاه سعد درهمين. قال: فأدبرت الدنيا على سعد حتى ذهب ما كان جمع، وعاد إلى حاله التي كان عليها. (5)

1- الفردوس: ج 4 ص 115 ح 6359 عن أنس.

2- كنز العمال: ج 16 ص 85 ح 44023 نقلاً عن الفردوس عن عدي بن حاتم، الجامع الصغير: ج 2 ص 46 ح 4658.

3- أهل الصفة: هم فقراء المهاجرين، ومن لم يكن له منهم منزل يسكنه، فكانوا يأوون إلى موضع مظلل في مسجد المدينة يسكنونه (النهاية: ج 3 ص 37 «صف»).

- 4- ذَهَبٌ بِهِ وَأُذْهَبُهُ غَيْرُهُ : أزالَهُ . ويُقال : أذْهَبَ بِهِ . . . وهو قليل (لسان العرب : ج 1 ص 493 «ذهب»).
- 5- الكافي : ج 5 ص 312 ح 38 عن أبي بصير ، مشكاة الأنوار : ص 473 ح 1583 نحوه ، بحار الأنوار : ج 22 ص 122 ح 92 .

## 4 / 12 بر باد رفتن اعمال

## 4 / 13 باز ماندن از آخرت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خشکی چشم‌ها (1) ناشی از فراوانی گناهان است، و فراوانی گناهان، ناشی از اندک بودن پارسایی، و اندک بودن پارسایی، ناشی از درشت طبعی بسیار، و درشت طبعی بسیار، ناشی از دنیادوستی.

4 / 12 بر باد رفتن اعمال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شش چیز، اعمال [نیکو] را بر باد می‌دهد: پرداختن به عیوب مردم، سنگ دلی، دنیادوستی، کم‌حیایی، درازی آرزو، و ستمگری که [از ستمکاری] باز نایستد.

4 / 13 باز ماندن از آخرت امام باقر علیه السلام: در زمان پیامبر خدا، مؤمنی نادر و سخت نیازمند از اهل صُفّه (2) بود که در همه اوقات نماز، ملازم پیامبر خدا بود و در هیچ نمازی غیبت نداشت. پیامبر خدا، ناداری و غربت او را می‌دید و دلش به حال وی می‌سوخت و می‌فرمود: «ای سعد! اگر چیزی دستم بیاید، نیازت را برطرف می‌کنم». مدّت‌ها گذشت و به پیامبر خدا چیزی نرسید. غم ایشان برای سعد، شدّت گرفت. خداوند سبحان که می‌دانست پیامبر خدا برای سعد، غم بسیار می‌خورد، جبرئیل علیه السلام را با دو درهم فرستاد. جبرئیل به ایشان گفت: ای محمّد! خدا می‌داند که تو برای سعد، غم می‌خوری. آیا دوست داری که او را بی‌نیاز گردانی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری». جبرئیل گفت: این دو درهم را بگیر و به او بده و بگو با آنها کاسبی کند. پیامبر خدا [آن دورا] گرفت و سپس برای نماز ظهر، بیرون رفت. سعد بر درِ اتاق‌های پیامبر خدا، منتظر ایشان ایستاده بود. پیامبر خدا چون او را دید، فرمود: «ای سعد! کاسبی می‌دانی؟». سعد گفت: به خدا سوگند، هیچ‌گاه پولی نداشته‌ام که با آن کاسبی کنم! پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو درهم را به او داد و فرمود: «با اینها کاسبی کن و برای به دست آوردن روزی خدا، تلاش نما». سعد، آن دو درهم را گرفت و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و نماز ظهر و عصر را با ایشان خواند. آن‌گاه، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «برخیز و در پی روزی برو، که من از حال و روز تو\_ ای سعد\_ ناراحت بوده‌ام». از آن پس، سعد اگر چیزی با یک درهم می‌خرید، با دو درهم می‌فروخت، و اگر با دو درهم می‌خرید، به چهار درهم می‌فروخت. بدین ترتیب، دنیا به سعد رو کرد و سرمایه و ثروتش زیاد شد و تجارتش رونق گرفت. پس، بر در مسجد، جایی گرفت و در آن جا نشست و به کسب پرداخت. هر گاه بلال برای نماز اقامه می‌گفت، پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون می‌آمد و می‌دید که سعد همچنان سرگرم دنیاست و نه \_ آن چنان که پیش از پرداختن به دنیا می‌کرد \_ وضو گرفته و نه آماده نماز شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «ای سعد! دنیا تو را از نماز باز داشته است!» و او می‌گفت: چه کنم؟ مالم را ضایع کنم؟ به این یکی فروخته‌ام و می‌خواهم پولش را از او بگیرم و از آن یکی خریده‌ام و می‌خواهم پولش را بدهم. این وضع سعد، پیامبر خدا را ناراحت تر از زمانی کرد که برای ناداری اش غصّه می‌خورد. پس، جبرئیل علیه السلام بر او فرود آمد و گفت: ای محمّد! خداوند از این غم تو برای سعد، آگاه است. کدام یک را دوست تر داری: حالت نخست را، یا این حالت را؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای جبرئیل! حالت نخست را. دنیای او آخرتش را از بین برده است!». جبرئیل علیه السلام به او گفت: علاقه مندی به دنیا و ثروت، گرفتاری و مایه باز ماندن از آخرت است. به سعد بگو آن دو درمی را که به او داده‌ای، به تو برگرداند. با این کار، به همان حال اوّلش باز می‌گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون رفت و به سعد برخورد. به او فرمود: «ای سعد! نمی‌خواهی آن دو درمی را که به تو داده‌ام، به من برگردانی؟». سعد گفت: چرا! [به جای آن]، دو بیست درهم می‌دهم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «نه، ای سعد! من بیشتر از دو درهم، از تو نمی‌خواهم» و سعد دو درهم به ایشان داد. از آن پس، دنیا به سعد پشت کرد، تا جایی که هر چه جمع کرده بود

، از دست رفت و سعد ، دوباره مثل اولش شد.

---

1- کنایه از گریه نکردن و سنگ دلی و نداشتن رقت قلب.

2- اهل صُفَّه، مهاجران تهی دستی بودند که منزلی برای سکونت نداشتند و در زیر سایبانی در مسجد مدینه به سر می بردند (النهاية: ج 3 ص 37 «صف»).







4 / 14 القعود عن الجهاد الكتاب (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلًا) . (1)

الحديث مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِثَوْبَانَ: كَيْفَ أَنْتَ يَا ثَوْبَانُ إِذَا تَدَاعَتْ عَلَيْكَ الْأُمَّمُ كَتَدَاعِيكُمْ عَلَى فَصْعَةِ الطَّعَامِ يُصَيَّبُونَ (2) مِنْهُ؟ قَالَ ثَوْبَانُ: يَا أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمِنْ قَلِيلٍ بِنَا؟ قَالَ: لَا، أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ، وَلَكِنْ يُلْقَى فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنُ. (3) قَالُوا: وَمَا الْوَهْنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: حُبُّكُمْ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَتُكُمْ الْقِتَالَ. (4)

1- التوبة: 38 .

2- كذا في المصدر، وفي كنز العمال: «تصيبون»، وهو المناسب للسياق .

3- الوهن: الضعف (الصحاح: ج 6 ص 2215 «وهن»).

4- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 281 ح 8721، كنز العمال: ج 3 ص 235 ح 6319 وراجع مسند ابن حنبل: ج 8 ص 327 ح 22460 وسنن أبي داود: ج 4 ص 111 ح 4297 .

**4 / 14 نرفتن به جهاد**

4 / 14 نرفتن به جهاد قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! شما را چه شده است که چون به شما گفته می شود: در راه خدا بسیج شوید، کندی به خرج می دهید؟ آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست» .

حدیث مسند ابن حنبل - به نقل از ابو هریره - : شنیدم که پیامبر خدا به ثوبان می فرماید: «چگونه ای تو - ای ثوبان - ، آن گاه که امت ها بر ضدّ شما گرد آیند ، آن سان که شما بر گرد فدح غذا گرد می آید تا از آن به نوایی برسید؟» . ثوبان گفت: پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا! آیا از اندک بودن ماست؟ فرمود: «نه . در آن روز ، شما پرشمارید؛ امّا در دل های تان ضعف افکنده می شود». گفتند : [مقصودتان از] ضعف چیست ، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «علاقه مندی شما به دنیا و بیزاری تان از جهاد» .

الإمام عليّ عليه السلام \_ في خُطْبَتِهِ لَمَّا اضْطَرَبَ عَلَيْهِ أَصْحَابُهُ فِي أَمْرِ الْحُكُومَةِ \_ : أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرِي مَعَكُمْ عَلَى مَا أُحِبُّ حَتَّى نَهَكْتَكُمْ الْحَرْبُ ، وَقَدْ وَاللَّهِ أَخَذْتُ مِنْكُمْ وَتَرَكْتُ ، وَهِيَ لِعَدُوِّكُمْ أَنهَكُ . لَقَدْ كُنْتُ أَمِيرًا فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَأْمُورًا ! وَكُنْتُ أَمْسِ نَاهِيًا فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَنْهِيًا ! وَقَدْ أَحْبَبْتُمْ الْبَقَاءَ ، وَلَيْسَ لِي أَنْ أَحْمِلَكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ . (1)

عنه عليه السلام \_ فِي اسْتِنْفَارِ النَّاسِ إِلَى أَهْلِ الشَّامِ بَعْدَ فِرَاقِهِ مِنْ أَمْرِ الْخَوَارِجِ \_ : أُمَّ (2) لَكُمْ ، لَقَدْ سَمِمْتُ عِتَابَكُمْ ! أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوَضًا؟ وَبِالذُّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا؟ إِذَا دَعَوْتُمْ إِلَى جِهَادِ عَدُوِّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ ؛ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي عَمْرَةٍ (3) ، وَمِنَ الذُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ . (4)

- 
- 1- نهج البلاغة : الخطبة 208 ، المعيار والموازنة : ص 175 ، وقعة صفين : ص 484 نحوه ، بحار الأنوار : ج 32 ص 535 ح 450 وج 100 ص 41 ح 48 .
  - 2- أُمَّ : معناه الاحتقار والاستقلال ، وهي صوت إذا صوّت به الإنسان عُلِمَ أَنَّهُ متضجّر متكرّه (النهاية : ج 1 ص 55 «أفف»).
  - 3- رَجُلٌ مُغْتَمِرٌ : سَكَرَانٌ ، كَأَنَّهُ اغْتَمَرَهُ الشُّكْرُ ؛ أَي غَطَّى عَلَى عَقْلِهِ وَسَتَرَهُ (تاج العروس : ج 7 ص 320 «غمر»).
  - 4- نهج البلاغة : الخطبة 34 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 74 ح 935 ؛ مطالب السؤول : ص 59 نحوه .

امام علی علیه السلام\_ در خطبه اش که پس از برآشفتن یارانش از کار حکمیت ایراد کرد\_ :ای مردم! کار من با شما پیوسته چنان بود که من دوست داشتم ، تا آن که جنگ ، شما را فرسوده ساخت، و به خدا سوگند که شماری از شما را گرفت و شماری را باقی گذاشت؛ هرچند برای دشمن شما فرساینده تر بود. من تا دیروز ، فرمانده بودم و امر و نهی می کردم؛ ولی امروز [کار به جایی رسیده که ]به من امر و نهی می شود! شما زنده ماندن را دوست دارید و من نمی توانم شما را به آنچه دوست ندارید ، وا دارم.

امام علی علیه السلام\_ در فرا خواندن مردم به جنگ با شامیان ، پس از یکسره کردن کار خوارج\_ :آه از شما! خسته شدم ، از بس که سرزنشتان کردم! آیا به جای آخرت ، به زندگی دنیا رضایت داده اید؟! و عزّت را بر ذلّت برگزیده اید؟! هرگاه شما را به جهاد با دشمنان فرا خواندم ، چشمانتان پیچ و تاب برداشت ، آن سان که گویی در سکرات مرگ گرفتار آمده اید، یا در گیجی مستی به سر می برید!

4 / 15 فقرُ الدُّنيا والآخرة رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمَّهُ ، جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَشَتَّتْ أَمْرَهُ ، وَلَمْ يَنْلِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُسِمَ لَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ ، جَعَلَ اللَّهُ فَقرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، وَفَرَّقَ عَلَيْهِ شَمْلَهُ ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُدِّرَ لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَصْبَحَ وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمَّهُ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ ، وَالزَّمَّ قَلْبَهُ أَرْبَعَ خِصَالٍ : هَمًّا لَا يَنْقَطِعُ عَنْهُ أَبَدًا ، وَشُغْلًا لَا يَنْفَرُجُ مِنْهُ أَبَدًا ، وَفَقْرًا لَا يَبْلُغُ غِنَاهُ أَبَدًا ، وَأَمَلًا لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ أَبَدًا . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : أَنَا زَعِيمٌ (4) بِثَلَاثٍ لِمَنْ أَكَبَّ عَلَى الدُّنْيَا : بِفَقْرٍ لَا غِنَاءَ لَهُ ، وَبِشُغْلٍ لَا فِرَاقَ لَهُ ، وَبِهِمَّ وَحُزْنٍ لَا انْقِطَاعَ لَهُ . (5)

1- . ثواب الأعمال : ص 201 ح 1 عن ابن أبيعفور عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافي : ج 2 ص 319 ح 15 عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 49 ح 132 عن أبي هاشم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، تحف العقول : ص 48 ، مشكاة الأنوار : ص 463 ح 1546 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 104 ح 96 .

2- . سنن الترمذي : ج 4 ص 642 ح 2465 عن أنس ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1375 ح 4105 ، شعب الإيمان : ج 7 ص 288 ح 10338 كلاهما عن زيد بن ثابت ، المعجم الكبير : ج 11 ص 213 ح 11690 عن ابن عباس ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 123 ح 5990 عن أنس وكلها نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 135 ح 44160 .

3- . تنبيه الخواطر : ج 1 ص 130 ، المحجة البيضاء : ج 5 ص 355 ؛ الفردوس : ج 3 ص 580 ح 5818 عن ابن عمر ، تنبيه الغافلين : ص 245 ح 320 كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 226 ح 6272 وراجع أعلام الدين : ص 345 وبحار الأنوار : ج 77 ص 188 ح 10 .

4- . الزعيم : الكفيل (النهاية : ج 2 ص 303 «زعم»).

5- . كنز الفوائد : ج 1 ص 344 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .

**4 / 15 فقر در دنیا و آخرت**

4 / 15 فقر در دنیا و آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در شب و روز، بزرگ ترین دغدغه اش دنیا باشد، خداوند متعال فقر را پیش چشمان او می نهد [تا همواره احساس فقر کند] و آموزش را پریشان می سازد، و از دنیا جز به آنچه برایش قسمت شده، نمی رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دغدغه اش دنیا باشد، خداوند فقر را پیش چشمان او می نهد، و آرامش [خاطر] او را پریشان می سازد، و از دنیا جز آنچه برایش مقدر شده، به او نمی رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در حالی صبح کند که بزرگ ترین دغدغه اش دنیا باشد، نزد خداوند منزلتی ندارد و خداوند، چهار چیز را پیوسته در دلش قرار می دهد: اندوهی که هرگز از او جدا نمی شود، گرفتاری ای که هرگز از آن خلاصی نمی یابد، فقری که هرگز به توانگری نمی انجامد، و آرزویی که هرگز به پایان نمی رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس تمام وقت خود را صرف دنیا کند، من سه چیز را برایش ضمانت می کنم: فقری که آن را توانگری نیست، گرفتاری ای که از آن خلاصی نیست، و غم و اندوهی که تمام شدنی نیست.

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ أَسْرَفَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيرًا. (1)

عنه عليه السلام: الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا مُلُوكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَرَغِبَ فِيهَا فَهُوَ فَقِيرٌ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَمَنْ زَهَدَ فِيهَا مَلَكَهَا، وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا مَلَكَتْهُ. (2)

راجع: ص 254 (ما يمنع خير الآخرة من الدنيا).

16/4 خُسرَانُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَضَى نَهْمَتَهُ (3) فِي الدُّنْيَا، حِيلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَهْوَتِهِ فِي الْآخِرَةِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ لُقْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: . . . مَنْ يَخْتَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ فَاتَتْهُ الدُّنْيَا، وَلَا يَصِيرُ (5) إِلَى مُلْكِ الْآخِرَةِ. (6)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: . . . مَنْ اخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ يَخْسِرُهُمَا كِلْتَيْهِمَا، تَزُولُ هَذِهِ وَلَا تُدْرِكُ تِلْكَ. (7)

لقمان عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ - يَا بُنَيَّ، بَعْ دُنْيَاكَ بِآخِرَتِكَ تَرْبِحُهُمَا جَمِيعًا، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ تَخْسِرُهُمَا جَمِيعًا. (8)

1- غرر الحكم: ح 8608، عيون الحكم والمواعظ: ص 460 ح 8339.

2- إرشاد القلوب: ص 20.

3- النَّهْمُ: إفراط الشهوة (المصباح المنير: ص 629 «نهم»).

4- المعجم الأوسط: ج 8 ص 45 ح 7912، شُعب الإيمان: ج 7 ص 125 ح 9722 كلاهما عن البراء بن عازب، كنز العمال: ج 3 ص 227 ح 6277.

5- في نواذر الأصول: «لا يصبر»، والتصويب من الدر المنثور.

6- نواذر الأصول: ج 1 ص 247، الدر المنثور: ج 6 ص 510 عن أبي مسلم الخولاني، كنز العمال: ج 14 ص 34 ح 37865.

7- تفسير القمي: ج 2 ص 163 عن حماد، بحار الأنوار: ج 13 ص 410 ح 2 وراجع عوالي اللآلي: ج 3 ص 517 ح 11.

8- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 137، بحار الأنوار: ج 13 ص 422 ح 17؛ البداية والنهاية: ج 9 ص 273 عن ابن أسباط وليس فيه «يا بني».

**4 / 16 باختن در دنیا و آخرت**

امام علی علیه السلام: هر که در طلب دنیا زیاده روی کند ، فقیر از دنیا می رود.

امام علی علیه السلام: بی رغبتان به دنیا، پادشاهان دنیا و آخرت اند. و هر که به دنیا رغبت نشان دهد و به آن دل ببندد ، در دنیا و آخرت ، فقیر است . و هر که نسبت به دنیا زهد ورزد ، مالک آن می شود، و هر که به دنیا دل ببندد ، دنیا مالک او می شود.

ر . ک : ص 255 (دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود).

4 / 16 باختن در دنیا و آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس خواسته های خود را در دنیا برآورده سازد ، میان او و خواسته هایش در آخرت ، مانع ایجاد می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : لقمان علیه السلام گفت : «... هر که دنیا را بر آخرت برگزیند ، به دنیا نمی رسد، و به مُلک آخرت [نیز] دست نمی یابد».

امام صادق علیه السلام : لقمان علیه السلام گفت : «... هر که دنیا را بر آخرت برگزیند ، هر دوی آنها را می بازد: این ، از بین می رود، و به آن ، دست نمی یابد».

لقمان علیه السلام \_ در سفارش به فرزندش \_ : فرزندم! دنیایت را به آخرت بفروش تا هر دوی آنها را ببری، و آخرت را به دنیایت بفروش که هر دوی آنها را می بازی.



الإمام علي عليه السلام: مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا خَسِرَهُمَا . (1) عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ بَاعَ جَنَّةَ الْمَأْوَى لِعَاجِلَةِ الدُّنْيَا تَعَسَّ جَدُّهُ (2) وَخَسِرَتْ صَفْقَتُهُ . (3) عنه عليه السلام: لَا تُصْلِحْ دُنْيَاكَ بِمَحَقِّ (4) دِينِكَ ؛ فَتَكُونَ مِنَ الْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا . (5) عنه عليه السلام: مَعَاشِرَ النَّاسِ ! اتَّقُوا اللَّهَ ، فَكَمْ مِنْ مُؤَمِّلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ ، وَبَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ ، وَجَامِعٍ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ ، وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ ، وَمَنْ حَقَّ مَنَعُهُ ، أَصَابَهُ حَرَامًا ، وَاحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا ، فَبَاءَ بِوِزْرِهِ ، وَقَدِمَ عَلَى رَبِّهِ آسِئًا لَاهِفًا ، قَدْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ، ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ . (6) عنه عليه السلام: أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا عَوَضًا عَنِ الْآخِرَةِ . (7) عنه عليه السلام: إِنَّ أَخْسَرَ النَّاسِ صَدَفَقَةً وَأَخْيَبَهُمْ سَعْيًا ، رَجُلٌ أَخْلَقَ بَدَنَهُ فِي طَلَبِ آمَالِهِ وَلَمْ تُسَاعِدْهُ الْمَقَادِيرُ عَلَى إِرَادَتِهِ ؛ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِحَسْرَاتِهِ ، وَقَدِمَ عَلَى الْآخِرَةِ بِتَبِعَاتِهِ . (8) .

- 1- غرر الحكم : ح 8237 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 445 ح 7818 ؛ مطالب السؤل : ص 48 .
- 2- الجَدُّ : الحَظُّ والبَئِخُ (الصحيح : ج 2 ص 452 «جدد»).
- 3- غرر الحكم : ح 3484 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 151 ح 3318 .
- 4- مَحَقَّةٌ : أَي أَبْطَلُهُ وَمَحَاهُ (الصحيح : ج 4 ص 1553 «محق»).
- 5- نهج البلاغة : الكتاب 43 ، بحار الأنوار : ج 33 ، ص 516 ح 712 .
- 6- نهج البلاغة : الحكمة 344 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 83 ر 88 .
- 7- غرر الحكم : ح 3077 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 120 ح 2730 .
- 8- غرر الحكم : ح 3594 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 157 ح 3411 .

امام علی علیه السلام: هر که آخرتش را به دنیایش بفروشد، هر دوی آنها را از کف می دهد. امام علی علیه السلام: هر کس بهشت جاویدان را به دنیای گذرا بفروشد، بدبخت می شود و در این معامله زیان می کند. امام علی علیه السلام: دنیایت را با از بین بردن دینت آباد مکن که در این صورت، از زیانکارترین مردمان خواهی بود. امام علی علیه السلام: ای گروه های مردم! پروا مندی از خداوند، در پیش گیرید؛ زیرا چه بسیار است آرزومند چیزی که به آن نمی رسد، و سازنده بنایی که در آن، [مهلت] سکونت نمی یابد، و گرد آورنده مالی که به زودی آن را [برای دیگران] بر جای می گذارد، و شاید آن را از راه نادرست، یا از نپرداختن حقی، گرد آورده است. [در این صورت،] از حرام به آن رسیده و با این کار، گناهمانی به دوش کشیده است. پس وزر و وبال آن را بر عهده می گیرد، و با افسوس و اندوه بر پروردگارش وارد می شود. او دنیا و آخرت را زیان کرده است و این، همان زیان آشکار است. امام علی علیه السلام: زیانکارترین مردم، کسی است که دنیا را به جای آخرت بپذیرد. امام علی علیه السلام: پر زیان ترین معامله و بی حاصل ترین تلاش را آن مردی کرده که بدنش را در رسیدن به آرزوهایش فرسوده و مقدرات، او را در رسیدن به خواستش یاری نکرده اند، و در نتیجه، با آه و حسرت ها از دنیا رفته و با کوله باری از گناه، ره سپار آخرت شده است. .

عنه عليه السلام: مَنْ أَحْسَرُ مِمَّنْ تَعَوَّضَ عَنِ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا؟! (1) عنه عليه السلام \_ فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : مَا أَحْسَرَ صَفْقَةَ الْمُلُوكِ إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ ، بَاعُوا الْآخِرَةَ بِنَوْمَةٍ ! (2) عنه عليه السلام : مَنْ أَعْبَنُ مِمَّنْ بَاعَ الْبَقَاءَ بِالْفَنَاءِ ؟! (3) عنه عليه السلام : النَّاسُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ : زَاهِدٌ مُعْتَرِمْ ، وَصَابِرٌ عَلَى مُجَاهِدَةِ هَوَاهُ ، وَرَاغِبٌ مُنْقَادٌ لِسَهْوَاتِهِ ؛ فَالزَّاهِدُ لَا يُعْظَمُ مَا آتَاهُ اللَّهُ فَرَحًا بِهِ وَلَا يُكْثِرُ عَلَى مَا فَاتَهُ أَسَدًا . وَالصَّابِرُ نَارِعَتُهُ إِلَى الدُّنْيَا نَفْسُهُ فَقَدَعَهَا (4) ، وَتَطَلَّعَتْ إِلَى لَذَاتِهَا فَمَنَعَهَا . وَالرَّاغِبُ دَعَتْهُ إِلَى الدُّنْيَا نَفْسُهُ فَأَجَابَهَا ، وَأَمَرَتْهُ بِإِيثارِهَا فَأَطَاعَهَا ، فَدَنَسَ (5) بِهَا عِرْضَهُ ، وَوَضَعَ لَهَا شَرْفَهُ ، وَضَيَّعَ لَهَا آخِرَتَهُ . (6) عنه عليه السلام : لَا تَرْغَبْ فِي الدُّنْيَا فَتَخْسَرَ آخِرَتَكَ . (7) عنه عليه السلام : مَنْ عَمِلَ لِلدُّنْيَا خَسِرَ . (8) عنه عليه السلام : إِنْ رَغِبْتُمْ إِلَى الدُّنْيَا خَسِرْتُمْ وَهَلَكْتُمْ . (9) عنه عليه السلام : لَا تَرْغَبْ فِي كُلِّ مَا يَفْنَى وَيَذْهَبُ ، فَكَفَى بِذَلِكَ مَضِرَّةً . (10) .

- 1- .غزر الحكم : ح 8509 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 449 ح 7988 .
- 2- .شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 346 ح 971 .
- 3- .غزر الحكم : ح 8508 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 449 ح 7987 .
- 4- .القدح : الكف والمنع (النهاية : ج 4 ص 24 «قدح») .
- 5- .الدَّنَسُ : وَسَخُ الثَّوْبِ وَالْعِرْضِ (القاموس المحيط : ج 2 ص 217 «دنس») .
- 6- .دستور معالم الحكم : ص 120 .
- 7- .غزر الحكم : ح 10213 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 518 ح 9410 .
- 8- .غزر الحكم : ح 7874 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 453 ح 8133 .
- 9- .غزر الحكم : ح 3853 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 173 ح 3605 .
- 10- .غزر الحكم : ح 10195 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 520 ح 9460 .

امام علی علیه السلام: کیست زیانکارتر از آن که آخرت را با دنیا عوض کند؟ امام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_  
 :چه پر زیان است معاملت شاهان \_ مگر آن کسی که خدا نگاهش بدارد \_ که آخرت را به خوابی فروختند! امام علی علیه السلام: کیست  
 مغبون تر از آن که جهانِ باقی را به دنیای فانی فروخت؟! امام علی علیه السلام: مردم، سه دسته اند: زاهدِ مصمم، شکیبیا در مبارزه با  
 هوس، و خواهنده و پیرو خواهش های نفسانی.

زاهد، آنچه را خداوند به او می دهد، از سرِ شادی بزرگ نمی شمارد و آنچه را که از دست می دهد، از سرِ افسوس، بزرگ نمی داند.  
 شکیبیا، نفسش او را به سوی دنیا کشاند؛ اما او آن را باز داشت، و نفسش به لذت های آن چشم دوخت؛ لیکن او مانعش شد. و خواهنده،  
 نفسش او را به دنیا فرا خواند و او اجابتش کرد و به برگزیدن دنیا [بر آخرت] دستورش داد و او اطاعتش کرد، و بدین ترتیب، آبروی خویش را  
 لگه دار ساخت، و به خاطر دنیا شرافت خود را به پستی کشاند، و آخرتش را تباه کرد. امام علی علیه السلام: به دنیا راغب مشو که آخرتت  
 تباه می گردد. امام علی علیه السلام: هر که برای دنیا کار کرد، زیان کرد. امام علی علیه السلام: اگر خواهان دنیا شوید، زیان می کنید و  
 نابود می گردید. امام علی علیه السلام: به هر آنچه نابود می شود و از کف می رود، رغبت مکن که این (رغبت)، خود، بالاترین زیان  
 است. .

عنه عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِعَمَلٍ أَضَرَ عَلَيْكَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا . (1) راجع: ص 254 (ما يمنع خير الآخرة من الدنيا) .

4 / 17 سوء العاقبة الإمام علي عليه السلام: مَنْ عَبَدَ الدُّنْيَا وَأَثَرَهَا عَلَى الآخِرَةِ ، اسْتَوَحَمَ (2) العاقبة . (3) عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا نَكُفِّرُكُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِالْأَمَمِ الْخَالِيَةِ وَالْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ ؛ مِنْ تَغْيِيرِ الْحَالَاتِ وَتَكْوِينِ الْمَثَلَاتِ (4) . (5) الإمام زين العابدين عليه السلام: مَا أَثَرَ قَوْمٌ قَطُّ الدُّنْيَا عَلَى الآخِرَةِ ، إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ وَسَاءَ مَصِيرُهُمْ . (6) الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: وَيْلٌ لِمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ

وَالْخَطَايَا عَمَلَهُ ، كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدًا عِنْدَ رَبِّهِ؟ (7) .

- 1- غرر الحكم: ح 3818 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 172 ح 3601 .
- 2- يقال: هذا الأمر وخيم العاقبة؛ أي ثقيل رديء (النهاية: ج 5 ص 164 «وخم»).
- 3- الخصال: ص 632 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 122 ، بحار الأنوار: ج 73 ص 104 ح 95 .
- 4- المثلثة: نعمة تنزل بالإنسان فيجعل مثلاً يرتدع به غيره، وجمعه مثلثات ومثلات (مفردات ألفاظ القرآن: ص 760 «مثل»).
- 5- تحف العقول: ص 221 ، بحار الأنوار: ج 78 ص 60 ح 137 .
- 6- الكافي: ج 8 ص 16 ح 2 ، الأمالي للمفيد: ص 202 ح 33 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي، تحف العقول: ص 253 ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 38 ، بحار الأنوار: ج 78 ص 150 ح 11 .
- 7- الأمالي للمفيد: ص 209 ح 43 عن ابن سنان، بحار الأنوار: ج 14 ص 325 ح 38 .

**4 / 17 بدی فرجام**

امام علی علیه السلام: تو هرگز خداوند سبحان را با عملی که برایت زیانبارتر از دنیا دوستی است، ملاقات نخواهی کرد. ر. ک: ص 255 (دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود).

4 / 17 بدی فرجام امام علی علیه السلام: هر که بندگی دنیا کند و آن را بر آخرت مقدم بدارد، فرجامی سخت و ناگوار در انتظار اوست. امام علی علیه السلام: ای مردم! شما چنانچه دنیا را بر آخرت برگزینید، [در واقع] در پذیرش دعوت آن به متاع پست، شتافته اید، و مرکب های آرزوهایتان به سوی دورترین هدف، تاخت برداشته اند و شما را به آبشخورهایی می برند که فرجامشان پشیمانی است، و آنچه را با امت های پیشین و نسل های گذشته کرده اند، یعنی از کف رفتن نعمت ها و فرود آمدن کیفرها، به شما می چشانند. امام زین العابدین علیه السلام: هرگز هیچ مردمی دنیا را بر آخرت برنگزیدند، مگر آن که فرجامی بد و سرنوشتی ناگوار یافتند. امام صادق علیه السلام: مسیح علیه السلام به یارانش می گفت: «وای بر کسی که دنیا دغدغه او باشد و خطا، رفتارش! فردای قیامت، چه رسوایی ای نزد پروردگارش خواهد داشت!».

عيسى عليه السلام: وَيَلْ لِصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا، وَيَأْمَنُهَا وَتُعْرَهُ، وَيَتَّقُ بِهَا وَتَخْذُلُهُ؟! وَيَلْ لِلْمُغْتَرِّينَ كَيْفَ أَتَتْهُمْ (1) ما يَكْرَهُونَ وَفَارَقَتْهُمْ (2) ما يُحِبُّونَ وَجَاءَ بِهِمْ ما يُوْعَدُونَ؟! وَيَلْ لِمَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ وَالْخَطَايَا عَمَلَهُ كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدَا عِنْدَ اللَّهِ؟! (3) راجع: ج 2 ص 316 (آثار الاهتمام بالآخرة).

4 / 18 عذابُ جهنَّمَ الكتابُ «فَأَمَّا مَنْ طَغَى \* وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى». (4)

«أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ». (5)

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُنْحَسُونَ \* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلُومًا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (6)

1- في بعض نسخ المصدر: «أرْتَهُم»، وفي تنبيه الخواطر: «رَهَقَهُم».

2- في تنبيه الخواطر: «وفارقهم»، وهو المناسب للسياق.

3- التحصين لابن فهد: ص 29 ح 49، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 132، المحجّة البيضاء: ج 5 ص 358 نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 328 ح 54.

4- النازعات: 37\_39.

5- البقرة: 86.

6- هود: 15 و 16.

## 4 / 18 عذاب دوزخ

عیسی علیه السلام: بیچاره دنیا دار که دنیا را می گذارد و می رود، دنیا را امین می شمارد؛ اما او فریض می دهد، و به دنیا اعتماد می کند؛ اما او تنهایش می گذارد! بیچاره فریب خوردگان [دنیا]، [که آنچه دوست ندارند، به سراغشان می آید و از آنچه دوست دارند، جدا می شوند، و وعده هایی که داده شده اند، به آنان می رسد! بیچاره کسی که دنیا دغدغه او باشد و خطا، رفتارش! فردا چه رسوایی ای نزد خداوند خواهد داشت! ر. ک: ج 2 ص 317 (آثار اهمیت دادن به آخرت).

4 / 18 عذاب دوزخقرآن «اما آن که سرکشی کرد و زندگی دنیا را مقدم داشت، همانا دوزخ، جایگاه [او] است» .

«آنان، کسانی هستند که زندگی دنیا را به آخرت خریدند. پس نه عذاب آنان سبک می گردد، و نه یاری می شوند» .

«کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند، [جزای] کارهایشان را در آن (دنیا) به طور کامل به آنان می دهیم، و به آنان در آن جا، کم داده نخواهد شد. اینان، کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود، و آنچه در آن (دنیا) کرده اند، به هدر رفته، و آنچه انجام داده اند، باطل گردیده است» .



«وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَ تَكْمٍ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْرُونَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَةٌ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَنْتَقِي بِهَا النَّارَ ، وَمَنْ اخْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَتَرَكَ الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَغَفَرَ لَهُ مَسَاوِيَّ عَمَلِهِ . (2) عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ عَرَضَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ فَأَخَذَ الْآخِرَةَ وَتَرَكَ الدُّنْيَا فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَإِنْ أَخَذَ الدُّنْيَا وَتَرَكَ الْآخِرَةَ فَلَهُ النَّارُ . (3) عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ تَقَحَّمَ (4) فِي الدُّنْيَا فَهُوَ يَتَقَحَّمُ فِي النَّارِ . (5) أعلام الدين عن أبي سعيد الخدري : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِرَجُلٍ يَعْظُهُ : . . . لِيَجِيَنَّ أَقْوَامٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ حَسَنَاتٌ كَأَمْثَالِ الْجِبَالِ ، فَيُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ .

فَقِيلَ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، أَمْصَلُونَ كَانُوا؟

قَالَ : نَعَمْ ، كَانُوا يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ ، وَيَأْخُذُونَ وَهَنَا مِنَ اللَّيْلِ ، لَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا لَاحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنَ أَمْرِ الدُّنْيَا وَتَبَا عَلَيْهِ . (6) .

1- .الأحفاف : 20 .

2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 14 ح 4968 ، الأمالي للصدوق : ص 515 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 334 ح 1 عن ابن عباس وأبي هريرة ، عوالي اللآلي : ج 1 ص 365 ح 58 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 103 ح 92 .

3- .كنز العمال : ج 3 ص 227 ح 6276 نقلاً عن ابن عساكر عن أبي هريرة وابن عباس ؛ جامع الأخبار : ص 296 ح 805 عن جابر بن عبد الله نحوه .

4- .يقال : اقتحَمَ الإنسانُ الأمرَ العظيمَ ، وتَقَحَّمَهُ ؛ إِذَا رَمَى نَفْسَهُ فِيهِ مِنْ غَيْرِ رُوِيَّةٍ وَتَثَبَّتِ (النهاية : ج 4 ص 18 «فحم») .

5- .شعب الإيمان : ج 7 ص 342 ح 10513 عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 197 ح 6148 .

6- .أعلام الدين : ص 343 ، التحصين لابن فهد : ص 29 ح 52 ، عدّة الداعي : ص 295 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 217 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 186 ح 10 .

«و آن روز [ را یاد کن ] که کافران به آتش ، عرضه می شوند . [به آنان گفته می شود : [نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید. پس امروز به سزای آن که در زمین ، به ناحق سرکشی می نمودید و به سبب آن که نافرمانی می کردید، به عذاب خفت بار ، کیفر می یابید» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که به او [کاری از] دنیا و [کاری از] آخرت عرضه شود و او دنیا را بر آخرت برگزیند ، روز قیامت ، خداوند را در حالی دیدار می کند که او را حتی يك حسنه هم نیست که با آن ، خود را از آتش ننگه بدارد؛ و هر کس آخرت را بر دنیا مقدم بدارد و [کار] دنیا را واگذارد ، خداوند از او خشنود می گردد و کارهای بدش را می آمرزد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دنیا و آخرت برایش پیش بیاید و او آخرت را بگیرد و دنیا را واگذارد ، بهشت برای او خواهد بود و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را واگذارد ، برای او آتش خواهد بود . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که بی فکر و تأمل ، خود را در دنیا بیفکند ، خویش را در آتش افکنده است. اعلام الدین \_ به نقل از ابو سعید خُدَری \_ شنیدم که پیامبر خدا به مردی اندرز می دهد و می فرماید : «... روز قیامت ، مردمانی می آیند که به اندازه کوه ها کار نیک دارند؛ اما امر می شود که آنان را به آتش ببرند».

گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا نمازگزار هم بوده اند؟

فرمود: «آری؛ نماز می خوانده اند، روزه می گرفته اند، و پاسی از شب را هم به عبادت می گذرانده اند؛ لیکن آدم هایی بوده اند که هر گاه چشمشان به چیزی از دنیا می افتاد ، به طرف آن می شتافتند» . .

الإمام الصادق عليه السلام: مَرَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قَرْيَةٍ قَدْ مَاتَ أَهْلُهَا وَطَبَّرَهَا وَدَوَّبَهَا، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ يَمُوتُوا إِلَّا بِسَخَطَةِ (1)، وَلَوْ مَاتُوا مُتَّفَرِّقِينَ لَتَدَافَنُوا. فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ: يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ، ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُحْيِيَهُمْ لَنَا فَيُخْبِرُونَا مَا كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فَنَجِّتِيهَا.

فَدَعَا عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ فَنَوْدِيَ مِنَ الْجَوِّ: أَنْ نَادِهِمْ، فَقَامَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِاللَّيْلِ عَلَى شَرْفٍ (2) مِنَ الْأَرْضِ، فَقَالَ: يَا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ! فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ مُجِيبٌ: لَتَيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ.

فَقَالَ: وَيَحْكُمُ مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ؟

قَالَ: عِبَادَةُ الطَّاعُوتِ وَحُبُّ الدُّنْيَا، مَعَ خَوْفٍ قَلِيلٍ، وَأَمَلٍ بَعِيدٍ، وَغَفْلَةٍ فِي لَهْوٍ وَلَعِبٍ.

فَقَالَ: كَيْفَ كَانَ حُجْبُكُمْ لِلدُّنْيَا؟

قَالَ: كَحُبِّ الصَّبِيِّ لِأُمِّهِ؛ إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرَحْنَا وَسُرَرْنَا، وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنَّا بَكَيْنَا وَحَزْنَا.

قَالَ: كَيْفَ كَانَتْ عِبَادَتُكُمْ لِلطَّاعُوتِ؟

قَالَ: الطَّاعَةُ لِأَهْلِ الْمَعَاصِي.

قَالَ: كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ؟

قَالَ: بَتْنَا لَيْلَةً فِي عَافِيَةٍ، وَأَصْبَحْنَا فِي الْهَافِيَةِ.

فَقَالَ: وَمَا الْهَافِيَةُ؟

فَقَالَ: سِجِّينٌ.

قَالَ: وَمَا سِجِّينٌ؟

قَالَ: جِبَالٌ مِنْ جَمْرِ تَوْقَدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

قَالَ: فَمَا قُلْتُمْ وَمَا قِيلَ لَكُمْ؟

قَالَ: قُلْنَا: رُدُّنَا إِلَى الدُّنْيَا فَتَزْهَدَ فِيهَا، قِيلَ لَنَا: كَذَبْتُمْ.

قَالَ: وَيَحْكُ، كَيْفَ لَمْ يُكَلِّمْنِي غَيْرَكَ مِنْ بَيْنِهِمْ؟!

قَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ، إِنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِي مَلَائِكَةِ غِلَاطٍ شِدَادٍ، وَإِنِّي كُنْتُ فِيهِمْ وَلَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ، فَلَمَّا نَزَلَ الْعَذَابُ عَمَّنِي مَعَهُمْ، فَأَنَا مُعَلَّقٌ بِشَعْرَةٍ عَلَى شَفِيرِ (3) جَهَنَّمَ، لَا أُدْرِي أَكَبِّبْتُ فِيهَا أَمْ أَنْجُو مِنْهَا.

فَالْتَمَّتْ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ ، فَقَالَ : يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ، أَكُلُ الْخُبْزِ الْيَابِسِ بِالْمِلْحِ الْجَرِيشِ (4) وَالتَّوْمُ عَلَى الْمَزَابِلِ ، خَيْرٌ كَثِيرٌ مَعَ عَافِيَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (5) .

1- السُّخْطُ : الغضب (المصباح المنير : ص 269 «سخط»).

2- الشَّرْفُ : العلوّ، والمكان العالي (الصحاح : ج 4 ص 1379 «شرف»).

3- شَفِيرٌ جَهَنَّمُ : أي جانبها وحرفها (النهاية : ج 2 ص 485 «شفر»).

4- مِلْحٌ جَرِيشٌ : لم يُطَيَّب (الصحاح : ج 3 ص 998 «جرش»).

5- الكافي : ج 2 ص 318 ح 11 عن مهاجر الأسدي ، مشكاة الأنوار : ص 461 ح 1538 عن مهاجر الأسدي عن الإمام الصادق عن

الإمام الباقر عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 10 ح 3 وراجع ثواب الأعمال : ص 303 ح 1 ومعاني الأخبار : ص 341 ح 1

وعلل الشرائع : ص 466 ح 21 وحلية الأولياء : ج 4 ص 61 والبداية والنهاية : ج 9 ص 296 .

امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام بر آبادی ای گذشت که مردمان و مرغان و چارپایان آن، همگی مرده بودند. فرمود: «قطعاً اینها بر اثر خشم [الهی] مرده اند، که اگر جدا جدا مرده بودند، حتماً یکدیگر را دفن می کردند».

حواریان گفتند: ای روح و کلمه خدا! دعا کن که خداوند، آنها را برایمان زنده گرداند تا به ما بگویند که چه اعمالی داشته اند، تا ما از آنها دوری گزینیم.

عیسی علیه السلام به درگاه پروردگارش دعا کرد. از آسمان ندا آمد که: آنان را صدا بزن.

عیسی علیه السلام شب هنگام، بر تپه ای از زمین ایستاد و گفت: «ای اهالی این آبادی!».

از میان آنان، یکی پاسخ را داد که: بله، ای روح خدا و کلمه او!

عیسی گفت: «وای بر شما! اعمالتان چه بود [که به این روز افتادید]؟».

گفت: پرستش طاغوت و دنیادوستی، و ترس اندک [از خدا]، و آرزوی دراز، و غفلت و فرورفتن در لهو و لعب.

عیسی گفت: «دنیادوستی تان چگونه بود؟».

جواب داد: همانند علاقه مندی کودک به مادرش. هر گاه دنیا به ما رو می آورد، خوش حال و شاد می شدیم و هر گاه از ما روی بر می گرداند، گریه می کردیم و اندوهناک می شدیم.

عیسی گفت: «طاغوت پرستی شما چگونه بود؟».

گفت: از گناهکاران اطاعت می کردیم.

عیسی گفت: «فرجام کارتان چگونه بود؟».

گفت: شب به سلامت خفتیم و صبح در هاویه بودیم.

عیسی گفت: «هاویه چیست؟».

گفت: سجّین.

عیسی گفت: «سجّین چیست؟».

گفت: کوه هایی از اخگر که تا روز قیامت بر ما فروزان اند.

عیسی گفت: «شما چه گفتید و چه پاسخ شنیدید؟».

گفت: ما گفتیم: ما را به دنیا باز گردان تا در آن ، زهد ورزیم. و به ما گفته شد: دروغ می گوئید.

عیسی گفت: «وای بر تو! چرا از میان آنان ، فقط تو با من سخن گفتی؟» .

گفت: ای روح خدا! بر آنان لگامی از آتش زده شده که در دست فرشتگانی خشن و سختگیر است . من در میان آنان بودم ؛ اما از آنان نبودم و چون عذاب فرود آمد، مرا هم در بر گرفت، و من به مویی بر کناره دوزخ آویخته ام و نمی دانم که در آن خواهم افتاد ، یا نجات خواهم یافت.

عیسی علیه السلام به حواریان رو کرد و گفت: «ای اولیای خدا! خوردن نان خشک با نمکِ نیم کوفته و خفتن در خرابه ها به همراه عافیت دنیا و آخرت، بسیار بهتر است» . .







مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام - : الطَّمْعُ وَالرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا أَصْلَانِ لِكُلِّ شَرٍّ ، وَصَاحِبُهُمَا لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ عَنْ ذَلِكَ . (1) راجع : ج 2 ص 358 (ما يخزب الآخرة) .

4 / 19 النّوادر رسول الله صلى الله عليه وآله : يا دُنْيَا مُرِّي عَلَى أَوْلِيَائِي ، لَا تَحْلُولِي لَهُمْ فَتَقْتِنِيهِمْ . (2) عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ يَتَوَلَّى الدُّنْيَا يَعْجِزْ عَنْهَا . (3) عنه صلى الله عليه وآله : الدُّنْيَا عُرْسُ الْمُنَافِقِينَ ، وَالْقِيَامَةُ عُرْسُ الْمُتَّقِينَ . (4) الإمام علي عليه السلام : الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْإِيْقَانَ . (5) عنه عليه السلام : مَنْ مَلَكَتْهُ الدُّنْيَا كَثُرَ صَرَعُهُ (6) . (7) عنه عليه السلام : طَلَبُ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتْنَةِ . (8) .

1- . مصباح الشريعة : ص 185 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 349 ح 18 .

2- . مسند الشهاب : ج 2 ص 325 ح 1453 عن عبد الله بن مسعود .

3- . الكافي : ج 8 ص 82 ح 39 عن أبي الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام وراجع الزهد للحسين بن سعيد : ص 14 ح 28 وتاريخ

اليقوبي : ج 2 ص 94 والمصنّف لابن أبي شيبة : ج 8 ص 163 الرقم 37 .

4- . الفردوس : ج 2 ص 228 ح 3102 عن أنس .

5- . غرر الحكم : ح 4839 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 229 ح 4413 وفيه «حبّ الدنيا» بدل «الرغبة في الدنيا» .

6- . الصّرع : الطّرخ على الأرض (القاموس المحيط : ج 3 ص 49 «صرع») .

7- . غرر الحكم : ح 8160 .

8- . غرر الحكم : ح 5990 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 317 ح 5529 .

مصباح الشريعة \_ در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است \_ طمع و دنیاخواهی ، ریشه هر بدی هستند، و دارنده آنها از آتش نمی رهد ، مگر آن که از این دو خصلت ، توبه کند. ر. ک : ج 2 ص 359 (آنچه آخرت را ویران می کند) .

4 / 19 گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال می فرماید: «ای دنیا! بر دوستان من تلخ شو، و به کام آنان شیرین مباش ، که فریفته شان می گردانی». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که به دنیا پردازد، از آن درمانده می شود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا ، عروسی منافقان است و قیامت ، عروسی پرهیزگاران. امام علی علیه السلام : میل به دنیا، یقین را به تباهی می کشاند. امام علی علیه السلام : هر که مملوک دنیا شود، زیاد زمین می خورد. امام علی علیه السلام : دنیا طلبی، ریشه فتنه [و گناه] است.

عنه عليه السلام: الدُّنْيَا ضَيْحَكَةٌ مُسْتَعْبِرٌ . (1) عنه عليه السلام: الدُّنْيَا كَمَا تَجِبُرُ تَكْسِرُ . (2) عنه عليه السلام: الدُّنْيَا تُسَلِّمُ . (3) عنه عليه السلام: قَلِيلُ الدُّنْيَا يَذْهَبُ بِكَثِيرِ الْآخِرَةِ . (4) عنه عليه السلام: مَنْ طَلَبَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا فَاتَهُ مِنَ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ مِمَّا طَلَبَ . (5) عنه عليه السلام \_ فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : الدُّنْيَا طَوَّاحَةٌ (6) طَرَّاحَةٌ فَضَّاحَةٌ ، أَسِيَّةٌ (7) جَرَّاحَةٌ . (8) عنه عليه السلام: خَيْرُ الدُّنْيَا حَسْرَةٌ ، وَشَرُّهَا نَدَمٌ . (9) عنه عليه السلام: الدُّنْيَا صَفْقَةٌ مَغْبُونٍ ، وَالْإِنْسَانُ مَغْبُونٌ بِهَا . (10) عنه عليه السلام: غِذَاءُ الدُّنْيَا سِمْامٌ (11) ، وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ (12) . (13) .

- 1- غرر الحكم : ح 403 .
- 2- غرر الحكم : ح 1227 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 46 ح 1144 .
- 3- غرر الحكم : ح 2 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 35 ح 678 .
- 4- غرر الحكم : ح 6795 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 372 ح 6308 وفيه «من الآخرة» .
- 5- غرر الحكم : ح 8895 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 434 ح 7488 نحوه .
- 6- طَاحَ يَطُوحُ وَيَطِيحُ : هَلَكَ ، وَسَقَطَ ، وَتَاهَ فِي الْأَرْضِ . وَطَوَّحَهُ فَتَطَوَّحَ : تَوَهَّهَ . وَطَوَّحَتَهُ الطَّوَّاحُ : قَدَفَتَهُ الْقَوَافِيفُ (القاموس المحيط : ج 1 ص 238 «طاح»).
- 7- أَسَوْتُ الْجُرْحَ : دَاوَيْتَهُ ، فَهُوَ مَأْسُوٌّ وَأَسِيٌّ (الصحاح : ج 6 ص 2269 «أسا»).
- 8- شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 271 ح 139 .
- 9- غرر الحكم : ح 4963 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 239 ح 4554 .
- 10- غرر الحكم : ح 1883 وراجع عيون الحكم والمواعظ : ص 62 ح 1601 .
- 11- السُّمُّ : مَا يَقْتُلُ ، وَجَمَعَهُ سُمُومٌ وَسِمْامٌ (المصباح المنير : ص 289 «سم»).
- 12- الرِّمَامُ \_ بِالْكَسْرِ \_ : جَمْعُ رُمَّةٍ بِالضَّمِّ ؛ وَهِيَ قِطْعَةٌ حَبْلٍ بَالِيَةٌ (النهاية : ج 2 ص 267 «رمام»).
- 13- غرر الحكم : ح 6428 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 349 ح 5946 وفيه «سهام» وص 232 ح 4442 وزاد في صدره «حُلُو الدُّنْيَا صَبْرًا» .

امام علی علیه السلام: دنیا، مسخره کسی است که آن را درست ارزیابی کند. امام علی علیه السلام: دنیا، همان گونه که می بندد، می شکنند. امام علی علیه السلام: دنیا، [آدمی را] وا می نهد. امام علی علیه السلام: اندک دنیا، بسیار آخرت را از بین می برد. امام علی علیه السلام: هر که از دنیا چیزی بجوید، در آخرت، بیشتر از آنچه جُسته است، از دست می دهد. امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان - دنیا سرگردان کننده، دور افکننده، رسواگر، پرستار و زخم بند است. امام علی علیه السلام: خوب، دنیا، [مایه] افسوس است و بد آن، [مایه] پشیمانی. امام علی علیه السلام: دنیا، سودایی زیانبار است، و [در این سودا] انسان، زیان کننده. امام علی علیه السلام: خوراك دنیا سم است و ریسمان هایش پوسیده. .

عنه عليه السلام: جودُ الدُّنيا فناءً، وراحتُها عناءٌ، وسلامتُها عَطْبٌ، ومَواهِبُها سَلْبٌ. (1) عنه عليه السلام: المُواصلُ لِلدُّنيا مَقْطوعٌ. (2) عنه عليه السلام: لا تُنافِسَ في مَواهِبِ الدُّنيا؛ فَإِنَّ مَواهِبَها حَقيقَةٌ. (3) عنه عليه السلام: كُلُّ أرباحِ الدُّنيا خُسرانٌ. (4) عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنيا تُعطي وتُرْتَجِعُ، وتَنقُادُ وتَمْتَنِعُ، وتوَحِّشُ وتُؤنِّسُ، وتُطمِعُ وتُؤيِّسُ، يُعرِضُ عَنها السُّعداءُ، ويَرغَبُ فيها الأَشقياءُ. (5) عنه عليه السلام: كُلُّ ما لا يَنْفَعُ يَضُرُّ، والدُّنيا مَعَ حَلاوتِها تَمُرُّ، وَالْفقرُ مَعَ الغِنى بِاللَّهِ لا يَضُرُّ. (6) عنه عليه السلام: كُلُّ يَسارِ الدُّنيا إِعسارٌ. (7) عنه عليه السلام: يا أَيُّها النَّاسُ! مَتاعُ الدُّنيا حُطامٌ مَويءٌ (8)، فَتَجَنَّبُوا مَرعاها؛ قُلِعَتْها (9) أَحظى مِنَ طَمَأنينَتِها، وَبُلِغَتْها (10) أَزكى مِنَ ثَروتِها. (11) عنه عليه السلام - في الدِّيوانِ المَنسوبِ إِلَيهِ - : حَلاوَةُ دُنياكَ مَسْمومةٌ فَلا تَأْكُلِ الشَّهَدَ إِلا بِسَمِّ مَحامِدِ دُنياكَ مَذمومةٌ فَلا تَكسِبِ الحَمَدَ إِلا بِدَمٍ إِذا تَمَّ أَمْرٌ بَدَأَ نَقصُهُ تَوَقَّعَ زَوالاً إِذا قِيلَ تَمَّ وَكَمَ قَدَرِ دَبِّ فِي غَفَلَةٍ فَلَمَّ يَشعُرِ النَّاسُ حَتَّى هَجَمَ (12).

- 1- غرر الحكم: ح 4739، عيون الحكم والمواعظ: ص 221 ح 4301.
- 2- غرر الحكم: ح 628، عيون الحكم والمواعظ: ص 25 ح 256.
- 3- غرر الحكم: ح 10287، عيون الحكم والمواعظ: ص 522 ح 9503.
- 4- غرر الحكم: ح 6858، عيون الحكم والمواعظ: ص 375 ح 6334.
- 5- غرر الحكم: ح 3679، عيون الحكم والمواعظ: ص 146 ح 3236.
- 6- غرر الحكم: ح 7201، عيون الحكم والمواعظ: ص 396 ح 6715 وفيه «بعد الغناء» بدل «مع الغنى».
- 7- غرر الحكم: ح 6901، عيون الحكم والمواعظ: ص 377 ح 6380.
- 8- الوَباءُ: المرضُ العامُ (النهاية: ج 5 ص 144 «وبا»).
- 9- منزل قُلْعَة: أي تحوُّلٍ وارتحالٍ ليس بمستوطنٍ (مجمع البحرين: ج 3 ص 1508 «قلع»).
- 10- البُلْغَة: الكفاية، وهو ما يكتفى به في العيش (مجمع البحرين: ج 1 ص 187 «بلغ»).
- 11- نهج البلاغة: الحكمة 367، بحار الأنوار: ج 73 ص 131 ح 135 وراجع تحف العقول: ص 221.
- 12- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص 524 الرقم 397.

امام علی علیه السلام: بخشش دنیا فناست، و آسایش رنج، و سلامت ناپودی، و دِهش هایش پس گرفتنی. امام علی علیه السلام: آن که به خاطر دنیا پیوند برقرار کند، پیوندش گسستنی است. امام علی علیه السلام: در مواهب دنیا رقابت مکن؛ چرا که مواهب آن، خُرد است. امام علی علیه السلام: همه سودهای دنیا، زیان است. امام علی علیه السلام: دنیا می دهد و پس می گیرد، فرمان می برد و سر می پیچد، رَم می دهد و اُنس می گیرد، و امیدوار می کند و نومید می گرداند. نیک بختان از آن روی می گردانند، و شوربختان به آن می گرایند. امام علی علیه السلام: هر چیزی که سود نرساند، زیان می زند، و دنیا با وجود شیرینی اش تلخ است، و درویشی دنیا با وجود توانگری به خدا (داشتن سرمایه ای چون خداوند)، زینتی [به انسان] نمی رساند. امام علی علیه السلام: هر توانگری ای در دنیا، تنگ دستی است. امام علی علیه السلام: ای مردم! کالای دنیا [چون] خاشاکی است طاعون زده. پس، از چربیدن در آن، دوری کنید. رخت بر بستن از آن، خوش تر از آر میدن در آن است، و قدری از آن به اندازه کفاف، پاک تر از ثروت آن است. امام علی علیه السلام: در دیوان منسوب به ایشان: شاهد دنیای تو شرنگین است پس شاهد را جز با شرنگ نمی خوری ستوده های دنیای تو نکوهیده است / پس ستایش را جز با نکوهش به دست نمی آوری هر گاه کاری کامل شود، کاستی اش نمایان می شود/ هر گاه گفته شد: کامل شد، منتظر نابود شدنش باش چه بسیار تقدیری که در دلِ غفلتی خزید / و تا مردم به خود آمدند، بر آنان یورش آورد!

الإمام الحسن عليه السلام \_ في ذمّ الدنيا \_ :الرَّاعِبُ فِيهَا عَبْدٌ لِمَنْ يَمْلِكُهَا . (1).

---

1- .كنز العمال : ج 16 ص 214 ح 44236 نقلاً عن ابن النجار .

امام حسن عليه السلام \_ در نکوهش دنیا \_ دنیاخواه، بنده دنیا دار است . .























بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

